اقلیم پارس

آثار تاریخی
و
اماکن باستانی فارس

انتشارات انجمن آثار ملی
(۱۸)

نگارش
سید محمد تقی مصطفوی

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

75(

S: 12-28
gn.

11502

Title Pūri Sīnā.

Author Saʿīd Nafīsī

Accession No. 24620

Call No. 891.5092 S31P

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

آثار تاریخی
و
اماکن باستانی فارس

انتشارات انجمن آثار ملی ـ شمارهٔ ۴۸

تألیف

سید محمد تقی مصطفوی

چاپ تابان

تاریخ پایان چاپ آذر ماه ۱۳۴۳

ای نام تو بهترین سرآغاز

«... ما باید ایران گذشته و همچنین ایران کنونی را که با شهامت و تصمیم، دوران کوشش بسابقه‌ای را در راه تجدید عظمتهای باستانی خود آغاز کرده است، بمردم کشور خود و سایر مردم جهان معرفی کنیم ...»

فرموده شاهنشاه ایران در روز نهم بهمن ماه ۱۳۳۸



Title Pūri sīnā.

Author Saʿīd Nafīsī.

Accession No. 24620

Call No. 891.5092 S31P

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

فهرست مطالب و مندرجات

از خوانندگان گرامی که درجستجوی عنوان مطلبی‌هستند خواهشمنداست چنانکه عنوان مورد نظر خود را در فهرست متن کتاب نیابند به فهرست ذیل و پس از آن به‌فهرست قسمت‌ضمیمه مراجعه فرمایند . دراین‌باره‌درصفحهٔ بیست‌وپنجم مقدمه نیزاشاره‌گردیده‌است . ضمناً پس‌ازپایان فهرست مطالب‌ومندرجات، وپیش‌از آغازمقدمه ، یك‌صفحه غلطنامه قرار دارد . با عرض پوزش فراوان تقاضای تصحیح قبلی‌اغلاط را مینماید .

فصل پنجم - آثار تاریخی نواحی غربی فارس

فصل‌ششم - آثارتاریخی بوشهر وجزیرهٔ خارك

تصاویر مربوط به‌متن کتاب

ذیـل

تصاویر مربوط به ذیل کتاب

ضمیمه

تصاویر مربوط به ضمیمهٔ کتاب

غلطنامه

باهمهٔ کوششی که برای صحت چاپ مطالب کتاب بعمل آمد اغلاطی رخ داد که آنچه جزئی بود ونیازبه توضیح مخصوص برای خوانندگان گرامی نداشت مذکورنیفتاد و بقیه، آنچه بنظر رسید ، بشرح زیر معروض میگردد :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
چهار(دیباچه)	٦	داد	دارد
هفده(دیباچه)	١٨	شمارهٔ ■	شمارهٔ ٧
« (■)	■	« ٦	« ٨
سی («)	٤	نوشقه	نوشته
٤٨	٢٣	(١٢١ تا ١٤٣)	(١٠٢١ تا ١٠٤٣)
٥١	١٨	محمد	محمود
٥١	٢٠	٨٣٨	٨٢٨
٧٤	٢١	شیرازی	هجری
٩٥	٨	چمارم	چهارم
١١١	٢	شاسجاق	شابسحاق (شاهابواسحق)
١٤١	١٢	درپناه	نزدیك
١٨٢	١	١٥٨	١٨٣ـ روبرو
٣٣٥	■	داود دختر	داودختر
٣٥٢	٥	یاد	یار
٤٠٧	١	٣٣١	٣٣٢
٤٣٢	١٦	جممهٔ	جبهٔ
٤٦٢	١	ش١ ٥٢	ش١ ٢٥
٥٠٥	٣	سیمرم	سمیرم
٥٦٧ (ستون دوم)	٣١	الامردشت	الامرودشت

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

مقدمه

بخامهٔ جناب آقای علی اصغر حکمت

بنام خداوند جان و خرد

«اقلیم پارس» را مادام که بنان و بیان نویسندگان و گویندگان پارسی زبان باقی و پایدار است، « **غم از آسیب دهر نیست** ». زیرا در طول مرور ایّام و در گذشت سنین و اعوام، همیشه سعی جمیل و کوشش مستمرّ این جماعت، اوصاف آن کشور هنر پرور را بر صفحهٔ روزگار نقش کرده و با زبان سحّار و کلك فتّان خود مناقب آن سرزمین را بلهجات شیرین و کلمات دلاویز، بزبان نظم و نثر، مخلّد ساخته‌اند.

در تاریخ فرهنگی **ایران**، محامد و اوصاف **پارس** فصلی برازنده و سرگذشت دلپذیری را تشکیل داده که درذیل کتب جغرافی و تواریخ و تذکره‌ها و دیوانهای شعر و روایات نثر مسطور و مذکور است. بطوری که، از بدو تأسیس سلطنت پارسیان، یعنی زمان **کیخسرو (کورش)** شاهنشاه بزرگ **ایران**، تا امروز پیاپی این پارس‌نامهٔ مبارك را اخلاف از اسلاف منتقل ساخته و تا بروزگار ما آن سلسلهٔ زرّین متّصل و پیوسته شده است.

اینك درزمان حاضر، نوبت به باستان شناسان هنرمند رسیده است که در این باب فصلی نوین گشوده ثبت آثار تاریخی آن سرزمین را درصفحات آثار خود جاویدان فرموده‌اند. یکی از آن میان محمّدتقی مصطفوی که استادی گرانمایه است، در این ایّام باچشم علم و هنر و بادیدهٔ دانش و بینش بر آن سرزمین نظر افکنده و همان سنّت محمود و روش پسندیدهٔ دیرینه را متابعت فرموده حاصل مطالعات ممتدّ و تحقیقات

طولانی خودرا که ازمدّ نظر آن علم شریف گرد آورده بود ، بسفارش ودستور **انجمن آثارملی** دراوراق وسطور این مجموعه مندرج ساخته است وعکسی جامع ودورنمایی کامل از**«اقلیم پارس»** دربرابر نظر خردپژوهان دانش‌پرور بگسترد واسم مطابق مسمّی شد .

نویسندهٔ این کتاب مستطاب ، ازاین سبب در خورستایش است که سراسر برمشاهدات خود تکیه فرموده وآنچه بچشم سر دیده ویابانظرمعرفت نگریسته بقلم تحقیق درآورده است . بعبارت دیگر برمسموعات اکتفا نکرده ونامهٔ او مبتنی برمطالعات موثق ومعتمد است که باشخص مؤلّف آنهارا باموشکافی وتدقیقی که درخور یك باستان شناس ورزیده است ، روشن ساخته ؛ یابرپایهٔ اخبار واطّلاعات محکم ومستندات موثق است که از منابع جدیدهٔ مختلف به‌جدّ فراوان وجهد بی‌پایان جمع آورده است .

مخصوصاً از آن سبب که‌خاك **فارس** درمنطقهٔ‌حدوث زلزله واقع‌شده وهوای آن مرطوب وآب‌آن فراوان‌است ، وهم‌چنین‌بواسطهٔ تزاحمات وانقلابات سیاسی درطول قرون واعصار، آثار وابنیهٔ آن‌دیار بیشتراز دیگرنواحی **ایران** محلّ دستبرد زوال وفنا واقع شده است . خدمتی که مؤلّف کتاب **«اقلیم پارس»** کرده درآن است که آنچه ازگزند زلازل وآفات وآسیب حوادث وبلیّات محفوظ وبجامانده بدقیق‌ترین‌وصفی وباروشن‌ترین بیانی‌ثبت کرده وبرای اعقاب وآیندگان سندی متقن‌ومرجعی محکم فراهم فرموده است .

نسبت‌به نقل‌کلمات دیگران منتهای صداقت وامانت شخص مؤلّف ازآنجا مشهوداست که منابع ومراجع‌را باسم‌ورسم ذکر کرده است‌وحقّ هیچکس‌راضایع نگذاشته وازهر کس که اندك‌مایه‌یی‌یاری وهمکاری دراین‌مشروع شریف‌مشاهده کرده‌است ، بنهایت‌امانت،بلکه‌بیشتر ازحدّلازم، منظورداشته وتقدیم شکروسپاس کرده است .

کتاب اونه فقط محدود بحقایق محض ومطالب خالص علمی است . بلکه باروشی ساده وروشن وسبك‌انشائی دلپذیروروان ، بطوری که خواننده را لذّت

بخشد وداننده را دانش افزاید برشتهٔ تألیف درآمده وباذکر علائم ومشخّصات جغرافیایی آن نکات رامشخّص ومعلوم داشته وازبیان مطالب تقریبی وناقص دوری جسته ودرحقیقت کتاب اویك تاریخ هنر فارسی است. زیرادرهر موقع فرصت یافته است اساتید فنّ را ازنقّاش وخطّاط وکاشی‌ساز وحجّار ومعمار ومنبّت‌کار وغیر آن که همه از «**اقلیم پارس**» برخاسته‌اند و بدیگر بلاد ، چون **خراسان** و **ماوراءالنهر** و **هندوستان** «رفته‌اند»باسم وعنوان ولقب ذکر کرده ونام‌آن هنرمندان را زنده داشته است (۱) . ودرآخر کتاب تصاویرزیبا و عکسهای ظریف ، ازآثار تاریخی که اغلب‌آنها تازگی وبداعت دارد ، بحسن‌سلیقه و کمال ذوق بر گزیده و کتاب را زینت بخشیده است .

---

۱) **استاد جلال‌الدین همایی** ،هنگامی که‌ازاشارهٔ‌به‌این‌مطلب درمقدمهٔ کتاب‌اطلاع یافتند، اظهارفرمودند که نام‌استادان شیرازی‌درابنیهٔ‌تاریخی **اصفهان** نیزموجوداست ودرتأیید گفتهٔ‌خوداز یادداشتهای گرانبهایشان دو قسمت زیر را باختیار نگارندهٔ کتاب گذاردند که باعرض سپاس صمیمانه‌برای اطلاع خوانندگان گرامی وعلاقه‌مندان نقل‌مینماید :

الف ـ بر کتیبهٔ‌بالای محراب‌شبستان معروف‌به **صفهٔ‌عمر** در **مسجدجامع اصفهان** (واقع‌درپشت ایوان شرقی مسجدمزبور) نام استادبنا وکاشیکار آن‌چنین مرقوم رفته است : «**عمل العبدالضعیف حسن‌بن‌تاج‌بن فخربن عبدالوهاب‌الشیرازی البنا**» ـ خواندن کتیبهٔ بالا بعلت دوری و کوچکی خط وپوشیدگی آن‌ازغبار‌بسیاردشوار بوده‌است. **استاد همایی**درروز گارجوانی‌باشوروشوقی که‌دراین گونه خدمات‌بخرج میداده‌اند توفیق‌خواندن‌آن‌رایافته‌اند . دریادداشتهای شخصی نگارنده نام‌نویسندهٔ کتیبه‌های محراب مزبور وسال‌تاریخ آن‌چنین‌نقل‌شده است : «**کتبه علی‌کوهیار الابرقوهی تحریرا فی‌سنة‌ثمان وسبعین وسبعمائه**». بدین‌قرار در سال ۷۷۸ هجری ، یعنی قریب‌نیم‌قرن‌پیش‌ازهنرنمایی استادان شیرازی در **خراسان** (که‌درصفحات نه وده دیباچهٔ کتاب مذکور است) هنگامی که شاهان **آل مظفر** بر **اصفهان** و**فارس** ودیگر نقاط جنوبی **ایران** حکومت داشتند ، کاشیکاریهای‌معرق در**مسجد جامع‌اصفهان** بوسیلهٔ استاد هنرمند شیرازی انجام میگرفته است .

ب ـ کتیبهٔ بزرگ بالای **ایوان قبله** (ایوان بزرگ جلو گنبد) **مسجد شاه‌اصفهان** که بمناسبت تعمیربنای‌مزبور درزمان **محمد شاه قاجار** (بوسیلهٔ **معتمدالدوله منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان**) مرقوم رفته‌است بامضای **محمدباقرشریف شیرازی** ومورخ به‌سال **۱۲۶۱** هجری میباشد . (توجه خوانندگان گرامی‌را بتوضیحات مربوط به‌سهم استادان شیرازی در آثار هنری دوران قاجاریه که طی صفحات هفده‌وهجده دیباچهٔ کتاب ذکر شده‌است جلب مینماید) .

ضمناً **استاد همایی** اظهار فرمودند : برروی گلدان‌کاشی میناکاری بالای یکی از دوستون طرفین محراب **گنبد غربی مسجد شاه** (گنبد گلدسته) نام **استاد عبدالرزاق کاشی‌پزکرمانی** مرقوم رفته ونمونهٔ‌هنراستادان کرمانی دوران **شاه عباس** نیزدرمسجد معظم‌آن شهریار جلوه‌گراست .م.

پس آنگاه از تحمّل اهتمام بسیار و رنج بیشمار که برای چاپ در این روزگار دامن‌گیر نویسندگان گرانمایه است، بهیچوجه تن نزده و باصبر جمیل وسعی بی‌بدیل، آن را بقطعی متناسب وطبعی مطبوع بحیلهٔ چاپ در آورده، والحقّ نیکوترین یادگاری از ذوق لطیف وسلیقهٔ ظریف خود بجای گذاشته است.

نویسندهٔ این سطور، اینك بیش از سی سال است که با مؤلّف گرامی این کتاب صواب افتخار آشنایی واحیاناً توفیق همکاری داشته‌ام واز نخستین بار که در یکی از اصقاع **اقلیم پارس**، یعنی بر فراز صفّهٔ **تخت جمشید (پرسپلیس)** با ایشان اتّفاق دیدار روی داد تا کنون همواره رشتهٔ ودادوسلسلهٔ اتّحاد را محکم داشته و بدستیاری و پایمردی ایشان هم در اثناءِ خدمت در وزارت معارف وهم در دورهٔ همقدمی و همکاری در انجمن آثار ملّی متّفقاً موفّق بایفاءِ خدمات فرهنگی و ادبی بقدر وسع بوده‌ایم. از نخستین روز که آن رادمرد را دیده وشناخته‌ام، او را عاشق صادق معرفت ورفیق شفیق اهل علم یافته‌ام. از آغاز خدمت که در رشتهٔ باستان شناسی قدم نهاده تا امروز ازین فنّ شریف دوری نجسته و ازین شاخ بشاخهای دیگر پرواز نکرده وهمّ واحد ونیّت راسخ خود را وقف شناختن وشناسانیدن مفاخر تاریخی نیاکانی وآثار گرانبهای باستانی **ایران** کرده است. زهی عمر شایسته که این چنین در راه علم ودانش بگذرد!

همین وظیفه را در این نامهٔ نامی نیز الحق بحدّ کمال ایفا فرموده است واین کتاب چنانچه گفتیم اکنون آخرین حلقه ازسلسلهٔ فارسنامه‌های باستانی بوده ودارای مطالب بدیع ونوادر لطیف، واطّلاعات سودمند وفوائد بی‌پایان است که در دیگر کتب ومنابع یافت نمیشود.

امتیاز خاصّی که این کتاب بدان متمایز وموصوف است آن است که اکتفا بتحقیقات گذشتهٔ اسلاف ومشاهدات سابقان نشده وآنچه که درزمان حاضر وحتّی درحین تألیف کتاب اکتشاف شده وجدیدترین امور وتازه‌ترین مطالب را نشان میدهد، درذیل وضمیمهٔ کتاب بر اصل مزید ساخته وآن را بصورت سندی نو ومتنی تازه در آورده است که ازحیث وسعت دامنهٔ اطّلاعات ودقّت در بحث وتحقیق بر کتب

گذشته برتری دارد. همانطور که در دیگر کتب و آثار خود کـه هریك بفراخور خویش درعلم شریف باستان شناسی (ارکئولژی) **ایران** مقامی رفیع وشأنی منیع دارد، دراینجا نیز سعی کرده است سخن بگزاف نگوید و راه بخلاف نپویـد. «حد همین است سخن گفتن وزیبایی را».

***

فضائل **فارس** وفارسیان وسرمایهٔ استعدادی که آفریدگارجهان درمردم آن سرزمین بودیعه نهاده و بلطافت طبع و کرم اخلاق آراسته است، بانضمام دیگر خصائص طبیعی و مواهب آسمـانی، مـانند باروری زمین وفراوانـی آب واعتدال هوا و طرب انگیزی خاك همیشه مورد توجّه بزرگان جهان بوده وهست واکثر نویسندگان وگویندگان وسیّاحان وجغرافیانویسان وتاریخ نگاران ازمکارم ومحامد آن سرزمین وسجایای محمودهٔ مردم آن بالسنهٔ گوناگون وبه تعبیرات مختلف به نظم ونثرداد سخن داده‌اند، تابجایی که ذکر فضائل آن دیار وخصائل اهل آن ازهمه والاتر وبالاتر در **کتاب مبین الهی** آمده است. چنانکه درذیل دوسه آیهٔ قرآنیّه که لسان وحی بمردمی غیرعرب اشاره کرده وازآنها به نیکی یاد فرموده است، مفسّران گفته‌اند که مقصودازآن قوم ایرانیان وپارسیان بوده‌اند.

ازآن جمله در ذیل این آیهٔ شریفه: «**وان تتولوا يستبدل قوماً غيركم ثم لايكونوا امثالكم**» (محمد ۳۸/٤۷) **زمخشری** در **تفسیر کشاف** خود، قوم مذکور دراین آیهٔ شریفه را مردم **فارس** دانسته است. وهمچنین آیهٔ شریفهٔ دیگر: «**.. بعثنا عليكم عباداً لنااولى بأس شديد ..**». (الاسراء ۵/۱۷) ونیز دراین آیت: «**ومن يرتدمنكم عن دينه فسوف يأتى الله بقوم يحبهم و يحبونه ... يجاهدون فى سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ...**» (المائده-۵/٥٤) قاطبهٔ مفسّران این آیات مبارکات را همه در شأن مردم **فارس** دانسته‌اند، وروایت کرده‌اند که چون از

پیغمبر اکرم (ص) پرسیدند: این قوم که دارای این فضائل اند کیستند؟ دست خود را بر کتف **سلمان فارسی** نواخته فرمود: «**هذا و ذووه**» و سپس گفت: «**لو کان العلم منوطاً بالثریا لیتناوله رجال من فارس**»(۱).

بنابر روایتی که **زمخشری** در **ربیع الابرار** نقل کرده، و خاصّه و عامّه بر آن متّفق اند، از همان حضرت نقل است که فرمود: «**للّه من عباده خیرتان فخیرته من العرب قریش و من العجم الفارس**» و از همین لحاظ است که **امام علی بن الحسین (زین العابدین)** را «**ابن الخیرتین**» لقب داده اند زیرا وی از سوی پدر فرزند زادهٔ **علی مرتضی** و از جهت مادر نوهٔ **یزدگرد سوم**، پادشاه ساسانی، بوده است.

در مجموعهٔ **نهایة الارب فی فنون الادب** آمده است که **عمر بن الخطاب**، خلیفهٔ دوّم، روزی در مقام ستایش مردم **فارس** گفت: «**الا ان لاهل فارس عقولاً استحقوا ما کانوا فیه من الملك**».

و نیز در همان کتاب است که در زمان غلبهٔ **عبدالله بن زبیر** بر **مکه** خانهٔ **کعبه** را خرابی روی داده بود، در صدد مرمّت بر آمدند. چون معماری هنرور که بتواند بیت الله را چنانکه باید از نو بیاراید درمیان تازیان یافت نشد. **عبدالله** گفت: «**ان لم یجدوا من یبنیه من العرب فاستعینوا باهل فارس**».

جاحظ دانشمند عرب، در **کتاب الحیوان** بر فضیلت **شیراز** بر دیگر بلاد چنین شهادت داده و گفته است: «**ان شیراز احسن من جمیع قری فارس اهنا نبتة طیبة**».

***

در اخبار اسلامی و کتب جغرافیون عرب، مناقب **فارس** و **اهل فارس** فراوانست و بزبان شعر و نثر هردو در این باب سخنها گفته اند. از آن جمله دو بیت

---

۱) کلام بالا در بعضی کتب بدین صورت ذکر شده است: «**لوکان العلم معلقا بالثریا لناله رجال من فارس**» م.

اسماعیل بن محمد عصابة الجرجانی است که **یاقوت** و **المسعودی** نقل کرده‌اند. میگوید:

الدّار داران، ایوان وغمدان(۱) والملك ملکان، ساسان وقحطان(۲)

النّاس فارس والاقلیم بابل والاسلام مکّةُ والدّنیا خراسان

همچنین در کتاب **عیون الاخبار** . تألیف **ابن قتیبة الدینوری** (متوفی ۲۷۶ ه. ق) که اوظاهراً نخستین کسی است که بنای **شیراز** را به **محمد بن قاسم بن محمد ثقفی** والی **فارس** ازطرف **حجاج** نسبت داده و گفته‌است: «وهو جعل **شیراز** معسکراً ومنزلاً لولاة **الفارس**» ج۳ ص۲۲۹ .

ودر کتاب **البلدان** تألیف **احمد بن ابی یعقوب بن واضح الیعقوبی** (متوفی ۲۸۴ ه. ق) که ازاقدم کتب جغرافیایی عربست ، گفتاری درفضل **فارس** واوصاف تختگاه آن آمده ، از آنجمله میگوید :

«**شیراز** مدینة **فارس** العظمی . هی مدینه جلیلة ینزلها الولاة ولها سعة حتی انه لیس فیها منزل الا وفیه لصاحبه بستان فیه جمیع الثمار والریاحین والبقول و کل مایکون فی البساتین . و مشرب اهلها من عیون تجری فی انهار تأتی من جبال یسقط علیها الثلج ...» .

بعداز **الیعقوبی** . ازوصف بلاد **فارس** وعاصمهٔ آن شهر **شیراز** درتمام کتب جغرافیایی عرب بلااستثناء سخن رفته‌است . چنانکه، در کتاب **المسالك و الممالك** تألیف **ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله الخراسانی** ، مشهور به **ابن خرداذبه** (متوفی در حدود ۳۰۰ ه. ق) به تفصیل از **شیراز** سخن آمده است . (طبع **بریل** ص ۴۲-۱۷۱) .

در **عقدالفرید** (جلد سوّم ص۲۷۹) تألیف **احمد بن عبدربه اندلسی** (متوفی ۳۲۸ ه. ق) ازمملکت **فارس** وبلاد آن سخن بسیار رفته وازجمله گل‌سرخ و گلاب **فیروزآباد** را وصف کرده و گفته است :

---

۱) **ایوان** اشاره بایوان کسری در مدائن و **غمدان** قصر منسوب به **بلقیس** ملکهٔ **یمن** در صنعاست .

۲) **قحطان** اشاره است بعرب بنی قحطان که در شمال جزیرهٔ عربستان سکنی کرده بودند وقریش از آن ریشه انشعاب یافته‌اند .

«ومنهامدينة يقال لها **جور** (معرب **گور**) واليها ينسب ماءالورد الجورى ....»(۱).

در **المسالك و الممالك** تألیف **ابن‌حوقل** (**محمدالموصلی** متوفی ۳۲۱ هـ . ق) آمده است :

«مدينة **شيراز** جليلةواسعةلها منازل سريه كثيرة المياه وليس يكاد يخلو دارابشيرازمن بستان حسن‌ومياه تجرى واسواقها عامرة جليلة» .

ودر کتاب **مراصدالاطلاع فی‌اسماءالامكنة والبقاع** تألیف **ابواسحاق محمد الاصطخری** (مؤلّف درحدود ۳۴۰ هـ . ق) ج ۲ طبع **بریل** آمده است :

«فاما **اهل‌فارس** فكانوافی سالف الدهراعظم ملكاًواشدهم‌شوكةوكانت‌العرب يدعوهم‌احرارا».

ودروصف **شیراز** آمده : «امامدينة **شيراز**فانها مدينةاسلاميةوبنيت‌فی‌الاسلام وسميت بشيراز تشبيهاً بجوف‌الاسد ... وليس عليهاسواد وهی‌مشتبكة البناء كثيرة الاهل ...» .

ودیگر مورّخ شهیر . **ابوالحسن علی‌بن حسین‌المسعودی** (متوفی ۳۴۶ هـ . ق) در کتاب**التنبيه‌والاشراف** میگوید : «**الفرس**كانوااهل‌العزالشامخ‌والشرف‌الباذخ والرياسة والسياسة ، فرساناً فی‌الوغی صبورا عنداللقا . ادت اليهم الامم الاقادت وانقادت الى طاعتهم خشية صولتهم و كثرة جنودهم ...» .

در **احسن التقاسيم فی معرفة الاقاليم** . تألیف **شمس‌الدین المقدسی البشاری** (متوفی ۴۱۴ هـ . ق) آمده است :

«هذا اقليم ترابه معادن وجباله مشاجر...» ص ۴۲۰–۴۳۳ .

همچنین در کتب : **مختصر کتاب البلدان** تألیف **احمدبن اسحق‌همدانی** ملقّب به **ابن‌الفقیه** ازعلماء اواخرقرن سیم، ونیز **معجم‌البلدان** تألیف **یاقوت‌بن عبدالله‌الرومی‌الحموی** (متوفی۶۲۶هـ . ق)و**اخبار الدول فی آثار الاول** تألیف

---

۱) دربهارسال ۱۳۳۸ش که نگارندهٔ کتاب برای بازدید نقش برجستهٔ سنگی مکشوف درتپهٔ حکوان ازآبادی علی‌آباد میگذشتم (در صفحات ۸۴و۸۵ متن کتاب توضیح مطلب داده شده‌است .) تصادفاً مقدار فراوانی شیشه‌های سربستهٔ گلاب دیدم که زیر سایهٔ درختان درون سبزه‌زار چیده بودند وآقای **جلال‌آرین** مالك محترم آبادی مزبوردر جواب استفسار اینجانب فرمودند: تهیهٔ گلاب درنواحی مستعد خاك‌فارس اززمانهای دیرین متداول‌بوده‌صدورآن بنواحی اطراف **خلیج فارس** هم پیشینهٔ تاریخی‌دارد . (یکی‌از مستعدترین نقاط پرورش گل وتهیهٔ گلاب در خاك **فارس میمند** است) م .

ابوالعباس احمد الجلوی القرمانی الدمشقی (متوفی۱۰۱۹هـ. ق)هم‌ذکر**فارس** و**شیراز**همه‌جا بتفصیل آمده است .

ابوالقاسم حسین بن‌محمد معروف‌به **راغب‌اصفهانی** (متولّد ۵۰۲ هـ . ق) در**محاضرات الادباء** ذکرمیکند که : روزی **محمدبن عبدالملك الزیات** وزیر بر**مأمون** درآمد و **مأمون** از اوصاف دیـار وبلـدان از وی پرسشهـایی میکرد ، پس گفت :

«صف‌لی**فارس**»، ـقال : «فیه‌من کل‌بلدبلد ... وبشیرازتفاحة نصفهافی‌غایةالحلاوة ونصفها فی‌غایةالحموضة».(واین همان سیبی است که درزمان ما باغبانان **شیراز** آن را «سیب ترش مصری» نام داده‌اند) .

☆☆☆

جغرافیاشناسان فارسی زبان نیز در کتب خود درطول اعصاروقرون باسلاف عربی‌زبان‌خویش‌تأسّی کرده وهریك‌درفضل‌بلاد **فارس** وتختگاه‌آن‌سخنها گفته‌اند وما منتخباتی چند باختصار که هریك متضمّن نکته‌ای لطیف‌یا نادره‌ای بدیع‌است برای نمونه از کلام ایشان دراینجا ذکرمیکنیم :

ازآن جمله در کتاب **حدودالعالم** که بسال ۳۷۲ تألیف‌شده (طبع **تهران** ۱۳۱٤ هـ . ش) در وصف **فارس** آمده است :

«**پارس**ناحیتی‌است‌آبادان وتوانگربانعمتهای گوناگون‌وجای‌بازرگانان،واندروی کوهها ورودهاست ومستقرخسروان بوده‌ومردمان این‌ناحیت سخندان وخردمندند واندروی‌آتشکده‌های گرانست وآثارقدیمیان رابزرگ دارندوزیارت کنند و**شیراز** قصبهٔ **فارس**است شهری بزرگ است‌وخرم باخواسته ومردمان بسیار ... واندرروی‌یکی دژفهندز است‌قدیم‌سخت استوار وآن را قلعهٔ **شه مؤبد** خوانند واندروی دوآتشکده است که آن را بزرگ دارند واندروی یك‌گونه اسپرغم‌است ، **سوسن نرگس**خوانند ، برگش‌چون برگ‌سوسن‌است ومیان‌چون نرگس».

دیگر **ابن‌البلخی مستوفی** ، که در زمـان **سلطان غیاث الدین محمد بن ملکشاه سلجوقی** (٤۹۸ هـ . ق) میزیسته‌است ، کتاب مستقلّی بنـام **فارس** تألیف کرده که‌آن‌را **فارسنامه** نام‌نهاده‌است ؛ وآن کتاب در**کمبریج** بسال۱۹۲۱م زینت طبع یافته . این‌مؤلّف درفضائل آن بلـد سخن‌به تفصیل گفته است . ازآن جمله

میگوید :

«**پارس** ولایتی‌است سخت‌نیکو، چنانك‌هم سهل است‌وهم جبل‌وهم بروهم بحروبازهرچه درسردسیرها و گرمسیرهاباشد . جمله‌در**پارس**باشد... وهمیشه‌مردم**پارس**را **احرارالفارس** نوشتندی یعنی‌آزادگان ... و **پارسیان** را **قریش‌العجم** گویند ؛ یعنی‌درعجم شرف ایشان همچنانست که شرف **قریش** درمیان **عرب** ... » فارسنامهٔ ابن البلخی ص ٥ و ٦ .

ونیزازمیان نویسندگان فارسی زبان که در کتب خود **فارس** راستوده‌اند **خواجه نظام‌الملك** وزیرمعروف است ، وی دررسالهٔ بنام «**دستورالوزارة**» که پس‌از سلطان **آلب‌ارسلان** (سنهٔ ٤٦٥ هـ . ق) آن‌را برای فرزندش **نظام‌الدین فخرالملك** که بعدها بوزارت رسید نوشت تادستورکار اوباشد ، درشأن پارسیان وادب وفضل‌ایشان چنین‌می‌نویسد :

«ولایت **فارس** ... تمامت فضلاباشند . واگر کسی، خاصه صاحب صدری ، عربی‌نداند و نگوید ومکتوب بعربی‌نتواندنوشت وخط نیك‌ننویسد ، عیب‌گیرند واستهزا کنند ...».

همچنان در کتاب **مجمل التواریخ والقصص** (مؤلّف بسال٥٢٠ هـ.ق) طبع **تهران** ١٣١٨ هـ . ش ص ٥٢٥ چنین‌آمده است :

«**شیراز** درولایت **پارس** شهری‌است که‌آن‌رابشکم شیرمانند کرده‌اند وازهمهٔ شهرها که گرداگرد اوست ، نعمت‌آنجا آورند وازآنجا بجایگاههای دیگربرند ؛ وبنای‌آن **محمدبن القاسم‌بن ابی‌عقیل** ، ابن‌عم **حجاج** کرده‌است . ودارالملك پادشاهان **پارس** است‌وهوای خوش‌دارد ونعمت‌فراخ باشد ودرخت بسیار ومیوه راحدی نباشد ... ».

دیگر **حمدالله مستوفی قزوینی** است ، که از مورّخان و جغرافیادانان قرن هشتم هجری متولّد ٦٨٠ هـ . ق میباشد . وی در کتاب خود موسوم به **نزهة‌القلوب** از **فارس** و عاصمهٔ آن **شیراز** ذکر کرده واز مواضع برّوبحر آن مملکت بتفصیل‌بحث نموده است ازآن‌جمله میگوید :

« مملکت **فارس** دارالملك پادشاهان **ایران** بوده ومشهور است که ایشان را ، اگرچه برتمامت **ایران**حکم داشته‌اند ، **ملوك فارس** خوانده‌اند وقدرت وشوکت ایشان چنانکه ، اکثرپادشاهان رابع‌مسکون‌خراج گذارایشان بوده‌اند ...» طبع **لندن** ص١١٢تا١٢٢ .

در **شیراز نامهٔ ابوالعباس احمدبن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی** که در

ذکر مزیّت وفضیلت **شیراز** ورجال آن در اواسط قرن هشتم تألیف شده است، میگوید :

«... هوای هوس‌انگیزش مفرح‌جان هرعلیل غلیل. خاك پاکش تریاق‌طبع هرلدیغ ... آثارنزهت گلزارش برنعیم بهشت باقی‌منت‌نهاده وچرخ‌مینایی بتماشای باغ‌بنفشهٔ اوچشم‌بر گشاده، از غیرت اعتدال ربیعش‌فلك راهب‌آسا بتماشای خریف‌چون بهاراوبزیر می‌آید، وفصل زمستانش که غنیمتی‌است‌بارد ، کانون‌حجرهٔ جان‌را ... از آفت صرصرخزان‌اندهان محمی ومحروس میدارد.

ز اعتدال هوا و ز نازکی صبا گمان‌برم که خزان دربهار میآید..».

(**شیرازنامه** . طبع **تهران** ص ٤ و ٥)

درترجمهٔ **شدالازارفی حط الاوزار عن زوار المزار** تألیف **معین الدین ابوالقاسم جنیدبن محمود شیرازی** مؤلّف‌بسال ۷۹۱ هـ . ق (متن‌عربی‌طبع**قزوینی تهران** ۱۳۲۸هـ . ش) که بقلم‌فرزند مؤلّف **عیسی بن جنید**انجام گرفته وبه عنوان «**مزارات شیراز**» یا **هزار مزار** معروف‌است،دروصف‌آن شهرشهیرچنین‌آمده :

«**شیراز** برج‌اولیا ومکان‌شهداست وجای پرهیزگاران ومحل ومقام عزیزان وپیران (۱) درمسلمانی‌آن‌را بنا کرده‌اند وهر گزبه بت‌پرستی‌پلیدنشده ومقصدعالمان وعبادتگاه پاکان گشته ومسکن بزرگان وبرگزیدگانست ... ولقدصدق من‌قال **ان فی‌فارس‌لرجالاً وجبالاً** .... جای سواران جلد وچابك‌است . عبادی که شبهای تاریك درطلب خیرباسلوك وسیر میباشند ... الخ ».

حافظ ابرو . مورّخ قرن‌نهم (معاصر**شاهرخ‌تیموری**) متوفی ۸۳٤ هـ . ق . نیزدر کتاب‌جغرافیای‌خوددرذکر **اردشیر خوره** از **فارس** واعمال آن سخن کرده است که نقل‌همهٔ کلمات اوطولانی است . تنها در ذکربنای **شیراز**مطالبی گفته که تاحدّی قابل‌توجّه است ودراینجا اجمالاً نقل‌میشود :

«شهر **شیراز** درقدیم الایام قطعه زمینی‌بوده ناهمواروملوك عجم هرسال یکنوبت‌بر آن قطعه زمین‌حاضرآمدندی ... گفتند که ازعهد **جمشید** صومعه‌ای دراین زمین‌بوده وقدما آن زمین‌را برخودفال نیك‌میدانستند ودرآن دشت **دارالسلطنهٔ اصطخر** بودتادروقت **محمدبن یوسف ثقفی** شبی درخواب دید که روشنان صومعهٔ فلك ازآسمان بزمین آمدند ودرآن زمین

---

۱) درطی‌قسمتهای مختلف کتاب‌ازجمله‌صفحات ۵۱ تا۵٦و۷۰ و۷۱و۳۸٤و۳۸۵ تعدادی از آرامگاههای بزرگان وعزیزانی که در سرزمین گرامی **شیراز** بخاك سپرده شده‌اند مذکور افتاده است م.

جمع کشتند ومیگفتند که این قطعه زمین دائره ایست که قدمگاه چندین هزار صدیق خواهد بود ... روز دیگر از **اصطخر** بآنجا متوجه گشت واستادان ومهندسان را فرمود تا قاعدهٔ ملك هم بر آن رقعه اساس نهادند وبمدت دوسال خطهٔ **شیراز** تمام گشت وطالع بناء آن سنبله بود ؛ ودور آن دوازده‌هزار گز است وعرض دیوار هشت گز نهاده ویازده دروازه داشته است ... ».

بعد از او **میرخواند** در **روضة الصفا** و **خواند میر** در **حبیب السیر** ، که هر دو از مورخان اواخر عصر **تیموریان** اند ، از **فارس** و **شیراز** وعجایب آن دیار ولطافت هوا وتعداد بقاع ومساجد بتفصیل ذکر کرده‌اند :

میرخواند در **روضة الصفا** مینویسد: « هوای **شیراز** باعتدال واکثر اوقات روی بام بازارش از ریاحین خالی نباشد ومردم آنجا به عیش وعشرت وسیر راغب باشند واغنیا وتجار باندك فرصتی مفلس شوند ... ومردم آنجا درویش نهاد باشندو باندك چیزی قانع ومتمولان آنجا اکثر غریبانند ودرشهر **شیراز** مالدار کمتر توان یافت ...». از غرایبی که صاحب **حبیب السیر** ذکر میکند یکی اینست که : «درطرف جنوبی ولایت **فارس** صحرائی است متصل بقریه یی که قبر **جاماسب** حکیم آنجاست . (مقصود قریهٔ **کراده** در بلوك **خفر** است ، رجوع شود به **فارسنامهٔ ناصری** ج۲) وبر آن قبر آهن پاره‌ها ریخته . هر کس پاره یی از آن بر گیرد ، راه گم کند واز آن صحرا برون نتواند رفت ؛ مگر وقتی که آن آهن پاره بجایش نهد ... وهر صاحب منصبی که سواره از نواحی آن قبر بگذرد البته هم در آن سال معزول شود یا بمیرد .....» (۱).

امین احمد رازی، که در تاریخ ۱۰۰۲ هـ . ق تذکرهٔ مشهور **هفت اقلیم** را نگاشته است ، بنوبت خود از **شیراز** یاد میکند . این نویسندهٔ فاضل در کتاب خویش ، که تذکرهٔ جامعی است دراحوال شاعران ومبتنی بر اقالیم جغرافیایی میباشد ، **شیراز** را بحسن لطافت آب وهوا ستوده و گفته است : « ... از باغ ارم آیتی واز روضهٔ رضوان کنایتی است .

صبا نهفته بخاکش طراوت طوبی   هوا سرشته بآبش حلاوت کوثر».

وهم نکتهٔ بدیعی که وی ذکر میکند اینست : «... مردمش . از بنده واحرار ، سمین ونزار ، بصحبت مایلند والتزام دارند که ایام هفته را هرروز رادرجایی بسربرند ودیگر

۱) درصفحهٔ ۸٦ کتاب نیز دربارهٔ **قبر جاماسب** توضیحاتی ذکر گشته است . م

سیرخلجان (۱) که ازشهرتا کوه **دراك** قریب دوفرسنگ است تمام باغ وباغچه است .. ».

دیگر از نویسندگان عصر صفوی . **قاضی میر احمدقمی** ـ معروف به «**میرمنشی**» ـ است که بمنصب‌انشاء در دستگاه والی خراسان شاهزاده **ابراهیم میرزا** فرزند **بهرام‌میرزا** پسر **شاه‌اسمعیل اول** در **مشهد** میزیسته و در حدود سال ۱۰۱۵ هـ . ق وفات یافته است . وی‌در کتاب **گلستان هنر** که تاریخ بدیعی از نقّاشان وخطّاطان‌ایرانست ، از**شیراز** نام‌برده‌ودرذیل‌احوال‌امیرزاده **ابراهیم‌ـ سلطان‌بن‌شاهرخ تیموری** نوشته‌است که : وی کتیبه‌های‌بسیار درمدارس ومساجد وبقاع **شیراز**بنیاد نهاد چون **دارالصفا و دارالایتام** کـه این دوبنا را دو چشم روزگار مانندآن ندیده است ، ودر صفّهٔ مقبرهٔ شیخ‌العاشقین ،**شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی** ، این غزل بخطّ آن بی بدل برازاره بکاشی تراش مسطوراست :

«بجهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست .... الخ ».

«واین‌بناهارا‌بحکم**یعقوب‌ذوالقدر**حکمران**فارس** که مردی‌فرومایه وبی‌ادب‌بود، در سال۹۹۸خراب کردند وهیچ‌اثری‌ازآن‌باقی‌نماند .... این‌عمل‌ناپسندخشم **شاه عباس کبیر**را برانگیخت وامر فرمود او را بقتل رسانیدند » . (رجوع شود به **فارسنامهٔ ناصری** ج۱ گفتار اول ص ۱۲۳) .

ازاین حکایت تاریخی خواننده دچار تأسّف وتلهّف‌میشود که چگونه‌ابنیهٔ ظریفه وعمارات رفیعهٔ‌آن شهرشهیر که از بدوتاریخ‌اسلام تا کنون در ولایت**فارس** بفرمان شاهان نامدار و بدست معماران هنرمند واستادان بدایع‌نگار بوجودآمد بـا تیشهٔ جهالت و تبر نادانی بویرانی افتاده است . بسال ۱۳۱۵ هـ . ش نیز بنای **دروازهٔ قرآن** را در **تنگ‌الله‌اکبر** کـه از عصر **بویهیه** باقی مانده بود و**بازار کریم‌خان وکیل**رادرشهر**شیراز** که‌از نفائس آثارعصر **زندیه**است‌خراب کردند(۲).

مؤلّف دیگراز قرن یازدهم . **قاضی‌نورالله‌المرعشی‌التستری** است . عالم

---

۱) این ناحیه بعدها باسامی گوناگون‌چون « **هزار باغ** » و« **قصر الدشت** » و «**مسجد بردی**» نامبردار شده است .

۲) دروازهٔ قرآن درسال ۱۳۲۷ هـ . ش باسنگ وآجروکاشی‌های‌ظریف بهمت‌نیکوکاران زمان تجدیدبناشده است (رجوع‌شود به‌صفحهٔ ۵۱ وتصاویر ۹۸ و ۹۹ کتاب‌حاضر . م) .

شیعی ملقّب به« **شهید ثالث** » مقتول بسال ۱۰۱۹ هـ . ق . وی بسبك و روش خود پس‌از ذکر **شیراز** از صفای عقیدت اهل آن دیار و اخلاص آنان بخاندان نبوّت یادمیکند و میگوید :

«... نهال فطرت اصلی‌اهل**شیراز** همیشه ازنسیم محبت وولای اهل بیت دراهتزازبوده و بنابرهمان فطرت ممتاز **سلمان فارسی** بشرف خطاب : «**سلمان مناااهل البیت**» سرافراز کشته عاقبةالامر اکثر اوقات بسبب‌استیلای ملوك ورؤسای اهل‌سنت نورایمان درنهاد اهالی‌آن دیار مخفی‌وپنهان بوده ازجمله اهالی‌آنجا سادات رفیع‌الدرجات خصوصاً **سادات اینجو** بقدم تشیع مشهورند وهمچنین **طایفهٔ خاکیه** ومانندایشان ازخاندانهای قدیم در سلك اهل ایمان مذکورند ...» (مجالس‌المؤمنین طبع تهران ص ۳۹) .

دیگر از کتب تاریخ وجغرافیایی متأخّرین **جامع مفیدی** است که مؤلّف آن **محمد مفیدی‌نجم‌الدین‌محمودهروی** از مستوفیان دربار**شاه‌سلیمان‌صفوی** است. وی‌درتاریخ۱۰۷۷هـ . ق کتاب‌خودرارقم کرده ودر۱۰۸۴هـ . ق در **هندوستان** وفات‌یافته وازمشاهیرمورّخان قرن یازدهم‌است . این مورّخ درباب **شیراز**مقالات دیگر نویسندگان را ذکروتکرار کرده‌از آن میان‌آنچه که درباب **شهر اصطخر** (**تخت‌جمشید**)نوشته خالی‌از بداعت نیست :

« **اصطخر** ازبلاد قدیمهٔ **فارس**است ومشهوراست که‌دارالملك**سلیمان**بوده ودر بیرون آن شهرابنیهٔ عجیبه بسیاراست . ودرشکاف کوهی که‌نزدیك‌باصطخراست‌هیکلی‌ساخته‌اند وپیوسته بادبرآن‌هیکل میوزد وبنابرآن گویند که **سلیمان** باد رادرآن‌هیکل‌حبس کرده‌است. وعمارت **چهل‌منار** (۱) ازغرائب روزگاراست وبانی‌آن **جمشید وهمابنت‌بهمن** درزمان سلطنت خود عمارات برآن افزوده و**اسکندر رومی** که به **فارس**آمد در انهدام‌آن امرفرمود ...».

یکی دیگر از مؤلّفان و ادبای اوایل سدهٔ دوازدهم ، دانشمندی است بنام **محمدمؤمن‌بن‌حاجی‌محمدقاسم‌الشیرازی** معروف به **جزایری** واو را کتاب مقاماتی‌است بسبك **حریری وهمدانی** بنام «**طیف الخیال** » که‌از آثار مختارادب عرب‌بشمارمیرودو آن‌را درسال ۱۱۱۶ تألیف نموده است . ازجملهٔ‌آن مقامات‌یکی بنام «**مقامة‌الوطنیة**» مخصوص اوصاف **شیراز** است و درآن داد فصاحت داده باین

۱) یکی ازنامهای تخت جمشید در روزگار قدیم که‌در صفحهٔ ۳۳ کتاب نیز بدان اشاره شده است . م

جملات شروع میشود :

«لفظتنی السیاحة الی **شیراز** اعاذها الله عن النقائص والاعواز فرأیتها داراً للعلم ومأوی ً للسرور «**بلدة طیبة ورب غفور**» وهم اورا کتاب دیگری است بنام **درر الحکم** که سراسر کتاب باکلمات مهمله (بی نقطه) تحریر شده است ودر آنجا میگوید :

« هوالله الاحد . ولد المحرر اواسط اول المحرم عام ۱۰۷٤ ومولده دار العلم ومحرس الکمال ومحل اهل المکارم ومحط اهل الحال ودار العلم له اسم معلوم و هومولد المحرر ومأواه اصلحه الله وهومصر معلوم معمور حرسه الله وله کروم مدحها اهل العالم. واهله اکرم اهل واعلم رهط مدحهم رسول الله صلعم لعلومهم وهو محط رحال العلماء والحکما ومحل الامراء الکرماء . هوائه محمود ومائه ممدوح طاوللمدارس والصوامع مصلح للعمل معدم للآلام ممدللاصحاء لاسموم له ولاحرور، وله اعدل هواء... ». (این خطبهٔ بی نقطه بتمامه در مقدّمهٔ کتاب **آثار العجم** مرحوم **فرصت** مندرج است).

در پایان سدهٔ دوازدهم نوبت بمرحوم **لطفعلی بیگ آذر بیگدلی** ، متوفی بسال **۱۱۹۵** هـ . ق ، مؤلّف مشهور تذکرهٔ **آتشکده** میرسد که در سلسلهٔ شریفهٔ ارباب تذکره حلقه یی شایسته وفردی برجسته است ، **آذر** معاصر **کریمخان زند** میباشد . وی در کتاب خود در ذکر **شیراز** بعد از تکرار مقالات گذشتگان این کلمات را اضافه میکند :

«بعداز آنکه درازمنهٔ متوالیه بعلت تصاریف زمان مثل سایر بلاد **ایران** اختلال کلی بحال آن بلدهٔ فاخره راه یافته بود ، دراین عهد بفرمان واجب الاذعان خدیو ایران استادان باروی محکم بدور آنجا ساخته وخندقی عمیق بگرد شهر پرداخته و کوچه را سنگ بست کرده وعمارات عالیه در آنجا بنا نهاده اند .....».

ذکر عمارات کریمخانی در **شیراز** . در کتاب نفیس **تاریخ گیتی گشا** طبع **تهران** ۱۳۱۷ هـ . ش تألیف **میرزا صادق نامی اصفهانی** متوفی بسال ۱۲۰٤ هـ . ق بتفصیل آمده است ، وآن فصل را چنین عنوان میکند : «ذکر بنیاد عمارات مبارکات در خطهٔ غم پرداز **شیراز** وچگونگی آن زمان....» (گیتی گشا ص ۱۵۳ تا ۱۵۸)

نامی تاریخ زندیّه را تا حوادث بیست ویکم محرّم ۱۲۰۰ بقلم آورده است وکار و کردار دادگر زند را شرحی مستوفی داده .

☼☼☼

در سدهٔ سیزدهم هجری نیز بفارسی و تازی در آثار و کتب ادبا و نویسندگان جغرافی‌شناس آن عصر وصف **شیراز** مکرّر دیده میشود و غالب آن آثار مانند **فارسنامهٔ** مرحوم **حاجی میرزا حسن فسایی** جدّ امّی نگارندهٔ این سطور و **آثار العجم** مغفورٌ له **میرزا آقای فرصت** که در اواخر آن مائه تألیف فرموده‌اند مکرّر بطبع رسیده و در دسترس همگان است. ولی قبل از ایشان، یعنی در اوائل آن قرن بعضی آثار در این باب موجود است. از آن جمله در **گنجینهٔ نشاط** که مجموعهٔ رسائل و منشآت مرحوم **میرزا عبدالوهاب اصفهانی معتمدالدوله** وزیر صاحب جود و شاعر و نویسندهٔ ادیب عصر فتحعلی شاهی است. وی در طیّ همان سالی که موکب شاه عزم **شیراز** کرده است، مقالتی در وصف آن شهر دارد. و آغاز آن مقالت بدین کلمات فصاحت آیات می‌نماید:

«خطهٔ خضرای **شیراز** که برخط خضرای سروان طراز خط خطا کشیده. فضای جانفزایش طرب‌آمیز و هوای دلگشایش نشاط‌انگیز است ....».

وسپس در فضیلت شیرازیان گفته‌است:

«ازمردم آن سواد، بهر که چشم افکنی سوادمردم چشم دانش و نکته‌دانی، و دراهل آن دیار بهر کس نظر کنی روشن ضمیر پیری یاخوبرو جوانی‌است.

مهما رأیت القوم قد حسنوا بالـــــــ وجه فی الشباب وبالسرفی المشیب

ارباب فضل‌ودانش، درعین‌تمکین، درطرب‌اند؛ وظرفاءاصحاب طربش، درحالت‌اطراب، باادب، مردمش بدانسان لطیف وخوش زبان وألوف ومهربان‌اند که نکورویان در آنجا عادت معشوقان ازدست داده رسم‌جور و جفا ندانند. گفتی‌طبع‌بر جیس و ناهید بهم سرشته و طبیعت ساکنانش گشته ....». گنجینه نشاط. طبع تهران ص ۸۲

دیگر از نویسندگان صاحب اثر این سده، مرحوم **حاجی اکبر** ملقّب به **نواب** متخلّص به **بسمل** مؤلّف **تذکرهٔ دلگشاست** که کتاب خودرا درسال ۱۲۳۷ ه. ق تألیف کرده، (نسخهٔ خطّی این کتاب در کتابخانهٔ ملّی **تهران** موجوداست.) و گلبن اوّل آن تذکره‌را در ذکر احوال **شیراز** اختصاص داده است وشروع میشود باین جملات:

«ارباب سیرو تواریخ این بلدهٔ طیبه‌را بواسطهٔ کثرت مراقد امامزادگان ومدفن‌اولیاء و بزرگان وجمعیت‌ارباب حال وکمال از فضلاودرویشان **برج اولیاء** خوانده‌اند ... در هر کنج

خرابه‌اش گنجی دفین‌ودر هر کف‌خاکش پاکی‌مکین ... خلقش درویش منش‌وپاك اعتقاد وبقدر مقدور کریم وجواد . اکثر غریب نواز و باغربا مهربان ودمساز وبکمتر کسبی وقلیل منفعتی قانع‌وزیاده بردخل پیوسته‌خرج نموده ، باین واسطه اکثر اهالی این دیار خلدآثار ببلای فاقه مبتلی‌وباکمال فقرومجاعت سریرنشین ملك قناعت . مردمش از بزرگ وکوچك در کمال ذهن وذکاء ودرنهایت استقامت مزاج وزودآشنا .

چو پاکان **شیراز** خاکی نهاد ندیدم که رحمت‌بر آن‌خاك باد...».

وبعدازشرح طولانی که درچگونگی آب وهواووضع جغرافیایی**شیراز**داده است ، باین‌عبارات ختم‌مقال میکند :

«خلاصه خالی‌ازتعصب وحمیت **شیراز** ازاکثر بلدان ربع‌مسکون‌ازاکثرجهات‌نیکوترو مردمش‌خوش‌اخلاق‌ونیکومنظر . طالب‌ارباب کمال‌ودرویش‌سیرت‌وصاحب‌ذکاوت . بعداززوال‌دولت **زندیه** خرابی‌کلی بآن‌بلدهٔ طیبه‌راه یافت‌تادراین‌اوان بحمدالله‌الملك المنان‌بالطاف فرمانفرمایی (اشاره‌به**حسینعلی‌میرزافرمانفرما** والی **فارس**است .) کمـال آبادانـی بهم رسانیـده بمرتبه‌ای که تردد در اسواق بواسطهٔ کثرت ازدحام بصعوبت میسر است ...».

میرزا محمدجعفروقایع نگار ، یکی از فضلای صاحب آثار اواسط قرن سیزدهم است واز او کتبی‌چندباقی مانده ، در یکی که بنام **آثارجعفری** موسوم میباشد ودر **تهران** بچاپ رسیده ودر جغرافیـای **فارس** وتاریخ مختصری ازآن ناحیه شروع وباوضاع‌جغرافیایی دیگر بلادختم کلام میکند ، درضمن سخنان‌او که غالباًذکرمحامد واوصاف **شیراز** واهل‌آنست ، یك‌نکتهٔ تاریخی مربوط‌بزمان خود دارد که قابل نقل وثبت در این مقام است :

«دراین‌زمان که سنهٔ۱۲۷٦هجری وایام‌سلطنت ... **ناصرالدین‌شاه قاجار** میباشد ، حقوق‌دیوانی‌این‌ملك(سوای‌جزیرهٔ**بحرین** که‌بتصرف‌اعراب**عتوب** است وقصبهٔ**ابرقو** که‌چندی است‌ضمیمهٔ **اصفهان** شده) چهارصدوپنجاه هزارتومان استومتوجهات **رامهرمز** که موضوع وجزو**خوزستان** شده‌وبلوك **هرات ومروس** که جزودارالعباد **یزد** گردیده ازین‌مبلغ‌موضوع میشود . تومان‌متعارف‌این‌زمان مقابل هجده‌نخود طلای‌مسکوك بسکهٔ مبارکهٔ شاهنشاه است واز نقره ده عدد روپیه‌یك تومانست که هرروپیه یك مثقال ودونخود سیم مسکوك است .».

کتاب‌دیگری‌ازهمین مؤلّف موجوداست ، بنام **«نزهة الاخبار»**، که نسخهٔ خطّی‌آن در کتابخانهٔ مرحوم **حاجی سید نصرالله تقوی (اخوی)** بنظر نگارنده رسید . در آنجا نیز در باب **فارس** فصلی دارد .

هم از آثار این سده ، کتابی‌است از صوفی زمان وعارف دوران **حاجی**ـ

زین العابدین شیروانی ملقّب به **مستعلیشاه** متوفی ۱۲۵۲ هـ . ق . بنام **بستان السیاحة**، آن درویش اکثر بلاد را که خود سیاحت کرده وصف نموده، از آن جمله در گلشن سیزده در حرف شین **شیراز** را ذکر نموده و گفته است :

«هوایش باعتدال قریب و بگرمی مایل و اکثر اوقات روی بازارش از ریاحین خالی نیست، بیرون آن دیار بغایت دلگشا خاصه درموسم بهار که رشک گلشن **مصر و قندهار** است ».

از نوادر آنکه این جهاندیدهٔ سیاحتگر تنها کسی است که در کتاب خود از **شیراز** بتعریض مذمّتی کرده است وظاهراً در اثنای اقامت در آن دیار براو خوش نگذشته باشد .

دیگر **حاجی محمدمعصوم نایب الصدرشیرازی** است که بلقب طریقتی **معصوم علیشاه** ملقّب میباشد ودر کتاب **طرائق الحقائق** که درشرح احوال طبقات صوفیّهٔ عظام ومشایخ طریقت دراوایل قرن چهاردهم نوشته است، درمجلّد سوم (طبع **تهران** ۱۳۱۸ هـ.ق. ص ۲۲۱ به بعد) در ذیل ترجمهٔ احوال خویش از **شیراز** که موطن اوست بتفصیل سخن گفته وغالباً محامد واوصاف آن شهر در کتاب او تکرار سخن نویسندگان سلف است .

دیگر **شمس الدین سامی بیگ**، از ادبا و دانشمندان **ترك** میباشد که تااوایل قرن چهاردهم (۱۳۱۹ هـ .ق) درقید حیات بوده است وچندین قاموس ترکی وفرانسه تألیف کرده است . وی در کتاب بی نظیر **قاموس الاعلام** خود همانطور که از نامش پیداست از اعلام تاریخی وجغرافیایی بنظم الفبائی بحث نموده و بسبکی جدید، مختصر ومفید، مطالب را بیان کرده است . در ذیل کلمهٔ **شیراز** (ج ۲ ص ۲۸۹۵) در ابتدا مینویسد :

«**شیراز** مرکز ایالت **فارس** وازمعروفترین شهرهای **ایران** است که در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی خرابه‌های **استخر** درعرض شمالی ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه وطول شرقی ۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه درمحل زیبایی واقع شده . هوایش خوب واطرافش پر از باغات وانهار جاری است . بواسطهٔ کثرت گل مقدار زیادی گلاب وروغن گل در آنجا بعمل میآید وشرابش بهترین شرابهای دنیامحسوب میشود .... ومسقط الرأس بسیاری ازمشاهیر ادبا وعلما بوده است که ازمشهورترین آنها **ابواسحاق شیرازی**، **شیخ مصلح الدین سعدی**، **خواجه شمس الدین حافظ شیرازی**... در **شیراز** مدارس وعلمای بسیار وجود دارد وزبان شیرازیان فصیح ترین لهجات فارسی است » .

دیگر از نویسندگان این عصر، **دکتر لورانس لاکهارت** Dr L. Lockhart

انگلیسی‌است که کتابی در وصف شهرهای معروف **ایران** بانگلیسی نگاشته بنام Famous Cities of Iran وآن را به‌عکسها وتصاویر بسیار زیبا که شخصاً از اماکن‌جالب ومراکز مهمهٔ تاریخی برداشته است ، زینت فراوان بخشیده . درباب **شیراز** نیزمفصّل سخن میراند (ص۱۱۸).

دراین کتاب ، درضمن سایر مطالب ، شرحی از شراب **شیراز** و خلّار وصف نموده و گفته‌است:«اینکه بعضی‌ازنویسندگان شراب معروف «شرّی Sherry» رااز **شیراز** Shiraz گرفته‌اند ، بدان سبب است که میان آن شراب لطیف با شراب ناب **شیراز** شباهت بسیاراست ». دانشمند نامبرده ختم‌مقال درتوصیف مردم **شیراز** کرده‌و گفته است :

«اکثریت‌اهل‌آن شهردارای ذوق وطبع شاعرانه هستند وبعضی بحدکمال رسیده‌اند ، و بطور عموم شیرازیهابسیار لطیف طبع وزنده دل‌اند ولهجهٔ آنها دارای‌لطف وشیرینی‌خاصی‌است که متناسب باذوق شاعرانهٔ ایشان میباشد ....».

***

پس‌ازعلمائی که درجغرافیا وتاریخ از کشور**فارس** ذکری کرده واز**شیراز** مینوطرازنام برده‌وهریك‌بمذاق‌خود سخنانی بر کلمات گذشتگان افزوده‌اند، نوبت بسیّاحان روزگار میرسد که از نظرگاه دیگری براین کشور روح پرور وبلدهٔ طیّبه نگریسته وپس‌ازآنکه‌خود درآنجا کمابیش‌مدّتی بسر برده‌اند ، درخاطرات خویش یادر«سفرنامه»های خود شرحی‌ازآن دیارنگاشته‌اند که هریك بجای‌خود متضمّن‌فوائدبسیاراست . ومابآن‌مقدارآثارجهانگردان‌جهان که دسترس داشته‌ایم نمونه‌را بمختصری اکتفامیکنیم :

درسدهٔ چهارم هجری .**بدیع‌الزمان ابوالفضل‌احمدبن الحسین‌الهمدانی** (متولّد ۳۵۸ متوفی ۳۹۸ ه . ق) در مقامات خود مقامه‌یی خاص بنام : «**المقامة الشیرازیه**» بقلم آورده که بدین کلمات آغاز میشود :

«حدثنا **عیسی بن هشام** ، قال لما قفلت من**الیمن** وهممت بالوطن ....».

دراینکه‌آیا **همدانی** نویسندهٔ این مقامات که درفضل وادب واسلوب سخن منثورعرب شهرهٔ آفاق‌است ، خود به‌**شیراز**رفته است یانی ، ارباب تذکره تذکاری

نداده‌اند. ولی‌ازاین مقامه‌خود معلوم‌است که شهرت **شیراز** در آن عصر تا **خراسان** و **غزنی** رسیده بوده است وخاطر آن نویسندهٔ ادیب را بخود مشغول ساخته.

دیگر **ابوالطیب احمدبن‌محمدبن‌عبدالصمد الجعفی** مشهور به **المتنبی** شاعر بزرگ عرب (متولد ۳۰۳ متوفی ۳۵٤ هـ. ق) که‌درزمان **امیرعضد الدولة دیلمی** به‌**شیراز** آمده‌است ودردیوان اودوقصیدهٔ غرّا که از غرر سخنان اوست در مدیحهٔ آن امیر ملاحظه میشود، یکی در وصف **شعب بوان** از جنّات اربعه که محلّ آن دربلوك **ممسنی شیراز** است(۱) واکنون‌در آن‌محلّ به‌ بُوان (بضمّ با وتخفیف واو) مشهور میباشد. باین مطلع:

مغانی الشعب طیباً فی المغانی		بمنزلة الربیع من الزمان

وقصیدهٔ‌دیگر دروصف شکارگاه‌شاهنشاه‌دیلمی‌است. در **دشت ارژن** (٦۰ کیلومتری مغرب **شیراز**) که بااین ابیات شروع میشود:

ماجدر الایام و اللیالی		بأن تقول ماله و مالی ...
ان النفوس عـدد الآجال		سقیا لدشت الارزن الطوال
بین‌المروج الفیح و الافیال		مجاور الخنزیر والرئبال ...الخ

مهمترین سیاحت نامه‌یی که شایدقدیمترین کتاب ازاین نوع باشد، (اگر قبل‌از این تاریخ سفرنامه‌یی نوشته‌شده است، بنظر نگارندهٔ این‌سطور نرسیده) همانا **رحلهٔ ابن بطوطه** است، موسوم به **تحفة‌النظار‌فی‌غرائب‌الامصار**. مؤلّف این کتاب گرانبها **ابوعبدالله محمدبن‌عبدالله بن محمدبن ابراهیم الطنجی** (متولّد ۷۰۳ ومتوفی ۷۷۹هـ. ق)، از**مغرب اقصی** شدّرحال کرده و**دیار مغرب** و**مصر** و**شام** و**حجاز** و**عراق** رادر نوردیده ودر ۷٤۵هـ. ق درزمان سلطنت شاه **ابواسحاق اینجو** به‌ملك **فارس** رسیده وسپس‌از آنجا گذشته‌به **بحرین** و**یمن** و**ترکستان** و**ماوراءالنهر** وبعضی‌از بلاد **هندوستان** و**چین** رفته وسپس به **افریقا** باز آمده ودر **مراکش** وفات یافته‌است. وی در کتاب شهیر خود مینویسد (ص۱۲۷):

«ثم‌سافرنا منهاالی مدینة **شیراز** وهی: مدینة‌اصیلة‌البنا، فسیحة‌الارجاء، شهیرة‌الذکر، منیعة القدر، لها‌البساتین المؤنقة والانهار المندفقة والاسواق البدیعة والشوارع‌الرفیعة، وهی کثیرة

۱) در صفحات ۳۹٦ و۳۹۷ کتاب دربارهٔ **شعب بوان** توضیحاتی ذکر گردیده است. م

العمارة، متقنة المبانی، عجيبة الترتيب، واهل کل صناعة فی سوقها لایخالطهم غيرهم ...وليس فی المشرق بلدة تدانی مدينة دمشق فی حسن اسواقها وبساتينها وانهارها وحسن صدر ساکنيها الا **شيراز** ....».

ودر وصف اهل **شيراز** گويد : «واهلها حسان الصور، نظاف الملابس ...اهل صلاح و دين وعفاف؛ وخصوصاً نساءها وهن يلبسن الخفاف ويخرجن متلحفات متبرقعات ولهن الصدقات والايثار ومن غريب حالهن انهن يجتمعن لسماع الواعظ فی کل يوم اثنين وخميس وجمعة بالجامع الاعظم فربما اجتمع منهن الف والالفان بايديهن المراوح يروحن بها علی انفسهن من شدة الحر ولم ار اجتماع النساء فی مثل عددهن فی بلدة من البلاد ...».

آنچه **ابن بطوطه** در ذکر انهار وبساتين ومساجد ومشاهد وبقاع ودربار سلطان ورجال وعلماء **شيراز** بيان کرده طولانی است ونقل تمام آن البتّه ضرورت ندارد.

درقرن نهم يکی ازمشاهير ارکان ادب وتاريخ که ازموطن خود يعنی **يزد** به **شيراز** رفته است ، **مولانا شرف الدين علی يزدی** است که تاريخ **ظفرنامهٔ** خود رادرسنهٔ ۸۲۸ هـ . ق. بامر اميرزاده **سلطان ابراهيم بن شاهرخ** در **شيراز** تأليف فرموده است وتاريخ تصنيف آن جملهٔ «**صنف فی شيراز**» است وآن کتاب در تاريخ احوال امير **تيمور گورکان** جدّ آن شاهزاده است وداستان فتح **شيراز** وانقراض **آل مظفر** رابيان کرده وسپس ميگويد :

«مملکت **فارس** را که واسطهٔ عقد ممالک است ودرحساب بلاد وامصار بمثابهٔ فذلک، نامزد فرزند ارجمند اميرزاده **عمرشيخ** فرمود...الخ» (**ظفرنامه** طبع **تهران** ۱۳۳۶ش - ج۱ص۴۴۰).

هاتفی جامی که مثنوی مشهور «**تمرنامه**» را در ذکر فتوحات **امير تيمور** بنظم آورده است ، درباب فتح **شيراز** که چگونه آن ملک از بيصاحبی چون گنجی شايگان بچنگ امير جغتايی گورکان افتاده ميگويد :

قيامت بآهنگ **شيراز** کرد	جهانی بآرايش وساز کرد
گلستان **شيراز** بی‌خار بود	چنان گنج بی‌کلفت ماربود
گرانمايه باغی رسيده برش	نه‌در بسته نی‌باغبان برسرش

***

ازقرن دهم ويازدهم که مملکت **ايران** رادرسايهٔ شاهان صفوی آرامش وانتظامی پديدآمد ، روابط **ايران** باممالک مغرب که درقرن نهم شروع شده بود، ادامه يافت .

سيّاحان ونيزی وايتاليايی وفرانسوی وانگليسی و هولاندی درپی يکديگر

به **ایران** آمده وهریك بنوبت خود گذری ازدارالسّلطنهٔ **اصفهان** بدارالعلم **شیراز** کرده وازآن شهرشهیرسخن گفته‌اند وهریك موافق سلیقه‌ومذاق خودازآن بلدهٔ مینونشان وصفی کرده. اگر بخواهیم کلمات ایشان رایکایك ذکر کنیم، البتّه سخن بدرازا میکشد؛ همان بهتر که بذکر اسامی آن جهانگردان نامی اکتفا کنیم و چون غالباً سفرنامه‌های ایشان بطبع رسیده‌واحیاناً بعضی بزبان فارسی ترجمه یافته است، نقل عبارات وکلمات ایشان متضمّن فایدهٔ بسیاری نخواهدبود. البتّه مورخان عصر که تاریخ آن ادوار را نوشته‌یاخواهند نوشت، ازاین سفرنامه‌ها استفادهٔ بسیار کرده وخواهند کرد.

پرفسور ارتور آربری A. J. Arberry رسالهٔ جالب وظریفی بنام **شیراز شهراولیاء وشعراء ایران** نگاشته است (**کمبریج** ۱۹۶۰م.) وفصل اوّل کتاب خودرا مخصوص **شیراز ازنظرگاه بیگانگان** اختصاص داده درآنجا بطوراختصارمینویسد:

(ص ۳ تا ص ۲۹) «دراینکه **شیراز** ازدیرباز شهربزرگی بوده است، محل انکارنیست... **الغ بیگ** (نوادهٔ **تیمور** وعالم ریاضی شناس) میگوید که: دورادورآن شهرپانزده میل است. **کونتارینی** Contarini (ونیزی) همین سخن را گفته وعدهٔ خانه‌ها وبیوتات آن را هشتادهزارذکر کرده است. **باربروس** Barbarus محیط آن را بیست میل بقلم میآورد و؛ مانند **کلووریوس** Cluverius است، ولی **تیشرا** Teixeira بعدازاودایرهٔ دورشهررا ۳۶ میل ذکر میکند. **سیکار** Sikkar و**تاریش** Tarich نیزهمچنان‌مینویسند وشاید که باغهای‌متفرقه‌درحوالی آن را نیز بحساب آورده‌باشند. **ژان** معروف به **ایرانی** John Persian سکنهٔ **شیراز** را هشتاد هزارنفر و **بن‌الی** Ben - Allis سیصد هزار نفر ذکر میکند».

آقای **اربری** در کتاب کوچك ونفیس خودفهرست مختصری ازاسامی **سیّاحان** بنام فرنگی رادرتلو کلام آورده که آنهابنوبهٔ خودهریك مادح **شیراز** بوده‌اندوسفرنامه‌های ایشان جالب توجّه میباشد. مزید فایده‌را ذیلاً بنقل آن اسامی پرداخته‌ایم:

امبروزیوکونتارینی (ونیزی) Contarini. **ژوزف‌باربروس** (ونیزی) J. Barbarus. **کلوور** (فرانسوی) Cluver. **تیشرا** (فرانسوی) Teixeira، **برنیه** (فرانسوی) Bernier.

علاوه‌براینهارجوع شودبه‌سفرنامه‌های سیّاحان ذیل که‌ازممالك غرب به **ایران** سفر کرده وبه **شیراز** گذر نموده‌اند وسفرنامه‌های ایشان همه بطبع رسیده است:

سفرنامهٔ **تاورنیه** Tavernier قرن یازدهم هجری (PP 301 - 310)،
سفرنامهٔ **هربرت** Herbert قرن یازدهم هجری (۱۶۲۸ میلادی). سفرنامهٔ شوالیه **شاردن** Ch. Chardin (۱۶۷۱ میلادی) ج ۲ ص ۱۹۸ طبع آمستردام. سفرنامهٔ **پیترودلاواله** Pietro della Vallé سیّاح ایتالیایی متوفی در ۱۶۵۲ میلادی که درسال ۱۶۲۱ میلادی به **شیراز** آمده و نخستین اروپایی است که مشاهدات خودرا در **تخت‌جمشید** شرح داده است. سفرنامهٔ **رابرت استودار** D. Robert Studart (۱۶۲۸ میلادی) ص ۷۶. سفرنامهٔ **اندره واندموا** André D. Vendômois (۱۶۷۳ میلادی) ص ۳۴. سفرنامهٔ **ویشار** انگلیسی J. G. Wishar (۱۹۰۸ میلادی) **لندن** ص ۱۴۹. سفرنامهٔ **جیمس موریهٔ** انگلیسی J. Morier (۱۸۰۸ میلادی) جلد اوّل ودوم. کتاب **لردکرزن** G. N. Curzon بنام **«ایران ومسألهٔ ایران»** که دراوایل قرن چهاردهم‌هجری(۱۸۹۲میلادی)به **ایران** مسافرت کرده است ص ۹۳-۱۰۲-۱۰۸.

***

ازسفرنامه‌های **سیّاحان** عرب، که ازقرن دوازدهم هجری باقیمانده است، یکی سیاحت‌نامهٔ **سید عباس بن علی بن نورالدین المکی** است که در سنهٔ ۱۱۴۸ تألیف نمود وآن را **نزهة الجلیس و منیة النفیس** نامیده ودر **مصر** بطبع رسیده وآن سفرنامهٔ مفصّلی است. وی در ۱۱۳۲ هـ. ق به **شیراز** رفته است واز کارخانهٔ شیشه سازی **شیراز** یاد کرده ودر ضمن وصف مفصّلی که از آب وهوا و گلها ورياحين کرده‌است، این چندبیت را درمدح آن شهر میگوید:

من لی بقرب **شیراز**	ارض بها راحتی واعزازی
لما حللنا بهـا نريد غنیً	وفت لنا بالعطا بانجـاز
واهلها فی‌العلوم قد کملوا	فمالهم مشبه ولا الرازی
اعیذها بالاله خـالقها	واهلها من شرور هماز

وی میگوید: درجوار**شاه‌چراغ** قبرعالم‌علامّه **سیدعلیخان(کبیر)** صاحب **سلافة‌العصر** را زیارت کرده است وظاهراً مزارآن سیّدبزرگوار تا اواسط قرن ماضی باقی وبرقرار بوده ودر زلزلهٔ **۱۲۶۹ ق**. که بقعهٔ شاهچراغ خراب شدآن

قبر نیز منهدم گردیده است.

***

در قرن سیزدهم وچهاردهم هجری (نوزدهم وبیستم میلادی) **عدهٔ سیاحان** بیگانه که هر یك بنوبت خود به **شیراز** سفری کرده و از **آن شهر** یاد کرده‌اند بسیار است، وسفرنامه‌های ایشان افزون از شماره واحصاء. اینك تا آنجا که نویسندهٔ این سطور را دسترسی بآثار ایشان حاصل بود، علاوه بر **فهرست فوق** باجمال اشاره باسامی ایشان مینماید. البته با استقراء وتحقیق کامل **میتوان** نام بسیاری از سیاحان خارجی را براین فهرست مجمل اضافه نمود:

سفرنامهٔ **هنریش بروگش** Dr. H. Brugoch سفیرپادشاهی**پروس واستاد** دانشگاه **بن** (۱۸۶۳م) ص ۴۷۲.

سفرنامهٔ **سرجان‌ملکولم** سفیر**انگلستان**در **ایران** در کتاب- Sketches of Persia ،جلد اوّل (۱۸۸۰م) ص ۱۲۵.

سفرنامهٔ **کنت‌دوگبینو** سفیر **فرانسه**در**ایران** Conte de Gobineau بنام **سه سال درآسیا** Trois ans en Asie چاپ **پاریس** (۱۸۸۸م) ص۱۲۲ تا ۱۸۴.

سفرنامهٔ **پیرلوتی** P. Loti نویسندهٔ معروف فرانسوی‌بنام Vers Ispahan **(بسوی اصفهان)** چاپ **پاریس**.

سفرنامهٔ**برادلی برت** Bradly - Birt بنام Through Persia **چاپ‌لندن** ص ۱۴۰-۱۲۰.

کتاب **آرنولد ویلسون** Arnold Wilson انگلیسی بنام **ایران** Persia ص ۱۱.

سفرنامهٔ **مسیو نی بوهر** Niebühr دانمارکی که ازطرف **فردریك پنجم** پادشاه **دانمارك** به **ایران** آمده ودر **تخت‌جمشید** مطالعات وتحقیقات بسیار کرده است. (۱۷۶۵ م)

سفرنامهٔ **ادواردبرون** E. G. Browne بنام **یکسال در میان ایرانیان** A year Among the Persians (۱۸۹۳ م) ص ۲۶۳.

سفرنامهٔ **کپلی آموری** Copley Amory بنام **روزهای ایران** Persian Days چاپ **بستن** (۱۹۲۹ م) ص ۷۸ .

سفرنامهٔ **سر دنیسن رس** Sir Denisson Ross خاورشناس معروف انگلیسی بنام **ایرانیان** The persians چاپ **اکسفورد** ۱۹۳۱ م . ص ۹۵ و ۹۶ .

سفرنامهٔ **الاسایکس** انگلیسی Ela Sykes بنام **ایران و مردم آن** Persia and its People ص ۳۱۳ .

سفرنامهٔ **ویلیام جاکسن** آمریکایی W. Jackson بنام **ایران گذشته و حال** .Persia, Past and Present

سفرنامهٔ **کراولی ویلیام** E. Crawlay William چاپ **لندن** ۱۹۰۷ م . بنام **عبور از ایران** Across Persia فصل نهم ص ۱۲۳ تا ۱۴۶ .

سفرنامهٔ **ماژور پرسی سایکس** M. P. M. Sykes بنام **ده هزار میل در ایران** Ten Thousand Miles in Persia (۱۹۰۲ م) ص ۳۲۲ .

فهرست سیّاحان که از **شیراز** سخن گفته‌اند در این اواخر از حدّ احصا و شمار خارج است ، مهمترین آنها همین بود که ذکر شد .

٭٭٭

درصف مدّاحان **شیراز** ، مهمتر از همه شعرا و چامه سرایان جای گرفته‌اند. آن بلبلان بوستان فصاحت نیز بنوبت خود بیش از مورّخان و تذکره نویسان و جغرافیاشناسان بمدح **فارس** و تختگاه آن - **شیراز** - برخاسته و فضائل دیار و مکارم اهل دیار را در طیّ غزلهای دلاویز و یا قصائد غرّا و یا مثنویّات شیوا سروده‌اند . فهرست اسامی این گویندگان بسیار مطوّل است ، از آن میان باختصار بذکر چندتن از اساتید سخن و نخبه‌ای از کلمات ایشان اکتفا میشود :

درقرون اوّلیهٔ تاریخ ادبی اسلام ، بایستی اینگونه اشعار را در دواوین شعرای عرب جستجو کرد. از آن جمله است این دو بیت، از **بشار بن برد طخارستانی** (متوفّی بسال ۱۶۷ هـ . ق) که از مشاهیر شعرای تازی گوی **شعوبیه** است . وی در مقام افتخار باصل و نسب فارسی خود گوید :

الا ایها السائلی جاهداً لیعر فنی انا انف الکرم
نمت فی الکرام بنی عامر فروعی واصلی قریش العجم

(نقل از **اغانی**)

مقصود از **قریش عجم**، چنانکه قبلاً گفته شد همانا اهل **فارس** است.

المسعودی، در **التنبیه والاشراف** از شاعری بنام **اسحاق بن مؤید العدوی** در مقام مفاخرهٔ **فرس** بر **عرب (قحطان)** این دو بیت را نقل میکنند:

اذا افتخرت **قحطان** یوماً بسؤدد اتی فخرنا اعلی علیها واسودا
ویجمعها والعز ابناء **فارس** اب لایبالی بعده من تفردا

و**مهیار بن مرزویهٔ دیلمی** شاعر عربی زبان فارسی نژاد متوفّی به ۴۲۸ ه. ق گوید:

قومی استولوا علی الدهر فتی و مشوا فوق رؤس الحقب
وابی **کسری** علی ایوانه این فی الناس اب مثل ابی
قد قبست المجد من خیر اب وقبست الدین من خیر **نبی**
و ضممت الفخر من اطرافه سؤدد **الفرس** ودین **العرب**

از متقدمان شعراء فارسی زبان، از بیتی که **غضائری رازی** درقصیدهٔ خود گفته است:

کدام ملك بگیتی ز**فارس** سبقت برد؟ کدام تخت تفوق بتخت **کسری** کرد؟!

تا دو بیتی از (فهلویات) که بزبان محلّی سروده شده وبه **باباطاهر** منسوب است، درعتاب باهل **اصفهان** وتفضیل **شیراز**:

«**سپاهونم. سپاهونم**، چه‌جایی؟ کـه هر یاری گرفتم، بیوفایی
شوم واشوم، روم تا سوی **شیراز** کـه در هر منزلش صد آشنایی»

هریك بزبانی سخن از آن سرزمین ذوق‌پرور وشاعرآور کرده‌اند. تاآنکه درقرن هفتم استاد بزرگ، شاعرساحر پارسی، شیخ اجل **سعدی** که افصح سخن گویان است، در ضمن قصاید نغز وغزلیّات لطیف خود، از موطن خویش مکرّر به‌نیکی یاد کرده. بندهٔ نویسندهٔ این سطور عدد آن قطعات را با مطالعهٔ اجمالی به‌سی منظومه احصا کردم. از آن‌جمله نمونه یکی این است که میفرماید:

خوشا سپیده دمی باشد آن که بینم باز رسیده بـر سر الله اکبر**شیراز**

بدیده بارد گر آن بهشت روی زمین که بار ایمنی‌آرد نه‌جور قحط ونیاز
نه لایق ظلماتست بالله این اقلیم که‌تختگاه**سلیمان**به‌است‌وحضرت‌راز
بحق **کعبه** و آنکس که کرد **کعبه**بنا که باد مردم **شیراز** در تنعم و ناز
چو**سعدی**ازغم**شیراز**روزوشب گوید که شهرها همه‌بازاست ، شهرماشهباز

هم‌در آن قرن **شرف الدین عبدالله شیرازی** ، مؤلّف‌تاریخ **تجزیة الامصار وتزجیة الاعصار** ، معروف بتاریخ **وصاف‌الحضرة** غزلی دراشاره بآب **رکناباد** معروف طرح کرده است و گفته :

نقاب غنچه چو مشاطهٔ صبا بگشاد زمانه روی زمین را لباس مینا داد...
بچشم نرگس وزلف بنفشه ورخ گل به عارض سمن ولطف قامت شمشاد
که گرچه آب‌فراتست مایه‌بخش‌روان وگرچه روضهٔ خلداست قطعه‌بی‌آباد
چوآب ناله‌کنان هرنفس همی گویم خوشا هوای **مصلی**وآب **رکناباد**

گویا**خواجه عبید زاکانی** درقرن‌بعد(وفات۷۷۲هـ .ق)اوراجواب گفته‌باشد که چنین سروده :

نسیم خاك **مصلی** و آب **رکناباد** غریب را وطن خویش میبرد از یاد
زهی خجسته مقامی و جانفزا ملکی که باد خطهٔ عالیش تا ابد آباد
خوشست نازونعیم‌جهان، ولی‌چو**عبید** غلام همت آنم که دل برو ننهاد

ونیز **خواجه عبید زاکانی** در هنگام مسافرت وداع **شیراز** غزلی پرسوز سروده است که از کمال احترام وعلاقهٔ اوبآن شهرشهیرحکایت‌میکند ودومصراع از **سعدی** را تضمین کرده است ، میگوید :

رفتم از خطهٔ **شیراز** و بجان در خطرم وه کزین رفتن ناچار چه‌خونین جگرم ؟
میروم دست زنان برسرو، پا اندر گل ! زین سفرتاچه شود حال و چه‌آید بسرم ؟!
من ازین شهر اگر برشکنم ، در شکنم من ازین کوی اگر برگذرم ، درگذرم
بی‌خود و،بی‌دل و، بی‌یار، ز**شیراز**برون «**میروم.وزسرحسرت‌بقفامی‌نگرم**»
قوت دست ندارم ، چو عنان میگیرم «**خبرازپای‌ندارم. که‌زمین‌می‌سپرم**»
ای **عبید** این‌سفری‌نیست که‌من‌میخواهم می‌کشد دهر بزنجیر قضا و قدرم .

سپس‌در آن‌عصر فرخنده‌نوبت به**شمس‌الدین حافظ**رسید وخواجهٔ‌لسان‌الغیب در مطاوی غزلیات دل‌انگیزعشق‌آمیزخود ، در یازده منظومه (باحصاء این بنده) موطن محبوب خویش را یاد کرده است . از آن جمله همان دو غزل مذکور فوق را چنین جواب گفته است :

شراب و عیش‌نهان چیست؟ - کار بی‌بنیاد! زدیم برصف رندان ، هرآنچه باداباد!
که‌آگه‌است که**جمشید**و**کی** کجارفتند؛ که واقفست که‌چون‌رفت**تخت‌جم** برباد؟!
نمیدهند اجازت مرا بسیر و سفر نسیم خاك **مصلی** و آب **رکناباد**!

هم‌در اواخر این قرن، مولای دراویش‌وشاه‌فقرا وقطب‌اقطاب **شاه‌نعمت‌الله‌ولی** ، درغزلی آرزوی مسافرت‌به **شیراز** کرده وتمنّای دیدار آن برج‌اولیاء ومهد عارفان را فرموده ، تا آنکه سرانجام بدین آرزو نایل گردیده است . وچنانکه در شرح‌حال‌او نوشته‌اند، بسال۸۱۶هـ . ق، درزمان‌امارت **میرزا اسکندر بن عمرشیخ‌ابن‌تیمور** سفری مجلّل وپرشکوه بدان دیار کرده ومورد حرمت خاص وعام قرار گرفته است . شاه در غزل خود چنین می‌فرماید :

خاطرم میکشد سوی **شیراز** مرغ‌جان میکند درآن پرواز
در گلستان عشق سرمستان بلبلانند جمله خوش آواز
سر ساقی و ، حال میخانه بشنو ازمی، زدل بسوز و بساز

درسدهٔ‌نهم، که‌نوبت‌سلطنت ملك‌شعر بنام‌استادسخنوران‌زمان،خاتم‌الشّعراء ، **مولوی عبدالرحمن جامی** میزدند ، آن بزرگوار در مقام تعریض بهموطنان خود وتفضیل**شیراز** غزلی لطیف برشتهٔ نظم‌آورده وظاهراً آن‌را بنزد عالم معاصر زمان خویش ، مولانا **جلال‌الدین اسعد دوانی** فرستاد، واو نیز غزلی در جواب سروده وبوی تقدیم داشته‌است **جامی** میگوید :

از در صومعه آن به که قدم باز کشیم خرقه‌ها در نظر شاهد طناز کشیم
چند ناخوش منشان بر سر ما ناز کشند نازنینی بکف آریم و ، ازو ناز کشیم
هست‌قحط می‌وشاهدبه**خراسان**،**جامی** خیز تا رخت بمحروسهٔ **شیراز** کشیم

✿✻✿

شفیعای اعمای شاعر، متخلّص به **اثر**، که‌خود در قریهٔ **پیراشکفت** ، شصت کیلومتری غربی **شیراز** زاییده شده واز گویندگان باقریحهٔ‌لطیف وباذوق ممتاز اواخر عصر صفوی است ، در مثنوی نغزی که درسرگذشت خود ورفتن‌از **شیراز** به **اصفهان** گفته است ، چنین سروده :

بهرکس شد در سیر ارم باز نچیند گل ، مگراز باد **شیراز**
زجوش نرگس وگل ، آشکاراست که‌آن چشم‌وچراغ روزگاراست!

بسامانی است سلطان بهارش | که نوروز است یك تحویلدارش
هوایش بسکه روحانی سرشتست | بمسجد جای زاهد در بهشت‌است
زجوش عندلیبان دارد آنجا | مؤذن بر سر گلدسته غوغا
درآنجا نیست غم را بر کسی دست | چومی‌معشوق‌رنگ اردلبری‌هست

✡✡✡

در زمانی که دست روزگار تاج سلطنت **فارس** را از تارك خوانین **زند** برداشته وبرفرق شاهان **قاجار** نهاد، بحکم **آغامحمدخان**، نخستین پادشاه‌خونریز وقسیّ القلب آن سلسله ، بنای محکم و **قلعه وباروی کریم‌خانی** را که حصاری منیع ودیواری رفیع بود ، خراب وویران کردند ؛ وخندق عمیق آن را از خاك انباشتند . **فتحعلی خان صبای کاشانی ملك‌الشعرا** (وفات ۱۲۳۸ ه . ق) که خود شاهد وناظر آن منظرهٔ غم‌انگیز بوده است ، سوز درونی خویش را از این تباهکاری‌هائل‌بیك رباعی‌تسکین‌داده که‌چون‌نفثهٔ سینهٔ مصدوران و آه‌دل‌مهجوران پرسوز و گداز است :

گردون بزمانه خاك غم بیخت دریغ | با شهد طرب زهر درآمیخت دریغ
از کینهٔ دور فلك جور سرشت | شیرازهٔ **شیراز** بهم ریخت دریغ

✡✡✡

بزرگترین‌استادسخنوران‌سدهٔ سیزدهم ، **میرزا حبیب قاآنی** (وفات۱۲۷۰ ه . ق) است که خود زایيدهٔ همان شهر شهیر ویکی ازمفاخر گویندگان فارسی زبانست . وی در دومنظومهٔ غرّا ازموطن خود وصفی شیوا کرده و مدحی بسزا گفته است . دریکی میگوید :

تبارك الله از **فارس** ، آن خجسته دیار | که می‌نبیند چون آن دیار ، یك دیار
بزیر قبهٔ گردون ، بروی رقعهٔ خاك | ندیده دیدهٔ بینا چنان خجسته دیار
نسیم او ، همه دلکش تر ازنسیم بهشت | هـوای او، همه خرم‌تر از هوای بهار
زهرچه عقل تصور کند ، در او موجود | زهرچه وهم تفکر کند ، دراوبسیار ...

درطیّ این‌قصیدهٔ فصیح وبدیع ازاصناف حرف وصنایع وانواع علوم‌وفنون رایج در بلدهٔ **شیراز** سخن‌ساز کرده است وهم‌چنین رجال وامرای معاصرخودرا نام برده . درقصیدهٔ دیگری گفته‌است :

گفتندازین بیش بهم بیهده گویان : در **پارس** نه‌جز تنگ‌قماش وشکر آید
هر کس که‌به‌**شیراز** درآید زپی‌جنگ گویی بمثل بر سر گنج گهر آید
زین مست طرب پیشهٔ نازك دل عیاش کی سختی ارباب وغا درنظرآید؟..

چنانکه مشاهده میشود، بعضی ازشعرا ازهوای دل‌انگیز وفضای نزهت‌آور **شیراز** سخن گفته وبعضی دیگر کمالات و فضائل معنوی مردم آن را وصف کرده جمعی دیگر ازصنایع وحرف ویاآثار قدیمه ومآثر تاریخی صحبت نموده‌اند.

درآن میان **حاجی میرزا احمد نقیب الممالك**، هم ازشعراءِ اواخر قرن سیزدهم (متوفّی ۱۳۰۲هـ) از سه درّهٔ نزهت‌انگیز ودامنهٔ جبال اطراف **شیراز**، که هر سه شکارگاهی عالی ونظراندازی ممتازدارند، در قصائد بدیع ومتکلّف در مدح شاهزادهٔ ممدوح خود تغزّل کرده ودر دو قافیه وبحر مشکل باصنعت اعنات رنج بسیار برده واستادانـه درّ ی شاهـوار سفته است . در یکی بوصف **کوه بمو** سه فرسخی شمال **شیراز** میگوید :

ای صبا گربگذری برساحت **کوه بمو** دم غنیمت دان، بچم درآن فضای خرمو
نرم نرمك، آهوان دشت را فرمای رام اندك‌اندك، ده پلنگان‌را ز کوهستان رمو
هم‌سلام‌ازمن بآهوبر، که «اقبل‌یاحبیب» هم‌پیام‌ازمن بخالوده، که«بگربزای‌عمو.»

ودردومی،ازشکارگاه‌قریهٔ**بزین** دردوسه‌فرسخی‌مغرب**شیراز**وصف کرده‌است:

چون شد از بالای والا، باغ سروستان بزین شد **بزین** از موکب والامزین زین! زین!
برسر تلها سرادقها، طناب اندر طناب خیمهٔ والا در آن بالا «کطود من لجین»

ودر سومی در وصف کوه «**پیربن‌آب**» که چشمه ساری است به دوفرسخی جنوب شرقی **شیراز** وگویند مدفن **شیخ اقطع** (مذکـور در مثنوی مولوی) در آنجاست ، وآن را بلهجهٔ شیرازی «**پیربنو**» گویند(۱). نقیب گوید :

موکب ظل همایون ، میرود پیربنو دشت‌پرنخجیرشد،تازی‌بگیر،آهوبدو
دررکابش‌ای‌قمر تابنده‌یی، تابنده‌باش زیررانش‌ای‌فرس، تازنده‌یی‌تازنده‌شو
چون‌لم‌ولاولو، ازاونشنوی هنگام‌جود هم‌الم ازوی گریزد،هم غلا وهم‌غلو...

✡✳✡

---

۱) ضمن صفحات ۸۱ و ۸۲ کتاب دربارهٔ مقبرهٔ **شیخ اقطع** یا **پیربناب** توضیحاتی ذکر شده است .

امّا در آثار سخن گویان اروپایی نیز کما بیش اشعاری بنظر میآید که صرف‌نظر از ذکر آنها نتوان کرد :

ازجمله درعصر صفویّه قدیمترین شعر انگلیسی که در وصف **شیراز** بنظر رسیده قطعه‌ای است که **سرطماس هربرت** Sir. Th. Herbert در وداع **شیراز** می‌سراید ، در زمانی که سفیر **انگلیس** از طرف **شارل اول** پادشاه انگلیس ازراه **بندرعباس (گامرون)** و **لار** به **شیراز** آمده و۲٦ روز در ایّام نوروز ۱٦۲۸م . در آنجا مانده ومیهمان **امام قلیخان** حکمران **فارس** بوده است . **سرطماس** نیز جزو آن سفارت بوده و سفرنامهٔ جالبی بجای گذاشته است که در فوق بدان اشاره شد . قطعهٔ او بدین‌ترتیب شروع میشود :

Why should our wits dispute where Eden stood?

وباین بیت لطیف ختم میگردد :

Farewell sweet place, as from thee I went,
My thoughts did run on Adam's banishment.

درآثار شاعر ایرلندی **طماس‌مور** Thomas Moore (۱۷۷۹-۱۸۵۲م.) نیز منظومهٔ لطیفی دیده میشود که در کنار **رود کر** و **بندامیر** معروف **شیراز** سروده است ومنظومهٔ خودرا بعنوان «**لاله رخ**» Lalla Rookh موسوم ساخته ودرآن‌از باغی پر از گل وبلبل سخن میگوید . در بند اوّل آن گوید :

There's a bower of roses by Bandemeer's stream
And the nightingale sings round it, all the long,
In the time of my childhood, it was like a dream
To sit in the roses and hear the birds song...»

ادوارد براون E. G. Browne عالم مستشرق‌ایران شناس معروف در ترجمهٔ نغزی که از غزل **حافظ** بمطلع :

خوشا **شیراز** و وضع بیمثالش	خداوندا نگهدار از زوالش

در سفرنامهٔ خود **(سالی درمیان ایرانیان)** سروده است ، چنین میگوید :

Sweet is Shiraz and its incomparable site;
O God preserve it from decline....

ونیز در ترجمهٔ بیت **سعدی** :

خوشا تفرج نوروز خاصه در **شیراز**   که بر کند دل مردمسافر ازوطنش

در کتاب **تاریخ ادبی ایران** جلد دوم چنین می‌سراید :

O joyous and gay is the New-year's day and in Shiraz most of all,
Even the stranger forgets his home and becomes its thrall

✿✿✿

درمیان معاصران ما (قرن چهاردهم هجری) استاد بزرگ وادیب‌بزرگوار **سید احمد پیشاوری** (متوفی۱۳۴۹ ه. ق) که‌ازاجلّهٔ ائمّهٔ ادب درعصرحاضربود، در مثنوی موسوم به «**قیصرنامه**» شاهکار معروف خود که در اوان جنگ اوّل جهانی سروده‌است، درستایش از دلیران ووطن پرستان **پارس** ابیات بسیار ببحر تقارب میفرماید که از آنجمله است :

زدریا وکان، لعل و بیجاده را   نثار آورم **پارسی زاده** را.
رخ **پارسی زاده** پرنور باد   به **شیراز** در سال ومه سور باد!
تو ای ابر نیسان صدف زار شو   صدف از هوا گو گهر بار شو،
گهر بار برفرق شیران **پارس**   هزار آفرین بردلیران **پارس**!
ثنا گستر کشور **پارسم**   یکی هاشمی قنبر **پارسم**،
تویی یادگار از **جم** و **اردشیر**   همیدون بزی شادمان سال دیر!
تویی یادگار از نیاکان پاك   تویی پاسبان هم برین مرز وخاك،
کف موسوی، خاك بیضات باد   دم عیسوی، باد صحرات باد،
همه خاك **ایران** تن و، تو سری   که شیران لشکر شکن پروری،
چو شد از شما کاخ غیرت بپای   کلاه شما باد **بهرام** سای،
ز نعت شما زیور آراستم   رخ ماه و مینو بپیراستم ...

دردیوان سرآمد سخن‌سرایان اوائل قرن چهاردهم، مرحوم **امیری ادیب‌الممالك فراهانی** (متوفی ۱۳۳۶ه. ق)، قطعهٔ زیبایی‌است در وصف **پازارگاد**، که آن را **پارساگرد** خوانده است، وقبر **کورش** شاهنشاه هخامنشی را به «**رواق مثلث**» تعبیر کرده، از نقل آن نمیتوان گذشت میفرماید :

بگرد **پارس**حصاری ز**پارساگرد** است   که عشق آنجا استاد و، عقل شاگرداست

در آن **رواق مثلث** بروزگار دراز — گروهی‌ازخرد وهوش‌وجان‌ودل گرداست
بهشت را نستانم بگردی از ره **فارس** — که**فارس**معدن‌یاقوت وکان گوگرداست

خاتم شعراء مکتب‌باستانی ونوگل‌بوستان سخندانی، مرحوم **ملک‌الشعراء محمدتقی بهار خراسانی** که قرن مابوجود مسعوداومفتخراست ، دروصف**شیراز** منظوماتی چند دارد که ازهر یك برای زینت این مقال بیتی چند نقل میکنیم . ازجمله درغزلی لطیف ، از **ری** یاد **شیراز** میکند ومیگوید :

«بودآیاکه دگربار به **شیراز** رسم؟ — بار دیگر بمراد دل خود بـاز رسم
بودآیاکه ز **ری** راه**صفاهان** گیرم — از **صفاهان** بطربخانهٔ **شیراز**رسم
خیزم‌ازجای و،بدان‌شهرطرب‌خیز شوم — تازم از شوق و،بدان‌خطهٔ ممتاز رسم
بملاقات گرامی ادبائی کـه بـود — جمله را قول وغزل تالی اعجاز رسم
هست رازی ازلی در دل **شیراز** نهان — خرم‌آن‌روز که من بردل آن‌راز رسم
برسر مرقد**سعدی** که مقام سعدااست — بسته دست ادب‌و،جبهه قدمساز رسم
همت ازتربت**حافظ** طلبم ، وزمددش — مست و مستانه بخلوتگه اعزاز رسم
بودآیاکه ازین تنگ قفس نیم نفس — ببر صحبت مرغان خوش آواز رسم
حافظا بندهٔ رندان جهانست **بهار** — همتی تـا بیکی خواجهٔ دمساز رسم
مرغکی‌تازه پرم، زیر پرم گیر بمهر — تا بفیض پر وبال تو بپرواز رسم»

سپس ، بعد از آنکه به**شیراز** می‌رسد ، **منظومـه‌یی ببحر متقـارب** بنام **هدیهٔ شیراز** ارمغان میآوردو آن‌اشعاردرسال۱۳۱۱هجری شمسی‌سروده شده‌است :

بماناد **شیراز** نغز و هژیر — برامش درون جمله برنا وپیر
بباغ اندرش ،آب همچون گلاب — بکوی‌اندرش،خاك‌چون‌مشك‌ناب
چو فردوس باد آن خجسته دیار — « نه سرد و نه گرم و همیشه بهار »
ز خفتنگه **حافظ** و **سعدیش** — روان فیض تا **مسجد بردیش**
بر و بومش ، از کشت خالی مباد — ملخ خواری وخشکسالی مباد(۱)
بزرگانش را ، روی پستی مباد — کریمانش را ، تنگدستی مباد
سخن‌گسترانش ، ز محنت بری — همه روزه ،گرم سخن گستری
جوانانش ، پیوسته مست نشاط — فکنده بجشن و برامش بساط
مددکارشان سعی و امید بـاد — روانشان زغم رسته جاوید بـاد
تهی باد از استمگران شهرشان — ز داد و دهش سال ومه بهرشان

۱- **داریوش بزرگ** نیزدرسنگ نبشتهٔ دیوار جنوبی صفهٔ **تخت جمشید** چنین‌آورده است که: «اهورمزدا این کشور را (اشاره به **پارس** است) از دشمن وخشکسالی ودروغ محفوظ دارد.» م

ز خرد و بزرگش بلا دور باد　　　بهر خانه‌یی مجلس سور باد

بعد از آن در قصیده‌یی غرّا بسبك سخن سرایان **خراسان** ، **شیراز** مینو طراز را مدح فرموده وچنین سروده است :

شد **پارس** یکی حلقهٔ گزین　　　**شیراز** بر آن حلقه چون نگین
در حلقهٔ انگشتری **پارس**　　　**شیراز** بود گوهری ثمین
از سبزهٔ شاداب و سرخ گل　　　که یاقوتین و ، که زمردین
هرگز بیك انگشتری که دید　　　یاقوت و زمرد چنین قرین
زی بقعت **کوهی**[1] یکی برای　　　کان بقعه بهشتی بود برین
بر ساحت **بردیش**[2] بر سلام　　　کان بر دو سلامی است دلنشین
وز چشمهٔ **رکنیش**[3] نوش کن　　　تا شکر نوشی بر انگبین
بگذر سحری زی **سه آسیاب**[4]　　　وآنجا به **که خور** برآ ببین
کز عکس گل و لاله و سمن　　　شرمنده برآید خور از زمین
زی مسجد ویران **عمرولیث**[5]　　　بگرای و بنه بر درش جبین
قرآن کدهاش را درون صحن　　　با دیدهٔ قرآن شناس بین
زی مدفن **سعدی** بسر خرام　　　وندر بن آن پله برنشین
با سرخی اشك و سواد عین　　　بنویس که راه دل است این
ز آنجا بسوی **حافظیه** شو　　　زان خطه کفی خاك برگزین
وآن خاك بسر کن ، که ای دریغ　　　کو **حافظ** و آن طبع نازنین
زی تربت **خواجو**[6] برآی هان　　　بر مدفن **اهلی**[7] ، بنال هین
بر مرقد **بسحق**[8] کن گذر　　　ریزه هنر از خوان او بچین
بر خواجهٔ **دهدار**[9] ده درود　　　همت طلب از خاك آن زمین

نبایداز سخنانی که نادره سنجان شیرین بیان معاصر شیرازی درین عصر بثنای موطن خود در مقام مفاخره یا در توصیف سروده‌اند غافل نشست . آنچه خاندان **وصال**، که‌هریك گوهری‌در دریای کمالند ، سروده‌اند وآنچه دو مورخ شهیر **شیراز** کـه هر دو شاعری گرانمایه بوده‌اند یعنی **فسایی** و **فرصت** در دو

۱ـ بقعهٔ کوهی اشاره‌به‌قبر بابای‌کوهی درکوه شمالی شیراز .　۲ـ مجد بردی یا قصر الدشت باغستان‌مغرب شیراز .　۳ـآب رکناباد ،　٤ـآسیاب سه‌تائی درکنار کوه‌شمالی‌ازتفرجگاههای شیراز که فعلاً از میان رفته‌است .　٥ـ جامع عتیق‌شیراز : بنای عمرولیث صفاری و بیت القرآن در وسط آن بنای مربعی است که مرمت وتعمیری بسزا یافته .　٦ـ قبر خواجوی‌کرمانی در تنگ الله‌اکبرشیراز است.　۷ـ قبر اهلی در جوار حافظ است .　۸ـ مرقد بسحق اطعمه در تکیهٔ چهل‌تنان است .　۹ـ خواجه محموددهدار، از عرفاء عظام مدفون به درب سلم شیراز است .

کتاب نفیس خود **فارسنامه** و **آثار العجم** بیان فرموده‌اند، بسیار است و از نقل آنها سخن بدرازا می کشد . از آن میان بدو نمونه اکتفا میشود :

نخست چند بیتی از غزل بدیع وفنّی وپر صنعت استاد شاعران **شیراز** در اوائل سدهٔ چهاردهم ، یعنی **فصیح الملك محمد تقی شوریده** می آوریم ، آنجا که میگوید :

آن پریرواز درم روزی فراز آید ،نیاید		من همی خواهم که عمر رفته باز آید، نیاید
ازهوای خطهٔ **ری** ، وز نهاد مردم وی		بویی از **شیراز** علیین طراز آید نیاید..الخ

دوم قصیدهٔ غرّائی است که مرحوم **میرزا روحانی** بن **یزدانی** بن **وصال** سروده میگوید :

خوشا شهر **شیراز** و فرخ دیارش		کزو ملك **ایران** بود افتخارش
توگویی بگسترده فرش زمرد		بدست طبیعت همه سبزه زارش
ببر کرده نارنج بن سبز جامه		زکف تا بساعد همه زرنگارش
بدانسان که گفتند گویی مسافر		بنوروز دل برکند از دیارش
بود خاك او ، مهد دانش پژوهان		بهر گوشه دانشوری در کنارش
نهان گشته هریك چو گنجی بکنجی		برون است هر گنج ، از زخم مارش
چو درعجز، **روحانی** آمد ز وصفش		که تا برشمارد یکی از هزارش
همان به که از پاك یزدان بخواهد		که همواره آباد ماند دیارش

آقای **احمد حشمت زادهٔ شیرازی**، استاد شعر معاصر، قصیده‌یی غرّا در ثنای **فارس** ساخته‌اند که مطلع ومقطع آن اینست :

جان پروراست ودلکش ،آب وهوای **فارس**
گلزار خلد نیست بروح و صفای **فارس**
از خاك **فارس** دور بلاهای آسمان
آید بجان دشمن **ایران** بلای **فارس**

وبدین دوبیت در نقل اقوال سخن سرایان ختم مقال میکنیم .

✿ ❊ ❊ ✿

این بود شرحی مختصر از اشارات وتلویحاتی از کلمات بزرگان که در باب **فارس** بالاخص شهر **شیراز** هر یك بزبانی سخن گفته‌اند ودراینجا بطور اختصار

گردآمد. باشد که خوانندگان را رهبری نماید و اگر خواهند خود بمنابع و مصادر بتفصیل مراجعه توانند فرمود.

اینک بحمدالله درپایان این فهرست پرافتخار نام‌نویسندهٔ نامور **اقلیم پارس** ثبت گردیده و این یادگار خیراز آن دانشمند باستانشناس بجای مانده است. از خداوندگار بزرگ توفیق و نیکبختی وبرکت برای مؤلّف و ناشر و خواننده مسألت دارد.

بندهٔ درگاه بی‌نیازی

علی‌اصغرحکمت‌شیرازی

تهران - اردی‌بهشت ۱۳۴۳

مادّهٔ تاریخ کتاب : اثر طبع لطف و عنایت آمیز دانشمند گرامی استاد جلال‌الدّین همایی متخلص به **سنا**

هُوالحق

در ظلّ رهبری شهنشاه دین پناه — کز عدل او شده است بنای ستم خراب
وان «انجمن» که حامی «آثار ملّی» است — اعضاش منتخب ز جنابان مستطاب
خاصّه رئیس هیئت اجرای انجمن — کو را بجاه و رتبه «سپهبد[1]» بود خطاب
هم در صفای خلق بود نادر النّظیر — هم در وفور فضل بود کامل النّصاب
سیّد تقی مصطفوی فاضل جلیل — کز دفتر زمانه بود فرد انتخاب
گنجی پدید کرد از آثار باستان — با زحمت فراوان با رنج بی حساب
نو کرد روزگار کهن را چنانکه باز — ملک کهن گرفت ز نو رونق شباب
پرداخت این کتاب که اقلیم پارس را — سر زنده کرد همچو گل از ریزش سحاب
هر نکته‌یی که بود در این نامه درج کرد — چونانکه بازبینی و خوانیش فصل و باب
با دست جهد نیروی توفیق کردگار — شد در ظهور این اثر نغز کامیاب

---

(۱) تیمسار سپهبد فرج‌الله آق‌اولی رئیس هیئت مدیرهٔ انجمن آثار ملی

خدمات، احداث **آرامگاه ومجسمهٔ شیخ اجل سعدی** وبنای **آرامگاه شیخ الرئیس ابوعلی سینا ومجسمهٔ او وبرگزاری جشن هزارهٔ آن حکیم بزرگ** درزمان ریاست هیأت مدیرهٔ انجمن آثار ملی معظم له انجام پذیرفته است، بخوبی درك میشود که پیشنهاد **تیمسار سپهبد آق اولی** وحسن قبول **کلیهٔ اعضاء هیأت مؤسسان** چه نیکو مبین حس قدر شناسی وارج گذاری بزرگان قوم نسبت به حق خدمت سابقان وپیش کسوتان تواند بود. وبدین ترتیب، هنگام پایان چاپ کتاب، مقدمهٔ آن بزیور خامهٔ ریاست محترم هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی آراسته گشته است.

نام اعضاء هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی که عملاً وبطور افتخاری در راه هدفهای آن انجمن بذل همت میفرمایند با اطلاعات دیگری دربارهٔ انجمن مزبور طی صفحات سی، وسی ویك دیباچهٔ کتاب ذکر گردیده است وبدین لحاظ، به آرزوی توفیق بیشتر درراه چنین خدمات مقدس، توضیح دراین باره را پایان می بخشد.

مهر ماه ۱۳۴۳

سید محمد تقی مصطفوی

دیباچه

بنام خدای بی‌همتا

هر که نه گویای تو، خاموش به   هرچه نه یاد تو، فراموش به

معرّفی آثار تاریخی ایران و آشنائی بیشتر وبهتر فرزندان این آب وخاك به‌یاد گارهای فرهنگی وهنری نیاکان خویش ازجملهٔ هدفهای دیرین کلّیهٔ علاقمندان ومقامات مربوط بوده مخصوصاً وزارت فرهنگ وانجمن آثارملّی دراین‌باره کوشش بسیار بعمل آورده ومیآورند وبرای انجام این خدمت در سالهای اخیر علی‌الخصوص نسبت به تهیهٔ کتب راهنمای مناسب جهت آثار تاریخی ایران درجلسات ماهیانهٔ هیئت مؤسّسین انجمن آثار ملّی مذاکره وتأکید فراوان شده ومیشود.

کتابی که‌ازنظرخوانندگان‌ارجمند میگذرد بدین‌منظور تهیّه گردیده‌است که گامی هرچند نارسا درراه نیل باین هدف کلّی برداشته شده باشد وبا اعتراف به‌نقص آن اطمینان دارد درآینده برای تکمیل اینگونه خدمات ورفع نواقص موجود درچنین نشریّاتی جوانان دانشمند و پرشورمیهن عزیز آنطور که لازمهٔ خدمت به‌آثارباستانی کشورشان هست همّت گمارده‌کارهای ناقص پیشین رابمرحلهٔ تکامل نزدیك خواهند نمود وناکرده‌های فراوانی راکه دراین راه هست بصورتی بهترو رساتر انجام خواهند داد.

سرزمین پهناورفارس علاوه برآنکه مهد نخستین شاهنشاهی بزرگ ایران یعنی شاهنشاهی هخامنشی دراواسط قرن ششم پیش‌ازمیلاد بوده است ازقدیمترین ومهمترین مراکزتمدّنهای باستانی این کشور کهن سال بشمارمیرود وآثار هنری

ونمونه‌های صنایع ادوارپیش ازتاریخ که مربوط به هزارهٔ چهارم پیش ازمیلاد مسیح به بعداست درسینهٔ تپّه‌هاودل کوهساران وداماندشت وهامون آن وجوددارد که شمّه‌ای ازآنهارا درکاوشهای علمی گوناگون بدست آورده‌اند (۱)، دردوران عیلامیان نیزهمین سرزمین (یالااقل قسمتهای غربی وجنوبی ومرکزآن) قسمت شرقی کشور عیلام بوده نقوش برجستهٔ آنزمان در کوهستانهای پارس(۲) گواه بسط تمدّن عالی اصیل ایرانی وبس قدیمی مزبور درآن سامان است.

بقایای کاخهای معظم هخامنشی درپاسارگاد وتخت جمشید وساختمانها و آرامگاههای گوناگون همان دوران درویرانه‌های استخرونقش رستم وقصرابونصر وفرمشگان و سَروَان (خاك ممسنی) وگوردختر(سرمشهد) ونشانه‌هائی دیگر از فعّالیّتها وساختمانهای آنعهد درنقاط پراکندهٔ فارس (۳) میرساند که سرزمین پارس ومهد شاهنشاهان هخامنشی در دوران این سلسله چگونه راه آبادانی وشکوه و جلال رامی پیموده است.

پس ازآتش سوزی اسکندر درتخت جمشیدتاطلیعهٔ شاهنشاهی ساسانیان آثار وابنیهٔ زیادی درخاك فارس سراغ نمیرود- بنای مهمّی که ازعهد اشکانی تاکنون دراین استان تاریخی شناخته‌ایم برج نورآباد است وآنچه ازروی قرائن برمیآید نقش برجستهٔ موجود درقدمگاه واقع درناحیهٔ کارزین (مذکور درصفحهٔ ۱۰۳ متن کتاب) نیزاحتمالاً به عهداشکانی تعلّق‌دارد که امید میرود مانندبسیاری ازآثار ناشناس وپوشیده ماندهٔ فارس باکوشش وعلاقهٔ عناصر باذوق موردبازدید وبررسیهای علمی قرارگرفته وضع آن برخلاف گذشته روشن گردد.

باتوجّه باینکه بقایای ابنیه وآثارعهد اشکانی که تاکنون درقسمتهای دیگر کشورایران مورداطّلاع است بیش ازچهاریاپنج عددنیست طبعاً نبودن آثارچندانی

(۱) بصفحات ۱۴ و ۱۶- ۱۸ و ۲۰ و ۴۵ - ۴۷ و ۸۴ و ۲۲۱ و ۳۱۹ و ۵- ۳۶۴ مراجعه شود.

(۲) بصفحات ۳۷ و ۴۰ و ۸ - ۱۳۷ و ۱۴۲ و ۲۱۹ و ۸ - ۳۳۴ و ۴۰۰ و ۴۵۱ مراجعه شود.

(۳) بصفحات ۱۷ و ۱۹ و ۴۳ و ۱۰۱ و ۶ - ۳۶۵ و ۴۱۴ و ۷ - ۴۱۶ مراجعه شود.

از آن دوران درخاك فارس نیز امری شگفت آور نخواهد بودون کر این نکته بخصوص را بمورد میدانند که برج نور آباد بشرحی که درمتن کتاب توضیح داده شده است(۱) اثر تاریخی منحصر بفرد بس مهمّی بشمار میرود ومیتوان گفت ازمیان تعداد انگشت شمار آثار عهد اشکانی در خاك ایران برج نور آباد از لحاظ دقّت در ساختمان واستادی کـه در تراش تخته سنگها وجزم بودن آنها بکاررفته است بنای تاریخی درجهٔ اوّل محسوب میگردد وچنین اثر برجستهٔ عهداشکانی موجود درداخل ایران هم کـه در حال حاضرمورد اطّلاع است درخاك فارس قراردارد و بالاخره این امتیاز نیز به همین سرزمین تعلّق مییابد .

در دوران شاهنشاهی ساسانی یکباردیگرمرز وبوم پـارس کانون شاهنشاهی ایران ومرکزعمران وآبادی فراوان واقع میگردد وکاخها وآتشکده‌ها ونقوش برجستهٔ نواحی مختلف نموداری ازهمین معنی است که درتلو صفحات کتاب دربارهٔ هر کدام آنها درمحلّ خودتوضیحاتی بنظرخوانندگان ارجمند میرسد .

راه دریائی ایران و کشورهای خاورنزدیك به هندوستان وچین درعهد ساسانیان ازخلیج فارس بود وبندرسیراف (نزدیك بندرطاهری) که بوسیلهٔ جادّهٔ سنگ فرش قدیم بداخل خاك فارس مربوط میگردید (۲) از مهمترین پایگاههای راه مزبور بوده است وباتوجّه بارتباط بازرگانی شرق وغرب ازراه جزیرهٔ خارك(۳) در روزگاران قدیم بخوبی میتوان ازاین بابت هم باهمیّت خاك فـارس بیش از پیش پی برد .

بنابرآنچه گذشت وبگواهی آثارفخیم وفراوان ادوار باعظمت هخامنشی و ساسانی موجود درخاك فارس بسادگی میتوان دریافت کـه برای درك تمدّن وهنر دورانهای شاهنشاهی پیش ازاسلام ایران **اقلیم پارس** رانه چنان اهمیّتی است کـه بتوضیح ووصف درآید وباستثنای سنگ نبشته‌ها ونقوش برجستهٔ **بیستون** وتپّهٔ باستانی **هگمتانه** (همدان) وویرانه‌های **آپادانای شوش** ونبشته‌های موسوم بـه **گنجنامه** (یاجنگ نامه) در کوه الوند وصفّهٔ تاریخی **مسجد سلیمان** درخوزستان وآتشکدهٔ

---

(۱) در صفحـات ۱۳۰ و ۱۳۱ متن کتاب . (۲) به صفحهٔ ۱۰٤ متن کتاب مراجعه شود . (۳) که درصفحهٔ ۱٤٦ بدان اشاره شده است .

آذرگشنسب تخت‌سلیمان‌در آذربایجان و بنای آجری شیوائی که برفراز کوهستان درمحلّ موسوم به **قلعه‌ضحّاکی** بربالای مسیر راه‌آهن نزدیك ایستگاه خراسانك بین‌میانه ومراغه واقعست ونقوش برجستهٔ کوهسار **خان تختی** درنزدیکی شاهپور (آذربایجان) وبالاخره آثار تاریخی **طاق بستان** ،آنچه از شاهنشاهان هخامنشی وساسانی در کشور کنونی ایران بنیاد گردیده ومورد اطّلاع است درسرزمین فارس قرار داد .

پس‌از ضعف وانحطاط سلسلهٔ ساسانی کـه باظهور پرتو اسلام مقارن بودو به‌انقراض شاهنشاهی‌سلسلهٔ‌نامبرده منجرّ گردیددرطول‌چندقرن‌سرزمین‌عزیزفارس دستخوش نابسامـانی وبی‌سرانجامی قرار گرفت وبراثر حملات و هجومهائی کـه خواه ازجانب شمال ومغرب وخواه ازراه‌دریای عمّان وخلیج فارس‌بمهدشاهنشاهان گرانقدر ایران رومیآورد آرامش‌درآن دیارحکمفرما نبودوطبعاً درچنین وضعی امراحداث وآبادانی ابنیهٔ مهمّ که لازمهٔ آن آسایش وامنیّت ورفاه اجتماع است صورت پذیرنمیگشت ، باوجود این آثارتاریخی مهمّ چندی مـانند قسمت قدیمی **مسجد جامع عتیق‌شیراز** (که بخشی ازشبستان جنوب غربی‌مسجدازآن باقیست) و **قلعهٔ استخر** و **بند امیر** از یادگارهای عضدالدّولهٔ دیلمی‌مربوط بقرن چهـارم و **مسجد جامع نیریز** ازمهمترین ابنیهٔ‌ایران درهمان‌قرن گواه روح‌زنده وپایدار مردم فارس درایجاد ابنیه وآثارجاوانی میتواند بود .

ازعهد سلجوقی (قرن‌پنجم وششم هجری) ابنیه واثرقابل ذکری کـه مورد اطّلاع باشددرخاك‌فارس‌سراغ نمیرود[1] ودرنتیجه‌ابنیهٔ‌ممتازآن دوران‌نظیرمساجد جمعهٔ اصفهـان وقزوین واردستان وزواره و گلپایگان ودیگرمساجد مستحکم و شیوای‌آنعهد وهمچنین برجها ومناره‌هائی مـانندآنچه درنقاط مختلف خراسان و دامغان واصفهان ورضائیّه وغیره وجود دارد یاابنیه‌أی چون گنبد سرخ مراغـه و

(۱) لازم بتوضیح استکه بنای استوار **گنبد علی** یا **گنبد عالی** درابرقو از بهترین وشیواترین ابنیّهٔ قرن‌پنجم هجری‌خواه ازنظرسبك معماری‌وخواه ازلحاظ علت بنیادآن‌بسرزمین **دیلم** (درجنوب گیلان) پیوستگی دارد وبدین جهت نمیتوان آنرا ازابنیهٔ محلی‌وبومی فـارس بشمار آورد .

گنبد جبلیّهٔ کرمان ونظائر آنهـا درسرزمین فارس‌مورد اطّلاع نگارنده نیفتاد و دورنیست که باتجسّس وتحقیق بیشتراز اینقبیل آثاردرخاك عزیزفارس‌هم مشهود گردد ودرغیر اینصورت بایدچنین پنداشت که استان فارس فـاقد اینگونه ابنیه و آثار مهمّ میباشد وطبعاً بین‌یاد گارهـای معظم ادوار تاریخی پیش‌از اسلام وقرون اوّلیّهٔ اسلامی درخاك فارس باآنچه ازآثار تاریخی مربوط بادوار بعد از سلجوقی در استان مزبور موجود است حدّ فاصلی درمیـان خواهد بود (۱) .

---

(۱) طبق آنچه درگزارش مختصرمربوط به‌افریقا (نگارش‌آقای شجاع‌الدین شفا دبیر کل شورای فرهنگی سلطنتی ایران) مرقوم رفته است‌پس‌ازحملهٔ اعراب بایران بسیاری ازایرانیان ازراه خلیج‌فارس ودریای هندبـه قسمتهای شرقی افریقـا روی‌آوردند وعلاوه برآنکه درقسمت کشتی‌رانی بازرگانی واموردیگرمنشاءخدمات زیادشدند دراواسط قرن‌چهارم هجری یك‌شاهزادهٔ دیلمی ازخاندان‌آل‌بویه بنام علی بن‌حسن شاهزادهٔ شیرازباشش پسرخود وعدهٔ زیادی همراهان ازخلیج فارس‌باهفت کشتی بافریقای‌شرقی‌رفت وبنادروسواحل رایکایك تصرف کرد ویك‌امپراتوری شیرازی‌افریقا بنام **«زنگ»** درآنجا تشکیل‌داد که عربهابدان **«زنج»** میگویند این‌امپراطوری قریب پانصدسال دوام یافت وپایتخت‌آن کیلواکی سیوانی (Kilwa - Kisiwani) در۱۵۰ میلی جنوب دارالسلام فعلی‌بود . بهمین‌جهت در کتابهای اروپائی این امپراطوری رابنام پایتخت آن امپراتوری **«کیلوا»** نامیده‌اند ، ازمنابع مهم‌اطلاعات مربوط به‌این‌امپراطوری کتـابی‌است که یکنفر پرتقالی بنام دبارس (De Barros) درسال ۱۵۲۲ میلادی نوشته طی‌آن تاریخچهٔ امپراتوری شیرازی افریقا ونام‌چهل‌ونه سلطان سلسلهٔ شیرازی مزبوررا ذکرنموده‌است .

درموزهٔ بریتانیا نیزسه مجموعهٔ سکه متعلق به سـالهای ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی وجود دارد که متعلق‌به پادشاهان ایرانی افریقا است .

منابع دیگردربارهٔ سلسلهٔ مزبور (علاوه بر کتابها وسفرنامه‌های مربوط به سلسلهٔ ایرانی سابق‌الذکر) خرابه‌هـای آثاروابنیهٔ متعلق‌به آنهابشمار میرود ، ازجملهٔ این‌آثار بقایای مسجد **«کیلوا»** است که توسط بزرگترین‌سلطان سلسلهٔ نامبرده‌بنام سلیمان فرزندحسن (**۵۵۶تا۵۷۵** هجری قمری مطابق با ۱۱۶۱ تـا ۱۱۷۹ میلادی) ساخته شده است ـ همچنین بقایای آثار و ابنیهٔ مختلف در **زنگبار** و جزیرهٔ **تومباتو** و **مالیندی** و **مومباسا** کـه همه را بااسلوب معماری ایرانی ساخته‌اند .

ازبقایای دیگراین آثارویرانه‌های کاخی درکنیا (Kenya) است که ظاهراً یکی‌ازقصور سلطنتی‌سلسلهٔ ایرانی‌نژاد سرزمین مزبوربوده اهالی‌آنجا نیزنام شهری راکه‌کاخ موردذکردرآن قرارداشته است **«شیراز»** مینامند (علاقه‌مندان بااطلاعات بیشتر دراین باره ممکن است به متن «گزارش مختصرمربوط به افریقا» نگارش آقای شجاع‌الدین شفا کـه حـاوی مطالب وتوضیحات زیادتر دراین موضوع بوده درتیرماه ۱۳۴۲ نسخه‌هائی‌ازآن منتشر گردیده ومطالب سابق‌الذکر نیزازآن نقل واقتباس شده‌است وهمچنین بـه مقالهٔ دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی تحت عنوان«شیرازیهای افریقای‌شرقی» درروزنامهٔ پارس (چاپ‌شیراز) شمارهٔ ۲۷۲۴ مورخ۴۲/۵/۱۷ مراجعه فرمایند .

دردوران اتابکان که مقارن باقرن هفتم هجری و همزمان باعهد مغول بود و براثر طرز سلوك اتابك ابوبکر بن سعد بن زنگی خاك فارس تاحدّ زیادی ازفتنهٔ خانمانسوز مغول ایمن مـاند ابنیهٔ متبرّك وتاریخی مهمّی درشیراز و نقاط دیگر فارس احداث گردید ودنبالهٔ آن در دوقرن هشتم ونهم هجری نیز ادامه یافت کـه زیارتگاهها و بقاع معروف شیراز وبقعهٔ شیخ یوسف درسروستان وابنیهٔ مختلف درسایر نواحی خاك فارس ازجملهٔ همین ابنیه وآثار بشمارمیرود .

دربارهٔ آثاروابنیهٔ تاریخی شیراز درقرون هشتم تادهم هجری ذکردونکتهٔ زیررا بمورد میداند :

۱ـ باتوجّه به وضع ساختمانی حرمهای مطهّر بقاع شاهچراغ وسیّد میرمحمّد وآستانهٔ سید علاءالدّین ملاحظه میشود که احداث حرم چهارضلعی باچهارشاه نشین طولانی در چهار جانب آن شیوهٔ مخصوص معماری اماکن متبرّك وزیارتگاههای معتبر شیراز درقرون هشتم ونهم ودهم هجری بوده است وهمین سبك معماری نیزدر بعضی ازابنیهٔ دوران زندیّه مانندبنای واقع دروسط باغ جهان نماوبنای معروف به کلاه فرنگی (محلّ موزهٔ پارس) کاملاً بچشم میخورد واین طرح بناهمانست که در تالار بزرگ کاخ عظیم سلطنتی بیشاپور (شاپورکازرون) نمودارمیباشد(۱) .

۲ـ بنای خداخانه دروسط صحن مسجد جامع عتیق شیراز (مورّخ بـه سال ۷۵۲ هجری) مشتمل براطاق مربّعی دروسط وایوانهائی محاط برچهارجانب آنست ودرچهار گوشهٔ خارجی بناچهار پایهٔ جسیم مدوّرسنگی بصورت چهارستون سترك یاچهارمنارهٔ کوتاه که بلندی آنهـاهم طراز بابلندی سایرقسمتهای بناءاست بنیاد نموده‌اند(۲) که درعین استوار داشتن لنگه طاقهای ایوانهای چهارجانب موجب زیبائی وتناسب این بنای شیوا گردیده است .

بامختصر آشنائی به نقشهٔ آتشکده‌های ایران درعهد ساسانی میتوان شباهت

---

(۱) توصیف تالارآن درصفحهٔ ۱۲۲ مذکورونقشهٔ آن درشکل ۱۸۱ـ صفحهٔ ۳۰۳ کتاب مندرج است .

(۲) بصفحات ۶۵ و ۶۶ و۲۵۱ مراجعه شود .

نقشهٔ خداخانه رابانقشهٔ قسمت‌مرکزی چنین آتشکده‌هائی دریافت چنانکه دربنای آتشکده بنام **آتشکوه** (ازابنیهٔ منسوب‌بدوران اردشیر بابکان واقع‌درجنوب‌غربی **دلیجان** که ازجادّهٔ دلیجان‌به **محلات** پیش‌از رسیدن به **نیماور** ازراه فرعی دست چپ بدانجا میرسند) اطاق مرکزی و دهلیزهـای چهارجانب آن شبیه ساختمان خداخانه بوده ستونها یا پایه‌های چهار گوشهٔ اطاق نیزبصورت نیم‌دائره‌های متّکی به‌پایهٔ سنگی ساخته شده است[۱].

ازطرف دیگر بنای خداخانه درقرون بعدی منشاء نوعی‌معماری گردید که به‌پیروی ازآن منارهٔ کوتاه یابلندی درهر یك از چهـار گوشهٔ بعضی ابنیه احداث نمودند واین‌سبك معماری بوسیلهٔ استادان ایرانی درآثارمتعدّد اسلامی هندوستان وبخصوص‌ابنیهٔ بسیارعالی‌ومهمّ **آگرا** (هندوستان) بسیارمعمول ومتداول شدونمونهٔ بارزتر ازتمام‌آنهارامیتوان‌آرامگاه اعتمادالدّوله (میرزاغیاث‌الدّین‌محمّدطهرانی) خزانه دار وصدر اعظم جهـانگیر از شهریاران هندوستان (معاصرشاه عبّاس اوّل) دانست کـه درخلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری بفرمـان دخترش نورجهـان (همسرجهانگیرسابق‌الذّکر) درآگرا احداث‌شده‌است[۲] وبجرئت میتوان گفت بنای شگرف وزیبا وبی‌نظیرتاج‌محلّ درآگرا که شهرت‌عالمگیرداردوچهارمنارهٔ بلنددرچهار گوشهٔ آن‌سربآسمان افراشته است‌وبرزیبائی وعظمت خیره کنندهٔ این **شاهکارهنری‌جهان** بس‌می‌افزاید[۳] نیزازاین‌شیوهٔ معماری‌اصیل‌ایرانی‌بنحوعالی

(۱) برای اطلاع دربارهٔ آتشکده‌های ایران ونقشهٔ آنها وازجمله بنای آتشکوه ممکن است به‌کتاب آثار ایران (نشریهٔ پیشین ادارهٔ کل باستان شناسی بزبان فرانسه ـ جلد سوم ـ مجلد اول ـ چاپ هارلم ۱۹۳۸) مراجعه نمایند.

(۲) دراینمورد مناسب میداند توجه خوانندگان ارجمندرابه توضیحات مربوط به‌مسجد جامع داراب که طی‌صفحات ۴۹۳ ببعدمرقوم رفته است جلب نماید.

(۳) بنای تـاج محل‌ازسال ۱۰۴۰ تا ۱۰۵۸ هجری بفرمان شاه‌جهان (پسرجهانگیر) برای آرامگاه همسرش ممتـاز محل شهبانوی ایرانی الاصل ومشهور هندوستان دختر عین‌الدوله آصف‌خان (پسر اعتمادالدوله طهرانی‌سابق‌الذکرصدراعظم‌جهانگیر) ساخته شده‌است، طبق‌آنچه درمجلهٔ کلبانگ شماره سوم ضمن‌مقاله‌ای تحت‌عنوان «تاج‌محل ـ هنرایرانی درخارج ایران» اشاره رفته است‌طرح بنـای تاج‌محل «بوسیلهٔ یك معمارهنرمند ایرانی‌بنام استادعیسی شیرازی

(بقیهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد)

وبسیارشیوا برخوردار گردیده است.

این نکته درخور توجّه است که نه سازندگان بقاع متبرّک شاه چراغ وسید میرمحمّد وغیره یامعماران دوران کریمخان زند ازنقشهٔ آتشکدهٔ بیشاپور (که ویرانه‌های آن تاسال ۱۳۱۶ شمسی دردل خاك مدفون بود) اطّلاع داشته ونه بنیان گذاران بنای خداخانه از طرح وهیئت ساختمانی بنای آتشکوه یا آتشکده‌های دیگر باخبر بوده‌اند واین شباهت ابنیهٔ اسلامی فارس با آثارمعماری پیش ازاسلام آن استان تنها بدلیل مداومت سنّت معماری وبقای طرح وهیئت ابنیه است که بطور سینه بسینه درنسلهای متمادی استادان وهنرمندان فارس وفارسی باقی‌مانده منجر بایجاد اینگونه ابنیه باچنین شباهتها وهمانندیها گردیده است (۱).

ریخته شد. « داخل آن درزیر گنبد عظیم وعالی درون محجرمرمری مشبك فوق‌العاده عالی وممتاز دوسنگ قبرمرصع مرمری زیبابربالای دوسکوی مرمر مرصع نصب است، برکنارسنگ قبری که دروسط قراردارد چنین نبشته شده‌است «مرقد منور ارجمند بانوبیگم مخاطب به ممتازمحل توفیت فی‌سنهٔ ۱۰۴۰» برکنارسنگ قبردیگر نیزچنین نگاشته‌اند: «مرقدمطهراعلیحضرت فردوس آشیانی صاحبقران ثانی‌شاه جهان پادشاه طاب ثراه. سنهٔ ۱۰۷۶ - درشب بیست‌وششم شهررجب سنه هزاروهفتاد وشش‌هجری ازجهان فانی‌بیزمگاه جاودانی انتقال کردند»، درانتهای حاشیهٔ اطراف درب ورودی حرم تاج‌محل این‌کلمات خوانده میشود: «کتبه الفقیرالحقیر امانت خان‌الشیرازی فی‌سنهٔ هزاروچهل وهشت هجری مطابق‌سنهٔ نوزدهم جلوس‌مبارك».

اجمالا میتوان گفت که بنای‌تاج محل‌ازدرون وبیرون گوهر گرانبهای هنرمعماری مشترك ایران وهندبوده عشق وشورفراوان شهریارهند بـه شهبانوی خودآنرا پدیدآورده است وعلاوه برآنچه بین‌ایران وشبه قارهٔ هنداز‌طریق ادبیات وتاریخ مشترك وعوامل معنوی دیگر ارتباط و پیوستگی‌حاصل‌بوده وهست آثارمعماری نیزچشمهٔ دیگرهم‌بستگی وعلائق دیرین دوملت و کشور باستانی بشمارمیرود.

(۱) درنزدیکی تپهٔ چغازنبیل درخوزستان بمسافت قریب چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش که محل‌معبد عظیم دوران عیلام‌بوده بوسیله اونتاش گال (Untash-gal) شهریارمعروف عیلام دراواسط‌قرن‌سیزدهم‌پیش‌ازمیلاد ساخته شده‌است بقعهٔ‌جدیدی بنام **سیدصائم** قرارداد که مدفن‌سیدصائم نیای سید کرم مالك وشخصیت محترم‌آن ناحیه است ومنظر خارجی وهیئت کلی این‌بقعهٔ ساده عیناً مانندآتشکده‌های عهدساسانی است که بصورت چهارطاقی‌ساخته باشند ودرنظر اول تصورمیرود یکی‌ازهمان چهارطاقیها باشد ولی‌چون نزدیك‌شوند وبداخل آن‌روند درمی‌یابند که بنائی‌تازه است‌واین شباهت نتیجهٔ‌بقای سنن‌وسبکهای ساختمانی‌قدیم درذهن استادان محلی ومعمر میباشد همچنانکه لغات پارسی باستانی ودری هم درزبانهای محلی بهمین گونه باقی و زنده مانده است.

آثاراستادان وهنرمندان شیرازی طیّ قرون گذشته درسرزمینهائی دوراز خاک‌فارس‌منحصر به آنچه‌اجمالاً درباره‌ٔ ابنیهٔ عالی آرامگاه اعتمادالدّوله وتاج‌محلّ اشاره شدنبوده است‌بلکه سالیان درازپیش ازنفوذهنر فارس وفارسیان به شبه قارهٔ هند وپاکستان ابنیهٔ نفیس بس شیوائی در مشهد مقدّس ونقاط دورتر ازآن در خطّهٔ خراسان بوسیلهٔ استادان زبردست شیرازی احداث گردیده است که همگی آنها ازبهترین و درخشانترین مظاهردینی وملّی و فرهنگی وهنری ایران بشمار میرود ونمونه‌های آن ازنوشته‌هائی که ذیلاً نقل‌میگردد بخوبی پدیدار است :

۱ـ در قسمت پائین پایه‌های طرفین ایوان بزرگ جلو مقصورهٔ مسجد گوهرشاد مشهدبرجبههٔ طرف صحن بخطّ ثلث‌باکاشی معرّق سفیدبرزمینهٔ‌لاجوردی چنین نوشته‌اند :

برپایهٔ جانب راست : **اتفق‌تحریرها فی‌اوائل شهرالله المبارك رجب المرجب سنه احدی عشرین وثمانمائه .**

برپایهٔ جانب چپ : **عمل‌العبد الضعیف المحتاج لعنایت‌الملك الرحمن قوام‌الدین بن‌زین‌الدین شیرازی‌الطیان** (کلمه طیّان مشتق‌ازطین ـ بمعنی خاک ـ بوده مقصود ازآن شغل‌معماری توأم باهنرکاشی‌پزی وکاشیکاری است وهمانطور که ازین کلمه برمیآید استاد قوام‌الدّین شیرازی هنرمعماری وکاشیکاری خودرا در مسجد جامع گوهرشاد بکاربسته است) (۱) .

۲ـ درجانب راست‌ایوان‌بزرگ وبلندبقعهٔ‌تربت‌جام‌برروی‌دیوارصحن‌درون لوحهٔ ده ضلعی‌کاشی معرّق بخط ثلث سفید برمتن‌لاجوردی چنین نگاشته شده است :

هذه‌العمارة عمل العبدالضعیف استاد حاجی (محمود) (۲) زین جامع

---

(۱) بناهای تاریخی دیگرهم درمشهد هست که میتوان ازجملهٔ آنهامسجد شاه ومدرسهٔ شاهرخ یامدرسهٔ دو در ومدرسهٔ پریزاد رانام بردکه همزمان بامسجد گوهرشاد ساخته شده نام سلطان شاهرخ‌تیموری نیزدربعضی‌نوشته‌های‌آنها موجوداست ویقیناً این‌ابنیه هم‌ساخته وپرداختهٔ همان استادان سازنده وکاشیکار مسجد گوهرشاد میباشد .

(۲) نام محمود برروی لوحه بخط ریزتر ازسایرکلمات وبربالای کلمه حاجی‌مرقوم رفته است ومیتوان گمان نمود که مقصود ازآن نام‌نویسنده خط یانام استادیکه زبردست استاد اصلی کارمیکرده است باشد .

شیرازی غفر الله له فی‌سنة اربع واربعین وثمانمائه .

۳ـ درمدرسهٔ خرگرد بردیوار ایوان روبروی درب ورود مدرسه روی‌لوحهٔ کاشی معرّق‌بخطّ ثلث سفید برزمینهٔ لاجوردی چنین‌نوشته شده است :

بنت هـذة المدرسة المبارکة الغیاثیه علی ید العبد المرحوم استاد قوام الدین شیرازی وتمت بعمل استاد غیاث الدین شیرازی .

مدرسهٔ غیاثیّهٔ‌خرگرد که‌استاد سازندهٔ‌آن‌بشرح کتیبهٔ‌بالا **استاد قوام‌الدین شیرازی** بوده وبوسیلهٔ**استاد غیاث الدین شیرازی** ساختمان‌آن‌پایان‌پذیرفته‌است طبق‌آنچه‌در کتیبهٔ سردرمدرسهٔ‌مزبورمرقوم‌رفته‌درسال۸۴۸هجری‌باتمام‌رسیده‌است.

هرسه بنـای سابق الذّکر (مسجد گوهرشاد ـ ایوان وصحن تربت‌جام ـ مدرسهٔ غیاثیّهٔ خرگرد) درزمان سلطان شاهرخ تیموری (۸۰۷ تا ۸۵۰ هجری) فرزند امیر تیمور کورگان (۷۷۱ تا ۸۰۲ هجری) احداث گردیده است و بنای اخیر الذّکر (مدرسهٔ غیاثیّه) ازجمله‌آثاری است که بفرمان **خواجه غیاث‌الدین پیراحمد خوافی** وزیرسلطان شاهرخ ساخته شده بود (وبهمین مناسبت نام آنرا **مدرسهٔ غیاثیه** گذارده‌اند که تصادفاً بانام‌استاد غیاث‌الدّین‌شیرازی تکمیل کننده وپایان دهندهٔ ساختمان مدرسه نیز تطبیق‌مینموده است) .

اثربرجستهٔ دیگری هم که بفرمان‌خواجه غیاث‌الدّین پیراحمد خوافی در خراسان ساخته‌اند بنای مسجد مولانا درتایباد (نزدیك مرز افغانستان کـه برخی اوقات به غلط‌آنرا طیّبات مینویسند) است کـه مشتمل برشبستان عظیم باپوشش گنبدی آجری بلند وایوان بس‌عالی ورفیع بوده در کنارمرقـد شیخ زین‌الدّین ابوبکرعلی تایبادی عارف‌ربّانی وعالم روحانی نامی‌معاصر امیرتیمور میباشد وبنام آن بزرگواربنا گردیده است(۱). تاریخ‌اتمام ساختمان این‌بنای عالی‌هم طبق‌آنچه

(۱) مرقدشیخ زین‌الدین ابوبکرعلی تـایبادی درجلو ایوان مسجد مولانا درصحن حیاط قرارگرفته اطراف‌آن محجرمشبّکی ازسنگ سیاه رنگ متعلق‌بزمان‌شاه عباس‌بزرگ قرارداشت که اکنون قطعات آنرا درون یکی‌از اطاقهای کنارایوان نگاهداری میکنندوطبعاً بایددرمحل خودبوضعی اطمینان بخش‌نصب گردد ، مرقدشیخ الاسلام احمدجامی نیز بهمین‌ترتیب درجلوایوان بلند بنای تربت‌جام قراردارد واین‌سبك زیارتگاه که مرقدداخل حرم وزیرسقف نباشد معمول‌به مشرق خراسان وخاك افغانستان بوده باروبه وعقیدهٔ اهل‌تسنن بهترمطابقت مینماید .

در کتیبهٔ بدنهٔ جنوبی ایوان آن مرقوم رفته است سال ۸۴۸ هجری است واز روی قرائن مختلف وضع اصلی ساختمان وطرح ایوان و تزئینات کاشیکاری آن بخوبی برمیآید که استادسازندهٔ آن‌همان استاد غیاث‌الدّین شیرازی بوده که بنای‌مدرسهٔ غیاثیهٔ خرگرد رابا تمام رسانیده است(۱).

بجرئت هرچه تمامترمیتوان گفت که کاشیکاری معرّق توأم باقطعات فراوان کوچك سنگ مرمر هندسی‌شکل‌ازارهٔ مسجد مولانا(۲) وکاشیکاری معرّق‌فیروزه‌فام کتیبهٔ بزرگ حاشیهٔ بیرون‌ایوان بنای مزبور که خطوط نوشتهٔ ثلث شیوای‌آنرا باآجرتراشیده درون‌کاشی معرّق فیروزه رنگ نصب کرده‌اند وانواع‌کاشیکاریهای معرّق دیگر که در کتیبه‌های متعدّد داخل ایوان این بنای عالی بکاربسته‌اند وطرحهای کاشیکاری معقّلی آن وبطوراجمال هنرنمائی فوق‌العاده که دراین بنای تاریخی‌معظم وزیبا بکاربسته‌اند در کمتر بنای تاریخی ایران سراغ میرود وحقیقتاً برای درك یك‌چشمه هنراستادان زبردست معماروکاشیکار شیراز درقرن نهم‌هجری ازهرجهت مناسبت دارد که چهار بنای **مسجد گوهرشاد** و **بقعهٔ تربت شیخ جام** و **مدرسه غیاثیهٔ خرگرد** وبخصوص **مسجد مولانا درتایباد** مورد بازدید وبررسی قرار گیرد.

باتوجّه بمراتب بالااین‌نکته جلب‌توجّه میکند که آیاوجود چند نفراستاد عالیقدر وهنرمند شیرازی (استاد قوام الدّین ـ استاد حاجی زین جامع ـ استاد غیاث‌الدّین) درنیمهٔ اوّل‌قرن نهم‌درخراسان امر اتّفاقی‌بوده یاعامل مخصوصی باعث سوق دادن استادان مزبور در یك زمان به‌آن‌خطّه شده‌است.

برای پاسخ باین پرسش باید گفت که امیرتیمور گورکانی پس‌از پیروزی برنواحی وشهرهای مختلف ایران وآسیای صغیر استادان هنرمند هررشته را از

(۱) مسافت بین‌خرگرد وتایبادچندان زیادنیست وعملارسیدگی واشتغال بساختمان هردو بنای مورد ذکرامرممکن ومنطقی‌بنظرمیرسد.

(۲) علاقه‌مندان به اطلاعات بیشتر دربارهٔ مسجد مولانا ممکن است به مقالهٔ نگارنده درکتاب آثارایران (متن‌فرانسه ـ جلدسوم ـ مجلد دوم ـ چاپ هارلم ۱۹۳۸) وذیل آقای گدار برمقالهٔ مزبور درهمان کتاب مراجعه فرمایند.

مراکزهنری آنزمان به سمرقند آورد و بدینوسیله مجمع هنری ومکتب صنایع ظریفهٔ عالی ازدوران خود درسمرقند بنیاد نهاد وابنیهٔ متعدّد قرن هشتم هجری درسمرقند ازجمله مظاهرهمین مکتب هنری بشمارمیرود که بنای گورامیر ـ آرامگاه امیرتیمور ـ مهمترین آنها بشمارمیرود (۱).

درنمایشگاه آثارهنری ایران که بسال۱۳۱٤شمسی درموزه ارمیتاژلنین گراد تأسیس‌شده بودقطعاتی از کاشیکاریهای معرّق‌ابنیهٔ دوران امیرتیمور درسمرقند را بمعرض نمایش گذارده درتوضیحات مربوط باین‌آثارمضامینی از کتابهای ظفرنامهٔ شرف‌الدّین وابن‌عربشاه و کلاویخو سیّاح وسفیراسپانیا در دربارامیرتیمور وامیر ابوطالب و گفته‌های مردم رادربارهٔ مسجد سمرقند و گورامیرنقل وترجمه نموده بودند ازجمله مضامین مزبوراین مطلب نقل‌شده بود که «امیرتیمور استادانی از بصره وبغداد آورد که طرح فرشهای مسجدرا مانندآنچه درابنیهٔ فارس و کرمان است ریختند وفرشهائی نظیرآنچه درابنیهٔ ایرانست درست کردند و استادانی از حلب‌آورد که چراغها وشمعهای مسجدرابطرزبناهای حلب‌ترتیب‌دادند ودرهنگام شب چون ماه فروزندگی پیدا میکرد» .

پس‌از امیرتیمورچون نوبت سلطنت بفرزندش سلطان شاهرخ رسید مرکز هنری سمرقند به **هرات** انتقال یافت واهمیّت وتوسعهٔ مکتب هرات درقرن نهم هجری ازلحاظ هنرهای ظریفهٔ متعدّدبحثی جداگانه وبس‌مهمّ است که مجال و حوصلهٔ ذکرآن دراین مقدّمه نیست وهمین‌قدر میتوان گفت وجودمکتب بزرگ هنری شیرازدرقرن هشتم‌ونهم هجری که قرآنهای خطّی‌آستانهٔ شاه چراغ مورخ

(۱) بنای معروف گورامیر مورخ بسال۷۷۳ هجری بوده نام استاد سازنده آن برلوحهٔ کاشی بالای درب ورودی بنابد ینگونه نوشته شده است : **عمل محمود بن محمد البنا اصفهانی** ، ازبناهای دیگرسمرقند که درقرن هشتم‌هجری بشرح بالا احداث گردیده است‌نیز میتوان بقعهٔ موسوم به امیرزاده (مورخ بـه ۷۸۸ هجری) و مقبره‌های ترکان آغانولگوتکین (۷۷۷ هجری) وشیرین بیك‌آغـا (۷۸۷ هجری) ومسجد شاه زنده رانام برد ـ ضمناً برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ مسجد شاه زنده ومزارات سمرقند ممکن است بکتاب قندیه (بکوشش آقـای ایرج افشار ـ از انتشارات کتابخانهٔ طهوری ـ چـاپ تهران ـ تیر مـاه ۱۳۳٤ ش) مراجعه نمود .

به ۷۴۵ و۷۴۶ هجری (مذکور درصفحهٔ ٦٤ متن کتاب) وکاشیکاریهای ابنیهٔ عالی خراسان مذکور درسطورپیشین نمونه‌ها و گواههای پایندهٔ آن بشمارمیرود سهم عمده‌ای را که استادان هنرمند شیرازدرمجمع هنری سمرقند ودر دنبالهٔ آن در مکتب هنری وسیع هرات داشته‌اند نمایان میسازد(۱) وبجرئت میتوان گفت که اگر بررسی دقیقی از نزدیك نسبت بابنیهٔ تاریخی قرون هشتم ونهم هجری در سمرقندوهرات خصوصاً کاشیکاری آنهابعمل آید ونسخه‌های خطّی مزیّن به تذهیب ومینیاتورآن زمان که ازمکتب هنری هرات باقیمانده‌است ازلحاظ سهم استادان شیرازی(۲) طرف توجّه واقع گردد اطّلاعات بس فزونتر ازآنچه اشاره رفت دراین باره فراهم خواهد آمد(۳) وبا درنظرآوردن این امر که سلسلهٔ شهریاران مغولی

(۱) شاید اشاره بیك امرتصادفی هم دراینجا بمورد باشد که طبق خبرمندرج درروزنامهٔ اطلاعات (شمارهٔ ۱۱۱۲۷ ـ ۸ تیرماه ۱۳۴۲) درپانزدهمین جلسهٔ شورای مرکزی دانشگاههای ایران آقای دکتراسمعیل بیکی **شیرازی** رئیس سابق دانشگاه مشهد مجدداً بریاست آن دانشگاه انتخاب شده‌اند.

(۲) قریه‌ای هم درحوالی سمرقند بنام شیرازوجود داشته است (نقل از کتاب قندبه چاپ تهران تیرماه ۱۳۳٤ ش) ولی طبعاً استادان کاشیکار زبردست شیرازی ازمردم آنجانبوده‌اند چه استادان هنرمند جزدرشهربزرگ ومرکزهنری نمیتوانستند پرورش یافت ودرکتیبه‌های فراوان آثارتاریخی همه‌جا استادان کاشیکاریاگچبریامعمار وامثال آن نام شهرمنسوب بخودراذکرمینموده‌اند نه قریه را وقریهٔ شیرازسمرقند واجد شرائطی نبوده است که استادان متعدد کاشیکار را تربیت وبعالم هنر عرضه نماید.

(۳) محقق ونویسندهٔ ارجمندآقای یحیی ذکاء ضمن برگه (فیش) هائی که دربارهٔ استادان وهنرمندان مختلف پیشین تنظیم نموده‌اند هفت برگه بنام استاد قوام‌الدین شیرازی مرقوم داشته ازراه لطف وهمکاری آنها راباختیاراینجانب گذارده‌اند وباملاحظهٔ برگه‌های مزبوراضافه براطلاعات مرقوم درسطورگذشته چنین برمیآید که استادنامبرده ابنیهٔ متعددی هم درهرات ساخته بودواغلب عمارات ملکهٔ گوهرشاد درآن شهروهمچنین گنبد سبزومصلی هرات (که درسال ۱۲٦٤ شمسی بدستور امیرعبدالرحمن خان ویران گردید) ازکارهای همین استاد بوده است وزمانی هم مورد بی‌مهری شاهرخ قرارگرفت و مدت یکسال اجازهٔ حضورخدمت باوداده نشد وچون استادآشنا به علم نجوم نیز بود تقویمی استخراج کرد وبرای عرضهٔ آن باتوسل به بزرگان دربار بحضور شاهرخ رسید وسلطان شاهرخ پس ازدیدن استاد قوام الدین وتقویم استخراجی وی تبسمی کرده این بیت را خواند:

تو کار زمین را نکو ساختی		که باآسمان نیز پرداختی

استاد قوام‌الدین شیرازی درغرهٔ ماه شعبان سال۸٤۲ هجری (وبقولی بسال ۸٤٤ هجری) درگذشته است.

هندوستان نیز ازاعقاب امیر تیمور بوده‌اند (**همایون واکبر وجهانگیر وشاه‌جهان**- که بنای تاج‌محلّ بفرمان او برای مدفن همسرش وخودش ساخته شد ـ به ترتیب خلف هفتم تادهم جهانگشای مزبور بوده‌اند) وارتباط ایشان باایران خواه ازجنبهٔ سیاسی وحکومتی وبیش‌ازآن ازنظر آثارهنری وایجاد ابنیهٔ عالی ومظاهر دیگر صنایع ظریفه تاچه پایه رونق داشته است طبعاً ادامهٔ تأثیرهنراستادان شیرازی درآثار شهریاران مغولی‌هند (پس‌ازآنچه دربارهٔ آثارهنری سمرقند و هرات و خراسان توضیح داده شد) امرغیرمنتظری نخواهد بود.

برآنچه توضیح داده شداین‌نکته راباید افزود که سرزمین فارس در ادوار مختلف اسلامی وبخصوص هنگامی که ازنعمت‌امنیّت برخوردار بود روابط تجارتی ودادوستدهای گوناگون بانواحی‌حول‌وحوش خلیج‌فارس‌وسواحل عربستان وافریقا وسرزمین هندوستان حتّی کشورهای خاور دور تاجزایر اقیانوسیّه داشت وازاین بابت‌نیز کانون فعّالیّتهای‌نیکوی کشاورزی وبازرگانی بود که‌آثارآن در کشتزارها ورباطهای ویران وجادّه‌های فرعی وآبادیهای مختلف فارس‌نمایان وپایدارمیباشد وطبعاً باتمرکز وقدرت حکومت دردوران صفوی این قسمت بهتر عملی و ظاهر گردیده است.

دوران صفوی بنوبهٔ خوداز ادوار رونق‌وآبادانی سرزمین فارس‌بود وبخصوص توجّه فراوان شاه عبّاس کبیر به استفادهٔ شایسته ازحاکمیّت ایران برخلیج فارس وتوسعهٔ بازرگانی‌ایران باکشورهای‌دیگر ازراه دریاموجب‌افزایش‌کارهای عمرانی دراستان فارس گردید ودرهمان دوران ابنیهٔ تاریخی متعدّدی نیزبوجود آمد که کاروانسرای‌قیصریّهٔ لارومدرسهٔ خان وقسمتهای‌مختلف مسجدجامع شیرازوتکمیل وتزئین آستانهٔ سیّد علاءالدّین واحداث پل خان (در جلگهٔ مرودشت) از جملهٔ آنها است.

افزایش‌ارتباط فرهنگی‌وهنری ایران وهند بشرحی که گذشت‌باعث بوجود آمدن آثارهنری زیادی ازایرانیان درهندوستان شدوابنیهٔ بس‌معظم وباشکوهی

به سبك وروش معماری ایران یامعماری مشترك ایران وهنددرشبه قارهٔ اخیر احداث گشت ، ازطرفی این ارتباط وسیله شدتابناهائی‌هم درایران بوجودآید که حاصل مسافرت شخصیتهای ایرانی بهندوستان وبر گردان چنین ارتباطی بشمار میرفت و تاحدی که نگارنده اطلاع دارم دوبنای مشخص متعلق باواخرعهد صفویه درایران رامیتوان درزمرهٔ اینگونه ابنیه دانست یکی **مسجد حکیم** دراصفهان ودیگری **مسجد جامع داراب**، مسجدحکیم اصفهان ازطرف **حکیم داود** پزشك مخصوص شاه صفی‌وشاه عباس‌دوم ساخته شد ، توضیح آنکه پزشك مزبورمورد بیمهری دربار صفوی واقع گردید وازبیم جان خودبه هندوستان رفت و درآنجا مانند بسیاری ایرانیان دیگری که درآنزمان جهت‌زندگانی بهتروفعالیتهای مثبت بیشتررو بهند میآوردند(۱) ازمال ومنصب بهرهٔ وافی‌یافت وملقب‌به **تقرب خان** گردیدوبدفعات سهمی از دارائی خویشرا نزد کسانش باصفهان فرستاد ومسجد حکیم بنام‌وی در محل مسجد قدیمتر عهد دیلمیان که ویران شده محوطهٔ آن بصورت گورستان درآمده بودساخته وپرداخته شد وتاریخ‌مسجدمزبور در کتیبه‌های متعددآن بخط **محمد رضای امامی** سالهای ۱۰۶۷ تا۱۰۷۳ هـ . ق ذکر گردیده است (۲).

سبك ساختمان مسجدحکیم مانند مساجد عهدصفویه بوده اثری ازکارهای اختصاصی معماری ایرانیان در هند درآن دیده نمیشودچه مباشرین واستادان کار همگی در اصفهان بودند وفقط هزینهٔ بنای مسجد از طرف حکیم داود باصفهان فرستاده میشده است .

درمسجد جامع داراب برعکس این‌ترتیب مشاهده میگردد بدینمعنی که

(۱) دربارهٔ رفتن‌ایرانیان به هندوستان درعهدصفویه وهدفهای ایشان ازجهت فعالیتهای بازرگانی وغیره طبعاً نمیتوان دراین موردبه توضیح وتفصیل پرداخت خوانندگان ارجمندی که علاقه‌مند به اطلاعات بیشتر دراین زمینه باشند ممکن است به مقالهٔ ممتع آقای محمد اسمعیل رضوانی‌تحت‌عنوان **قدیمترین ذکردموکراسی درنوشته‌های‌فارسی** درمجلهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ خرداد ۱۳۴۱ مراجعه فرمایند .

(۲) برای اطلاع بیشتردربارهٔ مسجدحکیم اصفهان ممکن‌است بکتاب آثارایران ـ نشریهٔ ادارهٔ کل باستانشناسی ـ جزء اول ازجلددوم چاپ تهران ۱۳۱۸ شمسی (متن‌فارسی) وچاپ‌هارلم ۱۹۳۷ میلادی (متن فرانسه) مراجعه نمود .

سبك معماری مشترك ایران وهند بخوبی در آن پدیدار است (۱) و باملاحظه وامعان نظر دربارهٔ این بنای قابل توجّه بخوبی میتوان یکی از آثار ارتباط بسیار نزدیك مادّی ومعنوی ایران وهند را درروزگار پیشین دریافت وچنین ارتباطی منحصر بزمان ساختمان مسجدجامع داراب یعنی قرن یازدهم هجری نبود بلکه ازهزاران سال پیش بین مردم مرزوبوم ایران وشبه قارّهٔ هندوپاکستان وجود داشته طیّ قرون اخیر نیز ادامه یافته است وعوامل پایندگی اینگونه ارتباطهای ثمربخش همواره باقی و جاودانی است .

درعهد زندیّه یکبار دیگر پایتخت کشور کهنسال ایران دراستان تاریخی فارس استقرار مییابد وشهریارعادل کریمخان زند (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ هجری) شهرشیراز را برای مقرّپادشاهی خویش برمی گزیند وبناهای متعدّدی ازخود در آنجاباقی میگذارد که باوجود انهدام بیمورد وتأسّف آور تعدادی از آنها هنوز هم شهر زیبا وروح افزای شیراز کانون اصلی ومهمّ هنر ومعماری شیوای عهد زندیّه بشمار میرود .

بمورد میداند اشارهٔ اجمالی باین نکته هم بنماید که معماری عهدزندیّه در حقیقت همان معماری عهدصفویّه بصورتی ساده وبی پیرایه ومختصرتر است وبه شرحی که درتلو صفحات کتاب ضمن توضیح ابنیهٔ کریمخانی شیرازمذکورمی افتد مسجد وبازاروحمّام و کیل دنبالهٔ سبك ساختمان همین گونه ابنیه ازعهد صفوی بشمارمیرود

عامل مشخّصی که درمعماری عهدزندیّه درابنیهٔ سلطنتی بچشم میخورد ایوان دوستونی بسیار زیبا ومتناسب است که نمونه‌ای از آن دربنای قدیمی پستخانهٔ شیراز از آثارباقی ماندهٔ دوران کریمخان پدیدارمانده است وبرای نوع کامل وعالی آن میتوان بنای تخت مرمر طهرانرا ذکر نمود که اساس آن بفرمان کریمخان زند ریخته شد وآنچه ازمصالح قابل توجّه که حمل آن ازشیراز بتهران میسّر بود بفرمان

(۱) بقسمت ضمیمهٔ کتاب صفحات ۴۹۳ تا ۴۹۶ و تصاویر مربوط بهمان صفحات مراجعه شود .

آقا محمّدخان قاجاردربنای مزبورمورد استفاده قرار گرفت (۱) .

بامختصرتوجّه بـه بعضی‌از ابنیهٔ سلطنتی صفویّه درمازندران وازجمله کاخ شاه عبّاس‌اوّل‌درساری (۲) وکاخ‌چهلستون اصفهان مخصوصاً ایوان‌بزرگ دوستونی کاخ اخیرالذّکر که مدخل‌اصلی تالاربزرگ آنرا تشکیل میدهد بخوبی میتوان دریافت که شیوهٔ بسیارزیبای ایوان دوستونی‌عهدزندیّه نیزپیروی‌اینگونه ایوانها ازعهد صفویّه بشمار میرود که بوضعی بس‌متناسب وبه تعدادزیاد در دوران زندیّه وپس‌ازآن درعهدقاجاریّه احداث گردیده تقریباً بصورت معماری مشخّصی‌ازشهر شیرازویادگاری ازشهریارزند درآمده است (۳) ودرابنیهٔ متعدّد سلطنتی طهران وحسینیّه‌ها وکاخها وباغها وحتّی‌خانه های متوسّط ومعمولی شیراز کـه دردوران قاجاریّه ساخته شده‌است ازاینگونه ایوانهـای دوستونی‌بطورفراوان دیده میشود که‌هنوزهم بسیاری از آنهابرپا وموجود میباشد .

نفوذمعماری دوران زندیّه درابنیهٔ سلطنتی‌طهران منحصر باستفاده ازآنچه برای‌ساختمان‌تخت‌مرمرازشیرازآورده‌اند یااحداث‌ایوانهای‌دوستونی‌سابق‌الذّکر نیست‌بلکه آقامحمّدخان‌قاجارعلاوه براستفاده‌ازمتعلّقات ساختمانی‌عمارات و کیل دربنای تخت‌مرمرطهران بسیاری ازهنرمندان شیرازی را که استادان زبر دست

(۱) دانشمند ومحقق گرامی آقای یحیی‌ذکاء طی مقالاتی کـه دربارهٔ بنای تـاریخی تخت مرمردرمجلهٔ هنرومردم (شمارهٔ ٤ بهمن‌ماه ۱۳٤۱ وشمارهٔ ٥- اردیبهشت ۱۳٤۲ و شمارهٔ ٦ خرداد ۱۳٤۲) نگاشته‌اند باستناد دلایل‌متقن ونوشته‌های تاریخ گیتی گشا (مربوط بکریمخان زند) بخوبی‌معلوم داشته‌اندکه طرح واساس‌اولیهٔ بنای تخت مرمربدستور ونظر کریمخان زنـد ریخته شده بعداً آقامحمدخان قاجاروپس‌از اوشاهان دیگرسلسلهٔ مزبورآنرا تغییرداده الحاقات وتزئیناتی درآن بکاربسته‌اند .

(۲) تصویرقدیمی‌این‌کاخ‌در کتاب‌باغهاو کوشکهای‌ایران (Persian Gardens and Garden Pavilions) تألیف آقای دونالد ویلبرچاپ توکیو -۱۹٦۲ (بزبان انگلیسی) ص ۱۲٤/٥ مندرج است وبا ملاحظهٔ‌آن بخوبی شباهت کاخ مزبور به بنای تخت مرمر طهران ازهرجهت آشکار وپدیدار میباشد .

(۳) ایوان نادری در قزوین نقشه‌ای تقریباً نظیر نقشهٔ تالار اشرف اصفهان داشت و در قسمت جلوبردوستون بلندچوبی مستحکم ویك‌پارچه وقطور استواربودکـه براثرسوانح روزگار روبویرانی رفت ودرحوادث جنگ دوم جهانی ستونهای چوبی عظیم ونفیس مزبوررا بریده قطعه قطعه کردند ودرسالهای‌بعد بقایای بنانیزمنهدم گشته محل‌آن ضمیمهٔ فضای دبیرستان نوسازشد .

کاشی پزی و نقّاشی وحجّاری و گچبری و آیینه کاری و امثال آن بودند نیز بطهران آوردو نام اینگونه استادان شیرازی درابنیهٔ متعدّد دوران قاجاریّه درطهران اعمّ ازمساجد وبقاع متبرّک وکاخهای سلطنتی وعمارات بزرگان نازمان ناصرالدّینشاه (۱۲٦٤ تا ۱۳۱۳ هـ.ق) کـه طبق سنّت نیکوی قدیمی بااشاره بعمل خود نامشانرا درمحلّ مناسبی بر کاشی یانقّاشی یااثر دیگر هنری نوشته‌اند بطور متعدّد دیده میشود وبهره مندی وافر طهران را ازمکتب هنری شیراز بهتر نمایان میسازد.

ضمناً در دورهٔ شاهان مختلف قاجاریّه همّت برخی بزرگان و بانیان نیکوکار فارس درراه تعمیرواحیای بقاع متبرّك وساختمان یاتکمیل وتزئین مساجدزیبا وحسینیّه‌ها وآبادانی یااحداث باغهاو کوشکها درشیراز نمودارادامهٔ پرتوافکنی روح هنردوست مردم آن سامان است که با وجود کم و کاستی عوامـل مهمّ اینگونه تجلّیـات خواسته‌اند شهرشیرازمانند گذشته آنچه را درخورلطف وصفای معنوی وظاهری آن وشایستهٔ مردم نیکونهاد فارس است دربرداشته باشد.

وجودکلیساها ودایربودن آنها ازدیرزمان درشهرشیراز وخارج آن وبندر بوشهر گواه دیگری ازآزادگی وآزادمنشی روح مردم فـارس محسوب میگردد که پدیدآوردن آثاربرجسته وشاهکارهای هنری درطیّ قرون و اعصارنیزفراخور چنین روحیّهٔ آزادوبلند نظری معنوی تواندبود.

بموردمیداند اشاره باین نکته نماید که دردوران قاجاریّه هنررنگ آمیزی کاشیهای خشتی معروف بـه هفت رنگ بوسیلهٔ استادان باذوق و زبردست شیرازی بزیبائی و دلپسندی هرچه تمامتر جلوه گرشده بودچنانکه نمونه‌هـای عالی آن کاشیکاریهای پیشانی بالای ایوان بزرگ حسینیّهٔ مشیر (۱) ومسجدنصیرالملك (۲) وبالای ایوان باغ ارم وامثال آنست وهنوزهم این هنرعالی بوضعی مخصوص ومنحصر بفردبوسیلهٔ استادان شیرازی انجام پذیرهست چنانکه تصاویرشاهان قدیم وصحنه‌های زیبائی که باکاشیهای هفت رنگ برفرازبسیاری ازساختمانهای ادواراخیردرشیرازدیده میشود گواه پایداروزنده بودن این هنرشیوا وظریف است ونمونهٔ بسیارعالی متأخّر

(۱) مذکور درصفحهٔ ۷۳ متن کتاب.　(۲) ایضاً مذکوردرصفحهٔ ۷۳ متن کتاب

آن نیز در کاشیکاریهای بدنه‌های ایوان آرامگاه سعدی بچشم میخورد.

همین نکته دربارهٔ نقّاشیهای خوش طرح وزیبائی که برسقفهای تیروتختهٔ منظّم بعضی ابنیهٔ قدیمی شیراز انجام یافته ونمونه‌های آن دراطاقهای شمالی وجنوبی عمارت معروف به اندرونی قوام الملك(۱) موجوداست نیز صدق مینماید ـ بطوریکه از نقّاشیها وتصاویر بعضی کاخهای سلطنتی طهران در دوران ناصرالدّینشاه قاجار برمیآید این هنرظریف واین گونه نقش ونگارسقف هم (که اهل فنّ آنرا مَرجوك ـ بروزن مردمك ـ مینامند) مانندهنرهای ظریف دیگر بوسیلهٔ استادان شیرازی درابنیهٔ سلطنتی وساختمانهای مهمّ دیگر طهران متداول ومورداستفاده واقع گشته بوده‌است.

جاداردبرای حفظ این هنرهای ارزنده که مخصوص ومنحصر به خاك شیراز جنّت طراز واستادان نازك اندیشه وظرافتکار شیرازی است بهرراه وهروسیله میسّر باشد کوشش ثمربخش بعمل آید وچنین رنگ آمیزی ولعاب وکاشی سازی ونگارگری مخصوص شیراز وشیرازی برقرار وباقی بماند وخدای ناکرده روزگاری مجال دریغ فراموش ماندن رموزفنّی این هنرهای ظریف مورد نیابد.

نیم نگاهی بآینده

باتوجّه بآنچه گذشت میتوان پنداشت که یادگارهای باستانی گرانمایهٔ سرزمین فارس درتلو کتاب حاضر ـ باهمهٔ نقص ونارسائی آن ـ به خوانندگان ارجمند معرّفی خواهد گردید ودربارهٔ هریك ازاین صفحات گویای تاریخ وگواههای جاودانی فرهنگ وهنر گذشتهٔ ایران زمین مطالبی که فراهم آمده است معروض خواهد افتاد ولی ناگفته نتوان گذاشت که **لازمهٔ دارا بودن چنین شاهکاری تاریخی و فرهنگی انجام وظایف وتکالیفِ درخورِ آنها است.**

مردمی که درطول هزاران سال نمودارهای ذوق سرشار و نیروی معنوی خداداد خودرا برسفال وسنگ واستخوان ومفرغ وزروسیم وآهن ومس وکاشی و شیشه وپارچه وکاغذ و هرچیز دیگر که آنرا برای تجلّی هنر نیکو یافته‌اند پدیدآورده آثاری چون پاسارگاد وتختِ جمشید ونقش رستم وفیروزآباد وبیشاپور وسروستان وآتشکده‌های معظم جره و کُنارسیاه وبسیاری دیگر نظائر آنها، ومساجد

(۱) مذکوردرصفحهٔ ۷۲ متن کتاب.

جامع نیریز وجامع عتیق شیراز و جامع سلطانی و کیل ومساجد متعدّد بزرگ دیگروزیارتگاههائی چون آستانهٔ شاه چراغ و سیّد میرمحمّد وسیّد علاءِ الدّین وشاه میرحمزه وسایر اماکن متبرّك وکاخها وپلها وکاروانسراهـا و غیره ایجـاد نموده‌اندودر کوهستان‌ودشت وهامون‌سراسراقلیم پارس یادگارهای‌فراموش‌نشدنی از فـراز و نشیب زندگانی وهنر وتاریخ ایشان هویدا است همراه میراثهـای چند هزارساله‌یاچند صدسالهٔ‌خویش‌وظیفهٔ مقدّس پاسداری وتکهبانی‌ونیکو داشت این‌مفاخررا نیزجهت‌فرزندان‌خود وآیندگان نهاده‌اند وهرایرانی‌پاك سرشت در اجرای چنین خدمتی از جان ودل کوشا بوده وخواهد بود .

نگارندهٔ این‌سطوردرمجلّد سوم گزارشهای‌باستان شناسی (۱) ـفصل‌پانزدهم- زیرعنوان **تلاش درراه خدمت به‌آثار ملی وامیدبه‌آینده** شمّه‌ای‌ازآنچه دربارهٔ آثارتاریخی‌مختلف‌ایران موردآرزو وانتظارهرفردعلاقه‌مندی‌بنظرمیرسیده است مذکور داشته‌ام و اینك از خوانندگـان ارجمند اجـازه می خواهم برخی از نظریّات‌مربوط به یادگارها ومفاخرباستانی‌سرزمین‌عزیزپارس‌را که‌طی فصل‌مزبور نوشته‌شده‌است‌دراینمورد نقل‌نماید :

«امید وآرزوی‌کار کنان باستان شناسی‌اینست که درتکمیل‌خدمات فراوانی که‌درراه حفظ‌آثار تخت جمشید وپازارگاد (۲) بعمل‌آمده است .... روزی فرارسد که تمام‌آثار پازارگاد وتخت‌جمشید ازآسیب‌آفتاب وباران وبادوبوته‌های‌خودرو وجنگلی شکاف سنگهاوعوامل دیگرمحفوظ بماند وسایبانهای کنونی که باوسائل

(۱) نشریهٔ ادارهٔ کل باستان‌شناسی چاپ طهران ۱۳۳٤ ش.

(۲) جناب آقای دکتر رضا زاده شفق دربارهٔ نام پازارگاد نظری‌اظهار وآنرابدرخواست نگارندهٔ کتاب‌مرقوم‌فرموده‌اند که‌باتقدیم‌سپاسگزاری‌عیناًدراینجانقل میگردد :«سالهای‌پیش‌به نظر من رسید که دورنیست کلمهٔ «پازارگادا» دراصل «پارسه‌گده» بوده باشد که مشعر سرزمین ونژاد پارس‌است این نظررا بمورخ امریکائی المستد (Olmstead) کـه بایران آمده بود اظهار نمودم او یادداشت کرد وبعد درمطالعاتی کـه در امریکا بجا آوردمتوجه شد که مورخ یونانی‌قرن اول میلادی کورتیوس روفوس (Curtius Rufus) هم برخلاف دیگران «پارسه‌گده» ضبط کرده (تاریخ شاهنشاهی ایران ـ چاپ شیکاگو ۱۹٤۸ ص ٦۰)»

ذکراین‌مطلب نیزمناسبت دارد که‌پیدایش‌لوح‌نبشتهٔ سنگی‌بنام‌خشایارشاو گنجینهٔ نفائس زر دوران هخامنشی ضمن کاوشهای پائیزسال ۱۳٤۲ هیئت علمی انگلیسی (مذکور درصفحهٔ ٤۰۷) درپاسارگاد میرساند که محل مزبور برخلاف نظربعضی دانشمندان پس‌ازکورش کبیرهم ازمراکز مهم شاهنشاهی هخامنشی بوده است .

وامکانات موجود ساخته شده است به سایبانهای معظم با پایه های آهنی ظریف و بلند تبدیل گردد وبر بالای پایه‌های سنگی و آستانه ها وپنجره‌ها وستونها عایق و حفاظی از ورقهٔ سرب برروی سنگ الصاق شود یاسایبان مناسب احداث گردد و اجمالاً معلوم باشد که هر قطعه سنگ وهر خرده ریز حجّاری بصورت عزیزونفیس نگهداری میشود والبتّه لازمهٔ توفیق در اینگونه خدمات علاوه بروسائل مادّی محتاجِ دانشِ بیشترهم‌میهنان است که ازخرد وبزرگ درحفظ آثار مزبور کوشا باشند وباکارکنان وخدمتگزاران آثار تاریخی همکاری ومعاضدت نمایند، ترتیبِ الواح چند حاوی توضیحات واشعار وعبارات مناسب که اطّلاعات مربوط به آثار معظم تخت جمشید را توأم بااحساسات ملّی بیان نماید در محلهای مختلف آنجا نیز ازجملهٔ همین هدفها بوده امّید میرود زودتر عملی گردد ـ آغشتن قشری از موادّ پلاستیکی‌شبیه شیشه برروی نقوش برجستهٔ تخت جمشید وسایرنقوش‌تاریخی یکی ازاقدامات جاری و معمول آینده بمنظورحفظ آنها از بسیاری از آسیبها خواهد بود ودور نیست که درنتیجهٔ آزمایشهای‌جدید راه‌حلّهای عملی‌بهتری‌برای محکم‌ساختن‌واستقامت‌بیشتراینگونه‌نقوش‌درمقابل بادوباران‌وآفتاب‌وسایرعوامل طبیعی بدست‌آید ونیازی به احداث سایبان واقداماتی‌نظیرآن درپیش‌نباشد»(۱)

موضوع حفظ نقوش برجستهٔ سنگی باستانی ایران و ازجملهٔ آنها آثار تخت‌جمشید و بخصوص نقوش بی‌بدل پلّکانهای شرقی کاخ آپادانا وپلّکانهای شمالی کاخ مرکزی (سه دروازه) از آغاز خاکبرداری و پدیدار شدن آنها در دوران اعلیحضرت شاهنشاه فقید رضاشاه کبیرمورد بررسیهای فراوان قرار داشته ودارد وسایبانهای موجود برروی پلّکانهای شرقی‌کاخ آپادانا در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲٤ وبر روی پلّکانهای‌کاخ مرکزی درسال۱۳۲۹ بصورت راه‌حلّ موقتی‌احداث گردید تا هر موقع طرح بهتر و موجبات انجام کاری شایسته تر از آن فراهم آید آنرا جایگزین سایبانهای کنونی‌نمایند، ازطرف‌ادارهٔ کلّ باستان شناسی‌وسایرمقامات ذیصلاحیّت وعلاقه‌مند تلاشها و کوششهای مختلف دراین‌باره مداومت داشته‌ودارد

(۱) مجلد سوم گزارشهای باستان‌شناسی- چاپ‌تهران ۱۳۳٤ ـ صفحات ۹-٤۵۸ .

چنانکه در سالهای اخیر برائر همین گونه اقدامات دوبار کارشناسان یونسکو به ایران اعزام شدند و آثار تخت جمشید و نقش رستم و بیستون را بازدید و گزارشهائی تهیّه و تسلیم مقامات مربوط کرده‌اند و ادارهٔ محافظت و آزمایشگاه موزهٔ ایران باستان نیز گزارشهای جامع که حاکی از بررسیهای چندین ساله است تنظیم و به مقامات ذیصلاحیّت تسلیم داشته‌اند که امیدوار است همهٔ این کوششها نتیجهٔ رضایت‌بخش ببار آورد. ضمناً نگارندهٔ کتاب هم در مسافرت کوتاه و توقف چندروزهٔ خود در ایتالیا (۱۵تا۱۹ مهرماه ۱۳۴۲) به مؤسسهٔ مرکزی تعمیرات آثار تاریخی ایتالیا در رم [Instituto Centrale del Restauro] مراجعه و چگونگی اقدامات مربوط به حفظ نقوش برجستهٔ باستانی کشور ایتالیا را استفسار نمودم ومعلوم شد مقامات ایتالیائی نیز که درراه حفظ آثارسنگی باستانی فراوان کشور خود طیّ سالیان دراز کوشش بسیار نموده و می‌نمایند هنوز دراین باره به نتیجهٔ قطعی نرسیده‌اند و در حال حاضر بهترین ترکیب ازمیان موادّ مختلف و آزمایشهای گوناگون برای آغشتن برروی سنگهای مزبور مادّهٔ ترکیبی بنام Vernice) Consolidante 17,43، Relativo Diluente) شناخته‌شده است که بفراخور سختی‌وسستی نوع سنگ مقدارمادّهٔ مایع آنرازیادتریا کمتر کرده مادّهٔ ترکیبی‌را بدرجات مختلف رقیق‌تریاخفیف تر آماده مینمایند وبازاء رقّت‌بیشترآن برتعداد دفعاتی که روی سنگ میزنند میافزایند واین‌عمل بی‌شباهت بآنچه درسالهای گذشته که موم وتربانتین برروی نقوش‌برجستهٔ هخامنشی درتخت جمشید وموزهٔ ایران‌باستان‌میزدند نیست‌واکنون‌مادّهٔ‌ترکیبی‌سابق الذّکر نتیجهٔ‌بهتر بخشیده‌است وطبعاً باید انتظارنتایج بهتروکاملتررا ازآزمایشهای آینده داشت.

طیّ همان فصل‌به خاکبرداری وکاوشهای اساسی وصحیح در **نقش رستم** اشاره واظهارامیدواری‌شده است که «وضع محوّطه وابنیهٔ مدفون این عبادتگاه معظم‌درزمان‌قدیم روشن گردد وبتوان حقّ‌علمی وتاریخی‌آنرا ادانمود» ودردنبالهٔ آن نسبت‌به **محل‌تاریخی بسیارمهم فیروزآباد** چنین‌مرقوم رفته است:

«آثارتاریخی فیروزآبادرا میتوان بجرئت همردیف آثارتخت جمشیددانست

بااین اختلاف که یادگاراردشیر بابکان است ـ خاکبرداری کاخهای اردشیر ومرمّت دیوارها وتجدید قسمتهای فروریختهٔ گنبدهای عظیم‌سنگی وپر کردن حفره‌های زیردیوارهاونظافت محوّطهٔ درون کاخهاوآتشگدهٔ عظیم آنجاوتعمیرپایهٔ چهارضلعی معظم سنگی که آتش مقدّس در روزگار آبادانی برفراز آن درون آتشدان پرتو افکن بوده است [۱] و گماردن نگهبان و راهنما وتهیّه ونصب الواحی که تاریخچهٔ ابنیهٔ مختلف این‌محلّ‌مهمّ باستانی‌درآنها ذکرشده باشد ازکارهای بدیهی وضروری است که بایددرآثار فیروزآباد صورت گیرد [۲] ...»

طیّ سطور وصفحات بعدی همان نشریّه دربارهٔ سایرخدمات مربوط بآثار تاریخی فیروزآباد ودرهمین زمینه آنچه مناسب بنظررسیده است راجع به آثار معظم **سروستان** وآثارتاریخی **برم دلك** و**قصرابونصر** وویرانه‌های شهر**بیشاپور** ونقوش **تنگ چوگان** وسایریادگارهای‌باستانی‌فارس‌اظهارامیدواریهاوبیش‌بینی‌ها و قلمفرسائیهائی شده است که طبعاً انتظار میرود در آیندهٔ نزدیك یا دور بفراخور کارهای مثبت وخدمات ثمربخش دیگروضع حاضر کشورجامهٔ عمل‌بپوشد وفرزندان ارجمندایران‌شاهد وناظربهبود روزافزون وضع چنین‌آثارویادکارهای نیاکان خویش‌باشند ، دوستداران وعلاقه مندان باین‌مبحث نیزممکن است‌به فصل مذکور درنشریّهٔ نامبرده مراجعه فرمایند .

یقین‌دارد که آثارتخت جمشید وفیروزآباد ونظائرآنهانه تنهاازنظرصیانت بقایای ابنیه ونقوش برجسته و قسمتهای گرانقدر موجود آنها مورد سرپرستی و دلسوزی های بیشترواقدامات فنّی اساسی گوناگون واقع خواهد گردید بلکه **نمونه‌های کوچك** (ماکت) روزگار آبادانی چنین آثاروحتّی **تجدید ساختمان قسمتهائی ازآنهابه مقیاس اصلی وطبیعی** درمحلّهای مناسب نزدیك هر کدام صورت پذیر خواهد گشت و بدین ترتیب حس کنجکاوی بازدید کنندگان

(۱) درسال ۱۳۳۹ شمسی پی‌بندی وتعمیربنای فوق‌الذکروبرخی تعمیرات بسیارضروری کاخ اردشیر درفیروزآباد بهزینهٔ انجمن آثارملی صورت‌گرفت وامید میرود بقیهٔ خدمات بسیار مهم ودامنه دار دراین آثارباستانی عظیم‌هم دیریازود عملی گردد .

(۲) مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی ـ چاپ طهران ۱۳۳٤ ـ صفحهٔ ٤٦٠ .

روزافزون ایرانی‌وغیر ایرانی وعلاقه‌مندان فراوان‌اینگونه‌یادگاریهای شگرف باستانی تاحدّی آرامش خواهد یافت.

آتشکده‌های متعدّد که درقسمتهای مختلف سرزمین فارس بصورت نیمه‌آباد یانیمه ویران هنوزبرپامانده هر کدام برگی‌ازتاریخ و گواهی بریکتاپرستی و ایمان بخدا وتوجّه به دینداری ومعنویّت مردم‌این‌مرزوبوم است براثرپی‌بندیهای صحیح و تعمیرات مناسب استوارتر خواهد ماند وچه بساضمن کارهای عمرانی گوناگون ازقبیل احداث راههای تازه واصلاح راههای موجود وانجام خدمات صنعتی‌و کشاورزی وبازرگانی‌وایجادتأسیسات بندری‌وکارخانه‌ها ودیگر فعّالیّتهای مناسب‌این‌عصرفرخنده(که دراستان‌فارس‌دردست عمل‌واقدام‌است) توجّه‌بیشتری‌هم ازطرف مدیران ومتصدّیان‌لایق‌وعلاقمند به‌یادگارهای گذشته نسبت‌به نیکوداشت این آثار بعمل آید وپاس حرمت آنها وتاحدّ امکان اقدامات ضروری وشایسته برای نگهداری وتعمیروآبرومندی چنین اسناد گویای تاریخی انجام گیرد.

آبادانی ورونق مساجد تاریخی وزیارتگاههای معظم فارس‌همانطور که در مورد گنبد آستانهٔ متبرّك شاهچراغ بفرمان مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صورت‌پذیر گردید ومشهود عام وخاص افتاداز گامهای دیگری خواهد بود که در آینده دربارهٔ ابنیهٔ مذهبی‌وتاریخی دورانهای اسلامی موجود درفارس دردست‌عمل قرارخواهد گرفت(۱) ووضع این‌ابنیهٔ مقدّس که روشنی‌بخش‌دیدگان وپرتوافکن دلهای هزاران هزارمردم بااخلاص ونیازمند است بدانگونه که شایستهٔ حرمت و مقام معنوی آنها است درخواهد آمد. **به‌انتظار وآرزوی چنان روزی‌که این خواسته‌هابرای هرگونه اثرمذهبی وملی‌وباستانی‌ادوار مختلف تاریخی‌ایران بمرحلهٔ عمل درآید بحث دراین باره را پایان میبخشد.**

(۱) دربارهٔروشنائی کنبدها ومناره‌ها وایوانها ومحرابها ومحوطه‌های داخل‌وخارج‌مساجد وزیارتگاهها و آستانه‌های متبرك ایران درپرتو نورافکنها وترتیب روشنائیهای غیرمستقیم در اینگونه ابنیه نگارندهٔ کتاب در همان فصل پانزدهم مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی (چاپ طهران - ۱۳۳٤) تلوصفحات ٤۷۲ و ٤۷۳ مطالبی راکه مناسب دیده‌ام مذکور داشته‌ام واز آستانه‌های متبرك شاه چراغ وسید میرمحمد وسید علاء الدین (ع) شیرازنیزنام برده شده است وعلاقه مندان بچنین‌مطالبی ممکن‌است به نشریهٔ مزبورمراجعه فرمایند.

ازخوانندگان گرامی استدعای توجه به چندنکتهٔ زیرمیرود :

۱ـ درآغازچاپ کتاب مطالبی که ضمن سالهای متمادی دربارهٔ آثارتاریخی فارس فراهم داشته بود تدوین وبچاپخانه سپرده شد ، درطول مدّتی که مطالب مزبور بچاپ رسیده تصاویر آن هم آماده میگشت اطّلاعات و کشفیّات دیگری موجب آمد که قسمتی بنام **ذیل** باتصاویرمربوط آن برمطالب اوّلیّه افزوده گردد وچون این امرهم بعلل مختلف بدرازا انجامید ومجدّداً همین وضع پیش آمدنمود قسمت سوّم را تحت عنوان **ضمیمه** باتصاویر راجع بآن دردنبالهٔ ذیل قرارداد وطبعاً این امرمورد ایرادبسیاری صاحب نظران بوده وخواهد بودولی ازآنجا که تدوین کتابی حاوی اطّلاعات کافی وحتّی بطوراجمال دربارهٔ آثار تاریخی سرزمینی مانند فارس امر دشواروبسیارطولانی است نگارنده روانداستم ازنتایج تحقیقات واطّلاعات تازه آنچه که مناسب است در کتاب حاضرمذکورنیفتد وخواستم کاری را که پس ازسالیان درازآرزومندی بمرحلهٔ عمل میدیدم حتّی الامکان کمترناقص گذارم ، اگردراین موردامری خلاف ترتیبِ اینگونه تألیفات بنظرصاحبان اندیشه ونازك بینان برسد باتقاضای توجّه بهدف اصلی که ازتدوین کتاب درپیش بوده است امّیدپوزش دارم وهمانند بسیاری ایرادهای دیگر که طبعاً براین کتاب واردهست درنشرات بعدی نظیرآن مرتفع خواهد گردید .

بادرنظر گرفتن این ترتیب اگردربارهٔ محلّی یاراجع بمطلبی که موردعلاقهٔ خوانندهٔ ارجمند است درقسمت اصلی کتاب اطّلاعی ذکرنشده باشد احتمال آن هست که درقسمت ذیل یاقسمت ضمیمه مذکورافتاده باشد و بهرصورت دراینگونه موارد علاوه برمراجعه به فهرست مطالب که درآغاز کتاب قراردارد مراجعه به فهرست اعلام یا فهرست اماکن درپایان کتاب نیزمفید بنظرمیرسد واجمالاً ذکر این نکته راشایسته میداند که باوجودهمهٔ کاوشها ومجاهدتهای ممکن درجمع آوری اطّلاعات مربوط باماکن باستانی فارس ومعرّفی آثار تاریخی این استان معظم ومهمّ یقین دارد برای پویندگان راه تحقیق دربارهٔ اینگونه اماکن و آثار ، کتاب حاضرمرحلهٔ بدوی وگام نخستین چنین خدمتی است ودشتها ودرّه ها و کوهسارهای سراسرمرزوبوم فارس چه بسیاربقایای ابنیه ویادگارهای تمدّنهای قدیمی را بیرون

ازخاك یانهفته دردل‌دارد که نامی‌واطّلاعی از آنها مذکورنگردیده بانتظارتجسّسها وکاوشهای آیندهٔ فرزندان ایران ازنظروخاطرپیشینیان پوشیده مانده است .

۲ـ چون اطّلاعات بعدی مذکوردرقسمت ذیل یاضمیمهٔ کتاب درچند مورد باآنچه‌دربادی‌امرودرقسمت‌اوّل کتاب‌ذکر گردیده‌است کاملاً مطابقت‌نمی‌نماید(۱) طبعاً علّت‌آنرا بایدهمان کاوشها وتحقیقاتی‌دانست که پس‌ازچاپ قسمت اوّل کتاب بدست‌آمده است ودربارهٔ این گونه مطالب که البتّه صورت استثنائی دارد درمحلّ خود توضیح بیشترمعروض‌افتاده‌است .

۳ـ عکسهای مندرج‌ازبنای‌آستانهٔ حضرت شاهچراغ (که‌درصفحهٔ۲۴۸دیده میشود) پیش‌ازتجدید گنبدآن برداشته شده‌است ـ براثرشکست وخطرروزافزون گنبد ازچندسال‌پیش‌به همّت وهزینهٔ مردم نیکوکارفارس‌خصوصاً اهل‌شیراز گنبد سابق‌برچیده شدوگنبدی‌تازه باپایه‌ها و کلافهای بتون‌مسلّح وآهن‌بطرزی اساسی استوار گردید وکاربسیاردشوار برچیدن گنبد پیشین‌وتجدید ساختمان‌آن بوضع کنونی زیرنظرهیئتی ازشخصیّتهای مطّلع وعلاقـه مند وباصلاحیّت شیراز صورت پذیرفت(۲) وپس‌ازخاتمهٔ بنای گنبدتازه ساز بفرمان‌اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی کاشیکاری آن ازطرف‌آستانهٔ متبرّك حضرت رضا (ع) بوسیلهٔ هنرهای زیبای کشور طبق طرحی که آقای عیسی‌بهادری رئیس‌لایق وهنرمند هنرستان هنرهای‌زیبای اصفهان تهیّه کرده‌اند بوضعی‌بسیارشیوا وظریف وعالی‌انجام گرفته است .

٤ـ بعضی ازهمکاران وعناصر محترمی که ازنوشته‌ها وتحقیقاتشان استفاده ونام شریفشان درتلو صفحات کتاب ذکر شده است درخلال مدت چاپ کتاب تغییروضع یاتبـدیل عنوان وسمت یافته‌اند بنابراین اگرازاین‌بابت مطلبی‌نادرست بنظررسید البته علت‌آن طولانی‌شدن مدت‌چاپ وتصاویر ولزوم فرصت‌برای تکمیل مطالب بوده تقصیر دیگری متوجه نگارندهٔ کتاب نیست .

---

(۱) نمونهٔ بارزچنین‌امری موضوع‌آتشکده‌های مهرنرسی‌را میتوان دانست که درصفحات ۱۱۳/۹ و ۱۱۹/۲۰ و ۳۷۲ و ٤۸٦/۸ توضیح داده شده است .

(۲) نقشهٔ‌استخوان‌بندی فلزی وبتون مسلح گنبد شاه‌چراغ به‌هزینهٔ انجمن‌آثارملی توسط دفترفنی آقای مهندس سیحون بوسیلهٔ آقای مهندس ا . ر است فرزند دانشمند فقید شادروان نیکلار است (که سالیان متمادی عمر خود را درخدمات مفید علمی و اداری واجتماعی مربوط بفارس‌ودرآن سرزمین گذرانیده بود) ترسیم شد وباختیار هیئت فوق‌الذکر قرار گرفت .

۵ ـ درصفحهٔ۳۳۳ کتاب ضمن ذکرنام شاهنشاهان هخامنشی از **خشایارشای دوم** و **سغدیان** فرزند اردشیراول (که مجموعاً مدت هشت ماه بین سلطنت اردشیراول و داریوش دوم سلطنت نموده‌اند) ذکری‌بمیان نیامده‌است علت‌اینست که در کتاب تخت جمشید(Persepolis) که بشرح مذکوردرهمان صفحه ملاك فهرست نام شاهنشاهان نامبرده قرارداشت نام دو شهریار مزبورعنوان نگردیده بود بنابراین نوشته های کتب دیگر که نام خشایارشای دوم وسغدیان در آنها برده شده است مورد استفاده نبوده است(۱) .

۶ ـ درمورد نبشته های یادگاری درکاخ کوچك داریوش توضیح مختصری بشرح زیرمعروض میگردد :

پس‌ازپایان اتمام‌چاپ نبشته های مورد ذکرـ که درقسمت ذیل کتاب طی‌صفحات ۳۳۶ تا ۳۵۰ مندرج‌است ـ قسمتهائی ازیادداشتهای شخصی نگارنده (در پائین صفحهٔ ۳۳۹ بچگونگی تهیهٔ آنها اشاره رفته است) که سالیان‌درازنزد دوستی‌بس گرانمایه ودانشمند بامانت‌وفراموشی سپرده شده بود بوسیلهٔ دوست معظم‌له برحسب تصادف پیدا شد وردردسترسم قرار گرفت‌وبامراجعهٔ مجدد بآنها مختصراختلافاتی درتوضیح برخی‌نبشته‌ها بنظررسید که جزدومورد آنها بقیه اهمیت چندان ندارد واینك دومورد مزبورراذیلاً ذکر مینماید :

يك ـ نوشتهٔ یادگاری شمارهٔ ۹ (مذکوردرصفحهٔ۳۴۱) درداخل طاقچهٔ سنگی، واقع در ضلع شرقی ایوان بزرك‌کاخ کوچك داریوش ، نقر گردیده است ومحلی که درصفحهٔ۳۴۱ مرقوم رفته است درست نیست .

دو ـ نوشتهٔ یادگاری شمارهٔ ۲۵ (مذکوردرصفحهٔ ۳۵۰) نیزبربدنهٔ غربی‌دومین‌پنجرهٔ سنگی بین تالاروایوان (پنجرهٔ شرقی مجاوردرورود اصلی تالار) نقر گردیده است و توضیح مربوط به محل‌آن که درصفحهٔ ۳۵۰ ذکر گشته است صادق نیست .

۷ـ باتوجّه به میدان وسیعی که دربارهٔ تهیّهٔ کتب ورسالات‌وهر گونه‌نشریّهٔ حاوی اطّلاعات دربارهٔ آثارتاریخی گرانقدرایران عزیزدرپیش هست کتاب حاضر مراحل‌اوّلیّهٔ چنین‌خدمتی بشمارمیرود وبالطّبع دارای نواقص زیـاد بوده ایـراد فراوان بآن واردمیآید ، هر گونه ایراد وتذ کّر وراهنمائیهای مفید وعملی که چراغی‌فراراه چنین‌کارهائی درآینده باشد خدمتی‌شایسته بمفاخـر ویادگارهـای ایران کهن ومنّتی‌برخدمتگزاران آنها خواهد بود .

---

(۱) دوست گرامی ودانشمندم‌آقای احمد بنی‌احمد ازصاحبمنصبان محققوزارت‌فرهنك به سفارش شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی‌ایران کتاب جامعی مشتمل بر نام شاهنشاهان و شهریاران ایران‌ازسلسلهٔ ماد تا عصرحاضرتدوین نموده جدولهائی که حاوی سالهای تاریخ‌هجری ومیلادی مربوط بدوران سلطنت هریك ازشهریاران است درآن تنظیم داشته اند و طبعاً اثربس مفید وارزنده‌ای جهت تاریخ ایران بشمار میرود ـ نگارنده با ملاحظهٔ نسخهٔ آمادهٔ چاپ کتاب مزبوربه نکتهٔ فوق توجه وتذکریافته یادآوری‌آنرامناسب دیدم وبدینوسیله مراتب سپاسگزاری خودرا ازمؤلف محترم کتاب مورد ذکرعرضه میدارم .

یادی از پیشقدمان

وسپاسگزاری از سروران گرام و همکاران ارجمند

بحکم کریمهٔ **السابقون السابقون اولئك المقربون** وبمصداق **الفضل للمتقدم** درآغاز این قسمت نگارنده فرض‌ذمّهٔ خود میداند مخصوصاً درودفراوان به روان دو فرزند برومند فارس نثار نماید ـ شادروان **حاجی‌میرزاحسن‌فسائی** مؤلف کتاب **فارسنامهٔ ناصری** (چاپ طهران ۱۳۱۳ ق) وشادروان **فرصت‌الدولهٔ شیرازی** مؤلف کتـاب آثار عجم (چاپ بمبئی ـ ۱۳۱۴ ق) با شرائط وامکانات زمان خود حقّاً وانصافاً کاربس‌ارزنده ومهمّ وفوق‌العاده دشواری انجام داده‌اند که جزهمّت خستگی ناپذیروعشق خاموش نشدنیشان عامل‌ووسیلهٔ دیگری‌نمیتوانست چنان ثمره‌ای ببارآورد ـ درموارد مختلف برای تهیهٔ مطالب کتاب حاضر از دو کتاب مزبوراستفاده گردیده حتّی امکنهٔ قدیمی هست که درآن دو کتاب‌مذکور افتاده ودراین کتاب ازآنهاذکری‌نشده است . اگر این بنده توفیق خدمتی‌ناچیز نسبت بمعرّفی‌ناقص‌آثارتاریخیِ فارس نصیب داشته‌باشم ـ گذشته ازاقامت چند ساله درتخت جمشید ومسافرتهای‌متعدّد بآنجاوبازدید وبررسی آثار تاریخیِ گوناگون سرزمین عزیزفارس ـ تاحدّ مؤثری‌درك جزئی‌ازنتیجهٔ زحمات وتتبّعات الهام‌بخش دوبزرگوار فقید بوده است که جز عرض مختصر سپاسگزاری دراینمورد و زینت بخشودن دوصفحهٔ کتاب به‌تصویرشان کاردیگری را ازعهدهٔ خود ساخته‌نپنداشتم و پوزش نارسائی ادای حقّ مطلب را در اینمورد میطلبد ، پروردگار تعالی غریق رحمتشان فرماید .

سروران عزیزی که‌طیّ سالیان درازدرانجمن آثارملّی‌عمروهمّت خود را به اخلاص تمام درراه خدمات مختلف مربوط به‌آثارومفاخر ملّی گذرانیده اند (۱)

---

(۱) جناب آقای دکترعیسی صدیق‌یکی ازبنیان‌گذاران انجمن‌آثارملی‌ایران دریادداشت مورخ ۱۱ خردادماه ۱۳۴۰ شمسی کـه باینجانب مرحمت نموده‌اند تأسیس انجمن آثارملی را درسال ۱۳۰۱ شمسی‌مرقوم فرموده‌اند ، دررسالهٔ راهنمای انجمن‌آثارملی (چاپ طهران۱۳۲۳

(بقیهٔ پاورقی در صفحهٔ سی‌ویك)



شادروان حاجی‌میرزاحسن فسائی (متوفی‌در۱۳۱۶ ﻫ. ق درشیراز) مؤلف‌کتاب فارسنامهٔ ناصری

(عکس از مجموعهٔ متعلق به جناب آقای علی اصغر حکمت ، شادروان حاجی میرزا حسن
فسائی نیای مادری جناب آقای علی اصغر حکمت بوده است)



شادروان میرزا نصیر (معروف به میرزاآقا) متخلص به‌فرصت وملقب به‌فرصت‌الدوله (متوفی در۱۳۳۸هـ. ق درشیراز) مؤلف کتاب آثار عجم

(عکس از مجموعهٔ متعلق به جناب آقای علی اصغر حکمت که به موزه پارس ـ شیراز ـ اهداء فرموده‌اند ـ عکس فوق بشرحی که خود مرحوم فرصت الدوله در پشت آن نوشته است «دراوایل ماه شعبان ۱۳۳۷ مطابق اوایل ماه می۱۹۱۹ در شیراز گرفته شد.»

همواره بهترین سرمشق و پشتیبان معنوی برای هر گونه تلاش و کوشش در خدمت به یادگارهای فرهنگی گذشته بوده نسبت به تهیهٔ کتاب حاضر نیز همه گونه تشویق و ابراز لطف فرموده‌اند، وظیفهٔ خود میدانم مخصوصاً از جناب آقای حسین علاء رئیس محترم هیئت مؤسّسین ـ جناب آقای سیّد حسن تقی‌زاده ـ جناب آقای علی هیئت معاون محترم هیئت مؤسّسین ـ دانشمند و محقّق فرزانه جناب آقای علی اصغر حکمت ـ استاد گرامی خود جناب آقای دکتر عیسی صدیق ـ تیمساران معظّم سپهبد امان‌الله جهانبانی ـ سپهبد فرج‌الله آق‌اولی رئیس محترم هیئت مدیره ـ سرلشگر محمّد حسین فیروز ـ جناب آقای دکتر صادق رضازادهٔ شفق ـ جناب آقای دکتر محمود مهران ـ جناب آقای مهندس محسن فروغی که خواه در جلسات ماهانهٔ انجمن آثار ملّی و خواه در مواقع دیگر هر کدام بنوبهٔ خود رهین عنایتم داشته با نظرهای صائب تشویق آمیز و راهنمائی‌های بمورد و مفید موجبات انجام این خدمت مختصر را بصورتی

شمسی) اشاره بدین امر شده است که انجمن آثار ملی پس از برگزاری جشن هزارهٔ فردوسی و انجام بنای آرامگاه حکیم در طوس (که درسال ۱۳۱۳ شمسی صورت گرفت) بتعطیل گرائید و روز ۱۲ آذرماه ۱۳۲۳ دوباره تشکیل شد و بخدمات ملی خود ادامه داد، ساختمان آرامگاههای ابوعلی‌سینا در همدان و شیخ سعدی در شیراز و نادرشاه در مشهد و حکیم عمر خیام و شیخ فریدالدین عطار در نیشابور و کمکهای مختلف بتعمیرات فراوان آثار تاریخی و نشر کتب مربوط به بزرگان سابق‌الذکر در زمرهٔ فعالیتهای انجمن آثار ملی از هنگام تشکیل مجدد آن بشمار میرود.

ازاعضای پیشین و درگذشتهٔ انجمن تاهنگام نگارش این سطور میتوان از شادروانان حسن مستوفی (مستوفی الممالك) حسن پیرنیا (مشیرالدوله) ـ عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) ـ محمد علی فروغی (ذکاء الملك) محمد علی فرزین ـ ارباب کیخسرو شاهرخ ـ فیروز میرزا (نصرة الدوله) ـ نظام‌الدین حکمت (مشارالدوله) حسن اسفندیاری (حاج محتشم‌السلطنه) صادق صادق (مستشارالدوله) ـ علیرضا قراگزلو (بهاء الملك) ـ علامهٔ فقید محمد قزوینی ـ دکتر قاسم غنی ـ حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه) ـ ابراهیم حکیمی (حکیم الملك) ـ پرفسور ارنست هرتسفلد آلمانی نام برد. بموجب مفاد اساسنامهٔ انجمن هیئت مؤسسین مرکب از پانزده نفر بوده وزیر فرهنگ وقت باقتضای سمت خویش یکی ازاعضای هیئت مؤسسین هستند، مدیر کل باستانشناسی نیز به فراخور شغل خود در جلسات هیئت مؤسسین حضور یافته در مذاکرات و اخذ تصمیمات و فعالیتهای مختلف انجمن شرکت میفرمایند، هیئت مؤسسین در فروردین ماه هرسال از بین خودشان یکنفر را بعنوان رئیس هیئت مدیره و یکنفر دیگر را بعنوان خزانه دار انتخاب مینمایند و دونفر مزبور باهمکاری کارمندان دبیرخانه و حسابداری و متصدیان مربوط دیگر امور جاری و وظائف محولهٔ بانجمن آثار ملی را انجام میدهند.

بهتر فراهم نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

جناب آقای سناتور جواد بوشهری (امیرهمایون) نایب رئیس محترم شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران، درعین اینکه با ابراز محبّت فراوان بهمکاری و خدمت در امور دفتر مرکزی جشنهای شاهنشاهی منصوبم داشته‌اند، از لحاظ فرصت تدوین مطالب کتاب وصرف اوقات درکارهای مختلف آن مهلت ادامهٔ این خدمت وموجبات مزید توفیق وسپاسگزاری کاملم را فراهم فرموده اند.



پرفسور لوئی واندنبرگ بلژیکی



آقای علی سامی

دانشمند جوان وعلاقه مندودوستدار ایران وآثارتاریخی آن پرفسورلوئی واندنبرگ (Prof. L. Vanden Berghe) بلژیکی در مسافرتهای متعدّد خود بایران که درچندسال اخیرانجام دادهرمرتبه بخاك فارس میرفت ومحلهای باستانی ناشناخته‌ای راسراغ میگرفت یادداشتها وعکسهای بسیارمفیدی باختیارم میگذارد که موجبات سپاسگذاری فراوان نگارنده شده درتلو صفحات کتاب وتصاویر مختلف آن نیزاشاره بدان رفته است.

همکار دانشمند عالیقدرم آقای علی سامی رئیس پیشین بنگاه علمی تخت جمشید و پاسارگاد و دانشیار باستان شناسی در دانشکدهٔ ادبیّات شیراز از آغاز

تألیف کتاب حاضر تاپایان آن بااینجانب درتماس وارتباط بوده‌اند وعلاوه بر آنچه ازتألیفات ممتّع ایشان بهره‌مند شده‌ام (ونام آنهادرفهرست مآخذ درپایان کتاب ذکرشده است) درموارد مختلف برای تهیّهٔ بعضی اطّلاعات ویادداشتها و عکسها کمکهای مفید وذیقیمتی نموده‌اند که باعث کمال سپاسگزاری‌است وحقّاً درتدوین کتاب حاضرعامل مشوّق بس‌مؤثری بشمار میروند .

دوست دانشمند وگرامیم آقای علی اکبربصیری رئیس‌پیشین کتابخانهٔ ملّی فارس اطّلاعات بسیار ارزنده همراه عکسهای مفیدی ازبعضی آثارتاریخی ناشناختهٔ فارس‌باختیارم گذارده‌اند که بااظهار سپاسگزاری ازمعظّم‌له درمحلّ مربوط بهر قسمت درتلوصفحات کتاب بدان اشاره ومورد استفاده واقع گردیده است .



بانو سلما مقدم



بانو فاطمه مهران

همکاران پیشین و ارجمندم سرکار خـانم سلما مقدّم مدیرهٔ کتابخانهٔ موزهٔ ایران باستـان وسرکار خانم فاطمهٔ مهران متصدّی کتابهای فارسی وعربی وخطّی کتابخانهٔمزبور باتصحیح واصلاح وپاکنویس‌متن‌فرانسه وانگلیسی توضیحات‌تصاویر کتاب مساعدت بس گرانبهائی معمول داشته‌اند که موجب کمال تشکّر است .

همکار گرامی سابقم سرکارخانم سرورتاجبخش (کـه اکنون در فرهنـگ آبادان انجـام وظیفه میکنند) قسمت اعظم مطالب کتابرا پاکنویس نموده سهم

بسزائی درموفق داشتن نگارندهٔ کتاب درانجام این‌خدمت دارند ومانند بسیاری خدمات مفید دیگرسپاسگزارم فرموده‌اند .

آقـای جوادبابك از کارمندان لیسانسیهٔ بسیارمطّلع وعلاقه مند ادارهٔ کلّ باستان شناسی با کمال محبّت وصفا فهرستهای مآخـذ واعلام واماکن‌را استخراج نموده بامراقبت درچـاپ‌آن و کمك وهمکاری صمیمانه موجب پیشرفت بهتراین خدمت شدند که البتّه جای کمال حقشناسی وسپاسگزاری است .

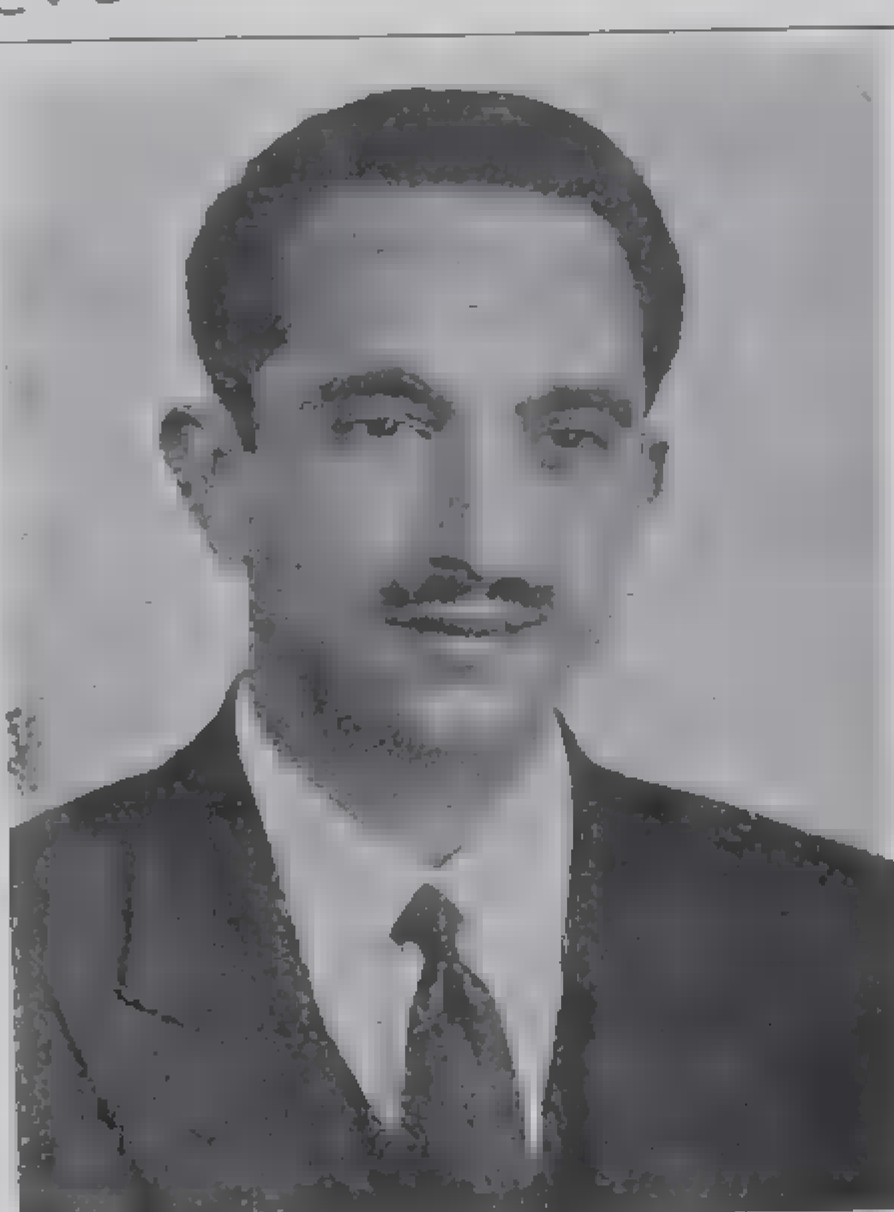


آقای جواد بابك



آقای مرتضی رستمی

آقـای مرتضی رستمی عکّاس زبردست ادارهٔ کلّ باستانشناسی بسیاری از عکسهای مندرج در کتاب را باختیارم گذارده‌اند که تهیّهٔ تعدادی ازآنها بسهولت میسّر نیست ـ آقای منوچهر چهره نگاردبیر فرهنگ فارس وعکّاس بسیار باذوق وعلاقه مند بآثارتاریخی‌هم عکسهای زیادوخوبی تهیّه وارسال فرموده‌اند کـه در برخی موارد ضمن توضیح مطالب مربوط بهـر کدام اشاره شده است و عکسهای مربوط به‌آثارتاریخی شهرشیراز نیزغالباً درردیف آنهابوده است ، ازهردوعنصر شریف هنرمندباقریحه که همکاری بس‌ذیقیمتی‌ازاین‌راه بعمل‌آورده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده همواره توفیق چنین جوانان نیکونهاد پرارج وهنرمند را در



آقای منوچهر چهره‌نگار

خدمات بسیار مفید وارزنده شان مسئلت میدارم ـ عکسهای معدودی که از بعضی استادان عکّاس محترم دیگر یا شخصیّتهای علاقه مند مختلف مورد استفاده قرار گرفته است در محلّ خود یاد آوری گشتد آنچه بیرون از همهٔ عکسهای نامبرده باشد از مجموعهٔ عکسهای شخصی نگارنده بوده است .

در موارد مختلف از اطّلاعات و راهنمائیهای مفید سروران ارجمند و همکاریهای برخی دوستان و عکسهای چندی کـه بعضی علاقـه مندان آثار باستانی باختیارم گذارده‌اند بهره مند شده‌ام که در محلّ خود اشاره رفته است وذکرنام شریف کلّیهٔ ایشان دراین موردموجب بدرازا کشیدن کلام میگردد .

گاهگاه از گزارشهای مفید و پیشینه‌های قابل استفاده که در ادارهٔ کلّ باستانشناسی موجودبود بلطف ومحبّت مدیران کلّ وقت باستانشناسی و متصدّیان محترم استفاده شده است که باعث امتنان کامل بوده هر کـدام را در محلّ خود یادآوری نموده نسبت باین عنایت پرارج مراتب سپاسگزاری خودرا تقدیم داشته‌ام .

دوستان گرامی آقایان عبّاس آریانپور ودکتر مسعود مسعودی وحسینقلی ملك نصر باکمك نسبت به رفع برخی ایرادات لغوی درمقدّمه‌های کوتاه فرانسه و انگلیسی کتاب همکاری قابل ستایشی معمول وسپاسگزارم فرموده‌اند .

چند نفر ازهمکاران ارجمند دردفترشورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران آقایـان عبّاسعلی سلحشور وپرویز معینی واکبر تربتیان وخانم نجمهٔ دارابی با همکاریهای گوناگون موجبات پیشرفت بهتر این خدمت را فراهم وبسی سپاسگزارم ساختند .

نقشه‌های پاسارگاد وتخت جمشید بوسیلهٔ دوست دانشمندم آقای علی حاکمی

مدیر موزهٔ ایران باستان و نقشه‌های ایران وفارس به سفارش انجمن آثار ملّی از طرف **ادارهٔ جغرافیائی ستاد آرتش** تهیّه وترسیم شده‌است ونهایت تشکّررا ازاین بابت دارد.

آقای عبدالله ملکی مدیر عامل چاپخانهٔ تابان وآقایان رضا سعید زاده ونصرالله عبّاسی‌وچندنفر دیگر ازکارمندان چاپخانهٔ مزبور درچاپ مطالب وکلیشه‌ها وسایر کارهای کتاب همه گونه توجّه و دلسوزی معمول داشته‌اند که موجب کمال قدردانی است.

ازمؤسسهٔ گراوورسازی امروزو کلّیهٔ آقایان کارکنان‌وکارگران‌آن مؤسسه که زحمت تهیّهٔ کلیشه‌ها و گراوورهای کتاب‌را بعهده داشته دراین‌باره شایستگی و مراقبت کامل بخرج داده‌اند اظهار امتنان و سپاسگزاری کامل مینماید. آقای امین‌الله راجی خدمتگزارصدیق وزحمت کش ادارهٔ کلّ باستانشناسی که بااجازه ولطف‌ادارهٔ متبوع‌خویش،علاوه‌بروظائف محوّله ، امرنامه رسانی وکارهای مختلف انجمن‌آثارملّی‌را نیزعهده داراست درتمام طول مدّت‌چاپ کتاب زحمت رسانیدن و بر گردانیدن‌نمونه‌های‌چاپ‌واوراق کتاب‌و گراوورهاراازچاپخانه و گراوورسازی بنزد اینجانب وبرعکس متحمّل گشته ازاین راه یاری بسیارمؤثر وبموردی کرده است که البتّه باعث تشکّر فراوان میباشد.

***

نقل واقتباس واستفاده از مطالب این کتاب موجب مزید سپاسگزاری گردآورندهٔ آن بوده اشاره به مأخذ مطالب را موکول به نحوهٔ اندیشه وشخصیّت استفاده کنندگان محترم میشناسد.

به‌امّید توفیق شایسته درراه خدمات فراوان‌به یادگارهای پرافتخار گذشتهٔ ایران وسعادتمندی وآبادانی روزافزون این‌مرز وبوم مقدّس وشکوه وخوشبختی جاودانی شاهنشاهی ومردم نیکونهاد آن.

طهران ـ دی ماه ۱۳۴۲ش ـ سید محمد تقی‌مصطفوی

فصل اول - از اصفهان بشیراز

قسمت اول - از ایزدخواست تا دشت مرغاب

۱- ایزد خواست

نخستین اثرتاریخی که‌پس از ورود بخاك فارس میتوان نام‌برد ویرانه‌های قلعه‌قدیمی ایزدخواست است که بمسافت ۱۴۱ کیلومتری اصفهان واقع میباشد - این‌قلعه بر فرازصخره رسوبی کرانه دره عریض کم عمقی در محاذات جلگه قرار دارد (ش-۱) و بوسیله پل کهنهٔ از جانب جنوب با خارج راه پیدا میکند درون آن‌خانه های کوچك و کوچه‌های‌تنگ که‌میتوان گفت‌همان‌وضع دوره ساسانیان را نشان‌میدهد باقی است وچارطاقی عهد ساسانیان را که آتشکده ونیایشگاه‌قلعه بوده است در اوایل‌قرن نهم هجری به‌مسجد تبدیل نموده‌اند وچندسال پیش‌بعلت فرو ریختن سراسر کرانه دره بدنه شرقی (ش-۲) چارطاقی ویران مزبور هم فروریخت‌و یکی‌اززنان نیکوکارآبادی دیوارجدیدی برای محصور ساختن آنجا که‌مسجد کنونی این قلعه ویرانست بنانمود چارطاقی ویران مزبور درتاریخ ۲۷ اسفندماه۱۳۲۷ ذیل‌شماره۳۷۶ درفهرست‌آثارملی‌ایران‌ثبت گردیده‌است‌واکنون هم‌با پوشش‌جدیدی که پائین تر از طاق عهد ساسانی بر آن زده‌اند بصورت مسجد مورد استفاده مردم‌است .

۲- آباده و ابرقو

درشهرآباده از لحاظ آثار تاریخی‌چیزقابل ذکری‌سراغ نمیرود ولی‌توابع آباده یعنی اقلید و ابرقو دارای آثار تاریخی کم وبیش مهمی‌است که اشاره‌بآنها دراین کتاب مناسب‌بنظرمیرسد .

اقلید

چون‌از آباده بجانب‌شیراز عزیمت نمایندپیش ازرسیدن به آبادی‌معروف سورمق که بمسافت ۲۲ کیلومتری آباده است راهی بطرف‌راست یعنی بجانب‌مغرب منشعب میگردد وبسوی‌اقلید میرودوپس‌از طی‌قریب ۲۰ کیلو متر‌باقلیدمیرسند.

سابقه تاریخی اقلید بیش‌از آباده است و در سابق شاهراه اصفهان بشیراز بجای آباده از اقلید میگذشت و این محل مرکزیت کامل داشت چنانکه شهر کنونی آباده را بنام آبادهٔ اقلید میشناختند و پس از تغییر مسیر راه طبعاً رونق آباده افزایش‌یافته است .

در اقلید مسجد جامع قدیمی وجود دارد که آنرا با خشت و گل ساخته اند و بهمین جهت هر چند یکبار بر اثر بارندگی وغیره ویرانیهائی بدان راه یافته مجدداً تعمیر گشته است وظاهراً اهمیت معماری وهنری ندارد بانی‌آن بنابر کتیبه چوبی‌منبت سردرمسجدعبدالعزیزبن احمد و تاریخ آن‌ماه‌ربیع‌الاول سال ۸۴۹ هجری است ومنبر منبتی مورخ به‌محرم ۱۰۰۸ هجری دارد .

همچنین در دامنه یکی از کوههای کوچك‌اقلید که تل‌قلات خوانده‌میشود گودالی در سنگ کنده‌اند که‌مردم آنرادختر گبر مینامند ودر کناره آن کتیبهٔ پهلوی ساسانی در ۲۱سطر برلوحهٔای بدرازای تقریباً ۲ متر و پهنای ۸۸ سانتیمتر برسنگ‌نقرنموده‌اند که نیازمند بررسی‌وتشخیص بیشتر اهل‌فن میباشد و اجمالاً میتوان گفت گودال‌مزبور از استودانها یعنی محل سپردن استخوان مردگان‌در عهد ساسانی بوده کتیبه هم مشتمل بر کلمات مذهبی زرتشتیان و نام شخص‌متوفی میباشد (۱)

ابرقو

برای رفتن بابرقو باید راه آباده بشیراز را تا آبادی معروف سورمق که بشرح سابق‌الذکر در ۲۲ کیلو متری آباده‌است بپیمایند پس از آن جاده شوسه

(۱) اطلاعات مربوط به‌مسجد جامع اقلیدو اثر تاریخی دختر گبر از گزارش شماره ۶۱۰۲ ۱۳۳٤/٤/۲۵ اداره فرهنگ آباده نقل و اقتباس شده است.

ابرقو بجانب چپ یعنی بطرف مشرق منشعب میگردد وباطی ٤٨ کیلومتر از محل انشعاب جاده بابرقو میرسند .

نام‌اصلی ابرقوابر کوه است که بمناسبت‌موقعیت‌شهرقدیم بربالای‌صخره‌های کوتاه درعهد ساسانیان آنرا بدین نام خوانده‌اند ودر ادوار اسلامی مانندبسیاری نامهای دیگر بجای‌کاف‌حرف ق تلفظ مینمایند .

ابرقواز نظر سازمان کشوری ازبعضی جهات تابع یزد وطبعاً مربوط به‌استان دهم (اصفهان) بوده از بعضی‌جهات تابع آباده یعنی مربوط به فارس (استان‌هفتم) است چون راه سهلتر وعملی‌تربرای رفتن بآنجا از جاده بین آباده‌وده‌بیدمیباشد و از طرفی فرهنگ آن ازتوابع فرهنگ آباده است طبعاً مناسبتر بنظرمیرسد آثار تاریخی آن که مشتمل براینیه متعدد قابل توجهی هست ضمن آثار تاریخی فارس مذکور گردد .

گنبد علی

قدیمیترین و مهمترین و مستحکمترین ابنیـه تاریخی ابرقو گنبد علی یا بگفته‌بعضی‌علاقمندان گنبد عالی‌نام‌دارد ـ بنای‌مزبوربرج‌سنگی‌هشت‌ضلعی‌است که بربالای تپه واقع در مشرق ابرقو و مشرف به محل شهر قدیم قرار دارد (ش ـ۳) وضع‌ساختمانی‌آن بسیارساده ودقیق ودارای خطوط مشخص‌بوده‌بالای قسمت‌هشت ضلعی بنا کتیبه کـوفی با خطوط درشت دیده میشود بالاتـر از آن مقرنس کاری زیبای سنگی جلب نظر میکنـد و گنبد مدور ساده سنگـی بر فراز برج هشت ضلعـی مزبور استـوار میباشد بام آنرا از آجـر های نازك عهد سلجوقی فرش کرده بودند .

پهنای داخل برج ۸/۹۰ متر وکلفتی دیوار درهر جانب قریب یکمترونیم و بلندی‌کلیه بنادر حدود ۱۲ متراست ـ کتیبه کوفی مزبور حکایت از این مینماید که‌این بنامدفن‌امیرعمیدالدین‌شمس‌الدوله‌ابی‌علی‌هزارسپ بوده بدستورفرزندش فیروزان بسال٤٤٨هجری‌ساخته شده‌است ودر کتیبه کوتاه‌دیگری که‌بالای‌مدخل بناقراردارد اشاره باین امر میشود که بنای نامبرده جهت‌آرامگاه مادرفیروزان

هم‌بوده‌است (ازآثارمشهودبنظرمیرسد نام‌این‌بانو«تازنین کرشمه»یاچیزی‌نزدیك بدان‌بوده است)

عمیدالدین شمس‌الدولـه از خاندان شاهان دیلمی و نوه نصربن حسن‌بن فیروزان دیلمی صاحب اشکور از نواحی معروف دیلم‌میباشد که خاندان اوبعلت رقابتها و کشمکشها مجبورشده‌اند ازشمال ایران باصفهان ونواحی مرکزی‌بروند ومقبره اوهم به سبك ابنیه نواحی شمالی ایران احداث گشته است.

گنبدعلی از استوارترین‌و بهترین ابنیه قرن‌پنجم هجری بوده در تاریخ۹ مرداد ۱۳۱۲ ذیل شماره ۱۹۵ درفهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده‌است.

مسجدجامع ابرقو

مسجد جامع ابرقو بصورت ویران مشتمل برحیاط مربع مستطیلی است که چهار ایوان درچهارطرف داشته شامل دهلیز ها و شبستانها و متعلقات دیگر هم بوده است قدیمی‌ترین قسمتهای آن شبستانی است که درمیان ایوانهای جنوبی و شرقی آن قرار دارد و ظاهراً مربوط بدوره سلجوقـی میباشد ـ در ایوان شرقی مسجدمحراب گچبری بسیار عالی‌مورخ بسال ۷۳۸ وجود داردو میتوان آنرا شانهٔ از تعمیرات‌مفصل وفراوانی‌دانست که در اواخرسلطنت سلطان ابوسعید درمسجد مزبور بعمل آورده‌اند وشبستان بزرگی هم در امتداد ایوان بزرگ مسجد کمی پس‌از تعمیرات‌مزبور ساخته‌اند که درنوشتهٔ بالای محراب آن‌اشاره‌بدین‌مضمون شده است که حسن ابن حاجـی محمّد ابن احمد مشهـور بفراش و ملقّب بحاجی امین‌الدین ابرقوئی بانی ساختمان این‌قسمت مسجد بوده آنرا متصل به‌مسجدقدیم ساخته است ـ بطور کلی مسجد جامع ابرقو از ابنیه‌ای بشمار میرود که محتاج تعمیر فراوان توأم باعلاقه‌مندی ودلسوزی بسیار میباشد (ش‌ـ٤) این‌بنا در تاریخ ۹مرداد ماه‌سال۱۳۱۲ ذیل‌شماره ۱۹۷ درفهرست آثارملی‌ایران‌بثبت‌رسیده است.

الواح مرمری چندی در مسجد جامع ابرقو موجود بود که پیش ازاین در ویرانه‌های مجاور مسجدبرای‌پنجره‌بکارمیرفت‌و یکی ازآنهامورخ به ۸۱۸میباشد و درسال ۱۳۱٦ با محراب اصلی مسجد که آنهم از مرمر است (ش‌ـ٥) بموزه ایران‌باستان منتقل گردید ودر غرفه‌های پیش ازعهدصفوی‌محفوظ نهاده شد.

مقبره حسن بن کیخسرو

بنای تاریخی مهم دیگر در ابرقـو مقبره حسن بن کیخسرو و دخترش بی بی عایشه ملکه خاتون است که بنام مقبره طاووس خوانده میشود و نباید با مقبرهٔ طاووس الحرمین مذکور در کتاب حمدالله مستوفی اشتباه شود ـ بنای مزبور عبارت از ساختمان خشتی مربعی است که هرضلع آن از بیرون قریب سیزده متر بوده پهنای درون آن مختصری کمتر از ده متر میشود و بسبك معمول دوران مغول بالای دیوارهای خشتی طاق بندی آجری زده گنبدی از آجر نیز بر فراز آن استوار نموده اند و بهمین جهت هم فروریخته است (ش-٦) ارتفاع تمام بنا تانوك گنبد بالغ بر ۲۵ متر وپوشش بیرون گنبد تماماً از کاشی فیروزه فام یکدست وداخل آن مزین به گچبریها ونقاشیها و گل و بوته و کتیبه های کوفی و ثلث میباشد ـ کتیبه حاوی اطلاعات تاریخی آن بخط ثلث برلوحه بزرگی بالای محراب قرار دارد که آسیب فراوان دیده است وضمن عبارات حاوی ثنای پروردگار والقاب مربوط به صاحب قبرواسلاف او که متداول عهد مغول بوده است از آن چنین برمیآید که حسن بن کیخسرو بن منصور بن ابی بکر محمد در شب شنبه پنجم جمادی الثانی سال ۷۱۸ بسن ۹۳ سالگی وفات یافته زندگی خودرا بانجام طاعات وخیرات ومبرات گذرانده ودخترش در شب پنجشنبه ۱۷ ذی العقده ۷۰۷ هجری در گذشته بود و بنای مورد ذکر قبر این دونفر است ـ بنای مزبور در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۱۲ ذیل شماره ۱۹٦ در فهرست آثار ملی ایران بثبت رسیده است و در مجاورت آنهم آثار چند ساختمان قدیمی هست و دروسط آنها بنای کوچکی دیده میشود که تصور میرود در محل مقبره قدیم و اصلی طاووس الحرمین (مذکور در کتاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی) ساخته شده باشد .

مزار پیرحمزه سبزپوش

علاوه بربنای تاریخی مهم گنبدعلی آثار دیگری هم از دوران سلجوقی یعنی قرون پنجم وششم هجری در ابرقوبوده که کم وبیش بقایائی از آنها باقی ومشهود است از جمله بنای کوچك بنام مزار پیرحمزه سبزپوش را میتوان شمرد که محراب گچبری بسیار زیبا و قابل تـوجهی دارد (ش-۷) و با محـرابهای گنبد علویان

(همدان) ومدرسه حیدریّه (قزوین) ومسجد جامع ورامین هم طراز وقابل قیاس است و مشتمل بر گل و بوته های اسلیمی و ریزه کاریهای بسیارعالی گچبری و کتیبه‌های کوفی و نسخ شیوای گچبری میباشد وبر روی دو گل گچبری برطرفین محراب بخط نسخ نام‌سازنده وتاریخ آن چنین خوانده میشود :

برجانب راست . (عمل محمّدبن ابی‌الفرج العراقی غفرالله‌له) برجانب‌چپ. (فی‌رمضان. . . . . وخمس‌مائة) این محراب تاریخی در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۱۳ ذیل شماره ۲۰۵ درفهرست آثارملی ایران بثبت رسیده است .

بقایای آثارتاریخی مختلف دیگر

غیراز ابنیه فوق بقایای ابنیه دیگری در ابرقوهست که چیز مهمی از آنها نمانده و نشانهٔ روزگار آبادانی ومرکزیت تجارت ورونق ابرقو در قرون پنجم و ششم‌هجری‌ودوران مغول‌محسوب‌میگردد- آثارمزبوریکی گنبد سیدون‌ودیگری گنبدسیدون گل سرخی وسوّمی دروازه‌ای است که‌از مسجدنظامیه باقی میباشد- دوبنای اول‌مربوط‌بقرن ششم‌هجری بوده دروازه نظامیه خصوصاً مناره‌های آن از آثارقرن‌هشتم هجری بنظرمی رسد - در مجاورت مقبره حسن بن کیخسرو هم آثار ابنیه ویرانی هست که ابنیه مذهبی از قبیل مدرسه و مسجد بوده اثر قابل توجهی از آنهابرجا نمانده است .

۳ - ده‌بید و بوانات

پس‌از گذشتن ٦٤ کیلومتراز سورمق یعنی ٨٦ کیلومتر ازآباده بمنزلگاه معتبرده بیدمیرسند - درده‌بیدهم مانند شهرآباده اثر تاریخی قابل‌ذکری سراغ نمیرود لکن‌بازهم نظیر آباده بر جوانب جنوب غربی و مشرق آن آثار تاریخی موجود است که ذکرآن در این کتاب مناسبت پیدامیکند .

بقعهٔ شهداء یا بقعهٔ سلطان ابراهیم

بمسافت قریب چهارده کیلو متری جنوب غربی ده بید بیرون از شاهراه یعنی در قسمتهای دوردست‌سمت‌راست جاده فعلی که بشرح مذکور در بارهٔاقلید

راه‌قدیم اصفهان بشیراز از آنحدود میگذشته است بنای تاریخی زیبائی بنام بقعه شهداء یابقعه‌سلطان ابراهیم‌وجود دارد که از سنگهای سفید ساخته‌شده مزین به کاشیکاریهای معرق و مقرنسهای عالی بوده است .

بنای مزبور مشتمل برصحن چهار گوشی است که‌طول هرضلع آن ۷/۲۰متر بوده دارای چهار ایوان در چهارجانب صحن و طاقنماهای کوچکتر در جوانب ایوانها است و درسمت قبله ایوانی بزرگتر ساخته‌اند و طرفین آن بر اثربزرگی ایوان‌بایجادطاقنماهای کوچك‌نپرداخته‌اند وعقب‌ایوان‌مزبور شبستان‌چهار گوشی که‌هر ضلع آن کمی ازچهارمتر و نیم بیشتر است قرار دارد .

تزئینات کاشیکاری این‌بقعهٔ‌دورافتاده‌مخصوصاً مقرنسهای‌بالای مدخل‌شبستان در انتهای ایوان بزرگ وهمچنین‌حاشیه معرق در ارتفاع سه‌متری دیوارشبستان مشتمل بر قسمتهائی از سورهٔ فتح ازبهترین نمونه های این صنعت ظریف است ـ نام بانی وسال تاریخ آن معاوم و مذکور نیست (۱) وازوضع کاشیکاریها وهمچنین معماری بناچنین برمیآید که ازآثار شاهان آق‌قوینلو یا از بناهای دوران‌سلطنت زادگان امیرتیمور درفارس ومربوط به‌قرن نهم هجری‌باشد که در دوره صفویه‌و پس از آن مورد بیمهری روزگار واقع گشته پس از تغییر مسیر جاده اصلی هم اساساً بصورت بنائی‌متروك ودورافتاده درآمده‌است وآثار هنری ووضع معماری آن ارزش‌تعمیر ومراقبت لازم دارد .

درحول و حوش این بنا ونواحی دیگر مجاور ده‌بید تپه‌های متعدد وآثار مختلف روی‌خاك مشهود است که حکایت ازآبادی ورونق بیشتر آنحدود درادوار گذشته مینماید از جمله درسه کیلومتری بقعه‌شهداء چند تپه‌قدیمی است که‌بنام قصریعقوب خوانده میشود وجا دارد تجسسات علمی وکاوشهای تحقیقی درکلیه‌این نواحی بعمل آید .

---

(۱)ـ اطلاعات مربوط به بقعه شهداء ازگزارش شماره ۷۸ـ ۱۳۲۹/۷/۲۴ ـ آقای‌فریدون توللی بازرس فنی‌باستان شناسی در فارس نقل گردیده است .

سوریان (بوانات)

بوانات نام بلوکی است کـه‌در جـانب شرقی ده‌بید واقع میباشد وبمسافت قریب چهار فرسنگی‌مشرق ده‌بیدآبادی معتبر سوریان‌قرار دارد که‌مرکز بخش بوانات است .

مسجد جامع سوریان

مسجدفوق بنای کوچکی ازقرن ششم‌هجری است و درتاریخ ۲۱اسفند ماه ۱۳۱۵ذیل‌شماره۲۸۲درفهرست آثارتاریخی‌ایران‌ثبت گردیده‌است واهمیت‌هنری زیادی نـدارد اثـر مهمتر این مسجد منبر منبت بزرگی‌بوده که بفرمان خواجه مظفرالملك ازمحل ماترك خواجه سعدبن محمد درسال۷۷۱هجری ساخته‌بودند که قسمتهائی ازآن ناپدید شده بـود و برای‌حفظ منبردرسال۱۳۱٤آنرا بموزه ایران باستان منتقل وتعمیر نمودند .(ش-۸)

بقعه امامزاده حمزه

بنای‌تاریخی دیـگر بوانات بقعه‌ای‌بنام امامزاده حمزه مورخ‌به۹۵۳هجری است که درقریه‌باز درجنوب شرقی سوریان واقع‌میباشد ودر تاریخ ۱۲اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شماره ۲٦٦ درفهرست آثارتاریخی ایران بثبت رسیده است .

قسمت دوم ـ دشت مرغاب

۱ـ آرامگاه کورش کبیر

مسافری که‌جاده طولانی‌اصفهان‌بشیرازراطی میکند پس‌از گذشتن‌ازده‌بید و چندین تنگه وگردنه و منزلگاه‌دیگر به آبادی قـادرآباد میرسد قریب ده کیلومتر که‌از قادر آباد بگذرند پیش‌از آنکه بـه تنگه معروف سعادت آبـاد برسند در جانب راست جاده جلگهٔ نمودارمیگردد که بنام دشت مرغاب خوانده میشود ـ آرامگاه کورش کبیر که از سنك سفید بنیاد گشته و نام محلی آن قبر مادر سلیمان است بعد ازاین دشت قرار دارد و در مجاورت دهکدهٔ آبادی بنام

مادر سلیمان بمسافت سه کیلو متری جاده واقع بوده مخصوصاً در ساعات پیش از ظهر که بدنه شرقی آرامگاه از تابش آفتاب روشن میگردد از سمت جاده بخوبی هویدا است ـ پاسگاه ژاندار مری کنار جاده درمحل انشعاب خیابان مشجر با صفائی قرار دارد که از آنجا بطرف آبادی مادر سلیمان و آثار تاریخی پاسار گاد میروند و ابتدا از قریه معمور کرد شول میگذرند سپس رود خانه پلوار را قطع نموده بدهکده مادر سلیمان میرسند و آرامگاه کورش کبیر بنام محلی قبر مادر سلیمان بیرون آبادی مزبور بر جانب جنوب غربی در وسط کشت زارها واقع گشته قبور اسلامی اطراف آنرا احاطه نموده است .

نقشه عمومی محوطه پاسار گاد که محل آرامگاه و هر یك از کاخها و آثار باقیه رادراین جایگاه تاریخی نشان میدهد درضمن تصاویر آخر کتاب (ش ـ ۹) ارائه گردیده است.

بنای آرامگاه مشتمل بر اطاق چهار گوشی است که بر فراز سکوی شش طبقه متناسبی قراردارد (ش۱۰و۱۱) کلیّه این بنا ازسنگهای سفید بزرك ساخته شده مجموع ارتفاع آن بالغ بر ۱۱مترمیشود کـه تقریباً نیمی از آن بلندی طبقات شش گانه سکو بوده باقی آن بلندی اطاق و آرامگاه و پوششهای آنها است ـ محوطه درونی اطاق مزبور بدرازای ۳٫۵ متر و پهنا و بلندی ۲٫۱۰ متر میباشد و بر دیوار جنوبی آن محراب و آیات کلام‌الله مجید حجاری گردیده است و بدینوسیله آرامگاه شهریار سترك ایران را بصورت زیار تگاه اسلامی هم در آورده اند .

از زیر سقف اطاق تا سطح بالای بام آرامگاه در حدود سه متر فاصله دارد و در دل این فاصله محل دو قبر تعبیه گردیده است کـه یکی راخوابگاه ابدی کورش کبیر و دیگری رامدفن همسر او «کاسان‌دان» مادر کمبوجیه دانسته‌اند (ش۱۲)اندازه های یکی از دو قبردومتر در یك متر و دیگری ۱٫۹۵در ۰٫۹۵متر است که بوسیله دهلیز باریکی بدرازای یك متر و پهنای ۳۵ سانتیمتر بیکدیگر مربوط میشود و ارتفاع قبرها و دهلیز یکسان بوده بالغ بر ۸۷ سانتیمتر

میباشد (ش-۱۳)

این دو قبر با وجود اینکه در محل مرموزی بین سقف زیری اطاق و بام آرامگاه قرار داده شده بود در ادوار بعدی مورد دستبرد قرار گرفته بوسیله حفرهٔ که نزدیک گوشه شمالی شرقی بام ایجاد کرده بودند سنگ بام را شکسته بدرون آن راه یافته اند و بطمع نفائس آن بقایای اجساد و استخوانها را هم از میان برده‌اند و بتدریج از خاك و غبار پرشده بود و درتابستان ۱۳۳۷ ضمن مرمت آرامگاه شکستگی سنك بام هویدا و وسیله راه یافتن به قبور انباشته از خاك گردید و مجدداً پس از قرون متمادی درون آنها از خاك تهی گشت و به صورت پاکیزه در آمد . (۱)

در دوران اتابکان فارس یعنی قرن هفتم هجری دشت مرغاب آبادی بیشتری یافته محوطه آرامگاه کورش را تبدیل به مسجدی کرده بودند ونوشته‌ها و سال تاریخ مربوط باین موضوع (رمضان ۶۱۲ هجری) و نام اتابك سعد بن زنگی در گوشه و کنار محوطه مزبور بر روی سنگها موجود است و بر آستانه سنگی جانب غربی محاذی مدخل آرامگاه هم نوشته مفصلی با ذکر سال تاریخ ۶۲۰ (یا ۶۲۱) در این باره دیده میشود .

۲ - بنای اسلامی نزدیك آرامگاه کورش .

بمسافت کمی در شمال آرامگاه کورش آثار بنای عهد اسلامی هویدا است که از طرف اداره کل باستانشناسی در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ خاکبرداری شد و قطعات نوشته بدست آمد که میرساند در عهد شاه شجاع (۷۷۰ - ۷۷۶ه) از سنگهای کاخها و ابنیه دوران کورش کبیر آنرا ساخته‌اند- وضع ساختمانی آن نقشه بنای چهار ایوانی را با اطاقها وستونهاو راهرو سراسری جلو اطاقهامینماید و چنین بر می آید که کاروانسرائی در کنار شاهراه جهت مسافرین ودر عین حال خانقاه و عبادتگاهی جهت معتکفین و نیازمندان در جوار بنای متبرك آرامگاه

(۱) استخراج ازگزارش شمارهٔ ۱۷۳ - ۳۷٫۵٫۲ ادارهٔ باستان شناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید .

بوده است. (۱)

۳ـ کاخ بار کورش

بمسافت ۶۰۰ متری شمال شرقی آرامگاه بقایای کاخ معظمی وجود دارد که یك ستون آن برجای مانده است (ش-۱۴) وسعت این کاخ مجموعاً ۲۶۲۰ متر مربع بوده وطول آن تقریباً شرقی غربی ۵۶ متر و پهنای آن تقریباً شمالی جنوبی ۴۴ متر و مشتمل بر تالار بزرگ ۸ ستونی در وسط و چهار ایوان درچهار سمت و اطاقهائی دردو گوشه بوده است ـ ستونها و آستانه‌ها و ازاره‌ها و جرزهای دو جانب ایوانها و کف کاخ از سنگ سفید بوده پایه ستونها و سرستونها و کف آستانه‌ها وسکوها و زینت کف ایوانها از سنگ سیاه بوده است و اساساً بکاربردن سنگهای سفید وسیاه درکاخهای پاسارگاد یکی از امتیازات مخصوص این ابنیه است ـ ارتفاع ستون موجود مجموعاً ۱۳/۴۴ متر بوده بر بالای جرزهای سنگ سفید که در انتهای ایوانهای کاخ قرار دارد (ش-۱۵) بخط میخی به زبانهای پارسی وبابلی و عیلامی جمله «من (هستم) کورش شهریار هخامنشی» منقور است ـ قسمت مهم فرش سنگی سفید تالار مرکزی و ایوان جنوبی این کاخ را بـرای احداث بنای اسلامی سابق الذکر از بین برده‌اند ـ برسنگهای سیاه درگاههای تالار کاخ مزبور نقوش برجسته وجود داشته قطعات و نمونه‌های عالی آن درکاوشهای ۱۳۲۹ بدست آمده است ـ ایوان شمال شرقی این کاخ دارای ۴۸ ستون در دوردیف و ایوان جنوب غربی دارای ۲۸ ستون در دو ردیف بوده هریك از ایوانهای شمال غربی و جنوب شرقی هم ۱۶ ستون دردوردیف داشته‌است ـ ارتفاع تالار مرکزی کاخ در حدود ۱۶ متر و ارتفاع ایوانها مجموعاً درحدود ۶ متر میرسیده است.

---

(۱) علاوه برقطعات کتیبه سنگی که اشاره شد ضمن فصلی از کتاب «مختصر مفید» تألیف محمد مفید مستوفی یزدی مربوط بقرن یازدهم که درفرهنگ ایران زمین (دفتر ۲ و ۳ جلد ۶ ـ تابستان و پائیز ۱۳۳۷) نقل گردیده‌است درصفحه ۱۷۵ نشریه مزبور زیرعنوان مشهد مادرسلیمان نوشتهٔ مؤلف نامبرده چنین آورده شده است: «مشهد مادر سلیمان. حقیر خود ملاحظه آن کرده و پادشاه مطاع شاه شجاع مظفری درحوالی مشهدکاروانسرائی ساخته که تمامی ارکان و دیوارها از سنگ مرمر تراشیده است».

۴ـ کاخ دارای نقش انسان بالدار

بمسافت مختصری در جانب شرقی کاخ بار کورش آثار بنای دیگری برجا مانده است که نقش انسان بالدار برسنگ سفید مهمترین نشانه و اثر موجود آن بشمار میرود (ش‍ـ۱۶) این بنامشتمل بر تالاربزرگ ۸ ستونی بوده برهر یک از جوانب شمال و شرق و غرب آن درگاهی قرار داشته است و آثار ایوان و ابنیه دیگری بیرون تالار دیده میشود ـ نقش برجسته انسان بالدار برسنگ سفید در درگاهی شمالی واقع شده دوبال روبالا و دوبال رو به پائین حجاری کرده‌اند دستهای انسان بحالت دعارو باسمان بلند است و لباس بلندی مانند لباس عیلامیان که تا قوزك پا میرسد دربر دارد و تاجی مرکب از سه گل بلند همچون تاجهای مصر برروی نقش دوشاخ (شبیه شاخ قوچ) برسر او دیده میشود ـ آنچه از کتب برمیآید بالای این نقش نام کورش (مانندبالای جرزهای کاخ بار)منقور بوده ولی از هفتاد واندسال پیش نشانی از آن نمانده است .

قرائن امر میرساند که این کاخ عبادتگاه پاسارگادوقدیمترین بنای این محل بوده نقش برجسته فوق نیزقدیمیترین نقش دوران هخامنشی است .

۵ـ کاخ اختصاصی کورش

بمسافت کمی بیش از ربع کیلو متری شمال غربی کاخ بار کورش آثار کاخ بزرگ دیگری دیده میشود که وسیعترین کاخهای پاسارگادبشمارمیرود ومجموع وسعت آن ۳٤۲۷ مترمربع (٤٤ × ۷۷/۵) بوده تالاری دروسط وایوانهای طولانی در جوانب شمال غربی و جنوب شرقی داشته است . تالار مرکزی دارای ۵ ردیف در ٦ ردیف جمعاً سی ستون از سنگ سفید بوده ته ستونهای چهار گوش زیبای آن با کفسازی عالی تالارنمونه گویای سلیقه واستادی فراوان بنیادگزاران کاخ بشمار میرود (ش‍ـ۱۷) درهریك ازدوانتهای تالاریك ردیف پایه بمحازات ستونها ساخته بودند ومیرساند طاقنماها و شاه‌نشین هائی در دو جانب تالار وجود داشته است ـ ایوان جنوب‌شرقی دارای چهل‌ستون در دو ردیف و ایوان شمال غربی دارای ۲٤

ستون دردو ردیف‌بوده قسمت‌عمده ته‌ستونها وبخشی از کف سنگی آنها باقی‌است ازدو فضای واقع‌در دو انتهای تالارمرکزی اثری‌باقی نمانده است که معلوم دارد ایوان یا اطاقهائی بوده باشد ـ سنگ سیاه توأم باسنگ سفید دراین بنانیز بسیار بکار رفته درگاهیهای سنگی تالار از سنگ سیاه دارای نقوش برجسته با خطوط میخی بنام کورش بوده که قطعاتی از آن کشف گردیده است ـ ماده‌قرمزرنگ برای درزگیری سنگهاوقطعات گل باسفیدکاری نازك گچ وآجرهای قرمزرنگ به ابعاد ۵/۵ × ۳۲ × ٤۵سانتیمتر از مختصات دیگراین‌کاخ‌بشمار میرود .ارتفاع تالارمرکزی این کاخ احتمالا قریب‌ده‌متروارتفاع‌بام‌ایوانهای آن بالغ بر۶/۵متر میگشته است .

۶ـنهرها وحوضچه‌های محوطه‌کاخها

یکی از اختصاصات‌پاسارگاد وجود نهرهای سنگی سفید است که به‌پهنای ۳۰ سانتیمتر و گودی ۱۳ سانتیمتر بالبه‌ های ۳۰ سانتیمتری برهر طرف درطول محوطه آنجا احداث کرده‌بودند و درفواصل هر ۱٤ متریك حوضچه سنگی‌سفید یك پارچه بطول وعرض ۸۷ سانتیمتر و گودی ۳۵ سانتیمتر داشته است و در خاکبرداریهای سال ۱۳۲۹قسمتهائی از آن‌درمحوطه وسیع مشرق‌کاخ اختصاصی کورش کشف گردید و برای‌حفظ آنها مجدداً با خاك پوشانیده شد و وضع‌آنها میرساند که تمام‌محوطه پاسارگاد صورت پارك‌بسیار وسیعی را داشته بوسیله این نهرها و حوضچه‌ها آبیاری میگردیده است .

۷ـ ویرانه‌برج سنگی چهارگوش

بمسافت قریب نیم کیلو متری شمال‌کاخ اختصاصی کورش پیش از آنکه بکوهسار شمالی دشت مرغاب وتخت‌مادر سلیمان برسند ویرانه‌برج سنگی بلند بسیار موزونی پدیدار است (ش‌ـ۱۸) که تنها ضلع غربی برج باقی مانده سه ضلع دیگرآن منهدم گشته است ـ ارتفاع آن قریب ۱۲ متر است کـه از ۱۶ ردیف سنگهای بزرگ‌تراش سفیدبسیارمنظم ودقیق تشکیل میگرددوپهنای‌هرضلع آن

۷/۳۵ متر بوده است - بوسیله پلکان منظم سنگی بدرون اطاق بالای برج میرفته‌اند که اکنون تنها مدخل اطاق بر دیوار باقیمانده مشهود است و از پلکان اثری نیست - این برج را بنام زندان سلیمان میخوانند و بعقیده بسیاری دانشمندان آرامگاه کامبیز بوده برخی هم آنرا آتشکده میدانند و نمونه نسبتاً سالم نظیر آن بنام کعبهٔ زردشت در نقش رستم نزدیك تخت جمشید وجود دارد که شرح آن درجای خود خواهد آمد.

۸ ـ تخت سلیمان

برفراز کوهستان شمال جلگهٔ پاسار گاد (ش۱۹) صفّهٔ زیبائی با دیوار هائی از سنگهای سترك سپید رنگ ترتیب داده شده است (ش - ۲۰) که طول شرقی غربی آن متجاوز از ۸۰ متر وپهنای شمالی جنوبی آن در طرفین ۷۸ ودر وسط قریب ۶۰ متر میباشد راه بالارفتن آن بدلیل آثاریکه برجانب شمالی آن درسال ۱۳۳۰ کشف گردید از آن جانب بوده است بالای آن اطاقها و آثاری از خشت بنیاد نهاده بودند که درسالهای ۱۳۳۰ ببعد خاکبرداری و آثارمکشوف تا حدی مرمت گردید - ازروی قطعات ظروف سفالی مکشوف برفراز صفّه میتوان پنداشت که این جایگاه بلند پیش ازدوران هخامنشی هم مسکن مردمانی بوده باحتمال نزدیك بیقین عبادتگاهی بشمار میرفته است و کورش هم این صفّه را چون مکانی متبرك ساخته وپرداخته بود.

علاوه برتپّهٔ تخت سلیمان در تپّه‌های دیگری بنام تل خاری نزدیك دهکده ابوالوردی و تپّه نخودی نزدیک دهکده مبارك آباد نیز قطعات ظروف سفالی مربوط بادوار ما قبل تاریخ بدست آمده است ومعلوم میدارد که جلگه پاسار گاد از هزاره چهارم پیش از میلاد محل سکونت مردمی بوده که مانند بسیاری مردم معاصر خود درسایر نقاط ایران دارای تمدن وهنر های قابل توجه بوده‌اند.

۹ ـ آتشگده پاسارگاد

بمسافت قریب یك کیلو متر ونیم از کاخ اختصاصی کورش برجانب شمال

غربی مرغاب و دامنه غربی کوهسار دو تخته سنگ بزرگ سفید بابعاد ۲/۲۰ × ۲/۶۰ × ۲/۶۰ متر در مجاورت تپه کوتاهی از خاك بمسافت ۹ متر از یکدیگر قرار دارد (ش - ۲۱) - این دو تخته سنگ را آتشگاه یا قربانگاه پاسارگاد میدانند و بطوریکه میدانیم در دوران هخامنشی نیایش خدای یکتا در فضای باز برابر آتش مقدس صورت می گرفته است و با انجام کاوشهائی در تپه مجاور تخته سنگهای مزبور بهتر میتوان بوضع بنا و آثار این مکان متبرك پی برد.

آثار پاسارگاد در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۹ درفهرست آثارملی ایران بثبت تاریخی رسیده است.

۱۰- نبشتهٔ پهلوی تنگ براقی

اینك که شرح آثار پاسارگاد پایان میابد مناسب میداند اشاره به نبشتهٔ پهلوی‌ساسانی‌موجود در تنگ براقی‌بمسافت۲۰۷ کیلومتری شمال غربی پاسارگاد نماید - نبشته مزبور برتخته سنگی بابعاد ۱ متر × ۱/۴۰ متر بوده مشتمل بر ۱۶ سطر که هرسطر۹۰ سانتیمتر طول دارد میباشدوتخته سنگ دروسط تنگ براقی نزدیك دهانه صفّهٔ کوچك غار کم عمقی که در دل کوه پیشرفته است بپهلو قرار دارد- بواسطه درختان انبوه وسرسبزی که پیرامون‌آن روئیده استراحتگاهی با طراوت وخوش منظر است ومانند بسیاری از نقوش برجسته و نبشته های ساسانی میتوان پنداشت یکی از شاهنشاهان ساسانی که شاید بهرام باشد بمناسبت شکار وعبور ازاین محل ییلاقی آنرا بیادگار گذارده است ووضع تخته سنگ میرساند از محل خود جدا شده برزمین افتاده است و با مساعد بودن وقت و فرصت کافی شاید درحوالی غارمزبورمحل اصلی کتیبه وقسمتهای دیگر آن واحتمالا آثارنقش برجسته‌ای هم مشهود گردد.

برای رسیدن به تنگ براقی میتوان از شیراز باطی ۱۸۰ کیلو متر از راه خلار - بیضا - تنگ طور- مهجن‌آباد - کامفیروز درتابستان بوسیله جیپ‌بدانجا رفت همچنین ازآباده ازراه چغار - بهمن - نجف‌آباد - کولار - خسروشیرین -

دز کرد با طی قریب ۱۵۰ کیلومتر بدانجا میرسند واز راه پاسارگاد هم باطی ۲۰۷ کیلومتر که از احمدآباد ـ فتح آباد ـ لاله گون ـ آسپاس ـ سده ـ دز کرد ـ تنگ براقی میگذرد میتوان به محل نبشته تاریخی مزبور رسید.

در سنگهای غار فوق الذکر حفره های کوچکی است که مردم آنها را محل سم براق میشناسند و در باره آن افسانه هائی میگویند و نام تنگ براقی نیز بهمین مناسبت گفته میشود.(۱)

قسمت سوم - بین پاسارگاد و مرودشت

۱ـ تل تیموران

چون ازدشت مرغاب قصدعزیمت شیراز کنند در جاده اصلی کنونی از تنگ سعادت آباد گذشته بجلگه سعادت آباد میرسند ـ بلوك معروف ارسنجان درجانب مشرق این قسمت قراردارد و راه فرعی از کناره تنگ سعادت آباد بدان سومیرود.

دریك کیلو متری مغرب قصبهٔ کوشك که از توابع ارسنجان است تپه‌ای به طول ۲۰۰ و پهنای ۱۴۰ متر واقع میباشد که بنام تل تیموران خوانده میشود و بلندترین نقطه آن ۶ متر ارتفاع دارد بر اثر کمانه های علمی در این تپه معلوم گشته است که از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تادوران اسلام مردگان را در آن دفن نموده‌اند ونمونه‌هائی هم از ظروف سفالی خاکستری یاقرمز با نقوش سیاه رنگ و تزیینات مختلف مفرغی از قبیل انگشتر و گردن بند وسنجاق وهمچنین مجسمه‌های کوچك سفالی حیوانات در قبورپیش از تاریخ آن بدست آورده‌اند.

۲ ـ تنگ بولاغی

علاوه برجادهٔ اصلی سابق الذکر که از تنگ سعادت آباد میگذرد راه قدیمی کاروان روی هم ازدشت مرغاب بطرف جلگه سعادت آباد میرود که اکنون نیز گذرگاه

(۱) اطلاعات مربوط به نبشتهٔ فوق ازگزارش شماره ۶۸۱ - ۳۶/۸/۲۷ اداره باستان‌شناسی فارس اقتباس شده است ـ نخستین بار آقای علی‌اکبر بصیری رئیس کتابخانه ملی فارس ازوجود نبشتهٔ مزبور آگاهی یافته مراتب را باطلاع اداره باستان شناسی فارس رسانیده‌اند.

چادر نشینان بوده بمحاذات آرامگاه کورش ازتنگ خرم وبا صفائی بنام تنگ بولاغی میگذرد که آثار باستانی ادوار هخامنشی و قبل از آن در کنار ونزدیك آن وجود دارد وشایسته تحقیق و بررسی کافی است .

۳ ـ تل قلعه

در جلگه سعادت آباد بمسافتی در سمت راست جادّه تپّهٔ بسیار بلند بزرگی است که تل قلعه خوانده میشود و در حدود بیست هزار متر مربع (۱۱۵×۱۷۰ متر) وسعت دارد ـ در سال ۱۳۲۹ قریب یك هفته از طرف بنگاه علمی تخت جمشید در آنجا گمانه هائی زده شد و قطعات سفالهای مربوط به هزاره سوم وچهارم پیش از میلاد کشف گردید وکاوش مفصل آن موکول بفراهم شدن وسائل و فرصت مناسب است .

۴ ـ سیوند

پس از عبور از جلگه سعادت آباد به آبادی سیوند میرسند که در طول دره کنار رود خانه پلوار واقع است ـ آبادی سیوند هم مانند جلگه سعادت آباد چیزی که قابل تماشا باشد در بر ندارد ولی از لحاظ اهمیت باستانی وموقعیت تاریخی شایسته توجه است ـ بمسافت قریب سه کیلومتر شمال غربی آن سمت راست رود خانه در دامنه کوهستان محلّی بنام تُنب کرم وجود دارد دو کارگاه استخراج تخته سنگهای سفید بسیار بزرگی است که برای کاخها و ابنیه پاسارگاد و برخی اوقات هم آثار تخت جمشید بکار میبرده اند ـ این محل مهم در سال ۱۳۳۴ بوسیله بنگاه علمی تخت جمشید کشف گردید وراز مجهولی را که از بابت استخراج سنگهای سفید پاسارگاد وتخت جمشید در میان بود روشن ساخت نام محلی کارگاه کوه الماس بری است ـ در حول وحوش سیوند استودانهائی از عهد ساسانیان که جایگاه سپردن استخوانهای مردگان بوده است نیز وجود دارد ودر محلی بنام تنگ خشك به مسافت ده کیلو متر مغرب تنب کرم سابق الذکر کنار برخی ازاین استودانها بنشته هائی بخط پهلوی دیده میشود .

نا گفته نماند که زبان محلی مردم سیوند لهجه مخصوصی شبیه مردم مازندرانست و نام سیوند هم مانند نامهای سیستان وقبیله سگوند (که در جنوب لرستان وشمال خوزستان ساکن هستند) وسقز و محلی بنام سگوان که سیوان هم میگویند (درآذربایجان ۵۱ کیلومتری تبریز کنارراه مرند) وسیگا رودیا سیکا ردو در یك فرسنگی مشرق لنگرود (گیلان) و محلهای دیگری در ایران از لحاظ ارتباط احتمالی آن باسکونت ومهاجرت تیره هائی از اقوام سکا در ادوار باستانی بایران شایسته تأمّل و تحقیق میباشد.

۵ ـ دو تپه ما قبل تاریخی بین سیوند و سیدان

پس از خروج از آبادی سیوند چون راهرا بسمت جنوب ادامه دهند درّهٔ سیوند پهنتر میشود و در برخی نقاط از محوّطه های نسبتاً وسیعی میگذرد ـ در مسافت بین سیوند و سیدان برجانب مغرب جادّه کنار کوهستان دو تپه ما قبل تاریخی واقع گردیده است که یکی **تل شوره** ودیگری **گود نرم** نام دارد.

۶ـ آثار تاریخی سیدان

تپه ما قبل تاریخی علی آباد:

پس از خروج از درّهٔ سیوند به جلگه خفرك میرسند وطولی نمیکشد که راه بسمت راست میپیچد ودرمحاذات محل انحراف جاده آبادی معموری بنام سیدان (بروزن میدان) برجانب چپ قراردارد ـ نزدیك این آبادی تپه‌ای بنام علی آباد واقعست که احتمال میرود از نظر وجود نمونه‌های آثار ما قبل ازتاریخ درخور کاوش علمی باشد.

آتشدان سنگی

دریکی ازباغهای دور دست سیدان که باغ بُدره نام دارد تخته سنگی که آتشدان عهد هخامنشی است به بلندی ۲/۱۵ متر نزدیك کوهستان بمسافت کمی ازاستخر آب و چشمه سارهای گوشه باغ واقع میباشد وآنرا بصورت نزدیك به هرم مربع القاعده ناقص درآورده‌اند (ش ـ ۲۲) وگودال جای آتش بر بالای آن دیده میشود و

هم اکنون نیز مکان متبر کی بوده مقابر مردم در نزدیکی و کنار آنست و مزار امامزاده فاطمه نام دارد و زیارتگاه ساکنین آن حدود بخصوص در روزهای جمعه میباشد و علامتی از چوب با دخیل و پارچه‌هائی که بان بسته‌اند در کنار آتشدان مزبور بر زمین نصب میکنند ـ نزدیك آن آتشدانهای سنگی ساده دیگر درسنگهای کف باغ موجوداست .

آثار عهد هخامنشی درقره‌قلات

در دامنه کوهستان متصل به سیدان وبمسافت دو کیلومتری باغ سابق الذکر تنگ کوچکی وجوددارد که دو چشمه آب باریك از آن جاری است و برای مشروب ساختن چند باغ کفایت میکند ـ نزدیك تنگ مزبور بر فراز بلندی مختصر کوهستان صفهٔ کوچکی بوسعت دویست تا سیصد مترمربع ترتیب داده‌اند که چند قطعه ستون عهد هخامنشی (ش ـ ۲۳) (یکی از آنها بطول یك مترونیم از سنگ سیاه و دو قطعه کوچکتر و یك ته‌ستون و یك قطعه سنك نیمه تراش) در انجاباقی است ـ این محل بنام قره‌قلات خوانده میشود ونام کوهستان مجاور آن نیز قره‌قلات است ـ از فراز این صفهٔ کوچك منظر زیبای آبادی سیدان وتمام جلگه خفرك تا کوه رحمت در معرض چشم‌انداز شخص واقع میگردد و چنین تصوّر میرود که در روزگار قدیم سایبان و استراحتگاه یا محلی برای نهار خوری وامثال آن در این نقطه احداث نموده ازمنظروصفا وموقعیّت‌طبیعی آن بهره مند میگشته‌اند .(۱)

دهکدهٔ آبادووسیع دیگری نیز کمی دورتر ازسیدان هست که‌فاروق نام‌دارد ونام آن در کتیبه خطّ کوفی که بنام ابوکالنجار فرزندعضدالدوله بر دیوار کاخ کوچك داریوش در تخت‌جمشیدنقر گردیده است مذکورمیباشد وحکایت از پیروزی این شهریاربسال ٤١٨ هجری در فاروق مینماید

(۱) اطلاعات مذکور در باره آثار عهد هخامنشی درقره‌قلات از قسمتی ازگزارش ۶۷۸ ـ ۱ و ۳۸۸ بنگاه علمی تخت جمشید استخراج و استفاده گردیده‌است .

۷ ـ تل قلعه حسن آباد

در دو کیلومتری مغرب قریه حسن آباد در بلوك خفرك سفلی تپه نامنظمی وجود دارد که ارتفاع قسمت مرکزی آن بالغ بر ۱۵ متر میشود ـ تپّهٔ مزبوراز مهمترین تپه‌های باستانی خفرك سفلی است و در نتیجهٔ گمانه‌های علمی آنجا آثار تمدنهای معاصر وشبیه باآنچه درتل تیموران (که ذکر آن گذشت) بدست آمده است هویدا شد ـ ضمناً معلوم گردید گورستان مردمی ازادوار پیش از تاریخ که ازحدود ۳۸۰۰ تا ۱۷۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح در آن نواحی زندگی میکرده‌اند بوده است

۸ ـ تل کمین

دردو کیلو متری مغرب قصبه حسن آباددر بلوك خفرك علیا تپه دائره شکلی بقطر ۲۵۰ متروجوددارد که بنام تل کمین خوانده میشود ودرآن قبوری مربوط به ۱۷۰۰ تا دوهزارسال پیش‌از میلاد مسیح وجود دارد ـ ضمن مختصرکاوشی که در این تپّه بعمل آمد ظروف سفالی نیم پخته بشکل فنجان دسته‌دار و طشتکها و لیوانهای استوانهٔ منقوش و قطعات ظروف سفالی زرد روشن بانقوش قهوه‌ای تیره رنگ بدست آمده‌است ومیرساند که تپه مزبوردرهزارهٔ دوم پیش از میلاد مدتی محل سکونت مردم و زمانی هم گورستان بوده است .

۹ ـ تل گپ زنگی آباد

درچهار کیلومتری جنوب غربی قریه‌زنگی آباد در بلوك خفرك علیاتپّهٔ کوچکی است که مردم نام معکوس بدان داده آنرا تل گپ میخوانند ـ بر اثر گمانه‌مختصری که درآن زده‌اند قبوری حاوی ظروف سفالی واشیاء مفرغی کشف گردید که ازحیث قدمت و طرزکار باآثارمشکوف در تل تیموران و تل‌قلعه وتل کمین بر ابری مینماید .

قسمت چهارم ـ مرودشت

پس از پیمودن عرض جلگهٔ خفرك به کوهستان رحمت میرسند . این کوه در سراسر جانب غربی جلگهٔ خفرك امتداددارد وسوی دیگر یعنی جانب شرقی آن جلگهٔ بسیار مهم تاریخی وپهناور مرودشت واقع است ـ آثار معظم تخت جمشید هم در محلی از دامنهٔ شرقی همین کوه قراردارد و چون پیش از آنکه وارد جلگه مرودشت شوند بویرانه‌های استخر میرسند لذا ذکر اجمالی ویرانه‌های استخر را بر آنچه در جلگهٔ مزبور است مقدم میشناسد .

۱ ـ ویرانه‌های استخر (تخت طاووس)

هنگامیکه جلگهٔ خفرك را پشت سر گذارند جادّه از پائین دامنه‌های شمالی کوه رحمت میگذردودر این موقع درّهٔ عریضی که بین جلگه‌های خفرك و مرودشت واقعست درسمت راست قرارمیگیرد ـ جانب شمالی این درّه به کوهستان حاجی آباد وجنوب آن بکوه رحمت محصور بوده رودخانه پلوار که بنام رود سیوند نیز خوانده میشود از وسط آن عبور میکند ـ ویرانه های شهر استخر که نام محلّی آن تخت طاووس است درهمین محلّ واقع گردیده دروازه سنگی آن سمت چپ کنار جادّه متصل به کوهستان جلب نظر مینماید و آثار باروهای خشتی درسمت راست پدیدار است وچون برفراز ویرانه‌های آن روند یك ستون سنگی ودیواره‌های سنگی عهد هخامنشی که در دوران اسلام برای مسجد بکار رفته بود جلب نظر مینماید واثر مهمّ دیگری بیرون از خاك دیده نمیشود .

ضمن کاوشهائی که درسالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۸ از طرف هیئت علمی دانشگاه شیکاگو در ویرانه‌های استخر بعمل آمد بقایای ابنیه ادوار اسلامی و ساسانی و اشکانی وظروف و آثار قرون اوّلیهٔ هجرت کشف گردید وپایه‌ها و قطعات ستونهای عهد هخامنشی که درساختمانهای دوره‌های بعدی بکار رفته بود هویداشد وهر اندازه تجسّس گردید اثری از بنای دوره هخامنشی که در محل اصلی خود باقی باشد

مشهود نگشت و طبعاً با سوانح و انقلاباتی کـه درمدت ۱۶ قرن یعنی از دوران هخامنشی تاقرن پنجم هجری که روزگار شهر تاریخی استخر سپری میگردد بر این شهر وارد آمده است آثار آن بجای خود نمانده‌مکـرّر زیرورو شده است لکن درعین حال میتوان پنداشت که استخر دوران هخامنشی در محلی بیرون از محوّطه‌ای باشد که اینك بنام‌تخت طاووس میخوانند وچون درتواریخ قدیم‌حدود استخر را ازجانب شرق و غرب چند فرسنگ ذکر کرده‌اند بعید نمینماید کـه ویرانه‌هـای استخر در دوران اسلام تنها شامل قسمتی از مکان این شهر باستانی بوده باشدودرهرصورت اطلاع‌درست ازوضع آثار مدفون شهر مهم استخرنیازمند کاوشهای دامنه‌دار بافرصت و وسایل‌کافی میباشد ـ این مکان‌تاریخی در تاریخ۲۴ شهریورمـاه ۱۳۱۰ ذیل شماره۱۸۰ در فهـرست آثار ملـی ایـران به ثبت تاریخی رسیده است .

مسافت ویرانه‌های استخر تا آثار تخت‌جمشید هفت کیلومتر است ودراین مسافت آثار تاریخی متعددی وجود دارد که از نظر اهمیت بیشتر تخت جمشید و آسان ساختن طرز راهنمائی بآثار تاریخی دیگـر بهتر بنظر میـرسد قبلا بشرح تخت‌جمشید بپردازد .

۲ ـ تخت جمشید

درمحلـی از دامنهٔ شرقی کوه رحمت کـه تپهٔ سنگی از کـوهسار بطرف جلگهٔ مرو دشت پیش‌آمدگی دارد بفرمان داریوش اوّل کرانـه‌های تپّه را بریده سنگهای تراش بسیار بزرگی بر آن نهاده‌اند و بـدینوسیله دیوار عظیم سنگی مضرّسی بوجودآورده‌اند که‌قسمتهائی‌از آن صخرهٔ‌طبیعی وبقیّهٔ‌آن ازتخته‌سنگهای مزبور تشکیل یافته‌است(ش ـ ۲۴)صفّهٔ که‌بدین ترتیب‌ایجاد گردیده است بدرازای شمالی‌جنوبی قریب ۴۵۰ متروپهنای‌شرقی‌غربی ۳۰۰ متربطورمتوسط‌میباشد وازجانب مغرب بکوه رحمت پیوسته از سه جانب دیـگر به جلگهٔ پهناور مرودشت مشرف است (ش ـ ۲۵) بمسافت مختصری ازجوانب‌شمالی‌و جنوبی‌صفّه‌هم پیش‌آمدگیهائی

از کوه وجود دارد که دوجانب محوّطهٔ پائین صفه بدانها محدود میگردد ـ کاخهای معظم شاهنشاهان هخامنشی از زمان داریوش اوّل یعنی از سال ۵۲۱ پیش از میلاد مسیح تابیش از صدوپنجاه سال پس از آن برفراز این صفّهٔ عظیم بنیاد گردیده (ش ـ ۲۶) نام داریوش اول وفرزندش خشایارشا ودر برخی قسمت‌ها نام اردشیر اوّل واردشیر سوّم برسنگ نبشته‌های میخی کاخهای مزبور نقر گردیده است وباتوجّه به اسناد نوشته مزبور میتوان فهمید که داریوش اوّل دست بکار احداث این آثار معظم گردیده آنچه در زمان وی پایان یافته بنام خودش عنوان شده است پس از او هم خشایارشا کار های ساختمانی را ادامه میداده آثار دوران وی بنام این شهریار ذکر گشته است و اردشیر اوّل و اردشیر سوّم نیز بعضی ابنیه و آثار را پایان بخشیده یا تغییر داده یاالحاقاتی بر آثار پیشین افزوده‌اند.

نوشتهٔ بزرگی که بردیوار جنوبی صفّه دیده میشود بنام داریوش کبیراست بنابراین صفّهٔ تخت جمشید را درزمان این شهریار احداث نموده‌اند.

نقشهٔ کوچکی از آثار تخت جمشید بمنظور تسهیل آشنائی باهرقسمت ضمن تصاویر آخر کتاب (ش ـ ۲۷) ازنظرخوانندگان گرام میگذرد.

راه ورود بصفّه پلکان دو طرفه بسیار بزرگی است که برضلع غربی صفّه ایجاد کرده‌اند وازهر طرف شامل صدوده پلکان عریض کوتاه میباشد. (ش۲۸و۲۹).

بربالای پلکان مزبور بنای ورودیهٔ تخت جمشید قرارداد که عبارت از ساختمان معظم شیوائی مشتمل برسه دروازه و تالارچهار ستونی است ـ بردروازه معظم بالای پلکان شکل گاوهای بزرگ و بردروازه مقابل آن که روبکوه واقع است پیکر گاو های بالدار باسرانسان را حجاری نموده‌اند (ش ـ ۳۰) و نبشته های بالای این نقوش به‌سه زبان پارسی باستانی وعیلامی و بابلی اتمام بنای ورودی را بفرمان ودر دوران خشایارشا میرساند (۱) ـ دروازهٔ سوّم بنای ورودی بطرف جنوب قراردارد

(۱) بطور کلی عموم نبشته‌های میخی تخت جمشید حاوی نیایش اهورامزدا وستایش وی‌از آفریدن زمین وآسمان ومردم وبرگزیدن شهریاری برای مردم ونام خشایارشا (دربرخی نبشته ها نام اردشیرسوم) و پدرونیای اوودرخواست ازاهورامزدا که آنچه بوسیلهٔ شهریار مزبور ساخته شده است وهم خود وی را در پناه خویش محفوظ بدارد میباشد.

و از دو دروازه دیگر بهتر بوده تنها کف و بنیاد آنرا از سنگ ساخته اند و بهمین جهت بر خلاف دو دروازه دیگر دیوار ها و نقوش سنگی از آن بجای نمانده است .

از این دروازه بحیاط شمالی کاخ آپادانا یا اَپدانَه یعنی کاخ بزرگِ بار میرفته‌اند که ستونهای باقیمانده ونقوش برجسته پلکانهای زیبا وبی نظیر آن هنوز شاهد عظمت و جلال کاخ مزبور است(ش-۳۱و۳۲) کاخ آپادانا ازدوجانب شمال و مشرق دارای پلکانهای زیبائی است که از حیاطهای آندو سمت بدرون ایوانهای آن بالا میرفته اند نقوش روی دیوار های هردو پلکان در سه ردیف بریك جانب شامل صف افسران وسربازان وعرابه‌هاواسبهای شاهی بوده(ش۳۳و۳۴)درجانب دیگر بیست وسه مجلس تصاویر نمایندگان استانهای مختلف کشورشاهنشاهی هخامنشی را درحال عرضه‌داشت هدایای خود وباریافتن بحضورشاهنشاه ایران مینماید(ش-۳۵)و یکنفر حاجب پارسی یامادی دست رئیس نمایندگان هریك ازاستانهای کشوررا گرفته نزد شاهنشاه رهبریشان میکند (ش-۳۶) .

بیست وسه مجلس تصاویر نمایندگان استانهای مختلف کشور هخامنشی از نظر اهمیّت تاریخی ونمایاندن وضع لباس وهیئت کلیّ ساکنین هراستان ودرجهٔ تمدّن و صنعت آنان بهترین معرّف اقوام و ملل تابع شاهنشاهی ایران در دوران هخامنشی محسوب میگردد وبدین لحاظ تاحدّی که ازروی قرائن موجود میتوان اظهار نمود بمعرّفی نقوش مزبور میپردازد وچون نقوش دیواره های پلّکان شرقی کاخ آپادانا بهتر ومحفوظتر مانده است لذا از روی نقوش دیوارهٔ اخیر توضیحاتی که مناسب بنظر میرسد مذکور می افتد .

از این بیست وسه مجلس هفت مجلس درردیف بالا وشش مجلس درردیف وسط وپنج مجلس درردیف پائین نموده شده پنج مجلس نیز برروی انتهای دیوارهٔ پلّکان بالای نقش شیرو گاو حجّاری گردیده است.

هفت مجلس ردیف بالا به ترتیب نمایندگان ماد (شمال غرب وقسمتی از مغرب ایران کنونی) (ش - ۳۷) - خوز (خوزستان کنونی) (ش - ۳۸) - پارت

(خراسان) (ش-۳۹)- ملّتی شبیه پارتیان یعنی نمایندگان سغدیا باختر (ش-۴۰) - مصر (که نیمه بالای حجّاری این مجلس ریخته و از میان رفته است) - زرنکا (سیستان کنونی)-خوارزم را نشان میدهد.

درشش مجلس ردیف وسط نمایندگان ارمنستان (ش-۴۱) - بابل (ش-۴۲)- کیلیکیه (قسمت جنوبی آسیای صغیر) (ش-۴۳) - سیکان تیز خود (ش-۴۴) آشور (ش-۴۵) - سیکان هوم ورک (یعنی سکاهای آن سوی رود سیحون) دیده میشوند.

پنج مجلس ردیف پائین مشتمل بر تصاویر نمایندگان فینقیّه (سر زمین کنونی لبنان) (ش-۴۶) - کاپادوکیّه (قسمت شرقی آسیای صغیر) (ش-۴۷)- یونانیان سارد (ش - ۴۸) - مردم هاروواتی یعنی ساکنین رخّج در افغانستان (ش-۴۹) - هندیان (ش-۵۰) است.

پنج ملّتی که روی دیوارهٔ قسمت انتهای پلّکان بالای نقش شیر و گاو نموده شده‌اند عبارتست از نمایندگان سکودرا (نواحی واقع در مقدونیّه در شمال یونان) - عربستان- درنگیان (درشمال سیستان) (ش-۵۱)- پونتی (طرابلس غرب، درشمال افریقا)- سرزمین کوشا (حبشه).

تشخیص ملّتهای فوق باتطبیق نقوش دخمه ها و نبشته های هر کدام وقرائن وبررسیهای مختلف صورت گرفته تا حدّیکه میسّر بوده دربارهٔ آنها دقت شده است ودربرخی موارد با کتابها ومراجع دیگر اختلاف دارد وتوضیح وتفسیر زیادتر در بارهٔ آنها خارج ازحوصلهٔ این کتاب میباشد وجای تحقیق بیشتر دربارهٔ آنهم هنوز باقی است.

الواح بزرگ نبشته های میخی بزبانهای پارسی باستانی وعیلامی و بابلی در انتهای نقوش برجستهٔ مزبورنظیر نبشته های دیگربنام خشایارشا بوده میرساند که در زمان این شهریار کاخ مزبورپایان پذیرفته‌است - درقسمت وسط هردو پلّکان که بطرف حیاط پیش آمده است تصویر درشت هشت سرباز پارسی ومادی را حجّاری نموده‌اند.

وضع اجمالی کاخ آپادانا بدین ترتیب است که ازهر کدام از پلّکانهای شمالی و شرقی بایوان بزرگــی بطول ۶۰/۷۰ متر و پهنای قریب ۱۵ متر بالا میرفته‌اند (ش-۵۲)ـ هر کدام این ایوانها دارای دوازده ستون سنگی به بلندی ۱۸متر بوده (ش ـ ۵۳) از ایوان شمالی بوسیله دو استانــه واز ایوان شرقــی بوسیله یك آستانه بدرون تالاربزرگ مرکزی کاخ میرفته‌اند ـ کلفتی دیوارخشتی بین ایوانها وتالار ۵ مترونیم است وآثار آن با سوراخهای آب روکه بوسیله آنها آب باران پشت بام وسیع ازمیان دیوار به مجراهای زیرزمینی میرفته است موجود ومشهود میباشد ـ ایوانی هم نظیر دو ایوان مزبور بطرف مغرب داشته که چشم انداز آن بجلگهٔ پهناورمرودشت بوده مانند ایوان شرقی بوسیلهٔ یك آستانه بتالار مرکزی ارتباط میبافته است . سر ستونهای کاخ آپادانا را از سنگهای یك پارچهٔ بزرگ بصورت دونیم تنهٔ شیر یا گاو یا هیکلهای حیوان باسرانسان حجّاری کرده بودند ونمونه هائی از آنها هم که بکار نرفته است در خاکبرداریهای قسمت شمال صفّهٔ تخت جمشید هویدا گشته است(ش۵۴و۵۵).

هنگامی که کاخ آپدانه بفرمان داریوش کبیر ساخته میشد در هریك از چهار گوشهٔ تالارمرکزی آن درزیر خشتهای دیوارجعبه سنگی نهاده درون هرجعبه لوح چهار گوشی اززرولوحی نظیرآن ازسیم بنام داریوش قرارداده‌اند ـ هرضلع الواح مزبور ۳۳ سانتیمتر بوده مضمون آن نام داریــوش و پدر ونیای او وسپاس ازآهورامزدا وذکرچهار گوشهٔ کشورشاهنشاهی (هندوستان ـ سکستان آنطرف سغد ـ حبشه ـ ساحل مدیترانه) رادربردارد ـ دوعدداز چهارجعبه مزبور باالواح آنها از میان رفته ودو جعبه دیگر با الواح آنها در اواخر شهریور سال ۱۳۱۲ کشف گردید که یکی درموزهٔ سلطنتی کاخ مرمر ودیگری در موزهٔ ایرانباستان نگهداری میشود (ش ـ ۵۶) ـ هرضلع تالار مرکزی ۶۰/۷۰ متر بوده درون آن ۶ ردیف در۶ ردیف جمعاً۳۶ ستون هر کدام بارتفاع ۱۸ مترقرار داشته‌است .

کاخ بزرگ و مهمّ دیگر تخت جمشید در مشرق صفّه بین کاخ آپدانه و کوهستان واقع بوده بعلّت وجود صد ستون در تالاراصلی آن بنام صد ستون خوانده

میشود (ش-۵۷) .

نقشهٔ اجمالی کاخ صد ستون بدینقرار بوده است که ایوانی بدرازای ۵۶ متر و کسری وپهنای بیش از ۱۶ مترونیم دارای دو ردیف ستون سنگی هر ردیف ۸ ستون در سمت جنوب حیاط وسیعی واقع بوده است- حیاط مزبور در جانب شمال سردرنیمه تمامی داشته که از آن بوسیله راهروعریضی مستقیماً به عمارت ورودی تخت جمشید ارتباط میيافته اند(ش-۵۸)-درمشرق آن حیاط درپائین کوه نیز ایوانی دارای ۸ ستون ودرعقب ایوان تالاربزرگی دارای ٤ ردیف هرردیف ۸ ستون قرار داشته است- در دوجانب ایوان بزرگ کاخ نقش برجستهٔ گاو های بزرگ نظیر آنچه در بالای پلّکان بزرگ دیده میشود حجّاری کرده بودند - تالار اصلی کاخ در پشت ایوان بزرگ مزبور یعنی جنوب آن قرار گرفته دارای ده ردیف در ده ردیف ستون بوده است و بوسیلهٔ دودروازه بلند وعریض سنگی به ایوان راه داشته است- برروی بدنه های این دو دروازه نقش سربازان پارسی ومدی حجاری گردیده بالای آنها نقش شاه براورنگ شاهی بانقوش صاحبان مقامات نزدیک به شاهنشاه بنظرمیرسد - علاوه بردو دروازهٔ فوق هفت پنجره از تالاربایوان شمالی بازمیشده است - هرضلع تالارصدستون ٦۵ مترونیم بوده دودروازهٔ بلند هم درسمت جنوب آن قرار دارد (ش - ۵۹) که از آنها باطاقهای باریک آن سمت میرفته اند و برروی بدنهٔ آنها نیز تصویر شاه برفراز اورنگ شاهی باگماشتگان مخصوص حجّاری گردیده زیر تخت روی هر بدنه نقش چهارده نفر که هر کدام نمایندهٔ یکی از اقوام تابع شاهنشاهی هخامنشی بودند ملاحظه میشود (ش - ٦۰) - در هریك از دو ضلع شرقی وغربی تالارهم دو دروازهٔ سنگی وجود دارد که بربدنهٔ آنها پیکار شاه را با مظاهر گوناگون اهریمن نموده اند (ش٦۱و٦۲و٦۳) و این دروازه ها وسیلهٔ ارتباط تالار با اطاقهای باریك پشت تالار بشمار میرفته است - در فضای بین تالار صد ستون و کوهستان ابنیهٔ خشتی وجود داشته است که از بررسی نقشهٔ آنهامیتوان چنین استنباط نمود که محلّ اسبان خاص وعرّابه های شاهی بوده بوسیله راهروهای مناسب باحیاط وسیع کاخ صدستون مربوط میگشته است(ش۵۷) .

در جنوب حیاط واقع بین کاخهای آپدانه وصد ستون آثار کاخ مهم دیگری پدیدار است که نظر بموقعیّت آن در وسط صفّهٔ تخت جمشید بنام کاخ مرکزی خوانده میشود و بمناسبت اینکه دارای سه دروازه‌سنگی بوده است آنرا کاخ سه دروازه‌هم نامیده‌اند .

این کاخ دارای پلکان دو جانبهٔ زیبائی درسمت شمال است که نقوش سربازان و افسران پارسی و مادی بر جبهه‌های خارجی وداخلی آن بوضع شیوائی نمایان میباشد (ش٦٤و٦٥)ـ از پلکان مزبور بایوان دوستونی بلندی بالامیرفته‌أند واز ایوان بدرون سرسرای مرکزی کاخ که دارای چهارستون سنگی بوده‌است راه میبافته‌اند ـ در سمت مشرق سرسرا اطاقی بوده است که فقط آثار دروازه سنگی آن باقی و دارای نقش بر جستهٔ منحصری میباشد که داریوش را بر اورنك شاهی نشان میدهد و خشایارشا ولیعهدوی پشت سراوایستاده‌است و۲۸ نفر نمایندگان ۲۸ استان کشور شاهنشاهی تخت شهریار را بالای دست نگاه داشته اند ـ ایوان دوستونی قرینهٔ ایوان شمالی باحیاط کوچکی درسمت جنوب سرسرای مرکزی واقع بوده است که از آن سوبه کاخهای کوچك داریوش و خشایارشا میرفته‌اند ـ پلکان کوچك ظریفی هم درسمت جنوب حیاط مزبور قرار داشت که با نمونهٔ سرستون عالی دارای سر انسان و تنهٔ حیوان وقطعات ستون کوچك دیگر آن کاخ درسال ۱۳۱۷ بموزه ایران باستان منتقل گردیدو درغرفهٔ هخامنشی آنجا حفظ میشود (ش٦٦تا٦٩) .

در مغرب کاخ مرکزی تپّهٔ فروریخته‌أی که‌از خرده‌سنك انباشته‌است پدیدار میباشد و از قرائن چنین بر میاید که‌این تپّهٔ مصنوعی محلّ معبد تخت جمشید یاکاخ مرتفعی بوده است که در اواخر دورهٔ هخامنشی واحتمالا دورهٔ ساسانی وضع آنرا بهم‌زده قطعات پلکانها و نقوش بر جستهٔ آنرا در محلّهای دیگر بکار بسته‌باشند. کاخ آپادانا نسبت به‌تپّهٔ مصنوعی موردذکر درجهت شمال قرار دارد ـ درمجاورت تپّهٔ مزبور نزدیك کرانهٔ غربی صفّهٔ تخت جمشید آثار کاخ کوچك داریوش کبیر هویدا است(ش۷۰تا۷۲) که‌بهترین ومستحکم‌ترین آثارسنگی موجود تخت‌جمشید را نشان میدهد ـ درنبشته‌های بالای نقش داریوش نام این کاخ تَچرَ ذکر گردیده

است که بگفتهٔ مرحوم پرفسور هرتسفلد احتمالا معنی قصر زمستانی میدهد ـ بعلت صیقل قسمتهائی از سنگهای آن که انعکاس صورت در آن دیده میشود مردم آنرا تالار آئینه میخوانند ـ از نوشته‌های میخی این کاخ معلوم میگردد که خشایارشا کارهای ناتمام آنرا پایان بخشیده و اردشیر سوّم پلّکان و مدخلی بر جانب غربی آن افزوده است ـ نوشته های متعدّد بخطّ پهلوی و کوفی و ثلث و نسخ و نستعلیق که یادگار شاهان و بزرگان و راهگذران مختلف است و بعضی از آنها اهمیّت تاریخی فراوان دارد بر سنگهای مستحکم این کاخ نقر گشته است و امتیاز دیگر آن بشمار میرود (۱).

حیاط این کاخ در جنوب آن واقعست و در جنوب حیاط نقوش برجسته و نبشته‌ها و آثار بنای مغشوشی دیده میشود که مربوط به اردشیر سوّم بوده از محلّ دیگر بمکان فعلی انتقال یافته است و باحتمال زیاد قبلا در ساختمانی که محلّ تپّهٔ مصنوعی سابق الذّکر را اشغال میکرده واقع بوده است .

متّصل به این آثار مغشوش بر فراز صفّهٔ سنگی که بلندترین قسمت صخرهٔ طبیعی محلّ تخت جمشید است بقایای سنگی کاخ دیگری دیده میشود که نقشه و موقعیّت آن بر کلیّهٔ بناهای دیگر تخت جمشید بر تری دارد ودر روزگار آبادانی زیباترین کاخهای مجلّل تخت جمشید بوده است ـ نبشته های بالای پایه‌ها و تصاویر شاه (ش ۷۳) تماماً بنام خشایارشا بوده عموم دانشمندان عنوان کاخ کوچك خشایارشا بآن داده‌اند.

درمحوّطهٔ پائین و پستی که در جنوب کاخ کوچك خشایارشا واقع گردیده است اطاقهای چهار گوش مشابه هم قرار دارد که هر کدام دارای چهار ستون بوده است و اطاق باریکی هم که حکم پستو و صندوقخانه را داشته است در مجاورت هر کدام واقع میباشد ـ بین ردیف اطاقها نیز دهلیزهای طولانی وسیله ارتباط آنها بوده است ـ مجموع این ابنیه را قسمتی از اندرون کاخهای تخت جمشید میشناسند و بوسیلهٔ دو پلّکان از کاخ خشایارشا بدانجا میرفته‌اند و آثار پلّکانهای مزبور در دو انتهای مهتابی باریك جنوب

(۱) درصفحهٔ ۱۹ اشاره به یکی از کتیبه های تاریخی مورد ذکر که بنام ابوکالنجار است گردید

کاخ مزبور موجود است.

کاخی هم که تجدید ساختمان کرده‌اند ومحلّ بنگاه علمی و موزه تخت‌جمشید و تأسیسات ومتعلّقات این مرکز علمی است قسمت اصلی اندرون بشمار میرود (ش۷٤تا۷٦) وسنگ نبشته‌ای که بسال ۱۳۱۰ درزیر دیوار خشتی گوشهٔ جنوب غربی آن کشف گردید معلوم داشت که از آثار خشایارشااست. لکن قبلاً در همان محلّ بنای دیگری از عهد داریوش موجود بود که درزمان خشایارشا آنرا برداشته بجای آن بنای جدید را ساختندو نشانه هائی از بنای اولیّهٔ قبلی درقسمتهائی از بنای کنونی موجود ومشهود میباشد.

سراسر محوّطهٔ وسیعی که بین کاخ اندرون و کوهستان قرار دارد مشتمل بر تالار ها وحیاط ها وایوانها و اطاقها و دهلیزهائی بوده است که عموم آنها را زمان داریوش کبیر ساخته‌بودند وجز دونقش برجستهٔ سنگی (ش ـ ۷۷) و پایه‌های ستونها بقیّهٔ آنها از خشت و چوب بوده است و از قرار معلوم پیش از آنکه ساختمان کاخهای معظم اَپَدانَه و صد ستون بزرگ پایان پذیرد مراسم سلام و آئین جشنهای نوروزومهرگان وغیره دراین ابنیه صورت میگرفته است ـ وجود تالار مستطیل صد ستونی و تالارچهارگوش۹۹ ستونیو وضع کلیّهٔ بنا نیزاین نظررا تأییدمینماید بخصوص که قطعات مجسّمه ومقدارزیادی ظروف سنگی شکسته کارمصر درخاکبرداریهای این محلّ پیدا شد و معلوم داشت که محلّ جشنهاوپذیرائیهاعملاً درآنجابوده‌است و بمناسبت کشف اشیاء اخیر این قسمت را خزانهٔ تخت جمشید نامیده‌اند. (یك نقش برجسته بزرگ ومهمترین اشیاء مکشوف درقسمت خزانه تخت جمشیددرموزه ایران باستان است)

در زیر تمام کاخهای تخت جمشید آب رو زیر زمینی از سنگهای تراش بزرگ ایجاد کرده بودند که آب باران وفاضل آب تمام کاخ را بیرون میبرده‌است و بوسیلهٔ پلّکان منظّم سنگی که دریکی از اطاقهای پائین کوه رحمت درنزدیکی تالار بزرگ صد ستون قراردارد میتوان بدرون این مجرا راه یافت.

چاه بزرگ سنگی و آثار اطاقهائی که محلّ سربازان و گماشتگان کاخ بوده است در دامنهٔ کوه رحمت مشهود و برفراز تمام خطّ الراس کوهسار هم تپّهٔ

خاکی باریکی وجود دارد که نشانهٔ برج و با روی خشتی بوده در حقیقت حصار کاخها از سمت کوهستان بشمار میرفته است.

درسینهٔ کوه نیز دو دخمه موجود است یکی محاذی تالار بزرگ صدستون (ش-۷۸) ودیگری کمی دورتر از گوشهٔ جنوب شرقی صفّه - بیرون هردو دخمه مانند نظائر آنها که در نقش رستم موجود است وذکر آنها خواهد آمد تصویر شاه در حال عبادت برفراز اورنگ شاهی در مقابل آتش مقدّس و فروهر دیده میشود و۲۸ نفرنمایندگان ۲۸ استان کشور تخت‌شهریار رابالای دست گرفته‌اند- دخمهٔ شمالی‌منسوب باردشیر دوّم ومشتمل بردوآرامگاه بوده دخمهٔ دیگرمتعلّق باردشیر سوّم شناخته شده دارای شش آرامگاه است و نام نمایندگان هریك از ملّتهای تابعه بربالای سرآن بخط میخی منقور میباشد. (ش۷۹و۸۰)

درمحوّطهٔ‌جنوبی‌بیرون‌صفّهٔ‌تخت جمشیدهم کاخهائی‌ازدوران‌هخامنشی‌بنیاد نهاده بودند که قسمتهائی از آنها ویك استخر بزرگ سنگی‌خاکبرداری وهویدا شده‌است(ش۸۱) وهمچنین‌برروی شال ته ستونی‌در یکی از کاخهای مکشوف در محوّطهٔ نامبرده‌نام‌خشایارشاباذکر کلمه تچر منقور گردیده‌است‌ومیرساندعمارت زمستانی برای‌آن شهریار دراین قسمت ساخته بودند .

بربالای پیش آمدگی کوهسار درانتهای محوّطهٔ مزبورآرامگاه‌نیمه‌تمامی از سنگ کوه پدیدار است که منتسب به داریوش سوّم واپسین شاهنشاه هخامنشی میباشد.

در محوّطهٔ شمالی خارج از صفّه بعلت اینکه مسیل کوهسار است کمتر خاکبرداری نموده اُند و سنگهای زبره تراش چند که جهت سر ستون آماده میساخته‌انددرپائین کوه‌باقی‌است‌ودر گوشهٔ‌شمال‌شرقی آن‌محوّطه‌نیزدرگاه سنگی هویدا است که‌بطور یقین در ادواربعد ازهخامنشی‌از کاخ کوچك داریوش بآنجا برده و مورداستفاده قرارداده‌اند.

به مسافت یك کیلومتری شمال صفّهٔ تخت‌جمشید درجانب راستِ شاهراهِ شیراز به اصفهان گورستانی مربوط به بعداز دوران‌هخامنشی واحتمالاً نزدیکتر

بعهد اسلام در کف جلگه نزدیك کوهستان رحمت وجود دارد که در تابستان ۱۳۱۸ ضمن خاکبرداری کارگران راهسازی آن محلّ چند عدداز گورهای باستانی هویدا شد وهیئت علمی دانشگاه شیکاگو که آخرین ماههای اقامت خودرا در تخت جمشید میگذارنید (۱) درآنجا بتحقیق و تجسّس پرداخت و در نتیجهٔ کاوش علمی تعداد ۳۱ گور سفالی نزدیك هم کشف گردید ـ قسمت اعظم گورهای مزبور هر کدام از دو پارچهٔ سفالی (طول هر کدام ۸۰ سانتیمتر و عرض قسمت پهن تر ۵۵ سانتیمتر وارتفاع آن ۱۸ تا ۲۰ سانتیمتر) تشکیل می یافت ـ درون این گورهای سفالی استخوانهای مردگان قرار داشت و در صورت ادامهٔ حفّاری در آنجا گورهائی دیگر از ادوار نزدیك باوایل اسلام (پیش از آن یا بعد از آن) پدیدار خواهد گشت و تنها از نظر علمی و تحقیقات تاریخی فایده‌هائی بر آن مترتّب خواهد بود .

در سوی دیگر جادّه محاذی محوّطهٔ شمالی خارج صفّهٔ تخت جمشید نیز بر اثر خاکبرداری های سال ۱۳۱۱ بقایای آتشکدهٔ معتبری از شاهان محلّی پارس مربوط به دوران پس از سلطهٔ اسکندر کشف گردید که درگاهی سنگی پهن و کوتاهی بانقش بـر جستهٔ دو نفر در حال عبادت باته ستونها و آتشدان سنگی از آثار مهمّ آن محسوب میشود .

بمسافت دو کیلـومتری مغرب صفّهٔ تخت جمشید در وسط جلگـه بفاصلـهٔ مختصری بـر جانب راست جـادّه که بشیراز میرود آثار بنای زیر زمینی که از تخته سنگهای سفیدساخته أنـدضمن کاوشهای سال ۱۳۳۰ بنگاه علمی تخت جمشید کشف

(۱) خاکبرداری وعملیات علمی تخت جمشید برانرمساعی دانشمند فقید پروفسور هرتسفلد آلمانی و برباست او با تحصیل اجازه از دولت شاهنشاهی در سال ۱۳۰۹ به هزینهٔ بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو که ریاست آن با پرفسور جیمس هانری برستد امریکائی (Prof - James Henry Breasted) بود آغاز گردید ـ از سال ۱۳۱٤ ریاست هیئت علمی مزبور برعهدهٔ آقای دکتر اریك اشمیت امریکائی (Dr. Erick F. Shmidt) قرار گرفت وتا آبان ۱۳۱۸ عملیات علمی هیئت مزبور کـه حقاً و انصافاً خدمتی بس مهم وقابل ستایش بآثـار معظم تخت جمشید بود ادامه یافت واز آن پس بنگـاه شرقی دانشگاه شیکاگو بکار خود در آنجا خاتمه داد وبنگاه علمی تخت جمشید به دستور ونظر اداره کل باستان شناسی (وزارت فرهنك) عملیات خاکبرداری وصیانت آثار مزبور را عهده دار گردیده است که تاکنون هم ادامه دارد .

گردید که آن‌هم از آثار جالب توجّه عهدهخامنشی بشمار میرود ومیتوان پنداشت که آنرا برای آرامگاه احداث کرده باشند و نگارنده در باره بنای زیر زمینی مزبورواهمیّت آن توضیحی که‌مناسب‌میدانست‌درمجلّدسوّم گزارشهای‌باستان‌شناسی (چاپ طهران ۱۳۳٤) صفحات ۵۲ تا ٦۰ مرقوم داشته علاقه مندان ممکن است بدان مراجعه‌فرمایند .

پیش از آنکه بشرح آثار تخت جمشید پایان بخشدذکراین‌نکته‌را بمورد میداند که طبق نوشته های دانشمندان و جهانگردان خارجی که در عهد صفویّه ودر زمان محمّد شاه قاجار بایران آمده از آثار تخت جمشیدهم‌دیدن نموده‌اند سابقاً مردم آثار مزبور رابنامهای چهل منار وچهل‌ستون‌نیز میخوانده‌اند ـضمناً دو نمونه از نوشته های فارسی راکه درادوار قدیم اسلامی در بارهٔ تخت جمشید نگاشته‌اند و نمودارهائی ازچگونگی‌تفکّروتوصیف نویسندگان سلف‌رانسبت‌باین یادگارهای معظم تاریخی‌معلوم مینماید برای اطّلاع‌بیشتر علاقه‌مندان بدینگونه آثار مذکور میدارد :

ابن‌بلخی که معاصرسلطان محمّد سلجوقی(اواخر قرن پنجم هجری)بوده است در کتاب خود موسوم به فارسنامه راجع بتخت جمشید چنین مینویسد :

«چون پادشاهی جهان‌بجمشیدرسید ... سرائی کردآنجادر پایان کوهی که در همهٔ جهان مانند آن‌نبودست وصفت این سرای آن‌است کی در پایان کوه دکّهٔ ساخته است از سنك خارا سیاه رنگ واین دکّه چهار سواست یك‌جانب در کوه پیوسته‌است وسه جانب درصحراست‌وارتفاع این‌دکّه مقدارسی گزهماناباشد و از پیش روی دو نردبان بر آن ساخته است که سواران بر آن اسان روند و بر سر آن دکّه ستونها از سنك‌خارا سپید بخرط کرده چنانك ازچوب مانندآن بکنده گری و نقّاشی نتوان کرد وسخت بلند است آن ستونها . هرستونی‌برشکل دیگر و نقش دیگر و از جمله آن دو ستون کی‌در پیش‌درگاه‌بودست مربّع‌است و از سنك سپید کردست مانند رخام و در همهٔ پارس از آن سنگ‌هیچ‌جای نیست و کس نداند که از کجا آورده‌اند و جراحت را نیك باشد چنانك پاره‌ها از آن

بر میدارند و چون کسی را زخمی آید آن را بسوهان بزنند و بر جراحت کنند در حال ببندد و عجب در آن است تا آن سنگ را چگونه ازجای توان آورد کی هر ستونی را فزون از سی گز گردبر گرداست درطول چهل گز زیادت چنانك از دو پاره و یاسه پاره سنگ درهم ساخته وپس بصورت بُراق برآورده صورت بُراق چنین کردست کی رویش بروی آدمیان ماند با ریش و جعد و تاج بر سر نهاده و اندام وچهار دست و پای او همچنان گاو ودنبال اوهمچون ذنب گاو- وپس برسر این همه ستونها بناها کرده بودست و اثر آن بناها نماند است - امّا کودهای گل بر جای است و مردم روند و آن گل کنند و شویند و در میان آن توتیای هندی یابند- کی داروی چشم را شاید- و کس نداند کی آن چگونه درمیان گل آمیخته شدست و هر کجا صورت جمشید بکنده گری کرده‌اند مردی بودست قوی کشیده ریش و نیکو روی وجعد موی- ودربعضی جایها صورت او گرداست وچنانست کی روی در آفتاب دارد ودوبیکدست عصائی گرفته است وبیك دست مجمرهٔ دارد وبخور میسوزد و آفتابرامیپرستد و بر بعضی جایها صورت او کرده است کی بدست چپ گردن شیری یا سر گوری یاسرون کرگدنی بدست گرفتست وبدست راست خنجری کشیده ودر اشکم آن شیر یا کرگدن زده - ودرآن کوه گرمادهٔ کنده است در سنگ خارا با حوضها و پیوسته گرم باشد - وآبی گرم از دیوار وسقف آن میزاید و این دلیل آن است بر آنك چشمه گاه گوگرد بودست - و بر سر کوه دخمه‌های عظیم کرده است و عوام آن را زندان باد میخوانند و این ناحیت بعضی در میان استخر محلها و شهر بوده اوبیشترین بستانها وسرای جمشید بودست.» (۱)

حمدالله مستوفی در کتاب نزهت‌القلوب (که‌در نیمه اول قرن هشتم هجری تالیف نموده است) در مقاله سوّم (۲) ضمن شرحی که در باب «اصطخر» نگاشته قسمتهائی از نوشتهٔ ابن بلخی را با تغییر جزئی عینا نقل نموده‌است.

در کتاب عجایب نامه که از طرف مؤلّف آن بنام طغرل بن ارسلان بن طغرل

(۱) نقل از کتاب پارسی نغز گرد آوردهٔ جناب آقای علی‌اصغر حکمت چاپ طهران ۱۳۳۰ صفحات ۳۳۷-۳٤۰

(۲) نزهت‌القلوب چاپ لندن صفحه ۱۲۰

سلجوقی (۵۷۱ ـ ۵۹۰ هجری) نگاشته شده آثار پاسارگاد و تخت جمشید از جملهٔ کارهائی بشمار رفته است که دیو و پری آنرا ساخته اند و بیانی شیرین در توصیف این آثار نموده است آنجا که مینویسد :

« بدان که کار دیو و جنّ دروغ نباشد و کسی که دیده باشد ولایت فارس وتاج گاه سلیمان علیه السّلام بداند که من مخاریب وتماثیل وجفان کالجواب از عمل دیو است وجایی که قصر جمشید گویند هزار استون است نهاده از مراحلها بینند هر یك چهل و هشت آرش بالای آن و ستبری هر یك چهار مرد را دست پیرامون آن در نیاید و در وسع بنی‌آدم نیاید که آنرا نصب کند و از آن عهد بسی‌دعوی کردند که بجرّالثّقیل‌مثل‌آن کنند نتوانستند کردن . پس‌معلوم شد که آن نه بقوّهٔ شیاطین کرده‌اند ودرین بقعه سرای کرده است ازسنگ سیاه کرده و صورتهای سنگین از دیلمان و غلامان و مویهای دیلمان جعد وزلفهای ترکان که صفت آن نتوان کردن وتانبینندشگفتی آن معلوم نشود که سنگها برهم نهاده‌اند هریك ده‌هزارمن ومیان دوسنگ‌موی‌در نرود وبرین تاج دو گاو کرده اند سنبها از آن گاو وریشها از آن آدمی دراز دوانزده آرش طول وعرض آن ووزن‌آن خدای داند یکی برین گوشه و یکی بر دیگر بر گوشه . مقصود از این آنست که درین عهد آدمی مثل‌آن نتوان کردن . اگر گویند که دیو وپری کرده‌است عقل آنرا قبول کند » (۱)

نمونه‌ای از خطّ میخی پارسی باستانی در تخت جمشید مشتمل بـر چند سطر ابتدای‌لوحهٔ دوّم نبشتهٔ بزرگ دیوار جنوبی صفّه بنام داریوش اوّل باقرائت وتلّفظ وترجمهٔ‌آن ضمن تصاویرآخر کتاب (ش ـ ۸۲) بـرای ملاحظه واطلاع

(۱) نقل از مجلهٔ راهنمای کتاب ـ شمارهٔ اول ـ سال سوم ـ اردیبهشت ۱۳۳۹ ـ صفحهٔ ۳۰ مقالهٔ آقای محمد تقی دانش پژوه در بارهٔ کتاب عجایب نامه ـ نام مؤلف کتاب در مقالهٔ‌مزبور نقل از کتب مختلف قدیم بچند صورت نقل گردیده است وعلاقه‌مندان باطلاعات بیشتردر این قسمت ممکن است بان مقاله مراجعه فرمایند .

خوانندگان علاقه‌مند نموده شده است.

آثار تخت جمشید در تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲۰ درفهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است.

اینك بمعرّفی اجمالی آثار دیگر جلگهٔ مرودشت میپردازد:

۳ ـ نقش رجب

در سه کیلو متری شمال تخت جمشید جانب راست جادّهٔ شوسه که بسوی اصفهان میرود فضای کوچك عقب رفتگی در کوهستان وجود دارد و نقوشی از اردشیر بابکان و شاپور اوّل در آنجا حجّاری کرده‌اند. این محلّ‌را نقش رجب میخوانند وعلّت این‌نام جز شهرت محلّی عجالتاً دلیلی ندارد. مرحوم فرصت‌الدّوله در کتاب آثار عجم نوشته است که آنرا نقش قهرمان‌هم میخوانند. آثارنقش رجب شامل سه نقش برجسته است: سمت روبرو نقش برجستهٔ اردشیر بابکان را نشان میدهد که شعار سلطنت را از مظهر اهورا مزدا میگیرد؛ دروسط آنهانقش دو طفل دیده میشود که یکی‌ظاهراً ولیعهدودیگری حامل گرز شهریاری است. پشت سر اهورا مزدا نقش دو بانو در حال احترام نموده شده، پشت سر اردشیر خواجه سرائی مگس پران بدست دارد و شخصیت عالیقدرتر بحال کرنش ایستاده است؛ کمی عقب تر خارج از هشت نقش مزبور تصویر کُرتیرموبد معروف و مقتدر دوران شاهنشاهان اوّل ساسانی بحال احترام با نبشتهٔ مفصّل پهلوی بنظر میرسد؛ نبشتهٔ پهلوی آسیب دیده ای هم در نزدیك نقش اردشیر نقر نموده اند که مضمون ترجمهٔ قسمت خوانای آن جملهٔ زیر است:

«آئین زردشت ازبین رفته‌بود من‌که شاهنشاهم آنرا از نو برقرار نمودم.»

دو نقش برجستهٔ دیگر تصویر شاپور اوّل فرزند اردشیر بابکان را مینماید: نقش‌جانب‌راست‌مظهر اهورا مزدا را سوار بر اسب نشان میدهد که شعارشهریاری را به‌شاپور درحال سواری‌براسب‌میبخشد (ش۸۳). درنقش جانب چپ شاپورسوار براسب است ونه‌نفر از بزرگان کشور پشت سروی ایستاده‌اند و علامت خاندانهای

بزرگ واسپهبدان بر کلاههای چند نفرشان نمودار میباشد . آثار نقش رجب‌در تاریخ ۲٤ شهریور ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲۲ درفهرست‌آثار ملّی ایران به ثبت‌رسیده است .

۴ـ تخت‌گوهر یاتخت رستم

نزدیکی نقش رجب داخل جلگه کنار رودخانهٔ پلوار آثاری نظیر قسمت پائین آرامگاه کورش مرکب از تخته سنگهای منظّم بصورت‌ناتمام وجود دارد . دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد درسال ۱۳۱۱ با وسایل میکانیکی سنگهای آنرا برای تجسّس سنگ نبشته یا اسناد تاریخی دیگری درهم‌ریخت وهیچگونه‌نتیجه هم ازاین اقدام بیمورد بدست نیامد .

۵ ـ نقش‌رستم

چون از راه فرعی‌محاذی نقش‌رجب بسمت‌جلگه پیش روند وازرودخانهٔ پلوار بگذرند پس ازپیچ وخمهای‌چندی راه فرعی مزبور بسمت‌شمال‌غربی‌وبجانب انتهای کوهستان حاجی‌آبادپیش‌میرود وبمسافت چهار کیلومتر بکوه حاجی‌آباد میرسد. دراین‌مکان آثار تاریخی بس مهمّی از عهد ایلام و شاهنشاهان هخامنشی وساسانی وجود دارد وبمناسبت بلندی وشگرفی‌آثار و نقوش آن بنام نقش‌رستم خوانده‌میشود (۱) . محلّ مزبور در کوه حاجی‌آباد پیش از دوران هخامنشی مکانی متبرّك بوده نقش بر جستهٔ مذهبی عهد عیلام که ذکر آن بعداً خواهد آمد از لحاظ جنبهٔ مذهبی آنجا احداث گردیده بود . هنگامیکه بمحوّطهٔ نقش رستم میرسند نقوش برجستهٔ عهد ساسانیان در قسمت پائین کوه و آرامگاههای شاهنشاهان هخامنشی بر بالای کوه وبنای سنگی چهار گوش بسیار موزون واستواری‌برجانب‌راست‌جلب توجه‌مینماید . بنای‌مزبور بنام کعبهٔ‌زردشت

(۱) در سفرنامهٔ فلاندن بایران (۱۸٤۰ـ۱۸٤۱ میلادی مطابق ۱۲۵٦ـ۱۲۵۷هجری قمری) ترجمهٔ حسین نور صادقی ـ چاپ طهران ۱۳۲٦ ـ صفحه ۲۳۲ ـ اشاره شده است که محل نقش رستم سابقاً قبرستان گبرها نامیده میشد وبعداً نام آن به نقش رستم تغییر یافته است .

خوانده میشود واز مهمترین آثار منحصر بفرد عهد هخامنشی بشمار میرود که از آسیب مردم جاهل هم بدور نمانده است . دقّت واستادی که درجزم کردن وتراش منظّم تخته سنگهای بزرگ سفید و تناسب شگرف این بنای مهمّ بکار رفته است از مهارت استادان عهد هخامنشی حکایت میکند (ش ـ ۸٤). بنای کعبهٔزردشت بعقیدهٔ جمعی ازباستانشناسان جهت آرامگاه ساخته شده‌است‌وجمعی دیگرآنرا محلّ حفظ آتش مقدّس میشناسند و نظریّات دیگری هم در بارهٔ آن وجود دارد که ذکرآنهادراین‌مختصر موردپیدانمیکند .درزمان‌شاپوراوّل نوشته‌هائی بخطوط پهلوی و یونانی بر پائین دیوارهای کعبهٔ زرتشت نقر کرده درآنها از پیروزیهای این شهریار ومجاهدتهای اوو کرتیر موبد معروف دوران وی در خاموش کردن نهضتهای‌مذهبی‌مخالف آئین زردشت‌صحبت‌رفته‌است‌ونام کعبهٔزردشت درنوشته‌های مزبور بن خانه‌آمده‌است که بگفتهٔ پرفسورهنینگ[۱] مقصود ازآن محلّ‌اسنادو نوشته‌های مذهبی‌ونسخهٔ اوستای مقدّس بوده‌است[۲] والبته‌این‌امرمانع‌نخواهدبود که بنای نامبرده درعهد هخامنشی‌بنابراعتقاد عدّه‌ای‌ازدانشمندان جهت آرامگاه ساخته شده باشد.

چهار آرامگاه شاهنشاهان هخامنشی که بر بالای کوه دیده میشودبترتیب از راست بچپ‌منسوب یامتعلق‌به‌خشایارشا وداریوش کبیرو اردشیراوّل وداریوش دوّم میباشد .

آرامگاه‌خشایارشا روبجنوب غربی قراردارد واز سایر آرامگاهها بلندتر ومحفوظ‌تر است. آرامگاه داریوش کبیر(ش ـ ۸۵) دارای‌نبشته‌های مفصّل میخی مشتمل برنیایش اهورامزدا و مضامین‌بسیار عمیق روحانی و معنوی بوده داریوش کبیر معتقدات دینی و انـدرز های گرانبها و نام کشور های تابع خودرا درآن بیان داشته از خدای متعال برای کشورومّلت‌خودنیکوئی وراستی وبرکت‌خواسته است . درون آن جایگاه نه جسد را بـوضعی بسیار منظّم ودقیق در سنگ کـوه تراشیده‌اند وبیرون آن‌مانند تمام آرامگاههای‌دیگرصورت شاه را درحال نیایش

(۱) Prof. W. B. Henning

(۲) مجلدچهارم گزارشهای باستان‌شناسی ـ چاپ شیراز ۱۳۳۸ ص۱۸۳

برفراز تخت شاهی نشان میدهد ونمایندگان ملّتهای تابع ایران تخت را بربالای دست نگاهداشته‌اند وخاصّان و نزدیکان شاهنشاه درپشت سروی یا کنار تخت قرار دارند (ش-۸٦) وروبروی او آتش مقدّس وفروهر جلوه گیری میکند. آرامگاه سوّم منسوب باردشیر اوّل و آرامگاه چهارم مربوط بداریوش دوّم شناخته شده است.

نقوش برجستهٔ پائین کوه نیز به ترتیب ازراست بچپ بدینقرار است:

نقش اوّل که درپائین کوه حجّاری شده است تصویر نرسی (۲۹۵ تا ۳۰٤ میلادی) پسرشاپور اوّل را نشان میدهد کـه حلقهٔ شهریاری را ازمظهر اناهیتا (ناهید) میگیرد. دراین حجّاری طرزلباس و تاج و موی سر و زینتهای شاهنشاه ونواری که به مچهای پامیبستند تاهنگام راه رفتن کوتاهی وسنگینی گامها بهتر وقار شاهنشاه را بنماید شایستهٔ توجّه مخصوص است. مظهر ناهید بصورت بانوئی موّقرحلقهٔ پادشاهی رابه نرسی‌میدهد. بین‌آن دونفرطفلی ایستاده است که تصوّر میرود هرمز دوّم ولیعهد باشد وپشت سرنرسی ظاهراً وزیـروی باتصویر ناتمـام یکی ازبزرگان مشاهده میگردد(ش-۸۷).

نقش دوّم - این‌حجّاری درزیر آرامگاه داریوش بزرگ قراردارد ومشتمل بردو مجلس است که بوسیلهٔ خطّ نسبتاً باریکی از یکدیگر جـدا میباشد هردو مجلس شبیه بهم بوده تصویر بالائی بهرام دوّم (۲۷٦ تا ۲۹۳ میلادی) را درجنگ با دشمنش نشان میدهد (ش-۸۸).

نقش‌سوّم - بزرگترین ومجلّل‌ترین حجّاری‌عهدساسانی درنقش‌رستم مشتمل برصحنهٔ‌پیروزی‌شاپوراوّل(۲٤۲تا۲۷۱میلادی) بروالرین[۱] امپراطوررم(ش-۸۹). دراین حجّاری شاپوراوّل باکمال حشمت براسب‌نشسته والرین درمقابل اوزانوی تسلیم برزمین‌زده است. یکنفررومی‌هم که تصوّرمیرود سیریادیس[۲] یا کردیاس رقیب والرین باشد جلواسب ایستاده شاهنشاه ایـران دست بسوی او دراز کرده ظاهراًحلقهٔ فرمانروائی کشوررم شرقی‌رابوی‌میسپارد. پشت‌سرشاپورنبشتهٔ بزرگ

(۱) Valerien (۲) Cyriadis

بخطّ پهلوی وتصویر کرْتیرموبد بزرگ ونیرومند دوران وی دیده میشود. نبشتهٔ مزبورهم مانندنبشتهٔ کعبهٔ زرتشت از نام ونشان ونیای شاپوروهجاهدتهای اودرراه استحکام مبانی آئین زرتشت حکایت مینماید.

نقش‌چهارم ـ این‌نقش پیروزی هرمزدوّم (۳۰۲ تا ـ ۳۱۰ میلادی) شهریار ساسانی‌رانشان میدهد که دشمن‌خودرا بااسب‌وی روی‌هم غلطانیده است(ش‌ـ۹۰).

بالای این‌نقش آثارمجلس حجّاری دیگری دیده میشود که کاملا فرسوده شده‌تقریباً تمام‌آن ازمیان‌رفته است. تنهاطرح سروتارك‌پادشاه دروسط‌آن‌تاحدی نمایان مانده است وازآنچه باقی‌است بخوبی‌میتوان احتمال داد که نقش برجستهٔ شاپوردوّم یعنی شاپور ذوالاکتاف (۳۱۰ تا ۳۷۹ میلادی) باشد وچیز دیگری از موضوع حجّاری وتعداد اشخاص‌آن اساساً معلوم نیست (ش‌ـ۹۱).

نقش‌پنجم ـ این‌نقش‌شبیه‌دونقش‌پیروزی‌بهرام‌دوّم است که‌ذکرآن گذشت. بعقیدهٔ‌برخی‌دانشمندان‌دراین‌مجلس‌نیزصحنهٔ‌پیروزی‌بهرام‌دوّم(۲۷۶ تا۲۹۳میلادی) نموده‌شده دشمن‌شاه‌نیزه‌اش‌شکسته واسبش‌ازپشت برزمین‌فرونشسته‌است. پشت‌سر شاه پرچم جالب توجّهی را حجّاری نموده‌اند.

نقش ششم ـ این‌نقش اهمیّت مخصوص ومنحصربفردی دارد ـ بطوریکه در آغاز شرح نقش رستم اشاره نمود در دوران عیلامیان یعنی هزارهٔ دوّم پیش ازمیلاد نقش برجستهٔ مذهبی درآنجا حجّاری کرده بودند ـ نقش برجستهٔ مزبور درهمین محلّی‌بوده است که تصویربهرام دوّم شاهنشاه ساسانی باخاصّان ونزدیکانش را نیزحجّاری کرده‌اند (ش۹۲) ـ درسمت راست مجلس حجّاری بهرام دوّم بیرون ازمجلس مزبورنقش یکنفر تمام قد ایستاده وسمت چپ خارج ازمجلس مزبور حجّاری یك سروصورت دیده میشود که هردوی آنها باقی ماندهٔ دوانتهای صحنهٔ مذهبی عهدعیلام میباشد ـ نقش‌تمام قدّ بهرام دوّم دروسط وصورت ملکه وولیعهد وبزرگان کشوربه هیئت‌نیم‌تنه دردوطرف‌آن‌حجّاری گردیده وبرروی قسمت‌صاف سنگ هنگامیکه سایه روشن‌آفتاب مساعدت کند آثاردیگری هم ازقسمت اصلی حجّاری دوران عیلام بطورمحو نمایان میشود وتاحدّ زیادی شبیه نقش‌عیلامی

کورانگون درنزدیکی فهلیان واقع درخاك ممسنی بوده است که درجای خود ذکر آن خواهد آمد .

نقش هفتم ـ آخرین نقش ازلحاظ ترتیب این کتاب ونخستین نقش ساسانی که درموقع رسیدن به نقش رستم مشاهده میشود مجلس حجّاری اردشیر بابکان (۲۲۶ تا ۲۴۲ میلادی) است که حلقهٔ شهریاری را ازمظهر اهورا مزدا میگیرد . اردشیر برجانب چپ واهورا مزدا برجانب راست هردو سوار براسب حجّاری شده‌اند (ش۹۳) درزیر پاهای اسب اهورامزدا شخصی برخاك افتاده است که موهایش را بشکل مار نموده‌اند ومظهر اهریمن است ـ زیرپای اسب اردشیرهم تصویر شخصی است که برخی آنرا نقش اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی و بعضی آنرا یکی ازمدعیان سلطنت اردشیر میدانند .

علاوه برتمام آنچه گذشت درمحلّ تاریخی نقش رستم آثاری مکتوم درخاك یااحیاناً درپائین کوه پوشیده ازدیدارسادهٔ بینندگان وجود دارد که کشف وتوضیح آنهانیازمند کاوشهای علمی وبررسیهای دقیق بوده عجالتاً دراین مختصر بحث دربارهٔ آنها مورد پیدا نمی کند .

✿❋✿

بفاصلهٔ کمی ازمحوّطهٔ نقش رستم درسوی دیگر کوه حاجی آباد چون رو بشمال روند دوبرج سنگی کوچك متعلّق بعهد هخامنشی دیده میشود که آنهارا ازسنگ کوه تراشیده‌اند. بربالای این دوبرج گودالهائی است که محلّ آتش بوده‌است وبدین قرارمعلوم میگردد آتشکدهٔ دائر ووسیعی ازعهد هخامنشی درمجاورت مکان متبرّك آرامگاه شاهنشاهان هخامنشی وجود داشته است که آتشدانهای آن مشهود میباشد و درنقاط بالاتر کوهستان مجاورآنها نیز گودالهای دیگرآتش در ارتفاعات مختلف موجود است . بمسافت مختصری بالاتراز این محلّ درپائین صخرهٔ کوهستان حفره‌هائی که استودانهای عهد ساسانی است واستخوانهای مردگان را درآن میگذاردند وجوددارد ومردم دهات مجاوراین محلّ اخیررا بنام **شاه اسمعیل** میخوانند ـ بمسافت بیست کیلومتر بالاتراز این محلّ در کوه شمالی آبادی **گرم آباد**

نیز ۴۵ عدد استودان وجود دارد که ۱۹ عدد آن بالای کوه و ۲۶ عدد بقیّه درپائین کوهستان واقعست - آثار نقش رستم درتاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۲۱ درفهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است.

۹- آتشکده و نوشته‌های پهلوی حاجی آباد

چون ازمحوّطهٔ نقش‌رستم بسمت دیگر بیرون روندوجادّه‌ای را که دردامنهٔ کوه بجانب‌مشرق‌ادامه داردبپیمایندپس‌ازطی قریب دو کیلومتردرفاصلهٔ کوتاهی برجانب چپ جادّه تخته سنگی دیده میشود که ازسنگ طبیعی کوه تراشیده و درآورده‌اند وطول آن‌قریب ۵ متروپهنا وبلندی‌آن کمی بیش‌ازسه متراست‌وبالای آن گودال جای‌آتش راکنده‌اند - این آتشدان از عهدهخامنشی بنظر میرسد ودرحول وحوش‌آن آتشدانهای کوتاهتر وبقایای آتشکدهٔ آنزمان وجود دارد. دورتر ازاین محل درمسافت قریب پنج کیلومتری مشرق نقش رستم بمحاذات ویرانه‌های استخرمیرسند - دراین‌محلّ درداخل غاری از کوهستان که‌بنام**مغارهٔ شیخ‌علی** خوانده میشود درون دو طاقچه نبشته‌های پهلوی وجود دارد که بعلّت روشن وخوانا بودن‌آنها نخستین خطوط پهلوی است که دانشمندان بخواندن‌آنها توفیق یافته‌اند و مشتمل برنام وعنوان ۹ نیای شاپور اوّل وشرح هنرنمائی این شهریار درتیراندازی او است که درحضور بزرگان کشور تیررا بسوی دیگر قلّهٔ کوهسارپرتاب نموده است. از گوشهٔ غارمزبورراه باریك ودشواری ببالای تنگنای کوه میرود و بمحوّطهٔ کوچکی میرسد که درخت بیدی سایه افکنده مزارعارفی بنام **شیخ‌علی** درآنجا وجود دارد. چون این آثارنزدیك دهکدهٔ حاجی‌آباد که برروی قسمتی از ویرانه‌های استخربنا شده بودواقع است لذا بنام آثار تاریخی **مغارهٔ حاجی‌آباد** نیزخوانده میشود - آثار مزبور درتاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱۱ ذیل شماره ۱۸۳ درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده است.

درنقاط مختلف‌دیگر کوه‌رحمت‌و کوههای‌نزدیك‌آن‌استودانهای‌عهدساسانی و دربرخی موارد ازعهد هخامنشی موجود است و همچنین دربعضی نقاط برفراز

کوهسارهای نامبرده حفره‌هائی دیده میشود که در ازمنهٔ پیش از اسلام محلّ افروختن آتش و مربوط بمراسم مذهبی بوده است ـ برای نمونهٔ اینگونه آثار علاوه بر محلّ موسوم به‌شاه اسمعیل و استودانهای واقع در کوهسار شمال گرم آباد که ذکر آنها گذشت محلّ دیگری در کوهستان نقش رستم وجود دارد که حفره‌های آتشدان در آنجا است وبنام پوزهٔ آب بخشان خوانده میشود و همچنین استودانهای عهد هخامنشی بنام آخور رستم در کوه رحمت بین تخت‌جمشید وخیر آباد (۱۴ کیلو متری جنوب تخت جمشید) واستودان نزدیك آبادی فلانك را که‌بنام کوه‌ایّوب خوانده میشود میتوان نام‌برد ونظائر آن‌ها درحول وحوش کوه مزبور وجوددارد که‌توضیح دربارهٔ آنها دراین کتاب مختصر مورد پیدا نمیکند.

۷ـ قدمگاه

آخرین اثر تاریخی پیش‌از اسلام‌در کوه رحمت موسوم به‌قدمگاه است که درمنتهاالیه قسمت جنوب کوه مزبور درشمال آبادی موسوم به‌چاشت خوار واقع میباشد و مشتمل برصفّهٔ دو اشکوبه است که در دل کوه تراشیده اند (ش ـ ۹۴) درازای هردوصفّه ۲۰/۳ متر بـوده صفّهٔ‌پائین درارتفاع ۳/۳۰متر از کف‌جلگه به پهنا یاعمق ۱۳ متر تراشیده‌شده‌است‌وصفّهٔ‌دوّم درارتفاع ۴/۲۵ متر نسبت‌بصفّهٔ‌اوّلی وبه پهنایاعمق ۱۵/۲۰مترایجاد گردیده است. درهریك‌ازدوجانب‌بالای‌صفّهٔ پائینی پلّکانی به پهنای ۲/۲۰ متر مشتمل بر ۱۷ پلّه(بلندی هرپلّه ۲۰ سانتیمتر وپهنای هر کدام ۴۲ سانتیمتر است) تراشیده‌اند که بوسیلهٔ آنها ازصفّهٔ اوّلی به‌صفّهٔ بالائی میرفته‌اند . کلیّهٔ بدنه های‌این صفّه‌ها یعنی‌دیوار بین کف‌زمین وصفّهٔ‌اوّلی‌وبدنه‌های سه‌طرف‌صفّهٔ‌اولی‌وهمچنین بدنه‌های‌طرفین صفّهٔ‌بالائی کاملا قائم‌وصاف‌است‌واثری‌در آنها احداث‌ننموده‌اند . تنهادر‌بدنهٔ بزرگ‌صفّهٔ‌بالائی که‌درازای آن‌همان‌درازای هردو صفّه یعنی ۲۰/۳۰ متر و بلندی یا پهنای آن ۱۲/۲۵ متر میباشد دو ردیف طاقچه‌های سنگی‌هرردیف مشتمل برپنج طاقچه درسنگ تراشیده اند که قسمت اعظم آنها فرو ریخته مختصری ازبرخی ازآنها نمودار است .

آقای دکتر واندنبرگ(۱) بلژیکی استاد باستانشناسی دانشگاه گاند(۲) که از طرف ادارهٔ کلّ باستان‌شناسی ایران ضمن تجسّسات و بررسیهای علمی خود در بهار و تابستان ۱۳۳۱ این محلّ را کشف نمود دربارهٔ چگونگی استفادهٔ از آن چنین اظهار نظر کرده است که محلّ مزبور بعلّت ناتمام‌ماندن معلوم نیست بچه کار میخورده‌است و احتمال میدهد که یا محلّ آتشکده درهوای آزاد بوده قصد داشتند طاقچه ها را عمیق‌تر کنند که آتش‌را در آن نگهداری نمایند ـ ویا اینکه طاقچه‌ها برای محلّ گذاردن استخوانهای مردگان آماده میشده‌است و حدس دوّم‌را بیشتر مقرون بصواب میداند و باتوجّه باین نکته که نگهداری آتش ارتباطی باتهیّهٔ ده طاقچه ندارد حدس اوّل بنظر صحیح نمیرسد وبا حتمال نزدیك بیقین محلّ قدمگاه برای انجام آئین مذهبی مربـوط بمردگان ترتیب داده شده طاقچه‌ها نیز استودانهای منظّمی از عهد هخامنشی بوده‌است .

بطوریکه ملاحظه میشود محلّ قدمگاه که اثر مذهبی عهد هخامنشی تشخیص داده شده است مانند بسیاری آثار مذهبی پیش از اسلام ایران بدلیل نامی که بر آن نهاده‌انـد در دوران اسلامی هـم دارای جنبهٔ مذهبی بوده‌است وذکر این نکته شایسته بنظر میرسد که نام کوه رحمت نیز خالی ازجنبه دینی وتبرّك نیست و در اینمورد مناسب میداند عین نوشتهٔ آقای علی‌سامی رئیس بنگاه علمی تخت‌جمشید را دراینجا نقل‌نماید :

« کوهی که قصر معظم تخت‌جمشید در دامنهٔ آن قرار گرفته ودرهر صبحگاهان خورشید از آن سربر میآورد بکوه رحمت معروفست و نویسنده نخستین بار نام این کوه رادر کتاب شیرازنامهٔ ابن ابی الخیرزرکوب شیرازی که در قرن هشتم هجری برشتهٔ تحریر درآمده درصفحه ۱۲۳ دیدم که ضمن ذکراوتاد و نُسّاك در شرح حال قطب‌الدّین کُمهری مینویسد: در کوه رحمت که قرب قصبهٔ فاروق‌است معتکف بوده ودراینجا اشتباهی کرده که کوه رحمت رانزدیك قصبهٔ فاروق نوشته درحالی که فاصلهٔ این‌دو محلّ زیاد واقلا بیست کیلو مترمسافت دارد. علاّمهٔ فقید

---

(۱) Dr. L. Vanden Berghe (۲) Gand

مرحوم قزوینی و دانشمند محترم آقای عباس اقبال ذیل صفه ۳۷۱ شدّالازار مینویسند که کوه رحمت ترجمهٔ تحت اللفظی کوه مهر یا کمهر میباشد. (۱)

هم اکنون نیز زیارتگاه بسیار مصفّا وروحانی برفراز محلّ بلندی در دامنهٔ شرقی کوه رحمت بمسافت قریب نوزده کیلومتری جنوب تخت جمشید واقعست که بنام سلطان ولایت خوانده میشود و بعقیدهٔ مردم برادر امام هشتم (ع) در آنجا مدفون است - در این محلّ چشمهٔ آبی وجود دارد که به استخری میریزد و بمصرف مشروب شدن باغهائی بسیار معدود میرسد و روز های ۲۱ رمضان و ۲۸ صفر که مصادف با شهادت مولای متّقیان حضرت امیر المؤمنین علی (ع) وفرزندش حضرت امام حسن مجتبی (ع) است مردم مرودشت بیشتر باین زیارتگاه روی میآورند(۲) ودراین نقطهٔ کوهسار تاریخی ومتبرّک رحمت عرض راز ونیاز میکنند.

بنای بقعه منحصر بیک اطاق باسنگ شالوده وطاق آجری است وهیچگونه نوشته و اثر هنری ندارد لکن درختان سبز ومنظر جان پرور آن نمودار وجود نیایشگاهی بامعنی وحقیقت در آنجاست

۸ - آثار پیش از تاریخ جلگهٔ مرودشت

کاوشهای علمی و گمانه‌هائی که در تپّه های مختلف جلگهٔ مرو دشت انجام گرفته است بخوبی معلوم میدارد که هزاران سال پیش از آنکه داریوش کبیر تپّهٔ سنگی رابر دامان کوه رحمت جهت احداث کاخهای معظم خود انتخاب نماید اقوام متمدّنی در دشت وسیع مزبور میزیسته‌اند وظروف سفالی منقوش یاساده واسباب و وسایل زندگی مختلف از خود گذارده‌اند - نخستین بار ازطرف هیئت علمی بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو بریاست دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد(۳) توسّط

(۱) - نقل از مقالهٔ آقای علی سامی تحت عنوان کاخ آپادانا درمجلهٔ اطلاعات ماهانه شماره ۶۱ فروردین ۱۳۳۲

(۲) اطلاعات مربوط به بقعهٔ سلطان ولایت توسط آقای علی سامی تهیه وباختیار اینجانب گذارده شده است وبدینوسیله ازمساعدتها وهمکاریهای مفیدشان یکبار دیگر اظهار سپاسگزاری مینماید

(۳) Prof. E. Herzfeld.

دکتر لانگسدورف (۱) و همسرش در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ در تل باکون دو کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید کاوش علمی صورت گرفت وظروف سفالی منقوش بسیار جالب توجه مربوط بحدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد بدست آمد (ش-۹۵). پس از آن آقای محمود راد مدیر بنگاه علمی تخت جمشید درسال ۱۳۲۰ شمسی در تپهٔ بزرگ معروف به تل شقا که بمسافت ۱۷ کیلومتری تخت جمشید در جانب جنوب شرقی آبادی گشنک واقعست کاوش علمی بعمل آورد وظروف سفالی با نقوش رنگین شطرنجی و پرندگان (ش-۹۶) وهمچنین برخی اشیاء مسی بدست آمد که مربوط به هزارهٔ سوّم پیش از میلاد شناخته شد، تل شقا ازنظر مساحت بزرگترین تپهٔ ماقبل تاریخی مرودشت بوده قریب ۲۵۰ متر طول و ۲۱۰ متر پهنای آنست

براثر کاوش تل شقا پس از چندسال آقای دکتر واندنبرگ (۲) دانشمند بلژیکی مهمان دانشگاه تهران درسال ۱۳۳۰ با موافقت وهمکاری باستان شناسی وبنگاه علمی تخت جمشید در تپهٔ مزبور کاوش علمی مجدّدی بعمل آورد وضمناً در تپه‌های مختلف دیگر نیز بانجام کاوشها و گمانه های علمی مبادرت ورزید. درسال ۱۳۳۸ هم هیئت باستان شناسان ژاپنی در تپه‌های مجاور دهکدهٔ خیرآباد کاوشهای علمی دقیق انجام دادند . دراینجا نام واندازه وموقعیّت تپه‌های ماقبل تاریخی مرودشت را که بر اثر کاوشها و تجسّسات مختلف مزبور تاکنون شناخته شده است به ترتیب اهمیّت آنها مذکور میدارد:

تل باکون ـ مشتمل بر دو تپهٔ مجاور یکدیگر بارتفاع قریب ۶ متر یکی بوسعت ۲۷۰۰۰ ودیگری قریب ۲۰۰۰۰ متر مربّع دردو کیلو متری جنوب غربی تخت جمشید (این دو تپّه در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱۱ ذیل شماره ۱۸۹ درفهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است)

تل شقا ـ بابعاد تقریبی ۲۱۰ × ۲۵۰ متر وبلندی ۹ متر در جنوب شرقی آبادی گشنک ۱۷ کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید

---

(۱) Dr. A. Langsdorff

(۲) Dr. D. L. Vander Berghe

تل‌جری الف ـ باابعاد ۹۷ × ۹۴ وبلندی ۵ مترنزدیك‌قریهٔ خیرآبادبمسافت ۱۶ کیلومتری جنوب تخت جمشید

تل‌جری ب ـ باابعاد ۹۴ × ۷۳ متر وبلندی ۱/۵ متر نزدیك قریهٔ خیرآباد بمسافت ۱۶ کیلو متری جنوب تخت جمشید

تل‌هادی ـ باابعاد ٦٤ × ٦٧ متروبلندی۳ متردرجنوب‌شرقی‌قریهٔ‌مقصود آباد

تپّه موشکی ـ باابعاد ٥٦ × ٥٨ متر وبلندی ۱ متر درمغرب جادّهٔ خیرآباد وعزّ آباد

تل کپ‌تاج‌آباد ـ باابعاد ۱۲۰ × ٤٠ وبلندی قریب ٤ متر درمغرب دهکدهٔ تاج آباد

تل‌روباهی ـ تقریباً محاذی باسطح جلگه ونزدیك تل هادی

تل کرکی ـ بین تخت جمشید وشمس آباد

تل کپ کناره ـ باابعاد ٦٥ × ۸۵ وبلندی٤ مترنزدیك‌آبادی کناره . این‌تپّه آثار اسلامی‌هم دارد

تل‌چهل برجی ـ درمغرب جادّه رجا آباد وبند امیر

تل‌سبز ـ درمشرق جادّهٔ مرودشت وپل‌خان

تپّه‌های دیگرهم هست که با کاوشهای بعدی اطّلاع روشن در بارهٔ آنها بدست خواهدآمد و ذکرآنها درحال حاضر مورد پیدا نمیکند

۹ـ آثار تاریخی ادوار اسلامی جلگهٔ مرودشت

درجلگهٔ مرودشت‌آثاربرجسته‌ای هم‌ازدوران‌اسلامی‌باقی‌است که‌مهم‌ترین آنها بوسیلهٔ امیرعضدالدّولهٔ‌دیلمی(۳۵٦ تا ۳۷۲ هجری)ایجاد گردیده است.عمده آثار مزبور بدینقرارمیباشد :

قلعهٔ استخر

در انتهای شمال غربی جلگهٔ مرودشت سه کوه منفرد و مجزّا از یکدیگر در وسط صحرا بدنبال یکدیگر واقع گردیده که نام‌آنها قلعه شکسته

واشگنون واستخراست

بر بالای کوه سوّم قلعهٔ معروف استخر از طرف عضد الدّوله دیلمی ایجاد گردیده استخر بزرگ آب درمحلّ مناسب آن ترتیب داده‌شده بودواکنون درخت سرو چندین‌صد ساله در کنار بقایای استخر درمیان ویرانه‌های ابنیهٔ سنگی‌قلعه پایداراست. برای‌رفتن بدانجاباید دنبالهٔ راه فرعی را که ازجانب‌مغرب نقش‌رستم روبشمال غربی‌امتداد داردپیمود . پس‌از گذشتن از آبادیهای سارویه و کرم‌آباد درکنارقریهٔ کوچکی که‌بنی یگه‌نام‌دارد به‌سمت چپ‌متوجه گشته بجانب کوهسار میروند وبراهنمائی‌افرادی‌از قریهٔ مزبور باراه‌پیمائی تقریبادوساعت‌در کوهستان بویرانه‌های این‌قلعه شکرف میرسند

بندامیر

درجانب جنوب شرقی مرودشت تقریبا درانتهای دیگر این جلگهٔ‌پهناور برروی رود کربند محکمی که‌قسمت بالان آن پل‌است بنام بند امیر وجود دارد که‌آنهم از آثار عضدالدّولهٔ‌دیلمی وازمهمترین‌ابنیه‌قرون‌اوّل اسلام درایران بشمار میرود(ش ۹۷) وبراثر آن آبیاری وانشعاب نهرهائی که آبادیهای دور و نزدیك رامشروب‌مینماید انجام‌میگیرد. در کتاب آثار تاریخی مرو دشت تألیف آقای‌علی‌سامی(صفحه۱۹۰)تاریخ ساختمان بندامیرسال۳۶۵هجری‌ذکرشده‌است

پل‌خان

در انتهای جنوب غربی جلگه مرودشت در محلّ باریکی که رود کر از کنار کوهستان میگذرد پل عظیمی بنام پل خان‌وجود دارد که بوسیلهٔ امامقلیخان فرزند الله‌وردیخان فرمانفرمای معروف فارس وسردار مشهور زمان شاه عبّاس کبیر بناشده‌است. امامقلیخان در دوران فرما نفرمائی پدرش حکومت لارستان راداشت وپس‌ازمرگ پدر ازطرف‌شاه عبّاس‌به فرمانفرمائی فارس‌منصوب گردید وپل‌خان یکی ازآثار دوران‌فرمانفرمائی‌او (۱۲۱ تا ۱۴۳ هجری)است

علاوه‌برسه‌بنای‌فوق‌تپّه های متعددی هم درجلگهٔ مرو دشت وجود دارد که آثاردورهٔ‌اسلامی‌رادربرداردوذکرآنهابیرون‌ازحوصلهٔ‌این کتاب‌است .

بین پل‌خان وشیرازقصبهٔ زرقان و گردنه‌های آب باریك وباجگاه درمسیر قسمت آخرجادّهٔ اصفهان بشیراز قراردارد . پیش از پایان بخشیدن باین فصل مناسب می‌بیند نام مهمترین منزلگاههای بین اصفهان وشیراز و مسافت بین آنها را نیز جهت اطلاع بیشترخوانندگان کتاب مذکوردارد :

اصفهان ـ شهرضا	۸۱	کیلومتر	
شهرضا ـ ایزدخواست	۶۰	»	
ایزدخواست ـ آباده	۶۳	»	
آباده ـ سورمق	۲۲	»	
سورمق ـ ده‌بید	۶٤	»	
ده‌بید ـ سعادت آباد	۷۸	»	(راه‌فرعی که به‌پاسارگاردمیرود قریب ۱۰ کیلومتر پیش از رسیدن بسعادت آباد ازطرف ده بید و بعداز گذشتن ازقادرآباد است که بسمت راست درخیابان مشجری منشعب میگردد) .
سعادت آباد ـ سیوند	۲۳	»	
سیوند ـ تخت جمشید	۳۰	»	
تخت جمشید ـ شیراز	۵۷	»	

مجموع مسافت اصفهان به‌شیراز ٤۷۸ کیلومتر

تذکار : درسطر ۲۳ صفحهٔ مقابل (دوسطر بآخرصفحه مانده) ضمن ذکرسالهای فرمانفرمائی امامقلیخان درفارس رقم مات اشتباهاً بچاپ نرسیده است باعرض پوزش توضیح میدهد که ارقام صحیح سالهای مزبور ۱۰۲۱ تا ۱۰٤۳ میباشد .

ضمناً درمورد تل تیموران مذکور درصفحهٔ ۱۶ توضیح میدهد که نام توابع ارسنجان اختصاصاً بچندآبادی اطلاق میگردد وعلاوه برراه مذکور درصفحهٔ سابق‌الذکر از پشت کوه رحمت ازکنار ده حسن‌آباد واقع در جلگهٔ خفرك نیز بدانجا میروند .

فصل دوم ـ شیراز

قسمت اول ـ آثار تاریخی شهر شیراز

نام شیراز درالواح گلی که در تخت جمشید کشف شده‌است مذکور میباشد ومعلوم میگردد دردوران هخامنشی یکی از کارگاههای وابستهٔ به‌کارهای ساختمانی تخت جمشید درناحیهٔ شیراز واقع بوده است. دردورهٔ ساسانیان هم ازوجودیک آتشکده ویك قلعه در این محل ذکری نموده‌اند. شهر کنونی شیراز بنا بگفتهٔ مورّخین ونویسندگان متعدّد قدیم درسال ۷٤ هجری(٦۹۳ مسیحی) بوسیلهٔ محمّد (برادر حجّاج بن یوسف ثقفی) که آنزمان والی فارس بود بنا گشت وبتدریج رو بآبادی رفته جایگزین شهر استخر گردید تا اینکه در سال ٤۳٦ هجری(۱۰٤٦ میلادی) ابوکالنجار فرزند عضدالدّوله شهر باستانی استخر را که قرنها مرکز سرزمین پارس‌ودارای بیش‌از ۱۵۰۰ سال تاریخ پر از حوادث ونشیب و فراز بود بکلّی منهدم گردانید ومردم آنرا بشیراز کوچ داد.

قدیمترین قسمت شهر شیراز نواحی جنوب شرقی ومشرق آنست که بنای مسجد جامع هم در آن‌قسمت جای‌دارد ودر ادوار بعد بتدریج قسمتهای دیگر از شمال و مغرب بر آن افزوده شده درعهد کریمخان‌زند(۱۱۷۹تا۱۱۹۳ هجری = ۱۷٦۵تا۱۷۷۹ میلادی)رونق وآبادی فراوان یافت‌ودردوران‌جدیدهم‌مانندبسیاری شهرهای دیگر ایران ازجانب مغرب توسعهٔ روزافزون پیدامیکنند.

مدخل شهر شیراز از جانب شمال یعنی ازسوی اصفهان وطهران که این کتاب بر امتداد چنین خطّ سیری تنظیم گشته است در میان دو کوه‌قرار دارد و بنام تنگ الله‌اکبر خوانده میشود. مسافری که ازجادّهٔ اصفهان میرسد پس‌از پیچ

وخمهای متعدّدِ کوهسار یکباره دورنمای زیبای شیراز را ازوسط تنگ الله‌اکبر مشاهده میکنند ودرمدخل شهر دروازهٔ بزرگی بنام دروازهٔقرآن وجود دارد که بر فراز آن نسخهٔ کلام الله درون اطاق وصندوقی واقع است و کلیّهٔ مسافرینی که ازاین راه بشیراز میآیند یا از آن بیرون میروند اززیر قرآن میگذرند .

بنای اصلی دروازهٔقرآن بنای سنگی قدیمی منسوب به عضدالدّولهٔ دیلمی بود (ش۹۸) ونسخهٔ قرآن خطّ ثلث عالی منسوب به ابراهیم سلطان[۱] فرزند شاهرخ تیموری دراطاق بالای آن قرارداشت. درسال ۱۳۱۵ شمسی بعنوان پهن کردن راه این بنای تاریخی رامنهدم نمودندوچندسال بعدشادروان حسین ایگار بنای کنونی را کمی پائین تر از محلّ دروازهٔ قرآن قدیم ساخت و با این اقدام پسندیدهٔ خود سنّت خوب شهرشیراز را احیاء نمود (ش ۹۹).

برای معرّفی آثارتاریخی شیرازابتدا آنچه دردوجانب خیابانِ دروازهٔقرآن هست مذکور داشته سپس باابنیه وآثار دیگراین شهر تاریخی ازشمال رو بجنوب میپردازد. درپایان نیز ابنیهٔ دورهٔ قاجاریّهٔ شیراز را بطور اجمال معرفی مینماید:

۱ ـ قبر خواجوی کرمانی و آثار مجاورآن

بر جانب غربی دروازهٔ قرآن یعنی سمت راست آن بمسافت کمی بالاتر از دروازهٔ قرآن دردامان کوه محوّطهٔ مصفّائی است که درختان وحوض آبی دارد و قبر خواجوی کرمانی شاعر وعارف زمان سلطان ابوسعید فرزند الجایتو که نامش محمّد بوده بسال ۷۵۳ هجری درگذشته استدرآنجا واقع میباشد .

نزدیك آنجا طاقهائی در دل کوه ایجاد نموده‌اند وطاق بزرگی هم ازآجر دیده میشود که قبر عمادالدّین محمود وزیرشاه شجاع متوّفی بسال ۸۳۸هجری است و بنام مشرقی هم خوانده میشود و تصوّر میرود بعلّت اینکه طاق مزبور رو

(۱) استاد جلال‌الدین همائی در یادداشتی که به نگارنده مرحمت کرده‌اند اشاره‌فرموده‌اند که قرآنهای‌دروازهٔ قرآن شیراز بخط ابراهیم سلطان است که سالیان دراز درشیراز بوده آثار نیك ازخود درآنجا گذارده وشاگرد پیر محمد خوشنویس شیرازی بوده‌است .

بمشرق واقع گردیده است آنرا بدین نام خوانده‌اند.

در مجاورت همین محلّ نقش برجستهٔ رستم پهلوان داستانی ایـران را در زمان حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و فرزند فتحعلیشاه بسال ۱۲۱۸ هجری حجّاری نموده‌اند وتصویر شاهزادهٔ مزبور درحال شکار وهمچنین مجلس حجّاری دیگر مشتمل‌برصورت فتحعلیشاه وچند نفرازفرزندانش نیزدر همانجا وجوددارد که همزمان بانقش اوّلی‌است.اراضی پائین‌دست‌این‌قسمت‌بنام مصلّی خوانده‌میشود وایوانی درآنجا بنام قربانگاه هست که ظاهراً بسال ۱۲۹۵ هجری بوسیلهٔ مرحوم حاج معتمد الدّوله فرهادمیرزا ساخته‌شده‌است و محرابی نیزدارد. دراین‌ایوان هم در مواقع مصلّی وعیدین باقامهٔ نماز میپرداخته‌اند وهم در عید قربان وهنگام ورودفرمانفرمایان‌فارس(استانداران)مراسم‌قربانی صورت میگرفته است.

۴ ـ باباکوهی

در سراسر کوهستان شمال شیراز ابنیهٔ متعلق به خانقاهها وعبادتگاهها و جایگاه ریاضت و مقابر مردان خدا باقـی و مشهود است که آرامگاه خواجوی کرمانی وقبرمشرقی نیز درردیف آنهاست وشرح آن گذشت ومهمترین‌اینگونه امکنه‌بازهم‌متدرّجاً‌مذکورخواهدشد.ازجمله کمی‌دورتراز‌قبرخواجوزیارتگاهی بنام باباکوهی وجود دارد که برای‌رسیدن‌بآن باید پائین‌تر از دروازهٔ قرآن از خیابان خارج‌شد وبسمت راست‌رفت ودرحدود دو کیلومترراه‌سربالائی راطی‌نمود وبمحوّطهٔ باباکوهی‌رسید که بواسطهٔ همین ارتفاع مشرف بتمام شهرشیراز است. بنائی مشتمل برچند اطاق ومهتابی هائی ازآثار مؤیّد الدّوله طهماسب میرزا نوهٔ فتحعلیشاه درآنجا هست که درسال۱۲۷۵هجری ساخته شده بعداهم مرتّبا مرمّت یافته است. بالاتر از آنها آرامگـاه ابوعبدالله محمّد نوادهٔ باکویه از عرفا وشعرای شیرازاست که درسال ٤٤۳ هجری درگذشت ودراشعارخود به‌باباکوهی تخلّص مینمود

۳ ـ آرامگاه حافظ

پائین‌تر ازدروازهٔ قرآن دست‌چپ خیابان عریضی بنام‌خیابان خرابات‌جدا میشود که آرامگاه حافظ دراوایل آن‌قرار دارد ـ بنای‌اصلی آرامگاه حافظ از آثار کریمخان زندو مربوط بسال ۱۱۸۷ هجری (۱۷۷۳ مسیحی) بوده ایوانی دارای چهارستون سنگی دروسط قرارداشت که ازدو جانب شمال وجنوب گشاده بود ودر دوسمت آن دواطاق بنا کرده بودند. قبرحافظ خارج ازاین بنا درو سط قبرستان‌پشت‌آن‌قرارداشت‌ودرادوار بعدی‌نردهٔ آهنی دراطراف قبر گذارده بودند که صورت مناسبی نداشت.

ازسال ۱۳۱٤تا۱۳۱۷ شمسی بارگاه حافظ بصورتیکه اکنون موجوداست ازطرف وزارت‌فرهنگ‌درآمد (ش۱۰۰) سنگ‌حوضهای‌ابنیهٔ کریمخانی که ضمن امتداد خیابان زند شیراز خراب گردید به‌محوّطهٔ آرامگاه منتقل ودر حوضهای آنجا بکار گذارده شد وباحفظ چهارستون اصلی بنای‌قدیمی ۱٦ ستون یکپارچهٔ سنگی نظیر آنهاتهیّه نمودند وایوان بزرگ بیست ستونی کنونی‌را بطول ۵٦ متر با تزیینات نقّاشی وگچبری و کاشیکاری تماما بسبکهای قدیم واصیل‌شیراز ایجاد کردند واشعاری ازحافظ باکتیبه‌هائی که‌تاریخ بنا ونام اعلیحضرت فقید و وزیر فرهنگ وقت(جناب آقای علی‌اصغرحکمت) رادر بردارد درمحلّهای مناسب آن نگاشتند (ش۱۰۱). بنای اصلی آرامگاه نیز بصورت سکّوئی باهشت ستون سنگی یکپارچه(ش۱۰۲) وسقف مسین وتزیینات کاشیکاری واشعار (ش۱۰۳) درمحلّ‌قبر محاذی وسط ایوان بزرگ درباغ دوّم ایجاد گردیدوسنگ‌قبرقدیم درمحلّ‌اصلی خودمحفوظ ماند.شادروان‌سرلشکرعلی ریاضی رئیس‌فرهنگ‌اسبق فارس‌مخصوصاً در ترتیب این بنای باشکوه نهایت سلیقه و مجاهدت رابخرج داد.

آرامگاه‌اهلی‌شیرازی که درسال۹٤۲ هجری وفات‌یافته است ومزارمرحوم فرصت الدّوله شیرازی که در ۱۳۳۹ قمری فوت نمود در پائین آرامگاه حافظ قرار دارد و بزرگان‌دیگر هم که ذکر نامشان در این کتاب مورد پیدا نمیکند درمحوّطهٔ مزبور بخاك سپرده شده اند. آرامگاه خانوادگی قوام درضلع غربی

محوّطهٔ آرامگاه حافظ باحیاط و تالار وسیع مزیّن، و تالار زیبائی که مقبرهٔ قاسم خان والی بوده در ۱۲۸۹ هجری ساخته شده است در شمال محوّطهٔ مزبور قرار دارد واز آن برای محلّ کتابخانهٔ آرامگاه حافظ استفاده میکنند .

۴ - چهل تن و هفت تن و تخت ضرابی

چهل تن

بمسافت کمی در شمال حافظیّه محوّطهٔ مشجّر با صفائی است که چهل سنگ مزار بیك اندازه درآن قرار دارد(ش-۱۰۴) وچنداطاق وحوض آبی هم در سمت شمال آن ساخته اند . محوّطهٔ مزبور در زمان کریمخان زند محصور وآباد شده سنگهای قبور رادرنیمه دوّم قرن ۱۳هجری بفرمان مرحوم فرهاد میرزا والی فارس برقبور چهل زاهد وعارف که هویّتشان مشخّص نیست نهاده اند .

هفت تن

کمی بالاتر ازباغ چهل تن محوّطهٔ محصور ومشجّر دیگری بنام هفت تن باایوان وبنای زیبائی وجود دارد(ش ۱۰۵) وازآثار خارج باغ معلوم میگردد در زمان قدیم ابنیه ومتعلّقاتی درمجاورت این محلّ وجود داشته که ازمیان رفته است. داخل باغ هفت سنگ قبریك شكل وقبور دیگری ازعرفا وجود داردودرسمت شمال بنائی ازعهد کریمخان باایوانی که دوستون سنگی یك پارچه ونقّاشیها و تزیینات آنزمان رادر بردارد موجود است واطاقها وطاقنماهائی در دوجانب ایوان محلّ آسایش وتوقّف بازدید کنندگان ومجاورین آنست(ش۱۰۶).باغ وعمارت هفت تن در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۷۴ در فهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است .آرامگاه شاه شجاع شهریار آل مظفّر که ممدوح خواجه حافظ بوده بسال ۷۷۶ هجری وفات یافته است بیرون باغ هفت تن در جانب شمال غربی آن واقع گردیده سنگ مزاری که بفرمان کریمخان زند بر آن نهاده اند معرّف آنست وانجمن آثارملّی دست بکاراحداث بنای مناسبی در آنجامیباشد .

تخت ضرابی

بر بالای کوهسار پشت هفت‌تن عمارت کوچکی بنام تخت ضرّابی مشتمل برچنداطاق‌وایوانی درجلوآنها موجود است که تاچند سال‌پیش بصورت متروك و ویران‌افتاده بود وشخص‌نیکوکاری‌آنرامجدّداً‌تعمیروآباد کرد.لوح‌سنگی برپایهٔ غربی‌ایوان نصب‌است که میرساند شخصی بنام یحیی بن‌اسمعیل بن‌نیکروز .... در شعبان سال ٦٦٩ هجری بنای اصلی این عمارت را جهت استراحت و سکونت دوستان مسلمان بنیاد نهاده است .

۵ ـ چاه مرتاض علی و گنبد عضد

بازدید کنندگانی که همّت و فرصت کوه پیمائی داشته باشند میتوانند از تخت‌ضرّابی‌سربالائی کوه‌راادامه‌دهندوبرفراز کوهستان‌بمحلّی‌برسند که‌مشتمل‌بر محوّطه‌وچند اطاق‌وآب‌انبار وصفّهٔ گود وتاریکی‌است که‌مردم‌شیرازعقیدهٔ‌فراوان بان دارند واین محلّ را عبادتگاه عارفی بنام مرتاض علی میشناسند و وضع آن میرساند درزمانهای قدیم هم‌جایگاه راز ونیاز بوده احتمالا آتشکده‌ای در آنجا وجود داشته‌است .

بنای دیگری برفراز کوه در جانب دروازهٔ قرآن دیده میشود که ازطرف دروازهٔ مزبور زودتر‌میتوانند بدان‌برسند واز چاه مرتاض‌علی هم بدانجا راه‌هست این بنا مشتمل بر چهارطاقی میباشد که گنبد آن‌فروریخته‌است‌وبنامهای مختلف گنبد عضد و گهوارهٔ دیو و گنبد دید خوانده میشود وبنابرآنچه در کتب متعدّد قدیمی‌مربوط‌بآثار فارس‌مذکور افتاده‌است ازآثار عضدالدّوله‌دیلمی‌میباشد ونام گنبد عضدنیز دلیلی برهمین قسمت محسوب میشود ودورنیست برای‌روشن کردن آتش وعلامت‌دادن درادوار بسیار قدیم دراین محلّ‌جایگاهی ترتیب‌داده‌بودندو عضدالدّولد دیلمی بنای گنبد رادرآنجا ساخته‌باشد .

٦ ـ آرامگاه سعدی

خیابان گلستان(خرابات‌سابق) که ازجلوآرامگاه‌حافظ میگذرد پس‌ازطیّ

یکی دو کیلومتر بجانب شمال میپیچد و از مجاورت باغ معروف دلگشا گذشته به قریهٔ سعدیّه میرسد که آرامگاه سعدی در آنجا واقع است. بنای کنونی آرامگاه سعدی که اقتباساتی از کاخ چهلستون اصفهان و ابنیهٔ قدیم دیگر توام با معماری جدید در آن هویدا است (ش ۱۰۷) بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از طرف انجمن آثار ملّی ساخته شد و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ در پیشگاه ذات ملوکانه مراسم افتتاح آن انجام پذیرفت. ایوانی با ستونهای چهارضلعی بلند که درون آنها بتون مسلّح و روکاری آنها سنگ است با تزیینات کاشیکاری در جلو بقعه واقع گشته گنبد کاشی فیروزه فام برفراز بقعه جلوهٔ مخصوصی دارد. درون بقعه هم بدنه های کاشیکاری مشتمل بر کتیبه های حاوی منتخباتی از گلستان و بوستان و لوحه أی که تاریخچهٔ ساختمان را معلوم میسازد زینت بخش دیوار ها است (ش ۱۰۸). بنای قبلی آرامگاه از دوران کریمخان زند و شامل دو اطاق بزرگ در دو طرف و ایوان و پلّه و طاقنما و غرفات کوچك در وسط بود و در یك اطاق مقبرهٔ سعدی و در اطاق دیگر قبر مرحوم شوریده فصیح الملك شاعر معروف شیرازی در قرن اخیر قرار داشت. تعمیرات و اصلاحاتی هم بوسیلهٔ مرحوم فتحعلیخان صاحب دیوان و مرحوم حبیب‌الله خان قوام‌الملك در آن انجام گرفته بود وطبعاً برای احداث بنای کنونی ساختمان قدیمی را منهدم ساختند. اینك قطعاتی هم از سنگ قبر بسیار قدیمی و کتیبهٔ سنگی بنائی قدیمتر از دوران کریمخان که ضمن خاکبرداری‌ها در محوّطهٔ آرامگاه کشف گردیده است درون آرامگاه سعدی محفوظ میباشد. محلّ قبر مرحوم شوریده نیز بوسیلهٔ ایوانی متّصل به آرامگاه سعدی بوده مجموعاً بصورت بدیعی در آمده است (ش ۱۰۹) آب قنات مخصوص سعدی درون آب نمای موسوم به حوض ماهی در زیرزمین جریان دارد و بوسیلهٔ پلّکانهائی بآن میرسند و ابنیهٔ تابعه جهت توقّف و استراحت بازدید کنندگان وسکونت سرایدار در جانب غربی محوّطه ایجاد شده است.

بربالای کوهستان نزدیك قریهٔ سعدیّه آثار قلعهٔ قدیمی بنام فهندژ که دوچاه عمیق مربّع در آنست وجود دارد و منسوب به دوران هخامنشی و ساسانی و اتابکان فارس

(سلغریان) میباشد .

۷ـ بقعهٔ شاه میرعلی بن حمزه

درپائین خیابان دروازهٔ قرآن بقعه‌ای بنام فوق وجود دارد که نمای غربی ومدخل آن در کنارخیابان بوده دارای درمنبّت قدیمی بسیارزیبائی است وبوسیلهٔ دهلیزی وارد حیاط وسیعی میشوند. نوشتهٔ ثلث شیوا بر سنگ سرخ فام بخط ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تیموری مشتمل براین جمله: قیل لابراهیم علیه السلام بما اتخذك الله خلیلا قال ماتغدیت وما تعشیت الامع الضیف بالای دربرجانب صحن مرقوم است. ساختمان بقعه مشتمل برحرم وسیعی است که مرقد شاه میرعلی از نوادگان امـام مـوسی کاظم(ع) دروسط آن درون ضریحی ازچوب وخاتم وفولادقراردارد(ش۱۱۰)واطاقها ودهلیزها وطاقنماها ومسجدی در پشت حرم قسمتهای دیگر ساختمان را تشکیل میدهد. بنای اصلی بقعه درزمان عضدالدّوله دیلمی ایجاد گشته بعداً بوسیلهٔ بزرگان زندیّه وفرمانروایان قاجارتعمیر ومرمّت یافته است. نمای اصلی آن بطرف جنوب روبصحن واقع است و دو مناره در دو طرف آن قرار دارد (ش ۱۱۱) گورستان وسیعی بنام جوان آباد در اطراف این بقعه وجود داشت که قسمت جنوبی آن در سال ۱۳۰۵ شمسی برای هنرستان فارس منظور وتدریجا ساختمانهائـی ایجاد شد وقبر رحیمخان فرزند کریمخان زند که در سال ۱۱۹۱ هجری وفات یافته با قبر فرزند دیگری از کریمخان که بسال ۱۱۸۵ فوت نموده است دریکی از اطاقهای بنای اوّلیّهٔ هنرستان قراردارد. قسمت شمالی گورستان مزبورراهم تبدیل بباغ ملّی شهر شیراز کرده‌اند .

۸ ـ مجسمهٔ سعدی

درانتهای خیابان دروازهٔ قرآن در وسط میدان معروف به دروازهٔ اصفهان مجسّمهٔ سعدی ازسنگ سفید یك پارچه کار استاد ابوالحسن صدیقی بـر فراز پایهٔ سنگی نصب است (ش۱۱۲) مجسّمهٔ مزبور در سال ۱۳۳۱ هنگام افتتاح آرامگاه

سعدی از طرف انجمن آثار ملّی بشهر شیراز هدیه گردیده سنگ آنرا ازمعادن نزدیك قم فراهم آورده‌اند .

۹ ـ ارگ کریمخانی

بمسافت کمی از مجسّمهٔ سعدی در قسمتی از شهر شیراز که در دوران سلطنت کریمخان زند آباد گردیده است ضمن آثار مختلف این شهریار قلعهٔ آجری با حصار بلند وبرجهائی درچهار گوشهٔ آن وجوددارد که منظرخارجی آن بوضع اصلی دوران وکیل محفوظ مانده است. بر بالای مدخل اصلی آن که روبجانب مشرق قراردارد مجلس کاشیکاری بسیار زیبا مشتمل برتصویر رستم ودیو نصب میباشد (ش۱۱۳) کاشیکاریهای زیبای دیگری هم بربالای جبهۀ داخلی سردر دیده میشود که تصاویر خدمتگذاران دورهٔ زندیّه رابا لباس ودستار آن عهد درحالیکه ظروف میوه را بوضع شیوائی دردست دارندنشان میدهد .مرحوم شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما در دوران حکومت خود تعمیرات خوبی از کاشیکاریهای منحصر مزبور بعمل آورده است . اطراف محوّطهٔ داخلی ارگ تالارها واطاقها وابنیهٔ مختلف دستگاه سلطنتی دوران زندیّه بحال اصلی باقی است و در دوران قاجاریّه بنای جدیدی جهت مقرّ والیان فارس در وسط محوّطه ساخته‌اند. اینك چندین سال است ارگ کریمخانی مقرّ شهربانی فارس ودرون آن زندان بوده قراراست زودتر این بنای تاریخی بوضعی که شایستهٔ آنست درآید .

۱۰ ـ موزهٔ پارس

نزدیك ارگ کریمخانی در کنار خیابان زند باغی از دوران کریمخان زند بنام باغ نظر وجوددارد که بنای کلاه فرنگی درون آن واقعست (ش ۱۱۴) . بنای مزبور بصورت کوشک ۸ ضلعی زیبائی ساخته شده تزیینات کاشیکاری درخارج ونقّاشیها و مقرنسکاریهای داخل آن ازهنرنمائیهای جالب عهد کریمخان زند محسوب میگردد (ش ۱۱۵) درون آن مشتمل بر محوّطهٔ مرکزی است که حوضی ازمرمر درمیان آن وچهارشاه نشین درچهارسو وچهاراطاق درچهار گوشهٔ آن واقع میباشدومقبرهٔ

کریمخان درشاه نشین شرقی آن قرارداشت که بوسیلهٔ آقامحمّدخان قاجارنبش قبر گردید واستخوانهای شهریار زند رابطهران آوردند ودر محلّ معروف بخلوت کریمخانی که بعدها گوشهٔ ازکاخ گلستان شد بخاك سپردند وبسال ۱۳۰٤ شمسی بفرمان اعلیحضرت فقید ازمحلّ مزبور خارج گشت ودر اختیار دودمان زند قرار گرفت ودرملایر بخاك سپرده‌شد. درچهارسمت خارج بنای مزبور چهارحوض موجود بود که‌سه حوض آن بحال خودباقی است وحوض جانب شمالی باقسمتی ازباغ ضمن اصلاحات شهرشیراز درمسیر امتداد خیابان زند قرار گرفت وبطوریکه درشرح آرامگاه حافظ توضیح داده‌شد سنگهای آنرا برای احداث حوضهای جدید حافظیّه بکاربردند. درسال ۱۳۱٤ شمسی موزهٔ پارس درعمارت کلاه‌فرنگی مستقرّ گردید. نسخه‌های خطّی کلام‌الله خصوصا سی‌جزو خطّ یحیی الجمالی الصّوفی که‌درسالهای ۷٤۵-٦ هجری مرقوم‌رفتد تاشی‌خاتون (مادرشاه‌ابواسحق انجو) آنهاراوقف‌شاه‌چراغ نموده است ومجموعهٔ دیگری که مشتمل بر ۱۲ جلد از پانزده‌جلد که هریك از آنها شامل دوجزو قرآن‌است ودرسال ۷۷۷ نوشته‌شده تورانشاه وزیرشاه شجاع آنهاراوقف شاه‌چراغ نموده‌است باقرآنهای‌نفیس‌دیگر وظروف سفالی ماقبل‌تاریخ ومفرغهای لرستان وظروف‌ادوار اسلامی‌ومقداری‌نقّاشیهای‌کارلطفعلیخان‌صورتگر استاد شیرازی‌وهنرمند قرن ۱۳ هجری ومجموعهٔ قلمدان کار آقاصادق‌ازاستادان دوره زندیّه وچندقبضه‌شمشیرهای قدیمی که‌شمشیری‌بنام کریمخان‌زندهم‌درمیان آنهاهست باآثارمتنوّع دیگر که اغلب ازنقاط مختلف فارس جمع‌آوری‌نموده‌اند درموزهٔ پارس بمعرض نمایش گذارده شده‌است(ش ۱۱٦) . شادروان‌سرلشگرعلی ریاضی رئیس وقت فرهنگ فارس دراحیاء وتعمیرباغ وعمارت موزهٔ‌پارس‌وترتیب وتنظیم آن‌سعی‌وسلیقهٔ فراوان‌بکاربست . قطعاتی‌ازتخت‌جمشیدوسنگاب‌قدیمی که ازمسجد جامع شیرازانتقال داده‌اند ونقوش برجستهٔ کاخ آئینه یاکاخ خورشید از ابنیهٔ‌حسینعلی‌میرزا فرزند فتحعلیشاه‌را که درگوشهٔ‌شمال‌غربی‌باغ‌نظربود وضمن امتداد خیابان زند منهدم گشت در محوّطهٔ باغ بمعرض نمایش گذارده‌اند . باغ و عمارت موزهٔ پارس در تاریخ ۱۵ آذرماه ۱۳۱٤ ذیل شمارهٔ ۲٤٤ در فهرست آثار

ملّی ایران بثبت رسیده است.

۱۱ ـ مسجدوکیل

درنزدیکی باغ وعمارت موزهٔ پارس ابنیهٔ عمومی شهرشیراز از آثارمعروف کریمخان زند که شامل مسجد وبازار وحمّام وآب انبار است قرار دارد. مسجد وکیل از مهمترین یادگارهای شهریارزند بوده مشتمل برصحن دلبازی است که سردر اصلی آن در جانب شمال و شبستان وسیع آن برجانب جنوب قرار دارد. ایوانی درپشت سردر(ش ۱۱۷)وایوان دیگری جلوشبستان واقع بوده حوض طویلی دروسط صحن ویك ردیف طاقهای بسیارمتناسب درمشرق ومغرب صحن ساخته‌اند. شبستان جنوبی دارای ٤۸ ستون سنگی یکپارچهٔ عالی(ش۱۱۸) ومنبر چهارده پلّه که آنهم سنگ مرمر یکپارچه است میباشد.تاریخ بناسال ۱۱۸۷ هجری (۱۷۷۳ میلادی) بوده تصوّر میرود تزئینات و کاشیکاری آن در عهد کریمخان زند پایان نیافته بوده است بدین جهت کتیبه‌های کاشی درایوانهاوقسمتهای مختلف مسجدبنام فتحعلیشاه وناصرالدّین شاه وحکمرانان وشخصیّتهای دیگرباذکر سال تاریخهای متعدّد بچشم میخورد که حکایت ازتعمیرواتمام این بنای تاریخی زیبا ومهمّ مینماید. کتیبهٔ محراب اصلی آن مورّخ به ۱۰٤٤ میباشد وتصوّرمیرود که همزمان باتعمیر کاشیکاری ایوان بزرگ جلو شبستان که در کتیبهٔ آن ۱۲٤٤ ذکر گردیده است کاشیکاری محراب را هم تعمیر نموده در ذکر تاریخ عدد ۲ مربوط به رقم مآت را ازقلم انداخته باشند. شبستانی هم درجانب مشرق مسجد وجوددارد که برای موقع زمستان بکارمیرفته است. مسجدوکیل درتاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱۱ذیل شماره ۱۸۲ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است.

۱۲ ـ حمام وکیل

درجنب مسجدوکیل حمّام وکیل قراردارد که براثر تغییر وضع حمّامهای عمومی تا حدّی از صورت اصلی خارج شده است وخوشبختانه سربینهٔ وسیع آنرا باشگاه ورزشی نموده اساس آنرا بدین ترتیب محفوظ داشته‌اند.

۱۳ ـ بازار وکیل

بازار طویل خوش‌طرحی که تصوّر میرود شهریار زند پس از ملاحظهٔ بازار قدیمی‌لار (از آثار زمان‌شاه‌عبّاس کبیر) طرح آنرادرشیراز ریخته است از بهترین آثارمرحوم وکیل بشمارمیرود واز نزدیکی دروازهٔ اصفهان تامدخل بازار های قسمت شهرقدیم شیراز امتداد دارد ومشتمل‌برحجره‌هائی باسگوی پهن‌درطرفین و ۷۴ دهانه طاقهای بلندوخوش تناسب بوده‌است وچهار سوق بلندی درمیان آن واقع گردیده بازار های فرعی شرقی و غربی آنـرا قطع مینماید. چند دهانهٔ طاقها وتعدادی دکانهای بازار وکیل ضمن امتداد خیابان زند ازمیان‌رفته‌است.

۱۴ ـ مدرسهٔ خان

ازبازاروکیل که داخل‌بازارهای‌قسمت‌قدیمی‌شهرشیرازشوندپس‌از گذشتن ازبازارموسوم‌به‌اردو بازاروچند کوچه به بنای تاریخی وسیع دیگری میرسند که مدرسهٔ‌خان نام‌دارد. ازطرف خیابان‌هم‌چون‌ازمسجدوکیل‌بخیابان لطفعلیخان‌زند بروند در کنارآن خیابان به‌بنای مزبور میرسند. این بنای تاریخی مدرسهٔ وسیع دلبازی‌است که‌دردوران‌سلطنت‌شاه‌عبّاس کبیربوسیلهٔ‌اللّه‌وردیخان‌والی‌فارس‌وفرزند وجانشین او امامقلیخان بنیاد گردیده مشتمل بر سردر بلند وپهن با مقرنسهای عالی و دهلیز ورودی با کاشیکاری معرّق بسیار ریز و ظریف (ش۱۱۹) و حجرات دوطبقه درچهارسمت‌وصحن وسیع وایوانهای بلند است(ش۱۲۰). براثرزلزله‌های مکرّر ورطوبت وسستی خاك شیرازآسیب فراوان دیده تعمیرزیاد درآن صورت گرفته‌است. در کتیبهٔ دهلیز تاریخ اصلی بنا ۱۰۲۴ هجری ونام استاد سازندهٔ بنا حسین شمّاعی ونام نویسنده صیرفی ذکرشده است. مهمترین تعمیرآن در زمان ناصرالدّین‌شاه درقسمت مقرنس‌کاری وتجدید کتیبهٔ سردر بعمل آمده بود که در سالهای اخیرهم بوسیلهٔ فرهنگ فارس ضمن تعمیرات ضروری دیگر کاملا مرمّت گردید وازسال۱۳۳۷ ببعدنیز تعمیرات مفصّل وفراوان توسّط اداره باستان‌شناسی فارس در قسمتهای ویران این بنای عظیم بجدیّت کامل صورت میگیرد. این اثـر

تاریخی در ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۷۵ درفهرست آثارملّی ایران به ثبت رسیده است .

۱۵ ـ مسجد نو

ازخیابان لطفعلیخان زند خیابان احمدی منشعب گشته بطرف جنوب میرود وپس از مسافتی مختصر به میدانی میرسد که یك سوی آن مسجد نووسوی دیگر بقعهٔ شاهچراغ واقعست . مسجدنوبنای بسیاروسیعی است که دارای صحنی بدرازای شرقی غربی ۲۰۰ متر وپهنای شمالی جنوبی ۱۰۰ مترمیباشد. یك ردیف درختان چنار کهن درجهت طول ودر میان صحن بهترین امتیاز آن بشمار میرود. دروسط جبههٔ جنوبی صحن ایوان بلندی‌است که شبستان مسجد باستونهای سنگی ومحراب در پشت آن قرار دارد. درجبههٔ شمالی هم ایوانی قرینهٔ ایوان جنوبی واقع است (ش ۱۲۱) آب خیرات معین‌الدّین ازنهر زیرزمینی کنار درختان چناروسه حوض درطول مسجد میگذرد وبه محلاّت شهر میرود. این مسجد را بنام مسجد اتابکی نیز میخوانند وازطرف اتابك سعدبن زنگی بین سالهای ۵۹۸ تا ۶۱۵ هجری بنیاد گردیده است وبنابگفتهٔ صاحب شیرازنامه ابتدا اندرون اتابك بود وبشکرانهٔ بهبودی دخترمنحصر بفردش آنرا به مسجد تبدیل نمود وبر اثر زلزله‌های متعدّد مانند سایرابنیهٔ شیراز ویرانی فراوانی یافته تعمیرات مکرّری در آن انجام گرفته است . یکبار در سال ۹۹۵ هجری خواجه سعدالدّین شیرازی ملقّب به شاهنوازخان آنراتعمیر کرده بعداً هم درزمان شاه سلطانحسین صفوی تعمیرمفصّلی در آن نموده‌اند. صادق خان زند در ۱۱۸۳ وحاجی میرزاعلی اکبرخان قوام‌الملك وفرزندش فتحعلیخان از ۱۲۷۱ تا ۱۳۰۱ آنرا تعمیر کرده‌اند وبرای آخرین بار بهمّت حاج باقربهبهانی بوسیلهٔ مرحوم معین الشّریعه واعظ اصطهباناتی تعمیر شده‌است که اشعارسردرنوساز آن نیزمربوط بهمین تعمیرمیباشد. بنای مسجد نودر ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۷۳ درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده‌است .

خانهٔ شیخ سعدی

شرح زیر درشمارهٔ دوّم مجلّهٔ **ایران آباد** (اردیبهشت ۱۳۳۹ـ صفحه ۳۲) ضمن مقاله‌ای بخامهٔ آقای محمّدعلی معیّری در موضوع خانهٔ شیخ سعدی مرقوم رفته است که مناسب میداند عیناً آنرا نقل‌نماید :

«...در کوچهٔ پشت مسجدنو خانهٔ کوچك قدیمی واقع است که به «خانهٔ سعدی» مشهورمیباشد . این خانه باتمام کوچکی، حال و گیرائی بخصوصی دارددو درطبقهٔ فوقانی دارای ایوانی‌باستونهای ظریف چوبی و آلت‌کاری است که خالی از روح شاعرانه نیست . دروسط حیاط کم وسعت خانه دوتنهٔ درخت کهنسال برهم پیچیده ویك جفت کبوترچاهی که گوئی خوی صحرائی را ازیادبرده‌اند بر شاخسار آن مأوا گزیده وبا ناله‌های عاشقانهٔ خود بخانهٔ خموش روحی مرموز میبخشند.»

نویسندهٔ محترم مقاله پس ازذکرمطلب بالا ضمن‌اشاره‌باینکه انتساب خانهٔ مزبوربه مسکن سعدی مدرك روشنی‌ندارد قرائنی مبنی‌براحتمال‌بیشتر صحّت‌این انتساب مذکورمیدارند وازحجرهٔ منسوب به شیخ‌اجلّ‌درمسجدنونیز یادمینمایند. درکتاب راهنمای آثارتاریخی‌شیراز تألیف‌آقای دکتربهمن کریمی (صفحه ۶۰) نیز نقل‌گردیده‌است که میگویندازقرارمذکوریکی‌ازگوشوارهای‌مجاور ایوان بزرگ جنوبی مسجد نومنزل شیخ سعدی بوده‌است.

۱۶ ـ شاه چراغ

مهمترین زیارتگاه‌شهرشیرازبقعهٔ میرسیّداحمدفرزندامام هفتم(ع)معروف بـه شاه چراغ است که نزدیك مسجدنوواقع میباشد . حضرت میرسیّداحمد(ع)در آغاز قرن سوّم هجری بشیرازآمد وهمانجاوفات یافت. در زمان اتابك ابوبکر سعدبن زنگی‌امیرمقرّب‌الدّین مسعودبدرالدّین وزیراین‌شهریاربقعه و گنبدی بر مزاروی ساخت واتابك نیز رواقی بـرآن افزود و سپس ملکه تـاش‌خاتون مادر شاه‌ابواسحق‌انجودرسالهای۷۴۵تا۷۵۰هجری تعمیرات‌اساسی‌درآن‌انجام‌داد وبقعه

و بارگاه ومدرسهٔ عالی ومدفنی برای خوددرجنوب آن ساخت وسی جزوقرآن نفیس منحصر بفرد باخطوط ثلث طلائی وتذهیب عالی رقم خطّاط معروف آنعهد یحیی جمالی صوفی مورخ به۷٤٥و۷٤٦رابر آن وقف نمود . ازابنیهٔ تاش خاتون چیزی باقی نیست لکن قرآنها محفوظ مانده در موزهٔ پارس نگاهداری میشود . در زمان سلطنت شاه اسمعیل اوّل بسال۹۱۲ متولیّ بقعه که نامش میرزاحبیب‌الله شریفی بود تعمیرات اساسی دراین بناانجام دادودر۹۹۷ براثرزلزله نیمی ازبنا منهدم گشت و تعمیرمجدّدیافت ودرقرن سیزدهم هجری چند بار خراب شد ومجدّداً تعمیر و ساختمان گردیدوفتحعلیشاه‌قاجاردر۱۲٤۳ضریحی برآن‌وقف‌نمود. براثرزلزلهٔسال ۱۲٦۹ بازخرابیهائی به‌بقعه‌واردآمدومرحوم‌محمّدناصرظهیرالدّوله آنراتعمیر کرد. این بیت‌رادربارهٔ گنبدشاه‌چراغ قبل‌ازخرابیهاوتجدیدساختمان آن‌نقل میمنایند :

نورمیبارد از این گنبد هفتاد ودوترك از در مسجد نوتا به درشاه‌چراغ

آخرین بارمرحوم‌نصیرالملك گنبدآنراتعمیرنمود ولکن‌بعلّت‌شکافهای‌متعدّدی درسال۱۳۳۷شمسی گنبدرا برچیده بجای‌آن‌باآهن‌ومصالح‌ساختمانی‌مناسب گنبد سبکتر قابل دوامی بهمان طرح وبهزینهٔ مردم شیرازساخته‌اند. بنای کنونی‌مشتمل برایوان‌اصلی‌درمشرق(ش۱۲۲)وحرم‌وسیع‌وشاه‌نشینهائی‌ازچهارجانب‌ومسجدی‌در جانب‌مغرب‌حرم واطاقها ومقبره‌های‌متعدّدمتّصل به‌بقعه است (ش۱۲۳) آئینه‌کاری ونوشته های گچبری وتزئینات ودرهای نقره ورواق وحرم وسیع این‌بقعه بسیار جالب توجّه بوده مرقد مطهّر درشاه‌نشین بین محوّطهٔ زیر گنبد ومسجد بالای سر امامزاده قراردارد و این سبك مرقد که در وسط محوّطهٔ زیر گنبد نباشد در زیارتگاههای معروف دیگر شیراز نیزمعمول بوده‌است واز اختصاصات قابل‌توجّه زیارتگاههای‌شهرشیرازبشمار میرود. دومنارهٔ کوتاه‌دردوانتهای‌ایوان‌زینت‌بخش بقعه‌بوده‌صحن‌وسیع ازسه جانب آنرا احاطه‌نموده‌است . بقعهٔ شاه چراغ درتاریخ ۲۰بهمن ۱۳۱۸ ذیل شمارهٔ ۳٦۳ درفهرست‌آثارتاریخی بثبت رسیده‌است .

۱۷ ـ بقعهٔ سید میرمحمد

ازجانب شرقی صحن شاه‌چراغ معبرآبادو کوتاهی‌بصحن زیارتگاه‌دیگری

میرود که بنام سیدمیرمحمّد خوانده میشود وصاحب مرقد را برادر سیّدمیراحمد (شاه‌چراغ)میشناسند . مدخل این بقعه از سمت جنوب مزیّن بکاشیکاری است (ش١٢٤) ودرون‌بقعه مشتمل‌برحرم‌سادهٔ وسیعی‌میباشد که مرقدمطهّر درشاه‌نشین شمالی‌آن قرار دارد (ش١٢٥) ومسجدی‌بی‌پیرایه قرینهٔحرم درسوی دیگر مرقد واقعست. ضریح آن خاتمکاریهای‌زیبای عهدزندیّه را دربرداردوپشت ضریح‌مرقد منسوب به امامزاده ابراهیم از اولاد امام هفتم (ع) واقع گردیده هر دو ضریح بیکدیگر متصل‌میباشد. گنبدکاشی به سبک گنبدهای‌دیگری که درعهد قاجاریّه بربقاع متبرّك شیراز ساخته‌اند دارای بدنهٔ باریک وبرآمدگی زیاد در قسمت پائین گنبد است (ش١٢٤) بنای‌اصلی ازآثار قرن دهم‌هجری بنظر میرسد که در دوران زندیّه وقاجاریّه هم در تزیین وتعمیرآن کوشیده‌اند .

١٨ ـ مسجدجامع عتیق

چون از صحن بقعهٔ سیّدمیرمحمّد بجانب مشرق بیرون شوند درانتهای‌بازار قدیمی شیراز معروف ببازارحاجی‌سردرمیآورند. باطیّ مسافت‌مختصری‌بازارخاتمه یافته بمسجدجامع شیرازمیرسند. مسجدمزبور کهن‌سال‌ترین بناهای شیرازاست وبنابگفتهٔاغلب مورّخین‌موقعی که عمرولیث صفّاری درسال ٢٨١هـ (٨٩٤مسیحی) مشغول‌آماده کردن‌لشگریان‌خودجهت جنگ‌باخلیفه بوده دست‌بکارساختن‌مسجد جامع گردیده‌است . ازآن‌پس مانندتمام ابنیهٔ قدیمی شیرازبر اثر زلزله وسوانح دیگر ویرانی‌یافته دستخوش تغییر وتبدیل‌زیادگردیده است . درحال‌حاضروضع کلّی مسجدجامع‌بدینقرار است که سردراصلی وبزرگتر آن ازجانب شمال قرار دارد وکتیبهٔ این سردرحکایت‌از تجدید ساختمان مسجد در زمان‌شاه عبّاس کبیر بهزینهٔ امامقلیخان والی فارس‌توسّطامین‌الملک بسال١٠٣١مینماید. چون داخل مسجدشوند قسمت قدیمی مهمتری که بنظر میرسدبنای خداخانه یا بیت‌المصحف است که دروسط صحن مسجد قرار دارد وآنرابفرمان شاه‌ابوسحق‌انجو ساخته‌اند (ش١٢٦) کتیبهٔ معرّق منحصر بفردی بربالای خدا خانه دیده میشود که از

تخته‌سنگهای منظّم‌ترکیب یافته خطوط کتیبه را در سنگ بطور برجسته تراشیده باقی‌سنگ را کمی گودنموده‌اندو بوسیلهٔ کاشیهای‌معرّق قسمتهای گودراپر کرده‌اند واینگونه هنر نمائــی در بنا های دیگر ایران سراغ نمیرود . کتیبهٔ‌مزبور بخطّ یحیی‌الجمالی الصّوفی‌خوشنویس معروف‌زمان شاه‌ابواسحق ومورّخ به ۷۵۲هجری بوده مشتمل برخطبهٔ است که نام‌شیخ ابو اسحق وجهلاتی در شأن قرآن کریم را درآن ذکر کرده‌اند. بنای خداخانه‌هم‌مانندسایرقسمتهای مسجدجامع‌خراب‌شده وقسمتهائی ازآن باقی‌بود . از سال ۱۳۱۴ شمسی برائر علاقهٔ شادروان سرلشکر ریاضی رئیس فرهنگ فارس مرمّت آن آغاز گردید و استاد عزیز صرافت معمار لایق‌شیرازی درتجدید ساختمان‌ودرك نکات فنّی معماری اصلی‌آن مهارت فراوان بخرج داد و کتیبهٔ سابق الذّکر نیز بوسیلهٔ دانشمند محترم آقـای واجد معلوم و تکمیل گردید ودر چند سال اخیر با جدیّت مخصوص آقای پیرزاده متصّدی‌سابق امور ابنیهٔ تاریخی شیراز متدرّجاً باکمال دّقت‌واستادی تعمیرات‌آن ادامه‌داشت واکنون نیز اداره بـاستان شناسی فارس تعمیرات آنرا انجام میدهد واخیراً هم کتابخانهٔ جدید مسجد جامع را بنحو نیکوئی درآن دایر نموده اند .

علاوه بر قسمت خدا خانه شبستان جنوبی مسجد هم از آثار قدیمی است و قسمتی که پایه هـا وطاقهای سنگی آن موجود میباشد کم و بیش از قدیمیترین آثاراین مسجدبرجای مانده وضع اوّلیهٔ‌آنرا تاحدّ زیادی معلوم مینماید . ایوان شرقی مسجد در ۱۰۳۴هجری یعنی زمان شاه عبّاس کبیر ساخته شده ومانندسایر جوانب‌مسجد بعداً منهدم گردیده‌بود واخیراً آنرا مجدّداً ساخته‌اند. درقسمتهای دیگر مسجد نیزتاریخهای مختلف‌عهد صفویّه‌موجود است که از تعمیرات فراوان بنا درآن عهد حکایت میکند .

ضمن تعمیراتی که بهمّت‌مردم شیرازاز سال۱۳۲۱شمسی ببعد در این‌مسجد انجام گرفت ویرانه های باقیماندهٔ مسجد قدیمی را در بسیاری قسمتها برخلاف مصلحت چنین اثر باستانی از میان بردند وقسمتهای زیادی از آنرا بصورت‌نوساز در آوردند .

از سردرهای شرقی وغربی مسجد بطرف محلاّت قدیمی شیراز میروندودر سردر نزدیك گوشهٔ جنوب غربی مسجد نمونهٔ عالی نوعی تزیینات طاق معروف به یزدی بندی با کتیبهٔ کاشی معرّق زیبائی دیده میشود که اصل آن مربوط بدوران صفویّه بوده چندسال پیش از طرف فرهنگ فارس بنحوشایسته تعمیر گردیده است.

در مجاورت سردر شمالی مسجد وجلوخان آنجا مسجد قدیمی دیگری بنام مسجد طبّالیان وجود دارد که از نظر معماری وهنری مهم بنظر نمیرسد.

۱۹ - آستانهٔ سید علاءالدین

زیارتگاه مهمّ دیگر شهر تاریخی شیراز بقعهٔ سیّد علاءالدّین است که از مسجد جامع با پیمودن چند کوچه وپیچ وخمهای مختلف (روبجنوب ومشرق) بـآن میرسند واز خیابان دورشهر نزدیك دروازهٔ قصّابخانه که گوشهٔ جنوب شرقی شیراز باشد آسانتر میتوان بدانجا رفت. این بقعه مدفن سیّد علاءالدّین است که او را هم از فرزندان امام هفتم (ع) وبرادر دیگر سیّدمیر احمد (شاه‌چراغ) شناخته‌اند. بنای مرتفعی با گنبد بلندی برفراز آن بصورتی منفرد جلب نظر مینماید(ش۱۲۷) مدخل اصلی آن از جانب جنوب است که بوسیلهٔ صحن کوچکی بـاخارج مربوط میگردد. در جانب غرب آن محوّطهٔ نسبتاً وسیعی است که قبرستان قدیمی بوده اکنون صحن غربی بقعه بشمارمیرود. درون بقعه مشتمل برحرم بلند آئینه‌کاری درزیر گنبد است که مرقدمطهّرمانند زیارتگاههای دیگر شیراز در شاه‌نشین کنار آن (برجانب شمال) قرار دارد ومسجد قرینهٔ حرم درپشت ضریح واقعست.

بنای اصلی بقعه بوسیلهٔ قتلغ خان که ظاهراً درعهد مغول وتیموری یعنی اواخر قرن هشتم یااوائل قرن نهم والی شیراز بوده وبوستانی درمحلّ فعلی بقعه داشته، براثر ظاهر گشتن مزار متبرّك ساخته شده است. کتیبهٔ بالای حرم مورّخ به۹۴۳هجری بخطّ ثلث بوده نام نویسندهٔ آن سیاوش است وشعری هم بربالای درحرم بشرح زیر خوانده میشود:

این بنا کز دولت سلطان خلیل آمدپدید سال تـاریخش بجو از (خیر بـاقی) والسّلام

از کلمهٔ خیر رقم ۸۱۰ واز کلمهٔ باقی رقم ۱۱۳ بر میآید وبدینقرار ساختمان

بقعهٔ کنونی درسال ۹۲۳ صورت گرفته است.

سلطان خلیل مذکور درشعر فوق خلیل سلطان ذوالقدر است که دردوران سلطنت شاه اسمعیل اوّل صفوی مدّت پانزده سال از ۹۱۱ تا ۹۲۶ برفارس حکومت داشت وبرطبق آنچه درفارس نـامهٔ ناصری (۱) مرقوم رفته است بعلّت تقصیری که درجنگ چالدران ازاوسرزده بوددرسال ۹۲۶ بفرمان شاه‌اسمعیل‌بقتل‌رسید.

سال‌تاریخ ۹۴۳ مذکور درپایان کتیبهٔ بالای‌حرم(درزیر گنبد)میرساند که درزمان شاه‌طهماسب اوّل‌هم‌کارهای تکمیلی‌بقعهٔ مزبور انجام پذیرفته است. براثر سستی زمین بقعه وزلزله‌های شیراز خرابی زیاد باین بنا واردآمده گنبدآن که آخرین‌بار بوسیلهٔ‌مرحوم میرزا ابوالحسن مشیرالملك تجدیدشده بوداز یکطرف فرو مینشست ورو بانهدام میرفت وباوجود تعمیرات ومحکم کاریهای زیـادی که بوسیلهٔ مرحوم سرلشکر ریاضی رئیس فرهنگ اسبق فارس وپس‌ازآن بعمل‌آمد خطر انهدام روز افزون‌بودتااینکه درسال ۱۳۲۹ گنبدآن ازطرف ادارهٔ‌فرهنگ فارس‌برداشته‌شدو گنبد سبکی‌بااستخوان‌بندی‌آهنین(ازمحلّ‌درآمدهای‌آستانه) تهیّه و درسال ۱۳۳۱ نصب گردید و بوسیلهٔ آجروکاشی درظرف چند سال بوضع وهیئت اوّلیّه تجدید گشت. بقعهٔ سید علاءالدّین در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ ذیل شمارهٔ ۳۰۷ در فهرست‌آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است.

۳۰ ــ آبش خاتون یا خاتون قیامت

در کنار شهر شیراز مجاورمحلّ معروف به دروازهٔ قصّابخانه قسمتی ازبنای نیمه ویران بنام آبش خاتون موجود است که روزگاری بنای بلند و مجلّلی بوده بر اثر عدم استحکام بنا وبکاربردن چوبهای زیاد درآن وزلزله‌های متعدّد شیراز منهدم گردیده باقیماندهٔ آنهم درشرف فرو ریختن بود وچندسال‌قبل بوسیلهٔ‌ادارهٔ فرهنگ تاحدّ مناسب تعمیر ومستحکم گشت‌وبعضی قسمتها که‌باعث انهدام بیشتر آثار موجودمیگردید ازبالای دیوارهابرداشته‌شد. در بارهٔ این بنا مطالب‌مختلف

(۱) تألیف حاج میرزا حسن خان فسائی چاپ تهران ۱۳۱۳ قمری صفحه ۹۸

نگاشته‌اند آنچه میتوان مقرون بصحت دانست اینست که ملکه آبش خاتون آخرین پادشاه اتابکان فارس همسر منکو تیمور قاآن پسر یازدهم هلاکو بود و۲۲ سال پادشاهی کرد وزندگانی شاهانهٔ خود را گاه در شیراز و گاه درتبریز میگذرانید ودختری بنام شاهزاده کردوچین از منکو تیمور قاآن پیدا کرد وپس از اینکه بسال ۶۸۵ یا ۶۸۷ هجری آبش خاتون در محلهٔ چرنداب تبریز در گذشت جسد او را برسم مغول درهمان شهر بخاك سپردندوپس ازچندی بدستور دخترش جسدرا بشیراز آوردند ودر مکان فعلی دفن نمودند و مقبره‌ای درآنجا بنا نهادند وباغ ومتعلقات دیگری هم گرد آن ترتیب دادند که اکنون از کلیهٔ آن آثار بنای نیمه‌ویران مختصر کنونی بجای مانده است. بنای فعلی مشتمل برقسمتی از بنای آجری قدیمی بصورت مستطیل است که درون آن مقبره واقع شده شاه‌نشین‌های شمالی‌وشرقی وغربی‌تاحدی نمودارمانده سقف‌آن فرو ریخته است وديوار آجری باازارهٔ سنگی وقسمتهائی از کتیبهٔ معرّق کاشیکاری که از آثارعهدصفوی دربنای مزبورمیباشددرخارج آن‌باقی مانده است. (ش۱۲۸) قسمتهائی ازکاشیکاری ازارهٔ داخل بنا هم در موزهٔ پارس نگهداری میشود. خرابه های آبش خاتون در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ذیل‌شمارهٔ ۷۶ درفهرست‌آثار ملّی ایران به ثبت‌رسیده است.

مقبرهٔ شاه داعی‌الی‌الله و بزرگان دیگر

علاوه‌برزیارتگاههای مذکور درصفحات گذشته زیارتگاههای دیگری هم درشیرازهست که ابنیهٔ آنها از لحاظ ارزش تاریخی وهنری چندان اهمیّت‌ندارد وهمچنین آرامگاههای متعدّد بزرگان درداخل یاکنار شهر وجود دارد که‌یکی ازمهمترین آنهامقبرهٔ‌سید نظام‌الدّین‌محمودملقّب‌به‌شاه‌داعی‌الی‌الله‌ازعرفاوحکمای معروف شیراز درقرن نهم (متوفی‌در ۸۷۰هجری است) که‌درخارج قسمت‌جنوب شیرازکنار گورستان‌معروف دارالسّلم(که عموماً بنام‌دارالسّلام گفته‌میشود)واقع میباشد وبنائی‌ازعهد کریمخان‌زندبرمزاراووفرزندش‌سیّدقاسم‌ونوه‌اش موجودبوده سنگ قبربزرگ‌خوش‌طرحی‌نیزازهمان‌زمان‌برمزاراونهاده‌اند که کتیبهٔ تاریخی

بدینقرار برلوحه‌ای درپائین آن بخطّ ثلث برجسته مرقوم است .

«لقد اشرق وجه‌الارض بنور وجود قطب المحقّقین وسند الموحّدین الدّاعی الی‌الله قدّس‌الله سرّه نظاماً لقلب الارشاد نظام الدّین محمود الحسینی یوم الخمیس الثّانی والعشرین من جمادی الاولی سنة سبعین وثمان مائه ۸۷۰» (۱)

از سه سال پیش بهمّت مردم نیکوکار شیراز شروع به‌ساختمان تالار وسیعی درجلو مقبرهٔ شاه داعی الی الله کرده‌اند و انجمن آثار ملّی نیز در این نیّت خیر کمك شایان نموده است .

آرامگاه سیبویه‌در کوچهٔ‌سنگ سیاه (نزدیك دروازهٔ‌کازرن) و مقبرهٔ شیخ کبیر ابوعبدالله محمّدبن‌خفیف از بزرگان قرن چهارم هجری‌در کوچهٔ‌پشت دبیرستان شاهپور (مجاور بازار وکیل) و مزار شیخ ابومحمّد روز بهان عارف معروف قرن ششم هجری در گذر درب شیخ نزدیك خیابان لطفعلیخان زند (قسمت محاذی دیوانخانهٔ قوام) (۲) و قبرشیخ ابوسعد ابن الهیثم دربقعهٔ معروف به علمدار (درحوالی بین‌مسجد جمعه و محلّهٔ لب آب) و گورستان باخاکستان شیرویه درحول وحوش گود موتابها(که آقای‌رحمت‌الله ناتوان بازرس سابق‌ادارهٔ باستان شناسی فارس درسال ۱۳۳۷ محلّ آنرا کشف نمود ودو سنگ قبرتاریخی متعلّق بـه شیخ عماد الدّین محمود وحسین بوشگانی را درآنجا بدست آورد) و تکیهٔ موسوم به‌سیّد میرآخور که مدفن‌مولاناشمس‌الدّین محمّد کیشی بوده است وبقعهٔ امیر اصیل الدّین عبدالله ابن علی‌علوی وپسرش امیر ناصرالدّین (در کوچهٔ لشگری نزدیك باغچهٔ منصوریّه) ومقبرهٔ شیخ ابو ذرعه (کنارفلکهٔ انتهای‌خیابان لطفعلیخان زند که آنرا فلکهٔ شیخ ابوذرعه‌نامیده اند) در شهر تاریخی شیراز

(۱) کتیبهٔ فوق راآقای علی اکبربصیری رئیس کتابخانهٔ ملی‌فارس باهمکاری آقای علی‌سامی خوانده‌اندودراختیار اینجانب گذارده شده است .

(۲) ازطرف انجمن آثارملی‌درسالهای اخیرنسبت بتعمیرآرامگاههای‌شیخ کبیر وشیخ‌روزبهان نیز بذل همت گردیده بوسیلهٔ اداره باستانشناسی فارس بنحواساسی مرمت و تعمیر شده است . ضمناً علاقه‌مندان باطلاع بیشتر دربارهٔ دوآرامگاه‌اخیرالذکر میتوانند به کتاب شیرازتألیف آقای‌علی‌سامی چاپ شیراز ۱۳۳۷ شمسی صفحات ۱۸۷ تا ۱۹٤ که حاوی توضیحات کافی نسبت باین دو بنا وبزرگان نامبرده است مراجعه فرمایند .

وجود دارد[۱] وبطوراختصارهمانطور که سراسر کوهستان شمال شیراز جایگاه عبادت و آرامگاه بزرگان دین بوده است درشهر شیرازهم از اینگونه مردان خدابسیار میزیسته‌اند و بشرحی که شیخ سعدی علیه الرّحمه فرموده‌است :

هزار پیرو‌ولی‌خفته‌اند درشیراز که کعبه‌برسرایشان‌همی کندپرواز

وطبعاً شرح اینگونه آثار دور ازهدف این کتاب است لذا بیش ازآنچه گذشت دراین باره توضیحی نداده بذکر آثار تاریخی دیگرشیراز میپردازد :

۳۱ ـ کلیسای ارامنه

طبق نوشتهٔ آقای‌هایك عجمیان‌دانشمند ومحقّق عالیقدرارمنی ایرانی سابقهٔ اقامت ارامنه درشیرازحدّ اقلّ به‌قرن‌نهم هجری میرسد[۲]بنا براین وجودکلیسای تاریخی در شیراز امری طبیعی بنظر میرسد .

در کوی معروف به « سرجوی ارمنیها » که بمسافت کمی‌ازخیابان قاآنی‌در کوچه‌های جانب شرقی‌خیابان مزبور واقعست‌کلیسائی‌بانقّاشیهای‌اصیل عهدصفویّه‌و سبك ساختمان‌شیوای‌آن‌دوران‌محفوظ میباشد(ش۱۲۹و۱۳۰)وطبق آنچه‌در کتاب شیراز[۳]مرقوم رفته است درزمان شاه عبّاس دوّم صفوی‌آنراساخته‌اندوبهرصورت ازابنیهٔ تاریخی نفیس وجالب شیراز بشمار میرود . سقف نقّاشی تالار اصلی کلیسا (ش ۱۳۱تا ۱۳٤) وطاقچه‌بندی ومقرنس کاری‌های گچی درحاشیهٔ وسط دیوارآن از آثار هنری دوران صفوی بوده سنگهای قبور شخصیّتهای مسیحی از جمله سنگ قبری بنام داوود ردل [٤] افسر انگلیسی‌فوج هندوستان اعزامی بمأموریّت

(۱) اطلاعات راجع‌بمدفن‌چندنفرعرفای‌اخیرالذکراز گزارشهای سال ۱۳۳۷ آقای‌رحمت‌الله ناتوان‌کارمندسابق‌ادارهٔ‌باستان شناسی‌فارس که‌توسط ادارهٔ مزبوربه‌ادارهٔ کل باستان شناسی‌ارسال گشته استفاده شده است .

(۲) مقالهٔ ارامنه درشیراز اثرهایك عجمیان ـ چاپ طهران ۱۹۵۸ میلادی .

(۳) تألیف آقای علی‌سامی ـ چاپ شیراز ـ بهمن۱۳۳۷.

(٤) D . Ruddel

ایران ومتوفیّ در سال ۱۸۳۵ مسیحی بر دیوار های کلیسا نصب است . (۱)

۲۲ ـ ابنیهٔ تاریخی مهمتر دوران قاجاریه

از دوران قاجاریّه آثار قابل توجّهی در شیراز هست که اجمالا بشرح زیر معرفی میشود :

دیوانخانه

حیاط بزرگ وعمارت زیبای دیوانخانهٔ قوام الملکی (ش ۱۳۶) در کنار خیابان لطفعلیخان زند واقع است کاشیکاری و آئینه کاریهای عالی زیبا دارد و تصویر محمّدرضاخان قوام الملك سوّم نیای جناب آقای ابراهیم قوام را برمرمرهای زیبای بخاری دیواری شاه نشین ایوان بزرگ آن با کمال ظرافت حجّاری نموده اند ، جبههٔ داخلی سردرورودی صحن مزیّن به کاشیهائی دارای نقوش خدمتگزاران دورهٔ زندیّه شبیه تصاویر بالای سردر داخلی ارگ کریمخانی است . (ش ۱۳۷) عمارت دیوانخانه بوسیلهٔ جناب آقای ابراهیم قوام تعمیر گردیده و برای محلّ موزه ومرکز هنری شهرام در نظر گرفته شده قرار است در آنجا آثارهنری مناسب جمع آوری و برای عموم مورد استفادهٔ شایسته واقع گردد .

در مجاورت دیوانخانه ، عمارت اندرونـی قوام الملکی است که تالار آئینهٔ آن با اطاقهای نقّاشی و گچبری متعدّد از بهترین نمونه های هنرهای ظریف عهد قاجاریّه بشمار میرود، تاریخ ۱۲۹۵ در یکی از اطاقهای شمالی گچبری شده وامضای

(۱) ـ کلیسای مهم دیگری در شیراز هست که بنای آن قدیمی نیست ولی تزیینات عهد قاجاریه بـا سلیقهٔ فراوان درآن بکاررفته است و آقای شارپ بانی وسر پرست کلیسای مزبور که عالم روحانی وباستان شناس عالیقدرانگلیسی هستند براثرعلاقهٔ بآثارهنری درتزیین نمازخانهٔ این کلیسا ازآثـار هنری مختلف ایران کوشیده اند وتصویر کوچکی ازنمازخانه مزبوردرشکل ۱۳۵ نموده شده است .

ضمناً طبق آنچه درکتاب شیراز سـابق الذکر (صفحات ۱۱۷و۱۱۸) مذکور است علاوه بر کلیساهـای نامبرده « دو کلیسای دیگر درفارس موجود میباشد یکی کلیسای تجلیل مسیح در قلات (۳٤ کیلومتری مغرب شیراز) و دیگر کلیسای ظهور مسیح در بوشهر که نمونهٔ خوبی از صنعت معماری ایران است ، تمام پنجره های آن کلیسا نیزدارای شیشه های الوان ایرانـی کـه با دست کارگذارده شده است میباشد » .

استاد هنرمند آن درپیشانی بخاری تالار بزرگ با آئینه چنین مرقوم رفته است: «چاکردرگاه ابوالقاسم آئینه بر شیرازی ۱۳۰۲ » .

حسینیهٔ قوام

حسینیّهٔ قوام الملکی هم درجانب دیگر خیابان لطفعلیخان زند نزدیك دیوانخانهٔ قوام قرار دارد که مشتمل بر حیاط متناسبی باایوانها وغرفه‌های مزیّن به کاشی و گچبری بوده معاصر با دوبنای سابق الذّکر میباشد وادارهٔ اوقاف فارس درچند سال پیش تعمیرات صحیح واساسی در آن انجام داده اند .

مسجد نصیر الملك

بنای زیبای دیگر دوران قاجاریّه مسجد نصیر الملك واقع در محلّهٔ گودعربان است که درجنوب خیابان لطفعلیخان زندواقع گشته است ومسافت زیادی بادیوانخانهٔ قوام الملکی ندارد . در مسجد نصیر الملك کاشیکاری وستونهای سنگی شبیه مسجدوکیل بکاررفته اقتباسات قابل تحسینی از بنای تاریخی مزبور نموده‌اند، در دهلیز شمالی آن نام معمار (کمترین محمّد حسن) ضمن کتیبهٔ نستعلیق که بیت معروف : «غرض نقشی . . .» را در بر دارد خوانده میشود وتاریخ بنای مسجد از ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۵ ذکر گشته است . این مسجد در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳٤ ذیل شمارهٔ ۳۹٦ در فهرست آثار تاریخی ایران ثبت گردیده است .

حسینیهٔ مشیر

حسینیّهٔ مشیر که باگذشتن کوچهٔ کوتاهی از وسط جانب شرقی خیابان قاآنی میتوان بآنجارفت نمونهٔ زیبای دیگراز آثاردورهٔ قاجاریّه درشهرشیراز بشمار میرود . (ش ۱۳۸) این بنا اکنون محلّ دبیرستان سلطانی موقوفهٔ بانوی نیکوکاری است که دبیرستان مزبور منتسب باو میباشد . درغرفه‌های مختلف ایوان بزرگ جانب شمال اشعار مناسب باتعزیه داری ومربوط بااحداث این بنای مذهبی مرقوم رفته است . ممتاز ترین اثر تاریخی آن کاشیکاری پیشانی بالای ایوان بزرگ است که صحنهٔ کربلا را با رنگ آمیزی بسیار دلپسندی که منحصر باستادان هنرمند

شیراز بوده است بر خشتهای آن نقش نموده اند (ش ۱۳۹).

مسجد مشیر

مسجدمشیر نزدیك حسینیهٔ مشیرواقع است وکاشیهای ممتازومقرنس کاریهای عالی وشبستانی باستونهای سنگ یك پارچهٔ جالب توجّه دارد وسال تاریخهای ۱۲۶۶ در ایوان غربی و۱۲۷۵ در پیشانی ایوان شرقی آن خوانده میشود.

گنبدهای کاشیکاری وابنیهٔ متبرّك دیگر که آثار عهد قاجاریّه را دربردارد نیز در شیراز هست که ذکر آنها با اختصاری که در این کتاب باید رعایت‌نمود مورد پیدا نمیکند.

۲۳ـ باغهای معروف شیراز

شهر شیراز از قدیم الایّام بداشتن باغهای زیبا ومصفّا شهرت داشته که باغ موزهٔ پارس یاباغ نظر هم ازجملهٔ آنها بوده‌است واکنون نیز معدودی ازباغهای وسیع قدیمی‌در کنار یاخارج شهرباقی‌است که مهمترین آنها رامذکور میدارد:

باغ جهان نما

در کنار خیابان‌دروازهٔ قرآن باغی‌بنام جهان نما ازآثار دوران کریمخان زندوجود دارد که دیوارآجری بانمای سادهٔ آن از خارج بصورت اصلی نمایانست ودرون‌آن عمارتی نظیر عمارت کلاه فرنگی (موزهٔ پارس) باچهار حوض‌ومحوّطهٔ وسیع باغی شبیه باغ موزهٔ پارس دیده میشود وروبهمرفته بصورت متروك بدون تعمیر ومراقبت‌باقی مانده‌از نظرطرح باغ وعمارت وحوض همانندباغ نظرمیباشد.

باغ تخت

این باغ‌در شمال‌شهرپائین کوهسارنزدیك‌باباکوهی ومحلّ‌قسمتی‌ازپادگان شیراز است، اساس اولیّهٔ‌عمارتی در محلّ آن درسال ۴۸۰ شیرازی بوسیلهٔ اتابك قراچه گذارده شد وبنام تخت قراچه موسوم گشت بعداً آقا محمّد خان قاجار در

۱۲۰۸ هجری و محمّدشاه قاجار در ۱۲۶۰ هجری بنای جدید و محوّطه‌های مسطّح آنرا که تخت قاجار نامیده شد احداث نمودند وحوضها و فوّاره‌ها وحمّام ومستحدثات عالی داشت (ش ۱۴۰) که تماماً ازمیان رفته‌است و اکنون قسمتی ازمحلّ آن بصورت محوّطه های مسطّح که در دامان کوه بصورت طبقات متعدّد خود نمائی میکند با ابنیه‌أی که از طرف ارتش تجدید یا بنیاد شده است مورد استفادهٔ قسمتی از پادگان فارس بوده ازنظر آثار تاریخی وهنری حائز اهمّیّتی نیست .

پارك سعدی

روبروی باغ جهان‌نما باغ مصفّائی باعمارت قدیمی از آثار حسینعلی میرزا فرزند فتحعلی‌شاه قاجار وجود دارد که حوض بزرگ آب وحجّاریهای ازارهٔ جلوعمارت بصورت قدیم حفظ شده داخل عمارت تغییراتی فراخور احتیاجات بعدی یافته از چند سال پیش‌هم محلّ مهمانخانهٔ آبرومند پارك سعدی گردیده است . باغ کنونی پارك سعدی قسمت کوچکی از باغ اصلی قدیمی میباشد .

باغ دلگشا

در شمال شرقی شیراز کنار راه آرامگاه سعدی باغ بانزهتی با درختان مرکّبات وحوض بزرگ و آبشار های متعدّد وعمارت مجلّلی قرار دارد که از آثار اجدادی خاندان قوام است واز آب قنات بندر که آب سعدی نام دارد مشروب میشود . احداث باغ در ۱۲۰۵ هجری بوسیلهٔ حاج ابراهیمخان اعتماد الدّوله صورت گرفته در ۱۲۳۶ شاهزاده رضاقلی میرزا نایب الایاله آنراخریداری ومرمّت نمود وعمارت کلاه فرنگی را درآنجا ساخت‌وپس از سی سال حاج میرزا علی‌اکبر قوام الملك اطراف آنرا دیواری کشید وضمن تعمیر عمارت ایوان مجلّلی برآن افزودواز آن پس درخاندان قوام باقی مانده‌از آن بخوبی نگهداری میکنند (ش ۱۴۱)

باغ ارم

بمسافت کمتر از یك کیلو متری شمال‌غربی شیراز درجانب شمالی‌رودخانه خشك که حدّ شمالی طبیعی شهرمحسوب میگردد باغ وسیعی با درختان سرو

فراوان وعمارت مجلّل و تالار آئینه کاری وحوض آب زیبائی وجود دارد که از معروفترین باغهای شیراز است وباغ ارم نام دارد واز آثار دوران ناصرالدّینشاه قاجار بشمار میرود، در میان درختان سرو آن(ش ۱٤۲) سرو بلند قامت بسیار موزونی مخصوصاً بسیار جلب توجّه میکند که آنرا سروناز میخوانند ونظیر آن در کشور ایران سراغ نمیرود .

باغ خلیلی

در جانب مغرب خارج شهر شیراز نزدیك خیابان قصر الدّشت باغ زیبائی پراز گلها ودرختان گوناگون وجود دارد که به سرمایه و همّت و سلیقهٔ آقای محمّدخلیل خلیلی ایجادشده بوته‌های درخت و گلهای آنرا از کشورهای دوردست آسیا واروپا آورده از هوا و آب ولطافت موقع در کنار شهر شیراز استفاده نموده اندو نزهتگاه بدیعی بوجود آورده‌اندو با کمال گشاده‌روئی هم آنرا بروی بازدید کنندگان ایرانی وخارجی باز گذارده اند .

باغ عفیف آباد یا باغ گلشن

این باغ بمسافت تقریبی دو کیلو متری مغرب شیراز درجنوب خیابان قصرالدّشت واقع گردیده باسلیقهٔ مخصوصی درختان سرو وچنار وصنوبر وکاج و بید وعرعر در آن غرس نموده اند وعمارت مجلّلی بازیر زمینهای وسیع کاشیکاری وازاره‌های سنگی دارای نقوش برجستهٔ سربازان وتالارها واطاقهای متعدّد در آن ساخته‌اند، این باغ هم از جملهٔ آثار خاندان قوام شیرازی بوده بانی اولیّهٔ آن میرزا علیمحمّد خان قوام‌الملك دوّم است که در ۱۲۸٤ هجری شروع باحداث آن نمود وقنات لیمك راکه در قصر قمشه بمسافت قریب ۱۵ کیلو متری آنجا بود خریداری کرد وبرای مشروب ساختن باغ اختصاص داد وبه بعضی محلاّت شیراز نیز وقف نمود .

قسمت دوم - آثار تاریخی بیرون شهر شیراز

غیر از باغها و ابنیهٔ خارج شهر شیراز که در تلو صفحات سابق ذکر آن گذشت چند اثر تاریخی در نزدیك شهر شیراز واقع است که بعلّت نزدیکی آنها بشهر مناسبتر دیدتوضیحات مربوط بآنهاراهم دراینموردذکرنماید، این آثارشامل قصر ابونصر وبرم دلك در جانب مشرق و نقش بهرام در گـوُیم و آثار تاریخی مسجدبردی درسمت مغرب وبقعهٔ پیربناب درقسمت جنوب غربیخارج شهرشیراز میباشد.

قصر ابونصر (یا تخت ابو نصر)

بمسافت شش کیلو متری در مشرق شیراز بر بالای تپّه بقایای ابنیه وحصار سنگی ودیوار های آجری وساختمانهای خشتی وآستانه های سنگی فرو افتاده‌و چند قطعه نقوش بر جسته از نوع نقـوش تخت جمشید دیـده میشود. از نقوش برجسته وآستانه‌های سنگی عهدهخامنشی فقط یك‌آستانه برسرپامانده (ت‌ص۱۴۳) نقش خدمتگزاری که ظرفی دردست دارد بردیواره های‌آن‌حجّاری گردیده‌است وبعقیدهٔ برخی دانشمندان قطعات مزبور را ازتخت جمشیدبمحلّفوق‌الذّکرآورده مورد استفادهٔ مجدّد قرار داده اند ولی این عقیده صحیح نیست ودر قصر ابو نصر بنای اصلی‌ازدوران‌هخامنشیان‌وجودداشته‌است (۱) در سالهای۱۳۱۱ تا۱۳۱۳شمسی از طرف هیئت علمی موزهٔ متروپولیتن نیویورك کاوشهـای علمی در آنجـا صورت گرفت ونمونه های سفال وقطعات ظروف سنگی عهد هخامنشی باسکّه ها وآثـار دیگری از عهد سلوکی واشکانی وساسانی کشف گردیـد و رویهمرفته معلوم شد در عهد اشکانیان بنای مستحکم محصوری در آنجا احداث نموده اند و در زمان

(۱) ـ درچند صفحه‌بعدضمن‌معرفی‌آثارتاریخی‌فرمشگان دراین‌باره توضیح‌بیشترداده میشود.

ساسانیان هم مورد استفادهٔ کامل بوده است واحتمال میرود پیش از دوران اسلام که قلعه های چندی در حول وحوش محلّ کنونی شهر شیراز بجـای شهر شیراز فعلی وجود داشت درمحلّ قصر ابونصر نیز یکی ازمهمترین قلعه‌های مزبور بصورت آباد ودائر موجود بوده است . نام قصر ابو نصر یـا تخت ابو نصر چندان قدیمی نیست ونام قدیمتر این محلّ تخت سلیمان بوده ذیل همین‌نام در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۱۰ بشمارهٔ ۱۳ در فهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است . محوّطهٔ پائین ومجاور قصر ابونصر را بنام دشت خضر میخوانند وبقاعی هم در آنجا وجوددارد.

برم ِدلْك

دنبالهٔ راهی که ازشیراز به‌تخت ابونصرمیرود بمسافت شش کیلومتردورتر از تخت ابونصر بمحلّ مصفّائی میرسند که بیشه زاروچشمه ساراست و بقعه‌آی‌بنام امامزاده ابراهیم نزدیك آن وجود دارد . برصخرهٔ کوهستان کنار چشمه و بیشهٔ مزبورسه مجلس حجّاری عهد ساسانی‌دیده میشود . مجلس بزرگتر صورت مردی را نشـان میدهد کـه گلی دردست دارد و آنرا بطرف زنی گرفته است و زن نیز دستهای خویش را بجانب مرد دراز نموده است و اشتباه حجّاری هم درآن وجود دارد . مجلس وسطی نقش برجسته أیست که احتمـال میرود صورت بهرام پنجم باشد . مجلس سوّم تصویرجوانی را با موهای انبوه و کـلاه بلند نمدی مینمایاند. رویهمرفته نقوش‌مزبور ازحجّاریهای برجستهٔعهدساسانی‌نیست وازکارهای غیرمهمّ آن دوران بشمار میرود (ش ۱۴۴) ـ کلمهٔ بـرم (بروزن رزم) بمعنی چشمه بوده ودلك نیز وجه مخفّف دل است و ساکنین محلّی این نقوش را مانند بسیاری ازنظائرآن نقش‌رستم‌مینامند. آثاربرم دلـك تحت عنوان حجّاریهای عهدساسانیان در مجاورت تخت سلیمان (کـه بشرح سابق‌الذّکرمقصود قصرابو نصراست) ذیل شماره ۷۱ درتاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده است .

نقش بهرام (نقش رستم) در گویم

دهکدهٔ گویم بمسافت قریب سی کیلو متری مغرب شیراز نزدیک جادّهٔ قصرالدّشت واقع گردیده است ودریک کیلومترو نیمی جنوب غربی آن در تنگ موسوم به قوام آباد نقش برجستهٔ بهرام دوّم پادشاه ساسانی درارتفاع هشت متری از سطح زمین بربدنهٔ کوهسار حجّاری گردیده‌است. طول بدنهٔحجّاری۲ مترونیم وپهنای آن ۱/۷۰ متر بوده بعلّت بدی نوع سنگ آسیب فراوان بر آن واردآمده است(ش۱٤٥)بطوریکه ملاحظهٔ آن جزبرای دانشمندان و اهل فن مورد استفادهٔ بازدید کنندگان دیگر نیست . این حجّاری را هم اهل محلّ بنام نقش رستم میخوانند .

آثار تاریخی مسجد بردی یا قصر الدشت

قصبهٔ قصرالدّشت که بنام مسجد بردی نیز خوانده میشود به مسافت شش کیلو متری شمال غربی شیراز واقعست که خیابان اسفالتی باصفائی از محوّطه‌های درختکاری و باغهای قدیمی از جانب مغرب شهر شیراز یعنی انتهای غربی خیابان لطفعلیخان زند بآنجا امتداد دارد وباغ ها وخانه های بانزهت در دوسمت خیابان مزبور ساخته اند ودنبالهٔ خیابان نامبرده هم جادّه ای است که به گویم وقلات و اردکان میرود .

نگارنده از وجود بنای تاریخی در قصرالدّشت بهیچوجه مطّلع نبودم.استاد دانشمند جناب آقای علی اصغر حکمت چون از تدوین این کتاب اطّلاع یافتند ضمن ابراز خرسندی وتشویق کامل توّجه اینجانب را بوجود لوحهٔ سنگی باکتیبهٔ خطّ ثلث بنام اوزون حسن (۸۷۱تا ۸۸۲ هجری) درمسجد جامع قصرالدّشت جلب فرمودند واینجانب (مانند چند مورد دیگر این کتاب) از دوست دانشمندم آقای علی سامی تقاضای ارسال عکس ومتن کتیبه را نمودم وپس از چندی عکس قسمتی از جبههٔ جنوبی مسجد که لوحهٔ سنگی مزبور بر آن نصب است (ش۱٤٦) وعکسی

هم از عین لوحهٔ سنگی حاوی کتیبه (ش۱٤۷) توسّط آقای منوچهر چهره‌نگار تهیّه وجهت اینجانب فرستاده شد ومتن کتیبه رانیز دانشمند گرامی آقای علی‌اکبر بصیری رئیس کتابخانهٔ ملّی فارس بنا بر در خواست آقای سامی ازروی اصل لوحه درمحلّ خود قرائت فرموده بضمیمهٔ اطّلاعات مفیدی در بارهٔ بانی مسجد جامع ومقبرهٔ او ومسجد دیگری که همان شخص درقصبهٔ مزبورساخته است مرقوم داشتند که همراه نامهٔ آقای سامی رسیده است واینك بااظهار سپاسگذاری از این گونه همکاری‌های مفید ومستمرّ عیناً در اینجا نقل میگردد :

«درمسجد جامع قصرالدّشت کتیبهٔ سنگی بابعاد ۸۵ × ۸۰ سانتیمتر در دیوار جنوبی بفاصله دومتر ونیم از کف مسجد نصب است که بشرح زیر خوانده شد :

امابعد حمدالله وشکر نعمته فقد استحدث الطّرف الجنوبی من هذا المسجد بعد الجدار القدیم برُمّته وعمّر الصّفة القبلی باصلاح طاقـاته وجدّد عمارة الصّفة الصّبوی بمرمّته واصلح مافوق طاقات الصّحن بالحجر الاتـابکی حول قمّته فی ایّـام السّلطان العادل بعالی همّته الآمن کافّة البرّیه فی ظلّ رحمته مظفّرالسّلطنة والدّین ابی النصّر سلطان حسن بهادر خلّدالله خلافته اقلّ رعیّته احمد ۸۷۵ .

ودر کنار خیابان فعلی قصرالدّشت که بجادّهٔ اردکان میرود بقعه أیست بنام (رئیس احمدی) که از قرائن معلوم میشود قبر همین (اقلّ رعیّته احمد) سازندهٔ مسجد مزبور است ودر آن بقعه سه سنگ قبر است که سنگ وسط از سنگهای بزرگ وقطورقدیمی است ودر لبهٔ فوقانی بالای سر که ضخامت سنگ رامینمایاند این عبارت خوانده شد :

رئیس احمد آن سرور محترم ‌ ‌ ‌ که بـودی همه خصلت او نکو
بهجرت شده نهصد ویـك سنین ‌ ‌ ‌ بتـا ریـکدان لحد شد فرو
گذشت ازجهان آن سحاب کرم ‌ ‌ ‌ کزو داشت بـاغ جهان آبرو
چو باشد دعاهای خیر از پیش ‌ ‌ ‌ دعـا های خیر است تـاریخ او

«ودر دیوار متّصل بهمین مقبره کتیبهٔ سنگی بابعاد ۴۵ × ۲۱۰ سانتیمتر با خطّ نسخ خوش در دو سطر نصب است که چنین خوانده شد :

«قال‌الله تعالی‌وانّ المساجد لله فلاتدعوا مع‌الله احدا اتّفق بنیان هذا المسجد الشّریف والبقعة المنیف والمقبرة اللّطیف العالیه لعبد الفقیر الرّئیس فخر الدّین احمدبن رئیس ناصرالدّین جعفر القصرالدّشتی تقبّل‌الله منه فی سنة خمس‌وتسعین وثمان مائه» .

«ازقرائن معلوم میشود که رئیس احمدبامر سلطان حسن‌در۸۷۵ هـ. مسجد جامع‌قصرالدّشت رابناوتعمیر نموده‌ودرسال ۸۹۵ هـ. این مسجدپائین ومقبره‌وبقعه راساخته ودر۹۰۱ هجری وفات یافته‌است واین‌مقبره اکنون بنام(رئیس‌احمدی) در قصرالدّشت معروف است .»

علاوه بر آنچه گذشت قبر مکتبی شیرازی شاعر معروف قرن دهم هجری معاصر شاه اسمعیل اوّل نیز در قصبهٔ قصر الدّشت مجاور مسجد جامع واقع گردیده بهمین مناسبت هم نام خیابان مرکزی قصبه بنام شاعر مزبور نام گذاری شده است .

مقبرهٔ شیخ اقطع یابقعهٔ پیر بناب

بقعهٔ پیر بُناب در کوهسار جنوبی شیراز واقع گشته در کتاب آثار عجم توضیحات مفید وجامعی در بارهٔ آن مرقوم رفته است که نقل عین آن‌دراینمورد مناسبتر از هر گونه شرح‌وتوضیحی بنظر رسیده عیناً بشرح زیر مذکورمیگردد:

«شیخ اقطع که اورا پیر بُناب‌نیز خوانند اسمش سیدمحمّد مزارش‌درسمت جنوب غربی شیرازبه مسافت دوفرسنگ تقریباً دردامنهٔ کوهی است واو درمغاره مسکن داشته پس از وفات درهمانجا بخاك سپرده شد. بقعهٔ بسیار کوچکی برسر آن بنا نموده اند بعدها محمّد علی خان ایلخانی قشقائی ابن جانی خان را مهمّی

عظیم روی داده واز آن راه میگذشته بقبر شیخ مذکور ملتجی میشود. اتّفاقاً از آن‌مهلکه خلاصی یافته‌آنجا را مرمّتی کرده وصیّت مینماید که چون اجلش‌رسد درجوار شیخ دفنش کنند، در سنهٔ یکهزار و دویست وشصت وشش هجری که از جهان‌میگذرد جسدش راحمل نموده درآنجا بخاك‌میسپارند وبنای‌تکیه‌مینمایند، تالاری که بواسطهٔ دو ستون از سنگ یکپارچه قائم است بنیاد میکنند وسنگ بسیار بزرگی بر قبرش میافکنند. اشعاری ببحر تقارب مرحوم داوری ابن وصال گفته بر آن نقش مینمایند وآن قبر در تالار مذکور است بطرف دست چپ شیخ قدّس سرّه بطوری واقع شده که مزار شیخ در اعلا وقبر ایلخانی در اسفل است زیرا که‌مزار مذکور دربلندی بوده چون جلو آنرا تالار برپا نموده اند لذافضای تالار دوطبقه مینماید وقبر ایلخانی در طبقهٔ پائین است ودر آن تکیه چند اطاق دیگر هست و باغچه أی هم دارد وآن تالار وبناها بمرور ودهور روی بخرابی نهاده بود در این ازمنه حاجی نصرالله خان ایلخانی مذکور بمرمّت‌آنجا پرداخته بسرکاری جناب‌میرزا علی‌خان بواناتی‌ملقّب بانواری که از جمله سلاك ذهبی‌است مجاهدی‌است صاحب حال وسالکی حمیده خصال» (۱)

پس ازاین قسمت در کتاب آثارعجم بذکرشرح احوال شیخ اقطع‌وتوضیح اینکه سه نفر از عرفا بدین عنوان خوانده شده‌اند میپردازدکه چون از موضوع این کتاب خارج‌است نقل‌آن موردندارد وبهرصورت در کتاب مثنوی (جلدسوّم - آغاز ثلث دوّم جلد مزبور) شرح حال شیخ اقطع معروفترازدو دیگر ضمن‌اشعار نغزی بیان گردیده است ومرحوم فرصت الدّوله هم در پایان ذکر این مطلب در بارهٔ هوّیت پیر بُناب چنین مینگارد: «فقیر مؤلّف از شخصی ثقه مورّخ شنیدم سیّدمذکور در اوایل‌حال درکوه تودج فارس به عبادت میگذرانیده سپس دراین کوه که مدفن اوست آمده وتاریخ فوتش معلوم نشد».

اکنون بقعهٔ نامبرده یکی از گردشگاه‌های زمستانی‌مردم‌شیرازاست وبنای آن مجدّداً در معرض تباهی وویرانی قرار دارد.

---

۱ ـ آثار عجم تألیف فرصت الدوله چاپ بمبئی ۱۳۱٤ هجری قمری ص ٤۸۹ ببعد

فصل سوم - آثار تاریخی نواحی جنوب شرقی و مشرق فارس

کوار - فرمشگان - خفر - سروستان - نیریز - فسا - اصطهبانات - داراب - جهرم - لار (و برخی نواحی شهرستانهای مجاور خلیج فارس)

۱ - کوار

بلوك کوار بمسافت نه فرسنگی (قریب ٥٤ کیلو متری) جنوب شرقی شیراز است وچون از شیراز به‌پل فسا بروند راه بدو قسمت میشود آنکه بجانب راست میرود جادهٔ کوارو فیروزآباد وخفروجهرم است،قریب ١٤ کیلو متر که ازپل‌فسا بگذرند به‌دوراهی‌مجدّدی میرسند ازجانب‌چپ بسوی‌خفروجهرم وازجانب‌راست بطرف کوار وفیروزآباد میروند.

بند بهمن

پیش‌از رسیدن‌به‌کاروانسرای کوار که‌در ٥٦ کیلومتری‌شیراز است‌جادهٔ‌فرعی ازجانب‌راست بطرف‌مغرب‌میرود وپس‌از‌طیّ‌هشت کیلومتر به‌بنای‌تاریخی‌بند بهمن میرسند. بند بهمن دردوران ساسانیان‌برروی‌رودخانهٔ قَرَاقاج‌ساخته‌شده‌درازای آن ٢٦ متر وضخامت آن دربالامختصری کمترازچهار متراست و چند سال پیش مالکین‌خفر آنرابنحوصحیح‌واساسی‌تعمیر کرده‌اندواکنون‌علاوه‌برجنبهٔ‌تاریخی‌از نظرموقعیّت‌طبیعی‌محلّ‌بسیار زیباودیدنی‌است‌وبرای‌شناوتفریح‌مردم‌زنده‌دل‌شیراز ومسافران‌صاحبدلی که بآن حدود میروند مکانی عالی و روحپرور بشمار میرود.

۲-فرمشگان

چون‌ازکاروانسرای کوار بگذرندومسافت مختصری ازجادّه راطی‌نمایندراه

اصلی بطرف جنوب بفیروزآباد میرود و راه فرعی از جانب چپ بطرف فرمشگان میپیچد که قسمتی از کوار محسوب گشته آبادیهای متعدّدی در بر دارد و بمسافت ۲۲ کیلومتری پس از کاروانسرای کوار به آبادی علی آباد که جزء فرمشگان است میرسند ودردو کیلو متری شمال این آبادی تل باستانی مهمّی بنام تل حکوان وجود دارد .

تل حکوان

تل حکوان ارتپه هائی است که قطعات سفالهای پیش از تاریخ در دامنهٔ آن پیدا میشد و در بهار ۱۳۳۸ خورشیدی باموافقت ادارهٔ کلّ باستانشناسی بر طبق درخواست آقای جلال آرین مالك فرمشگان که علاوه بر همه گونه اقدامات عمرانی اساسی در شیراز و فرمشگان وغیره نسبت باماکن تاریخی هم از هر بابت روشن بین و علاقه‌مند هستند بوسیلهٔ ادارهٔ باستان شناسی فارس مختصر خاکبرداری و گمانهٔ علمی در تپّهٔ مزبور انجام گرفت و در نتیجه آثار بنائی از عهد هخامنشی در تپّهٔ مزبور هویدا گردید که آنرا بر روی شالودهٔ سنگی سفیدی که طول آن از شمال غربی بجنوب شرقی قریب ۲٤ متر و پهنای آن قریب ده متر است ساخته بودند و قطعهٔ سنگ سفید دارای نقش برجستهٔ سربازان جاویدان بالباس خوزی (مردم شوش) و نیزه‌های بلند نزدیك شالودهٔ مزبور پیدا شد که بقایای طرح کنگره شبیه تاج نظیر آنچه بر فراز آستانه های سنگی تخت جمشید موجود است بر بالای آن حجّاری کرده‌اند (ش۱٤۸) و آثار دیوارهای خشتی و اطاقها بر بالای صفّه‌ای که از شالودهٔ نامبرده ایجاد میگردید کشف شده‌است، کشف بنای هخامنشی مزبور میرساند که همانطور که احتمال داده میشد در مسیر راه شاهی بین تخت جمشید و شوش بناهای کوچکی از اندوران جهت توقّف و استراحت شاهنشاهان هخامنشی ساخته بودند و استفادهٔ نهارخوری و شکارگاه هم از آنها میشده است و باتوجّه باینکه مسافت تخت جمشید باقصر ابونصر تقریباً بامسافت قصر ابونصر و تل حکوان برابر است بخوبی میشود احتمال داد که قصر ابونصر نخستین منزلگاه راه شاهی فوق الذّکر و تل حکوان دوّمین منزلگاه آن از جانب تخت جمشید بوده است .

آثار منزلگاه‌های دیگری هم یکی درفیروزآباد[۱] و یکی بطور احتمال در بالا ده نزدیك جره وجود دارد و همچنین بقایای بنائی از دوران هخامنشی درحوالی فهلیان است که درموقع خود بذکر آن خواهیم پرداخت.

کیفیّت قطعهٔ نقش برجستهٔ نیزه داران فوق بخوبی میرساند که کاخ کوچك هخامنشی مدفون در تل حکوان اختصاصاتی مربوط بخود دارد و از لحاظ تاریخ معماری وحجّاری هخامنشی اهمیّت و امتیازات خاصّی را حائز میباشد[۲] وجا دارد به مالك آن از نظر توجّه بچنین محلّ تاریخی مهمّ و ارج شناسی از آثار نهفتهٔ آن تبریك گفته شود، مجسّمهٔ شیر سنگی خفته و شکسته از سنگ سیاه بطول ۷۴ سانتیمتر و بلندی ۴۷ سانتیمتر (تا حد گردن که موجود است) (ش ۱۴۹) که چندی پیش بدستور ادارهٔ کلّ باستانشناسی بموزهٔ پارس آورده شد در کنار امامزادهٔ نزدیك آبادی هوزمائی بمسافتی از تل حکوان قرار داشت و باحتمال نزدیك به یقین میتوان پنداشت که آنرا از کاخ کوچك هخامنشی تل حکوان بآنجا برده بودند.

درحول وحوش حکوان محلهای تاریخی دیگر بنام قصر احمر و تل دوشقا و تل موشکی وجود دارد، درقصر احمر بدنهٔ دیوار باملاط قرمز بسیار محکم دیده میشود و قطعات ظروف پیش از تاریخ در آنجا بدست میآید در دو محلّ دیگر (تل دوشقا و تل موشکی) آثار ابنیهٔ عهد هخامنشی موجود است[۳] و بطور کلّی معلوم میگردد ناحیهٔ مزبور آثار باستانی متعدّدی را دربر دارد که کاوش مفصّل و بررسی کامل آن نیازمند فرصت و فراهم بودن وسایل و مقدّمات لازم دیگر میباشد و

(۱) درشمارهٔ اول مجلهٔ باستانشناسی (بهار و تابستان ۱۳۳۸) ضمن گزارش ادارهٔ باستانشناسی فارس ـ صفحهٔ ۱۶۰ و ۱۶۱ اشاره بوجود آثار بنیادی از عهد هخامنشیان در فیروزآباد فارس شده است دراین باره توضیحاتی هم ضمن قسمت **ذیل** در پایان کتاب مرقوم رفته است.

(۲) ازطرف ادارهٔ کل باستانشناسی درپائیز ۱۳۳۸ هیئتی بریاست آقای علی حاکمی مدیر موزهٔ ایران باستان برای کاوش درفرمشگان اعزام شدند وکاوشهای مفیداساسی درآنجا بعمل آوردند که البته نتیجهٔ آن ازطرف ادارهٔ مزبور انتشار مییابد.

(۳) اطلاعات مذکور در بارهٔ نقاط باستانی قصر احمر و تل دوشقا و تل موشکی مرهون لطف آقای علی حاکمی مدیر موزهٔ ایران باستان است که در محلهای مزبور به تحقیقات و تجسسات علمی پرداخته‌اند.

امیدقطعی میرودازطرف ادارهٔ کلّ باستانشناسی در دنبالهٔ اقدامات ومجاهدتهای قبلی کاوشهای وسیع ومکمّل تحقیقات پیشین در آنجا بعمل آید .

۳ ـ خفر

بلوك خفر بعداز کوار ودرجنوب شرقی آن قرار دارد ، پس از آنکه ازشیراز به پل فسارسیدندوراه جانب راست راادامه دادندهنگامیکه بدوراهی بعدی میرسند اگر راه دست چپ را که بجهرم میرود ادامه دهند وپس از طیّ قریب ٤۰ کیلومتر سراغ آبادی کراده را بگیرند میتوان ببازدیداثر تاریخی بنام قبر جاماسب در نزدیکی آن پرداخت ، ازراه کوار هم اگر بروند وبه آبادی مزبور برسند میتوان بمنظور رسید واثرتاریخی قبرجاماسب رامشاهده نمود .

قبرجاماسب

محاذی آبادی کراده بمسافت کمتر از دو کیلومتر برفراز کوهسار کوتاه يك سکّوی سنگی مربّع است که هریك از اضلاع آن قریب پنج مترونیم وبلندی آن قریب ٦ متر بوده جانب جنوب شرقی آن منهدم گشته است .

برطبق آنچه در کتاب آثارعجم نوشته شده است(۱) سابقا بربالای این سکّو بقعهٔ هشت ترکی موجود بوده است ، سکّوی مزبور رااز سنگهای تراش بزرگ که ابعادهر کدام يك متردر نیم متر وبیشتر و کمتر است ساخته بودند ومردم محلّ در بارهٔ این بنای قدیمی وبقایای دیوارها وآثار نزدیک آن افسانه هائی میگویند .

آثار باستانی تادوان

بقراریکه در کتاب آثار عجم مرقوم رفته است (۲) تادوان نام یکی ازبلوك خفر و بمسافت سه فرسنگی آن واقع میباشد و«در آنجا تنگی است میان دو کوه که چندان بهم فاصله ندارد، در آن تنگ ازدو طرف بردیف خانهای بزرگ وغرفه ها

(۱) چاپ بمبئی محرم ۱۳۱٤ قمری صفحهٔ ۱۹
(۲) ایضاً همان کتاب صفحهٔ ٤۱۳

درسنگ نقرشده ازپائین که ببالانظر افکنند محلّ تماشاست وچون درآن غرف پا نهند مقام حیرت ، تمام دخمه بوده که اموات رادر آنهامیگذارده‌اند وخطوطی در آنهادیده نمی‌شود یکی‌از آن‌دخمه‌ها بسیاروسیع و گشاده‌است ومثل‌بازارطولانی جزبمدد چراغ درآن نتوان گردش نمود بعضی‌بر آنند که انتهایش دیده‌نشده‌است زیرا که بسی هولناک وبیم‌هلاك است ، می‌نماید که آن‌دخمه‌ها قبورسلاطین‌باشد.

بنای قدیمی‌اسلامی‌بنام **بقعهٔ خلیفه** نیزدربلوك خفرهست که چون اطلاع راجع بآن تاهنگام‌چاپ این‌فصل آماده‌نبود درقسمت **ذیل** کتاب‌مذکورمیگردد .

۴ ـ سروستان

سروستان بمسافت ۸٤ کیلو متری مشرق شیراز است وجادّهٔ آن‌از پل‌فسا منشعب گشته بجانب‌چپ میرود واز کرانهٔ‌جنوبی دریاچه‌مهارلو میگذرد .

درسروستان دوبنای تاریخی‌مهمّ وجوددارد یکی‌کاخ‌عهدساسانی که درمحلّ بنام‌قصر ساسان‌خوانده میشودودیگری مزارشیخ یوسف سروستانی .

کاخ ساسانی

این‌کاخ بمسافت قریب۹ کیلومتری‌جنوب‌غربی‌سروستان واقع گردیده‌است وهنگامیکه از شیراز بسروستان میروند بمسافت زیادی پیش از رسیدن بسروستان سوادآن‌از دوردرجانب جنوب پدیدار میباشد ، بنای معظمی است از سنگ و گچ ساخته شده گنبدها وایوانهاواطاقها ودهلیزهای متعدّد دارد (ش۱۵۰ و۱۵۱) وازآثار بهرام‌گور یا بهرام پنجم ساسانی (٤۲۰ تا ٤۳۸ میلادی) است (۱) که‌بوسیلهٔ مهرنرسی وزیرمعروف او که‌صدارت یزدگرد اوّل‌ویزدگرد دوّم‌رانیز عهده‌دار بوده ساخته شده‌است ، ازسال ۱۳۳۵ شمسی‌تعمیرات مفصّل‌و اساسی این کاخ‌بوسیلهٔ باستانشناسی‌فارس‌انجام‌میشود(ش۱۵۲)ـ ناهمواریهای زمینهای مجاور نشانهٔ ابنیه‌ای است که درحول وحوش‌آن بنیادنهاده بودند ، این بنا درتاریخ ۲٤ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲۳ درفهرست‌آثارتاریخی‌ایران بثبت رسیده‌است .

---

(۱) کتاب باستان شناسی ایران قدیم تألیف پرفسور واندنبرگ چاپ لیدن۱۹۵۹ص٤۷
L. Vander Berghe . Archéologie de l'Iran Ancien Leiden 1959 p. 47

مزار شیخ یوسف سروستانی

این بنای شیوا و تاریخی مشتمل بر دو چهار طاقی باستونهای سنگی و رومیهائی از سنگ تراش است که باظرافت و استادی کامل تراشیده و استوار ساخته‌اند، اصول معماری عهد ساسانی و شیوهٔ سنگ تراشی خدا خانهٔ شیراز در آن مشهود است (ش ۱۵۳)، بر سنگ قبر بقعهٔ اصلی نام شیخ یوسف بن یعقوب سروستانی و تاریخ ۶۸۰ هجری خوانده میشود، سنگ قبر بقعهٔ متصل بآن بنام محمّدبن حسن بن علیّ البیضاوی مورّخ به ۱۱ رمضان ۷۱۰ هجری است، بر سر در جنوبی نام استادعلی ابن حسین علی الغازی و تاریخ محرّم ۶۸۰ هجری مرقوم رفته است، تاریخ سر در شرقی (ش ۱۵٤) ۷۱٤ ذکر شده و در پائین آن روی لوحهٔ سنگی به غرس درخت سروی بسال ۷۳۱ در صحن بقعه اشاره نموده‌اند.

۵ ـ نیریز

مسافت نیریز تا شیراز مجموعاً بالغ بر ۲۳۰ کیلومتر است و برای رفتن بآنجا از سروستان راه را بجانب مشرق ادامه میدهند، در الواح گلی تخت جمشید نام **ناری زی را** منطبق با نیریز دانسته‌اند، در نیریز یکی از قدیمترین و مهمترین ابنیهٔ قرون اوّل اسلام ایران یعنی مسجد جامع آن شهر وجود دارد (ش ۱۵۵) ایوان بلند آن از نمونه های مشخّص معماری ایران بعد از اسلام بشمار میرود که به پیروی از سبک معماری اصیل عهد ساسانی بنیاد شده است (ش ۱۵٦) تاریخ محراب قدیمی مسجد ۳٦۳ هجری بوده بگفتهٔ مقدّسی بنای اصلی مسجد مزبور متعلّق به ۳٤۰ هجری میباشد، مسجد جامع نیریز در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۱۲ ذیل شمارهٔ ۱۹۲ درفهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است.

٦ ـ فسا

فسا در جنوب شرقی سروستان بمسافت ۸۰ کیلو متری آنست، بگفتهٔ برخی مورّخین نام فسا درقدیم پارسا گرد بوده است، در الواح گلی تخت جمشید نام **بشی یا** یا **باشی یا** خوانده میشود که آنرا نام فسا درعهد هخامنشی شناخته اند، در

کنار شهر تپّه‌ای قرار دارد که برفراز آن درادوار باستانی قلعه‌ای بنا نهاده بودند و بنام قلعه ضحّاکی خوانده میشود و در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۱۵ درفهرست آثار باستانی ایران بثبت رسیده است .

بمسافت سه‌فرسنگی شمال‌شرقی فسادرمحلّ معروف به تنگ کرم آتشکدهٔ عهد ساسانی در میان دو کوه واقع گردیده مشتمل بر بنای سنگ و گچی مفصّلی میباشد ودر تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲۶۴ درفهرست آثار تاریخی ایران ثبت گردیده است .

بمسافت قریب ۲۰ کیلومتری فسا درجانب راست جادّهٔ داراب نزدیك آبادی گلیان تپّه‌ای وجود دارد که آثار پیش ازتاریخ دردل آن نهفته بوده در سالهای ۱۳۳۷ وپس‌از آن‌ازطرف‌ادارهٔ کلّ باستانشناسی بتصدّی آقای فریدون تولّلی بازرس فنّی آن اداره‌در آنجاکاوشهای علمی‌صورت گرفته است .

۷ ـ اصطهبانات

اصطهبانات بمسافت ۷۴ کیلومتری فسا و تقریباً درمشرق آن واقع است ، مسافت اصطهبانات از شیراز قریب ۲۴۰ کیلو مترمیباشد ، درنزدیکی اصطهبانات اثرتاریخی دورافتاده وفراموش‌شده‌ای بنام ایگ یاایج وجود دارد که‌درفارسنامهٔ ابن‌بلخی(اواخر قرن پنجم هجری) ونزهت‌القلوب حمدالله مستوفی (نیمهٔ‌اوّل قرن هشتم‌هجری) وآثارعجم فرصت شیرازی(اوایل قرن‌چهاردهم هجری) اطّلاعاتی دربارهٔ آن مذکوراست وطبق‌توصیف کتاب‌آثارعجم این‌محلّ‌درسابق‌دارالحکومهٔ شبانکاره بوده‌درچهارفرسنگی جانب‌شرقی اصطهبانات واقعست : «درآنجا کوهی است که‌آنرا قلات‌آبی‌نامند ، قلعهٔ محکم بربالای آن گچ وسنگ‌ساخته بوده‌اند که اکنون‌خرابست ودر کمرآن کوه چهل بر که درسنگ بیرون‌آورده که در آنها‌آب‌میآمده‌همچنین‌قریب‌بقلعهٔ‌مذکورهفت بر کهٔ‌دیگراست وآب‌آن‌بر که‌ها از چشمه بوده که آنرابن درّه خوانند وآن‌آب ازچشمه که بیرون میآیدداخل میشود در عمارتی که گنبدی برآن افراشته شده است ودرآن عمارت دورتا بدور

وسعتگاهی بـرای استراحت هست پس آب‌از آنجا میگذرد وبعد سرازیـر شده صحرائی میگردد وبآن‌زراعت مینمایند ولی‌سابقا آب‌ازچشمه که بر آمده داخل میشده‌درجداولی که در کوه بریده‌اند وازآن‌جداول به‌بر که‌هامیر یختند،اکنون آن ممر خرابست ، دیگر از جملهٔ آثارآنجا معبدی بوده قریب بچشمهٔ مذکور ایوان مانندسه ذرع تقریباً ارتفاع‌دارد در کوه ازسنگ بریده‌اند وآن‌هم ازآثار سلاطین عجم است که بعدها آنرا مسجد قرار داده ومحرابی بر آن افزوده اند و خطوطی‌بر آن منقوراست وپائین‌تر از آن مسجد نیز برمسطّحه‌هائی از کوه‌خطوط بسیارنقرشده است . »

ویرانه های قلعه‌ایج اکنون بنام(شهرایج) خوانده میشود ودر دامنه های مرتفع کوهستانهای‌اطراف‌آبادی‌ایج واقع گردیده‌است‌وباستانشناس‌فقیدانگلیسی سراورل‌استین(۱) درسال ۱۳۱۲ شمسی‌ضمن‌بازدید نواحی‌شرقی فارس‌محلّ‌مزبور رانیز بررسی ومطالب مرقوم در کتاب‌آثارعجم راتأیید وضمناً‌اظهار نظرنموده‌است که آثار باستانی مزبور از لحاظ طرز بنا و معماری کاملا قابل توجّه میباشد .

دانشمند فقید ایرانی نیکلاراست (۲) در مقالهٔ مفیدی که راجع باین اثر تاریخی در مجلّهٔ مهر ـ شهریور ۱۳۳۲ ـ نگاشته (ومطالب بالاهم‌از آن اقتباس واستفاده‌شده‌است) چنین‌اظهارنظرنموده‌است که‌اهمیّت‌آثارایک(ایج)تنهاازنقطهٔ نظر باستانشناسی بمعنی‌اخص‌ّواز لحاظ چگونگی فنّ‌معماری نیست بلکه بیشتر مربوط بموقعیّت ونقش اجتماعی آن‌در قدیم است که مشرف بـرجادّهٔ معبر ایلات بوده بالای سرتنگهٔ معروفی قرار دارد که راه قدیمی اصطهبانات بداراب ازآن میگذشته است .

۸ ـ دارابگرد

دارابگـرد نام قدیمی بوده نام شهر کنونی آن داراب است که بمسافت

---

(۱) Sir Aurel Stein

(۲) Nicolas Rast

۱۱۱ کیلومتری جنوب‌شرقی‌فسا واقع گردیده مسافت آن تاشهرشیراز بالغ بر ۲۷۵ کیلومتراست ، ،محلّ دارابگرد درپنج کیلومتری جنوب شهر داراب فعلی‌است ، دردارابگرد آثارتاریخی‌چهارگانۀ عهدساسانی‌قرار دارد که عبارتست‌ازقلعۀدحیه، نقش رستم، مسجد سنگی، آتشگده .

قلعۀ دحیه

این بنادرپنج کیلومتری‌جنوب‌شهروهمان قلعۀ عهد ساسانی‌است ومشتمل‌بر محوّطۀ دائره شکلی میباشد که حصار مستدیری دراطراف‌آن‌ساخته‌اند ودروسط آن کوهسار مخروطی شکلی‌قرار دارد ودر دامنۀ کوه وقسمتهای دیگر محوّطۀ مزبوربقایای‌ابنیه وسنگ‌وآجروگچ‌فراوان موجودبوده قطعات سفال‌زیادی‌هم‌در آنجا پراکنده است واز محلهائی محسوب میگردد که با فراهم بودن وسائل و مقدّمات شایستۀ خاکبرداری وکاوش علمی دامنه داراست،محلّ‌مزبوردرتاریخ ۲٤ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شمارۀ ١٤ درفهرست آثار تاریخی بثبت رسیده است .

نقش رستم

درجانب شمالی کوهستان موسوم‌به کوه پهنابین‌شهرداراب فعلی‌وقلعۀدحیه یادارابگردنقش برجسته‌أی مشتمل‌برصحنۀ پیروزی‌شاپوراوّل بروالرین‌امپراطور رم شرقی‌حجّاری شده است (ش۱۵۷)، سرداران وبزرگان ایران پشت‌سر شاپور ایستاده‌اندووالرین روبروی‌شاهنشاه‌ایران‌ایستاده شاپوردست‌سیریادیس[۱] راکه به‌فرمانروائی‌رم بر گزیده‌است‌دردست گرفته وعرّابه واسب والرین‌واسرای رومی پشت سرامپراطورمغلوب دیده میشود،[۲] این نقش درتاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارۀ ۲٦۷ درفهرست آثارملّی ایران‌بثبت رسیده‌است .

مسجد سنگی

درمحلّ دیگرهمان کوه یعنی‌بر جانب‌جنوبی آن محوّطۀ وسیعی رادر دل کوه تراشیده‌اند که بنام‌مسجد سنگی‌خوانده میشود ، محوّطۀ مزبور شامل‌راهرو

(۱) Cyriadis

(۲)ـ دراین نقش تصویر قریب ۳۰ نفرحجاری شده که بعضی‌ازآنها فقط سرشان نموده گردیده است .

پهنی است که برواقی منتهی میگردد و پس از گذشتن از رواق به فضای چهار گوش وسیع روبازی میرسند و درچهار جانب فضای مزبور شاه‌نشینهائی دردل کوه تراشیده‌اند (ش ۱۵۸) در وسط محوّطهٔ چهار گوش حوضی قرار دارد ، این بنا مربوط بعهد ساسانی و نقشهٔ آن کمی شبیه تالار بزرگ کاخ شاپور اوّل است که درویرانه‌های شهر شاپور کشف نموده اند ، در دوران اسلام تبدیل به مسجد گردیده در شاه نشین جانب قبله محرابی احداث نموده‌اند و کتیبه هائی که کاملا خوانده نمیشود و نام اتابك ابوبکر در آن تشخیص میگردد بر بالای مدخل فضای چهار گوش مرقوم رفته سال تاریخ ۶۵۲ هجری که مقارن بازمان اتابك ابوبکر سعدبن زنگی باشد در کتیبهٔ جداگانه بر دیوار سمت چپ رواق حجّاری گردیده است، این اثر تاریخی درتاریخ ۱۵ آذرماه ۱۳۱٤ ذیل شمارهٔ ۲۲۹ درفهرست آثار ملّی ایران ثبت شده است .

آتشگده

بمسافت قریب دو فرسخی شمال شهر داراب بنای گنبدی آجری بار تفاع تقریبی ۱۲ متر بر بالای سکوی مربّع عریضی که ازسنگ و گچ ساخته‌اند استوار بود که بنام آتشکدهٔ آذرجو شناخته شده است ، بر اثر ویرانی زیادی که بآن وارد آمده ثبت آن درفهرست آثار ملّی مورد نیافته است .

۹ ـ جهرم

جهرم بمسافت هفتاد کیلومتری جنوب فسا است . چون از جهرم بطرف جنوب خارج شوند پس از طیّ مسافتی بمحلّی میرسند که کلك نام دارد و از آنجا که به جنوبتر بروند به دو محلّ مجاور یکدیگر بنام حرم (بروزن گرم) و کاریان خواهند رسید .

آتشگده کاریان

کاریان محلّ آتشکدهٔ معروف کاریان است که آتشکدهٔ موبدان (آذرفرنبغ) بوده و یکی از سه آتشکده بزرگ ایران درعهد ساسانیان بشمار

میرفته است[۱] از کاریان آتش را به کمپ آتشگاه که آتشگدهٔ شمالی فسا باشد برده‌اندواز آنجا آن‌را به‌نیریزومشیزواز آنجابه‌هندوستان‌برده‌اند . درمشیز محلّی بنام گنبد پیر جاسوس موجود است .[۲]

آقای پروفسور واندنبرگ بلژیکی[۳] در کتابی که بتازگی در بارهٔ باستان‌شناسی ایران بچاپ‌رسانیده‌است[۴] دربارهٔ آتشکدهٔ کاریان‌چنین مینگارد: « در کاریان ویرانه های آتشکده أی را که بقایای آذرفرنبغ یکی از سه آتش بزرگ ایران باستان‌است دیدیم ، بدبختانه امروزچیزمهمّی از آن آتشکدهٔ معظم نمانده‌است ... » (۵)

---

(۱) دوآتشکدهٔ بزرگ دیگر یکی آتشکدهٔ شاهنشاهی بنام آذرگشنسب یا آذرگشن در محل معروف بتخت سلیمان واقع در جنوب آذربایجان (۹ ؛ کیلو متری شمال تکاب) و دیگری آتشکدهٔ دهگانان وبرزگران بنام‌آذر برزین مهردر کوههای ریوند خراسان بوده است که بعقیدهٔ استاد پورداوود احتمالاً درمحلی بنام ابرشهر بوده برخی‌هم‌تصورمینمایند محل‌آن درحول‌وحوش بقعهٔ قدمگاه نزدیك نیشابور یاهمان حدود باشد .

(۲) اطلاعات فوق بوسیلهٔدانشمند گرامی‌جناب آقای‌مهندس‌احمدحامی‌تحصیل‌واظهار گردیده در اینجا نقل شده است .

(۳) Prof. L. Vander Berghe

(٤) آقای پروفسورد کترلوئی‌واندنبرگ‌استاددانشگاه گاند (Gand) بلژیك درسال ۱۳۳۰ شمسی دردانشگاه تهران و بهزینهٔ‌آن بتکمیل تحصیلات ومطالعات خود اشتغال داشت وازادارهٔ کل باستانشناسی تقاضا نمود برای عزیمت وی بتخت جمشید و انجام بررسیهای باستانشناسی در محل تاریخی مزبورمساعدت‌های لازم بعمل‌آورند ونخستین بار پس‌ازرفتن بدانجا در ماههای خرداد وتیر ۱۳۳۰ با همکاری بنگاه علمی تخت جمشید در تپه‌های ما قبل تاریخی جلگهٔ مرو دشت باحداث گمانه‌ها وانجام تجسسات علمی پرداخت وازآن پس چند مرتبهٔ دیگر بایران‌آمد وبه تخت‌جمشید رفت و باکمکهای مستمر ومداوم بنگاه علمی مزبورمسافرت‌های علمی وکاوشها وتحقیقات خوددادر استان تاریخی فارس ادامه داد ودر بسیاری مواردکه حتی با اتومبیل جیپ هم نمی‌توانست‌بمحلهای مورد علاقهٔ خود دست یابد بوسیلهٔ چارپایان یا دوچرخه وحتی پیاده باتفاق آقای علیمراد برزو از کارکنان بنگاه علمی تخت جمشید که درکلیهٔ مراحل باتفاق ایشان بود و همکاری مینمود مسافرت علمی خودرا انجام میداد وعلاوه برگمانه‌های مختلف در تپه‌های ما قبل تاریخی به آثار تاریخی متعددی هم برخورد ونتیجهٔ تحقیقات ومطالعات خویش راضمن مقالات وسخنرانیهای مختلف‌انتشار داد ودرسال ۱۳۳۸ کتابی حاوی مجموعهٔ بررسیهای مختلف خود در بارهٔ باستانشناسی ایران بنام (Archéologie de L'Iran Ancien, Leiden 1959) چاپ ومنتشر نمود که در چند موردابن کتاب‌نیزازآن اقتباس و بنام **کتاب باستانشناسی ایران‌قدیم** بدان اشاره‌شده است .

(۵) کتاب باستان شناسی ایران قدیم ـ واندنبرگ صفحهٔ ۱۹

دربخش صمینکان جهرم آتشکدهٔ دیگری وجود دارد که برسرراه قدیم فیروزآباد به فسا ودارابگرد واقع بوده است و درفصل راجع به فیروزآباد ذکر خواهد شد .

۱۰ - لارو برخی نواحی شهرستانهای مجاور خلیج فارس

قصبهٔلار درجنوب‌شرقی فارس‌بمسافت بس‌طولانی ازشیراز یعنی‌تقریباً ۴۰۰ کیلومتری آن‌درمسیر راه‌این شهربه‌بندر عبّاس‌واقع است‌وازطریق جهرم باآنجا میروندوبراثر موقعیّت‌تجاری آن‌درزمان‌شاه‌عبّاس کبیر که‌بندرعبّاس رونق‌فراوان داشت درآن‌جابازارو کاروانسرای‌مهمّ وعالی‌ساخته‌اند وبنام‌قیصریّه خوانده‌میشود وبازاروکیل شیرازرا هم‌بسبک وپیروی ازبازار عهد صفویّهٔ لار ساخته‌اند ، بازار لار در تـاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۱۷ ذیل شمارهٔ ۳۱۵ در فهرست آثار ملّی ایران ثبت گردیده است .

شهرستان لار درحال حاضر جنوب شرقـی ترین شهرستان سرزمین فارس بشمار میرودودر ادوارسابق قسمتهائی ازنواحی مجاورآن که‌اکنون‌قلمرواستان کرمان یامربوط به‌فرمانداری کلّ بنادروجزائر بحرعمّان‌محسوب میشود ازلحاظ وضع ابنیه وآتشکده‌ها باآنچه در شهرستان کنونی لارستان و جود دارد شباهت وارتباط کامل داشته است وطبعا جای ذکر اینگونه ابنیه در شرح آثار تاریخی استان کرمان وفرمانداری کلّ بنادر وجزائر بحرعمّان‌خواهدبود .

بدین‌لحاظ‌چهارطاقیهای‌عهدساسانی که‌درمحلّهای‌موسوم‌به‌دَر ِ باغ‌وعلی‌آباد ورحمت‌آباد واقع دردشت‌اُرزو ازتوابع بخش‌بافت (شهرستان سیرجان) کرمان وجود دارد وبنای شگرف دو اشکوبه موسوم به **بهشت‌ودوزخ** واقع در نزدیکی سلطان آباد که احتمالاً مربوط بعهد اشکانی است‌و درپنج کیلومتری چهارطاقی دَر ِ باغ‌واقع‌میباشد طبعاًمربوط به‌داستان فارس نبوده بشرحی که گذشت توضیح دربارهٔ‌آنها ضمن‌آثار تاریخی‌استان کرمان بایدمذکور افتدوبهمین ترتیب‌امکنهٔ باستانی نظیر تل گنج که تپّهٔ‌ماقبل تاریخی واقع‌در نزدیکی نظام‌آباد ازدهستان

فارغان از توابع حاجی آباد (سعادت آباد) بندر عبّاس است[۱] وهمچنین ویرانه‌های موسوم به قلعه بهمن در سه کیلو متری فورگ ودوبنای مهمّ عهد ساسانی واقع در تنگ چك چك بین رستاق وفورگ که یکی از آنها قصر دختر نام دارد ودیگری را آتشکده میخوانند مربوط به قلمرو فرمانداری کلّ بنادر وجزائر بحر عمّان بوده بیرون از حوزهٔ فعلی استان فارس واقع میگردد لیکن آثاری که در شهرستان های مربوط بفرمانداری کلّ بنادر وجزائر خلیج فارس قرار دارد وبا شهرستانهای جنوبی فارس مجاور ومربوط میشود یك قسمت ضمن آثار شهرستان لار و قسمتی هم در فصل چهارم ضمن توضیحات راجع به فیروز آباد مذکور میگردد ودر آخرین فصل کتاب نیز دربارهٔ آثار تاریخی بندر بوشهر وجزیرهٔ خارك اطّلاعاتی مرقوم میرود .

آقای پرفسور واندنبرگ که در بهار سال ۱۳۳۶ به نواحی جنوب شرقی فارس ولارستان مسافرت نمود، در زمستان ۱۳۳۸ هم به نواحی واقع در مشرق لار وقسمتهای دیگر خاك فارس عزیمت و در آن نقاط تحقیقات علمی کرده موفّق بکشف آثار تاریخی گردید که تا آن وقت ناشناس مانده بود بدین لحاظ مناسب میداند قسمتهائی از گزارشهای دانشمند مزبور را در این باره که یك قسمت ضمن سخنرانی خود در بیست وچهارمین کنگرهٔ خاور شناسان در مونیخ (منعقده درشهر یورماه ۱۳۳۶) ایراد کرده وقسمت دیگر را از راه همکاری وتشریك مساعی صادقانه برائر تقاضای اینجانب دراختیار نگارنده گذارده است در اینمورد نقل نماید .

استخراج از گزارش آقای پرفسور واندنبرگ در بیست و چهارمین کنگرهٔ خاورشناسان درمونیخ :

« ...... دسترسی باین ناحیهٔ دورافتاده در پرتو پشتیبانی آقای سامی ومساعدت ژاندار مری ایران امکان پذیر شد ومراتب امتنان خود را از مساعدت ژاندارمری ابراز مینماید، از شیراز باتّفاق راهنمای خود علیمراد برزو باهمراهی اسکورت

(۱) آثار اخیرالذکر درزمستان ۱۳۳۸ ضمن مسافرت تحقیقی آقای پروفسور و اندنبرگ که باتفاق آقای علی‌مراد برزو از کارکنان بنگاه علمی تخت جمشید بنواحی واقع درمشرق لارستان صورت گرفت کشف گردیده است و بشرحی که توضیح داده شد خارج از استان فارس و شهرستان کنونی لار واقع میباشد و بدین لحاظ از توضیح دربارهٔ آنها دراین مورد خودداری مینماید.

ژاندارم‌عازم شده گاهی بوسیلهٔ جیب و گاهی بااسب‌مسافرت کردیم واز فیروزآباد، جهرم، جویم، لار، فیشوَر، خنج، کاریان، دارابگرد، رستاق، فورک، طارم، بندر عبّاس، بندر لنگه، بستك بازدید نمودیم واز لار به شیراز باز گشتیم.

«ازذکرجزئیّات‌این‌سفرخودداری کرده‌تنهابذکرنتایج‌عمدهٔ آن‌میپردازیم، جلگه‌ای که بین‌فیروزآباد وجهرم قرار دارد وشامل بلوك خفر و کوار میگردد ازنظردارا بودن تپّه‌های ماقبل‌تاریخی غنی‌است وسراورل استین‌دربرخی ازآنها گمانه هائی زده است ولی این ناحیه بطور کلّی در خورکاوشها وتجسّسات اصولی میباشد.

«......درچاه‌محلّ‌نزدیك‌فیشوَر(۱) ویرانه‌های‌چارطاقی رابازدید کردیم که‌آقای ژ. اوبن(۲) اشاره بوجود آن کرده بود،سه‌عدداز پایه‌های این‌چارطاقی به‌بلندی ۶ مترتا پاطاق آن‌باقی مانده‌است(ش ۱۵۹).

«بین منصورآباد ودوبوران‌یك‌دیوار استحکاماتی عهدساسانی برپامانده‌است و به‌نام گردنه بزن خوانده میشود ......»

قسمتهائی هم‌ازگزارش اختصاصی پروفسّور واند نبرگ رادر بارهٔ پنجمین مسافرت‌علمی‌اوبایران که‌درزمستان ۱۳۳۸درقسمتهای مختلف‌فارس‌وشهرستانهای بنادر خلیج فارس ونواحی واقع در مغرب لارستان انجام گرفته ونسخهٔ آن رادر اختیار نگارنده گذارده است‌با تقدیم تشکّر ازاین همکاری صمیمانه دراینجا نقل مینماید:

«.......... درسال‌جاری(یعنی ۱۹۵۹ میلادی = زمستان ۱۳۳۸) مسافرت تحقیقاتی که دنبالهٔ تحقیقات تابستانی ۱۹۵۷(۱۳۳۶) بودصورت گرفت وعمدهٔ آن در ناحیهٔ بین فیروز آباد، میمند، آسمانگرد، قیر، مگو، مُر، کله‌دار، علامرودشت، جم، طاهری‌یعنی بطور کلّی قسمتهای جنوب شرقی فارس ومغرب لارستان انجام پذیرفت .... نتایج عمدهٔ این تحقیقات راذکر مینماید.

---

(۱) واقع درحدود ۱۲۰ کیلومتری مغرب لارکنار راه‌کاروان رو لار به‌بندر بوشهر.

(۲) J.Aubin

« ازلحاظ ادوار پیش‌از تاریخ چنین نتیجه گرفتیم که نواحی مورد تحقیق و تجسّس علمی فوق دارای آثـار کمی از آن ادوار میباشد حتّی دشتهای وسیع علامرودشت ، گله دار ، خُنج ، مکّو ازداشتن تپّه محروم است . مـا فقط دو تپّه پیدا کردیم یکی بنام تپّهٔ شاهماخ نزدیک دهکدهٔ جینگو برسرراه مکّو به خُنج ودیگری تپّهٔ موسوم به تُم کوت یاتل‌بزرگ نزدیک‌دهکدهٔ باغان برسرراه هفتوان به گرمیش،ازاین دوتپّه‌نمونه‌های سفالی شبیه‌به سفالهای نخستین سبک‌تل‌باکون (نزدیک تخت‌جمشید) بدست آمد .

« لکن‌در این نواحی آثار وتپّه های متعدّدی ازدورهٔ ساسانی وابتدای عهد اسلام‌وجود دارد .

« فقدان آثار ادوار پیش از تـاریخ بدون شک ناشی از اینست که نواحی نامبرده در ادوار مزبور به احتمال قوی چندان مسکون نبوده است . در آنجا چشمه سار و قنات و نهر های زیـر زمینی و رود خانه های آب شیرین موجود نیست ......» .

دراینجا بشرح آثار تاریخی لارو نواحی دیگری که دراین قسمت مذکور افتاد پایان می‌بخشد وبطوریکه درسطور قبل‌اشاره شدقسمتهای دیگری ازچنین آثار واقع درنواحی مختلف مربوط به بنادر خلیج فارس راهم ضمن توضیح آثار شهرستان فیروز آباد درفصل آینده ذکر مینماید .

فصل چهارم ـ آثار تاریخی فیروزآباد

و برخی نواحی شهرستانهای بنادر خلیج فارس

فیروزآباد بمسافت قریب ۱۲۰ کیلومتری جنوب شیراز واقع گردیده آثار تاریخی بسیار مهمّی از اردشیر بابکان نخستین شاهنشاه سلسلهٔ ساسانی وفرزندش شاپور اوّل در نزدیکی آن واقعست واز نظر اهمیّت میتوان آثار تاریخی فیروزآباد را هم‌طراز با تخت جمشید دانست یعنی همانطور که آثار تخت‌جمشید یادگارهای عظیم منحصر بفرد هخامنشیان است آثار فیروز آباد نیز نشانهٔ عظمت و قدرت و هنردوستی سر سلسلهٔ شاهنشاهان ساسانی بشمار میرود ، برای رفتن بفیروزآباد از راه پل فسا جادّهٔ سمت راست را ادامه میدهند وچون به دوراهی ثانوی برسند باز هم راه جانب راست را دنبال مینمایند واز کاروانسرای کوار نیز راه بطرف راست بسوی فیروزآباد ادامه پیدا میکند .

نام اصلی وقدیمی فیروزآباد «گور» است که بفرمان اردشیر بابکان آنرا ساخته‌اند و بنابر نوشتهٔ آثارعجم فیروزجدّ انوشیروان درآنجا ابنیه افزود وامیر عضدالدّولهٔ دیلمی غالباً برای تفریح بدانجا میرفت وچون نام «گور» خوش آیندش نبود لذا آنرا بنام فیروزآباد خواندند .(۱)

بنا بگفتهٔ ابواسحق استخری شهر گور بوسیلهٔ اردشیر در سرزمینی ساخته شد که آب را که آنرا فرا گرفته بود ، این شهریار نذر کرد که یك شهر و یك آتشکده در محلّی که بردشمن خود پیروز گردد بسازد وچون در سرزمین شهر گور بردشمن پیروزی یافت نذرخویش را ادا نمود . . . . . دارای چهار دروازه است درخاور باب مهر ، درمغرب باب بهرام ، درشمال باب هرمز ، درجنوب

(۱) آثارعجم چاپ بمبئی محرم ۱۳۱۴ قمری صفحات ۱۱۱-۱۱۳

باب اردشیر[۱]

شهر گور مانند بسیاری دیگر از شهرهای عهد ساسانیان بشکل دایره بنا شده بود (ش ۱۶۰) و در مرکز دائرهٔ مزبور منارهٔ چهارضلعی که محلّ آتش افروخته بود قرار داشت که هنوز برپاست و شرح آن خواهد آمد، در کتابهای استخری و فارسنامهٔ ابن بلخی و آثارعجم و آثارایران و تألیفات دیگر دانشمندان ایرانی و بیگانه دربارهٔ شهر گور و ابنیهٔ فیروزآباد توضیحات مفصّل ذکر گردیده در کتاب شاهنامه هم اشاره به آتشکدهٔ فیروزآباد و باغها و ساختمانها و میدان اطراف آن شده و طبعا نمیتوان در این راهنمای مختصر بشرح و تفصیل آن پرداخت بنابراین با توجّه بهدف این کتاب تاحدّی که مناسب باشد بمعرّفی آثار تاریخی این محلّ مهم باستانی میپردازد:

۱و۲ ـ دو مجلس نقوش برجستهٔ اردشیر بابکان و پل عهد ساسانی در کنار رودخانهٔ تنگاب.

بمسافت قریب هیجده کیلومتر پیش از رسیدن به فیروزآباد (از جانب شیراز) در کوهستان کنار رودخانهٔ تنگاب که آب آن بفیروزآباد میرود یك مجلس نقش برجسته از اردشیر بابکان در حالیکه حلقهٔ شهریاری را از اهورامزدا میگیرد حجّاری گردیده است (ش ۱۶۱) پشت سر اردشیر نقش برجستهٔ چهار نفر از کسان و خاصان وی دیده میشود که نفر اوّل آنها طفلی بوده باحتمال نزدیك بیقین فرزند و ولیعهدش شاپور اوّل است، و یرانه های پلی که طبق نبشتهٔ پهلوی موجود توّسط مهرنرسی وزیر معروف دوران ساسانی (که ذکر او در شرح کاخ سروستان گذشت) بنا شده است[۲] روبروی همین نقش واقع میباشد و بهمین جهت هم بعضی محقّقین آنرا مربوط

(۱) نقل از مجلد اول جلد سوم آثار ایران (چاپ هارلم ـ ۱۹۳۸ میلادی) صفحهٔ ۲۰

(۲) مقالهٔ دقیق و جامع آقای پرفسور هنینگ که کتیبهٔ پهلوی نزدیك پل مزبور را با بردباری و رنج بسیار خوانده‌اند و حاوی اطلاعات ذیقیمتی در این باره است بوسیلهٔ دانشمند گرامی آقای محمد رضا حقیقی استاد دانشگاه شیراز ترجمه و در صفحات ۷ ـ ۳۵۲ مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی (چاپ شیراز ـ ۱۳۳۸) مندرج گشته است.

بزمان اردشیر اوّل و از بناهای آبرسان وزیر این شهریار دانسته‌اند که البتّه صحیح نیست ، ارتفاع نقش برجستهٔ مزبور بیش از سه متر وپهنای آن در حدود ۵ متر است، آثار موجود ذیل در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۹۰ و نقش برجستهٔ مزبور در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲۶۸ به ثبت آثار ملّی رسیده است .

بمسافت قریب یك کیلومتر و نیمی بعد از این نقش بجانب فیروزآباد بر بالای کوهستان نزدیك جادّه در همان قسمت یعنی جانب راست رودخانهٔ تنگاب محوّطهٔ کوچکی را مسطّح نموده نقش برجستهٔ بزرگ دیگری از اردشیر بابکان را بر کوه کنده‌اند ، این نقش صدمه و خرابی بسیار دیده است و صحنهٔ پیروزی اردشیر را بر دشمنان وی نشان میدهد ، اردشیر سوار بر اسب بر دشمن خود تاخته او را با نیزه از پای در آورده است (ش ۱۶۲) پشت سر او سوار دیگری است که تصوّر میرود آبرسان وزیر اردشیر باشد (ش ۱۶۳) و پس از او سواری دیده میشود که مردی را در بغل گرفته ظاهراً باسارت در آورده است (ش ۱٦٤)، نقش برجستهٔ بزرگ مزبور نیز در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲۶۸ در فهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است .

۳ ـ قلعه دختر

اثر تاریخی دیگری که پیش از رسیدن بفیروزآباد بمسافت قریب ٦ کیلومتری قصبهٔ کنونی فیروزآباد جلب نظر میکند آثار قلعهٔ معظمی از سنگ و گچ برفراز کوه است که در زمان شاپور اوّل آنرا ساخته‌اند و مشتمل بر ابنیهٔ تودرتو و مخزن آب که در سنگ کوه ایجاد نموده‌اند و احتیاجات دیگر قلعه است (ش ۱٦٥) که برای دفاع از پایتخت شاهنشاه ساسانی در محلّ مرتفع مشرف بجادّه احداث کرده‌اند (ش ۱٦٦) و وضع ساختمان آن به خوبی واستحکام ابنیهٔ اردشیر بابکان نیست ، این اثر تاریخی در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲٦۹ در فهرست آثار ملّی ایران ثبت گردیده است .

۴ ـ آثار شهر قدیم فیروزآباد (یا گور قدیم)

بیرون قصبهٔ کنونی فیروزآباد در جانب شمال غربی آن محوّطهٔ وسیعی است که محیط آن در حدود یك فرسنگ بوده آثار حصار قدیم آن پدیدار و تمام محوّطه پوشیده از ابنیهٔ سنگی و آجری دوران ساسانیان است و از محلّهای مهمّ تاریخی بشمار میرود و شایستگی آنرا دارد که در فرصت مناسب با فراهم داشتن وسایل کار بکاوش علمی و خاکبرداری و مرمّت آثار آن پرداخته شود ، نام کنونی این ویرانه‌ها دِه شهر است و در نزدیکی آنجا آبادی بنام اردشیر وجود دارد .

مناره

بشرحی که گذشت درمیان ویرانه‌های مزبور منارهٔ چهارضلعی بلندی سرپا مانده است که آنرا از سنگ و گچ ساخته‌اند وقسمت پائین هرضلع آن متجاوز از ۱۱متر بوده بلندی آن قریب به۳۳متر میرسد و بوسیلهٔ پلّکان خارجی ببالای آن میروند و هرقدر بالاتر میرود طبعاً از بدنهٔ مناره بمیزان پهنای پلّکان کاسته میشود (ش۱۶۷) این منارهٔ جالب توجّه اثر تاریخی منحصر بفردی از آغاز دوران ساسانی بشمار میرود و با مختصر بررسی دربارهٔ آن میتوان بخوبی دریافت که سنّت احداث بنای مناره هم درایران مربوط بادوار پیش از اسلام است . بمسافت کمی از منارهٔ مزبور بقعهٔ امامزاده جعفر قرار دارد و در کنار این بقعه قطعه ستونی ازعهدهخامنشی باقی و شایستهٔ بررسی و تجسّس علمی بیشتر درمحل میباشد .(۱)

آتشکده

بمسافت مختصری از منارهٔ مزبور ویرانه‌های آتشکدهٔ فیروزآباد باقی است که ازسنگهای تراش بزرگ ساخته شده بود و با امعان نظر در توضیحات مذکور در کتاب آثار ایران(۲) چنین معلوم میگردد که ابتدا صفّهٔ بزرگی بشکل مربّع

---

(۱) اقتباس از گزارش ادارهٔ باستان شناسی فارس ـ مجلهٔ باستان شناسی ـ شمارهٔ اول ـ بهار وتابستان ۱۳۳۸ ـ صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱

(۲) مجلد اول ازجلدسوم صفحات ۲۱ تا ۲۵

مستطیل بدرازای ۸۲/۱۰ متر وپهنای ۶۶/۱۰ مترساخته با تخته سنگهای بزرگ منظّم آنرا فرش کرده‌اند ودرمیان این صفّه سکوی مربّعی به بلندی ۸/۸۶ متر که هرضلع آن ۲۶/۱۰ متر بوده است بنیادنهاده‌اند وبربالای این سکّو چهار طاقی بزرگی ساخته بودند که دهانهٔ هریك از طاقهای چهار جانب آن ۱۱متر و کلفتی پایه‌های آن پنج متر بوده است و بر فراز این بنا گنبدی افراشته بدینوسیله چهار طاقی مجلّل ومعظمی درمیان صفّهٔ بزرگ برپانموده‌بودند که نه تنهابواسطهٔ بلندی آن ومشرف ومسلّط بودن برتمام شهروابنیه امتیاز خاصّی داشته است بلکه از کلیّهٔ چارطاقهای دیگرعهد ساسانی هم بزرگتر بوده است ومنارهٔ سابق‌الذّکر نیز داخل صفّهٔ بزرگ قرارمیگرفته‌است وبرای‌مراسم‌نیایش ونهادن آتش افروخته درفضای بازمحوّطهٔ وسیع ومجهّزی بشرح‌بالابامنارهٔ مزبوردروسط پایتخت‌اردشیر بابکان بوجودآورده بودند واکنون فقط مناره برپا مانده ازبقیّهٔ ابنیهٔ فوق‌چیزی باقی‌نیست‌وباخاکبرداری‌وتفحّص‌علمی‌بقایای‌آنهارامیتوان‌دردل‌خاك‌جستجونمود .

ویرانه‌های شهر قدیم فیروزآبادیا گورقدیم ضمن‌نخستین فهرست آثارملّی ذیل شمارهٔ ۱۷ درتاریخ ۲۴شهریورماه ۱۳۱۰ به ثبت تاریخی رسیده‌بنای منارهٔ فوق وویرانه‌های‌آتشگدهٔ مهمّ فیروزآبادنیزذیل شمارهٔ ۲۸۹ درتاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ در فهرست آثارملّی ایران ثبت گردیده است .

۵ ـ کاخ اردشیر بابکان

بیرون ازویرانه‌های گورقدیم‌وآثارفوق بمسافت قریب دو کیلومتری شمال آنها بنای معظم سنگی که دارای سه گنبد وایوانها ودهلیزها واطاقهای متعدّد بوده برپاست (ش۱۶۸و۱۶۹و۱۷۰و۱۷۱)وگچ بریها وتزئینات بالای‌درهای داخل بنا شبیه تزئینات بالای‌آستانه‌های سنگی تخت‌جمشید بوده (ش۱۷۲)میرساند که اردشیر بابکان در احداث کار خود بـه آثار کاخهای شاهنشاهان هخامنشی توجّه وابرازعلاقه مینموده است . بیرون‌کاخ‌هم چشمه ساروآب‌روان وبرکه ودرختان برصفا و کیفیّت این اثر تاریخی مهم می‌افزاید . مرمّت ونظافت وتجدیدساختمان

قسمتهای‌فروریختهٔ این‌بنای‌معظم همانند اقداماتی که درتخت جمشید وپاسارگاد وسروستان انجام گرفته است از آرزوهای دیرین علاقه‌مندان به مفاخر ملّی بوده باید انتظارروزی راداشت که سطح‌اقدامات‌باستانشناسی فارس‌اقتضای خاکبرداری، صحیح اساسی وکاوشهای علمی درفیروزآبادرا بنماید ضمناً کاخ اردشیر هم بنحو شایسته‌مرمّت واصلاح گردد.

کاخ اردشیربابکان ذیل شمارهٔ۸۹ درتاریخ ۱۵دیماه ۱۳۱۰ در فهرست‌آثار ملّی ایران به ثبت تاریخی رسیده است.

بطوریکه قبلا توضیح داداهمیّت‌آثار فیروزآباد بیش ازآنست کـه دراین مختصر معرّفی گردد لکن بـه تناسب گنجایش کتاب حاضر بـذکر شرح اجمالی دربارهٔ‌آن‌اکتفانمود وامیدوار است‌زودتردراین جایگاه مهمّ‌تاریخی ایران اقدام بایجادمرکزی مانندبنگاه علمی تخت‌جمشید بشود وحقّ‌آثارمزبور چه ازلحاظ خاکبرداری وکاوش علمی وچه ازنظرمرمّت وصیانت‌آثار وچه ازنظرتهیّهٔ کتابهای جامع وکافی اداگردد.[1]بنا براین صحبت خود رادراین موضوع خاتمه داده به معرّفی‌آثار واقع درحول وحوش فیروزآبادخصوصاً نواحی واقع در جنوب‌آن که قسمتی هم مربوط به شهرستان‌های بنادر خلیج فارس است می‌پردازد:

۶ ـ قدمگاه وسم دلدل درکارزین

بلوك قیر وکارزین درسمت جنوب شرقی فیروزآباد واقع گشته است، قیر تقریباًدر۶۵ کیلومتری‌جنوب‌شرقی‌فیروزآباد وکارزین‌قریب۲۰ کیلومتری‌جنوب قیرقرار دارد. دربین گردنهٔ‌کلومشک و کارزین تخت سنگ مکعّبی وجوددارد که هرجانب‌آن قریب به‌چهارمتر است وبریك طرف تخته سنگ مزبور نقش برجستهٔ شخصی‌دیده میشود که کمانی بدست دارد، این‌تخته سنگ را درمحل‌بنام قدمگاه میخوانند و اطّلاع از تاریخ نقش برجستهٔ آن نیـازمند به ملاحظهٔ نقش

۱) درموضوع قطعه ستونی‌ازعهد هخامنشی که نگارندهٔ کتاب در فروردین سال ۱۳۲۹ در یکی از باغهای فیروزآباد یا بالاده دیده‌ام ومحل آن درست بخاطرم نمانده است ضمن توضیحات مربوط به بالاده که درصفحات بعد خواهدآمد اطلاعاتی مرقوم رفته است.

مزبوراز نزدیك یالااقل عکس آن میباشد . چند فرسخ پائین‌تر یعنی جانب‌جنوب تخت سنگ مزبور چند حفره بر سنگ نمودار است که مردم بآن سم دلدل میگویند . (۱)

۷ - جادهٔ عهد ساسانی بین فیروزآباد وخلیج فارس

آقای پروفسور واندنبرگ ضمن گزارش مربوط به مسافرتش در زمستان ۱۳۳۸ که طیّ توضیحات مربوط به‌لارو نواحی‌مجاور آن بدان اشاره کردیم‌چنین مینویسد : «......توانستیم‌جاده‌ای ازعهد ساسانی‌را که مستقیماًازفیروزآبادبخلیج فارس میرفت و از کنار سیاه (۲) و دهرام و میان دشت ودزگاه وجم بطرف بندرطاهری امتداد می‌یافت طی نمائیم .

«این‌راه بطول ۲۵۰ کیلو متربوده فقط‌بوسیلهٔ قاطرمیتوان بدان‌رسید ..... هنوز در برخی محلهای آن سنگ فرش قدیمی که در صخرهٔ کوهستان تراشیده شده است وجود دارد واز وسط کوهستانها گذشته درّه های کنار سیاه و دهرام و میان دشت وجم را قطع میکند ....

« ..... این جادّه تا قرن دهم (قرن چهارم هجری) وتا هنگام‌سقوط بندر سیراف که ویرانه‌های‌آن نزدیك بندرطاهری واقع است راه‌تجارتی بود . اهمیّت اصلی‌این‌جادّه برای تاریخ عهد ساسانی خصوصاً ازنقطهٔ نظراقتصادی شایستهٔ توجّه مخصوص است . زیرا بوسیلهٔ آن ارتباط تجارت از راه دریا باداخل کشور تأمین میگشت .»

عکسی‌ازیك قطعه نمونهٔاین‌جادّه‌ضمن‌تصاویرآخر کتاب ازنظرخوانندگان عزیزمیگذرد (ش۱۷۳)

۱) اطلاعات راجع به تخته سنگ قدمگاه وسم‌دلدل توسط آقای علی‌اکبر بصیری مدیر کتابخانهٔ ملی فارس بدست‌آمده است .

۲) کنار بضم‌کاف نام پارسی سدر ودرخت سدراست که در خاك فارس بسیار معمول و مصطلح میباشد .

۸ - مجموعهٔ ابنیهٔ آتشکدهٔ بزرك عهد ساسانی

طبق آنچه در گزارش سابق‌الذّکر آقای پروفسّوروواندنبرگ اشاره شده‌است درجلگهٔ کنــار سیاه بمسافت قریب سی کیـلو متری جنوب فیروز آبادبقایای ابنیه‌ای وجوددارد که‌بنظردانشمندان‌مزبوراحتمالاً بزرگترین‌مجموعهٔ‌موجودابنیهٔ آتشکده‌هاست (ش۱۷٤) و تاکنون هم‌از آن‌اطّلاع‌نداشته‌اند طبق‌نوشتهٔ دانشمند مزبور دیوار خارجی آتشکده که هنوز آثار آن مشهود است‌بدرازای ۸۵ متر و پهنای ٤۰ متر میباشد . درون این حصار هنوز ساختمانهای آتشکده وچار طاق و منزلهای مؤبدان وراهرو های زیر زمینی بصورت نسبتاً خوبـی باقی است ، تمـام ساختمانهــا را از سنگهای لاشه که در محلّ مزبور فراهم میآید با ملاطی از گچ ساخته‌اند ، پائین تپّه‌ای که این مجموعهٔ بنابر فرازآن قرار دارد محوّطهٔ وسیعی دیده میشود که‌ازسنگهای پراکنده پوشیده است‌و بدون تردید آثارابنیهٔ مختلف میباشد .....» .

۹ - کاروانسراهای عهدساسانی

« ..... درسه کیلو متری جنوب آتشکدهٔ فوق‌الذّکرکاروانسرائی وجوددارد که‌احتمالاً متعلّق‌بعهد ساسانی‌است . این کاروانسرانمونهٔ واقعی‌جایگاه‌سکونت را در زمانهای گذشتهٔ مشرق زمین نشان میدهد و مشتمل بر صحن بزرگی است کـه در اطراف آن اطاقها واقع میباشد ، اطـاقها بسبك عهد ساسانی ساخته شده سه طرف آنها بسته است وروبه صحن کاروانسرا بازمیشود ، نقشهٔ‌کاروانسرابصورت مربّعی‌است که هرضلع آن ۳۲ متربوده تنها یك‌در ازجانب مشرق به‌بیرون‌دارد ، هراطاق بدرازای ۵/۳۰ مترو پهنای ۳/٤۰ مترو بلندی ۲ متراست .

« آثارسه کاروانسرای دیگر نیزبر سرراه فیروزآبادبه خلیج فارس‌پدیدار میباشد » (۱) .

(۱) استخراج از گزارش اختصاصی پروفسور واندنبرك .

۱۰ ـ جادهٔ عهدساسانی بین‌فیروز آباد ودارابگرد

جادّهٔ دیگر عهدساسانی بین فیروز آباد ودارابکرد هم‌از جمله آثاری‌است که ضمن تجسّسات علمی آقای پروفسّور واند نبرگ‌ در زمستان **۱۳۳۸** کشف گردید ، پروفسّور واندنبرگ ضمن گزارش اختصاصی خود در این باره چنین مینویسد :

« جادّهٔ دیگری از عهد ساسانی ازفیروزآباد بطرف فسا ودارابگرد میرفت وازطریق میمند وآسمانگرد میگذشت ودرآنجاپلی‌هم برروی‌آب فسا(قره‌آقاج یا مند) واقع بود ، در طول این جادّه هنوز بقایای ابنیهٔ عهد ساسانی بر پا است که مناسب میداند از بین آنها چارطاقیهای **کراته وزاغ** را عنوان نماید .... » .

یکی ازچار طاقیهای مورد ذکر آقای پروفسّور واندنبرگ که درطول‌راه عهد ساسانی بین فیروز آباد ودارابگرد قرار دارد درگزارش آقای علیمرادبرزو جهت بنگاه علمی تخت جمشید بعنوان « یك چار طاق بزرگ بین صمیکان ومیمند »نام برده شده است وتوضیح‌آن‌را تحت عنوان آتشکده صمیکان‌مذکور میدارد .

۱۱ ـ آتشکدهٔ صمیکان

درکتاب آثارعجم نام‌این محلّ سیمکان مرقوم رفته وچنین اشاره شده‌است که میگویند در قدیم‌کان سیم بوده است‌و بمسافت بیست وسه فرسنگی جنوب شیراز واقع میباشد (۲) اکنون صمیکان نام‌بخشی واقع درشمال غربی جهرم است که ازیك سو به شیراز واز طرف دیگر به فیروز آباد مربوط میکردد ومرکز آن نیز بهمین نام‌خوانده میشود .

مسافت صمیکان تاجهرم درحدود۶۰ کیلومتر وتاشیراز حدود۱۴۰ کیلومتر وتافیروزآباد نیزبالغ بر۶۰ کیلومترمیباشد . بین‌صمیکان وفیروزآباد قصبهٔ **میمند**

(۲) آثارعجم چاپ بمبئی محرم۱۳۱۴ صفحهٔ۱۰۹

قراردارد که مسافت آن تاهر یك ازدومحلّ نامبرده درحدود ۳۰ کیلومترمیشود. طبق گزارش آقای علیمراد برزو که قبلا بدان اشاره نمود چهار طاقی بزرگی از عهد ساسانی بین صمیکان و میمند واقع گردیده است.

باتوجّه بآنچه ضمن شرح آثار تاریخی مکشوفه در نواحی جنوبی فارس و شهرستانهای بنادر خلیج فارس گذشت وشمّه ای از آن راضمن توضیحات مربوط بآثار تاریخی لارستان ذکر نمودیم ویك قسمت هم در فصل مربوط به فیروز آباد مذکور گردید میتوان گفت که اساساً به علّت نبودن شرائط مساعد جهت تحقیقات علمی در ادوار گذشته بسیاری از امکنهٔ تاریخی فارس از نظر دانشمندان و باستان‌شناسان مکتوم‌مانده‌بودواین موضوع دراستانهای دیگرایران نیز کم‌وبیش صدق مینماید بنابر این از جملهٔ وظائف آیندهٔ باستان شناسی ایران همانطور که توجّه بآن‌هم شده است انجام مسافرتهای تحقیقی و شناساندن وضع آثار باستانی مختلف ناشناس مانده‌در سرزمین وسیع وتاریخی ایران میباشد.

اینك صحبت خودرادربارهٔ آثارتاریخی جنوبی فارس خاتمه داده‌بشرح آثار تاریخی نواحی غربی فارس می‌پردازد.

فصل پنجم - آثار تاریخی نواحی غربی فارس

پل آبگینه و کازرون ، بالاده ، جره ، فراش بند ، سر مشهد ، بیشاپور ، تنگ چوگان ، نورآباد ، فهلیان

۱ـ پل آبگینه و کازرون

شهر کازرون بمسافت ۱۲۳ کیلومتری مغرب شیراز قرار دارد وجادّه‌ای که از شیراز بدانجا میرود از کتل‌های شگفت وخطرناك معروف به کتل پیرزن و کتل دختر میگذرد ، پس از پایان یافتن کتلهای مزبور هنگامیکه بجلگه میرسند قریب دوازده کیلومتر بکازرون مانده پل آبگینه واقع شده‌است وبرانتهای دماغهٔ کوه نقش برجسته‌ای ازدوران قاجاریّه وجوددارد .

نقش برجستهٔ پل آبگینه

این نقش برجسته متعلّق باواخر عهد فتحعلیشاه بوده تصویر شاهزاده تیمورمیرزا را نشان میدهد که برصندلی شاهانه نشسته شیری رادر کنارخود نگاهداشته‌است (ش۱۷۵) زنجیر شیر جلو سینهٔ حیوان نمودار و دست چپ شاهزاده برپشت گردن شیراست واشعاری درمدح تیمورمیرزا که با عنوان تیمورشاه خوانده‌شده و درثنای او که شیری را رام نموده‌است برپهلوی نقش نوشته‌اند، چند بیت از اشعار مزبوررا دراینجانقل مینماید :

تیمورشه آنکه درجهان نامش باد | آرامش این جهان (بآرا)مش باد
شیر رمی ازمعدلتش رامین گشت | چون شیرزیدشیرفلك رامش باد

بر کوه مثال شاه تیمور است این | یا برفلك آفتاب پرنور است این
یا جلوهٔ حق فتاده برطور است این | نشکافد اگر تجلّیش دوراست این

ذکرعنوان شاه برای فرزندان فتحعلیشاه قاجار درنیمهٔدوّم سلطنت شهریار مزبورامری رایج بوده عناوین عبّاس شاه برای عبّاس میرزا در آذربایجان وبهمن شاه برای بهمن میرزا درسمنان در کتیبه‌های تاریخی معمول بوده فرزندان ارشد دیگرش نیزبدین عنوان خوانده میشدند .

برجانب راست تصویرشاهزاده نقش محمّد خان لله وبرجانب چپ اونقش منوچهرخان که قلیان بحضورشاهزاده میدهدحجّاری گردیده است،نقش خسروخان تفنگدار بردیوارهٔ سمت راست وتصویرشخص دیگری دربدنهٔ سمت چپ نموده شده نقش بازشکاری برروی پایه نیزدرجانب چپ شاهزاده حجّاری گشته است ، سرایندهٔ اشعار وصال شیرازی ونویسندهٔ آنها عبّاس ابن یحیی واستاد سنگتراش این مجلس احمد حجّار معرفی گردیده سال تاریخ آن در این ابیات سروده شده است :

وصال از بهرتاریخ چنین کار | که مزد اوبهشت جاودانست
طلب میکرد مصراعی خرد گفت | بگرد آسمانی کهکشان است

ازمصراع آخری سال تاریخ ۱۲۴۵ حاصل میشود که پنجسال پیش ازپایان سلطنت فتحعلیشاه باشد ولی درزیر آن سنگ رقمی شبیه ۱۳۱۰ نوشته‌اند که درست نمایان نیست ونمیتوان بدان استنادجست .

کازرون

برطبق نوشتهٔ کتاب آثار عجم (۱) هنگامیکه شاپور اوّل شهرشاپور را ساخت «کازرون رانیز عمارت کرد واز توابع قرارداد بعدها قبادپدرانوشیروان هم آنرا مرمّت نمود.» ودردنبالهٔ این سطوراشاره میکند که درفصل بهار« صحرا و دشت آن همه باطراوت وخضرتست واز این جهت آنجا را شهرسبز نیز گویند ودر سابق وقدیم الایّام اسم آن شهر(نورد)(۲) بوده است.»

دانشمند محترم جناب آقای محمّد حسین استخر درمقاله‌ای که بمناسبت برپاشدن مجسّمهٔ شاپوردرشمارهٔ مورّخ ۱۰فروردین ۱۳۳۷روزنامهٔ اطلاعات مرقوم داشته‌اند چنین نوشته‌اند که «شهرشاپورپس از استیلای عرب به آبادی ورونق باقی بود خرابی وویرانی آن بدست مردیاغی وستمکاری بنام ابوسعید شبان کاره که موردتعقیب سلطان محمّدسلجوقی درسال ۵۰۲ هجری بود وقوع یافت وبجای شاپور شهر کازرون فعلی بنای آبادی گذاشت.»

درشهر کازرون اثرتاریخی مهمّی سراغ نمیرود، محلّ معروف ودیدنی آن باغ نظر درخارج شهرجانب جنوبی شاهراه شیرازبه‌بوشهراست که بواسطهٔ دارابودن درختهای نارنج بلندو کهن‌سال وتنومند معروف میباشدودر کتاب فارسنامهٔ ناصری دربارهٔ آن چنین نوشته شده است: «ودرمیانهٔ جنوب ومغرب این قصبه باغ نظر است که حاجی علی‌قلی‌خان درحدودسال هزار وصد وهشتاد وچهار خیابان آنرا درخت نارنج کاشته ودرازی دوخیابان آن نزدیك بدویست ذرع وخیابان دیگرش ازصدوسی‌ذرع بیشتراست ودرختهای نارنج باغ نظر همانست که‌حاجی‌علی‌قلیخان کشته است وهنوزبخرّمی وتنومندی باقیست.»(۳)

ازجملهٔ آرامگاههای بزرگان در کازرون یکی آرامگاه شیخ ابوریحان

(۱) چاپ بمبئی محرم ۱۳۱٤قمری صفحهٔ ۲۷۹

(۲) بر وزن خورد

(۳) نقل از صفحهٔ ۲٤۹ فارسنامهٔ ناصری تألیف حاج میرزا حسن فسائی، چاپ تهران ۱۳۱۳ قمری

معروف به شیخ مرشد است که مدفنش درمحلّهٔ گنج آباد قراردارد ودر کازرون به قبر شاسجاق معروف است ، دیگر مقبرهٔ شیخ امین الدّین که ازفحول عرفا بوده مقبرهٔ بزرگ ومفصّلی داشته که اینك ویرانه‌های آن بیرون شهر درپای کوه شمال واقعست ، همچنین مقبرهٔ شیخ زین الدّین علیّ بن مسعود برادر شیخ امین الدّین وبسیاری مقابر دیگر، در ده بلیان هم مقبرهٔ شیخ عبدالله بلیانی قرار دارد ، در دوّان از توابع کازرون نیز قبرعلاّمهٔ دوّانی است . (۱)

اکنون بذکر بنای تاریخی واقع درخارج شهر کازرون که چاراطاقی آتشکدهٔ ویرانی از عهد ساسانیان باشد میپردازیم :

آتشگدهٔ کازرون

این آتشکده که چهارطاقی کوچکی است بمسافت‌ده کیلومتری جنوب شرقی کازرون واقع میباشد بدینقرار که چون از پل آبگینه به کازرون بروند ده کیلومتر پیش از رسیدن بکازرون در یك کیلومتری سمت چپ جادّه واقعست و این مکان تقریباً ابتدای راه کازرون به طرف جره وفرّاش بنداست که شرح آن خواهد آمد .

آقای مهندس م . سیرو (۲) که در سال ۱۳۱۶ بکشف این بنا نائل گردید چنین توضیح میدهد که گویا منظر دیوار کلی جلوچارطاق باعث شده باشد کسی بدان توجّه ننماید، نقشهٔ آن در کمال سادگی ومشتمل بر چهارپایهٔ سنگی بوده است که چهارطاق برفراز آن زده‌اند و گنبد شلجمی بر بالای آنها استوار نموده‌اند و تمام اینها از سنگ وملاط گچ فراوان ساخته شده بود واکنون جزسه پایه ودولنگه طاق نیمه ویران چیزی از آن نمانده است . اندازهٔ بیرون بنا تقریبا ۵/۳۰ متر در ۵/۳۰ متر وکلفتی پایه ها یك متر و دهانهٔ هریك از چهار طاقهای چهار جانب آن ۲/۵۰ متر وارتفاع تیزهٔ هر کدام از طاقهای مزبور تا کف زمین قریب ۲/۴۰ متر بوده است (۳)

---

(۱) ـ نام بزرگان فوق ازنامهٔ مورخ ۳۸/٤/۲۱ دانشمند محترم آقای علینقی بهروزی بعنوان باستان شناسی فارس استخراج و استفاده شده است

(۲) Maxime Siroux

(۳) نقل ازمجلد اول جلد سوم آثار ایران (چاپ هارلم ـ ۱۹۳۸) صفحه ۱۳۸

این بنای تاریخی در تاریخ بیستم بهمن‌ماه ۱۳۱۸ ذیل شمارهٔ ۳۳۱ درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده است ، بمسافت ۵۵ متری شمال شرقی چهار طاقی مزبور درون باروی آن چاه بزرگی که با مصالح مرغوب ساخته شده وهمچنین آثارحوض ویرانی موجوداست که مربوط بدابنیهٔ متعلّق بدآتشکدهٔ نامبرده بنظر میرسد.

بشرحی که درضمن معرّفی آثار تاریخی جره توضیح داده خواهد شد چارطاقی کازرون یکی‌ازپنج آتشکده‌ای است که مهرنرسی‌درنواحی کازرون‌وجره وفرّاش‌بند ساخته است وازنظرطرزسنگهای بادبروسبك‌ساختمان باکاخ سروستان که‌آنهم بوسیله مهرنرسی بنیادگردیده است شباهت زیاد دارد.

اینك بذکر آثارتاریخی نواحی جنوب شرقی‌کازرون یعنی بالاده وجره و فرّاش‌بندپرداخته سپس بشرح آثارشاپور ونواحی غربی‌ترآن مبادرت مینماید.

۳ ـ بالاده وجره وفراشبند

جره نام بلوك است ومرکزآن اشفایقان نام دارد که عموماً آنرانیز قصبهٔ جره میخوانند. برای رفتن بجره معمولاازکازرون به طرف پل‌آبگینه میآیند ولی مستقیماً بجانب پل نمیروند بلکه جادّه‌ای راکه‌بطورمورّب‌ازپل‌بتدریج دورشده بجانب راست متمایل میگردد ادامه میدهند و ازآبادی **فامور** و کنار دریاچهٔ پریشان یا پریشم که دریاچهٔ فامورهم مینامند گذشته بـه‌آبادی بسیار معروف **بالاده** میرسند،طیّ‌مسافت ازکازرون تابالاده‌بوسیلهٔ‌اتومبیلهائی که برای راههای‌فرعی وناهموارمناسب‌باشد درحدودسه الی چهارساعت انجام میگیرد.

دریکی ازباغهای فیروزآبادیابالاده(۱) قطعه بدنهٔ ستون شکسته ازسنگ گرانیت سبز بطول قریب ۹۰ سانتیمتروقطربیش‌از۵۰سانتیمتر بر زمین افتاده‌است

(۱) درفروردین‌ماه ۱۳۲۹ که اینجانب بفاصلهٔ ده روزآثار تاریخی فیروزآباد را بازدید نموده ضمناً از بالاده هم عبورکرده‌ام قطعه ستون مورد ذکر را در یکی ازدومحل مزبور دیدم و ازاینکه‌همان‌هنگام این مطلب را یادداشت ننموده‌ام بسیار شرمنده ومتأسف بوده امیدوارم مجدداً اطلاع صحیح دراین باره بدست‌آورم

که مربوط بدوران هخامنشی میباشد ومانند ستونهای دیگر عهد هخامنشی اطراف بدنهٔ آن بهترکهای باریک مقعّر که طرح قاشقی نامیده میشود مزیّن است. قطعات سرستون از همین نوع سنگ درتخت‌جمشید بدست آمده یك پایه ستون از همان نوع نیز در ویرانه‌های شوش پیدا شده است. وجود قطعه ستون مزبور در فیروزآباد یا بالاده باتوجّه‌به کشف بنای هخامنشی در تل‌حکوان فرمشگان این احتمال راپیش میآورد که درحول وحوش فیروزآباد یابالاده نیز بنای دیگری از هخامنشیان واحیاناً یکی ازمنزلگاههای بین تخت‌جمشیدو شوش وجود داشته‌است وبا ملاحظهٔ نقشهٔ فارس و در نظر گرفتن مسافات بین تخت جمشید و قصر ابونصر و تل‌حکوان وفیروزآباد و بالاده وموقعیّت‌محلهای مزبوراین احتمال تأیید میگردد و دور نیست بایك تفحّص وکاوش بیشتر اطّلاعات قطعی دراین باره حاصل آید.

آتشکدهٔ بزرگ جره

چارطاقی بزرگ جره که بمناسبت نام بلوك جره بدین نام خوانده میشود درتاریخ نوزدهم دیماه ۱۳۱۷ ذیل شمارهٔ ۳۱۲ بنام **آتشکدهٔ جره** درفهرست آثارملّی ایران بثبت تاریخی رسیده‌است. این چارطاقی بیرون آبادی بالاده درجانب شمال شرقی آن بر فراز بلندی مشرف برودخانهٔ جره ساخته شده تمام آن از سنگ باد بر وملاط گچ است (ش۱۷۶). درازای هرپهلوی آن بیش از ۱۴ مترمیباشد(ش۱۷۷) واز وجود بقایای ساختمانی زیاد بالای بلندی مزبور معلوم میگردد که در زمان قدیم درآنجاشهری وجودداشته است.

این آتشکده یکی دیگرازپنج آتشکده‌ایست که مهرنرسی درنقاط بین کازرون تافرّاش‌بندبنا نموده است وچون‌نام وآثاراین وزیرمعروف مکرّردراین کتاب ذکر گردیده و باز هم ذکرخواهد شدلذا مناسب میداند مطلبی راکه دربارهٔاین شخص وآثاراودر کتاب **وضع ملت ودولت ودربار دورهٔ شاهنشاهی ساسانیان** ازطبری نقل شده‌است ذکرنماید، در کتاب مزبورچنین مینویسد: «طبری مطلب‌مفیدی دربارهٔ مهرنرسی بزرگ‌فرمذار واهل‌بیت اودارد. این‌مرددررستاق

دشتبارین ورستاق جره ابنیهٔ رفیعه بنا کرد و آتشکده‌ای دردیه آبروان ساخت که چند قرن پس از انقراض ساسانیان هنوز بپا بود و بنام بانیش مهرنرسیان نامیده میشد ، درنزدیکی قریهٔ آب روان چهاردیه دیگر آباد کرد ودرهریك آتشگاهی قرار داد یکی را مخصوص بخود کرد و « فرازمراآورخدایا » نامید . سه‌آتش دیگر را زروانداذان وکارداران وماگشنسپان نامید بنام سه‌نفر برترین فرزندانش زرواندادو کاردار وماگشنسپ که ایشان‌را برای سه کار ازاعمال بزرگ مملکتی تربیت کرده‌بود . درهمین ناحیه سه باغ ترتیب‌داد دریکی ۱۲هزاراصله نخل ودر یکی۱۲هزار اصله‌زیتون ودریکی۱۲هزار سرو کاشت وتمامی این دیهها وباغها وآتشگاهها تاقرن‌سوّم هجری با حسن حالات هنوزباقی ودردست قومی ازپشت‌او بوده است»(۲)

با توجّه به نوشتهٔ بالامعلوم میشودمهرنرسی درناحیهٔ دشتبارین وجره پنج آتشکده‌ساخته است که به‌نامهای**مهرنرسیان** و**فرازمراآورخدایا** و**زروانداذان** و**کارداران**و**ماگشنسپان** خوانده‌شده است ازاین پنج آتشکده‌یکی چارطاقی است که در ده کیلومتری کازرون کنارراهی که از کازرون به جره وفرّاش‌بندمیرود واقع میباشد وشرح آن گذشت ودوّمی‌چارطاقی بزرگ بیرون بالاده است که فوقاً توضیح گردید وبمسافت قریب۵۵ کیلومتری کازرون واقع میباشد. ناگفته نماند که قصبهٔ جره بمسافت قریب۱۲ کیلومترپائین‌تر از بالاده است که برای رسیدن بدان باید ازرودجره عبور کرد ونام‌آتشگدهٔ جره باعث این اشتباه‌نباید بشود که چارطاقی فوق در قصبهٔ جره واقع باشد ، اکنون بذکرآتشگدهٔ سوّم میپردازد :

آتشگدهٔ تون سبز

چون ازبالاده بطرف جنوب روندیعنی ازرودجره گذشته قصبهٔ جره را

(۲) نقل‌ازکتاب وضع‌ملت ودولت ودربارشاهنشاهی‌ساسانیان‌تألیف پرفسورآرتور کریستنسن Prof.A.Christensen ترجمه وتحریرآقای مجتبی مینوی چاپ طهران۱۳۱٤صفحه ۳٦

پشت سر گذارندوراهرا بجانب‌جنوب ادامه دهندبه چارطاقی‌دیگری بنام**تون‌سبز** میرسند که در دشت بارین واقعست و مسافت چارطاقی اخیر تا بالا ده تقریباً با مسافت‌کازرون ببالا ده برابر میباشد ، قریهٔ آبروان کـه در نوشتهٔ طبری بدان اشاره‌شد وزادگاه مهرنرسه‌بوده است‌نیزدردشت‌بارین قرار داشته است بدینقرار چارطاقی تون سبز همان‌آتشکده‌ای است که در طبری بنام آتشکدهٔ **مهرنرسیان** معرّفی گردیده است، چارطاقی تون سبز از نظر وضع ساختمان و اندازه همانند چارطاقی بزرگ جره است وبطوریکه از روی نقشهٔ ناحیهٔ جره برمیآید آبادی بنام **خاروك** برسرراه جره به فرّاش بند کمی بالاتراز محاذات چارطاقی تون‌سبز قرار دارد و آبـادی دیگری هم بنام **گنبد** بر سر راه مزبور مختصری پائین‌تر از محاذات چارطاقی نامبرده واقعست بنابر این از قطعـه‌راه بین این دو آبادی وحول‌وحوش آنها میتوان بطرف مغرب روانه گشت و باطیّ مسافتی درحدود۲۵ الی سی کیلو متر به بنای تاریخی مزبور رسید ، اکنون از چارطاقی چهارمین که بنام آتشکدهٔ **فراش‌بند** شناخته شده است صحبت میداریم :

آتشکدهٔ فراش‌بند

چون‌راه رابجنوب ادامه دهند ومسافتی‌قریب نصف آنچه‌از بالاده‌تاآبادی گنبد یا (بخطّ‌مستقیم) از بالا ده تا آتشکدهٔ تون سبز طی شده است بپیمایند به‌آبادی‌معروف‌فرّاش بند میرسند ، ازفرّاش‌بندبدنبالهٔ‌این‌جادّهٔ‌تاریخی بفیروزآباد میرود که ابتدا کمی تا مسافتی بطرف جنوب شرقی‌امتداد دارد وسپس روبمشرق میرود تا به فیروز آباد برسد ، بر جانب چپ این جادّهٔ اخیر بیرون فرّاش‌بند چارطاقی کوچکی است که وضـع ساختمانی و اندازهٔ آن شبیه چارطاقی نزدیك کازرون است‌وچارمین‌آتشکدهٔ موجوددرناحیهٔ جره‌وحول‌وحوش‌آن‌بشمارمیآید، چارطاقی فرّاش بند در تـاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۸۸ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی‌رسیده است‌ونقاط مجاورچارطاقی‌مزبورهم که آثاروابنیهٔ باستانی را در دل نهفته دارد ذیل شمارهٔ ۱۶ در تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۱۰ در

فهرست مزبور ثبت گردیده است .

بشرح بالاچهار آتشگده‌ازپنج آتشگده‌ای که‌بگفتهٔ‌طبری‌بوسیلهٔ‌مهرنرسی دررستاق دشت بارین ورستاق‌جره ساخته شده بود مذکور افتاد، درباره‌آتشگدهٔ پنجم پس از ذکر آثار تاریخی سرمشهد توضیح داده خواهد شد .

۳ ـ آثار تاریخی سرمشهد

سرمشهدبمسافت بیش‌ازسی کیلو متری مغرب قصبهٔ‌جره واقع است و برای رفتن بآن میتوان هم ازبالاده وهم از جره رهسپار آنجا شد ، راهی که از بالاده به سرمشهد میرود جادّهٔ**چاه‌انجیر**نام دارد و از پیچ و خم کوهستان و گردنه‌هائی عبور میکند وروی‌همرفته راهی‌دشوار تر استوضمن عبور ازاین راه بنائی ازعهد ساسانیان درسمت راست جادّه در میان کوهسار دیده میشود ، راهی که از قصبهٔ جره به سر مشهد میرود موسوم به راه **داربلوط**است و قسمت اعظم آن از درّهٔ نسبتاًهمواری میگذرد وسپس‌بجانب چپ میپیچد ، طیّ‌هریك ازدوراه مزبور بین پنج تاشش ساعت‌بوسیلهٔ‌چارپایان بطول میانجامدواجمالاً آثار تاریخی سرمشهد درمحلّی است که راه رسیدن بدان بسیار دشوار میباشد .

در سرمشهد و کنار راه سرمشهد به بالا ده آثار تاریخی مهمّی وجود دارد که دراینمورد بذکر آنها مبادرت میشود :

نقش برجستهٔ بهرام دوم ونبشتهٔ‌بزرگ پهلوی

یکی ازمهمترین آثار تاریخی عهد ساسانی نقش‌برجستهٔ بهرام دوّم و کتیبهٔ بزرگ‌بخطّ‌پهلوی بربالای‌آن در سرمشهد میباشد ،این اثرتاریخی در کنارتنگه بر صخرهٔ کوهستان نزدیك چشمهٔ آب حجّاری گردیده است .

نقش برجستهٔ مزبور بدرازای ٤/٥ متروپهنا یا بلندی ۲متر بوده‌مشتمل بر تصویر بهرام‌دوّم (۲۷٦تا۲۹٦ بعدازمیلاد) پنجمین شهریار ساسانی‌است ، درسینهٔ کوه مجاور تنگه (ش۱۷۸) که‌راه سرمشهدبه‌دشت‌سوخته وخرّك وفاریاب‌وجمیله

از آن میگذرد وچشمه‌ساری در کنار تنگ جاری است صحنهٔ پیکار بهرام دوّم پنجمین شهریار ساسانی (۲۷۶ تا ۲۹۶ پس از میلاد) با دو شیر شرزه بصورت بسیار جالب وماهرانه حجّاری گردیده است (ش۱۷۹) یکی از دو شیر کشته شده بر زمین افتاده است وشیر دیگر بحال جست وحمله به شهریار نموده گردیده بهرام خنجری را که دردست راست دارد به سینهٔ حیوان فروبرده است ، پشت سر بهرام نقش سه نفر دیده میشود ونفر وسط آنها زنی است که دست چپ بهرام از عقب بجانب وی دراز شده واو آنرا با دست راست خویش گرفته است، این تصویر مظهر الههٔ ناهید است که در برخی نقوش دیگر شهریاران ساسانی هم بنظر میرسد ، شخصی که پشت سر بهرام ایستاده است تصوّر قطعی میرود **کرتیر** موبدان موبد زمان بهرام دوّم باشد که از دوران اردشیر بابکان تا عهد پادشاهی بهرام دوّم را درك نموده درزمان شاپور اوّل وفرزندان او بهرام اوّل وبهرام دوّم بالاترین مقام روحانی را توأم با نفوذ فوق العادهٔ سیاسی بدست آورده است ونبشته‌های پهلوی مفصّل نقش رجب ونقش رستم وکعبهٔ زرتشت وسرمشهد از فعّالیّتها ونفوذ او در دستگاه شاهنشاهان اوّلیهٔ ساسانی حکایت مینماید، نفری هم که پشت سر نقش الههٔ ناهید حجّاری گردیده است طبعاً وزیر بهرام دوّم باید باشد .

لباس بهرام دوّم مانند نقوش دیگر شاهنشاهان ساسانی با چین خوردگیهای زیبائی نموده شده است ، تاج بهرام مزیّن به نقش دوبال بر طرفین وگوی بسیار بزرگی برفرق میباشد .

گوی بالای تاج در گوشهٔ پائین سمت چپ لوحهٔ نبشتهٔ پهلوی که برفراز مجلس حجّاری فوق نقر گردیده است قرار دارد وبدینقرار کتیبهٔ بزرگ سرمشهد از بالای اواسط نقش رو بجانب راست واقع شده است .

کتیبهٔ مزبور بدرازی ۵/۲۰ متر وپهنا یابلندی ۲/۷۰ متر در ارتفاع ۲۵ متری از کف زمین درست بالای نقش برجستهٔ سابق الذّکر واقع گردیده است و از لحاظ اندازه بزرگترین کتیبهٔ پهلوی عهد ساسانی ایران بشمار میرود ومضمون آن با نبشتهٔ پهلوی کعبهٔ زرتشت یکسان بوده مجموع نبشته‌های پهلوی نقش رجب (بیرون از نقش

برجستهٔ اردشیر بابکان و برجانب چپ آن) و نقش رستم (پشت سر نقش شاپور اوّل) را در بر دارد.

نقش برجستهٔ سرمشهد و سنگ نبشتهٔ پهلوی بالای آن در تاریخ بیستم بهمن ماه ۱۳۱۸ ذیل شمارهٔ ۳۳۶ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است.

ویرانه‌های خندجان

بمسافت شش کیلومتری شمال شرقی سرمشهد آثار شهری مدفون در دل خاك موجوداست که آنرا درمحل **خندجان** مینامند، دراین محل ابنیهٔ سنگی فراوانی که تبدیل به تپّه‌های کوچك شده پدیدار است ودرقسمتی از آن بنائی شبیه قلعه باچهار برج کوچك درچهار گوشه وخندقی در اطراف آن وجود دارد ودرطرف دیگر بالای تپّهٔ بلندی آثارساختمانی موجوداست که اهل محل آنرا نقاره‌خانه میخوانند، بنای مفصّلی شبیه کاروانسرا درجانب دیگر ویرانه‌های مزبورقرار دارد ووضع آن میرساند که مدّتها پس ازخرابی شهرهم مورد استفاده بوده است، بمسافتی ازاین ویرانه‌ها نزدیك کوهستان کنار راه سرمشهد به‌بالا ده حصار چهار گوش عظیمی است که خندق مفصّلی اطراف آن رافرا گرفته است، اجمالاً میتوان گفت بافراهم بودن اعتبار کافی واشخاص ذیفن وتهیّهٔ مقدّمات لازم محلّ شهرقدیم خندجان جهت کاوش علمی مناسبت دارد.

گور دختر وخزینه

طبق اظهارساکنین سرمشهد بمسافت قریب ده کیلومتری جنوب شرقی آنجا در کوهستان بنای سنگی بنام **گوردختر** موجوداست و باآنچه دربارهٔ آن حکایت مینمودند چنین بنظرمیرسد از دخمه‌های آغاز دوران هخامنشی شبیه آرامگاه کورش یاتخت رستم یا کعبهٔ زرتشت باشد وشاید هم بنائی از عهد ساسانیان است و بهرحال موضوع شایستهٔ تحقیق وتجسّس علمی است و همچنین از بنای سربستهٔ دیگری صحبت میداشتند که نزدیك گوردختر واقع است وبنام **خزینه** خوانده میشود ودهانهٔ آنرا تاکنون نتوانسته‌اند بازنمایند وبرخی ازافراد نادان ایل دره شوری

از تیره‌های قشقائی که‌از آنجا میگذرند تا کنون چندبار خواسته‌اند بنای‌مزبوررا باز کنند وخوشبختانه نتوانسته‌اند،البتّه این قسمت هم برای رسیدگی و سرکشی بوسیلهٔ اهل‌فن‌شایستهٔ توجّه‌وتحقیق است .

بطوریکه در آغازشرح آثارسرمشهداشاره‌نمودنزدیك جادّه‌ای که از بالاده به سرمشهد میرود در میان کوهسار قسمتهائی از بنای‌سنگی عهد ساسانی مشاهده میشود وبامختصر بررسی دربارهٔ آن بخوبی‌میتوان‌پنداشت که‌آثارمزبور بقایـای آتشکدهٔ دیگری‌ازمهر نرسی‌باشد .

آتشکدهٔ فراز مرآور خدایا

همانطور که درنقل نوشتهٔ طبری ملاحظه شد مهرنرسی علاوه بر آتشکدهٔ مهرنرسیان چهار آتشکدهٔ دیگر درچهاردهی که نزدیك روستای **آب‌روان** آباد کرده بود ساخت ، سه‌عدد از این چهار آتشکده چارطاقیهای بالاده و کازرون وفرّاش‌بنداست که توضیح آنها گذشت آتشکدهٔ دیگررامرحوم پروفسّورهرتسفلد دیده‌طرح‌ونقشهٔ آنرا همراه‌با توضیحات‌لازم‌در کتاب‌تاریخ باستانشناسی ایران(۱) طیّ صفحات ۹۱تا۹۳ وتصاویر۱۲و۱۳ذکروارائه نموده‌است وآقای گدار که‌آنرا ندیده است ازروی‌نقشه وطرح سابق‌الذّکر وبا استناد باظهارات کدخدای فامور وساکنین دیگر آنحدود که گفته‌اند درناحیهٔ جره بطور قطع فقط چهاربنـای چارطاق‌وجوددارد چنین‌اظهارنظرنموده‌است که‌بنای‌مورد ذکر مرحوم‌پروفسّور هرتسفلد آتشکده نبوده وکلیسائی از عهد ساسانیانست (۲) ، آنطور که در نقشهٔ بنای مزبورملاحظه میشود یك چارطاقی در وسط واقع گردیده ودهلیزی چهار جانب آنرا احاطه نموده‌است وهرجانب دهلیزهم دروسط یعنی مقابل چهار دهانهٔ چارطاقی‌بازو گشاده‌است‌وازهیچ‌طرف‌مسدودنیست،مرحوم پروفسّورهرتسفلدمحلّ این‌بنا رانزدیك‌جره بطورمبهم ذکر میکنند وبدین لحاظ بخوبی‌میتوان اطمینان

(۱) Archaeological History of Iran

(۲) مجلد اول جلد سوم کتاب آثار ایران چاپ هارلم ـ۱۹۳۸ـ صفحات ۵۸و۱۷۲

داشت که بنای نامبرده هم یکی از آتشکده‌های پنجگانه‌ای باشد که مهرنرسی در حول وحوش جره ساخته است وچون نقشهٔ آن نسبت به چهار آتشکدهٔ دیگر تمایزی دارد ومحلّ آن هم در کوهستان است لذا چنین بنظر میرسد همان آتشکده‌ای باشد که مهرنرسی آنرا مخصوص خود نموده است و نام «**فرازمرا آورخدایا**» باموقعیّت آن در بالای کوهسار هم مؤیّد این معنی تواند بود .

ناگفته نماند که مهرنرسی وزیری معتقد به آئین ملّی ایرانیان (زرتشتی) ومتعصّب در آن بوده است واحداث کلیسا دراراضی و املاك وی در دوران ساسانی منطقی بنظر نمیرسد .

با توجّه بآنچه گذشت معلوم میگردد درسر راه قدیم کازرون به فیروزآباد پنج آتشکده موجود است و ناحیهٔ جره از لحاظ در بر داشتن ابنیهٔ مزبور و بقایای ساختمانها و آبادیهای مهرنرسی وزیر معروف عهد ساسانی یکی از نواحی معتبر تاریخی ایران بشمار میرود و اساساً همانطور که درپایان شرح آثار فیروزآباد اشاره نمود میدان تحقیق وتجسّس درهر قسمت خاك فارس واز جمله نواحی حول وحوش جره و سرمشهد هم بسیار وسیع وباقی بوده نیازمند تفحّصات دامنه‌دار است(۱)

درحال حاضر تمام این آتشکده‌ها ویادگارهای مهرنرسی در معرض تباهی وویرانی روز افزون است وانتظار روزی میرود که موجبات وشرائط کار برای تعمیر ومرمّت وحفظ آنها طبق اصول فنّی وانجام کاوشها وتجسّسات علمی در ناحیهٔ تاریخی جره وحول وحوش آن فراهم گردد وبدیهی است که‌چنین اقدامی علاوه بر آنچه از طرف مقامات مربوط دولتی و ملّی انجام میشود نیازمند علاقه و توجّه مالکین محترمی است که این ابنیهٔ تاریخی در املاکشان واقع گردیده است ویقیناً درموقع خود اینگونه مالکین هم حقّ چنین مایملکی راادامیکنندودر تعمیر وحفظ ومراقبت آنهاخودرا ذیسهم ومفتخر میشناسند .

---

(۱) نگارندهٔ کتاب ضمن مقاله‌ای تحت‌عنوان اهمیت‌تاریخی جره در سرزمین فارس درشمارهٔ سوم وچهارم مجلهٔ باستان‌شناسی - پائیزوزمستان ۱۳۳۸ - توضیحات بیشتر دربارهٔ پنج آتشکدهٔ فوق و کاخ مهرنرسی و سایرآثارتاریخی ناحیهٔ جره وسرمشهد ذکر نموده‌ام .

اینك از نواحی جنوب و جنوب شرقی کازرون بجانب غربی کازرون پرداخته سراغ آثار مهمّ تاریخی آنحدود میرویم :

۴- بیشاپور و تنگ چوگان

ویرانه‌های شهر شاپور بمسافت قریب بیست‌وپنج کیلومتری مغرب کازرون کنار جادّهٔ فهلیان واقع گردیده است ونام‌اصلی آن **بیشاپور** میباشد ، برای‌رفتن به‌آنجاازکازرون‌راه بوشهر را پیش میگیرند وقریب دوازده کیلومتر که جادّهٔ مزبوررا طی نمایند به‌قهوه‌خانه وآبادی **بر کتك** میرسند ، در آنجا راه بدوجانب منشعب میگردداز جانب چپ دنبالهٔ‌راهی‌است که‌به‌برازجان‌وبوشهر میرودواز جانب راست به‌فهلیان ونقاط دورتر تانواحی‌مختلف خوزستان میروند،راهی که‌به‌فهلیان میرود همانست که از کنار آثار تاریخی وویرانه‌های بیشاپورعبور میکندودرحدود ۱۳ کیلومتر که از بر کتك بگذرندبدانجامیرسند ،آثار تاریخی‌این محلّ‌ازطرفی مشتمل بر ویرانه‌های شهر بیشاپورمیباشد که‌شامل کاخها و آتشکدهٔ‌معظم ودژوپل وابنیهٔ‌مختلف‌دیگربوده‌است‌وازطرف‌دیگرنقوش‌برجستهٔ متعدّدشاهنشاهان‌ساسانی بردو جانب تنگ چوگان وهمچنین مجسّمهٔ سترك‌شاپور اوّل در غار شاپور بالای کوهستان‌واقعست وبطور کلّی باید گفت که‌بازهم یکی‌ازنقاط تاریخی درجهٔ اوّل ومهمّ کشور باستانی‌ایران دراین‌محل‌واقع گردیده است که اینك بذکر اجمالی هر يك از آثار تاریخی موجود در آن‌میپردازد :

ویرانه‌های‌شهر بیشاپور

درجانب چپ‌جادّه‌ای که‌بفهلیان میرود محوّطه‌ای که درازای‌آن‌از شمال شرقی بجنوب غربی‌درحدود يك کیلومترو نیم‌وپهنای آن ازجنوب‌شرقی به‌شمال غربی قریب يك کیلومتر است آثار وبقایای شهر بیشاپور را تشکیل میدهد ، رود شاپورازمیان‌درّه‌ای که درشمال‌شرقی این‌محلّ واقع‌است وتنگ چوگان نام‌دارد بطرف‌آن‌جاری‌میباشدواز جانب‌جنوب‌غربی‌بیشاپورمیگذردوآثارپلی که‌بیشاپوررا

با جانب دیگر رودخانه مربوط میساخته تقریباً در محاذات وسط ویرانه‌های مزبور نمودار است ، این شهرازجمله شهرهائیست که بوسیلهٔ شاپور اوّل احداث شدو کاخها و آتشکدهٔ بزرگ ومجسّمه ونبشته‌های پهلوی و دژوپل و ابنیهٔ متعدّد دیگردرآن‌بنیاد گردید که جزقسمت‌مختصری ازآنها بقیّهٔ آثاردردل خاك‌مستور است وانتظار روزی میرود که‌شرائط و مقتضیات ووسایل کار برای پرده برداری خاك وروشن نمودن‌وضع آثارمدفون طوری فراهم آید که درعین حال موجبات حفظو مرمّت آنها نیز تأمین باشد ، در خلال سالهای ۱۳۱٤ تا ۱۳۱۹ خورشیدی باستانشناسان فرانسوی‌دراین محلّ مهمّ تاریخی‌ایران‌کاوشهاوخاکبرداریهای‌علمی انجام دادند وچون دروسط‌جانب‌شمالی ویرانه‌های‌مزبور دیواری‌از سنگهای‌تراش باپیکرهای سنگی‌حیوانات برفرازآن مشهود بود لذاخاکبرداری خودرا ازآنجا آغاز نمودند ودر نتیجه بنای آتشکدهٔ مهمّی که مشتمل برحیاط چهار گوش عالی ازسنگهای تراش منظّم وممتاز باگیلوئی زیبا بربالای دیوار (ش۱۸۰) و دهلیزها ودرها وپلّکان‌سنگی بود کشف گردیدومتّصل به‌آتشکده‌در جانب‌مشرق آن‌بقایای کاخ معظمی هویدا گشت که تالارعظیم بیست ضلعی با دهلیزهای پشت تالار وحیاطهای‌متعدّددرجوانب آن‌رادربر داشت(ش۱۸۱) نقشهٔ تالاربزرگ‌بدینگونه است که طرح‌مربّعی بریزند ودروسط هرضلع ِ مربّع شاه نشینی احداث نمایند ، عمق شاه‌نشین وطول‌هر ضلع‌مربّع طوری‌متناسب منظور گردیده است که تالار بزرگ بصورت محوّطهٔ‌وسیع ۲۰ضلعی درمی‌آید وازانتهای هریك ازشاه نشینها دری بازمیشود که‌تالاررا به‌دهلیزهای پشت‌آن مربوط میسازد،درهرطرف هریك ازاین‌چهار در دوطاقچهٔ‌بلند ودرهر یك از۱٦ضلع دیگرتالارسه طاقچه دردیوار ایجاد کرده‌اند، درون طاقچه‌هامزیّن به گچ‌بریهائی بشکل گل وبوته وحاشیه‌است وبرروی هم تالار عظیم‌سلطنتی بوجودآورده‌اند که‌هرضلع قسمت‌مربّع‌آن قریب ۲۲متروازانتهای‌هرشاه‌نشین به‌انتهای شاه‌نشین‌مقابل‌آن‌بالغ‌بر ۳۷ متر میشده‌است وازنظر وسعت وعظمت درنوع‌خود درمیان‌آثار عهدساسانی بی‌نظیر میباشد ، درکناره‌های کف‌حیاط ِ واقع‌درجنوب‌غربی ِ تالاربزرگ ِ مزبوروایوان واقع در

شمال شرقی آن نقوش موزائیك سنگی مشتمل بر تصاویر بانوان و مردان و سرهای متعدّد زن و مرد و شکل فرشته و مرغ و درخت و حاشیه‌های مختلف بطرز بدیع واستادانه بکار رفته بود که قسمتهائی از آنها ضمن خاکبرداری نمایان گشت و آنچه از لطمات و سوانح مختلف بدر رفت زینت بخش موزهٔ ایران باستان و موزهٔ لوور گردید.

بمسافت کمتر از صدمتری مشرق آثار فوق بقایای کاخ دیگری وجود دارد که خاکبرداری قسمتی از آن انجام گرفته وبقیّهٔ آن مانند بقیّهٔ تالار بزرگ وابنیهٔ دیگر وقسمت اعظم بیشاپور در زیر خاك محفوظ است.

در وسط ویرانه‌های بیشاپور قسمتهائی از دو پایهٔ سنگی متّصل بهم کشف گردید که هر کدام از سه پلکان مربّع بالای یکدیگر تشکیل میشده برفراز هر پایه ستونی بلند تماماً از سنگ سفید یك پارچه نصب بود وجلو دو ستون سکّوی مربّعی از سنگ سفید ساخته بودند وپایه‌های کوچکتری در طرفین سکّو نهاده بودند، بربالای یکی از ستونها نبشته‌ای بدو خط پهلوی اشکانی وساسانی در ۱۶ سطر نقر گردیده نام شاپور اوّل وپدر ونیای اورا دربر داشت واشاره باین شده بود که **آپاسای** منشی پیکر شاپور و آثار نامبرده را در محلّ مزبور ساخته وزر وسیم ویك باغ ویك معبد خلعت گرفته است، اکنون ستونهای مزبور سر نگون در کنار سکّو و پایه ها دیده میشود (ش ۱۸۲)

شهر بیشاپور در قرون اوّل اسلام نیز مسکون و آباد بود وهنوز هم بقایای ابنیه‌ای از آنعهد در قسمت جنوبی ویرانه‌های شهر موجود ومشهود است (ش ۱۸۳ و ۱۸٤) وبشرحی که ضمن توضیح دربارهٔ کازرون اشاره نمود در سال ۵۰۲ هجری بوسیلهٔ ابوسعید شبانکاره ویران شد وشهر کازرون جایگزین آن گردید،

درجانب شمال شرقی بیشاپور بالای کوهستان ویرانه‌های قلعهٔ مستحکمی وجود دارد که مربوط ومتعلّق به شهر مزبور وقلعهٔ نظامی آن بوده است وما نند بعض دیگر از اینگونه قلاع بنام قلعه دختر خوانده میشود (ش ۱۸۵)

آثار بیشاپور در تاریخ ۲٤ شهریور ماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲٤ در فهرست

آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

تنگ چوگان و نقوش برجستهٔ آن

بطوریکه گذشت رود شاپور از میان درّهٔ موسوم به تنگ چوگان از جانب شمال شرقی بیشاپور بسوی آن‌جاری است ، تنگ چوگان نیز بنوبهٔ‌خود آثار تاریخی مهمّی مشتمل بر نقوش برجستهٔ متعدّد شاهنشاهان ساسانی را دربردارد ومجسّمهٔ‌بزرگ شاپوراوّل‌هم درون شکفتی در کنار آنست که ذکر آن خواهد آمد .

جادّه‌ای که‌ازبیشاپورداخل تنگ میشوداز پائین کوه‌برجانب راست تنگ میگذرد و نقوش برجسته بربدنه های دو سمت تنگ ودر ابتدای آن حجّاری گردیده است وچون از ویرانه‌های بیشاپور وارد تنگ شوند دو مجلس بر بدنهٔ سمت راست وچهار مجلس‌بربدنهٔ‌سمت‌چپ قرار میگیرد که‌ذیلاً بتوضیح هریك‌از آنها میپردازد :

دو نقش جانب راست

نقش اول :

در ابتدای تنگ زیر دست قلعه دختر سابق الذّکر نزدیك جادّه نقش برجسته‌ای بدرازای متجاوز از ده متر و پهنا یا بلندی قریب ٥ متر دیده میشود که‌قسمت‌اعظم‌آن آسیب دیده و ریخته است ، این نقش برجسته صحنهٔ پیروزی شاپور اوّل بروالرین راتوأم بادریافت شعار شهریاری از اهورامزدا نشان میدهد، زیر پای اسب‌شاپور پیکری‌برزمین خفته که مانند موارد نظیرآن نشانهٔ شکست دشمن شهریار ومنکوبی اوست .

نقش دوم :

بمسافت مختصری بعداز نقش‌اوّل دوّمین‌نقش برجسته کمی‌بالاتر از آن

دیده‌میشود، درازای این نقش برجسته سیزده‌متر و نیم و پهنا یا بلندی آن قریب پنج‌متر است و مرکّب‌از هشت قسمت میباشد، در قسمت‌وسط یکبار دیگر صحنهٔ پیروزی شاپور اوّل بر والرین نموده شده‌است (ش۱۸۶) فرشته‌ای از جانب بالا بجانب‌سر شاپور قرار گرفته شعار پیروزی را بسوی‌او می‌آورد، والرین روبروی شاپور زانو زده ودشمن شاپورهم زیرپای اسب پادشاه برزمین افتاده است، شاپور سوار بر اسب دست راست **سیریادیس** را که‌ازطرف آن شهریار بجانشینی والرین برگزیده‌شده بردست‌راست خود گرفته‌است، پشت سر والرین دونفراز بزرگان دربار شاپور بحال کُرْنِشْ ایستاده‌اند، برجانب‌راست‌این صحنهٔ پیروزی پنج‌بدنه‌ودرهر بدنه نقش‌سه‌نفر پیاده‌حجّاری گردیده‌است که‌نیزه یاشمشیر یاپتك یابند یاسپر بدست دارندو بحال کرنش واحترام ایستاده‌اند (ش۱۸۷)، برجانب‌چپ که پشت سرشاپور قرار دارد دوبدنه درهربدنه نقش پنج نفر از سرداران وبزرگان ساسانی سوار براسب‌حجّاری شده‌است که‌انگشت دست راست‌را بحال خمیده روببالا گرفته بدین ترتیب درحضور شاهنشاه خود تعظیم واحترام گذارده‌اند، باین حجّاری‌هم آسیب ولطمهٔ فراوان وارد آمده است.

چهار نقش جانب چپ

نقش اول:

برای رفتن بسمت‌دیگر تنگ بایدبجادّهٔ کازرون به‌فهلیان برگشت واز پل عبور کرد وباز بسوی کوهستان پیچید، دراین‌جانب تنگ نهرآب بزرگی رااز رود شاپور جدا کرده باراضی زیردست میبرندلذا برای‌رسیدن بنقوش‌برجسته‌ناگزیر ازعبورازنهرآب خواهند بود.

نخستین نقش برجستهٔ این‌سوی تنگ‌لوحهٔ بسیاربزرگی‌است که بطورمنحنی ومقعّردرسنگ کوه‌تراشیده‌اند (ش۱۸۸) ودروسط آن صحنهٔ پیروزی‌شاپور اوّل بروالرین‌حجّاری شده است، درجانب راست که روبروی شاپور وپشت‌سروالرین واقع میگردد چهار ردیف حجّاری مشتمل برنقوش‌لشکریان رومی‌بالوازم‌جنگ

وقلعه کوبی وغنائمی که‌از ایشان بدست آمده‌است دیده‌میشود (ش۱۸۹) ودرجانب چپ یعنی پشت‌سر شاپور نقوش چهارردیف سواران ایرانی بانظم وابهّت مخصوص بحال احترام نمودارمیباشد.

این مجلس بزرگترین نقش برجستهٔ عهد ساسانی است که‌در آن شاپور اوّل صحنهٔ پیروزی خودرابر والرین بصورت کاملتری مجسّم ساخته است‌وچون صحنهٔ پیروزی فوق مجموعاً درپنج محلّ حجّاری گردیده‌است(یکی درنقش رستم و یکی‌در نقش برجستهٔ داراب وسه‌نقش در تنگ چوگان)لذابیمورد نیست باصل این سرگذشت هم اشاره اجمالی بشود.

درمیان پیکارهای مداومی که‌ازعهد اشکانیان وساسانیان همواره بین دولتین ایران وروم درمیگرفت پیروزی شاپور اوّل بر امپراطوروالریانوس که رومیان والرین میگفتند وبسال ۲۶۰ میلادی اتّفاق افتاد بسیارمهم ودارای تأثیرات مختلف وفراوان بود، دراین نبرد شاپور در نزدیکی شهر **الرها** یا **اورفا** از شهرهای انطاکیّه امپراطور والرین راباهفتاد هزاررومی اسیرنمود و ازاین اسیران برای کارهای عمرانی خصوصاً ساختمان پلها و سدّها وشهرها و راهها در خوزستان وقسمتی‌هم درلرستان استفاده کردوبه‌نشانهٔ پیروزی‌خویش‌صحنهٔ فوق‌رادرمحلهای مختلف بصورت نقوش برجسته برجاگذارد ،نام‌والرین یا والریانوس در شاهنامه بعنوان بُرانوش آمده وحکیم فردوسی‌نیز اشاره به‌شکست امپراطورمزبور نموده وچنین سروده است :

بُرانوش جنگی بقلب اندرون   گرفتار شد با دلی پر زخون

نقش دوم :

پس‌از نقش‌برجستهٔ عظیم مزبورنقش‌برجستهٔ دیگری است که‌درپائین کوه ایجاد کرده‌اند ونهر آب‌ازسراسروسط آن‌طیّ قرون متمادی میگذشت ودرنتیجهٔ عبور مداوم آب‌حفرهٔ عمیقی‌درطول قسمت وسط‌نقش بوجود آمده است ، درسال ۱۳۱۶ شادروان ابراهیم ضرغام بازرس اعزامی باستانشناسی در کاوشهای علمی

بیشاپور برای انحراف نهر آب و آزادساختن اثر تاریخی نامبرده مجاهدتها و زحمات فراوان تحمّل نمود تا بانجام این خدمت نائل آمد، این نقش صحنهٔ پیروزی بهرام دوّم (۲۷۷–۲۹۳ میلادی) را بر بادیه‌نشینان عرب نشان میدهد، بهرام دوّم سوار بر اسب است و پری بر تارك و ترکشی بر جانب راست دارد و اعراب اسب و شتر برای شهریار خود هدیه آورده‌اند.

نقش سوم :

پس از این نقش برجسته به‌نقش برجستهٔ دیگری میرسند که تصویر دونفر را سوار بر اسب نشان میدهد، این نقش برجسته برلوحه‌ای بدرازای قریب ۹/۵ متر و پهنا یا بلندی بیش از چهارمتر است، نفر سمت چپ مظهر اهورامزدا است که شعار پادشاهی را به بهرام اوّل (۲۷۳–۲۷۷ میلادی) عطامیکند، سوار سمت راست بهرام اوّل است و پشت سراو نبشتهٔ پهلوی نقر گردیده‌ نام بهرام اوّل و پدرش شاپور و نیای او اردشیر بابکان توام باثنای اورمزد در آن مذکور میباشد.

این مجلس حجّاری از نقوش برجستهٔ بسیار عالی و استادانه و محتشم عصر ساسانی بشمار میرود و عکس آن باعکس نقش برجستهٔ بعدی ضمن تصاویر آخر کتاب یکجا نموده شده‌است (ش ۱۹۰)

نقش برجستهٔ چهارم

آخرین نقش برجستهٔ تنگ چوگان بعداز نقش برجستهٔ پیشین و کمی بالاتر از آن حجّاری گردیده و آن نیز از نقوش برجستهٔ بزرگ عهد ساسانی است، درازای آن قریب ده‌متر و نیم و پهنا یا بلندی آن قریب پنج‌متر میباشد (ش ۱۹۰)، در این نقش برجسته تصویر شاپور دوّم یا شاپور ذوالاکتاف را در بالا و وسط نقش حجّاری نموده‌اند که از روبرو نشسته شمشیرش را بردست چپ گرفته و دست راست خودرا به‌عصای بلند یا گرز شهریاری تکیه‌داده‌است و دو ردیف نقوش برجسته بر هر جانب نقش دیده‌میشود، نقوش جانب چپ بزرگان درباروسران لشکری واسب جنگی مخصوص شهریار را

مینمایاند ، درقسمت راست لوحه نقوش اسیران مغلوب ودژخیمی که سرهای بریدهٔ مخالفین را در دست گرفته است و ایرانیانی که دشمنان شکست خورده وغنیمتهای جنگ را بحضور می آورند دیده میشود ، این نقش برجسته از لحاظ هنر حجّاری تعریفی ندارد و سازندگان آن استادان ماهری نبوده‌اند ولکن پیروزی مهمّی را که شاپور دوّم در اواخر سلطنتش در نواحی دوردست شرقی کشورخود بدست آورده است نشان میدهد .

نقوش برجستهٔ تنگ چوگان در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۱۵۸ درفهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

اینك بشرح اثر تاریخی مهمّ دیگر تنگ چوگان که مجسّمهٔ شاپور وغار شاپور است میپردازیم :

مجسمه وشکفت شاپور

بمسافت قریب چهار کیلومتر بخط مستقیم در شمال شرقی آثار بیشاپور و نقوش برجستهٔ سابق الذّکر در بالای کوهستان برجانب چپ تنگ چوگان غار بزرگی وجود دارد که مجسّمهٔ عظیم شاپور اوّل درون آنست و برای رفتن به غار باید راهی را که از پای کوهستان در سمت راست تنگ چوگان میگذرد بپیمایند و در محلّی بالاتر ازمحاذات غار که گدار رود خانهٔ شاپور برای عبور اتومبیل جیپ وچارپایان وغیره مساعداست از رود مزبور بگذرند ودردامنهٔ روبرو راهی را که به همّت سپاه فارس درسالهای اخیر ایجاد گردیده است قسمتی بااتومبیل وقسمتی وسیلهٔ اسب یاپیاده طیّ کنند واز پلکانهای مفصّل وطولانی که سپاه مزبور در انتهای راه ساخته‌اند بالا رفته به غار یا شکفت تاریخی عجیبی که شاپور اوّل برای نصب مجسّمهٔ خویش وباحتمال نزدیك بیقین جهت آرامگاه ابدی خویش برگزیده است برسند .

طول دهانهٔ غار درسابق قریب شانزده متر وبلندی آن کمتر از نصف آن بود ولی درسالهای اخیر که سپاه فارس همّت به برپا کردن مجسّمه نمود دهانهٔ غار را از آنچه

بودبزرگتر کردند، درون غاربسیاروسیع وعمیق‌است و کف مدخل‌غار بلندتر از داخل آنست،هنگامیکه به‌غارمیرسندبه‌صفّه‌ای که‌درابتدای‌غار ترتیب‌داده شده‌است پائین میروند ومجسّمهٔ عظیم شاپور اوّل را در سطح پائینتر ملاحظه میکنند که برروی تخته سنگ‌اصلی‌استوار گردیده‌است، سروبدن مجسّمه بحال اصلی باقی و دستها وپاهای آن شکسته است،مجسّمهٔ مزبور در قرون سابق براثر سنگینی‌زیاد واژگون گردیده متدرّ جاًقسمتهائی‌ازپا ودست‌آنهم شکستگی‌بیشتر یافته‌قطعات بزرگ‌آن ازمجسّمه جداشده بود(ش۱۹۱) ازچند سال‌پیش سپاه فارس‌به احداث راه و تهیّهٔ وسایل بر پا کردن مجسّمه پرداخت و در سال ۱۳۳۶ موفّق بـه نصب مجسّمه برروی دو پایهٔ بتون مسلّح گردید و قطعات جدای دست و پـای مجسّمه راهم در کنار آن نهادند(ش۱۹۲) ارتفاع تمام مجسّمه درحدود هفت مترو پهنای شانه‌های آن‌قریب ۲ مترو‌پهنای دستهادرمحلّی که ازبدن دورتر قراردارد‌نزدیك به سه متر میشود ، بفرمان شاپور اوّل صخرهٔ بزرگی را که در وسط غار بصورت طبیعی قرار داشته است تراشیده مجسّمه را از آن در آورده‌اند ، بر دیواره‌هـای دوجانب غارلوحه‌های صافی‌تعبیه نموده‌اند وشایدقصد نبشتن‌خطوط یاایجاد نقوشی برآنها راداشته‌اند ، داخل غار سرازیر میرود وبحوضهای آب میرسدودالانها و دهلیزهای زیر کوهستان ازآن‌به‌دل کوه راه دارد وبادخول وپیشرفت درآنها به حوضها وآب‌چکّه‌های‌سقف وطاقنماهاوچاه وغیره‌میرسند پس‌ازآنهم به محلّهائی منتهی میگردد که‌آب مانع ادامهٔ راه میشود ،باحتمال نزدیك به یقین علاوه بر مجسّمهٔ سترك شاپور اوّل آرامگاه ابدی آن شهریار هم دراین‌غار منظور گردیده بوده است .

مجسّمهٔ شاپور ذیل شماره ۱۵۹ در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است .

تنگ چوکان رابنامهای تنگ چکان وتنگ چکو وتنگ‌چکون وتنگ چکاوهم‌میخوانند .

۵ ـ آثار تاریخی ممسنی

خاك ممسنی در سمت شمال غربی کازرون واقع بوده ودر کتاب آثار عجم بنام **شولستان** نیز ذکر شده‌است ، پس از عبور ازویرانه‌های بیشابور از طریق **چنارشاهیجان** راهرا ادامه میدهند و پس‌ازطیّ درحدود پنجاه کیلومتر به قصبهٔ **نورآباد** یا **مالکی** میرسند که مرکزعمدهٔ ممسنی محسوب میشود ، در خاك‌ممسنی آثارتاریخی بسیارمهم‌وقدیمی‌هست که بارعایت‌ترتیب رسیدن به‌آنها ازراه مزبور بذکر ومعرّفی هریك میپردازیم :

نقش بهرام‌درسرآب بهرام

قریب نه کیلومترپیش از آنکه از کازرون به‌نورآباد برسند درسمت‌راست جادّهٔ پائین کوهستان درمحوّطهٔ بسیار مصفّائی که بنام سرآب بهرام خوانده‌میشود نقش برجسته‌ای‌بدرازای ۳/۸۵متروپهنایابلندی ۲/۹۰ متربرسنگ حجّاری کرده‌اند، دراین‌مکان آب‌ازچشمه سارزیبائی بیرون آمده جاری میشودومحلّ وسیع‌بانزهتی برای تفریح و استراحت است ، تصویر بهرام دوّم که نقوش‌برجستهٔ دیگر او را درنقش رستم‌و کویوم وسرمشهد وتنگ چوگان سابقاً مذکور داشتیم دراین نقش برجسته دیده میشود که‌دروسطاز روبرو نشسته درهر جانب اودو نفر ازبزرگان ساسانی بحال احترام ایستاده مانند صحنه‌های دیگر نظیر آن انگشت سبّابه رابه نشانهٔ تعظیم بطور خمیده روبیالا نگاه داشته‌اند (ش۱۹۳وش۱۹٤)

برج نور آباد

اثر تاریخی مهمّ دیگری درجانب غربی نور آباد وخارج از آن وجود دارد که برج‌سنگی‌چهار گوش‌معظم‌ومنظّمی‌بوده آتشکده‌ای‌ازعهداشکانیانست‌وبنامهای **دیمی‌میل و میل‌اژدها** خوانده میشود،این‌بنای تاریخی مهم ومنحصر بفردبمسافت هفت کیلومتری‌بخطّ مستقیم‌درسمت‌مغرب نورآباددرپائین‌دامنهٔ سنگی کوهستان واقعست‌وبرای رفتن بآن بوسیلهٔ اتومبیل بایددرحدود ۱۲ کیلومترراه‌پیمود واز طریق کچ کران بدانجا رسید .

برج نامبرده (ش۱۹۵) به بلندی متجاوز از هفت متر بوده پهنای هر بدنهٔ آن در بالا ۳/۴۰ متر است و پائین آنرا بنحوی ظریف و استادانه با بکار بردن سنگهای تراش رگی دقیق خوش طرح پهنتر ساخته‌اند بطوریکه پهنای هر ضلع برج در پائین تقریباً چهارمتراست، درقسمت بالای آن پلکانی داخل برج ساخته‌اند که دهانهٔ آن به بلندی ۱/۱۰ متر وپهنای ۵۹ سانتیمتر در جانب کوهستان یعنی در سمت جنوب به بلندی قریب سه متر از سطح پائین کوه قرار گرفته است و بوسیلهٔ نردبام کوتاه یا ترتیب مناسب دیگری به‌پلکان‌داخل‌شده‌مانندداخل‌مناره‌ها چند بار تغییرجهت داده به بالای برج میرسیدند و آتش فروزان را بر بام آن مینهادند، سنگ چهار گوش آتشدان شبیه هاون سنگی بلند و باریکی در پای برج بصورت شکسته‌فروافتاده‌بود که‌برای‌حفظ آن‌درسال ۱۳۲۱ بموزهٔ ایران باستان منتقل گردید، تمام برج از سنگهای رگی سفید دقیق و منظّم و عالی ساخته شده است، قطر رگهای سنگ ٤٤ و ٦٤ و ٦٥ سانتیمتربوده درازای سنگها نیز مختلف‌است‌چنانکه یکی‌از آنها ٤٤ و دیگری ۱۹ سانتیمتر طول دارد.

برج‌نورآباد ذیل شمارهٔ ۳۵۶ در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۸ درفهرست آثار ملّی ایران به ثبت رسیده است.

ویرانه‌های مادر دختر و کَرّ دَرْ.

درچهار کیلومتری مغرب برج نورآبادتنگی بنام **تنگ اژدها** در کوهستان هست وداخل تنگ ویرانه‌های وسیعی است که بنام **مادردختر** خوانده میشود و تقریباً در شش کیلومتری آن هم ویرانه‌های دیگری بنام **کَرّدَرْ** وجود دارد و محلهای مزبور مانند بسیاری امکنهٔ دیگر درخاك فارس نیازمند فراهم گشتن مقتضیات وشرائط مساعد و موجبات کار برای‌انجام کاوشهای علمی و تحقیقات باستانشناسی است.

امامزاده درب آهنین (سید علاءالدین محمد)

طبق آنچه در کتاب آثار عجم نوشته‌شده‌است: « قریب بقلعهٔ نور آباد امامزاده‌ایست گنبدبزرگ و بارگاهی دارد سرای آنرا دری است از فولاد خیلی کلان و باشکوه در ساختنش صنعت کرده خوش وضع ساخته‌اند ومیگویند این در سابقاً درقلعه سپید نصب بوده از آنجا نقل نموده آورده اند »(۱)

دربارهٔ قلعه سفید که‌بنامهای سپیدز و سفید قلعه نیزخوانده‌میشود دریکی دو صفحهٔ بعد اطّلاعاتی ذکر میگردد.

نگارنده هنگامیکه در پائیز سال ۱۳۳۰ از فارس بخوزستان میرفتم‌پس‌از توّقف یک شب در نورآباد وبازدید سریع‌آثار تاریخی نزدیک آنجا بامدادان ضمن عبور بجانب فهلیان در کنار جادّه نزدیک محلّی که جادّهٔ کازرون بفهلیان با راه فرعی نور آباد تلاقی میکند بقعهٔ جالب توجّهی رادیدم که مانند عموم بقاع و امامزاده‌های‌آن حدود از سنگ و گچ ساخته شده گنبدی ازهمان نوع مصالح ساختمانی بر فراز آن بود و متأسّفانه ببازدید و بر رسی آن از نزدیک توفیق نیافتم و چون از نام آن جویا شدم آنرا بنام **بقعهٔ شیخ اباذر** معرّفی نمودند.

درموقع تدوین‌این‌فصل باملاحظهٔ آنچه در کتاب آثارعجم مرقوم رفته‌است وعیناً بشرح سابق‌الذّکرنقل گردید چنین استنباط کردم که امامزاده‌درب‌آهنین نام دیگر بقعهٔ شیخ اباذر باشد و برای اطمینان خاطر درصدد تحقیق بیشتر بر آمدم و ضمن نامه‌هائی از فرمانداری و فرهنگ کازرون دراین باره استفسار نمودم فرمانداری کازرون (جناب آقای خواجه‌نوری) طیّ نامهٔ شماره ۲۳۹۸-۳۹/۶/۲۶ چنین توضیح داده‌اند که«...... مراتب از مطّلعین‌محلّی استفسار شد امامزاده درب آهنی در دو کیلومتری مالکی (نور آباد) مرکز بخش در وسط راه بین کازرون و خوزستان واقع و نام امامزاده سید علاءالدّین محمّد است و بقعهٔ شیخ اباذر در بخش ممسنی نمیباشد ......»

(۱) کتاب آثارعجم چاپ بمبئی ۱۳۱٤ قمری صفحهٔ ۲۹۹ .

بدین قرار از توضیح فرمانداری محترم کازرون مانند نوشتهٔ کتاب آثارعجم بر میآید که امامزاده درب آهنین در نزدیکی قصبهٔ نور آباد واقع شده‌است لیکن برخی دوستان دانشمند که آثارتاریخی خاك ممسنی را از نزدیک مشاهده وبررسی کرده‌اند اظهار داشتند که امامزاده درب آهنی در نزدیکی ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی و نقوش برجستهٔ عهد عیلام است که در خاك ممسنی واقع میباشد (و شرح آنها خواهد آمد) و تا قصبهٔ نور آباد مسافت بسیار دارد، آقای مرتضی رستمی عکّاس ادارهٔ کلّ باستانشناسی که عکس امامزادهٔ مزبور (ش۱۹۶) ودرب آهنی قدیمی آنرا (ش۱۹۷) باختیار اینجانب گذاردندنیز همینگونه اظهار اطّلاع نمودند و در نتیجه برای اینجانب تعیین محلّ قطعی امامزاده درب آهنین مورد تردید واقع شده یکبار دیگر متوجّه گشتم که بایستی امکنه وآثار قابل ذکررا در هنگام مسافرت بهرصورت باشد ازنزدیک مشاهده ودربارهٔ آن شخصاً کسب‌خبر نمودو بهرحال برای تحصیل اطّلاع کاملتر نسبت بمحلّ امامزاده درب آهنین از برخی دوستان مطّلع و علاقه مند خود در شیراز تقاضای معاضدت نموده امیدوارم با رسیدن اطّلاع مورد درخواست توضیح لازم در این باره ضمن قسمت ذیل کتاب مرقوم گردد که درعین حال چاپ فصل حاضرهم بتعویق نیفتاده باشد.

در هر صورت وجود درِ آهنی قدیمی در امامزادهٔ مزبور و انتساب باینکه آنرا از قلعه سپید آورده‌اند نکته ایست که شایستهٔ توجّه بوده جای بررسی و امعان نظر بیشتر را دارد.

با توجّه بتوضیحاتی که در کتابهای مختلف راجع بآثارشگرف و تاریخی ممسنی نوشته اند چنین معلوم میگردد که در شمال و شمال شرقی جلگه‌ای که قصبهٔ نورآباد در آن واقع است جلگهٔ دیگری هست که آنرا **دار شاه** میخوانندوجلگهٔ‌فهلیان‌نیز درجانب شمال‌غربی جلگهٔ نورآباد قراردارد، دوجلگهٔ اخیر مجاور و متّصل بهم بوده در هر کدام از آنها آثار تاریخی وجود دارد که رسیدن بدانهاهم بطور کلّی بس دشوار است لیکن برای اینکه در کتاب حاضر تا حدّ مناسبی اطّلاعات مزبور بآثارنامبرده مذکورافتاده باشد توضیحاتی فراخور

هر کدام ذکر مینماید :

غار کمان :

در کتاب آثار عجم شرح مفصّلی از غاری بنام **کمان** که درون آن یک کمان بطور واضح پدیدار میباشد مرقوم رفته که در تنگ کوهی واقع است و از نور آباد تا دهانهٔ تنگ که رو بمشرق قرار دارد باید در حدود شش کیلومتر طیّ مسافت نمود و سپس از تنگ سنگلاخ دشواری بالا رفت و کمان را درون غار از خارج نگریست و بالا رفتن به غارهم امکان ندارد و توضیحات افسانه مانندی در بارهٔ آن ذکر گردیده است که علاقمندان در صورت تمایل میتوانند به کتاب مزبور مراجعه نمایند (۲)

سپیدز (قلعهٔ سفید)

روبروی تنگ کمان آثار قلعهٔ معظمی ازسنگ و گچ بر فراز کوهی منفرد ومجزّا (نظیر کوههای دیگر بهمین هیئت که در نقاط مختلف فارس دروسط جلگه سر بآسمان کشیده بالای هر یك محوّطهٔ نسبتاً مسطّحی وجود دارد) پدیدار است که بنـام **سپیدز** مخفّف سپید دژ معروف است وآنرا بنام **سفید قلعه** نیز میخوانند و بطورعموم **قلعه سفید** هم میگویند وازقرائن امر برمیآید که اصل آن لااقل مربوط بعهد ساسانیان باشد ، برای بالا رفتن برفراز قلعه چهار راه بنامهای **سیاه شیر** و **زرین کلاه** و **گلستان** و**شترخسب** موجود بوده اکنـون از راه شترخسب میتـوان بویرانه‌هـای قلعه رسید ، بقایـای دیوارها وقسمتی ازدروازهٔ سنگی وطاق ضربی سنگی آن هنوز باقی است و سنگهای نیمه تراش کـه در اصطلاح سنگ تراشی باد بر مینامند در آنها بکار برده‌اند وتا دوران محمّد شاه قاجارهم پناهگاه وقلعهٔ مستحکم ممسنی بوده از آن بخوبی استفاده مینموده‌اند .

(۲) کتاب آثارعجم سابق‌الذکر صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۲ .

معروف است که قلعهٔ مزبور دری از فولاد داشته و آن درا کنون درامامزادهٔ درب آهنین نصب است و قبلاً هم باین موضوع اشاره شد.

غیراز آثارفوق آثار تاریخی دیگری‌هم دراین‌قسمت وجود دارد که توضیح دربارهٔ آنها محتاج تحقیقات وکاوشهای علمی است ودراین مختصرنمیتوان دربارهٔ آنهابحث نمود واجمالاً از ممسنی بجانب شرق و کمی‌هم بجانب شمال با پیمودن راه کوهستانی‌بسیاردشواربه **اردکان** میرسند وچون پس‌ازآن بسمت‌جنوب شرقی روند به‌کوُیم وشیراز میرسند واین خطّ سیرمانند سایرنواحی سرزمین باستانی فارس‌نشانه‌ها و آثاروقایع وحوادث تاریخی وزندگی‌مردم ایران‌رادرادوارمختلف گذشته دربرداردچنانکه‌باستان شناس‌فقیدانگلیسی سراورل‌استین (A·Stein)در روزهای‌آخر آبان واوایل آذر ۱۳۱٤ که‌بمنظورتحقیق‌دربارهٔجادّهٔ بین‌تخت‌جمشید و شوش از شیراز باردکان میرفت درتپّه های مختلف واقع در سمت جنوب شرقی اردکان گمانه هائی زد و مهمترین این تپّه‌ها **تل‌ گرد** بود که قطعات سفال منقوش شبیه‌آثارتل باکون درآنجا بدست‌آورد ، بنابراین نواحی واقع درمغرب شیراز که اردکان در شمال و کازرون و نورآباد و فهلیان در جنوب و جنوب غربی‌آنها واقع میگرددنیز بنوبهٔ‌خود شایستهٔ‌انجام تحقیقات علمی و باستان‌شناسی خواهد بود .

اینك ازنورآباد بجانب شمال غربی توجّه نموده بذکرآثارتاریخی فهلیان می پردازیم :

ویرانه های عهد هخامنشی

فهلیان به مسافت ۷٤ کیلومتری شمال غربی کازرون واقع گردیده از نورآباد بآنجا در حدود ۱۲ کیلومتراست ، چون از نورآباد بفهلیان بروند و از فهلیان به آبادی بنام جِنْ جان یا جِنْ‌جِنْ در شش کیلومتری مغرب فهلیان عزیمت‌نمایند پس‌ازآبادی اخیر به‌آبادی سربیشه وازآنجا بقلعه نو وسپس‌بآبادی

سَروان میرسند.

ویرانه های مهمّی ازعهد هخامنشی درمجاورت آبادی سَروان وجود دارد وته ستونهائی کـه قطرهر کدام قریب ۹۰ سانتیمتر بوده ازلحاظ طرح و حجّاری نظیر ته ستونهای تخت جمشید و مزیّن به گلهای شبیه زنبق (لُتوس) میباشد از جملهٔ بقایای کاخ سلطنتی هخامنشی موجوددر آنجابنظر میرسد(ش۱۹۸)وبدیهی است یکی از محلّهای مناسب کاوش علمی مفید بنحوی که آثار مدفون در خاك پس از کشف بوضع شایسته نگهداری شود ودرمعرض آسیبهای مختلف قرار نگیرد در مکان مزبور خواهد بود.

باتوجّه بآنچه دربارهٔ آثارهخامنشی در قصرابونصروتل حکوان وفیروزآباد وبالاده سابقاً مذکورشدچنین بنظرمیرسد که خطّ سیرجادّهٔ شاهی ازتخت جمشید به شوش ازنقاط فوق میگذشته است ومابین بالاده وسَروان درمحلّ ویرانه های شهر شاپور کازرون هم منزلگاه دیگر وابنیه ای ازعهد هخامنشی وجود داشته است(۱) و کاخ هخـامنشی سَروان منزلگاه بعـدی بوده باحتمال قوی ششمین توقّفگاه شاهنشاهان هخامنشی ازتخت جمشید بجانب شوش بشمارمیرود مگراینکه ازاین پس آثاری کشف گردد که با آنچه ذکرشد مغایرت داشته باشد.

آثارهخامنشی مجاور سَروان ذیل شمارهٔ ۱۹۰ درتاریخ ۹مردادماه ۱۳۱۲ درفهرست آثارملّی ایران به ثبت تاریخی رسیده است.(۲)

نقوش برجستهٔ عهد عیلام (کورانگون)

درکوهستان نزدیك سَروان برفرازتپّه ای که دردامنهٔ کوهستان وبربالای

(۱) درکتاب راههای باستانی وپایتختهای قدیمی غرب ایران تألیف دکتربهمن کریمی ازانتشارات ادارهٔ کل باستانشناسی(چاپ تهران - شهریور۱۳۲۹ص۱۶) نیزاین قسمت تصریح شده است.

(۲) در حال حاضر محل این ویرانه ها بنام امامزاده اسمعیل خوانده شده زیارتگاه مردم آن سامان گردیده است و دوروبرته ستونهای سنگی عهد هخامنشی سنگ چین و چوب و کتری و ظرف وشمع میگذارند ونیاز میجویند.

رودخانه واقع شده است نزدیک دهکدهٔ **سه تُلو** نقوشی ازدوران عیلامیان وجود دارد که هرچند بسیار محو گردیده فقط شبیهی از آنها باقی مانده است لکن از نظر اهمیّت درخورِ توجّه فراوان میباشد ، (ش۱۹۹)

نقوش مزبور مشتمل بر تصویر دو ربّ النوع یکی بصورت مرد و دیگری بصورت زن است و عدّه‌ای هم در دوجانب وروبروی آنها ایستاده‌اند ، مرد برروی تختی که از یك مارِ حلقه زده تشکیل شده است نشسته سرِ مار را بادست چپ گرفته است وبادست راستِ خود جامی از آبِ زندگی بسوی مردم روان میسازد زن در کناراو نشسته‌است، هریك‌ازدوتصویرفوق‌دارای‌دوشاخ برسرمیباشد ، سه‌نفر برجانب راست یا روبرو ودونفر برجانب چپ یا پشت سرِ ایشان با لباسهای بلند ایستاده‌اند و۲۷ نفرهم در مقابل ایشان باجامه‌های نسبتاً کوتاه تماماً دست بسینه هستند که تصاویرشان بر تخته سنگهای جداگانه روبروی نقش ربّ النّوعها حجّاری گردیده است ، ازاین‌نقوش نخستین باردر کتاب آثارعجم(۱) ذکری‌بمیان آمده است و چون در آنزمان هنوز از آثار عیلام و ادوار پیش از تاریخ ایران اطّلاع چندانی در میان نبود لذا مرحوم فرصت الدّوله فقط بوجود آنها اشاره کرده توضیحی دربارهٔ موضوع وتاریخ آنها ننوشته است وسی ویك سال پس از بازدیدِ مرحوم فرصت‌الدّوله یعنی درسال۱۳۰۲ شمسی (۱۹۲۳ میلادی) دانشمند فقید پروفسّور هرتسفلد آلمانی نقوش مزبوررا ملاحظه‌وبررسی علمی نموده آنهارا از آثار دورهٔ عیلام و مربوط بحدود دوهزار سال پیش از میلاد مسیح تشخیص داده است .

وجوداین‌نقش ونقش‌برجستهٔ عیلامی درنقش رستم نزدیکی‌تخت‌جمشید که ذکرآن‌درصفحات ۴۰و۴۱ گذشت‌ازطرفی‌دلیل‌براینست که‌لااقل‌پانزده‌قرن پیش‌از عهد هخامنشی احداث نقوش برجسته وتصاویرانسانی برسنگهای‌سخت کوهستان بوسیلهٔ هنرمندان ایرانی انجام میگرفته است و اینگونه‌آثار هنری در سرزمین باستانی ایران ریشهٔ بسیار قدیمتر ازدوران هخامنشی دارد وازطرف دیگرمعلوم

(۱) چاپ بمبئی ۱۳۱۴قمری صفحه ۳۰۸ .

مینماید سلطهٔ دولت عیلام و معتقدات مذهبی عیلامیان تا نقاط بسیار دور دست نواحی فارس کـه در مشرق خاك عیلام واقع بوده انبساط داشته است و این هردو مطلب از نظر تاریخ ایران دارای اهمیّت فراوان است.

نقش ِ مار که در حجّاری کورانگون وجود دارد و آثارمحوی از آن نیزدر نقش رستم باقی است مظهر یکی از ربّ‌النّوعهـای مردم پیش از تاریخ میباشد و قبل از ورود آریاها بایران وهند در هردو سرزمین پرستش ِ مار جزء معتقدات مردم بوده است.

نقوش عیلامی کورانگون ذیل شمارهٔ ۲۵٤ درتاریخ ۲۵خرداد ماه ۱۳۱۵در فهرست‌آثار ملّی ایران به ثبت تاریخی رسیده است.

بر بالای کوهستانی که‌نقوش‌برجستهٔ‌فوق‌در‌تخته سنگهای‌دامنهٔ‌آن قراردارد آثاروابنیهٔ باستانی‌هست که بافراهم گشتن‌شرایط ومقتضیات‌مناسب ومساعد انجام کاوشهای علمی وتحقیقات باستانشناسی درآنها بمورد خواهد بود.

دخمهٔ سنگی موسوم به داودختر

آخرین‌اثر‌تاریخی‌مهمّ فارس که‌درانتهای شمال‌غربی‌ناحیهٔ ممسنی‌قراردارد دخمهٔ‌سنگی بسیار قدیمی دربالای کوهستان است که عموماً بنام **داودختر** نامیده میشود ونام صحیح محلّی‌آن ظاهراً **دی وودور** بزبان محلّی بمعنی **مادرودختر** میباشد.

برای رسیدن باین اثر تاریخی بایستی راه فهلیان بخوزستان را که بجانب شمـال غربی امتداد دارد ادامه دهند تا بمحلّی موسوم به **کوپون** برسند و از کوپون به‌آبادی حسین‌آباد رفته ازآنجابجانب کوهستان بالا روند، برای رفتن ازحسین‌آباد بکوهستان ازرودخانه باید عبور کرد زیرا راه کوهستانی‌آن بسیار سخت است.

دخمهٔ مزبور در ارتفاع تقریبی ۳۰۰ متر قرار گـرفته هیئت خارجی آن

مانند دخمه های هخامنشی مرکب از سطحهٔ پهن و بلندی است که قسمت پائین آنرابصورت صاف درآورده‌اند ، مدخل دخمه در بالای این قسمت و در وسط آن قرار دارد و هرجانب آن دو ستون را نمایانده اند و بالای ستونها حاشیهٔ صاف و مسطحی بوده برفرازآن شکـل کنگره های دندانه دار هخامنشی را بر سنگ کوه‌بطور برجسته‌تراشیده‌اند وروی‌همرفته‌نمای خارجی آن بخوبی‌وضع دخمه‌های شاهنشاهـان هخامنشی را درنقش رستم و تخت جمشید بخاطر میآورد.(ش۲۰۰)

بسیاری ازمطّلعین‌این دخمه را منسوب بدورهٔ ماد دانسته‌چنین‌اظهارعقیده میکنند که‌بین‌سالهای ۶۵۰ تا۵۵۰ پیش‌ازمیلادساخته‌شده استوبرخی‌دانشمندان هم آنرا متعلّق بیکی از شهریاران هخامنشی پیش از کورش کبیر میدانند یعنی هنگامیکه هخامنشیان سلطنت محلّی پارس را داشته‌اند ، توجّه بوضع خـارجی دخمه خصوصاً حجّاری بالای ستونها این احتمال را نیز بوجود میآورد که دخمهٔ مزبور مربوط‌بدوران متأخّـر هخامنشی باشد و اساساً با فراهم شدن وسـائل و مقتضیاتی که سهلتر بتوان بدخمهٔ نامبرده رسید و با فراغ خـاطر آنرا بررسی دقیق نمود اظهارنظردربارهٔ آن ازلحاظ درجهٔ قدمت تاریخی‌هم‌بهترمیسّر خواهد بود.

دخمهٔ داو دختر یا بگفتهٔ محلّی دی ود و در ذیل شمارهٔ ۲۹۹ در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

تل اسپید و یخه سنگر و لوط :

در کوهستانهای نزدیک داو دختر (پیش از آنکه از جانب فهلیان بـاین محلّ تاریخی برسند) آثار قدیمی دیگری وجود دارد از قبیل **تلّ اسپید** کـه تپّهٔ قدیمی بوده اکنون‌روی‌آن‌آبادی جدید ساخته‌اند و**یخه‌سنگر** که دیوار سنگی بطول قریب نیم کیلومتر وپهنای نیم‌متر بوده قسمتهائی از آن ریخته وقسمتهائی بجا مانده است وهمچنین ویرانه‌های محلّی بنام **لوط** و آثار دوسدّ قدیمی کـه

احتمالاً ازعهد ساسانیان است و طبعاً توضیح اینگونه آثار که رسیدن بآنها هم محتاج فرصت فراوان و وسایل کافی است در اینجا بمورد بنظر نمیرسد .

راه فهلیان بخوزستان پس از گذشتن از کوپون به **پل تنگاب** میرسد، پل تنگاب حدّ فاصل کنونی سر زمین فارس و استان خوزستان است لکن در زمان سابق قلمرو حکومت فارس شامل نواحی بیشتری در جانب مغرب بوده حدّ آن به رامهرمز میرسید وبدینقرار منطقهٔ سکونت اصلی طوایف بویر احمدی وارّجان (ارگان قدیم) وبهبهان نیز جزء فارس بشمارمیرفت ولی اکنون جزء خوزستان است بنا بر این آثار تاریخی این نواحی که مشتمل بر آتشکده و پلهای نیمه ویران و بقایای شهرها و آبادیهای معظّم و نقاط باستانی و نقوش بر جستهٔ مهمّ قدیمی است در این کتاب ناگفته میماند و در ضمنِ شرح آثارتاریخی ومحلهای باستانی خوزستان باید مذکور گردد ، بدین لحاظ بشرح آثار قدیمیِ سر زمین فارس ازجانب مغرب خاتمه داده میشود و بذکر آثار تاریخی بندربوشهر وجزیرهٔ خارك که از لحاظ نزدیکی و سابقهٔ تاریخی و موقعیّت طبیعی همیشه ارتباط ناگسستنی با فارس داشته و دارد میپردازد .

فصل ششم . آثار تاریخی بوشهر و جزیرهٔ خارك

۱ - بوشهر

بندر بوشهر در شمال شبه جزیره‌ای قرار دارد که امتداد آن تقریباً از شمال غربی به جنوب شرقی‌است ووسط این‌شبه جزیره ازجانب مشرق متّصل و مربوط بخاك میباشد وبدین ترتیب‌دوخلیج کوچك درجانب شمال وجنوب آن‌در فاصلهٔ بین دوقسمت شمالی وجنوبی جزیرهٔ مزبور باسواحل راست خلیج‌بوجود آمده است .

بندربوشهر خود درانتهای شمالی شبه جزیره واقع گردیده‌است وجانب چپ‌آن‌به‌خلیج‌فارس وجانب راست‌آن‌بخلیج ِ کوچك ِ جانب ِ شمال ِ شبه‌جزیره مربوط ومتّصل میباشد .

درعهد عیلام یعنی هزارهٔ دوّم وقسمتی‌ازهزارهٔ اوّل‌پیش از میلاد درقسمت جنوبی شبه جزیرهٔ مزبور ودرپناه خلیج جنوبی آن‌یکی از مراکز آبادانی و تمدّن قدیم وجود داشته است که بنام **ریشهر** خوانده میشود وبرسر راه دریائی شوش‌به **مهانجو دارو**(۱) بوده همدوران آثارشوش وسایریادگار های عیلامیان و مربوط بتمدّن دوران مزبوراست ودرعهد اردشیر بابکان نیزشهر **رام اردشیر** در آنجا قرار داشته‌است واکنون‌خرابه‌های ریشهر قدیم بمسافت دوفرسنگی‌بوشهر

(۱) Mohenjo-Daro ازمراکزباستانی‌معروف‌ومهم درجانب غربی رودسند درپاکستان غربی است که‌ابنیهٔ زیاد وآثارمختلف هزاره‌های دوم وسوم پیش ازمیلاد درخاکبرداریها وکاوشهای علمی‌آن کشف شده‌است ، واژهٔموئن بزبان سندی‌بمعنی‌مردگان و کلمهٔ داروبمعنی تپه بوده ترجمهٔ مهانجوداروتپهٔ مردگان است .

درقسمت جنوبی این شبه‌جزیره موجود بوده نشانه های تمدّن وبقایای ابنیه‌وآثار مختلف دوران عیلام وعهد ساسانیان را دردل نهفته دارد ویکی‌ازمحلهای‌باستانی بشمار میرود که بافراهم بودن وسائل ومقتضیات کار واطمینان ازحفظ آنچه از بقایای ابنیهٔ‌موجود کشف میشود درخورکاوشهای علمی‌وتجسّسات فنّی‌باستانشناسی است .

درسال ۱۲۹۲ شمسی (۱۹۱۳میلادی) هیئت علمی فرانسوی در ریشهر کاوشهای علمی انجام دادند و محلّ مزبور را با محلّی که در دورهٔ عیلام بنام **لیان** (Liyan) خوانده میشد منطبق‌دانستند وعلاوه برسفالهای‌منقوش واشیاء مفرغی آثار ساختمانها وآجر های نوشته ازعهد شوتروك ناخونته[۱] درآنجا یافتند.[۲]

طبیعی است باانجام کاوشهای باستانشناسی درسواحل‌ایران (درخلیج فارس وخلیج عمّان)بهتر پیوستگی‌تمدّنهای چندهزار سالهٔ شوش ونواحی‌مختلف فارس‌با سرزمینهای هند وپاکستان معلوم واهمیّت ریشهرازاین بابت نیز بیشترمشهود خواهد شد .[۳]

ویرانه های‌باستانی ریشهر ذیل‌شمارهٔ ۱۲ درتاریخ ۲٤شهریور ۱۳۱۰ در فهرست‌آثار ملّی ایران به‌ثبت رسیده است .

۲ـ آثار تاریخی جزیرهٔ خارك

جزیرهٔ خارك بمسافت ۵۲ کیلومتری شمال غربی بوشهر و سی کیلومتری بندرریک (بین بوشهرو گناوه) واقع گردیده‌است وتاشهر آبادان ۲۸۰ کیلو متر مسافت دارد .

(۱) Shutruk-Nakhunté از شاهان دورهٔ معروف به عهد طلائی عیلام مربوط به هزارهٔ سوم پیش از میلاد بوده‌است .

(۲) کتاب باستان شناسی ایران قدیم ـ واندنبرگ ـ ص۵۲ .

(۳) درزمان سلطنت نادرشاه افشار(۱۱٤۸تا ۱۱۶۰هجری)نیز ریشهرمرکز نیروی‌دریائی ایران درخلیج فارس بوده و فعالیت بسیاری دراین باره درآنجا بعمل میآمده‌است .

درازای جزیره شمالی جنوبی درحدود هشت کیلومتر وقسمت پهنتر آن درشمال به عرض قریب چهار کیلومتر است ، رشته کوهستان شمالی جنوبی باعث اعتدال هوای قسمت‌شرقی جزیره شده ازروزگار قدیم یکی ازمراکز آبادی در خلیج فارس ومورد توجّه دریا نوردان وسوداگران بوده است ، پیشینهٔ تاریخی آن لااقلّ بدوران هخامنشی یعنی قرن پنجم پیش از میلاد میرسد ودر کتب تاریخی یونانیان به‌نامهای ایکار(۱)وآراسیا(۲)مذکور گردیده ازوجود معابد باستانی درآنجا صحبت شده است ، اکنون این‌جزیره بعلّت وضع طبیعی که دارد ازمراکز عمدهٔ فعالیّت‌های شرکت ملّی‌نفت ایران گردیده لولهٔ بزرگ نفت خام ازناحیهٔ گچساران بساحل خلیج‌فارس واز آنجا اززیر دریابه جزیرهٔ خارکو و سپس‌جزیرهٔ‌خارك امتدادیافته‌است (۳) وبدین‌لحاظ‌جریان نفت‌وبارگیری‌آن در کشتیهای بزرگ نفت کش‌محور زندگانی جزیره نشینان خارك راتشکیل‌میدهد وبهمین مناسبت راه عمده واصلی آمد ورفت بآن بوسیلهٔ هواپیماازآبادان است لکن‌بحکم‌موقعیّت‌طبیعی وپیشینهٔ تاریخی بشرحی که گذشت ارتباط آن‌باسرزمین فارس اقتضا مینماید آثار تاریخی جزیرهٔ مزبور در این رساله معرفی گردد .

موقعی که نگارنده‌دست بکاراتمام این‌فصل بودم‌رسالهٔ بسیارمفید و شیوائی بنام دُرّ یتیم خلیج ـ جزیرهٔ‌خارك ـ تألیف دانشمند گرامی‌آقای جلال آل‌احمد انتشار یافت که حاوی‌تحقیقات واطّلاعات‌جامعی‌دربارهٔ جزیرهٔ مزبور بودوبسیاری ازاطّلاعات مذکوردراین مختصر باآن‌مقابله وحكّ واصلاح یاتکمیل گردید.

طبق آنچه‌دررسالهٔ‌مزبور نوشته شده‌است‌اعراب‌به‌جزیره‌خارك«امّ‌الرّبّانیّین» نیز میگفته‌أند یعنی‌وطن ناخدایان زیرا بسیاری از مردم‌این جزیره به شغل ناخدائی وراهنمائی کشتیها دردریا وخلیجهای اطراف خلیج فارس ودریای عمّان

---

(۱) Icare (۲) Aracia .

(۳) روز سه شنبهٔ هفدهم‌آبان ۱۳۳۹ بندرگاه جزیرهٔ خارك و لولهٔ عظیم نفتی آن بوسیلهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح یافت وکشتی‌های رضاشاه کبیر و محمد رضا شاه اولین نفتکش‌هائی بود که در اسکله خارك بارگیری نمود وعازم اروپا گردید .

وشبه جزیرهٔ عربستان اشتغال داشته‌اند وهنوزهم عدّه‌ای از ایشان همین شغل را دارند. (۱)

آثار وابنیهٔ تاریخی جزیرهٔ خارك در حال حاضر بدینقرارمیباشد:

ویرانه های عبادتگاههای باستانی

برفراز گردنهٔ کوهستان که بندرگاه خارك‌را ازباد های جانب شمال‌غربی ایمن‌میدارد دوردیف تخته‌سنگهای تراش‌جسیم موجود است وبوسیلهٔ پلّکان پهنی که‌یك قسمت آن‌باقی‌مانده است‌بآنجا میرسیده‌اند، تخته سنگهای مزبوردروسط توده های سنگهای‌لاشه که‌ازفروریختن‌دیوارهای‌قدیمی‌بوجودآمده‌است‌قراردارد ودر حول وحوش این‌آثار درچندین محل طاقچه هائی از سنگ کوه دردوردیف پنج تائی ایجاد کرده‌اند که‌ظاهراً محلّ گذاردن نذرها بوده است.

محلّ مزبور که بشرح فوق مکان‌متبرّکی بودپس ازطلوع آئین زرتشت‌باز هم متبرّك ماند، درنزدیکی‌پلّکان سابق‌الذّکر بقعهٔ محقّرمتروکی وجود دارد که ازوضع معماری آن میتوان پنداشت ابتدا آتشکده بوده بعداً به مسجد تبدیل گردیده‌است.

برفرازیکی ازبرجستگیهای شمالی جزیره دوتخته سنگ یك‌پارچه‌متّکی بیکدیگر بصورت عدد ۸ وجود دارد که بنام **دودختر** خوانده میشود.

بقعهٔ میرمحمّد

بمسافت صدمتری مغرب‌آثار مزبور بقعه‌ای دارای گنبد هرمی‌شکل‌مضرّس وگنبد کوچك مدوّردیده میشود (ش۲۰۱) ـ درون فضای‌آن مزیّن به‌ازاره‌ای از کاشیهای ستاره‌ای وهشت ضلعی عهدمغول میباشد که قسمت‌اعظم آنها ازمیان‌رفته وبرروی یك‌عدّه ازآنچه باقی‌مانده‌است سال تاریخ ۷۳۸ هجری خوانده میشود.

(۱) نقل از «دریتیم‌خلیج ـ جزیرهٔ خارك» بقلم‌جلال آل احمد چاپ طهران ۱۳۳۹ شمسی صفحهٔ ۵۷.

نام این بقعه امامزاده میر محمّد بوده بعقیدهٔ مردم مدفن محمّد حنفی فرزند حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است و بر کتیبهٔ موجود در آنجا چنین خوانده میشود :

«هذه المشهد امیرالمؤمنین محمد بن امیرالمؤمنین علی ـ کتبه حسین البخاری»

کتیبهٔ دیگری هم حاوی این کلمات در آنجا بنظر میرسد : « **والصدقات الجاریات والجنات الباقیات فی جمیع الانفاس واللحظات فی سنة اربعین وسبعمائه**» بانی این بقعه همان حسین بخاری است که نام او در کتیبهٔ اوّلی مذکور میباشد وغیر از کاشی های ازاره ومقدار مختصری آجر بقیّهٔ مصالح ساختمانی آن از سنگهای محل و گچ و آهك است .

بطوریکه از کتاب «درّ یتیم خلیج» برمیآید مرقد درزیر گنبد کوچکتر واقع گردیده است و گنبد بزرگتر مخروطی مضرّس برفراز مسجد متّصل و مربوط به مرقد نامبرده قرار دارد واز این لحاظ هم شبیه زیارتگاههای مهمّ شیراز است .

سالهای تاریخ ۷۳۸و۷٤۰ مذکور در بقعهٔ مورد ذکر مقارن بادوران حکمروائی قطب الدّین تهمتن (۷۱۸ تا۷٤۸ هجری) از شاهان مشهور هرمز است که جزیرهٔ خارك وسایر جزایر وسواحل خلیج فارس وعمّان راتحت فرمانروائی خود درآورده بود .(۱)

گورستان های پیش از اسلام

درقسمت شرقی جزیرهٔ خارك سه گورستان پیش از اسلام بنظر رسیده است ، کلیّهٔ مقابر دردل سنگ کنده شده روی آنهارا با تخته سنگهای مسطّح پوشانیده بودند و قسمت اعظم آنها را دستبرد زده آثار درون قبر ها را از میان برده اند ، در قسمتی از کوهستان که معبد باستانی سابق الذّکر وجود داشت مقابر فراوانی احداث کرده بودند ، یك عدّهٔ این مقابر چندان عمقی نداشته دهانهٔ آنها مدوّر است وبنظر میرسد اینگونه مقابر استودانهای زردشتیان باشد ، تعدادی مقابر هم دارای

(۱) بصفحهٔ ٦٦ همان کتاب مراجعه شود .

مدخلهای کوتاه است و بالای مدخل آنها نقش صلیب دیده میشود و میرساند مدفن عیسویان بوده است ، ازمیان مقابر نوع اخیر یکی که ازهمه بزرگتر ومهمتراست دارای نماسازی زیبائی مشتمل برجرزبندی وطاقچه‌ها و گوشوارهاست(ش۲۰۲)ودر قسمت داخل دهلیزی دارد (ش۲۰۳) وبعد ازدهلیز به‌محوّطهٔ اصلی‌میرسند که سه پوشش‌شبیه ضربی برفرازآن ترتیب داده‌اند و مقابر متعدّد درآنجاموجود است .

این‌اثر تاریخی هرچند بسیار آسیب دیده وخرابی‌زیاد بدان راه یافته‌است با وجود این میتوان معماری سبك اشکانی وساسانی رادر آن‌تشخیص داد .

روبروی مدخل قبراخیرنقش برجستهٔ بسیار محوی وجود دارد که میتوان درآن تصویر شخصی رادید که برتختی تکیه زده و گویا جامی به یکدست خود گرفته است ووضع این‌نقش برجسته وتزئینات اطراف آن طوری است که معلوم میدارد محلّ‌مزبور یك مقبرهٔ سبك تَدمُری (پالمیری) [۱]است ووجود این‌نقش میرساند که فعّالیّت مردم تَدمُر دربازرگانی شرق وغرب علاوه برآنکه از راه خشکی تانقاط دوردست انبساط داشته از راه دریا نیز انجام میگرفته‌است و این موضوعی بود که‌پیش ازمشاهده وتشخیص آثارنقش برجستهٔ سابق‌الذّکر درجزیرهٔ خارك پوشیده مانده بود [۲]

شرح آثار تاریخی فارس‌دراینجابپایان میرسد ویکبار دیگراذعان‌مینماید که این کتاب مخصوصاً دربارهٔ بسیاری ازآثار تاریخی سرزمین وسیع وباستانی

---

(۱)تدمر(Palmyre) مرکزآبادانی و بازرگانی مهم و معروف عهد رومیان درسوریه (درمشرق حُمص ودرشمال شرقی دمشق) است که‌آثارتاریخی وابنیهٔ سنگی موجود آن نیز شهرت جهانی دارد .

(۲)قسمتی از اطلاعات مربوط بآثارتاریخی جزیرهٔ خارك از سخنرانی ۳۷/۷/۳۰ آقای دکتر گیرشمن‌درموزهٔ ایران باستان و همچنین مقالهٔ مربوط باین موضوع که درشمارهٔ ۱۵بهمن‌ماه ۱۳۳۷ روزنامهٔ اطلاعات مندرج بود اقتباس و استفاده شده است ضمناً در کتاب«دریتیم خلیج ـ جزیرهٔ خارك»صفحات ۵۹ تا ۶۳ از طرف مؤلف دانشمند کتاب مزبوربررسیها وتوضیحات مفیدی دربارهٔ دخمه‌ها وویرانه‌های باستانی سابق‌الذکرمرقوم رفته است .

فارس اطّلاعات بسیار مختصر واجمالی دربردارد وچه بسا امکنهٔ باستانی وویرانه‌های مهمّ تاریخی واطلال گوناگونی که بعلّت نبودن راه وموقعیّتهای محلی ودورماندن از نظر بینندگان مطّلع وعلاقه مند هنوز مجهول مانده بانتظار روزی است که سطح فرهنگ و دانش کشوراقتضای کشف وبررسی آنهارا داشته باشدویقیناً در آیندهٔ نزدیك جوانان پرشور وکاروانهای علمی از فرزندان این آب وخاك بطور جداگانه یاباهمکاری واشتراك باستانشناسان ایران‌دوست خارجی قسمتهای مختلف فارس را مانند سایرمراکز تمدّنهای باستانی کشور ایران پیموده آثار تاریخی ناشناس مانده را کشف خواهندنمود وحقّ علمیِ درخور آنهارا بیاری خدای بزرگِ ایران جاویدان وبااستظهار باولیای بیداردل دولت ومردم علاقه‌مند اداخواهند کرد و دربارهٔ آثار تاریخیِ معلوم هم خدمات گذشته یا نارسا یا انجام نیافته راتکمیل و اجرا خواهند نمود ، در هر گوشه و کنار این سرزمین وسیع نشانه های تمدّنهای چندهزارساله ومجدوعظمت ایران وایرانیان باقیست وفرزندان پاك نهاداین آب وخاك همیشه درخدمت وارج گزاری یادگار های نیاکان و پیشینیانِ مرز و بوم خویش آماده ودرخور هر گونه توجّه وارشاد و قدر شناسی بوده و خواهند بود .

بمنّه و کرمه

مطالبی که ضمن چاپ کتاب مورداطّلاع واقع گردیده با همکاری دوستانِ دانشمند وعلاقه مندان دیگر فراهم آمده است تحت عنوان ذیل در پایان کتاب (پس از خاتمهٔ تصاویر) افزوده شده است .

تصاویر



ش-۱-منظرهٔ قلعهٔ باستانی ایزد خواست از جانب شمال غربی -
نقل از مجلهٔ ملی جغرافیائی واشنگتن شمارهٔ ٤ سال ۳۹ - آوریل ۱۹۲۱
نسخهٔ متعلق به جناب آقای محسن حداد - عکس از هارولد.ف.وستون

National Geographic Magazine Volume XXXIX Number Four
April 1921

(ضمن توضیح مربوط باین تصویر در مجله نامبرده قلعه ایزدخواست همانندکشتی
که تبدیل به سنگ گشته وطی قرون و اعصار در ساحل رودخانه خشکی به گل نشسته
باشد یادشده است).

Fig 1 - Izad Khast ou Yazd-Khast, bourg fortifié de l'époque Sassanide.

Fig 1 - Izad-Khast or Yazd-Khast, fortified borough Sassanian period.



ش-۲- قسمتی از ضلع شرقی قلعهٔ باستانی ایزد خواست (مربوط به صفحهٔ ۱)

Fig2 - Côté est du bourg fortifié d'Izad-Khast.

Fig2 - Eastern side of Izad-Khast, fortified borough.



ش-۳-بنای تاریخی گنبد علی درابرقو مورخ
به ٤٤٨ هجری (مربوط به صفحهٔ ۳) نقل از جلد
اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحهٔ ٤٨

Fig 3 - Abarqu, Tour funéraire de Gunbadi Ali datée de 448 H (1056).

Fig 3 - Abarqu, a funeral tower of 448 H (1056).



ش-٤-مسجد جامع ابرقو (مربوط به صفحهٔ ٤) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان-
فرانسه) صفحهٔ ٥٩

Fig 4 - Abarqu, la Mosquée Djami, 14 ème et 15 ème siécle

Fig 4 - Abarqu, The Djami Mosque 14 th-15 th cent.



ش-٥- محراب مرمری مسجد جامع ابرقو مربوط بقرن نهم هجری که در موزهٔ ایران باستان نگهداری میشود . (مربوط به صفحهٔ ٤)

Fig 5 - Le Mihrab de la Mosquée Djami d'Abarqu, (15 éme siécle) au Musée de Teheran.

Fig 5 - The Mehrab of Djami Mosque of Abarqu, (15 th cent) in the Arch. Museum of Tehran.

ش -٦- مقبرهٔ حسن‌ابن کیخسرو از آثار قرن‌هشتم‌هجری درابرقو (مربوط به صفحهٔ ٥) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحهٔ ٦٢

Fig 6 - Abarqu, le Mausolée de Hassan bin Kaïkhosrow (14 éme siécle).

Fig 6 - The Mausoleum of Hassan son of Kaïkhosrow in Abarqu. (14 th cent).





ش-٧-محراب گچبری نفیس متعلق به مزارپیرحمزهٔ سبزپوش در ابرقو (مربوط به صفحهٔ ٥) از آثار دورهٔ سلجوقی (قرن ششم هجری) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحه ٥٥

Fig 7 - Abarqu, le Mihrab du tombeau de Pir Hamzeh Sabzpush (12 éme siécle).

Fig 7 - The Mihrab of Pir Hamzeh Sabzpush's tomb in Abarqu.



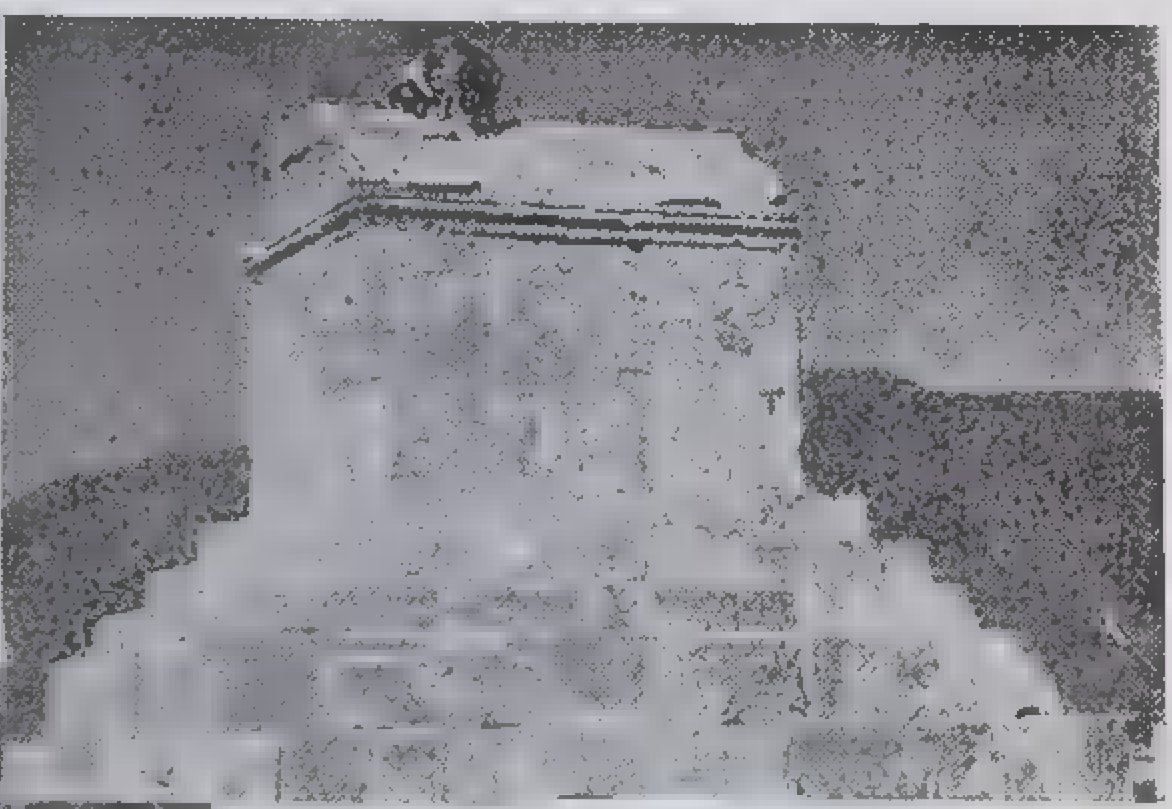
ش-۸- منبر چوبی منبت مسجد جامع سوریان مورخ به ۷۷۱ هجری که در موزهٔ ایران باستان نگهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۸)

Fig 8 - le Minbar de la Mosquée de Sourian, daté de 771 H. (1369) au Musée de Teheran.

Fig 8 - The Minbar of Sourian Mosque, dated of 771 H. (1369) in the Arch. Museum of Tehran.

ش-۹-نقشه محوطهٔ پاسارگاد مقابل همین صفحه قرار دارد





ش-۱۰-(سمت چپ) منظرهٔ آرامگاه کورش ازجانب شمال غربی (مربوط به صفحهٔ ۹) این‌عکس پیش از تعمیرات سال ۱۳۳۷ برداشته شده‌است ودرمحلی‌که بوتهٔ انجیر وحشی بربام آرامگاه دیده میشود ضمن خاکبرداریهای همان سال‌منفذی پیدا شد که منجر به کشف محل دوقبر بین سقف داخلی و بام آرامگاه گردید.


Fig 10 - (à gauche) Le tombeau de Cyrus le Grand à Pasargade avant les réparations.

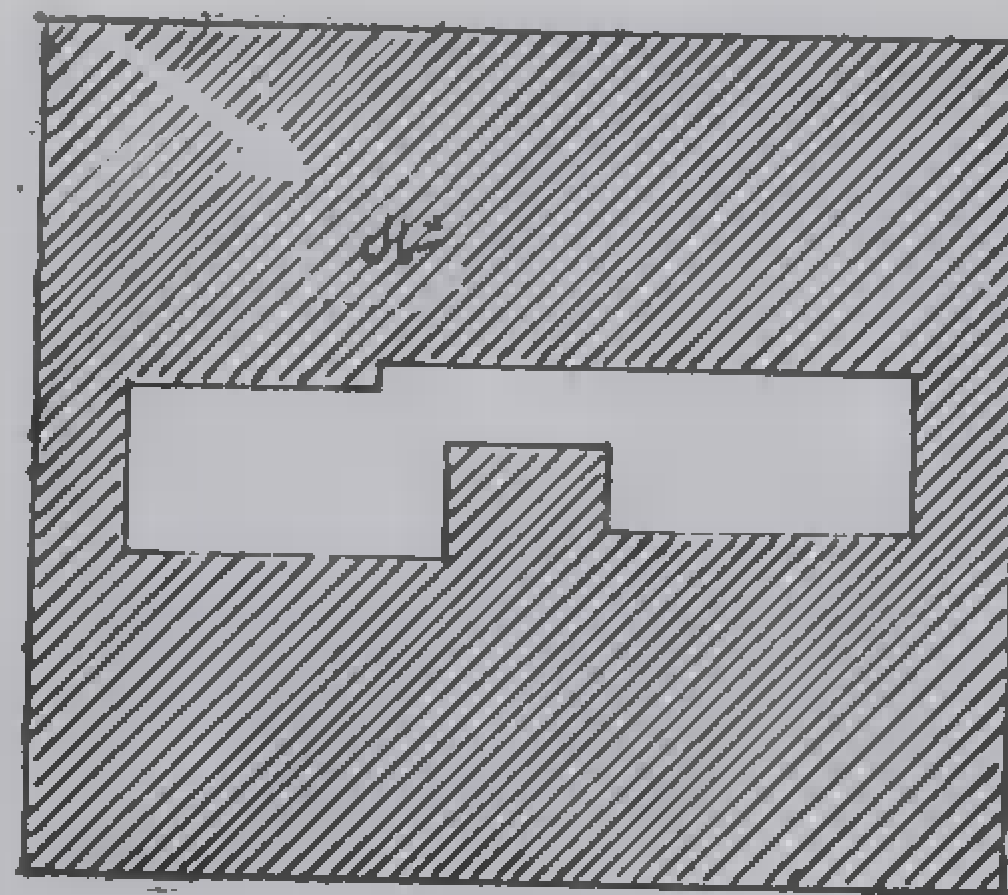
Fig 10 - (left) The Tomb of Cyrus the Great at Pasargadae before the reparations.

ش-۱۱-(سمت راست) منظرهٔ آرامگاه کورش‌ازجانب‌شمال‌شرقی پس‌از تعمیرات سال ۱۳۳۷ (مربوط به صفحهٔ ۹) بینندگانی ازفراز بام آرامگاه درصدد ورود به درون محل دوقبر مکشوف درآنجا و بررسی آن هستند .

Fig 11 - (à droite) Le tombeau de Cyrus, aprés les réparations de 1958.

Fig 11 - (right) The Tomb of Cyrus, after the reparations of 1958.

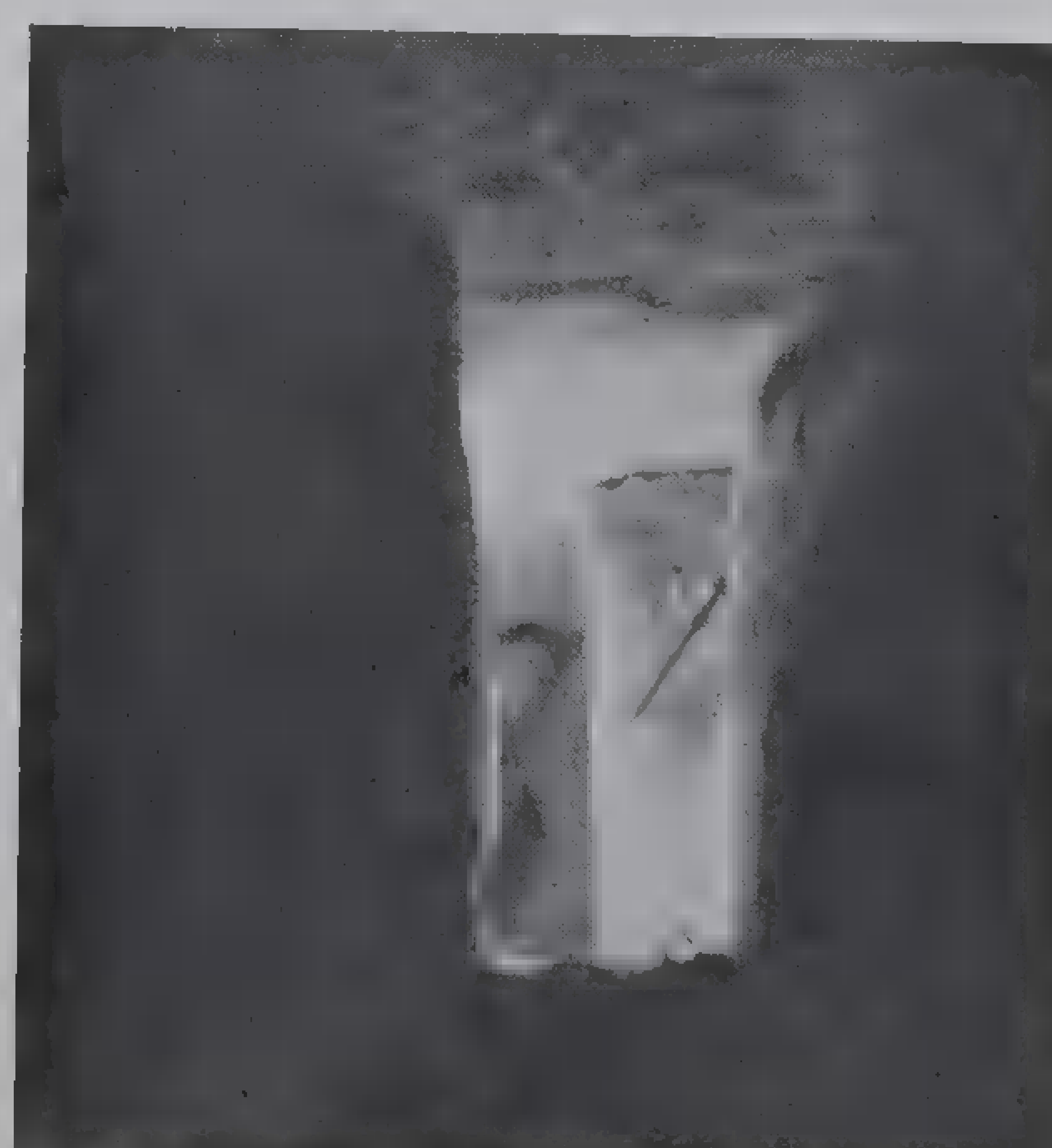




ش-۱۲- طرح دو محل قبر موجود بین سقف و بام آرامگاه کورش (مربوط به صفحهٔ ۹) طول دوقبر و دهلیز باریك بین آنها مجموعا قریب سه‌متر است.

Fig 12 - Plan des 2 tombes situées sous le toit du tombeau de Cyrus.

Fig 12 - Plan of 2tombs, under the roof of Cyrus' Tomb.



ش-۱۳- درون قبرهای واقع بین سقف و بام آرامگاه کورش (مربوط به صفحهٔ ۱۰) ارتفاع قبرها و دهلیز کوچك بین آنها عموما ۸۷ سانتیمتر است.

Fig 13 - l'Intérieur des tombes situées sous le toit du tombeau de Cyrus.

Fig 13 - The interior of the tombs under the roof of Cyrus' tomb



ش-۱۴- خاکبرداری درپاسارگاد- کاخ‌بارکورش بایك ستون آن‌که‌سرپا مانده است در قسمت عقب نمایان میباشد (مربوط به صفحه ۱۱)

Fig 14 - Pasargade. Le déblaiement du Service Archéologique.

Fig 14 - Excavations of the Arch. dept. in Pasargadae.



ش-۱۵- یکی از پایه‌های سنگی سفید کاخ بار کورش (مربوط به صفحه
۱۱) عکس از عکاسی پرسپولیس - لاله‌زارنو - طهران

Fig 15 - Pasargade. pilier du palais de Cyrus.

Fig 15 - A pillar of the Palace of Cyrus in Pasargadae.



ش-۱۶-نقش انسان بالدار در پاسارگاد (مربوط به صفحه ۱۲)
Fig 16 - Pasargade. Bas - relief d'un homme ailé.
Fig 16 - Winged figure at Pasargadae.



ش-١٧- منظره‌ای از آثار باقیماندهٔ کاخ اختصاصی کورش (مربوطه به‌صفحهٔ١٢)

Fig. 17 - Pasargade. vue des ruines du palais de cyrus.

Fig 17 - A wiew of the ruins of Cyrus' Palace at Pasargadae.



ش-۱۸-ضلع غربی موجود از برج سنگی در پاسارگاد - ارتفاع قریب ۱۲ متر
(مربوط به صفحهٔ ۱۳)

Fig 18 - Pasargade. Ruines d'une tour en pierre de l'époque Achéménide.

Fig 18 - Ruins of an Achaemenian tower at Pasargadae.



ش-۱۹-گوشهٔ شمالی محوطهٔ پاسارگاد - ویرانه‌های برج سنگی در جانب چپ
ومنظرهٔ جنوبی صفهٔ تخت سلیمان درقسمت عقب پدیدار است (مربوط به‌صفحهٔ۱٤)

Fig 19 - Pasargade. Vue générale du coin nord.

Fig 19 - General wiew of the north corner of Pasargadae.



ش–۲۰–گوشهٔ شمالی صفهٔ تخت سلیمان در پاسارگاد (مربوط به صفحهٔ ۱٤) نقل
ازکتاب تخت جمشید (Persepolis) تألیف ا.اشمیت – جلد اول صفحهٔ ۱۳

Fig 20 - Pasargade. Coin nord de la terrasse Takhti-Soleïman.

Fig 20 - Northern corner of the terrace Takhti-Soleïman at Pasargadae.



ت – ۲۱ – دو تختهٔ سنگ آتشگدهٔ پاسارگاد (مربوط به صفحهٔ ۱۵)

Fig 21 - Pasargade. Deux autels du feu.

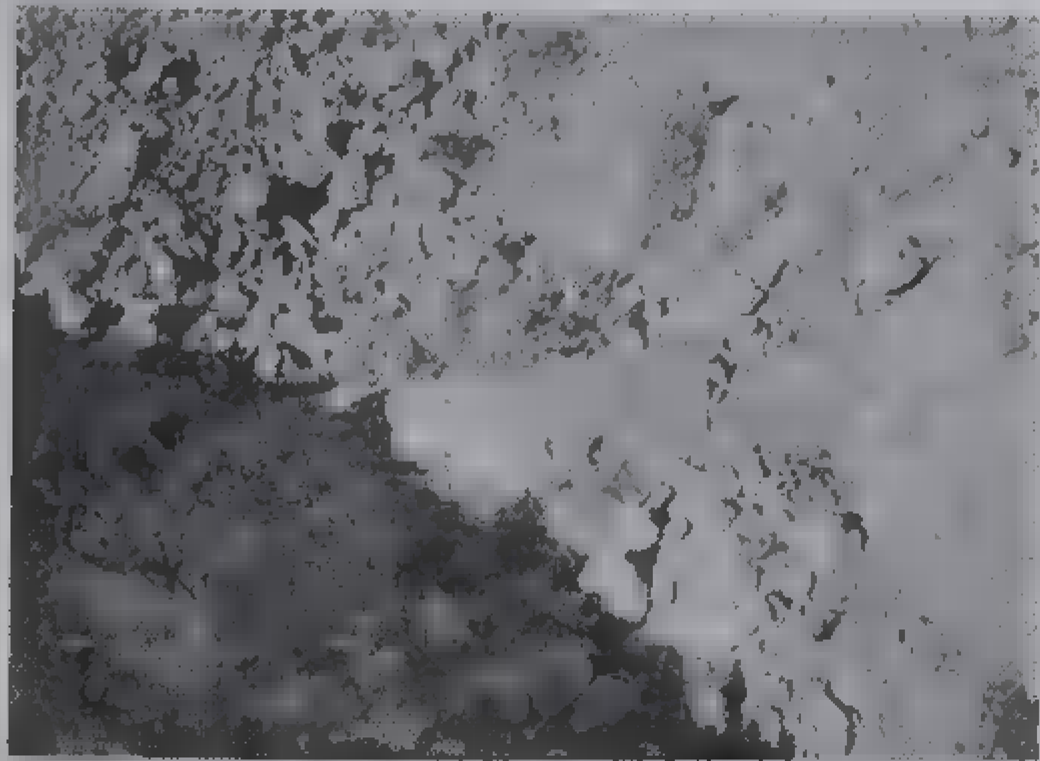
Fig 21 - Two fire altars at Pasargadae.

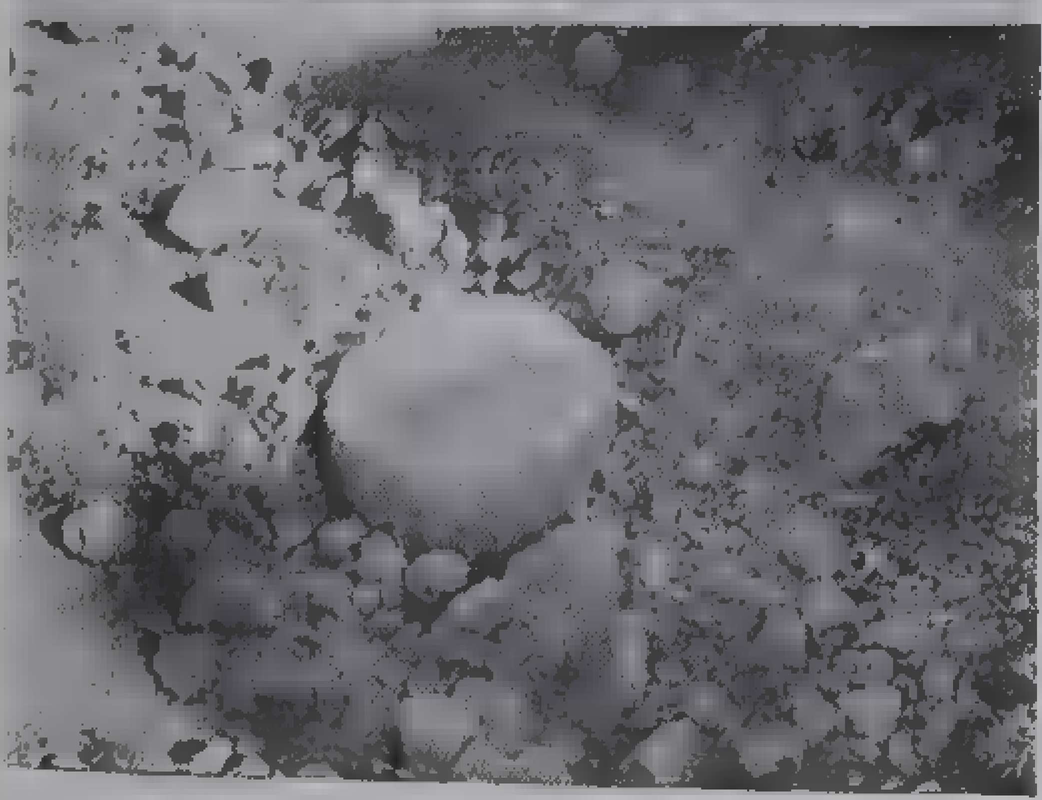


ش-۲۲- آتشدان سنگی عهد هخامنشی درباغ بـدره- سیدان- کهاکنون نیز زیارتگاه مردم محل بوده بنام مزار بی‌بی فاطمه معروف است- ارتفاع ۲٫۱۵ متر (مربوط به صفحه ۱۸)

Fig 22 - Autel du feu de l'époque Achéménide à Seïdan, à environ 20 Kilométres de Persépolis.

Fig 22 - A fire altar of the Achaemenian period in Seïdan, about 20 Kilometers from Persepolis.





ش-۲۳-قطعات ستون سنگی عهد هخامنشی در قره قلات - سیدان (مربوط به صفحه ۱۹)

(عکس از خانم ادیث پرادا Prof. Edith Porada) استاد دانشگاه کلمبیا که هنگام مسافرتش به تخت جمشید در تیرماه ۱۳۳۹ بـه تقاضای نگارندهٔ کتاب گرفته است.)

Fig 23 - Fragments de colonne Achéménide à Seïdan, à environ 20 Kilométres de Persépolis.

Fig 23 - Fragments of column, Achaemenian period at Seïdan, about 20 Kilometers from Persepolis.



ش-۲٤- منظرهٔ تخت جمشید از طرف جنوب غربی که وضع مضرس دیوار عظیم صفهٔ آن بخوبی هویدا است (مربوط به صفحهٔ ۲۲)
(عکس پیش از خاکبرداری و اصلاح زمینهای پائین صفه تخت جمشید گرفته شده است)
Fig 24 - Persépolis, vue de la terrasse, prise du côté sud-ouest.
Fig 24 - A wiew of Persepolis terrace taken from south-west corner.



ش-۲۵-دورنمای تخت جمشید از جانب جنوب شرقی که از سینهٔ کوه رحمت دیده میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۲)

Fig 25 - Persépolis, vue prise du haut de l'angle sud-est de la terrasse.
Fig 25 - A wiew of Persepolis taken from south-east corner of the terrace.

Title Pūri Sīnā.

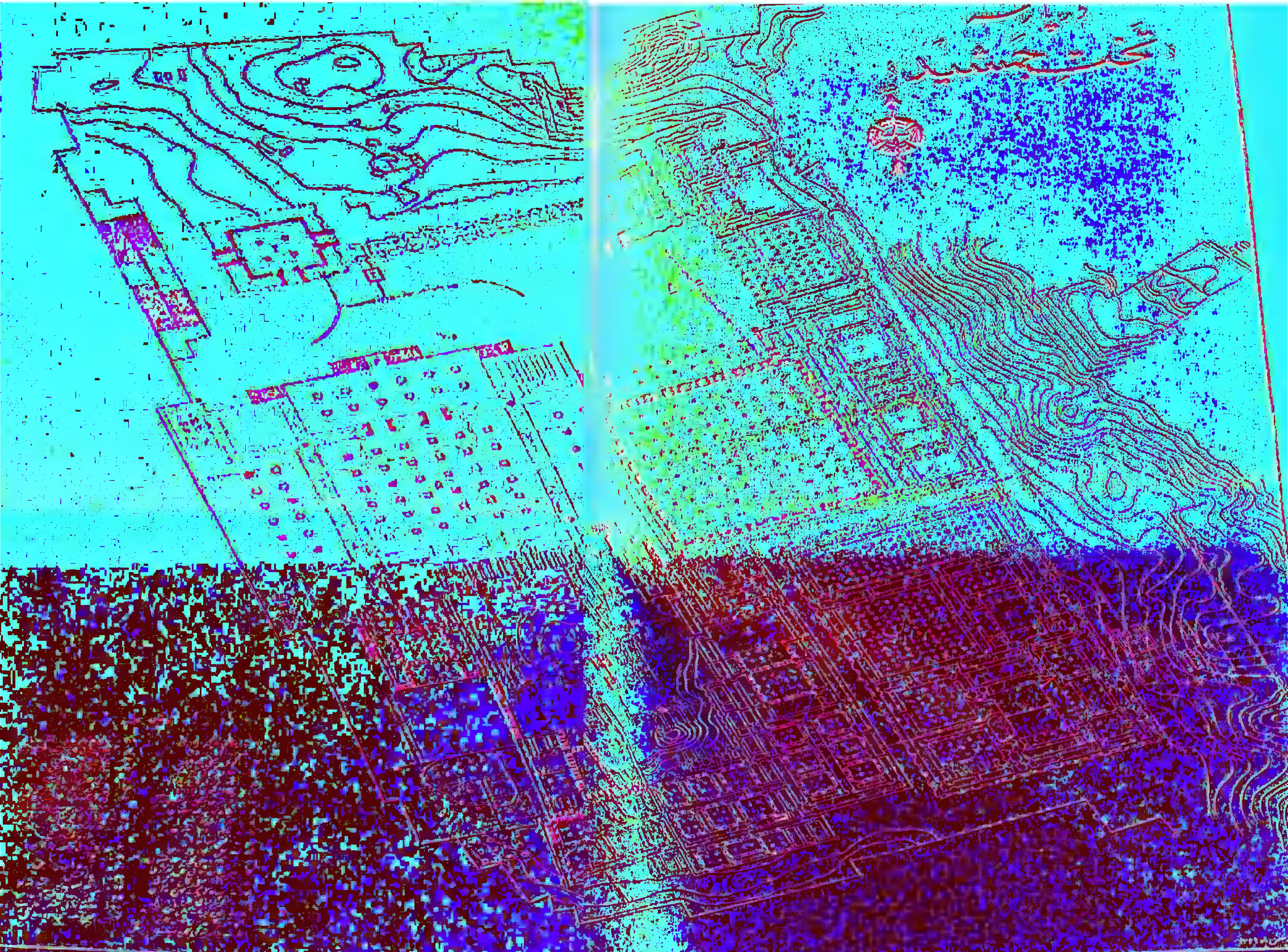
Author Saʿīd Nafīsī

Accession No. 24620

Call No. 891.5092 S31P

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE



نقشه کامل آثار تخت جمشید که در بهمن [illegible] بوسیله آقای علی حاکمی [illegible]

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE



ش-۲۶-منظرهٔ قسمت شمالی آثار تخت جمشید که بقایای کاخهای معظم اپدانه و صد ستون وکاخ‌مرکزی وکاخ کوچك داریوش اول در آن پدیدار است (مربوط به صفحهٔ۲۳)

Fig 26 - Persépolis, vue prise du côté est de la terrasse.
Fig 26 - A wiew of Persepolis taken from the east side of the terrace.

(روبروی این صفحه)

ش-۲۷-نقشهٔ عمومی آثار تخت جمشید ترسیم آقای علی حاکمی مدیر موزهٔ ایرانباستان نقل از کتاب راهنمای اجمالی آثار تخت جمشید تالیف س . محمدتقی مصطفوی (مربوط به صفحهٔ ۲۳ و صفحات دیگر کتاب)

Fig 27 - Plan général des monuments, sur la terrasse de Persépolis
Fig 27 - General plan of the monuments on the terrace of persepolis.



ش-۲۸-منظرهٔ پلکان بزرگ ورودی تخت جمشید از جانب شمال - ستونهای کاخ اپدانه در سمت روبروودروازهٔ اصلی عمارت مدخل که بالای پلکانها واقع است درجانب چپ دیده میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۳)

Fig 28 - Persépolis, vue du grand escalier d'entrée de la terrasse, prise du nord.

Fig 28 - A wiew of the great stairway at the entrance of Persepolis terrace, taken from the north.



ش-۲۹-منظرهٔ قسمت بالای پلکان بزرگ‌ورودی تخت جمشید از جانب‌شمال. بعضی ستونهای کاخ اپدانه هم کم و بیش در این عکس دیده میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۳) عکس از آقای حسین سنگی

Fig 29 - Persépolis, une autre vue du grand escalier d'entrée de la terrasse, prise du côté nord.

Fig 29 - Another wiew of the great stairwaiy at the entrance of Persepolis taken from the north.



ش-۳۰-دروازهٔ شرقی عمارت ورودی تخت جمشید که تماویر خیالی از گاو بالدار با سرانسان به نسبت بسیار بزرگ برآن حجاری کرده‌اند (مربوط به صفحهٔ ۲۳)

Fig 30 - Persépolis, la porte orientale du grand portail.

Fig 30 - The eastern gate of the big portal of Persepolis



ش۳۱-منظرهٔ کاخ اپدانه از جانب شمال شرقی که پلکانهای شمالی وستونهای بلند کاخ درآن نمایان است (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 31 - Persépolis, vue de l'Apadana prise de l'angle nord-est.
Fig 31 - A wiew of the Apadana, at Persepolis, taken from the north-est.

ش۳۲–بدنهٔ شمالی دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه که نقش برجستهٔ افسران و سربازان (جاویدان) وعرابه‌ها و اسبها و لوازم دیگر مربوط به رژهٔ لشگریان در سه ردیف نقوش آن و نبشتهٔ میخی و نقش برجستهٔ شیروگاو و گل ودرختان‌سرو درقسمت آخر و کنگره‌های زیبا برفراز تمام آن با استادی و سلیقهٔ تمام حجاری گردیده است (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

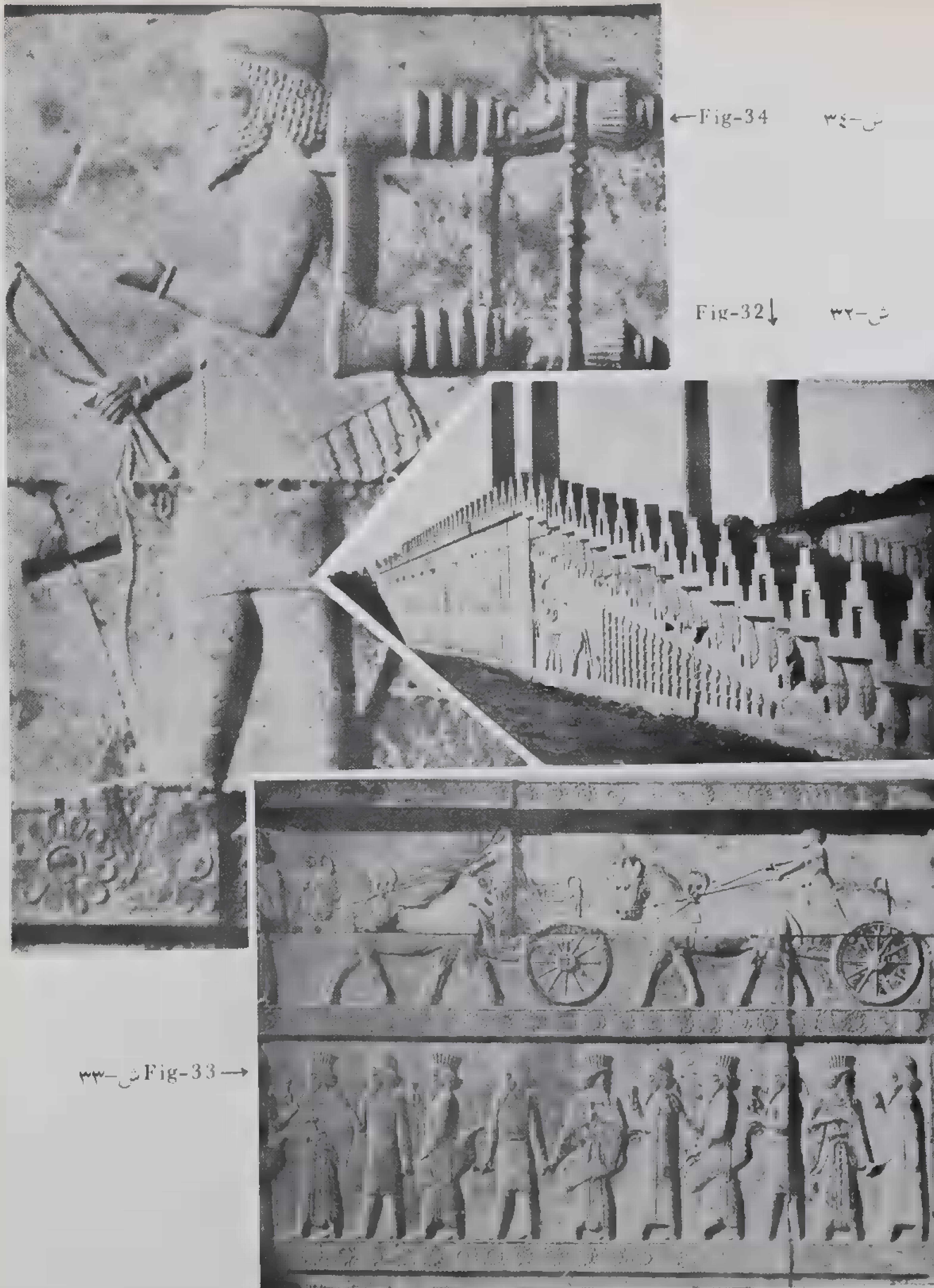
Fig 32 - Persepolis, partie nord du grand escalier oriental de l'Apadana.
Fig 32- The northern part of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش۳۳– نقش افسران پارسی و مادی و عرابه‌های شاهی بردیوار پلکان شرقی‌کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 33 - Persepolis, les dignitaires Perses et Médes et les chars royaux, représentés sur le mur du grand escalier oriental de l'Apadana.
Fig 33 - Persian and Median dignitaries and the royal chariots on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش۳٤– نقش یك نفر مادی حامل کرسی شاهی و مفرش و شلاق در مراسم‌رژهٔ لشگریان‌که بر دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه حجاری گردیده است (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 34 - Persépolis, un dignitaire Méde portant le trône, le tapis et le fouet, représenté sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.
Fig 34 - A Median dignitary carrying the throne with a carpet and a whip, represented on the wall of the eastern stairawy of the Apadana at Persepolis.



←Fig-34 ش-۳٤

Fig-32↓ ش-۳۲

ش-۳۳Fig-33 →



ش۳۵– بدنهٔ جنوبی دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه که نقوش بر جستهٔ نمایندگان استان های مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی برآن حجاری گردیده است (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 35 - Persépolis, partie sud de la façade du grand escalier oriental de l'Apadana.

Fig 35 - The southern part of the front of the eastern stairway of the Apadana at persepolis.



ش۳٦–نقوش برجستهٔ نمایندگان استانهای مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 36 - Persépolis, la procession des représentants des provinces de l'Empire Achéménide, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 36 - The procession of the representatives of different provinces of the Achaemenian Empire on the front of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۳۸- نقوش نمایندگان خوزیان (مردم قدیم خوزستان) وهدایای ایشان بر دیوار پلکان شرقی ایدانه (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 38 - Persépolis, les représentants Susiens sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 38 - The Susian representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.

ش۳۷- نقوش نمایندگان ماد (سرزمین آذربایجان وقسمتهائی از شمال ومغرب ایران کنونی) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۴)

Fig 37 - Persepolis, représentants Médes sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 37 - The Median representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش۴۱- نقوش برجستهٔ نمایندگان ارمنستان وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 41 - Persépolis, les représentants de l'Arménie. sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 41 - The Armenian representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana. at Perspolis.

ش۳۹- نقوش نمایندگان پارت (خراسان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 39 - Persépolis, les représentants Parthes ? sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

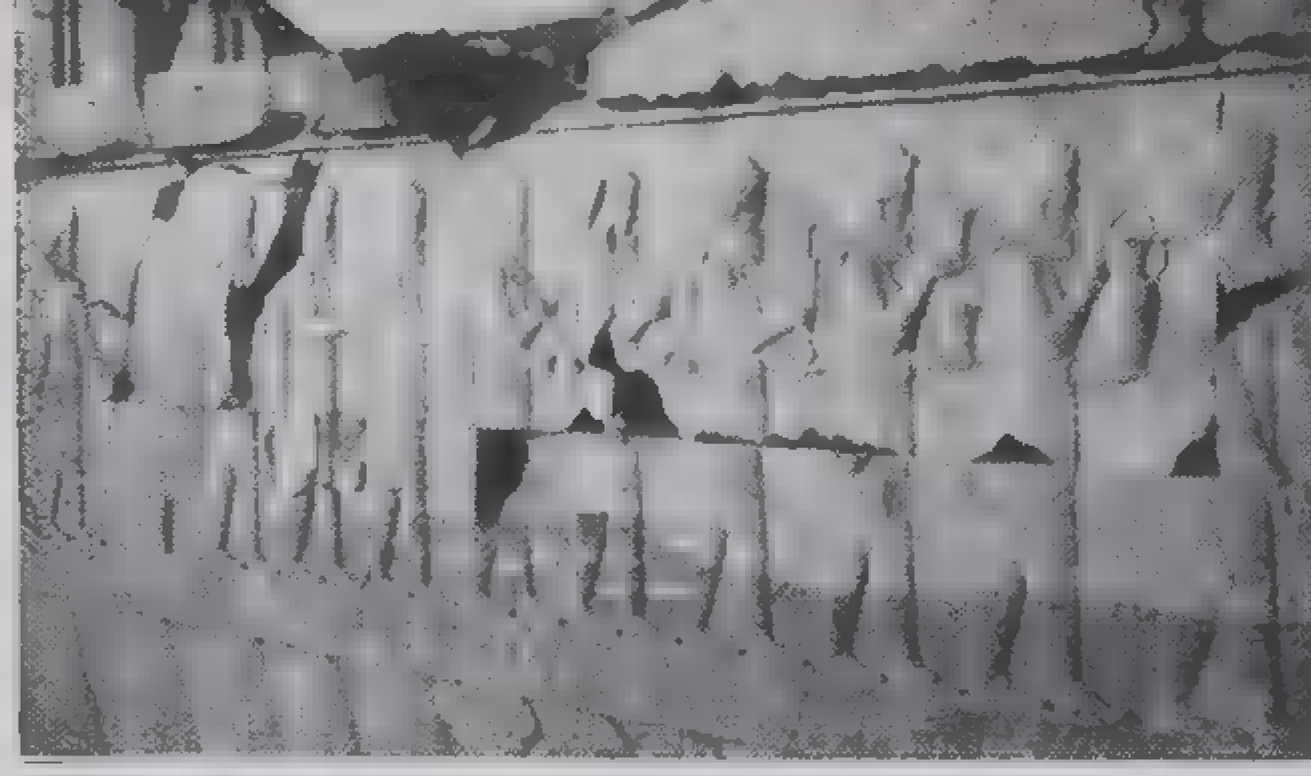
Fig 39 - The parthian representatives (?) on the wall of the eastern stairway of the Apadana. at Persepolis.

ش۴۵- نقوش برجستهٔ نمایندگان آشور (شمال بین‌النهرین) وهدایای ایشان‌بر دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

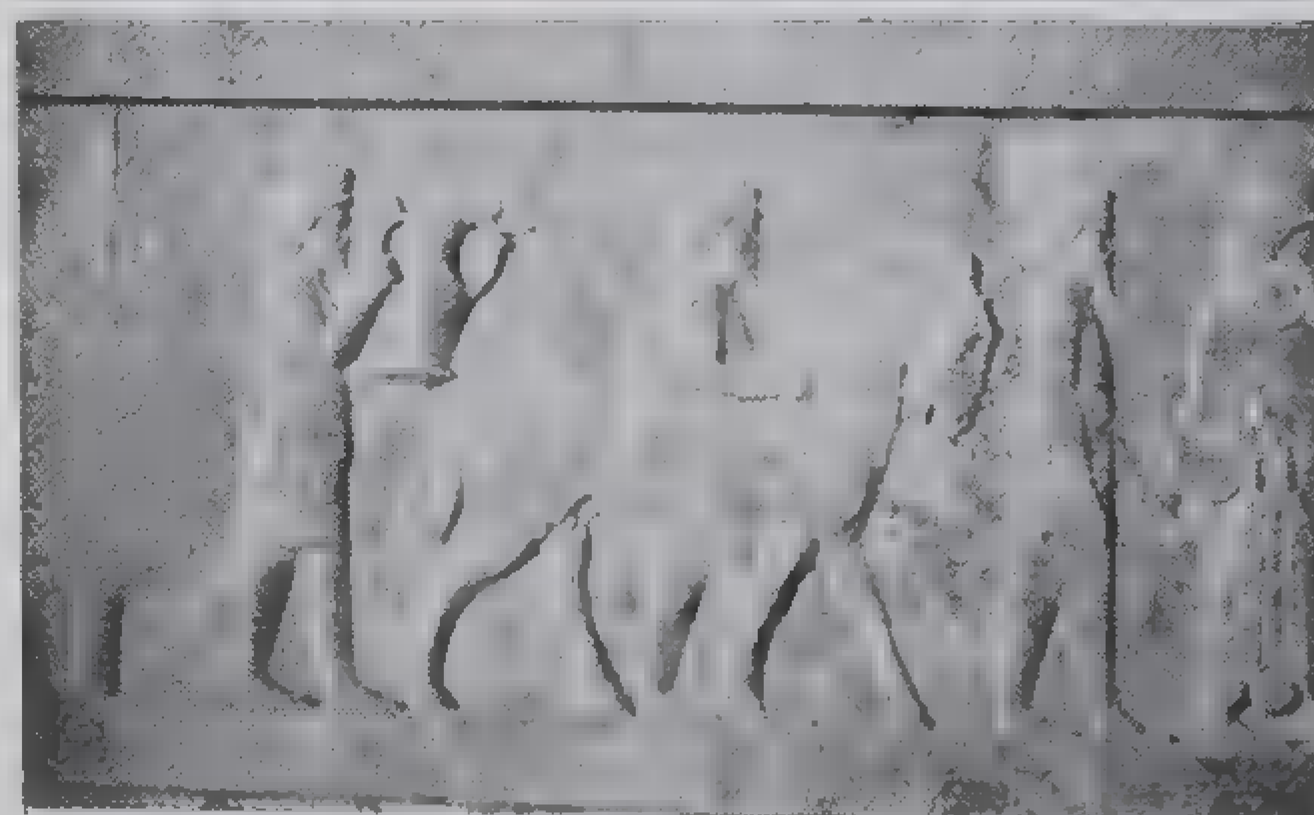
Fig 45 - Persépolis, les représentants de l'Asseyrie sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 45 - The representatives of Assyria on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

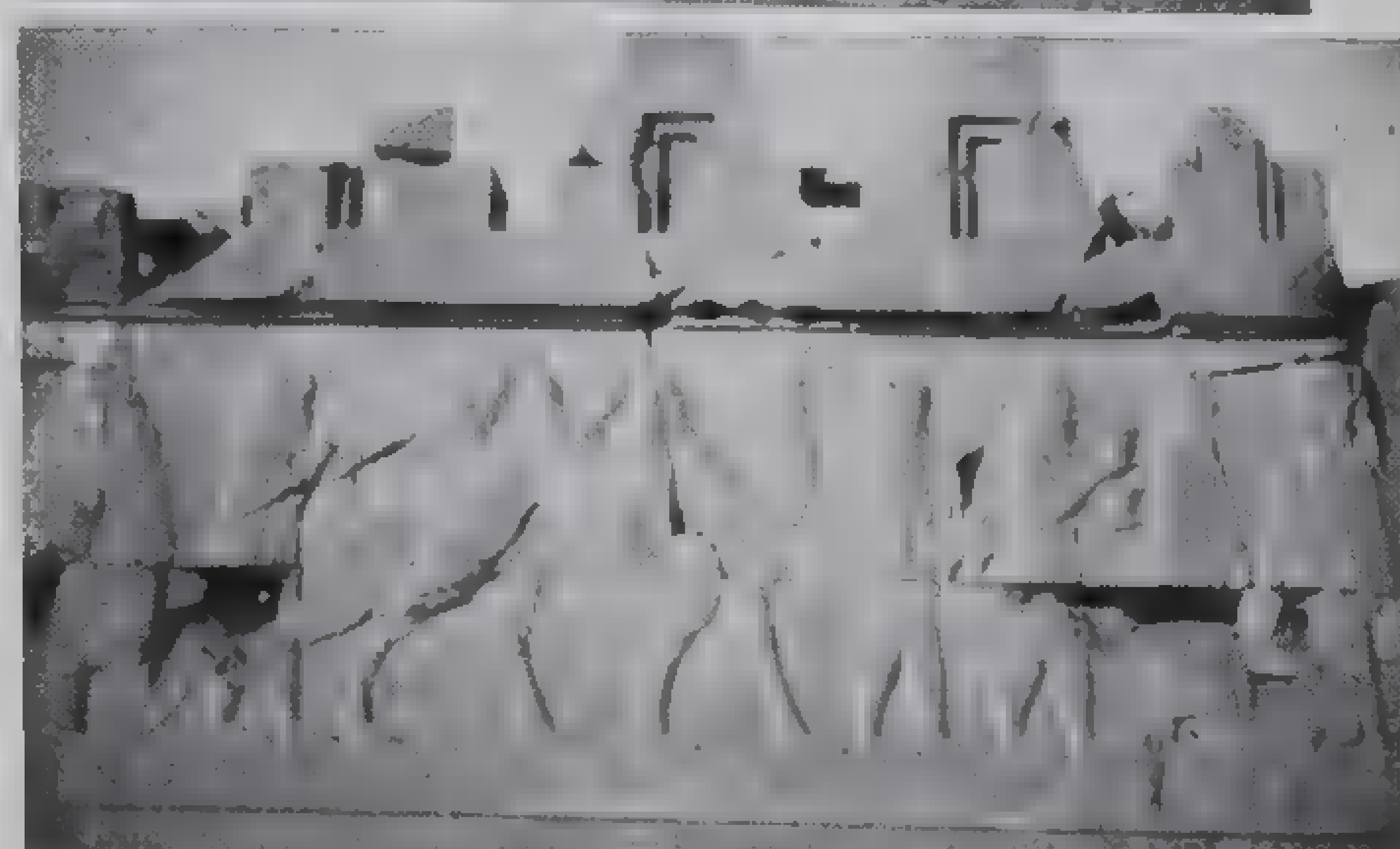
ش – ٣٧
Fig - 37



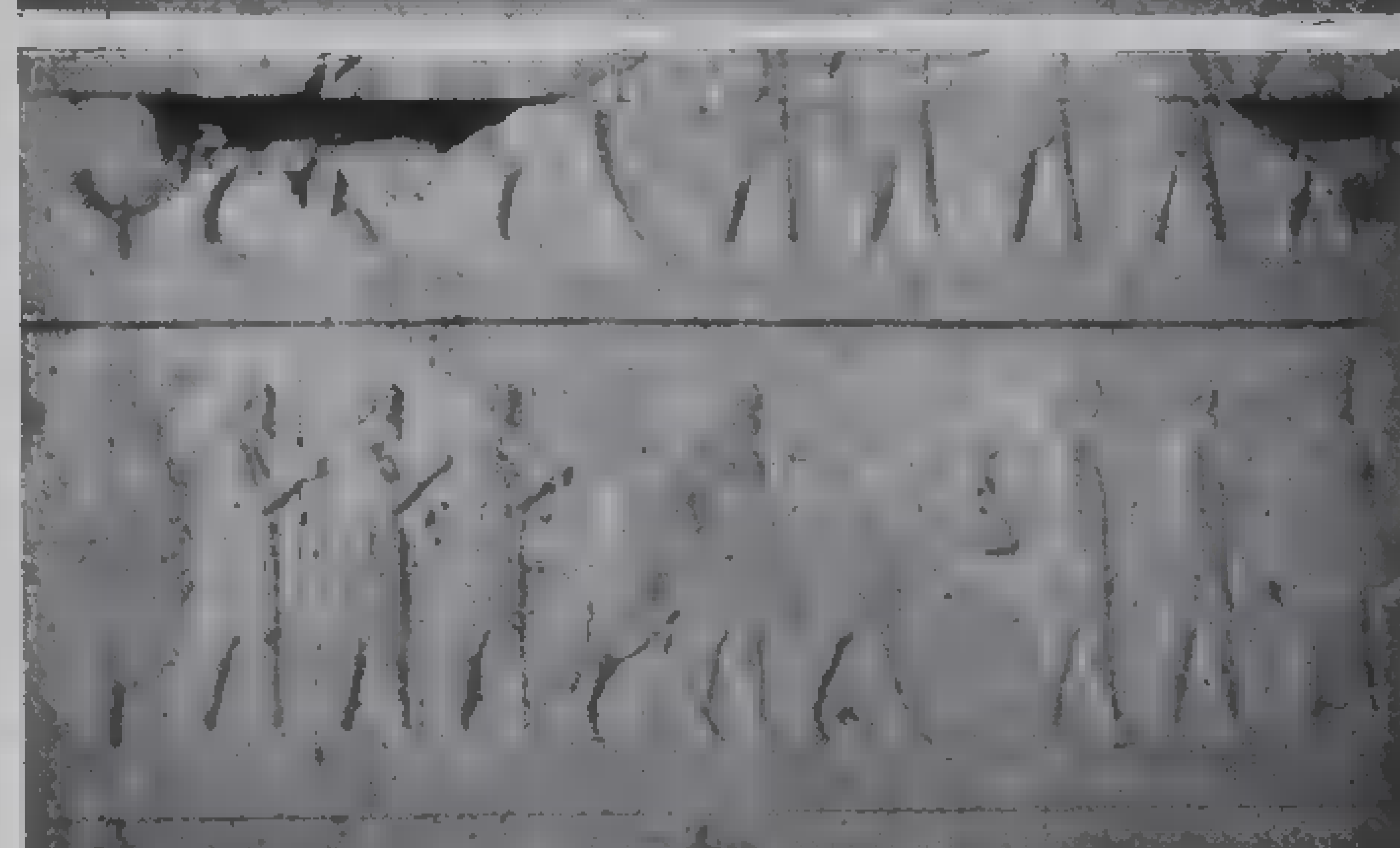
ش – ٤١
Fig - 41



ش – ٣٩
Fig - 39



ش – ٤٥
Fig - 45





ش۴۰- نقوش نمایندگان سغد یا باختر (در شمال شرقی خراسان) و هدایای
ایشان بر دیوارپلکان شرقی کاخ اپدانه - نقل از کتاب تخت جمشید تالیف دکتر
۱۰اشمیت ورقهٔ مصور شمارهٔ ۳۳ (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 40 - Persépolis, les représentants Sogdiens ou Bactriens (?) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 40 - The Sogdian or the Bactrian representatives (?) on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.



ش۴۳ – نقوش برجستهٔ نمایندگان گیلیکیه (سیلیسی - جنوب آسیای صغیر) و هدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به‌صفحهٔ ۲۵)

Fig 43 - Persépolis les représentants de Cilicie (au sud de l'Asie Mineure) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 43 - The representatives of Cilicia (south of Asia Minor) on the wall of eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش۴۲- نقوش برجستهٔ نمایندگان بابل (جنوب بین‌النهرین) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 42 - Persépolis, les représentants de Babylone, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 42 - The Babylonian representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.

ش۴۴- نقوش برجستهٔ نمایندگان سیکان تیز خود وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 44 - Persépolis, les représentants des Sakas Tigraxauda, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 44 - The representatives of Saka Tigraxauda on the wall of eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

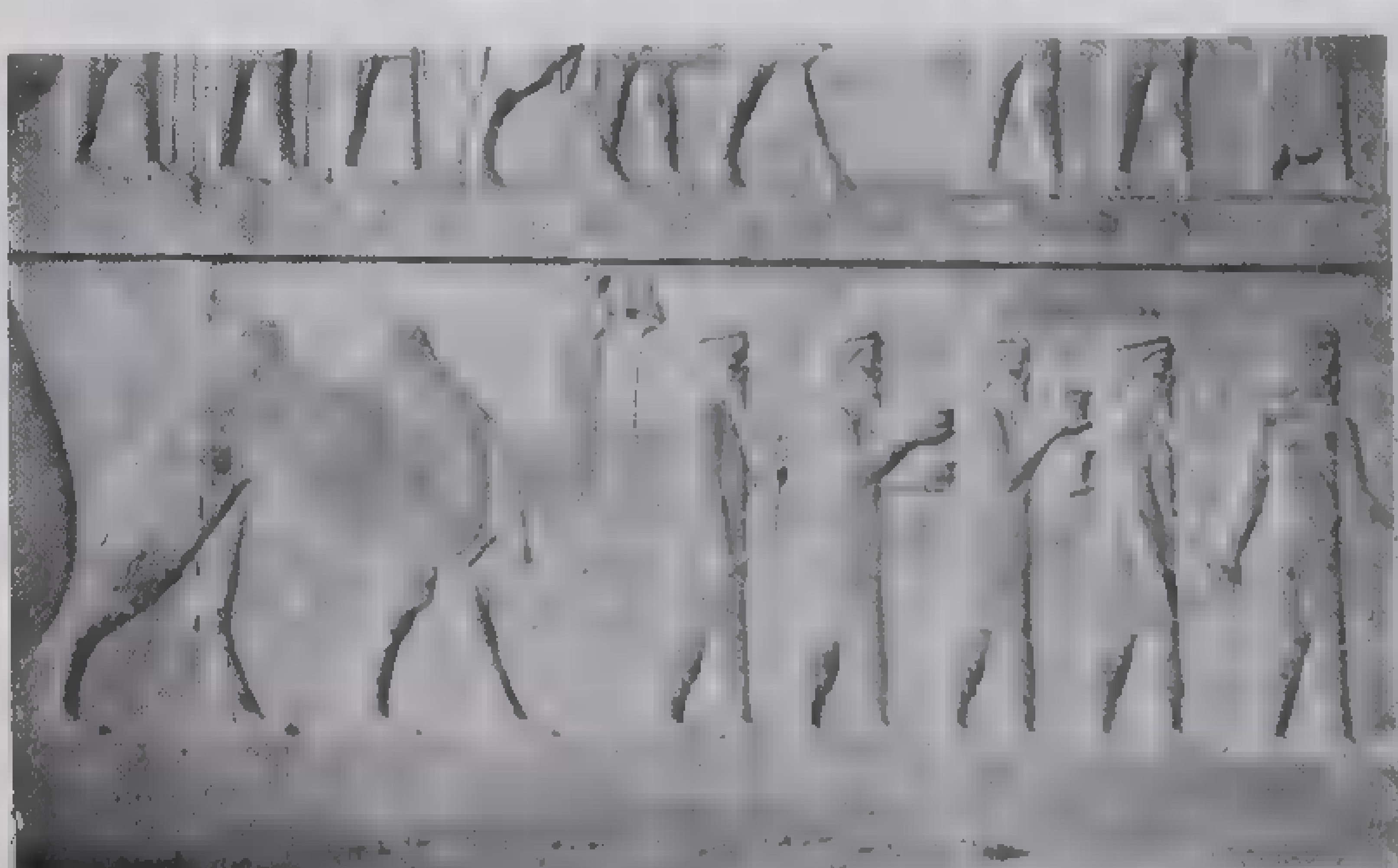
ش۴۹- نقوش برجستهٔ نمایندگان رخج (در افغانستان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 49 - Persépolis, les représentants d'Arachosie (au sud de l'Afghanistan) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 49 - The representatives of Arachosia (south of Afghanistan) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.









ش٤٦- نقوش برجستهٔ نمایندگان فنیقیه (لبنان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه - نقل ازکتاب تخت جمشید تألیف دکتر ا . اشمیت ورقهٔ مصور شمارهٔ ۳۲ (مربوط به‌صفحهٔ ۲۵)

Fig 46 - Persépolis, les représentants de la Phenicie (Liban actuel) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 46 - Representatives of Phenecia (actuel Lebanon) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش٤٧- نقوش برجستهٔ نمایندگان کاپادوکیه (قسمت‌شرقی آسیای صغیر) وهدایای‌ایشان بردیوارپلکان شرقی‌کاخ اپدانه-نقل ازکتاب تخت‌جمشید. تألیف دکتر ا .اشمیت ورقهٔ مصور شماره ۳۵ (مربوط به‌صفحهٔ ۲۵)

Fig 47 - Persépolis, les représentants de la Cappadocie (est de l'Asie Mineure) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 47 - The representatives of Cappadocia (east of Asia Minor) on the wall of eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۴۸- نقوش برجستهٔ نمایندگان یونانیان سارد (در انتهای غربی آسیای صغیر)
وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 48 - Perstpolis, les représentants de Ionie (l'extrémité occidentale de l'Asie Mineure) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 48 - The representatives of Ionia (west end of Asia Minor) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۵۰- نقوش برجستهٔ نمایندگان هند وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 50 - Persepolis, les représentants de l'Inde sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 50 - The representatives of India on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش ۵۱- نقوش برجستهٔ نمایندگان درنگیان (در شمال سیستان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

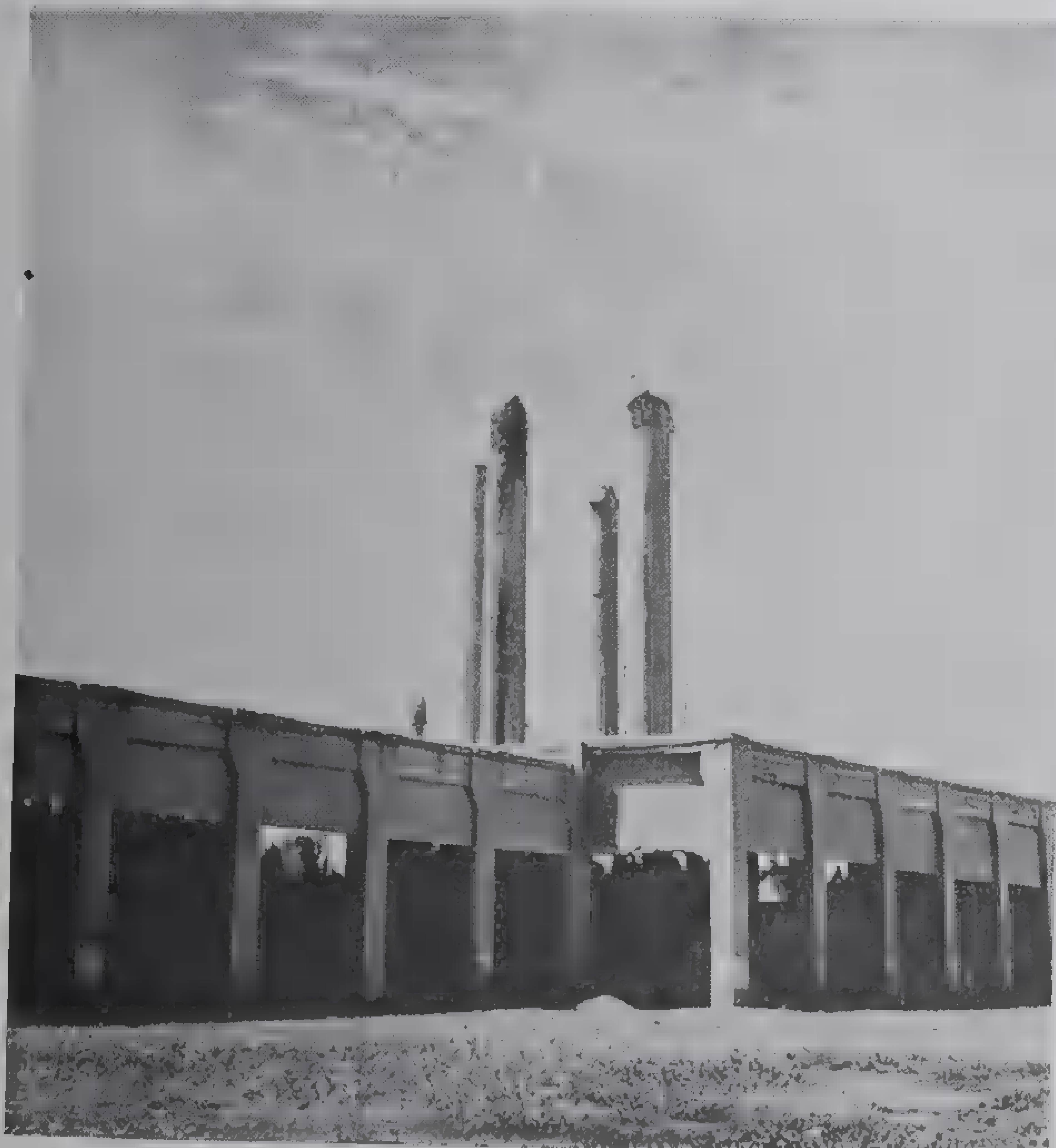
Fig 51 - Persépolis, les représentants de Drangian (à l'est de l'Iran actuel, au nord du Sistan) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 51 - The representatives of Drangian (east of actual Iran, north of Sistan) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۵۲– منظرهٔ کاخ آپادانا وپلکان ضلع شمالی بانقوش برجستهٔ آن (مربوط به صفحهٔ ۲۶)

Fig 52 - Persépolis, vue de l'Apadana et de son escalier du côté nord.
Fig 52 - A wiew of the Apadana and its stairway from the north side.



ش۵۳- ستون‌های ایوان شرقی کاخ آپادانا وپلکانهای همان ایوان که سایبان سادهٔ جدیدالاحداث برای حفظ نقوش آن ازآفتاب وباران احداث شده است (مربوط به صفحهٔ ۲۶) عکس ازآقای حسین سنگی

Fig 53 - Persépolis, une vue du côté oriental de l'Apadana.
Fig 53 - A wiew of the oriental side of the Apadana, at Persépoli.



ش۵٤- سرستون بزرگ بشکل دونیم تنهٔشیر درگوشهٔ شمال‌شرقی حیاط کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲٦) عکس از آقای حسین سنگی

Fig 54 - Persépolis, le grand chapiteau, formé de 2 lions, au coin nord-est de la cour de l'Apadana.

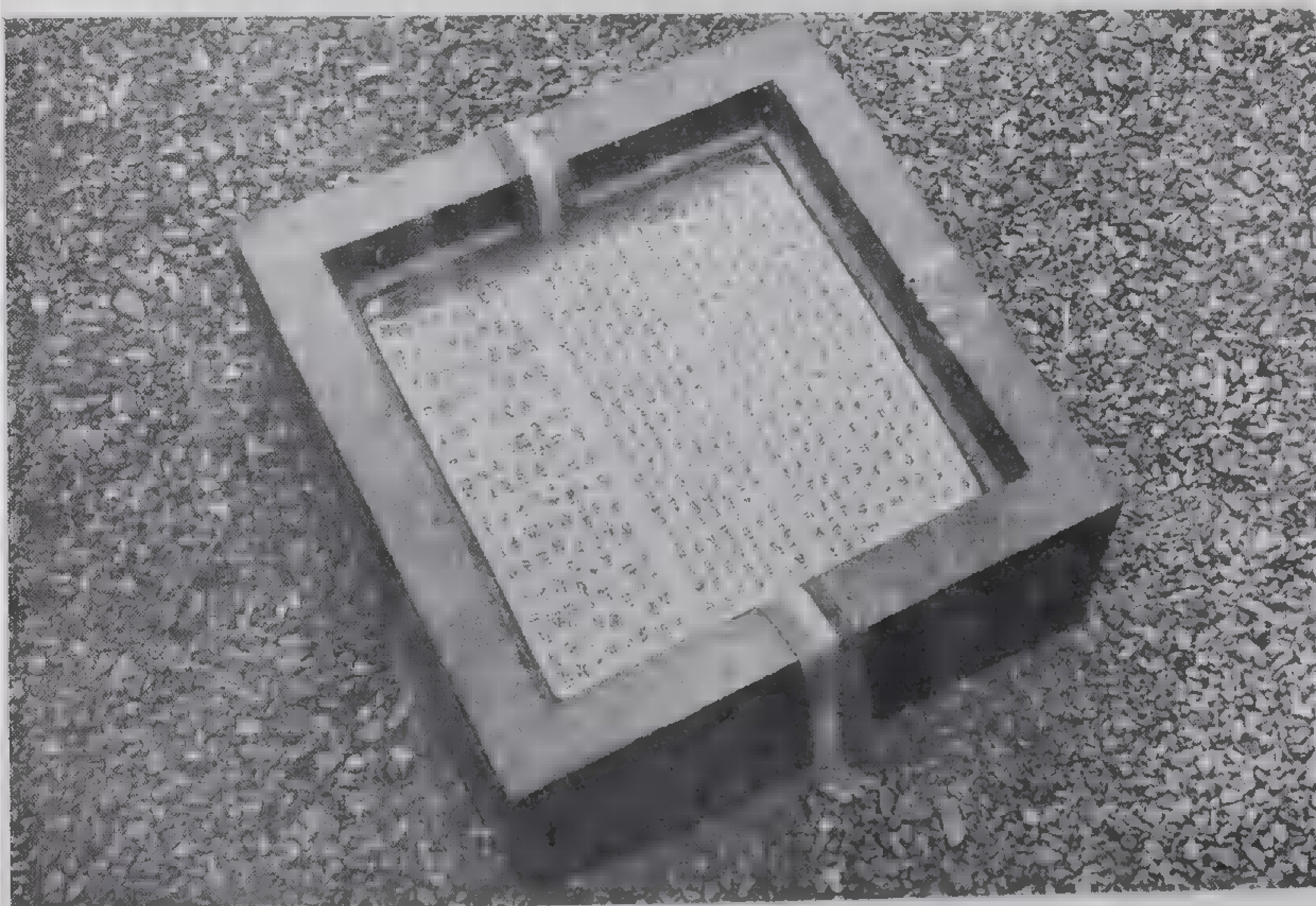
Fig 54 - The big capital in the shape of 2 lions, in the north-east corner of the court of Apadana at Persepolis.



ش۵۵- سرستون بزرگ به شکل دونیم تنهٔ شیر باسرعقاب در قسمت شمال صفهٔ تخت جمشید (مربوط به صفحهٔ ۲۶) -عکس از عکاسی اسپرت- خیابان نادری- تهران

Fig 55 - Persépolis, le grand chapiteau formé de 2 lions aux têtes d'aigle, dans la partie nord de la terrasse de Persépolis.

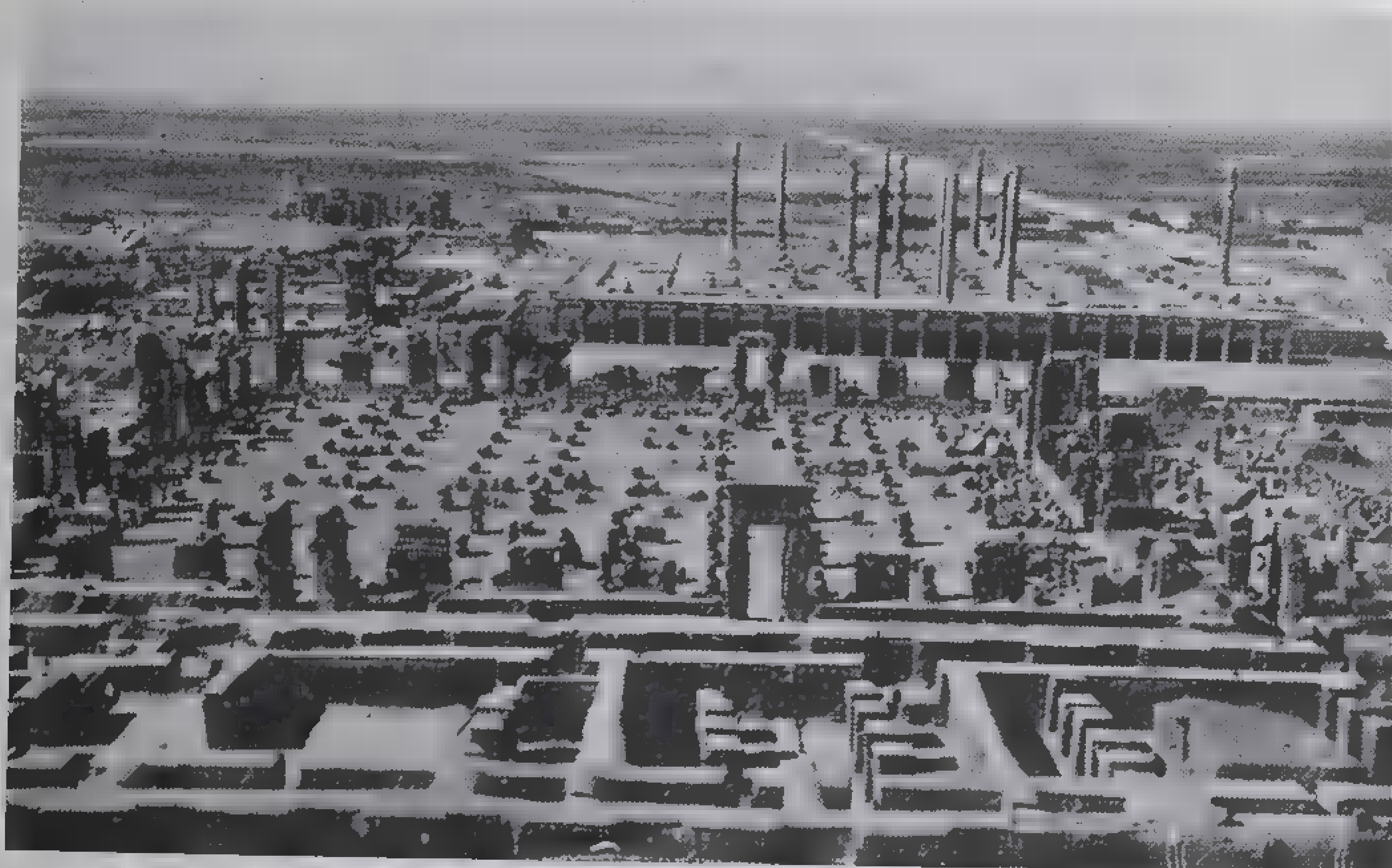
Fig 55 - The big capital in the shape of 2 eagle headed lions in the north part of the terrace of Persepolis.



ش٥٦- لوح زر بنام داریوش اول باجعبهٔ سنگی آن در موزهٔ ایران باستان‌که در شهریور ماه ۱۳۱۲ در گوشهٔ تالار کاخ اپدانه کشف گردید (مربوط به صفحهٔ ۲۶)

Fig 56 - Plaque d'or, au nom de Darius I, trouvée en 1933 à Persépolis, (actuellement au Musée de Téhéran)

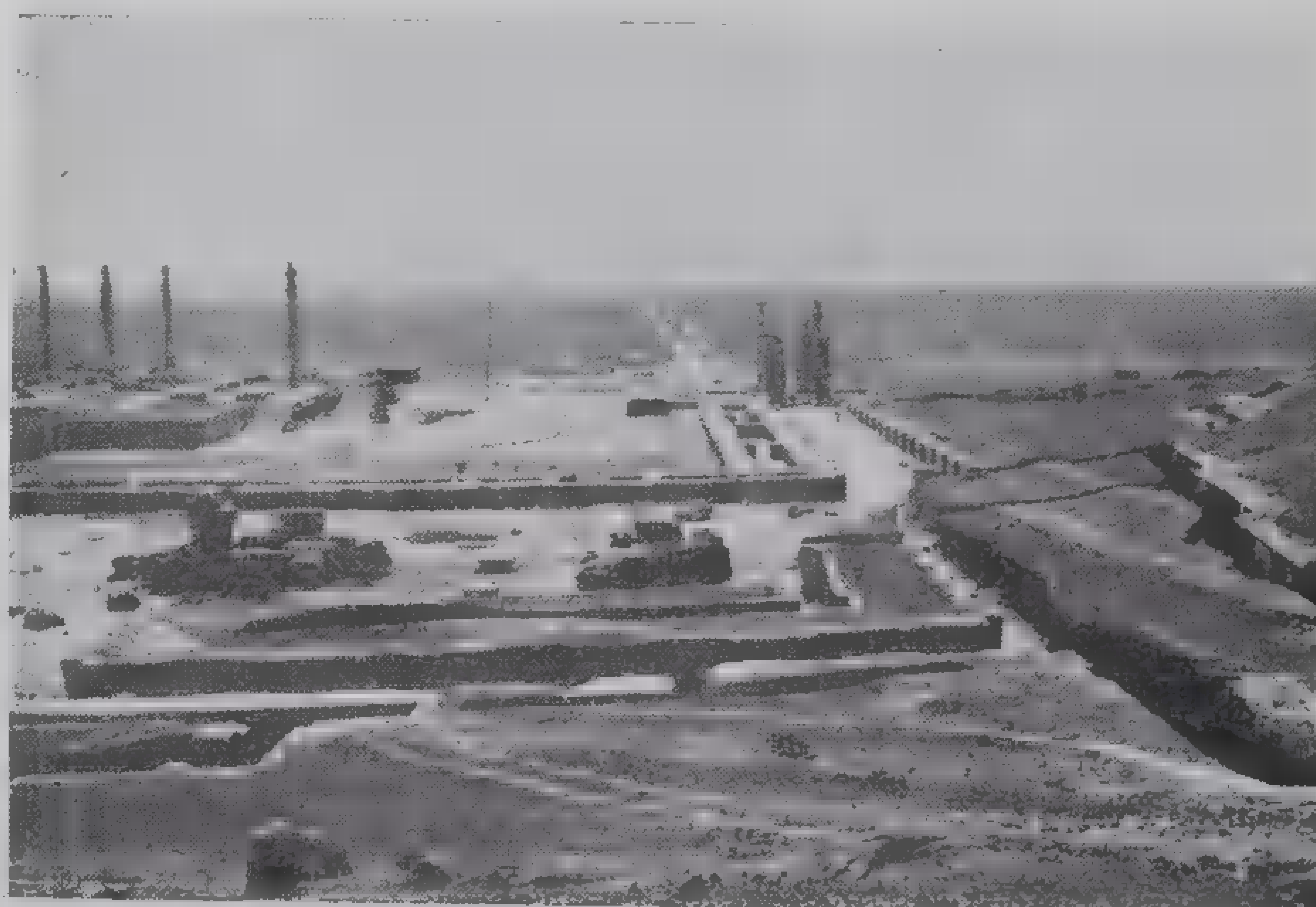
Fig 56 - Golden tablet, in the name of Darius I, found in 1933 at Persepoils (actually in the Arch. Museum of Tehran.)



ش۵۷- منظرۀ کاخ صد ستون که کاخ اپدانه هم‌در قسمت عقب دیده میشود
(مربوط به صفحۀ ۲۷)

Fig 57 - Persépolis, vue de la salle aux 100 colonnes prise de l'est.

Fig 57 - A wiew of the Hundred columns Hall at Persepolis, taken from the east.



ش۵۸- بقایای سردر نیمه تمام سنگی واقع در شمال حیاط کاخ صدستون که بوسیلهٔ راهرو عریضی به‌عمارت ورودی تخت جمشید ارتباط داشته است (مربوط به صفحهٔ ۲۷)

Fig 58 - Persépolis, portail inachevé au nord de la cour de la salle aux 100 colonnes.

Fig 58 - Unfinished gate in the north side of the court of 100 columns Hall, at Persepolis.

ش ٦٠ – بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی ضلع جنوبی تالار صد ستون که نقش برجستهٔ شاه برفراز اورنگ شهریاری دیده میشود و۱٤نفر نمایندگان ١٤ استان ازکشور هخامنشی در زیر تخت نموده شده‌اند (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 60 - Persépolis. Bas relief représentant le roi sur son trône. portail méridional de la salle aux 100 colonnes.

Fig 60 - The King on his throne. south gate of the 100 columns Hall.

←



ش۵۹– قسمت جنوبی تالار صد ستون که دو آستانهٔ سنگی ضلع جنوبی تالار مزبور نیز در آن دیده میشود (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 59 - Persépolis, la partie sud de la salle aux 100 colonnes.

Fig 59 - The south part of the 100 columns Hall.

↓





ش۶۱- بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی ضلع شرقی تالار صد ستون که نقش برجستهٔ پیکار شاه رابا یکی ازمظاهر اهریمن بصورت شبیه گاو گوهی نشان میدهد (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 61 - Persépolis. Bas relief du portail oriental de la sall aux 100 colonnes.

Fig 61 - A relief on the eastern gate of the 100 columns Hall at Persepolis.

←



→

ش۶۲- بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی ضلع غربی تالار صد ستون که نقش برجستهٔ پیکار شاه رابا یکی از مظاهر اهریمن بصورت‌شیر نشان میدهد(مربوط بصفحه ۲۷)

Fig 62 - Persépolis, Bas relief du portail occidental de la salle aux 100 colonnes.

Fig 62 - A relief on the western gate of the 100 columns Hall at Persepolis.



س ٦٣ – یکی از آستانه‌های سنگی و طاقچهٔ سنگی و نه ستون مجاور آنها در کنارهٔ شرقی تالار صد ستون (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 63 - Persépolis, partie du côté est de la salle aux 100 colonnes.

Fig 63 - A part of the eastern side of the 100 columns Hall at Persepolis.



ش۶۴- نیمهٔ غربی پلکان بزرگ کاخ مرکزی (مربوط به صفحهٔ ۲۸) عکس از آقای حسین سنگی

Fig 64 - Persépolis, l'escalier du Palais Central (la Triple porte)
Fig 64 - The stairway of the Central Palace (Council Hall) at Persepolis.

ش۶۵– نقوش برجستهٔ افسران مادی بردیوارهٔ پلکان بزرگ کاخ مرکزی (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 65 - Persépolis, les officiers Mèdes sur l'escalier du Palais Central (la Triple porte)

Fig 65 - The Median officers on the stairway of the Central Palace (Council Hall) at Persepolis.

ش ۶۶ – پلکان کوچك کاخ مرکزی که اکنون در موزهٔ ایرانباستان نگاهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 66 - Le Petit escalier du Pllais Central (la Triple porte) de Persépolis, (actuellement au Musée de Teheran)

Fig 66 - The southern stairway of the Central Palace (Council Hall) of Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran.)

ش۶۷– نقوش برجسته ظریف پلکان‌کوچك‌کاخ مرکزی‌که‌تصاویر خدمتگزاران داخلی کاخهای شاهی رانشان میدهد (مربوط به صفحه ۲۸)

Fig 67 - Les serviteurs du palais sur le petit escalier du Palais Central (la Triple porte) de Persépolis (actuellement au Musée de Teheran.)

Fig 67 - The servitors of the palace on the southern stairway of the Central Palace (Council Hall) of Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran.)

ش۶۸– قطعهٔ سرستون کاخ مرکزی به شکل تنه حیوان باسر آدمی‌که اکنون در موزهٔ ایران باستان نگاهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 68 - Fragment du chapiteau à tête humaine du Palais Central (la Triple porte) de Persépolis au Musée de Teheran.

Fig 68 - Fragment of a human headed capital, from the Central Palace (Council Hall) of Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran)



ش – ٦٧
←
Fig - 67

ش – ٦٥ →
Fig - 65



↓ش – ٦٦
Fig - 66





ش – ٦٨
Fig - 68

ش۷۰- منظر کاخ کوچك داریوش - تچر - از طرف جبهٔ اصلی آن یعنی از سمت جنوب (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 70 - Persépolis, vue principale du petit palais de Darius (côté sud)

Fig 70 - Principal wiew of Darius' palace (south side)

ش ۷۱ - نمونهٔ نقوش برجستهٔ دیوارهٔ پلکان کاخ کوچك داریوش که نظیر آن در کاخهای کوچك دیگر مجاور حیاط جنوبی همان کاخ نیز موجود و مشهود است (مربوط بصفحهٔ ۲۸)

Fig 71 - Persepolis, Bas relief sur l'escalier du petit palais de Darius.

Fig 71 - Reliefs on the stairway of Darius' palace at Persepolis.

ش ۷۲ - بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی اطاقهای کوچك زوایای جنوبی کاخ کوچك داریوش که نقش برجستهٔ شاه‌را در حال پیکار و غلبه بر یکی از مظاهر اهریمن بصورت شیرنشان میدهد (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 72 - Persépolis, Bas relief sur la porte d'une des petites chambres du petit palais de Darius.

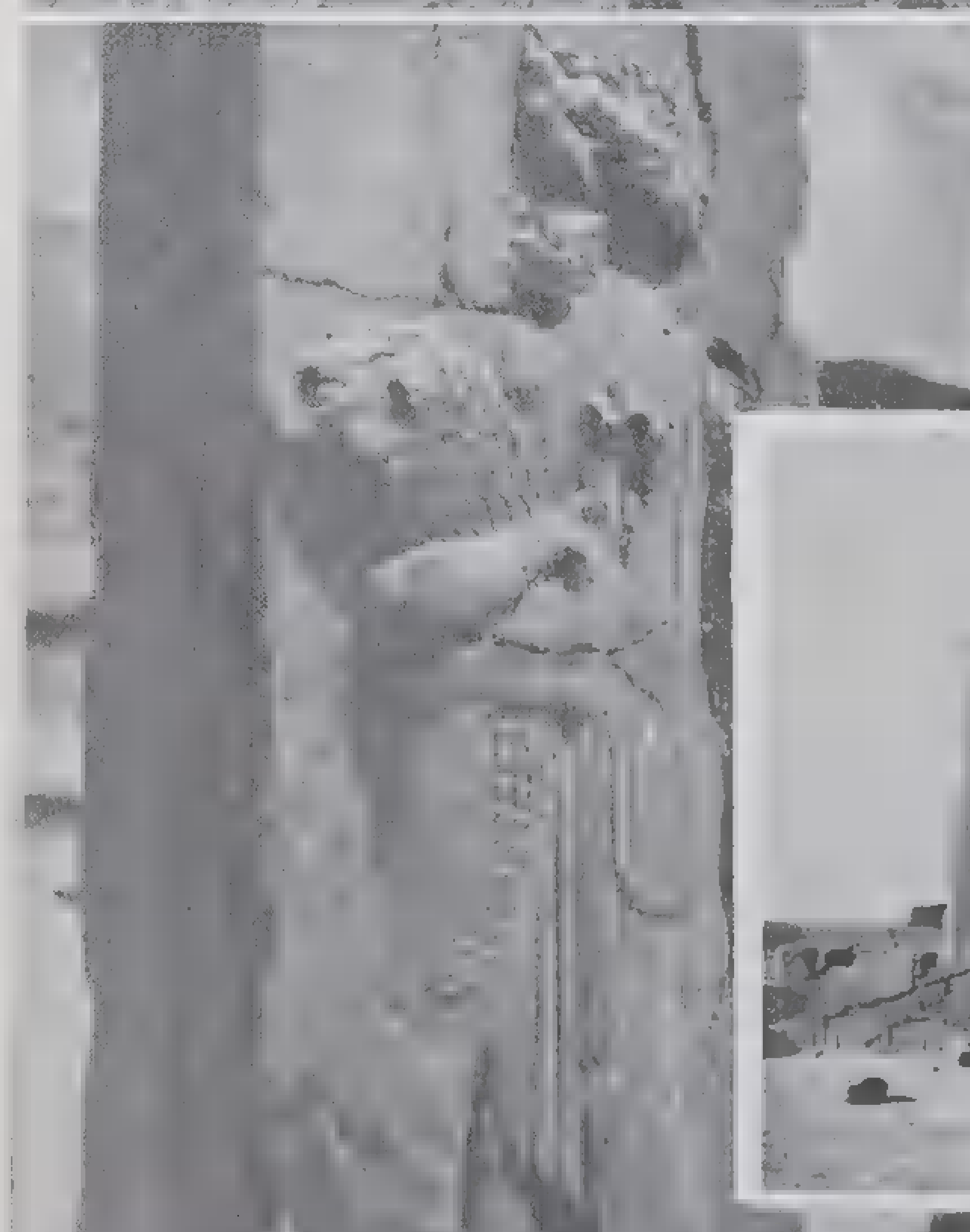
Fig 72 - Relief on a door of one of the small rooms of Darius' palace at Persepolis.



↑ ش – ٧١
Fig - 71



↑ ش – ٧٠
Fig - 70



← ش – ٧٢
Fig - 72



س۶۹-- قطعات اصلی یکی ازستونهای سنگی کوچك تخت جمشید که برای نمودن وضع ستونهای مزبور به موزهٔ ایرانباستان منتقل گشته در غرفهٔ آثار هخامنشی بمعرض نمایش گذارده شده است - سه قطعهٔ زیرین رااز کاخ مرکزی ودوقطعهٔ بالائی راااز اطاقهای جنوبی کاخ آپادانا بدست آوردهاند (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 69 - Différentes parties d'une petite colonne de Persépolis au Musée de Teheran.

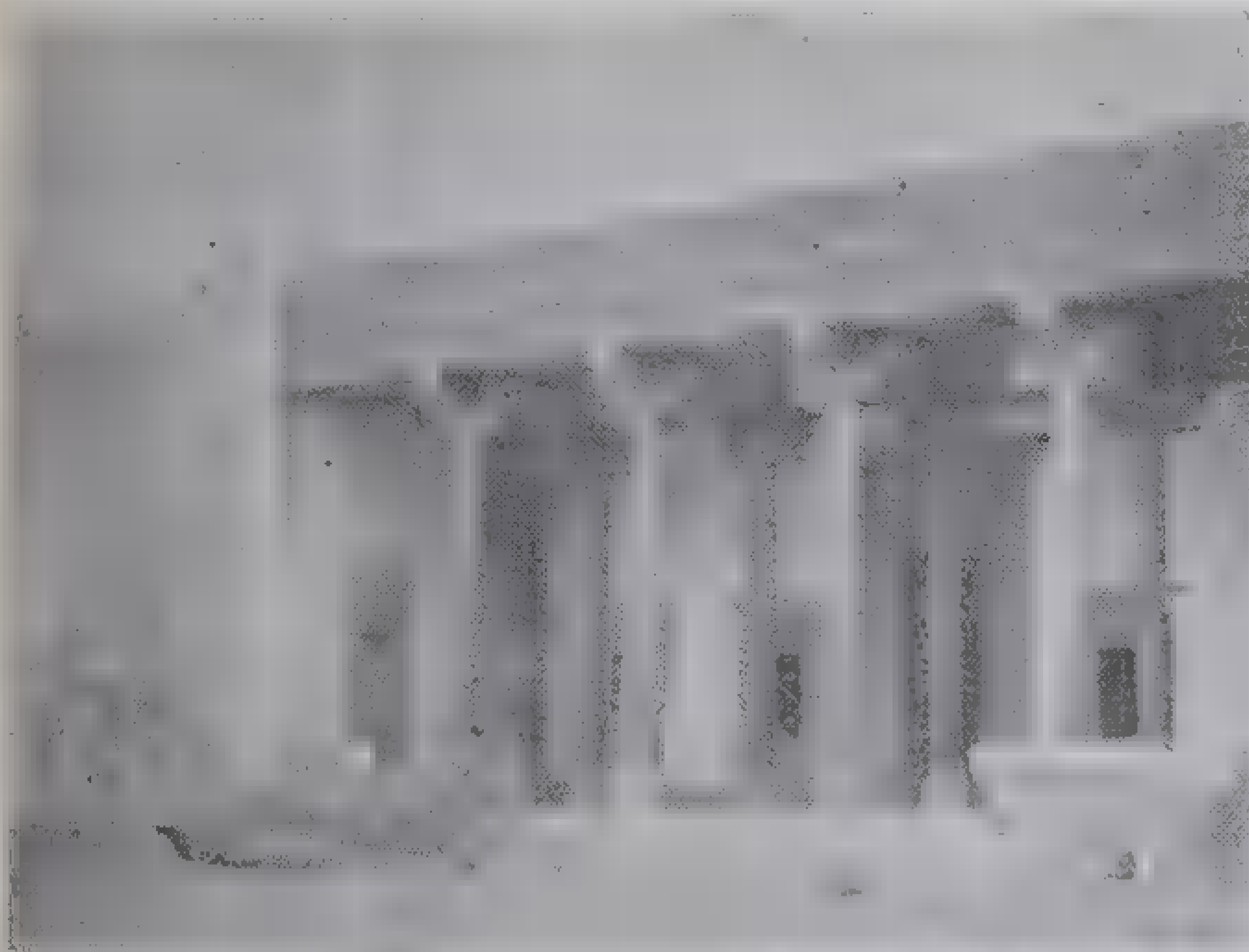
Fig 69 - Different parts of a small column of Persepolis in the Arch. Museum of Tehran.



ش۷۳- نقش برجستهٔ خشایارشا درحال بیرون آمدن ازتالار کاخ بردیوارهٔ آستانه سنگی کاخ کوچك آن شهریار (مربوط به صفحهٔ ۲۹)

Fig 73 - Persépolis. Xerxes sortant de son petit palais.

Fig 73 - Xerxes going out of his private palace at Persepolis.



ش۷٤- ایوان اصلی وجبهٔ شمالی کاخ انـدرون کـه محل موزهٔ تخت جمشید است (مربوط بـه صفحهٔ ۳۰)

Fig 74 - Persépolis, la façade principale du palais reconstruit.

Fig 74 - Principal facade of the rebuilt palace at Persepolis.

←



ش۷۵- قسمتهائی از ستونهـا و سقف تالار اصلی کاخ اندرون که محل موزهٔ تخت جمشیـد است (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

Fig 75 - Persépolis, les colonnes et le plafond de la grande salle du palais reconstruit.

Fig 75 - Wooden columns and ceiling of main hall of the rebuilt palace at Persepolis.

→



ش۷٦- بام تالار اصلی کـاخ اندرون واطاقها وایوانهای مجاور آن (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

Fig 76 - Persépolis, le toit du palais reconstruit.

Fig 76 - The roof of the rebuilt palace at Persepolis.

←



ش ۷۷ – نقش برجستهٔ داریوش و خشایارشا و بزرگان خاص دربار و نگهبانان مخصوص که در یکی از حیاطهای قسمت معروف به خزانهٔ تخت جمشید کشف گردید واینك درموزه‌ایران باستان‌نگهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

Fig 77 - Persépolis, Bas relief de la cour de la Trésorerie (actuellement au Musée de Teheran.)

Fig 77 - The relief of the courtyard of the Treasury at Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran).

ش۷۸ – جبهٔ خارجی آرامگاه منسوب به اردشیر دوم در کوه رحمت محاذی کاخ صد ستون تخت جمشید (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 78 - Persépolis, tombeau attribué à Artaxerxes II.

Fig 78 - The tomb attributed to Artaxerxes II at Persepolis.

ش۷۹ – نقش برجستهٔ یکنفر حبشی که ضمن ۲۸ نقش نمایندگان ۲۸ استان کشور بربالای آرامگاه منسوب باردشیر سوم درکوه رحمت نزدیك ضلع جنوبی صفه تخت جمشید حجاری گردیده است (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 79 - Persépolis, Bas relief d'un Abyssinien en haut du tombeau attribué à Artaxerxes III

Fig 79 - Relief of an Abyssinien on the top of the tomb attributed to Artaxerxes III at Persepolis.

ش۸۰ـ نقش برجستهٔ یکنفر پونتی (طرابلس غرب در افریقا) و یك یونانی تاکابارا (که برخی آنرا تاج‌بر معنی میکنند و مورد تردید دانشمندان‌است) ویك سکودرائی (اهل تراس یا تراکیه در مشرق مقدونیه) به ترتیب از راست بچپ بر بالای آرامگاه منسوب باردشیر سوم (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 80 - Persépolis, Bas reliefs en haut du tombeau attribué à Artaxerxes III

Fig 80 - Reliefs on the top of the tomb attributed to Artaxerxes III at Persepolis.



ش ــ ۷۸
Fig - 78
←



Fig - 80 ش ــ ۸۰



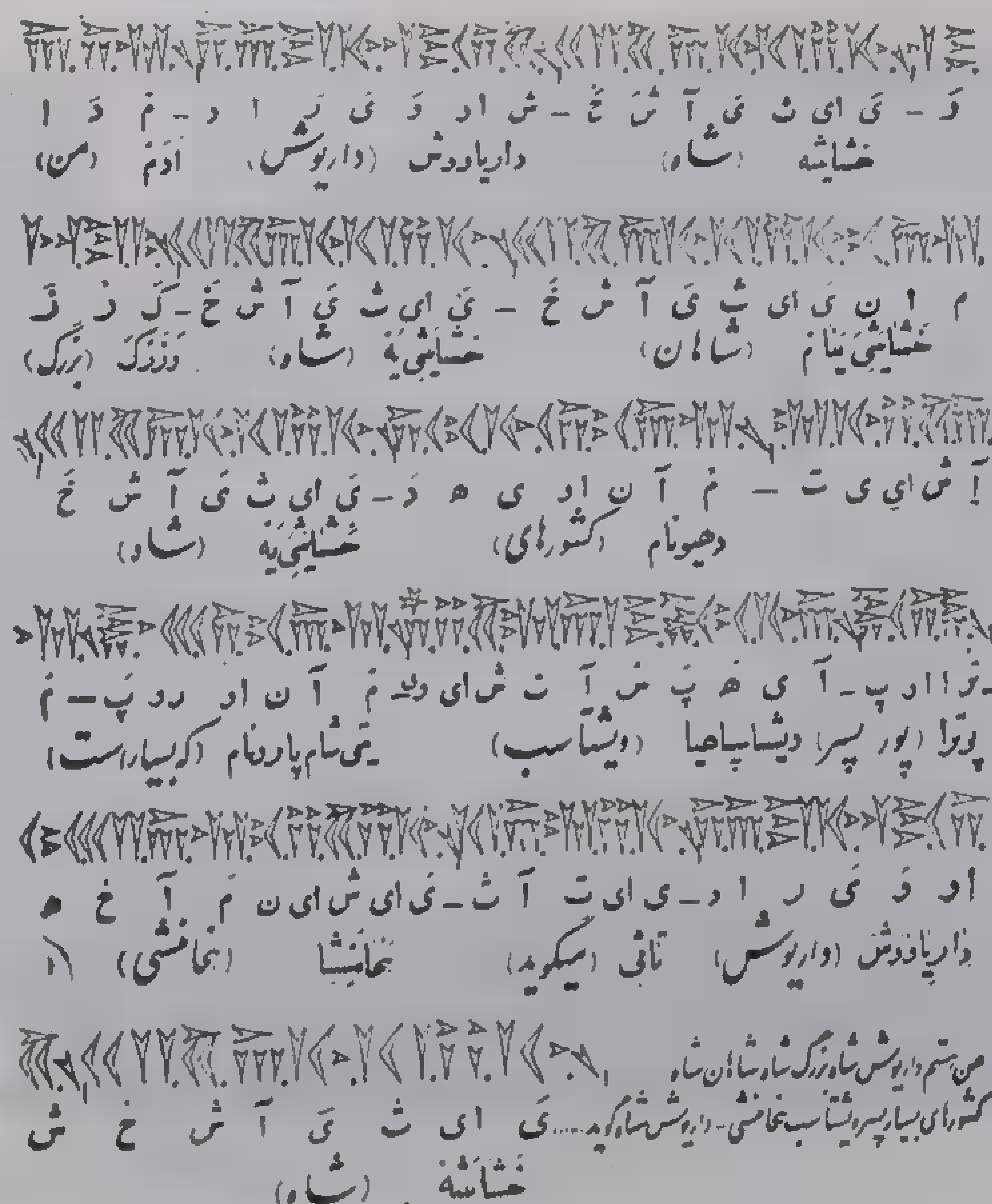
Fig - 79 ش ــ ۷۹



تس ۸۱ – قسمتی از دیوار سنگی استخر بزرگ آب که در محوطهٔ جنوبی بیرون صفهٔ تخت جمشید کشف گردیده است (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 81 - Persépolis, un côté du grand bassin en pierre, découvert en bas de la terrasse.

Fig 81 - One side of the stone basin discovered near the Persepolis terrace.



ش ۸۲ – نمونۀ خطوط میخی پارسی باستانی که در کتیبه های تخت‌جمشید نقر گردیده است با تلفظ و ترجمۀ آن (مربوط به صفحۀ ۳۵) نقل از راهنمای اجمالی تخت جمشید تالیف س . محمد تقی مصطفوی چاپ تهران ۱۳۳۰

Fig 82 - Inscriptions en cunéifonnes de Persépolis.

Fig 82 - Cuneiform inscriptions at Persepolis.



ش۸۳ – نقش برجستهٔ شاپور اول در نقش رجب که شعار شهریاری را از آهورامزدا میگیرد (مربوط به صفحهٔ ۳۶)

Fig 83 - Naqshé Radjab, Investiture de Shapur I (241-272)

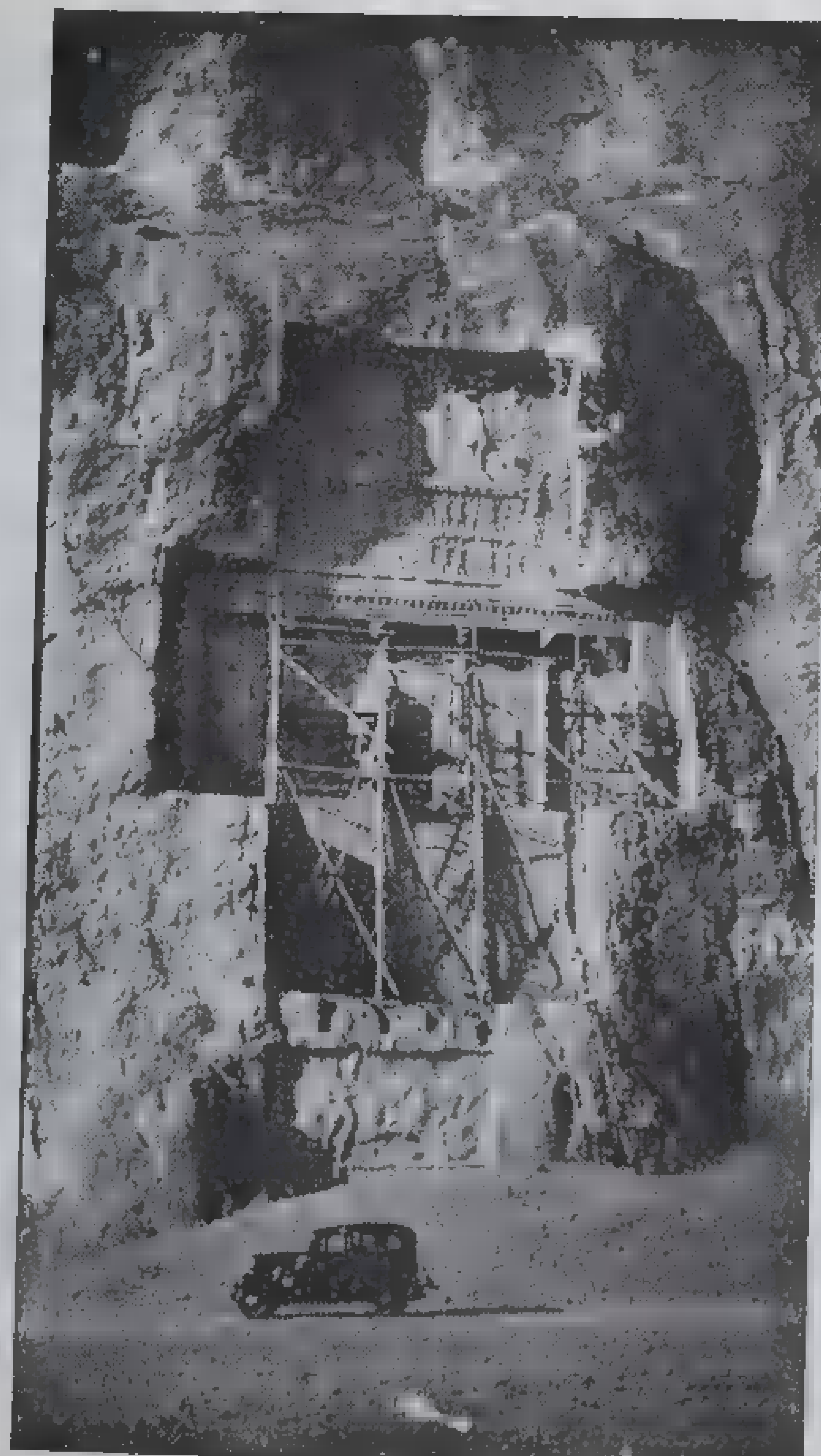
Fig 83 - Investiture of Shapur I (241-272) at Naqshi Radjab.



ش ۸٤ – بنای کعبهٔ زرتشت در نقش رستم (مربوط به صفحهٔ ۳۸)

Fig 84 - Naqshé Rustam, le Kâbi-Zardosht.

Fig 84 - The Kabi - Zardoshte at Naqshi Rustam.



ش۸۵ - آرامگاه داریوش اول در نقش رستم هنگامی که برای بررسیهای علمی و خواندن کتیبه های میخی آن از طرف هیئت علمی بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو (بریاست دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد) درسال ۱۳۱۲ جلو آن چوب‌بست بلند و مفصلی احداث کرده‌اند (مربوط به صفحهٔ ۳۸)

Fig 85 - Naqshé Rustam, le tombeau de Darius I avec échafau - dage, en 1933.

Fig 85 - The tomb of Darius I. at Naqshi Rustam, with scaffolding in 1933.



ش۸۶ - جبهۀ خارج آرامگاه داریوش اول در نقش رستم - عکس از
آقای حسین سنگی (مربوط به صفحۀ ۳۹)

Fig 86 - Naqshé Rustam, le tombeau de Darius I.
Fig 86 - The tomb of Darius I at Naqshi Rustam.



ش ۸۷ – نقش برجستهٔ نرسی هفتمین پادشاه سلسلهٔ ساسانی (فرزند شاپور اول) در نقش رستم که شعار شهریاری را از مظهر ناهید میگیرد (مربوط به صفحه ۳۹)

Fig 87 - Naqshé Rustam, investiture de Narsah (293-302)
Fig 87 - Investiture of Narsah (293-302) at Naqshi Rustam.



ش ۸۸ – دو نقش برجسته در نقش رستم – نقش بالائی صحنهٔ پیکار بهرام
دوم را با دشمنش نشان میدهد (مربوط بصفحهٔ ۳۹)

Fig 88 - Naqshé Rustam, Bahram II (276 - 293) au combat (haut)

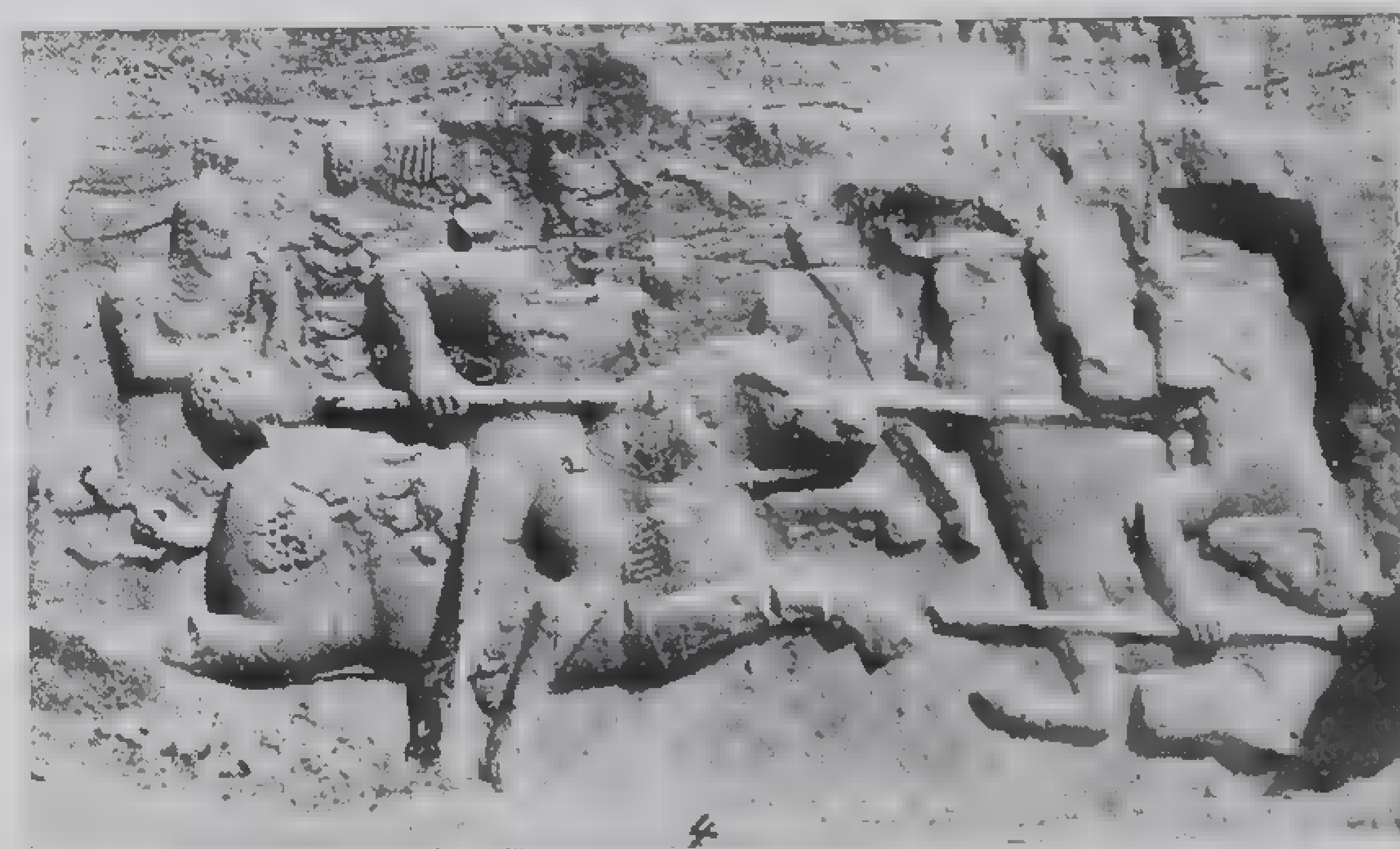
Fig 88 - Battle scene of Bahram II (276 - 293) at Naqshi-Rustam (above)



ش ۸۹ – نقش برجستهٔ شاپور اول و والرین در نقش رستم – عکس از آقای حسین سنگی (مربوط به صفحه ۳۹)

Fig 89 - Naqshé Rustam, Bas-relief de Shapur I (242-271) et Valérien.

Fig 89 - Scene of victory of Shapur I (242-271) on 260 A.D ever Valerien, on a relef at Naqshi Rustam.



ش ۹۰ – نقش برجستهٔ پیروزی هرمز دوم بر دشمن خود در نقش رستم
(مربوط به صفحهٔ ۴۰)

Fig 90 - Naqshé Rustam, Victoire de Hormuzd II (302-310) sur son ennemi.

Fig 90 - Scene of victory of Hormuzd II (302-310) on his ennemy at Naqshi Rustam.



ش ۹۱ – نقش رستم-بقایای نقش برجسته‌ای از شاپور دوم (ذوالاکتاف) که‌بربالای نقش برجستهٔ پیروزی هرمز دوم پدیدار است – عکس از عکاسی اسپورت – خیابان شاه (نادری) طهران (مربوط بصفحهٔ ٤٠)

Fig 91 - Naqshé Rustam, vestiges du bas-relief de Shapur II (310 - 379) en haut du bas - relief de Hormuzd II

Fig 91 - Remains of relief of Shapur II (310-379) above the relief of Harmuzd II at Naqshi-Rustam.



ش ۹۲ - نقش برجستهٔ بهرام دوم با خاصان و نزدیکانش که در محل نقش برجستهٔ مذهبی عیلامی در نقش رستم احداث گردیده است و قسمتهائی از نقش برجسته عیلامی نیز باقی و هویدا است (مربوط بصفحه ٤٠)

Fig 92 - Naqshé Rustam. Bas-relief de Bahram II (276-293)

Fig 92 - Scene of victory of Bahram II (276-293) on his ennemy at Naqshi Rustam.



ش ۹۳ ــ نقش برجستهٔ اردشیر بابکان که‌حلقهٔ شهریاری رااز‌اهورا مزدامیگیرد (طرف‌چپ)ــ نقش برجستهٔ بهرام‌دوم‌نیز که در شکل ۹۲ معرفی گردید در سمت راست دیده میشود ــ عکس از عکاسی اسپورت ــ خیابان شاه (نادری) طهران (مربوط بصفحهٔ ٤١)

Fig 93 - Naqshé Rustam, investiture d' Ardashir I (226-242) (à gauche).

Fig 93 - Investiture of Ardashir I (226-242) at Naqshi Rustam (left).



ش ۹۴ ــ صفه‌های عهد هخامنشی که در منتها الیه جنوبی کوه رحمت احداث گردیده است و بنام قدمگاه خوانده میشود (مربوط بصفحهٔ ۴۳)

Fig 94 - Terrasses Achéménides nommées Chadamgah dans la montagne Rahmat, près de Persépolis

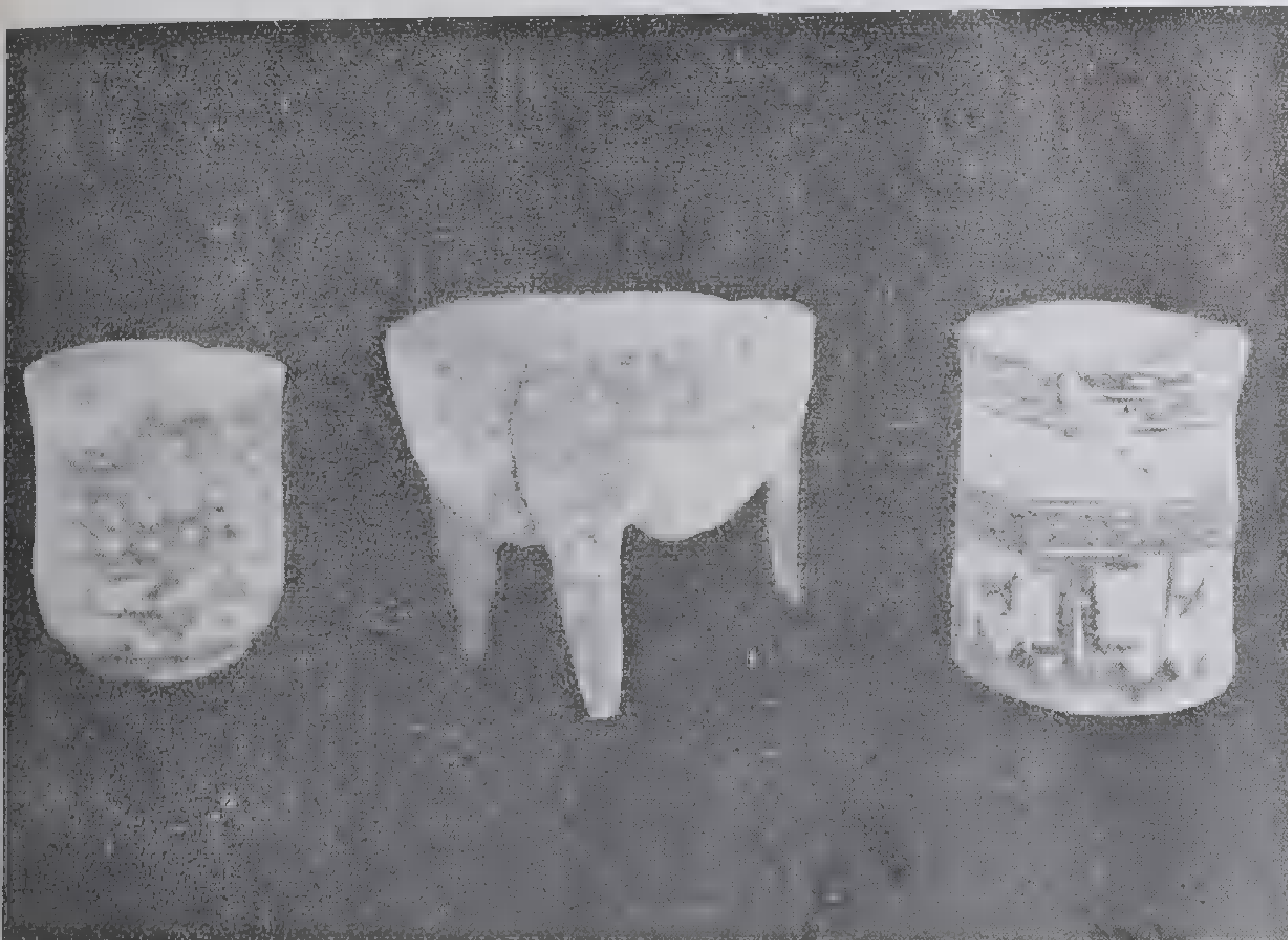
Fig 94 - Achaemenian Terraces called Chadamgah in the Rahmat mountain near Persepolis.



ش ۹۵ – نمونهٔ ظرف سفالی منقوش دوران پیش از تاریخ که شکل قوچ کوهی را با بزرگ نمودن چندین برابر شاخها و کوچك نمودن جثهٔ آن بر پشت ظرف کشیده اند – از آثار مکشوف در تل باکون متعلق به حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد (مربوط به صفحهٔ ٦:) (شکل حیوان معکوس دیده میشود)

Fig 95 - Vase peint en terre cuite trouvé à Talli Bakun, prés de Persépolis, 3500 avant J. C.

Fig 95 - Preshistoric clay painted vase found at Talli Bakun, near Persepolis 3500 B. C.



ش ۹۶ - نمونه های ظروف سفالی منقوش دوران پیش از تاریخ مکشوف در تل شقا متعلق به هزارهٔ سوم پیش از میلاد (مربوط به صفحهٔ ٤٦)

Fig 96 - Vases peints en terre cuite trouvés à Talli Shagha, prés de Persépolis, 3 ème millénaire avant l'ère chrètienne.

Fig 96 - Some clay painted vases, found at Talli Shagha, near Persepolis, 3 rd millennium B.C.



ش ۹۷ ــ منظر شرقی بند امیر از آثار عضدالدولهٔ دیلمی (مربوط به صفحهٔ ٤٨)

Fig 97 - Pont-barrage Bendt Amir, du 10 éme sidéecle.

Fig 97 - Bridge-dam of Bendi - Amir,htnet century.

Fig. 97 - Correction. Lire :
Pont - barrage Bendi - Amir, du 10 ème siècle.

Fig 97 - Correction. Read :
Bridge - dam of Bendi - Amir, 10th century.



ش ۹۸ – منظر دروازهٔ قرآن قدیم در شیراز که در سال ۱۳۱۵ شمسی آنرا
بی جهت منهدم ساختند (مربوط بصفحه ۵۱)

Fig 98 - Shiraz, l'ancienne porte du Coran (démolie en 1936).
Fig 98 - The old gate of Coran in Shiraz (destroyed in 1936)



ت ۹۹ ـ بنای جدیـد دروازهٔ قـرآن که بهمت شادروان حسین ایگار ـ اعتمادالتجار ـ ساخته شد (مربوط به صفحهٔ ۵۱)

Fig 99 - Shiraz, la nouvelle porte du Coran.

Fig 99 - The new gate of Coran in Shiraz.



ش ۱۰۰ – منظر ایوان بزرگ آرامگاه حافظ از طرف جنوب (مربوط
به صفحهٔ ۵۳)

Fig 100 - Shiraz. la colonnode du tombeau de Hafez.

Fig 100 - The colonnade of the tomb of Hafez at Shiraz.



ش ۱۰۱ – منظر ایوان بزرگ آرامگاه حافظ از جانب شمال غربی–
عکس از آقای حسین سنگی (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 101 - Shiraz, vue de la colonnade du tombeau de Hafez, prise du côté nord-ouest.

Fig 101 - The wiew of the colonnade of the tomb of Hafez, taken from the north-west.



ش ۱۰۲ - بنای اصلی که بانصب هشت ستون سنگی یك پارچه برسر آرامگاه حافظ ساخته‌اند عکس از آقای حسین سنگی - (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 102 - Shiraz, Monument principal de 8 colonnes en pierre, sur le tombeau de Hafez.

Fig 102 - Monument over the tomb of Hafez, at Shiraz.



ش ۱۰۳ – قسمت فوقانی بنای اصلی آرامگاه حافظ وکاشیکاری معرق زیر سقف آن–عکس از آقای حسین سنگی (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 103 - Shiraz, le plafond du Monument de Hafez, orné de Mosaïques en briques émaillées.

Fig 103 - The ceiling of the tomb of Hafez, at Shiraz, adorned with mosaic of inameled bricks.



ش ۱۰٤ - سنگهای قبر برمزار عرفای مدفون در چهل تن شیراز (مربوط
به صفحه ٥٤)

Fig 104 - Shiraz, les pierres tombales à Tchehel-tan.

Fig 104 - Tombstones in Tchehel-tan at Shiraz.



ش ۱۰۵ – منظر عمومی باغ وعمارت هفت‌تن شیراز از جانب جنوب غربی
(مربوط به صفحهٔ ٥٤)

Fig 105 - Shiraz, vue générale du jardin et monument de Haft-tan prise du côté sud - ouest.

Fig 105 - A general view of the garden and monument of Haft-tan at Shiraz.



ش ۱۰۶ – ایوان بزرگ وعمارت هفت‌تن شیراز (مربوط به صفحهٔ ٥٤)

Fig 106 - Shiraz, le monument de Haft-tan, début de 19 éme siécle.

Fig 106 - The monument of Haft-tan at Shiraz, beginning of 19 th cent.



ش ۱۰۷ – منظر عمارت آرامگاه‌سعدی‌از طرف‌جنوب‌شرقی (مربوط‌به‌صفحهٔ۵٦)

Fig 107 - Shiraz, vue du tombeau de Saadi, prise du côté sud-est.

Fig 107 - Wiew of the tomb of Saadi, taken fron the south-east.



ش ۱۰۸ - منظری از داخل آرامگاه سعدی که چند نفر هم بزیارت آن آمده‌اند - عکس از عکاسی بهروز خیابان پهلوی مقابل کافهٔ شهرداری -

Fig 108 - Shiraz, l'intérieur du tombeau de Saadi.

Fig 108 - The interior of Saadi's tomb.



ش ۱۰۹ – منظر بنای آرامگاه سعدی از طرف جنوب غربی – عکس از
آقای حسین سنگی (مربوط به صفحهٔ ۵٦)

Fig 109 - Shiraz, vue du tombeau de Saadi, prise du côté sud-ouest.

Fig 109 - The wiew of the tomb of Saadi, at Shiraz, taken from the south-west.



ش ۱۱۰ – منظر داخلی حرم شاه میرعلی‌بن حمزه (مربوط به‌صفحهٔ ۵۷)

Fig 110 - Shiraz, vue intérieure du Mausolée Shah mir Ali Hamzeh.

Fig 110 - Interior of the Mausoleum Shah mir Ali Hamzeh at Shiraz.



ش ۱۱۱ – منظر بقعه شاه میرعلی‌بن حمزه از طرف جنوب که جبههٔ اصلی آنست (مربوط به صفحهٔ ۵۷)

Fig 111 - Shiraz, façade principale du Mausolée Shah mir Ali Hamzeh.

Fig 111 - The principal facade of the mausoleum Shah mir Ali Hamzeh at Shiraz.



ش ۱۱۲ – مجسمهٔ شیخ سعدی بر فراز پایهٔ آن در وسط میدان دروازهٔ اصفهان شیراز (مربوط به صفحهٔ ۵۷)

Fig 112 - Shiraz, la statue de Saadi.
Fig 112 - The statue of Səadi at Shiraz.



ش ۱۱۳ – نقش رستم ودیو بر کاشیهای بالای جبههٔ خارجی سردر ارگ شیراز (مربوط به صفحهٔ ۵۸)

Fig 113 - Shiraz, scène de bataille de Rustam contre le démon, représentée en briques émaillées en haut du portail de Arg.

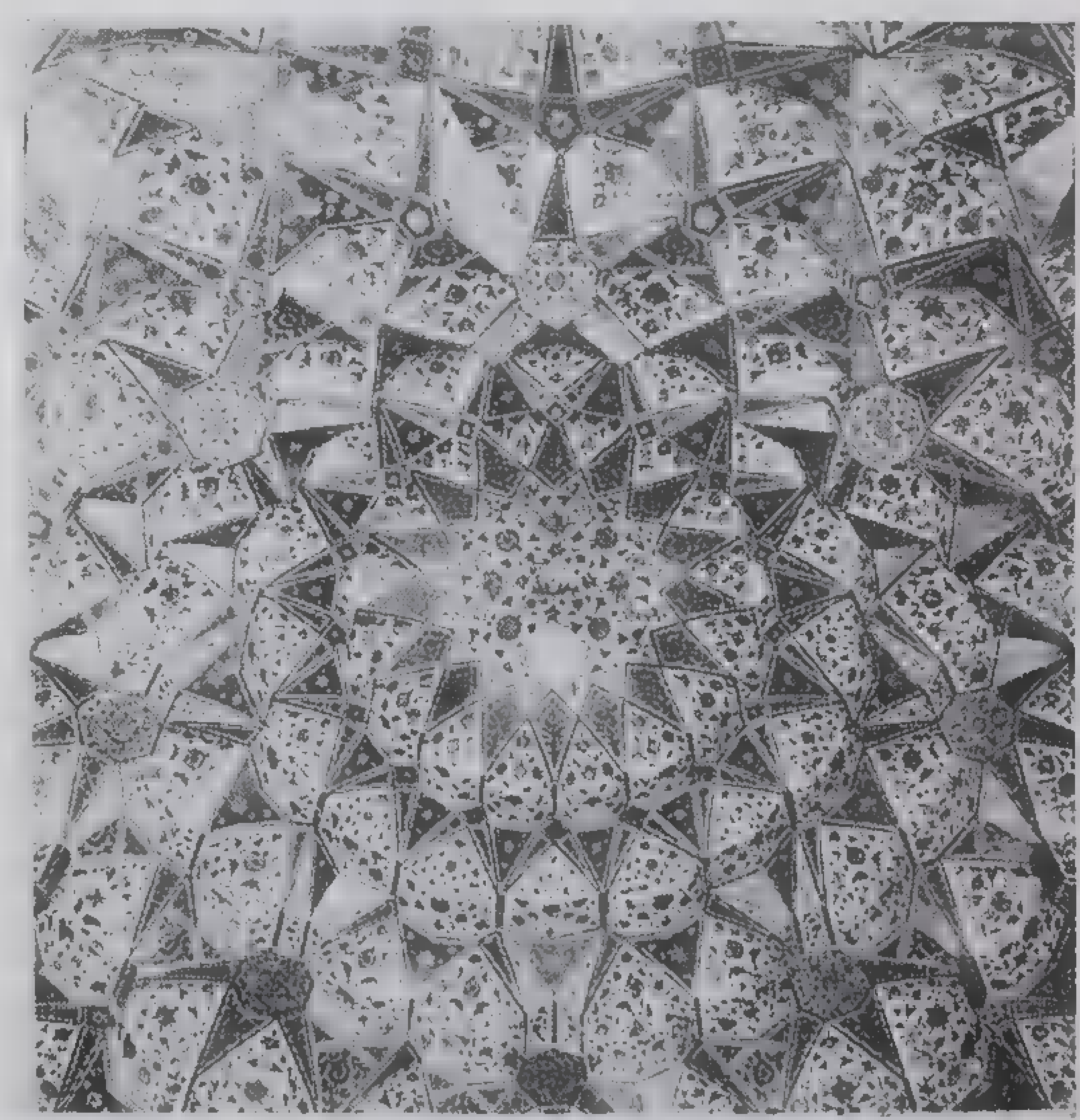
Fig 113 - Scene of the battle of Rustam against the demon on tiles on top of the gate of Arg at Shiraz,



ش ۱۱٤ - عمارت کلاه فرنگی - محل موزهٔ پارس - (مربوط به صفحهٔ ۵۸)

Fig 114 - Shiraz, le pavillon du Musée.

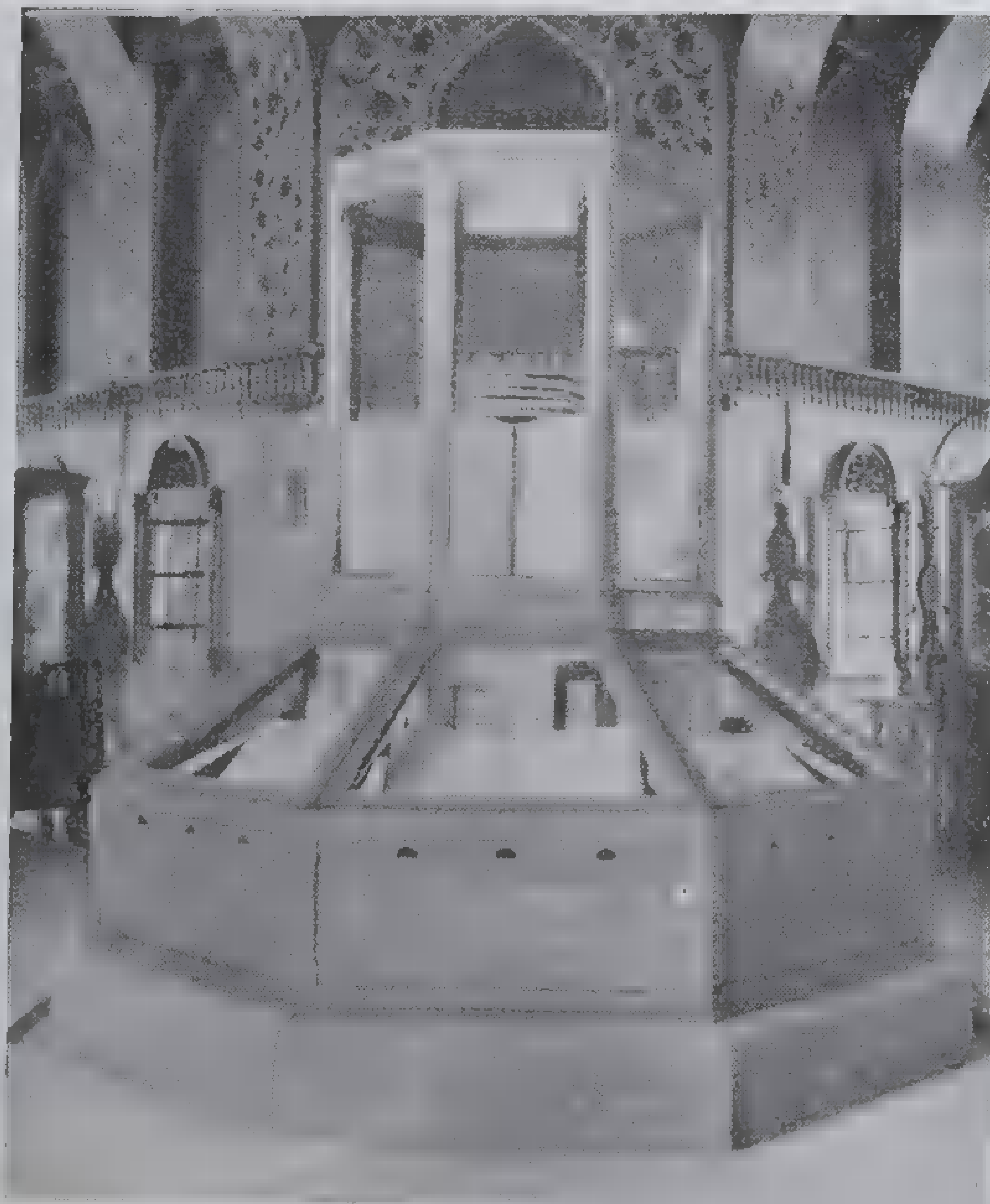
Fig 114 - The pavilion of the Museum at Shiraz.



ش ۱۱۵ – مقرنس کاری ونقاشیهای سقف موزهٔ پارس (مربوط به صفحهٔ ۵۸)

Fig 115 - Shiraz, la décoration du plafond du Musée.

Fig 115 - The decorations of the ceiling in the Museum at Shiraz.



ش ۱۱٦ – منظری از داخل موزهٔ پارس (مربوط به صفحهٔ ۵۹)

Fig 116 - Shiraz, l' intérieur du Musée.
Fig 116 - Interior of the Museum at Shiraz.



ش ۱۱۷ – ایوان شمالی مسجد وکیل (مربوط به صفحهٔ ۶۰)

Fig 117 - Shiraz, côté nord de la cour de la Mosquée Vakil, début de 19 éme siécle.

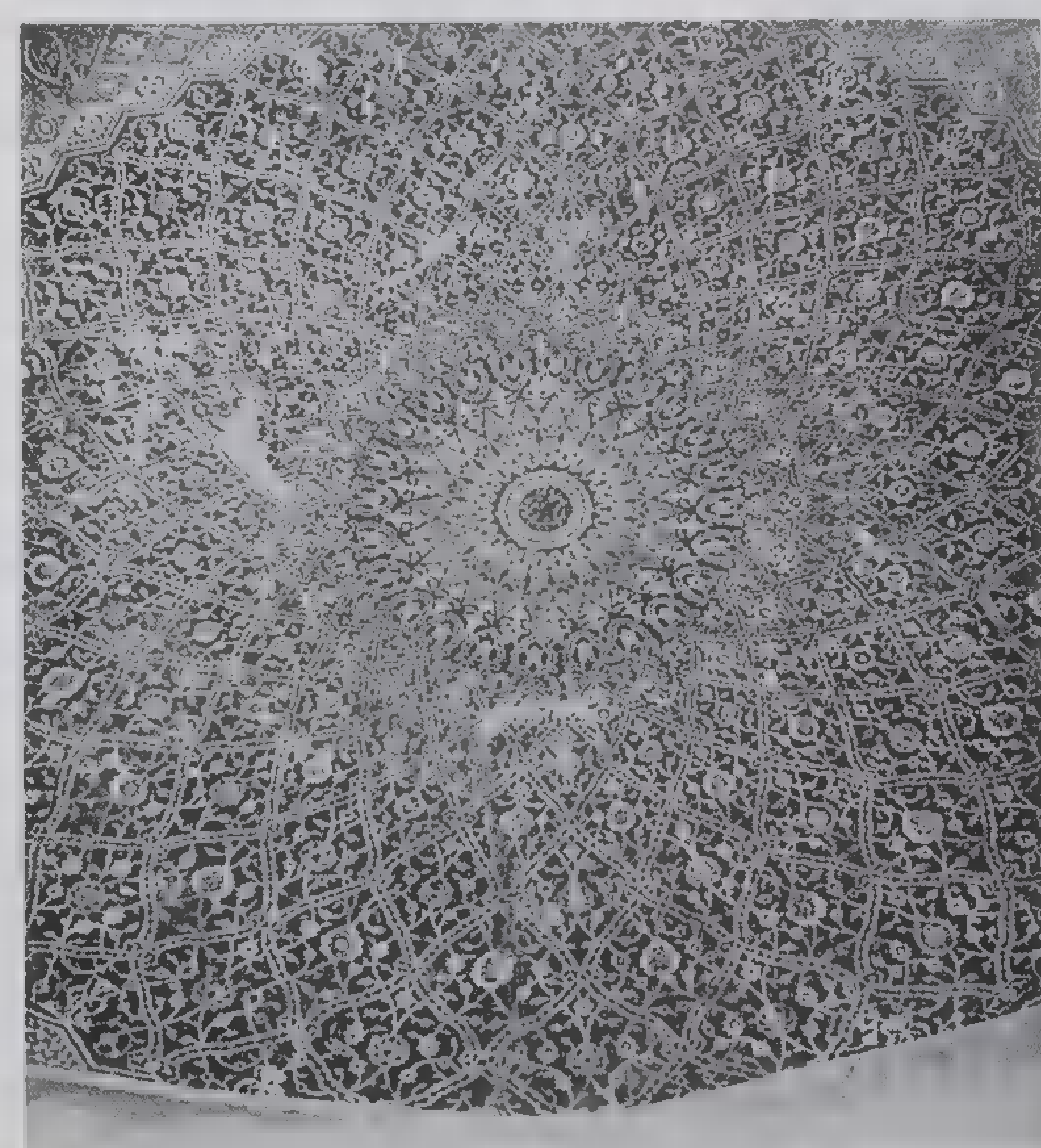
Fig 117 - North side of the court of Vakil Mosque at Shiraz, beginning of 19 th cent.



ش ۱۱۸ – شبستان بزرگ مسجد وکیل وستونهای سنگی یك پارچه آن
(مربوط بصفحهٔ ۶۰)

Fig 118 - Shiraz, la grande salle de prière de la Mosquée Vakil, début de 19 ème siècle.

Fig 118 - Interior of the Vakil Mosque at Shiraz, beginning of 19 th cent.



ش ۱۱۹ - کاشیکاری معرق سقف دهلیز ورودی مدرسهٔ خان (مربوط بصفحهٔ ۶۱)

Fig 119 - Shiraz. Mosaïques du plafond du vestibule de la Madresseh Khan, début de 17 ème siècle.

Fig 119 - Mosaic décorations on the ceiling of the entrance-hall of Medresseh Khan, beginning of 17 th cent.



ش ۱۲۰ – جبهۀ داخلی سردر مدرسه‌خان - بالاخانه‌ای‌که برفراز سردر دیده میشود مدرس ملاصدرا راهم بوده است (مربوط به صفحۀ ٦١)

Fig 120 - Shiraz, la façade intérieure du portail de la Madresseh Khan, début de 17 ème siècle.

Fig 120 - The interior side of the facade of the gate of Medresseh Khan, beginning of 17 th cent.



ش ۱۲۱ – جبهۀ شمالی مسجد نو (مربوط بصفحۀ ۶۲)

Fig - 121 - Shiraz, le côté nord de la cour de Masdjidi-now, différentes époques.

Fig 121 - The north side of the courtyard of Masdjidi-now at shiraz, different periods.



ش ۱۲۲ – منظر بقعهٔ شاه چراغ از طرف جنوب شرقی (مربوط بصفحهٔ ٦٤)

Fig 122 - Shiraz, vue de sanctuaire de Shahé Tcheragh prise de sud-est; différentes époques.

Fig 122 - A wiew of the sanctuary of Shahi Tcheragh, taken from the south-east; differnt periods.



ش ۱۲۳ – منظر بقعهٔ شاه چراغ از طرف فلکهٔ احمدی (سمت مغرب) (مربوط بصفحهٔ ٦٤)

Fig 123 - Shiraz, vue de sanctuaire de Shahé Tcheragh prise du côté ouest (la place Ahmadi).

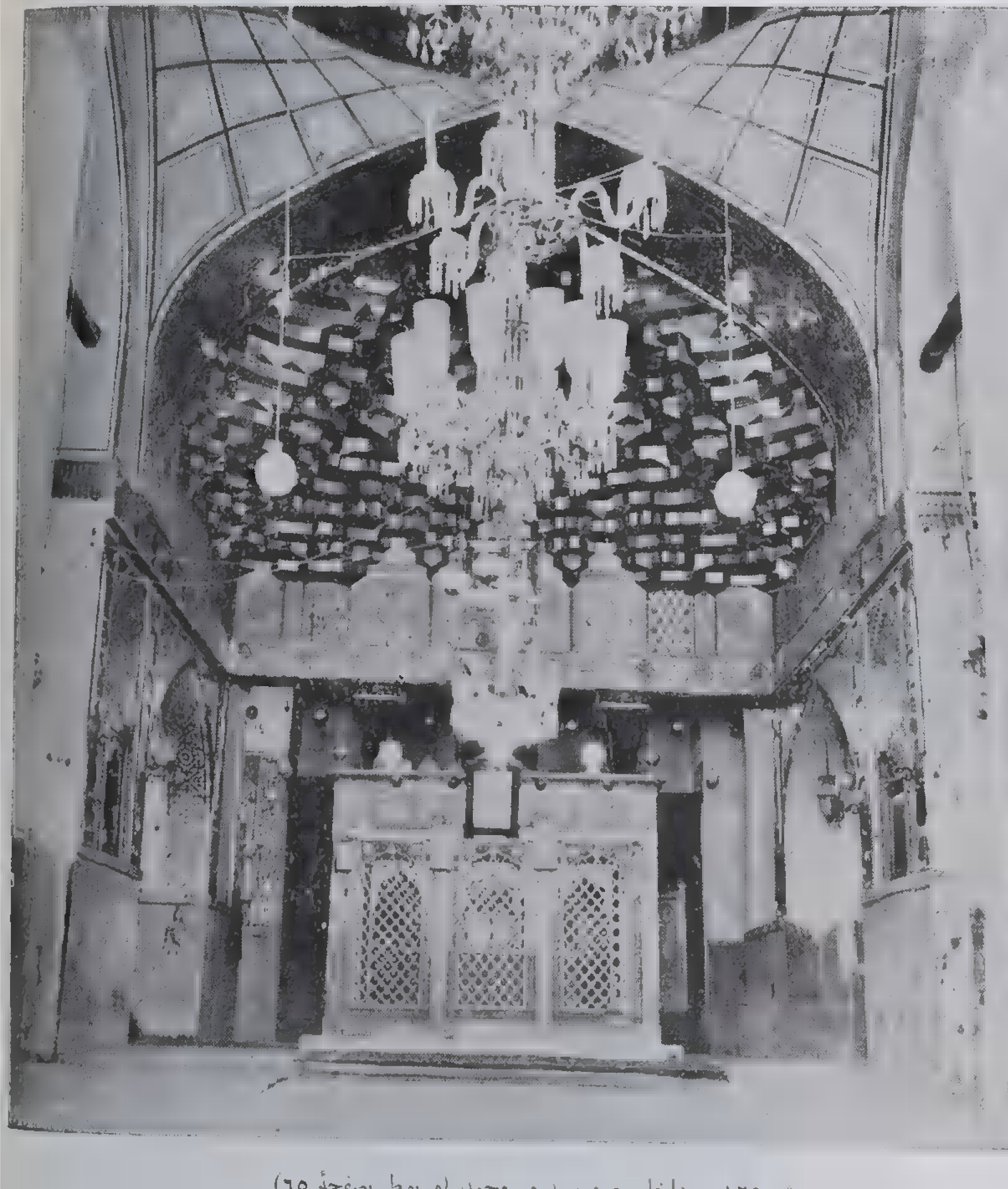
Fig 123 - A wiew of the sanctuary of shahi Tcheragh taken from the west(Ahmadi's square.)



ش ۱۲٤ – بقعهٔ سید میر محمد – عکس از مؤسسهٔ مطبوعاتی هنر – خیابان شاه‌آباد طهران (مربوط به صفحهٔ ٦٥)

Fig 124 - Shiraz, le sanctuaire de Seyed Mir Mohammad, 17 éme et 19 éme siécle.

Fig 124 - The sanctuary of Seyed Mir Mohammad at Shiraz. 17 th and 19 th century.



ش ۱۲۵ – داخل حرم سید میرمحمد (مربوط بصفحهٔ ٦٥)

Fig 125 - Shiraz. l' intérieur du sanctuaire «Seyed Mir Mohammad»

Fig 125 - The interior of the sanctuary «Seyed Mir Mohammad» at Shiraz.



ش ۱۲۶ – منظری از صحن مسجد جامع عتیق – ضلع شرقی خدا خانه در طرف چپ وایوان شمالی مسجد در جانب راست دیده میشود – عکس از مؤسسهٔ مطبوعاتی هنر – خیابان شاه‌آباد طهران (مربوط به صفحهٔ ٦۵)

Fig 126 - Shiraz. Mosquée Djami. 14 éme - 17 éme siécle.

Fig 126 - The Djami Mosque at Shiraz. 14 th - 17 th cent.



س ۱۲۷ – بقعهٔ سید علاءالدین حسین (مربوط به صفحهٔ ٦٧)

Fig 127 - Shiraz. Le sanctuaire de Seyed Alaëd-dïn Hosseïn. 16 éme siécle.

Fig 127 - The sanctuary of Seyed Alaëd din Hosseïn at Shiraz. 16 th cent.



ش ۱۲۸ – مقبره آبش خاتون پس از برچیدن قسمتهای فوقانی و ویران
آن وتعمیرات واصلاحات مناسب (مربوط به صفحهٔ ۶۹)

Fig 128 - Shiraz, vestiges du Monument de Abesh-khatoun, début de 14 ème siècle.

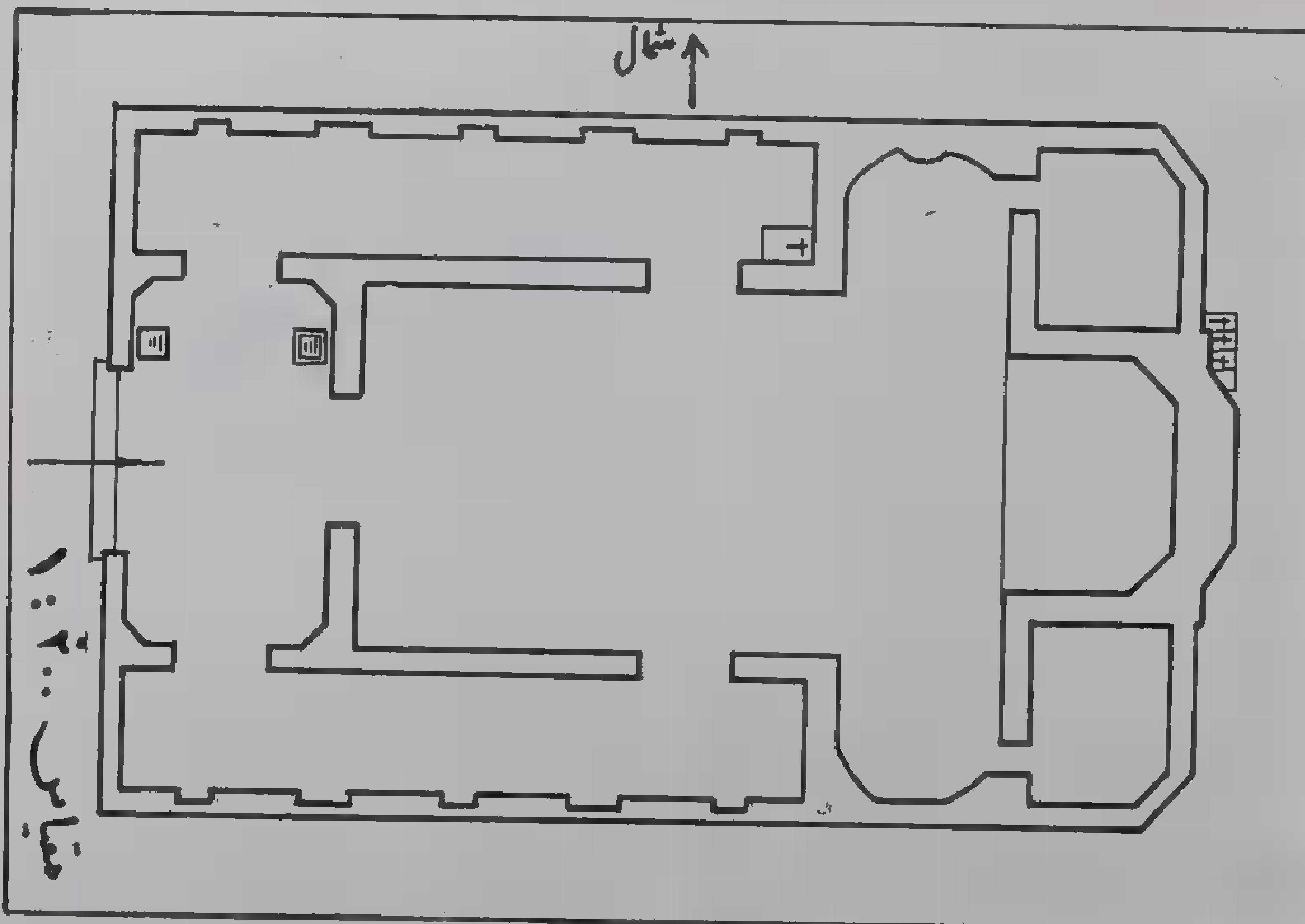
Fig 128 - The tomb of Abesh-khatoun at Shiraz, beginning of 14 th cent.



ش ۱۲۹ – ضلع غربی و گوشه ضلع شمالی جبههٔ خارجی کلیسای ارامنه‌از عهد صفویه در شیراز (مربوط به صفحهٔ ۷۱) – عکس از دانشمند محترم آقای هایك عجمیان

Fig 129 - Shiraz. Eglise Arménienne du 17 ème siècle.

Fig 129 - The Armenian Church at Shiraz. 17 th cent.



ش ۱۳۰ – نقشهٔ کلیسای ارامنه ازعهد صفویه در شیراز – ترسیم دانشمند
محترم آقای هایك عجمیان (مربوط به‌صفحه ۷۱)

Fig 130 - Shiraz, plan de l' église Arménienne.

Fig 130- Plan of the Armenian Church at Shiraz.

ش ۱۳۱ – نقاشیهای عهد صفویه برسقف کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط بصفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 131 - Shiraz, Peintures sur le plafond de l'église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 131 - Paintings on the ceiling of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

ش ۱۳۲ – نقاشیهای عهد صفویه برسقف کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط به صفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 132 - Shiraz, Peintures sur le plafond de l' église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 132 - Paintings on the ceiling of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

ش ۱۳۳ – غرفهٔ فوقانی نمازخانه کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط به صفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 133 - Shiraz, partie supérieure à l' intérieur de l' église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 133 - The uppr part in the interior of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

ش ۱۳٤ – محل نمازگزاری پیشوای روحانی در نمازخانه کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط به صفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 134 - Shiraz, L'autel de l' église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 134 - The alter of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

Fig - 131 ش – ١٣١





Fig - 132 ش – ١٣٢

Fig - 133 ش – ١٣٣





Fig - 134 ش – ١٣٤



ش ۱۳۵ - نماز خانهٔ کلیسای‌موسوم به (حضرت شمعون غیور) در شیراز که تزیینات ایرانی در معماری آن‌بکاربرده‌اند(مربوط بذیل صفحهٔ۷۲)

Fig 135 - Shiraz. l' intérieur du temple orné d' éléments décoratifs du 19 ème siècle.

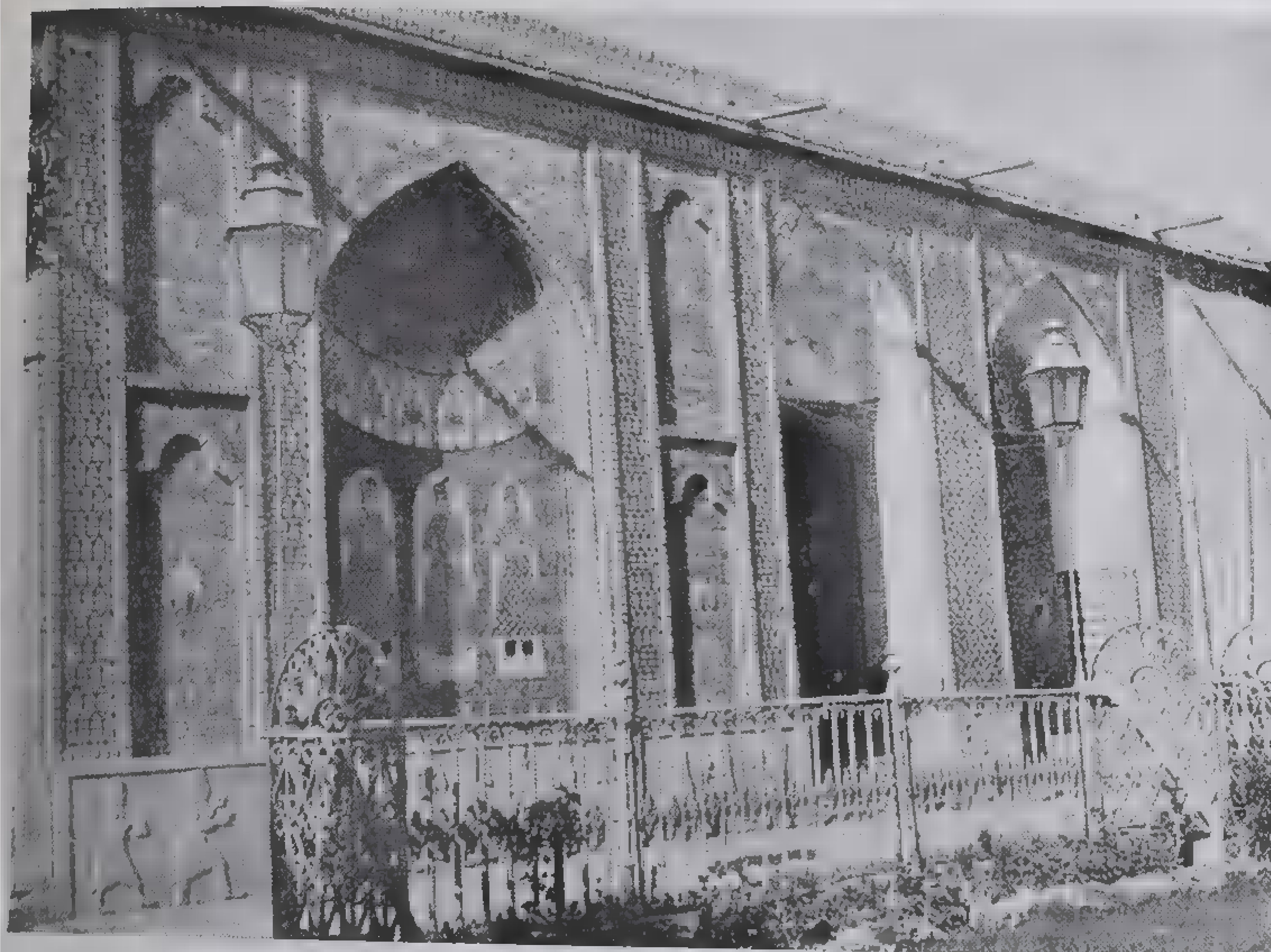
Fig 135 - Interior of the temple at Shiraz, ornamented with decorative elements of the 19 th cent.



ش۱۳۶ – عمارت‌دیوانخانهٔ قوام‌الملکی که بنام نارنجستان هم خوانده میشود (مربوط بصفحهٔ ۷۲)

Fig 136 - Shiraz, la grande et somptueuse maison appelée «Diwan-Khaneh», ou «Narëndjestan», 19 ème siècle.

Fig 136 - The big and splendid house called «Diwan-Khaneh» or «Narindjistan» at Shiraz, 19 th cent.



ش ۱۳۷ – کاشیکاری جبهٔ داخلی سر در ورودی دیوانخانهٔ قوام‌الملکی
(مربوط بصفحهٔ ۷۲)

Fig 137 - Shiraz. Intérieur de l' entrée de Diwan-Khaneh. 19 ème siècle.

Fig 137 - Interior of the entrance of Diwan-Khaneh at Shiraz. 19 th cent.



Fig 138 – ش ١٣٨



Fig 139 – ش ١٣٩

توضیحات مربوط به تصاویر ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ مندرج در صفحات ۲۶۱ و ۲۶۳

ش ۱۳۸ – ایوان اصلی وجبهٔ شمالی صحن حسینیهٔ مشیر (مربوط بصفحهٔ ۷۳)

Fig 138 - Shiraz, partie nord de Hosseïnieh Moshir, 19 ème siècle.

Fig 138 - The north side of Hosseïnieh Moshir at Shiraz, 19 th cent.

ش ۱۳۹ – کاشیکاری بالای ایوان حسینیهٔ مشیر (مربوط بصفحهٔ ۷۴)

Fig 139 - Shiraz, scène représentée sur des briques émaillées en haut de la partie nord de Hosseïnieh Moshir, 19 ème siècle.

Fig 139 - The top part of the north side of Hosseïnieh Moshir at Shiraz, 19 th cent.

ش ۱۴۰ – منظری از باغ تخت شیراز که بیش از چهل سال قبل گرفته شده است – نقل از مجلهٔ ملی جغرافیائی واشنگتن شمارهٔ ۴ دورهٔ ۳۹ آوریل ۱۹۲۱ عکس ازآقای رولاند وودز نسخهٔ متعلق بجناب‌آقای محسن‌حداد (مربوط بصفحهٔ ۷۵)

Fig 140 - Shiraz, ancienne vue de Baghé Takht, 19 ème siècle.

Fig 140 - Ancient view of Baghe-Takht at Shiraz, 19 th cent.

National Geographic Magazin Volume XXXIX Number 4. April 1921. Roland woods.

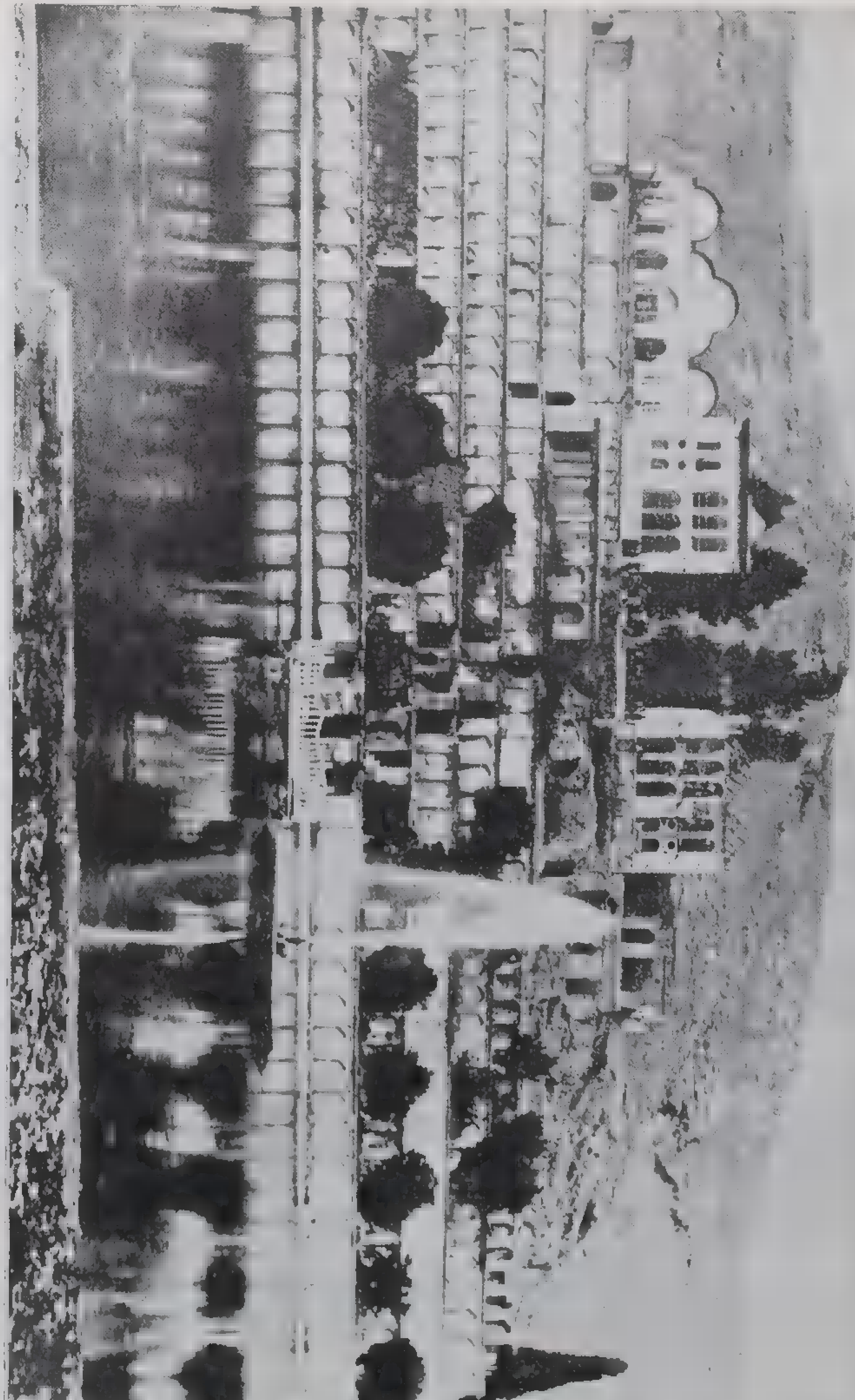


Fig 140 – ش ١٤٠



ت ۱۴۱ – باغ دلگشا و کوشک واقع در آن (مربوط به صفحهٔ ۷۵)

Fig 141 - Shiraz, le jardin Delgosha et son pavillon, 19 ème siècle.

Fig 141 - The garden Delgosha and its pavilion at Shiraz, 19 th cent.



ش ۱٤۲ – منظری از درختان سروباغ ارم – درخت سروناز معروف هم تقریباً در وسط عکس نمایان است (مربوط بصفحهٔ ۷٦) (عکسی‌هم ازعمارت‌آن در قسمت ذیل کتاب مندرج میباشد)

Fig 142 - Shiraz, le jardin Eram, 19 ème siècle.

Fig 142 - A wiew of the garden Eram, at Shiraz, 19 th cent.



ش ۱٤۳ – آستانهٔ سنگی عهد هخامنشی در ویرانه‌های موجود قصر ابونصر (مربوط به صفحهٔ ۷۷)

Fig 143 - Qasri - Abunasr, prés de Shiraz, portail en pierre de l' époque Achéménide.

Fig 143 - The Achaemenian gate at Qasri-Abunasr, near Shiraz.



ش ۱۴۴ – نقوش برجستهٔ عهد ساسانی در برم‌دلك – تصویر سمت راست
احتمال میرود نقش بهرام پنجم باشد وتصویر چپ جوانی‌را باموهای انبوه ز
کلاه بلند نمدی نشان میدهد (مربوط به صفحهٔ ۷۸)

Fig 144 - Barmé Delak, prés de Shiraz, bas-reliefs Sassanides.

Fig 144 - The Sassanian reliefs at Barmi Dilack, near Shiraz.



ش ١٤٥ – نقش برجستهٔ بسیار آسیب دیدهٔ بهرام دوم‌در گویوم (مربوط بصفحهٔ ۷۹)

Fig 145 - Guyum (à 30 klm. approx à l' ouest de Shiraz), bas-relief de Bahram II.

Fig 145 - Relief of Bahram II at Guyum. (appox. 30 klm. west of Shiraz).



ش ١٤٦ – جبههٔ جنوبی مسجد قصرالدشت (مسجد بردی) از آثار قرن نهم هجری که کتیبهٔ مربع سنگی خط ثلث بنام اوزون حسن مورخ بسال ٨٧٥ بریکی از پایه‌های آن نصب است (مربوط به صفحهٔ ٧٩)

Fig 146 - Qasrod-dasht (à l'ouest de Shiraz) façade sud la Mosquée Djami, 15ème siècle.

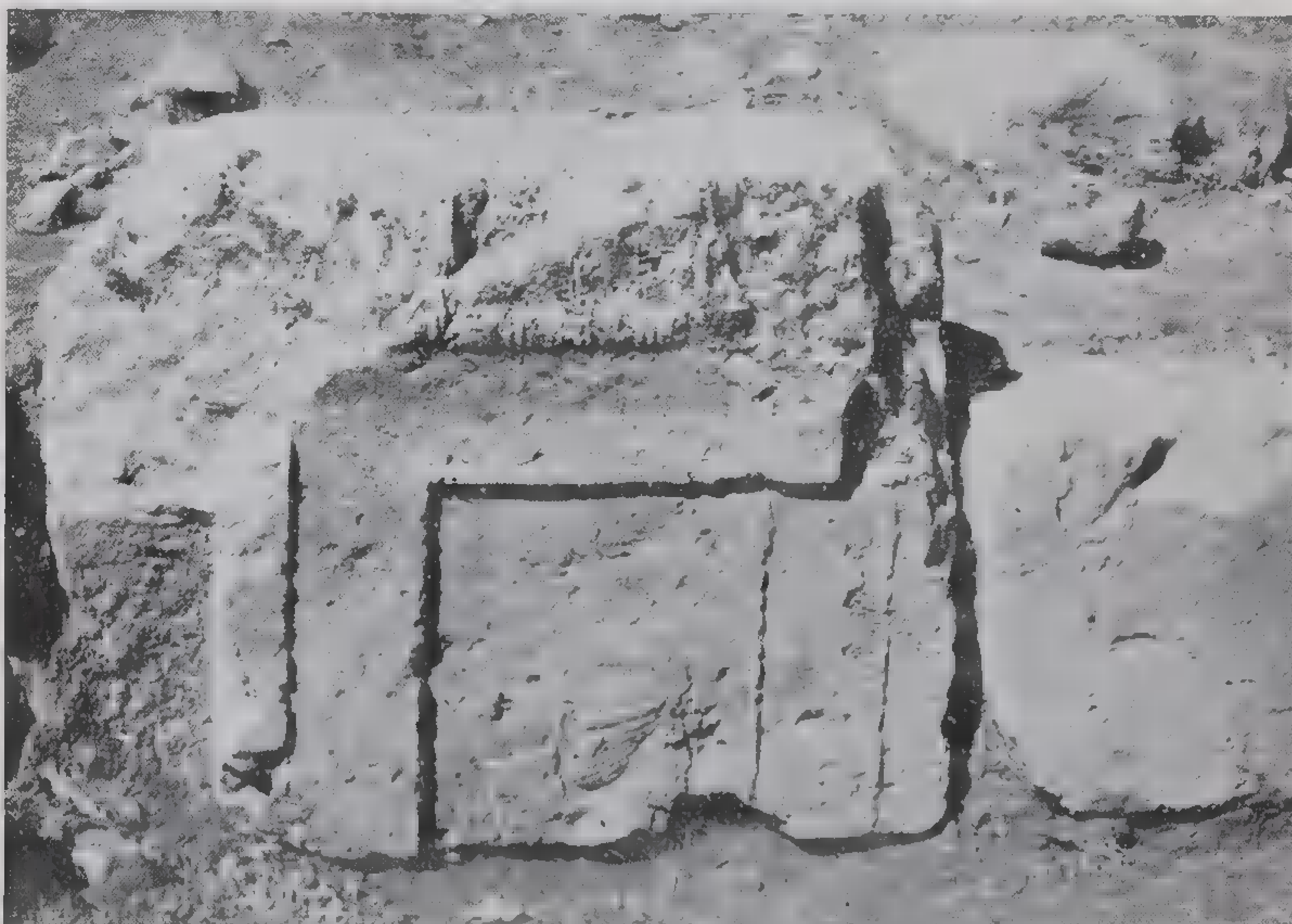
Fig 146 - The southern side of the Djami Mosque at Qasrod-dasht (west of Shiraz), 15 th cent.



س ۱۴۷ - لوحهٔ سنگی مربع (۸۰×۸۵ سانتیمتر) در جبههٔ جنوبی مسجد جامع قصرالدشت (مسجد بردی) بتام اوزون حسن مورخ به ۸۷۵ هجری (مربوط بصفحهٔ ۸۰)

Fig 147 - Qasrod-dasht. l' inscription de la Mosquée Djami. datée de 875 H. (1470).

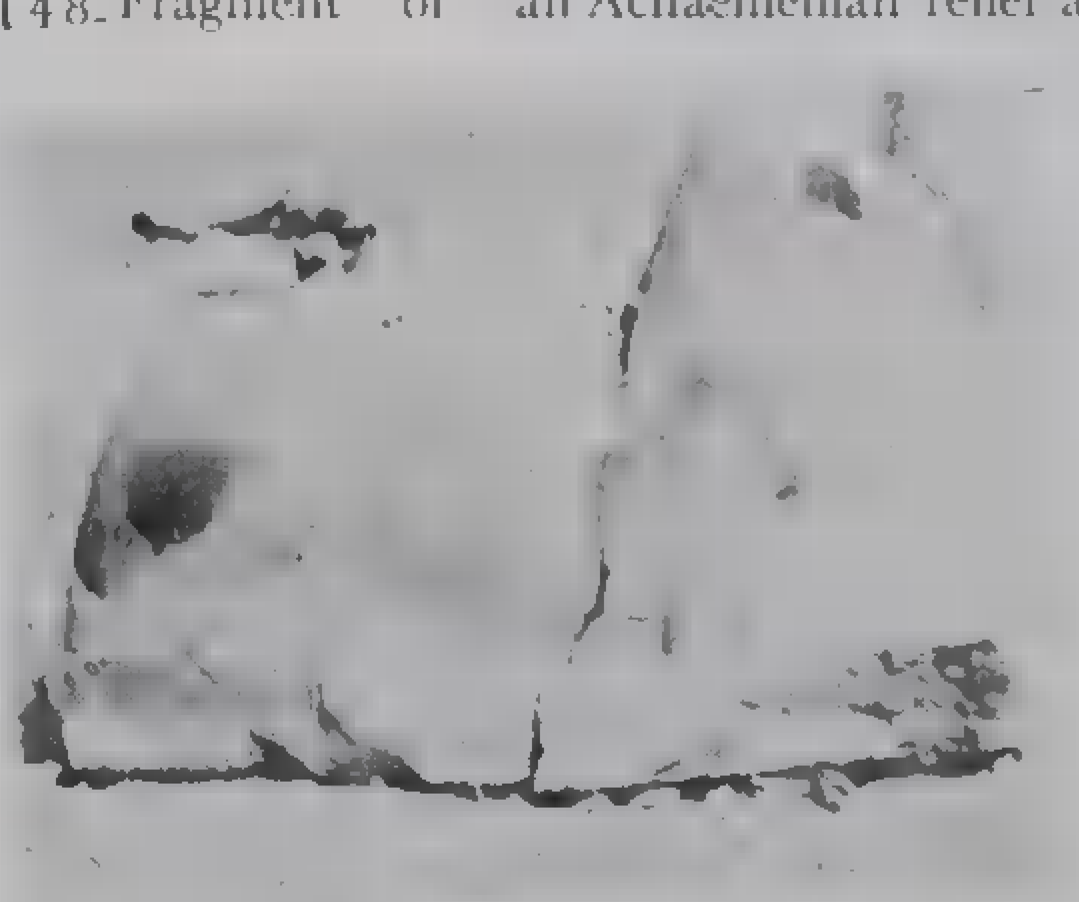
Fig 147 - The inscription of the Djami Mosque at Qasrod-dasht. dated 875 H. (1470).



ش ۱٤۸ – قطعهٔ نقش برجستهٔ سرباز جاویدان عهد هخامنشی که در
تپهٔ حکوان فرمشگان کشف گردیده است (مربوط بصفحهٔ ۸٤)

Fig 148 - Farmeshgan, (Kawar, sud-est de Shiraz) fragment de bas-relief Achéménide.

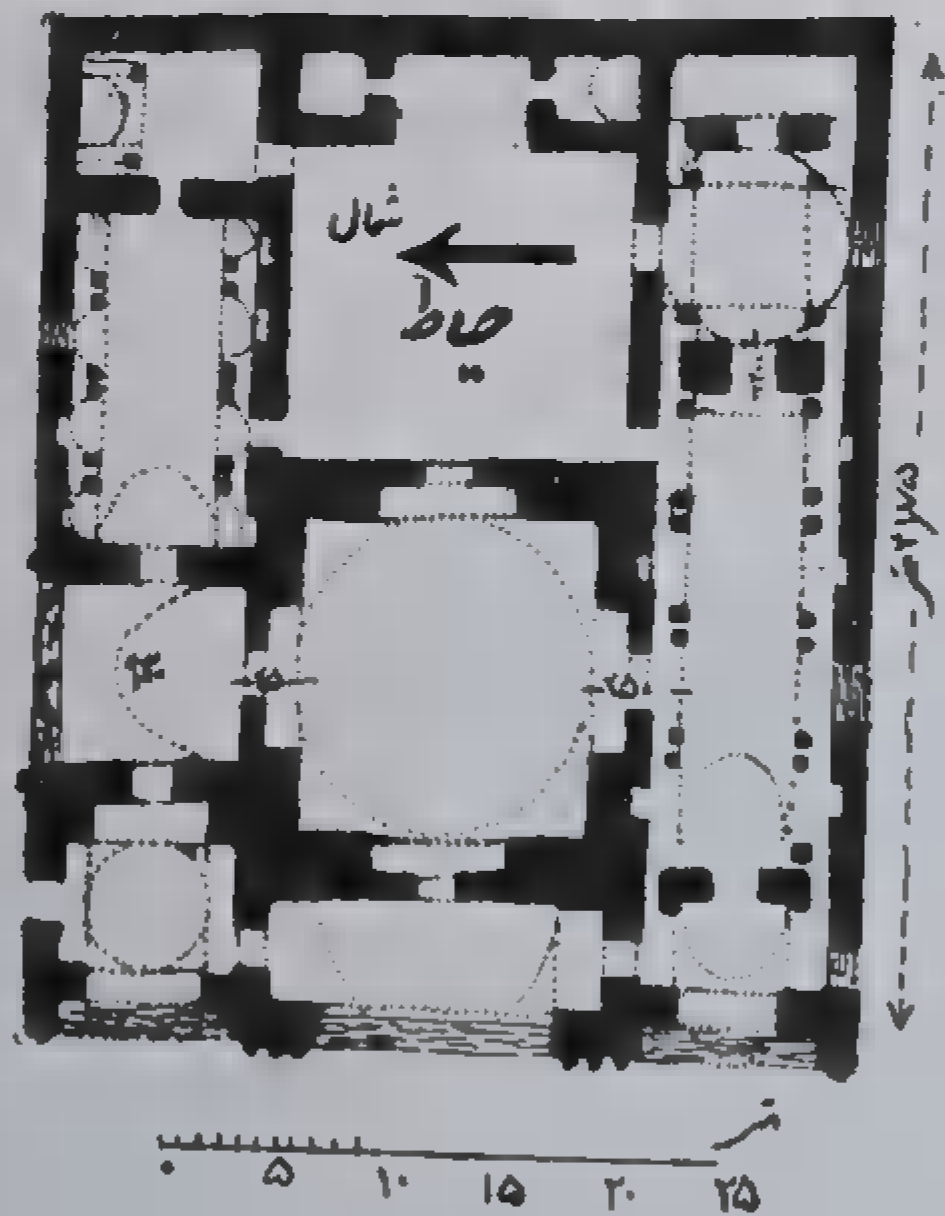
Fig 148 - Fragment of an Achaemenian relief at Farmeshgan, (Kawar, s. e. of Shiraz).

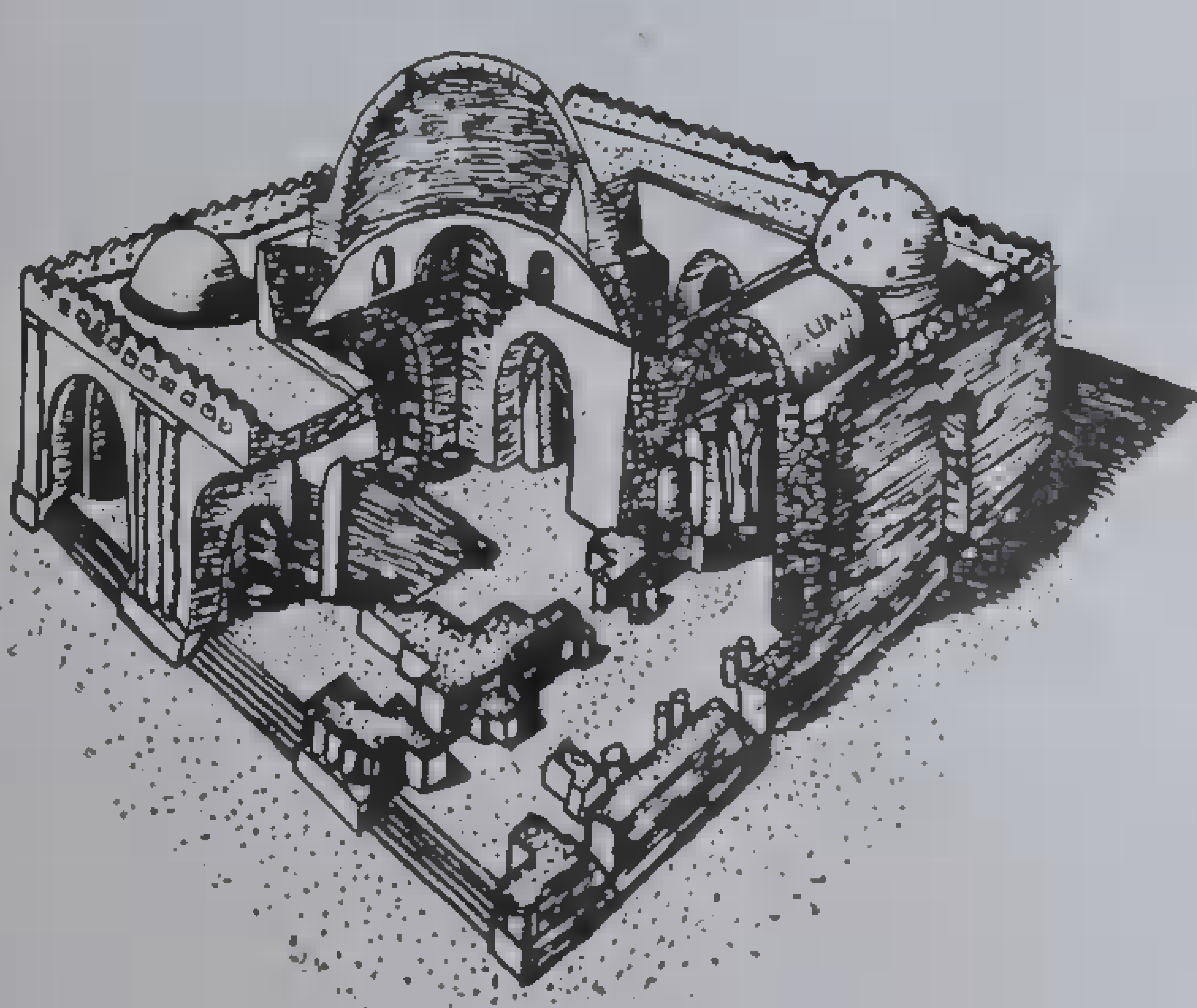


ش ۱٤۹ – مجسمهٔ شکسته شیر سنگی عهد
هخامنشی بطول ۷٤ و بلندی ٤۷ سانتیمتر
که‌نزدیك امامزاده مجاورآبادی‌هوزمائی
در فرمشگان بود و در سال ۱۳۳۸ بموزهٔ
پارس (شیراز) آورده شد (مربوط
بصفحهٔ ۸۵)

Fig 149 - Farmeshgan, fragment de la statue de lion, en pierre, époque Achéménide.

Fig 149 - Fragment of a stone statue of a lion, at Farmeshgan, Achaemenian Period.





ش ۱۵۰ – نقشه ومقطع کاخ عهد ساسانی در سروستان – نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – تألیف پروفسورواندنبرگ – چاپ لندن ۱۹۵۹ – ص ٤٨ (مربوط بصفحهٔ ۸۷)

Fig 150 - Sarvistan, plan et coupe du palais Sassanide.

Fig 150 - Plan and profile of the Sassanian palace at Sarvistan.

L- Vander Berghe. Archéologie de l' Iran Ancien. Leiden 1959 p 48



ش ۱۵۱ – منظر آثار موجود کاخ عهد ساسانی در سروستان از طرف جنوب (مربوط بصفحهٔ ۸۷)

Fig 151 - Sarvistan, vestiges du palais Sassanide, vue prise du sud.

Fig 151 - Southern wiew of the remains of the Sassanian palace at Sarvistan.



ش ۱۵۲ – منظر وضع موجود کاخ عهد ساسانی در سروستان از جانب مغرب پس از تعمیرات سالهای اخیر – (مربوط به صفحهٔ ۸۷)

Fig 152 - Sarvistan, vestiges du palais Sassanide, vue prise de l' ouest.

Fig 152 - Western view of the remains of the Sassanian palace, at Sarvistan.



ش ۱۵۳ – بقعهٔ شیخ یوسف سروستانی متعلق به اواخر قرن هفتم هجری– مربوط بصفحهٔ ۸۸)

Fig 153 - Sarvistan, Mausolée de Sheikh Youssef, fin du 13 ème siècle.

Fig 153 - Mausoleum of Sheikh Youssef at Sarvistan, end of 13 th cent.



۱۵٦ – ایوان بزرگ‌وقدیمی مسجد جامع‌نیریز ازآثار قرن‌چهارم‌هجری–
نقل از کتاب آثار ایران بشرح مذکور در شکل ۱۵۵ – ص ۱٦۷ (مربوط بصفحهٔ ۸۸)

Fig 156 - Neïriz, la partie ancienne de la Mosquée Djami, X ème siècle.

Fig 156 - The ancient part of the Djami Mosque, at Naïriz, X th cent.

Athar - é Iran Tome I Fascicule I 1936 P. 167



ش ۱۵۷ - نقش برجستهٔ شاپور اول و والرین در کوه پهنا-ازآثارتاریخی
عهد ساسانی نزدیك دارابگرد (مربوط بصفحهٔ ۹۱)

Fig 157 - Darabgird, bas-relief de Shapour I et Valérien, époque Sassanide.

Fig 157 - The relief of Shapour I, and Valerien, at Darabgird, Sassanian period.



ش ۱۵۸ – مسجد سنگی در کوهپهنا نزدیك دارابگرد که‌در سنگ کوه تراشیده شده است – اصل آن از عهد ساسانی بوده در دوران اسلام نبشته‌های تاریخی ومحراب برآن افزوده‌اند (مربوط بصفحهٔ ۹۲)

Fig 158 - Draabgird, Masdjidi-sangui, (Mosquée en pierre), monument de l' époque Sassanide, taillé dans le roc, transformé en Mosquée à l' époque Islamique.

Fig 158 - Masdjidi-sangui, a Sassanian monument carved in the rock, near Darabgird, which was converted into a Mosque in the Islamic period.



ش ۱۵۹ – ویرانه چهار طاقی عهد ساسانی در محل شاه نزدیك فیشور (در کنار راه کاروان رولار بطرف بندر بوشهر حدود صدوبیست کیلومتری مغرب لار) – نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – وندنبرك ورقهٔ مصور شمارهٔ ۲۰ – الف (مربوط بصفحهٔ ۹۶)

Fig 159 - Fishvar (env. 120 kl. à l' ouest de Lar) ruines d' un Tchahar - Tagh Sassanide.

Fig 159 - Ruins of a Tchahar - Tagh Sassanian period at Fishvar (about 120 kl. west of Lar).

Archéologie de l' Iran Ancien Prof. L. Vander Berghe Leiden 1959. Planche 20 a.



ش ۱٦۰ – منظرهٔ هوائی ویرانه‌های فیروز آباد (شهر گور) که بصورت دائرهٔ بسیار مشخصی پدیدار است – عکس از آقای دکتر اریك اشمیت Dr. Erick Schmidt (مربوط بصفحهٔ ۹۹)

Fig 160 - Vue aérienne de Firouzabad.

Fig 160 - Aeriel wiew of Firuzabad.



ش ۱۶۱ – نقش برجستهٔ اردشیر بابکان در کوهستان کنار رودخانهٔ تنگاب (فیروز آباد) (مربوط بصفحهٔ ۹۹)

Fig 161 - Firouzabad, bas-relief d' Ardeshir I.

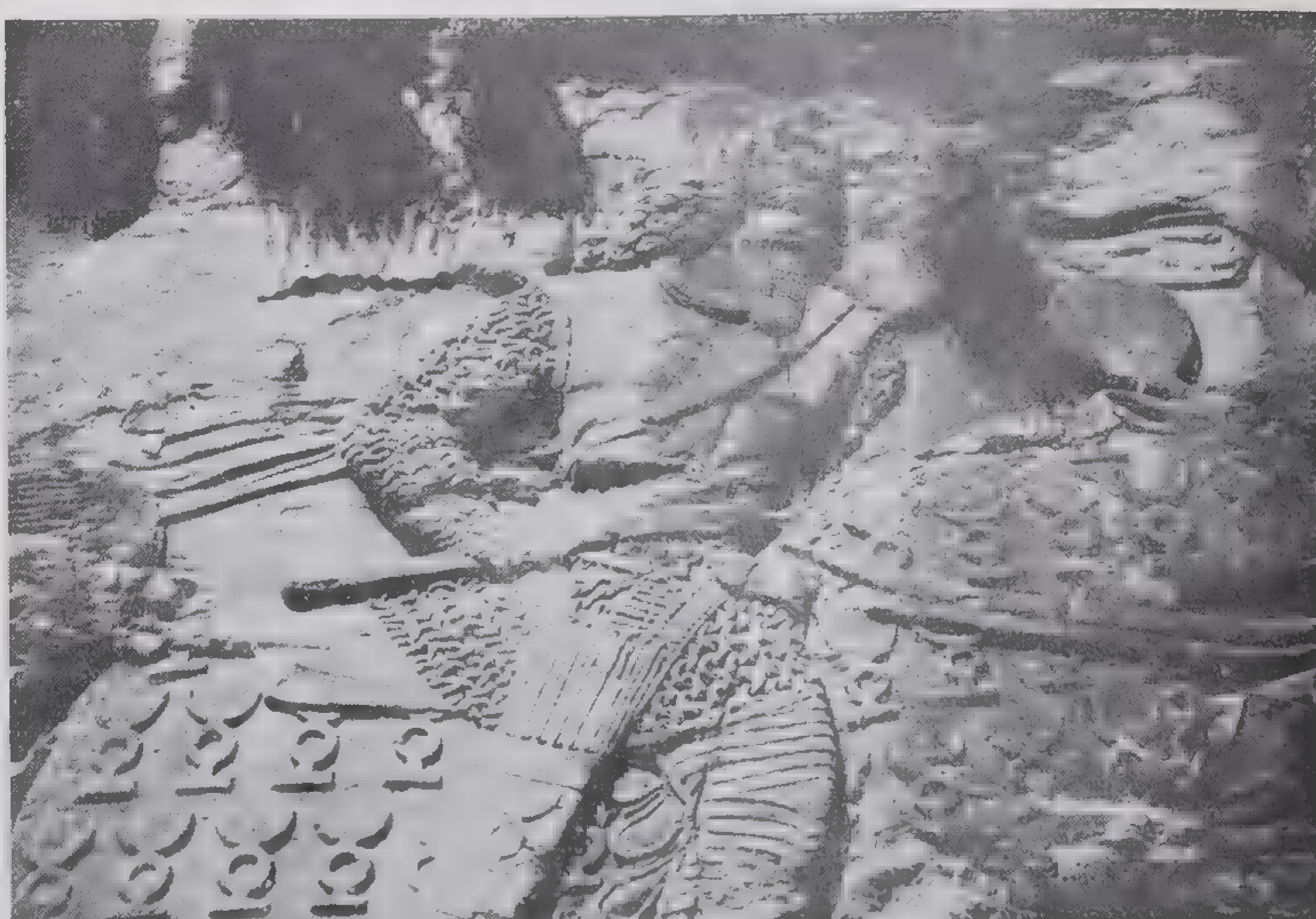
Fig 161 - Relief of Ardeshir I at Firuzabad.



س ۱۶۲ – نقش برجستهٔ بزرگ که صحنهٔ پیروزی اردشیر بابکان را بر دشمنانش نشان میدهد (بربالای کوهستان کنار رودخانهٔ تنگاب – فیروزآباد)
(مربوط بصفحهٔ ۱۰۰)

Fig 162 - Firouzabad, bas-relief représentant la victoire d'Ardashir I.

Fig 162 - Relief of victory of Ardashir I at Firuzabad.



ش ۱۶۳ – نقش برجستهٔ ابرسان وزیر اردشیر بابکان – (مربوط بصفحهٔ
۱۰۰)

Fig 163 - Firouzabad, bas-relief d' Abarsan, ministre d' Ardashir I

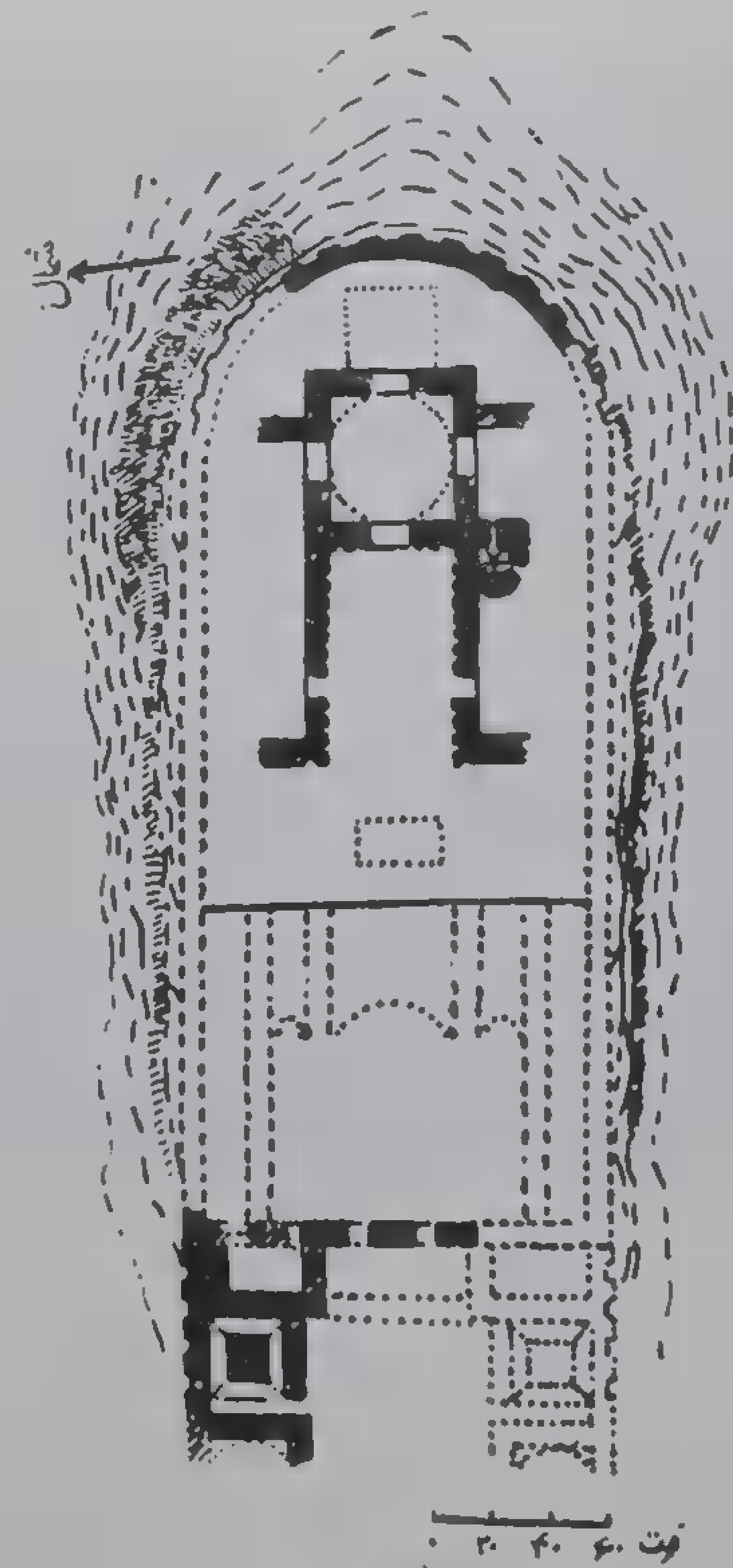
Fig 163 - Relief of Abarsan, minister of Ardashir I, at Firuzabad.



ش ۱٦٤ – نقش برجستهٔ پیروزی یکی از سواران اردشیر که مردی را باسارت در آورده است (مربوط بصفحهٔ ۱۰۰)

Fig 164 - Firouzabad. bas-relief d' un cavalier d' Ardashir I captivant un soldat ennemi.

Fig 164 - Relief of a horseman of Ardashir I taking captive an ennemi' s soldier.



ش ۱٦٥ – نقشهٔقلعه‌دخترفیروزآباد(مربوط‌بصفحهٔ ۱۰۰) نقل ازمقاله‌آقای
پرفسور گیرشمن در مجلـهٔ مؤسسهٔ فرانسوی باستانشناسی شرقی شمارهٔ ٤٦
صفحهٔ ۳

Fig 165 - Firouzabad, plan de Qalé-Dukhtar, forteresse du temps de Shapour I.

Extrait du bulletin de l' Institut Français d' Archéologie orientale. T. XLVI l' article Firouzabad par Prof R. Ghirshman.

Fig 165 - Plan of Qale-Dukhtar, fortress from the time of Shapur I. at Firuzabad.



ش ۱۶۶ – منظر قلعه دختر فیروزآباد از دامنهٔ کوهسار از جانب شمال شرقی – (مربوط به صفحهٔ ۱۰۰) نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – واندنبرگ – چاپ لیدن ۱۹۵۹ تصویر شمارهٔ ۶۹ – الف

Fig 166 - Firouzabad, vue de Qalé-Dukhtar, prise du côté nord-est.

Fig 166 - Wiew of Qale-Dukhtar, at Firuzabad, from north-east.

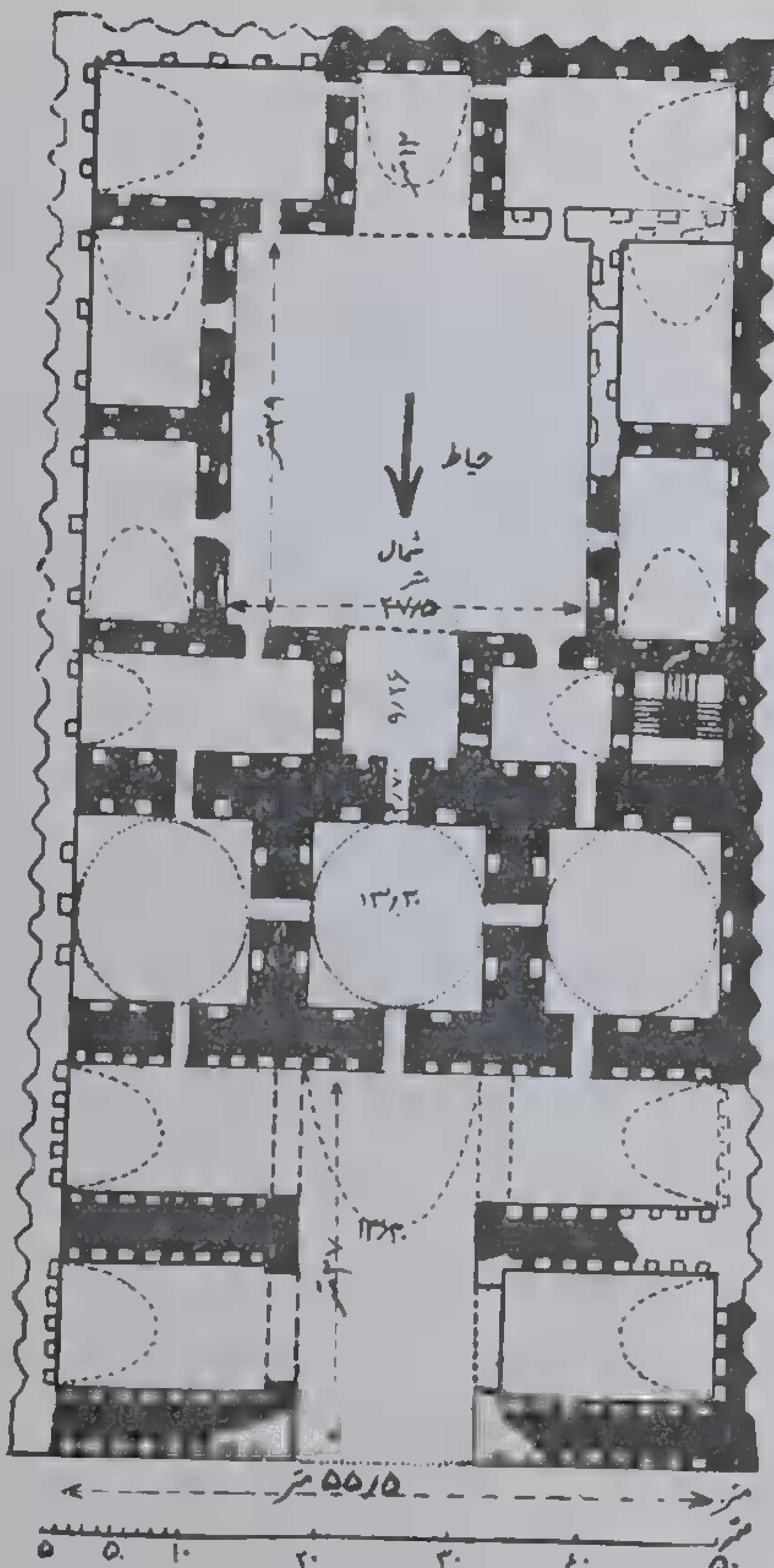
L' Archéolgie de l' Iran Ancien; L. Vanden Berghe Leiden 1959 Planche 69 a.



ش ۱۶۷ – منارهٔ فیروز آباد از عهد ساسانی – (مربوط بصفحهٔ ۱۰۱)

Fig 167 - Firouzabad, Minaret de l' époque Sassanide.

Fig 167 - Minaret of Sassanian period at Firuzabad.



ش ۱۶۸ – نقشهٔ کاخ اردشیر بابکان در فیروز آباد – (مربوط بصفحهٔ ۱۰۲)

Fig 168 - Firouzabad. plan du palais d' Ardeshir I.

Fig 168 - Plan of Ardeshir I' s Palace at Firuzabad.

L' Archélogie de l' Iran ancien Prof L. Vanden Berghe. Leiden 1959 P. 48



ش ۱۶۹–منظر جنوبی وضع کنونی کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد – (مربوط به صفحهٔ ۱۰۲)

Fig 169 - Firouzabad, vue du Palais d' Ardeshir I prise du côté sud.

Fig 169 - Wiew of Palace of Ardeshir I taken from the south, at Firuzabad.



ش ۱۷۰ – منظر غربی کاخ اردشیر بابکان در فیروز آباد – (مربوط بصفحهٔ ۱۰۲)

Fig 170 - Firouzabad. vue du Palais d' Ardeshir I. prise de côté ouest.

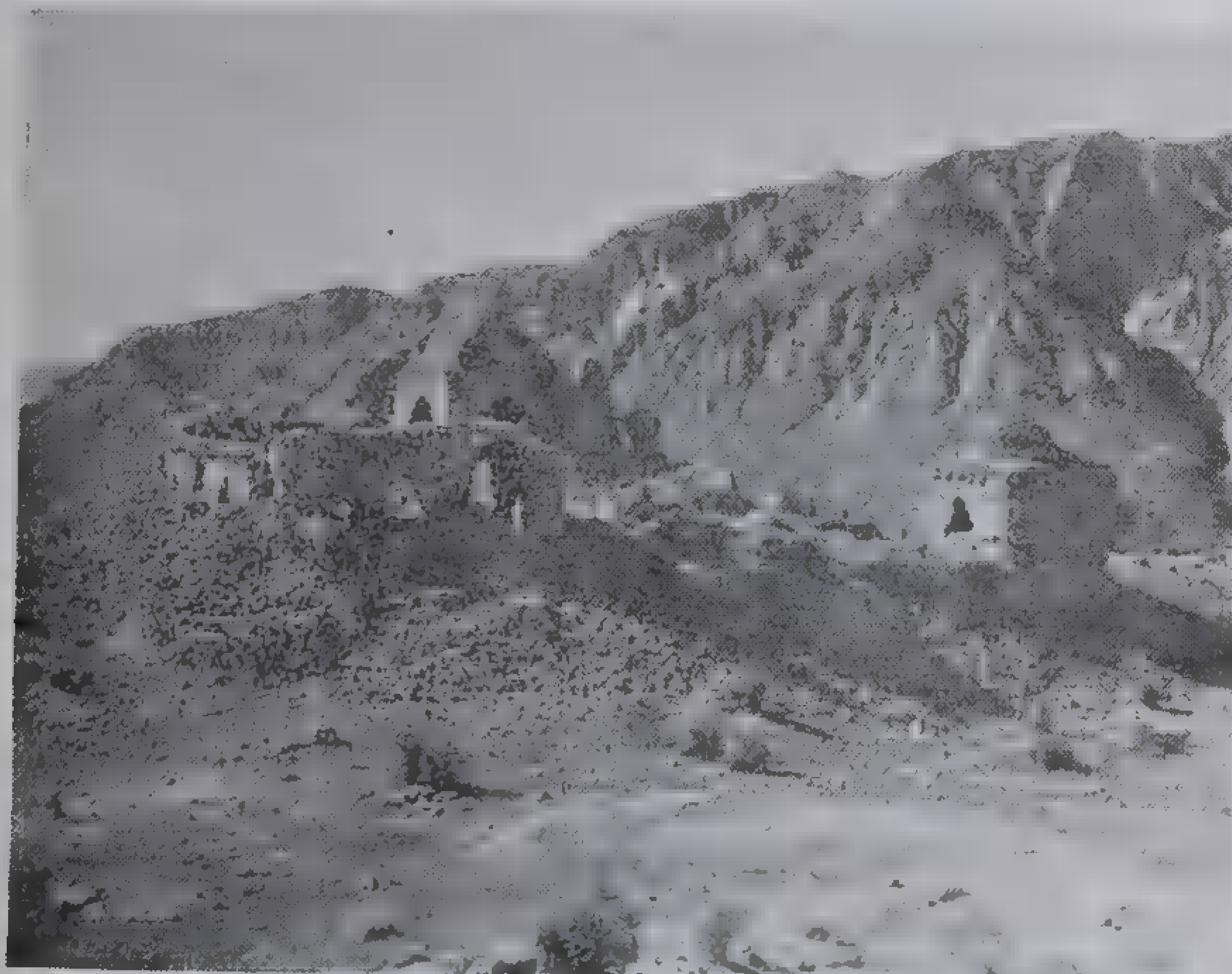
Fig 170 - Wiew of palace of Ardashir I. taken from the west. at Firuzabad.



ش ۱۷۱ – درون گنبد کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد – (مربوط
به صفحهٔ ۱۰۲) نقل از مقالهٔ سابق‌الذکر پرفسور گیرشمن که‌در توضیحات شکل
۱۶۵ اشاره گردید

Fig 171 - Firouzabad, l' intérieur du palais d' Ardeshir I.

Fig 171 - Interior of the palace of Ardeshir I, at Firuzabad



ش ۱۷٤ – منظری از مجموعهٔ ابنیهٔ آتشکدهٔ بزرگ عهد ساسانی در ۳۰ کیلومتری جنوب فیروزآباد – (مربوط به صفحهٔ ۱۰۵) – عکس از آقای پرفسور واندنبرگ

Fig 174 - Vue de l' ensemble des batiments d' un grand temple du feu, à 30 klm. au sud de Firouzabad.

Fig 174 - General wiew of buildings of a big fire temple at 30 klm. south of Firuzabad.



ش ۱۷۵ – نقش برجستهٔ عهد فتحعلیشاه دربل آبگینهٔ کازرون – (مربوط
به صفحهٔ ۱۰۸)

Fig 175 - Bas relief du temps de Fath-Ali Shah (1 ère moitié du 19 ème siécle) prés de Kazeroun.

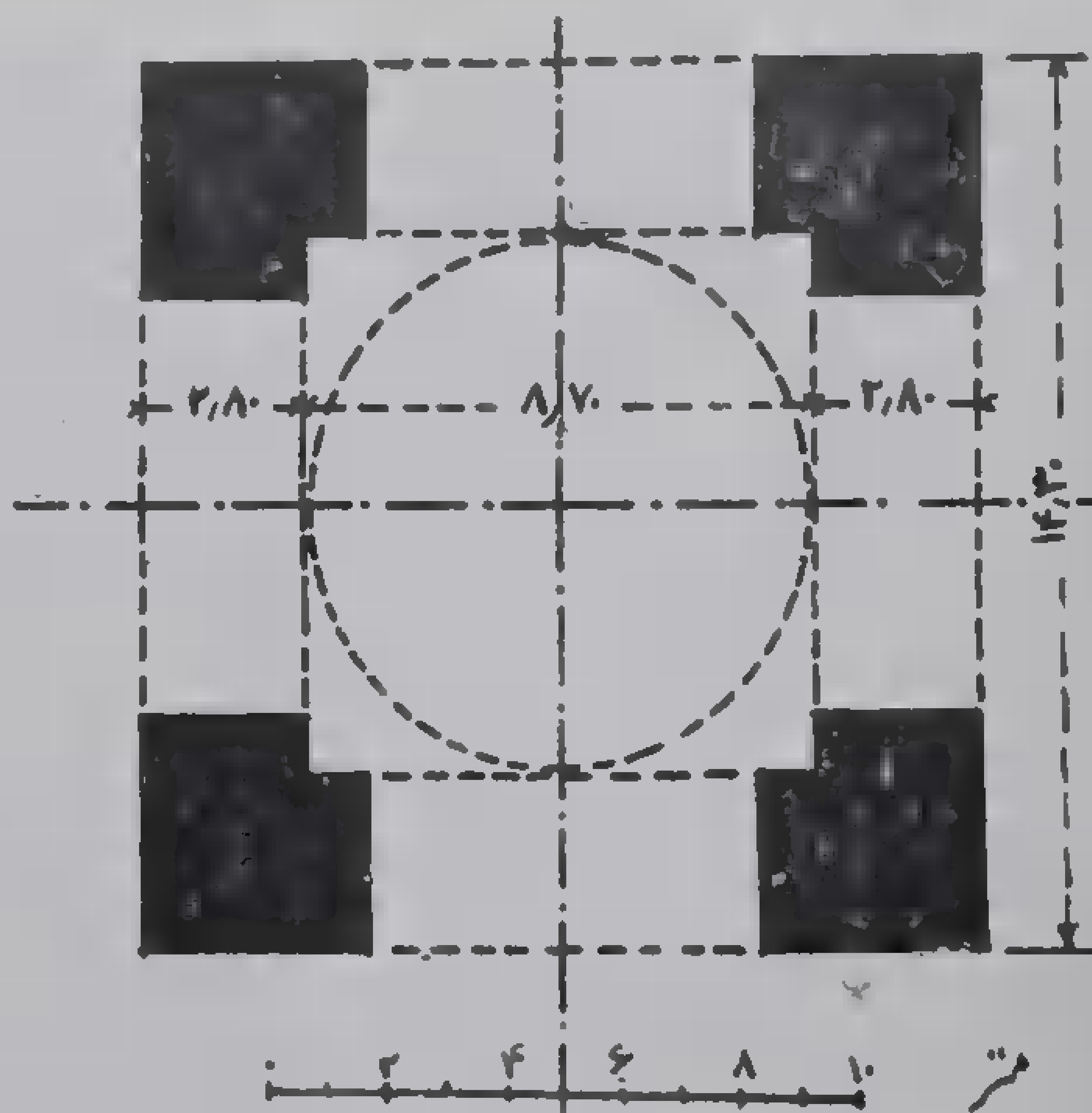
Fig 175 - Relief of the time of Fath-Ali Shah(1 st half of 19 th cent) near Kazeroun.



ش ۱۷۶ - چارطاقی آتشکدهٔ جره (مربوط به صفحهٔ ۱۳۳) نقل از مجلد اول - جلد سوم آثار ایران بزبان فرانسه - نشریهٔ اداره کل باستانشناسی صفحهٔ ۳۱

Fig 176 - Djerreh, temple du feu, époque Sassanide

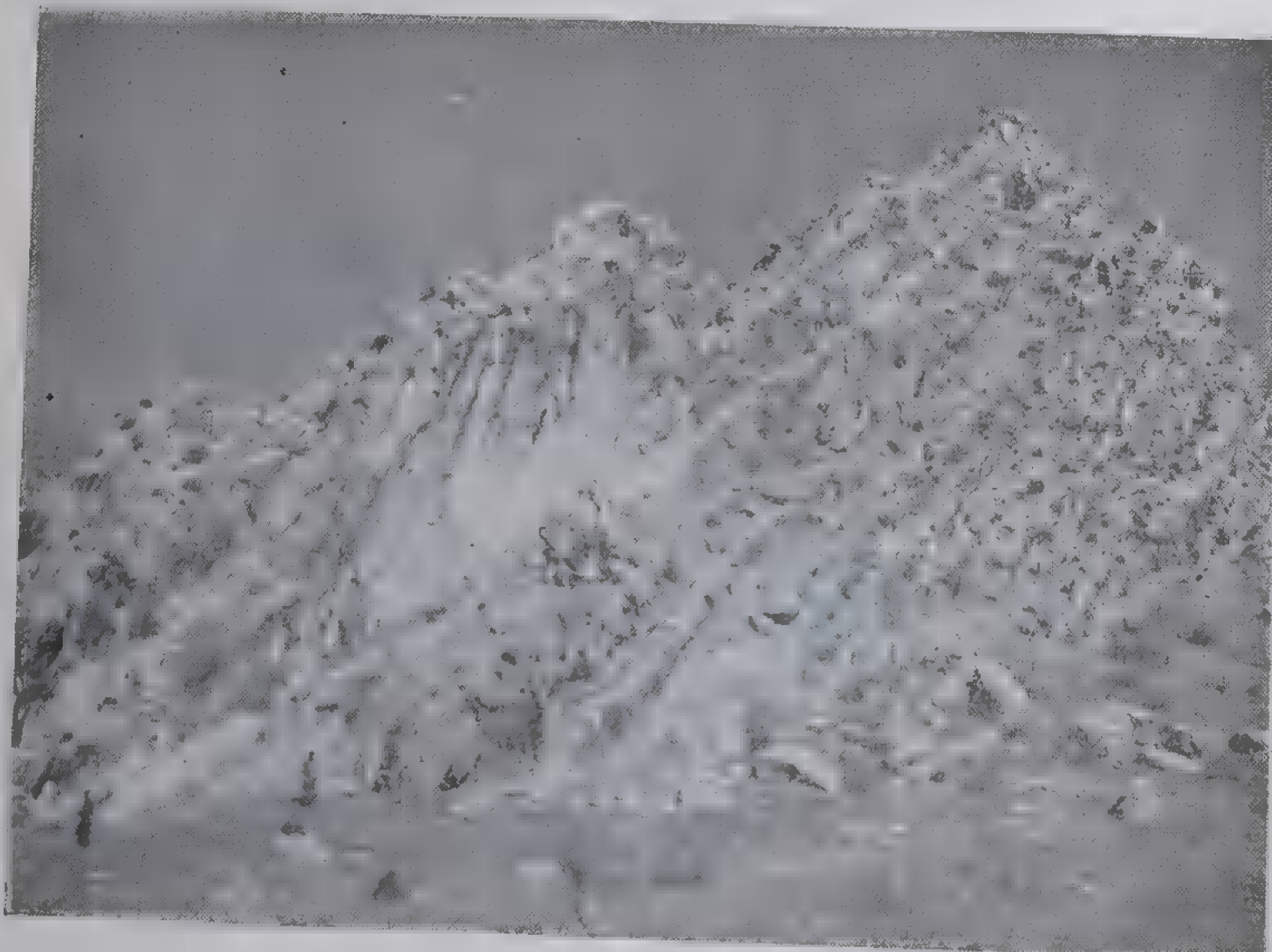
Fig 176 - Fire temple at Djerreh, Sassanian period,



ش ۱۷۷ – نقشهٔ آتشگدهٔ جره (مربوط به صفحهٔ ۱۱۳) نقل از نقشه‌ترسیمی آقای گدار که در مجلد اول جلد سوم آثار ایران بزبان فرانسه صفحهٔ ۱۷۰ چاپ شده است

Fig 177 - Plan du temple du feu à Djerreh.

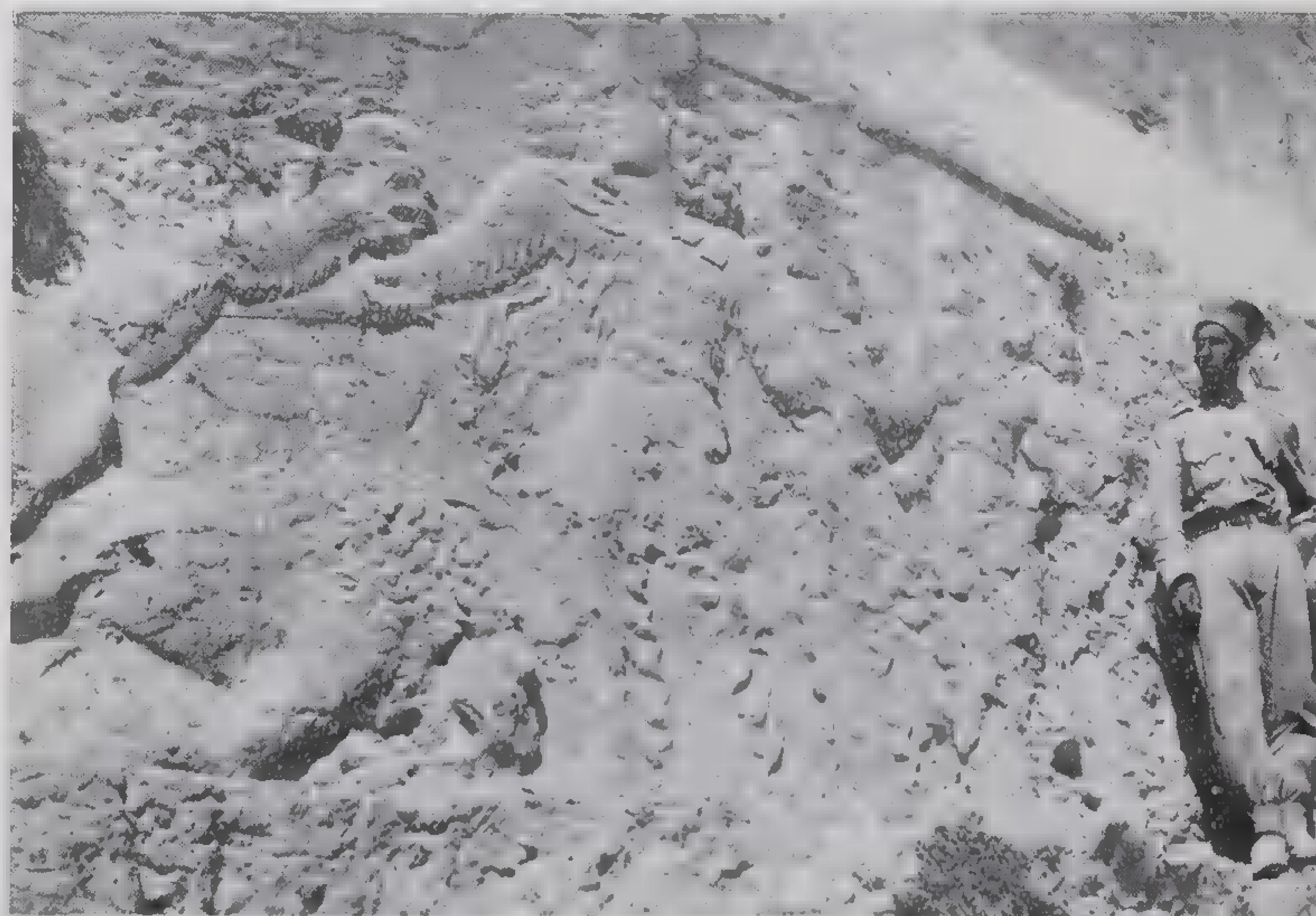
Fig 177 - Plan of the fire temple at Djerreh.



ش ۱۷۸ – کوهستان سر مشهد که نقش برجسته بهرام دوم ونبشته بزرگ بخط پهلوی در وسط آن واقعست – (مربوط به صفحه ۱۱۶)

Fig 178 - Sarmashhad, la montagne où se trouve le bas-relief de Bahram II (276-293 A.D.) et la grande inscription Pehlewi.

Fig 178 - The mountain of Sarmashhad, where is the relief of Bahram II. (276-293 A.D.) and the big Pehlewi inscription.



ش ۱۷۹ - نقش برجسته بهرام دوم در حال نبرد ومغلوب ساختن دوشیر در سر مشهد - (مربوط به صفحه ۱۱۷)

Fig 179 - Sarmashhad, le bas-relief de Bahram II (276-293 A.D.)

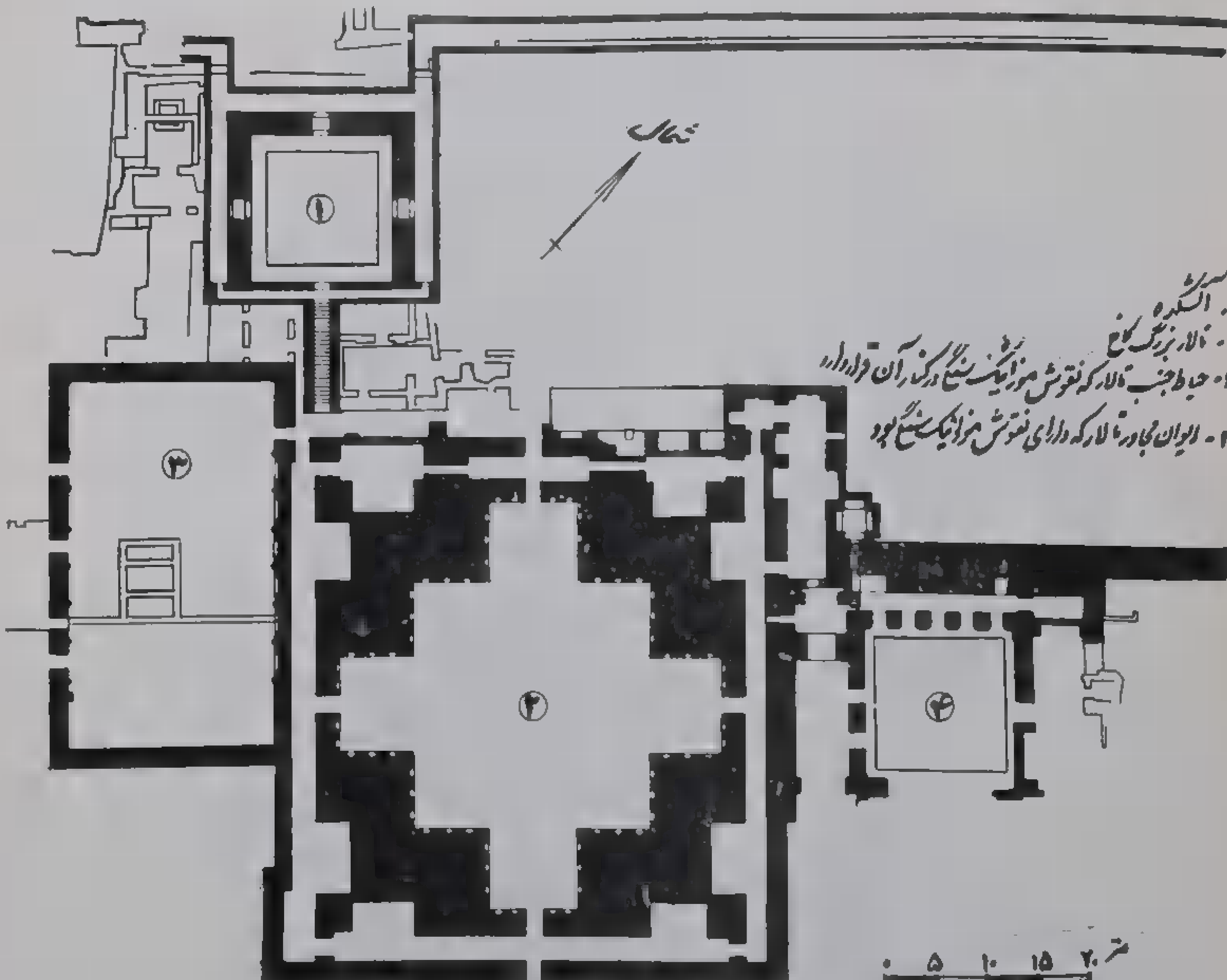
Fig 179 - The relief of Bahram II. (276-293 A.D.) at Sarmashhad.



ش ۱۸۰ - آتشگدهٔ واقع در بیشاپور که دیواری از سنگهای تراش آن
بیشتر هویدا است - (مربوط به صفحه ۱۲۲)

Fig 180 - Bîshâpour. le temple du feu du temps de Shapour I (241-272 A.D.) .

Fig 180 - The fire temple from the time of Shapur I (241-272 A.D.), at Bishapur.



ش ۱۸۱ – نقشهٔ آتشکده وتالار بزرگ کاخ بیشاپور وحیاط وایوان مجاور آن (مربوط به صفحه ۱۲۲) نقل از کتاب بیشاپور جلد دوم تالیف ر . گیرشمن جاپ پاریس ۱۹۵٦ – نقشه ۲

Fig 181 - Bîshâpour, plan du temple de feu, la grande salle du palais de Shapour I, la cour et l' ivan du palais.

Fig 181 - Plan of the fire temple, the big Hall of the Palace of Shapur I, the court and the portico of the palace at Bishapur.

Bîchâpour Vol II R. Ghirshman. Paris, 1956. PL. 2.

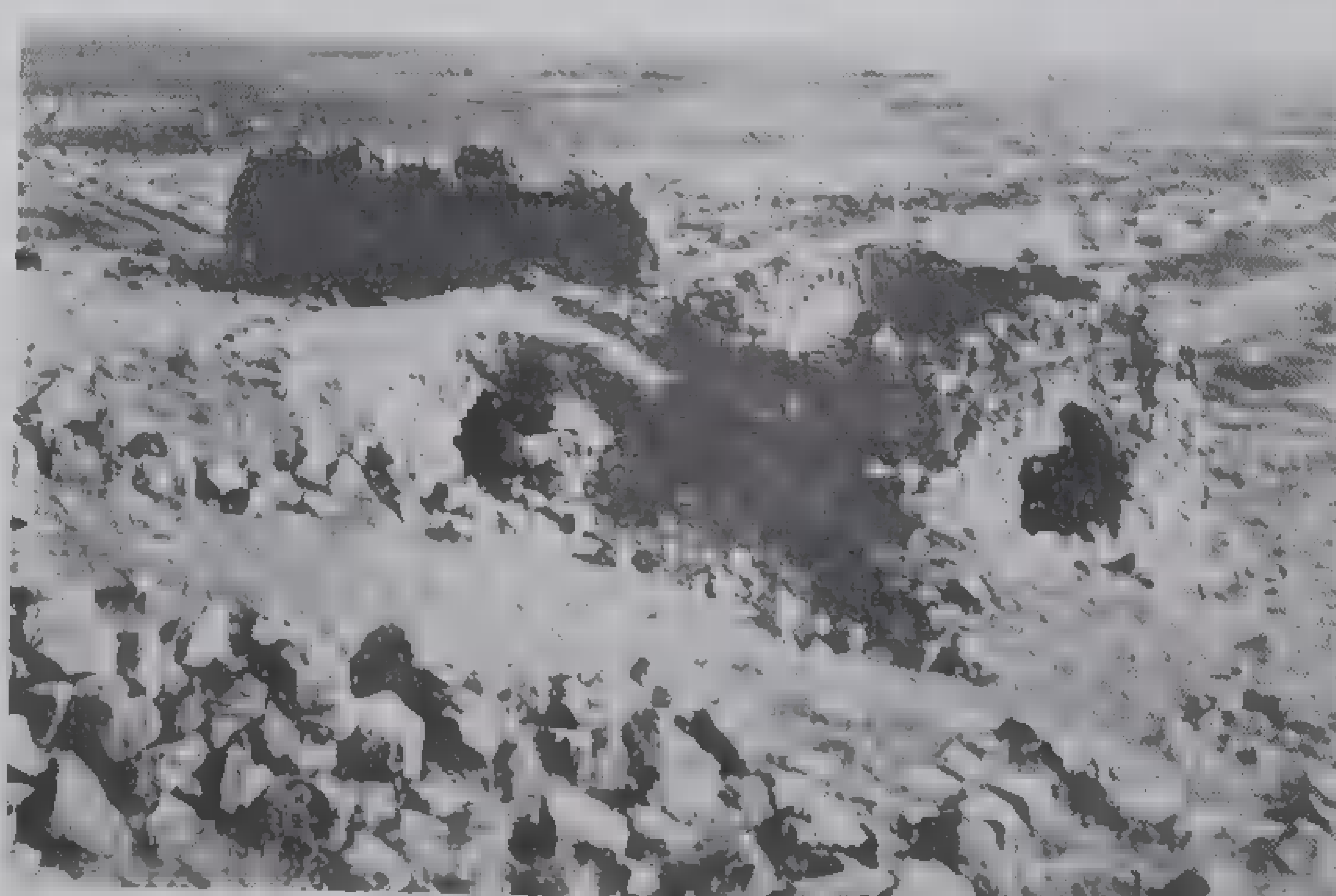


ش ۱۸۲ - یکی از ستونهای واژگون شده واقع در وسط ویرانه‌های بیشاپور بانبشته پهلوی - (مربوط به صفحه ۱۲۳)

Fig 182 - Bîchâpour, colonne du monument de Shapour I, avec une inscription en Pehlewi, tombée à terre.

Fig 182 - A column of the monument of Shapur I at Bishapur, with Pehlewi inscription fallen on the ground.





ش ۱۸۳ – و ۱۸٤ – بقایای ابنیه قرون اولیه اسلام واقع درقسمت جنوبی ویرانه‌های بیشاپور – (مربوط به صفحه ۱۲۳)

183 - 184 - Bîshâpour, restes des monuments du dédut de l' Islam, dans la partie sud de la ville.

Fig 183 - 184 - Remnants of the Islamic buildings, on the south part of Bishapur.



ش ۱۸۵ – ویرانه‌های قلعه دختر برفراز کوهستان شمال بیشاپور – (مربوط به صفحه ۱۲۳)

Fig 185 - Bîchâpour, ruines de la forteresse «Qalé Dokhtar» du temps de Shapour I, en haut de la montagne.

Fig 185 - Ruins of the castle «Qala Dokhtar» at Bishapur.



ش ۱۸۶ – صحنهٔ پیروزی شاپور اول بروالرین در وسط نقش برجستهٔ بزرگ جانب شرقی تنگ چوگان – (مربوط به صفحهٔ ۱۲۵)

Fig 186 - Bîshâpour, scène de la victoire de Shapour I sur Valérien, au centre du bas - relief, sur le côté est de Tangi - Tchowgan.

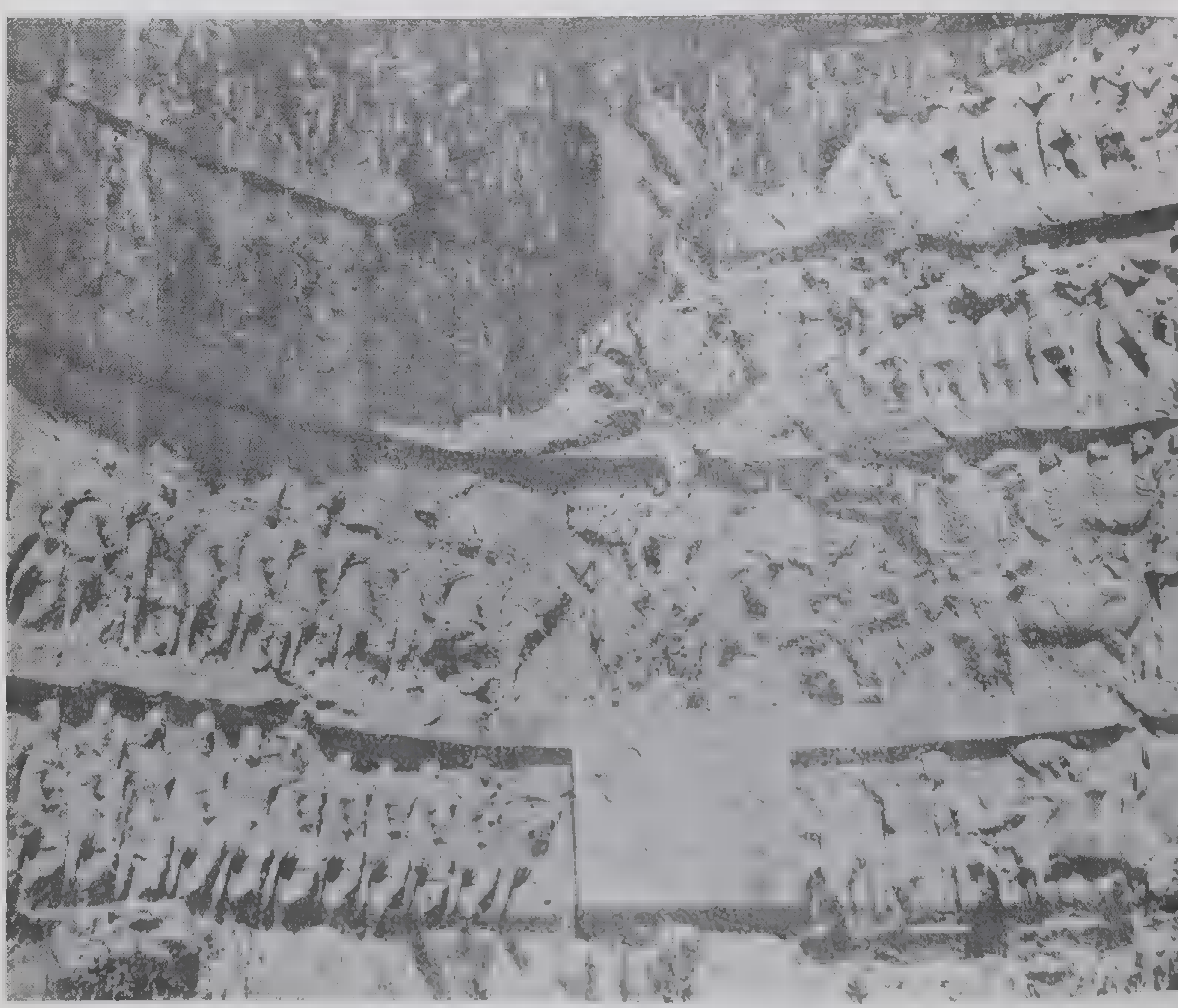
Fig 186 - Scene of the victory of Shapur I on Valerien, in the central parl of relief, on the eastern side of Tangi-Tchowgan, at Bishapur.



ش ۱۸۷ – نقش برجسته بزرگ مشتمل برصحنهٔ پیروزی شاپور اول بر
والرین در جانب شرقی تنگ چوگان – (مربوط به صفحهٔ ۱۲۵)

Fig 187 - Bîshâpour, le bas-relief représentant la victoire de Shapour I sur Valérien, du côté est de Tangi-Tchowgan.

Fig 187 - The relief representing the victory of Shapur I over Valerien, on the eastern side of Tangi-Tchowgan at Bishapur.



ش ۱۸۸ – بزرگترین نقش برجسته عهد ساسانی مشتمل بر صحنه پیروزی شاپور اول بر والرین که در جانب غربی تنگ چوگان واقعست – (مربوط به صفحه ۱۲۵)

Fig 188 - Bîshâpour, le plus grand bas-relief de l' époque Sassanide, représentant les scènes de la victoire de Shapour I sur Valérien, au côté occidental de Tangi-Tchowgan.

Fig 188 - The bigest relief of the Sassanian period representing scenes of the victory of Shapur I over Valerien, on the western side of Tangi - Tchowgan at Bishapur.



ش ۱۸۹ – گوشه‌ای ازنقش برجسته بزرگ پیروزی شاپور اول بروالرین (واقع در جانب غربی تنگ چوگان) که‌وسائل قلعه‌کوبی سربازان رومی راضمن غنائمی که از ایشان گرفته شده است نشان میدهد – (مربوط به صفحهٔ ۱۲۶)

Fig 189 - Détail du bas-relief, présenté sur la figure 188.

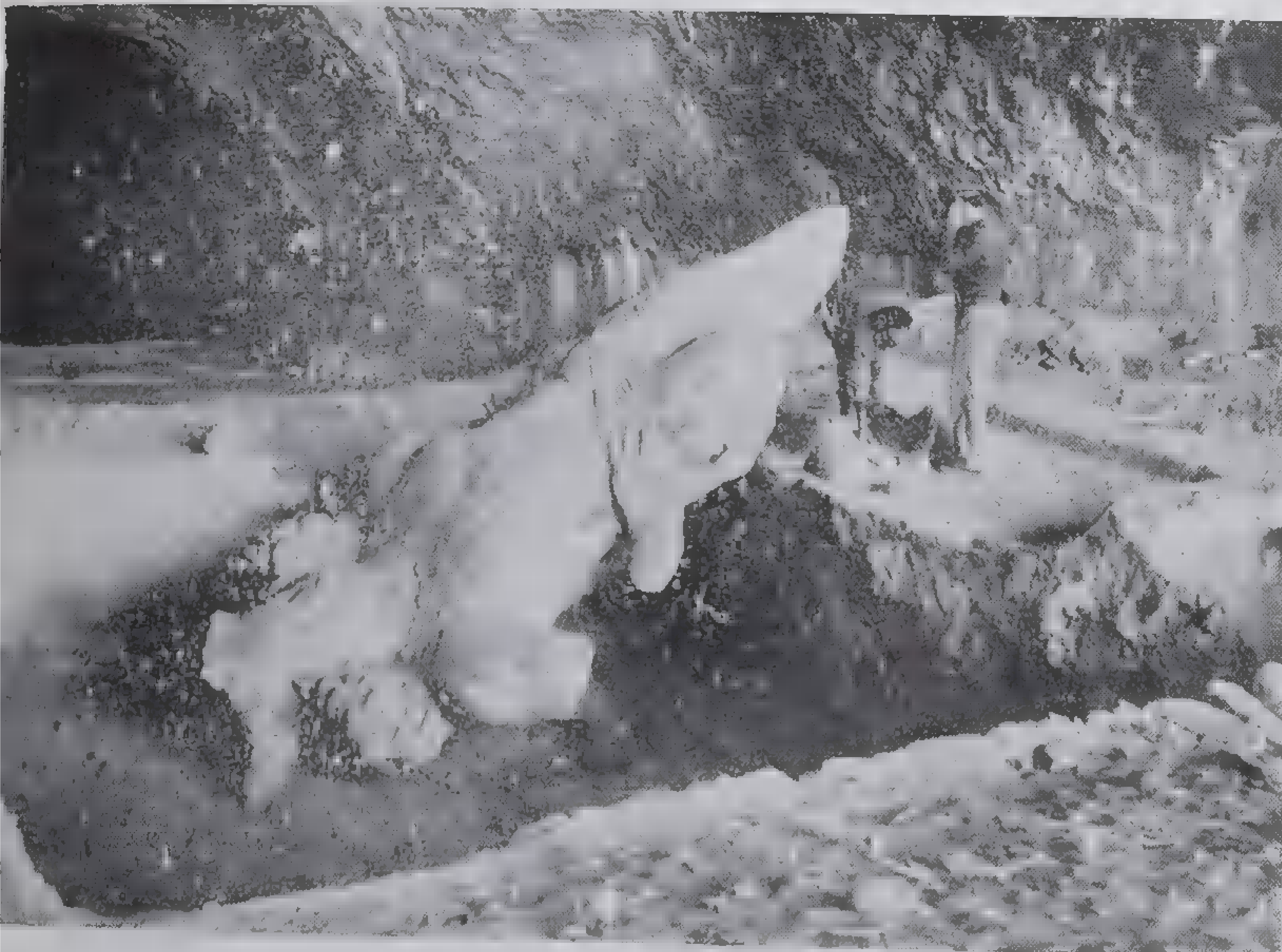
Fig 189 - Detail of the relief, shown on figure 188.



ش ۱۹۰ – نقش برجسته بهرام اول که شعار سلطنت راز مظهر اهورامزدا میگیرد (تصویر جانب چپ) ونقش برجسته بزرگ شاپور دوم (ذوالاکتاف) که پیروزی اورا برمخالفین شرقی کشور ایران نشان میدهد (تصویر جانب راست) واقع در جانب غربی تنگ چوگان – (مربوط به صفحه ۱۲۷) نقل از مقاله آقای ر. گیرشمان R. Ghirshman درباره نقوش برجسته عهد ساسانی در مجلهٔ هنر آسیا Artibus Asiae مجلد ۱۳ – شماره ۱ و ۲ ص ۹۱

Fig 190 - Bîshâpour, scène de l' investiture de Bahram I (273-276 A.D) (à gauche) et le bas-relief représentant la victoire de Shapour II 310-379 A.D) (àdroite) au côté ouest de Tangi-Tchowgan.

Fig 190 - Scene of the investiture of Bahram I (273-276 A.D) (left) and the relief of victory of Shapour II (310-379 A.D) (right) on the western side of Tangi-Tchowgan at Bishapur.



س ۱۹۱ - مجسمه بزرگ شاپور اول در شکفت شاپور در بالای جانب
غربی تنگ چوگان هنگامی که از طرف سپاه فارس جهت برداشتن آن اهتمام
میشد - (مربوط به صفحه ۱۲۹)

Fig 191 - Statue de Shapour I, tombée à terre dans une grotte, prés de Bîshâpour.

Fig 191 - Statue of Shapur I fallen on the ground in a grotto near Bishapur.



س ۱۹۲ – مجسمه بزرگ شاپور اول در شکفت شاپور در بالای جانب غربی تنگ چوگان پس ازآنکه به‌همت سپاه فارس برروی دوپایه بتون مسلح برپا شده است – (مربوط به صفحه ۱۲۹) عکس از آقای دکتر احمد حاجیان- دانشیار محترم دانشکدهٔ پزشکی طهران

Fig 192 - Statue de Shapour I, redressée, à sa place, par l' armée du Fars en 1957.

Fig 192 - Statue of Shapur I, erected in its former place by the army of Fars in 1957.



ش ۱۹۳ - نقش بهرام دوم در سراب بهرام (ممسنی) از روبرو - (مربوط به صفحه ۱۳۰)

Fig 193 - Bas relief de Bahram II (276-293 A.D.) prés de Nourabad. dans la région de Mamassani.

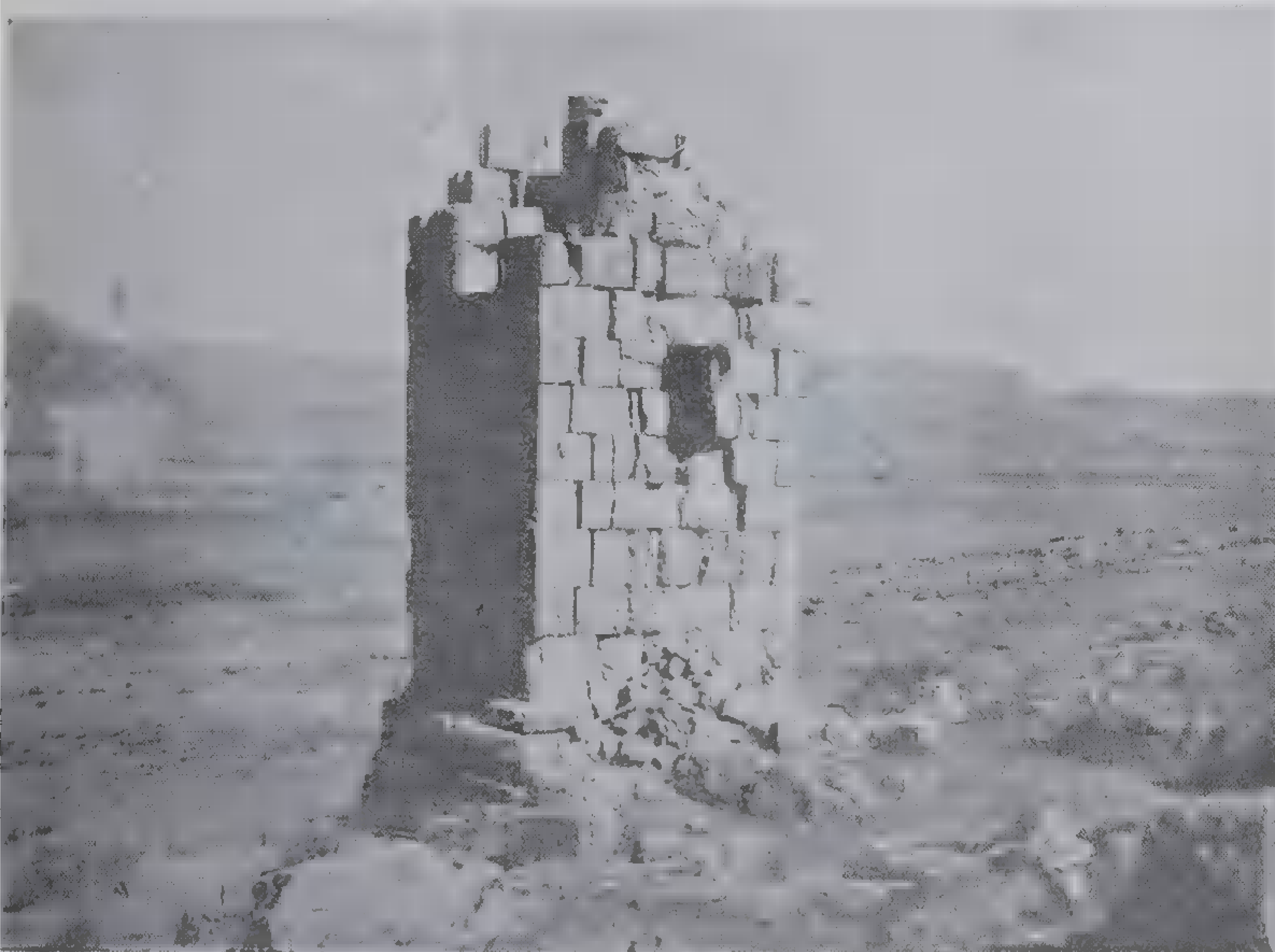
Fig 193 - Relief of Bahram II (276-293 A.D) near Nourabad, in Mamassani.



ش ۱۹٤ – نقش بهرام دوم در سراب بهرام (ممسنی) از جانب راست (سمت مشرق) – (مربوط به صفحه ۱۳۰)

Fig 194 - Bas relief de Bahram II (276-293 A.D.) prés de Nourabad, dans la région de Mamassani.

Fig 194 - Relief of Bahram II (276-293 A.D.) near Nourabad, in Mamassani.



ش ۱۹۵ - برج نورآباد (دیمی‌میل - میل اژدها) آتشگاهی از عهد اشکانیان - (مربوط به صفحه ۱۳۱)

Fig 195 - Nourabad, temple du feu d' époque parthe.

Fig 195 - Fire temple of the parthian period at Nourabad.



ش ۱۹٦ –بقعۀ سیدعلاءالدین محمد
• امام زاده درب آهنین در ممسنی نزدیک
نورآباد (مربوط به صفحات ۱۳۲و۱۳۳)

Fig 196 - Nourabad, le sanctuaire nommè Imamzadeh Darb-ahanïn (13 ème-14 ème siècle)

Fig 196 - The sanctuary called Imamzadeh Darb-ahanin (13 th 14 th cent) at Nourabad.



ش ۱۹۷ – در آهنی امامزاده درب
آهنین – (مربوط به صفحه ۱۳۳) قسمتی
از سنگ لوحۀ کتیبه تاریخی کـه در
قسمت ذیـل کتاب توضیح ان مذکور
است بربالای در نمودار میباشد .

Fig 197 - Porte en fer du sanctuaire présenté à la fig 196.

Fig 197 - The iron door of the sanctuary presented in fig 196.



ش ۱۹۸ – ته‌ستون هخامنشی نزدیك سروان که اینك زیارتگاهی بنام امامزاده اسمعیل میباشد (مربوط‌به‌صفحه ۱۳۶) ـ درقسمت ذیل کتاب توضیحات وعکسهای دیگر در بارهٔ ته ستونهای هخامنشی سروان مذکور ومندرج است .

Fig 198 - Sarawan, base de colonne Achéménide.

Fig 198 - Achaemenian base of column at Sarawan.



ش ۱۹۹ - نقوش برجسته عهد عیلام‌درکورانگون- (مربوط‌به‌صفحه ۱۳۷)
عکس دیگری از همین نقش در قسمت ذیل کتاب نموده شده است .

Fig 199 - Kurangün, bas-reliefs élamites.

Fig 199 - Elamit reliefs at Kurangün.



ش ۲۰۰–دخمه‌سنگی‌داو دختر درانتهای‌غربی‌خاک‌ممسنی– (مربوط به‌صفحه۱۳۹
(نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – تالیف واندنبرگ ورقه‌مصور ۸٦ ب)

Fig 200 - Le tombeau rupestre préachéménide, nommé Daw-Dokhtar à Mamassani .

Fig 200 - A preachaemenian tomb, called Daw Dokhtar, carved in the mountain at Mamassany.

L. Vander Berghe - l' Archéologie de l' Iran Ancien, Planche 86 b.



ش ۲۰۱ – بقعهٔ میرمحمد در جزیرهٔ خارک – (مربوط به صفحهٔ ۱٤٤)

Fig 201 - L' ile de Kharg, sanctuaire de Mir Mohommad (14 ème siècle).

Fig 201 - The Sanctuary of Mir Mohammad (14 th cent) at Kharg.



ش ۲۰۲- یکی از آرامگاههای باستانی در کوهستان جزیره خارك (مربوط به صفحه ۱٤٦)

Fig 202 - L' ile de Kharg, tombeau rupestre Chrétien.

Fig 202 - A Christian tomb, carved in the mountain at Kharg.



ش ۲۰۳ – دهلیز یکی از آرامگاههای باستانی در کوهستان جزیره خارك
(مربوط به صفحه ۱۰۶)

Fig 203 - Le vestibule du tombeau présenté à la fig 202.

Fig 203 - The vestibule of the tomb presented in fig 202.

پایان تصاویر مربوط به متن کتاب

ذیل

بطوریکه درچند موردکتاب اشاره‌شد دربارهٔ برخی از آثار سرزمین پارس تا هنگام چاپ فصل مربوط بآنها اطلاعاتی که موردنظر بود حاصل نیامد و خوشبختانه تا پایان پذیرفتن چاپ متن و تصاویر مربوط به متن‌کتاب موقعیتهائی فراهم‌گردیدکه براطلاعات مربوط به برخی از آثار سابق‌الذکر افزوده شد یا اینکه براثر تحقیقات واقدامات کارکنان ادارهٔکل باستان‌شناسی‌وسایر افراد مطلع وعلاقمند دانستنیهای تازه‌ای دربارهٔ بعضی از آثار باستانی فارس حاصل گردید وضمناً بعضی اصلاحات دراطلاعات‌قبلی یانقل‌قسمتهائی‌ازآنچه درنشریات‌دیگر بچاپ رسیده است یا تکمیل مطالب سابق‌کتاب لازم آمد بدین مناسبت درصدد برآمد در تحت عنوان ذیل چنین موضوعهائی را تنظیم نموده با تعدادی تصاویرکه آن نیز بشرح بالا فراهم گشته است در دنبالهٔکتاب قرار دهد . وباوجودیکه این‌امرباعث اطناب‌مطلب‌ودرازاکشیدن‌اتمام‌چاپ‌کتاب‌بیش ازحد متعارف میگردد باتوجه‌به‌علاقه ومجاهدتهای دوستان‌ودوستداران آثار تاریخی سرزمین باستانی فارس‌که‌ازترغیب وهمکاری دراین خدمت فروگذار ننموده باتهیه وارسال مطالب گوناگــون شوق بیشتری را در انجام خدمتی‌که آغاز شده است فراهم فرموده‌اند نگارنده را دریغ آمد از این موقعیت ومساعدتهای ذیقیمت استفاده ننماید لذا بشرحی‌که، در تلو صفحات بعدی بنظر خوانندگان ارجمند میرسد مطالب منظور تنظیم ودرج‌گردیده است واز طولانی شدن سخن پوزش میطلبد .

۱- کوشگ زر- آباده(۱)

بمسافت یك کیلومتری آباده از جانب ایزد خواست جادّهٔ فرعی ازشاهراه بطرف مغرب منشعب میگردد کـهچون چهاریا پنج کیلو متردرآن طیّ مسافت کنند بهدهکدهٔ رحمت آباد میرسند وپس از آن درحدود ده الی دوازده کیلومتر که از رحمت آباد بجـانب مغرب پیش بروند رودخانهٔ کوچکی ظاهرمیگردد ـ آنسوی رودخانه چند تپّهٔ کوچك است وپشت تپّههادشت وسیعی وجود دارد ـ در ابتدای دشت ویرانههای قلعههائی هست که بنام **کوشگ زر** خوانده میشودوچنین شهرت دارد که این محل بقایـای همان هفت گنبد معروف بهرام گوراست کـه موضوع قسمتی ازدیوان نظامی بوده سرایندهٔ عالیقدرشرح آنهارا بتفصیلدراشعار خودآورده است.

۲ - توضیحاتی دربارهٔ ابرقو

طی صفحات ۳ تا ٦ متن کتاب دربارهٔ ابرقو و آثارتاریخی آنجا اطلاعـاتی که مناسب بنظرمیآمدذکر گردیددرشهریورماه ۱۳٤۰ براهنمائی دانشمندمحترم آقای ایرج افشارمقالهای را کـه بوسیلهٔ ایشان تهیّه ودرمجلهٔ دانش ـ شمارهٔ ٤ تیرماه ۱۳۲۸ص ۲۳۲ تا ۲۳٤ـ چاپ شده بود ملاحظه نمودم که حاوی اطلاعـات مفیدیراجع بهابرقوبوده مطالبجالبیاز کتب مختلفقدیمرا دراینبارهدربرداشت از جمله اشاره به مزار طاووس الحرمین کـه در کتـاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی مرقوم گـردیده وضمن تـوضیح مقبرهٔ حسن بن کیخسرو(صفحه ٥ متن کتاب)نام آن مذکورافتاد وهمچنینقسمتهائیازرسالهٔ سیاحتنامه جنوبایرانرا کـه در ۱۲٥٦ قمری نوشته شده است دربر دارد لذا بـا اظهار سپاسگزاری از

(۱) اطلاعات راجع به کوشگزرازطرف آقای محمد علی دبیری دراختیاراینجانب گذارده شده است.

دانشمند معزی الیه قسمتهائی ازمقالهٔ مورد بحث ومطالب مذکوردرآنرا برای مزید اطلاع علاقه‌مندان بموضوع دراینموردنقل مینماید[۱]:

« ..... ابرقورا در کتب قدیمه بصورمختلف ابرکوه ـ برکوه ـ ابرقویه ـ ابرقوه ـ ورکوه ـ ابرقونوشته‌اند .

« ...... درقدیمترین کتاب جغرافیای عمومی فارسی یعنی «حدود العالم من‌المشرق الی المغرب» که قریب بچهار صد سال بعد از اسلام نگارش یافته از ابرقوباین شرح یاد شده است«ابرقوشهری است بانعمت سخت بسیارودرحوالی‌وی تلهاست‌بزرگ از خاکستر»وراجع به قبل از حملهٔ عرب بایران افسانهٔ ازآتش گذشتن سیاوش را باید نوشت . امین رازی در تذکرهٔ هفت اقلیم تألیف ۱۰۰٤ هجری قمری آورده است که :«گویند که کیکاوس پسرخود سیاوش را درابرقوه ازآتش گذرانید وتل بزرگی که الحال هست همان تل خاکسترسیاوش است» مرحوم‌محمدحسنخان‌اعتمادالسّلطنه‌درمرآت‌البلدان‌تألیف۱۲۹٤بتذکرهٔ‌هفت‌اقلیم اشاره میکند ومیگوید : « ونیز اصطخری گفته در حوالی ابرقوه تل‌خاکستری است که عقیدهٔ سکنه اینستکه خاکسترآتش ابراهیم‌است ... ودردبستاق(اوستا)« کتاب مجوس‌است که سعدی(سودابه)دخترتبع زوجهٔ کیکاوس عاشق‌پسر کیکاوس کیخسروشد واورابمواصلت خود دعوت نمود کیخسرو که این شنید برای‌برائت خودآتشی عظیم افروخته گفت که این‌آتش‌امتحان من‌است واردا‌ین‌آتش‌میشوم وازآن عبورمیکنم اگرخیانتی درخاطرهٔ من بوده این‌آتش مراخواهد سوخت‌و واگرنسوختم دلیل موجّهی است برپاکی دامن این بگفت وپادرمیان‌آتش‌نهاده وازطرف محاذی بسلامت بیرون‌آمد ورفع تهمت ازاو شد واین تل خاکستررا کوه ابراهیم مینامند وحال‌آنکه حضرت ابراهیم فارس‌را ندیده وواقعهٔ‌نارخلیل درکوثا بوده دردهکده است دربابل .....»

درهمان‌مقاله ضمن‌نقل ازفارسنامهٔ‌ابن‌بلخی که درسال ۵۱۰ تألیف گردیده

۱ـ برای‌تحصیل‌اطلاعات مفید ووقوف‌برمتن کتیبه‌های مهمترابنیهٔ تاریخی‌ابرقو میتوان از مجلد اول‌جلد اول کتاب‌آثارایران(چاپ تهران‌وهارلم هلند ۱۳۱٤شمسی)نیزاستفاده شایان‌نمود.

است به‌جمله‌ای از کتاب مزبور که مینویسد ابرقوجامع ومنبردارد اشاره شده و نـویسندهٔ محترم مقاله چنین توضیح میدهد : « مراد صاحب فارسنامه از جامع، مسجد جامع میباشد . اما مسجد جامع معروف ابرقو که امـروز هـم بجا است بموجب تحقیقات دانشمندانی مثل آندره ـ گـدار بسال ۸۱۸ بنـا گردیده (۱) درحـالیکه فارسنـامـهٔ ابن البلخـی بین ۵۰۰ و ۵۱۰ هجـری پرداختـه شده و این اختـلاف بـاین نحو از بین میرود کـه از سالهـای قبل از ٤٤٨ اساسی از برای مسجد ریخته شده و بعداً بصورت مسجد جامع در آمده و تکمیل شده است(۲) » حمـدالله مستوفـی در نزهـت القلـوب کـه بسال ۷٤۰ نگـارش یـافته گوید :«از اقلیم سیم است ومردمش اکثرپیشه‌ورباشند وبطاعت وعبادت مشغول وازمزاراکابردرآنجا طاووس‌الحرمین است وآن تربت را خاصیّتی است که اگر مسقف‌میگردانند خراب میشود تا بمرتبه‌ای که سامان کرپاس نمیپذیردو گویند که دربرقوه جهودی چهل روز اگربماند نماند و مواضع بسیاراز توابع ابرقوه است واز جمله دیه مراغه(۳)ودرآنجا سروی است که شهرتی عظیم داردچنانکه درعهد کیانیان سرو کشمیر وبلخ شهرت داشت واکنون از آن بلندتر وبزرگتر است . »

دردنبالهٔ همان مقـاله چنین نوشته است : «درسال ۱۲٥٦ قمری محمّد شاه قاجارشخصی‌رابرای مطالعه درامورشهرهای‌جنوب ونقشه برداری ازآنهاوممیّزی سرحدّات مأمورمیکندواوپس‌ازمراجعت رساله‌ای بنام«سیاحت‌نامهٔ جنوب‌ایران» تهیّه کرده تقدیم میدارد درآن رساله گوید :

« ......آنچه از روی تحقیق وبصیرت ملاحظه شد این است که سمت‌شمال ابرقوه بفاصلهٔ هشت‌فرسنگ بقدربیست وپنج درجه میل بمغرب کوهی‌است‌بسیار

۱ـ محراب موجود درایوان شرقی مسجد جامع ابرقومورخ بسال ۷۳۸ میباشد ودرمقاله آقای گدار درجلد اول آثارایران نیز بدان اشاره شده است ـ مؤلف

۲ ـ نویسندهٔ محترم مقاله علت ذکرسال تاریخ ٤٤٨ را بیان نفرموده‌اند .

۳ ـ این نام درمرآت البدان فراعنه و درسیاحت نامهٔ جنوب ایران کـه وصف آن بیاید فارغه ضبط شده است(نقل از اصل مقاله)

مرتفع کـه موسوم به کوه «اخلع» است وبفاصلهٔ ۱۴ فرسنگ از سمت شمال بقدر چهل درجه میل بمشرق کوهی است بسیارمرتفع بسیار بلند که مسمّی بعلی آبـاد است وراهی کـه از ابرقوه به‌یزد میرود از دامنهٔ آن کوه است وبفاصلهٔ پـانزده فرسنـگ بسمت شمال بقدرهشتاد درجه میل بمشرق کوهی است مرتفع موسوم بکوه «ارنون» است واصل‌وسعت شهرابرقوه بمرتبه‌ای است که بیست هزارخانوار میتوانند درآنجـا مسکن نمایند و بالفعل چهارهزارخـانوار بیش نیستند. الحق حصارش‌نیك وشهربندیش روی یك پارچه سنـگ‌وهیکل‌برجش‌همچون‌افراسیاب قلب شکن وپیکرحصارش چون اسفندیارروئین تن وچند جای خندقش از سنگ بریده شده است وسمت میان شمال ومغرب شهرارگ است وازآبـادی شهرجدا ویـکطرف شهرواقع شده وطول ارگ مزبوردویست وپنجاه قدم وعرض یکصد و پنجاه‌قدم است واصل زمین ارگ بکلّی سنگ وسنگش بسیارصلب وسخت است وحصارش از سنـگ وآجرو برروی سنـگ ساخته شده وقطرآن حصارچهارزرع ومزغل‌ها بجهت تیراندازی دارد. لیـکن جـای توپ ندارد وچهار گوشهٔ ارگش چهاربرج مدوّراست وچنان قلعه‌ای است که حصاربندش بـا دریچهٔ کیـوان دم همسری زدی وپاس دادن حصن حصین‌اش باسپاه انجم لاف برابری نمودی.

فلك کرد درخاکریزش نـگاه   زخورشید افکند از سر کلاه

وبسیارحیرت وتعجّب حاصل میشود کـه با اینـگونه مخارج گزاف و این قسم استحکام چراخبط کرده وغلط ساخته‌اند واصل زمین ارگ مساوی‌شش‌ذرع اززمین شهروصحرا مرتفع است ودرون ارگ‌را به هیچوجه‌آبی نیست و اهالی آنجا مذکورساختند که سابق براین چاه‌آبی داشته است وجمیع عمارت و انبار است و کشیك‌خانه‌های‌ارگ بکلّی خراب ومنهدم شده است‌وقلیلی هم ازحصارش نیزخراب شده است‌وتمامت کوچه‌های شهروارگ از سنـگ‌های بزرگ‌مفروش است که سواره بایدبطوراحتیاط برود وزمین‌شهرماسه است ودهات بسیاردرحومهٔ آنجا واقع وبی‌نهایت منظّم ومنسّق است محصولات‌آنهـا بعد از وضع مالیـات و متوجّهات و کفایت مخارج خودشان هرساله معادل سی هزارخروارزیاده دارنـد

که به‌یزد برده میفروشند وخارج شهرش خرابهٔ بسیارو قبرستان بیشماراست که درآن خرابه‌هامسجدی چند است که بنایش بسیارنیك وخوب ومقبول‌قلوب‌است و از این آثارها (!) مشخّص میشود که درایّام قدیم آبـادیش بسیارو جمعیّت اش بیشماربوده .....»

۲ـ دژ استحکامی پاسارگاد

ضمن بررسی جلد اوّل کتاب تخت جمشید (Persepolis – I) تألیف دکتر اشمیت که درمواردی چند نام‌آن درمتن کتاب اقلیم پارس برده شده است عکس هوائی نمایان وکاملی از تمام محوّطهٔ پاسارگاد وآثارباستانی مختلف‌آنجا درج گردیده‌است (شکل۳ صفحهٔ۹ کتاب تخت جمشید سابق‌الذّکر) عکس مزبوردر نخستین لحظات‌طلوع خورشید گرفته شده وضع سایه وروشن‌آن طوری است که ناهمواریها وعوارض زمین وبقایای ویرانه‌هاوآثارموجودپاسارگاد درآن‌بخوبی تشخیص میگردد . وبا ملاحظهٔ عکس مزبور که قسمتی ازآن دراین کتـاب نقل شده است(ش ۲۰٤)برج وباروی محوّطهٔ استحکاماتی وسیعی درجانب شمال غربی صفّهٔ تخت مادرسلیمان بوسیلهٔ خطوط سایه وروشن نموداربوده ومیرساند بقایای دژ استحکاماتی پاسارگاد یعنی محل‌پادگان پایتخت کوروش کبیردرآنجا درون خاك نهفته است.

آنچه‌ازروی عکس‌مزبوربرمیآید دژمورد ذکربصورت کثیرالاضلاع‌نسبتاً منظّمی‌بوده تاآنجا که میتوان‌تشخیص دادعدّهٔ اضلاع‌آن بالغ برده عددمیگردد وخطّ‌الرّأسهای تپّه‌های مجاورصفّه مـادرسلیمان درجانب شمال غربی عموماً برای محلّ بنیاد نهادن اضلاع دژ مورد استفاده قرار گرفته وصفّه مادرسلیمان‌نیزضلع جنوبی کثیر الاضلاع را در گوشه جنوب شرقی دژ تشکیل میداده است طـول و عرض محوّطه دژ بطور کلّی هر کدام درحدود۶۰۰مترمیباشد .

درصفحهٔ۲۱ کتاب تخت جمشید سابق‌الذّکرنیزتوضیحات مشروحی‌دربارهٔ دژمزبورومحلّ پادگان ذکر گردیده است که‌البتّه ذکرآنهاباعث اطناب‌مطلب

بیش از آنچه درخوراین کتاب باشد خواهد بود ـ ضمناً طبق اطّلاع حاصله یك هیئت علمی انگلیسی تصمیم دارند با همکاری و شرکت اداره کلّ باستانشناسی و مؤسّسهٔ باستانشناسی دانشگاه طهران درقسمتهائی از محلّ باستانی پاسارگاد خاکبرداری وکاوش‌علمی‌نمایند ودژمزبورنیز برای اینگونه تحقیقات وتجسّسات علمی مورد نظرقرارگرفته است.

۴ـ آرامگاههای کامبیز وبردیای دروغی

درصفحهٔ ۲۵ کتاب تخت جمشید(جلد اوّل)تألیف آقای دکتراشمیت‌اشاره باین امرشده‌است که دومحلّ‌رااحتمالاً آرامگاه‌کامبیز دانسته‌اند یکی درجوار پیکرپدرش کوروش یعنی‌درآرامگاه‌اودرپاسارگاد ودیگری‌صفّهٔ‌سنگی‌نیمه‌تمام بنام تخت‌رستم در نزدیکی تخت‌جمشید ـ ضمناً دکتر اشمیت یادآور گردیده است که درصورت صدق شقّ‌اخیر باید متذکّربود که‌کامبیز پیش از داریوش‌نسبت بانتقال پایتخت خاندان هخامنشی از جلگهٔ پاسارگاد به‌جلگهٔ مقابل‌تخت‌جمشید (یعنی جلگهٔ مرودشت) توجّه داشته است.

درهمان صفحهٔ کتاب مزبوردربارهٔ آرامگاه گئومات مجوس(که خود را بطوردروغ بنام بردیافرزند کورش کبیروبرادرکامبیزمعرّفی نمود ومدّت کوتاهی ازراه خدعه‌پادشاهی کرد)مینویسد که شخص‌نامبرده درتاریخی که‌باهفتم‌مهرماه سال ۵۲۲ پیش ازمیلاد برابر بود در محلّی بنام سیکایوواتیش در سرزمین ماد بدست داریوش وهمراهانش کشته شد ـ مؤلّف کتاب تخت جمشید احتمال میدهد ناحیهٔ کنونی سکاوند همان محلّ سیکایوواتیش قدیم باشد و دخمهٔ سنگی سکاوند واقع در۱۵ کیلومتری بین مغرب و جنوب غربی هرسین که در کتب دانشمندان مختلف خارجی بنامهای اسحق‌وند وده‌نو وفرهادتاش خوانده شده است به گمان بعضی ازمحقّقین‌وباستانشناسان آرامگاه گئومات‌نامبرده یابردیای دروغی‌میباشد.

■ - سلسلهٔ نسب هخامنشیان

چون نام شاهنشاهان هخامنشی درضمن توصیف آثار پاسارگاد و تخت جمشید ونقش رستم ذکر گردیده است واساساً اهمیّت سلسلهٔ هخامنشی وبنیاد شاهنشاهی مزبور که بوسیلهٔ کورش کبیر نهاده شده مورد توجّه خاصّ و عامّ است لذا مناسب دانست نام کلّیه شاهان هخامنشی را باذکر سالهای پادشاهی ایشان از روی فهرستی که درصفحهٔ ۱۸ جلد اوّل کتاب تخت جمشید تألیف دکتر اشمیت ذکر گردیده است (بفهرست منابع مراجعه شود) برای مزید افادهٔ علاقه مندان بشرح زیر نقل نماید :

هخامنش ۷۰۰ تا ۶۷۵ ق - م

چیش پش ۶۷۵ تا ۶۴۰ ق - م

آریارمنه ۶۴۰ تا ۶۱۵ ق - م

آرشام ۶۱۵ ق - م ؟

ویشتاسپ

داریوش اول (بزرگ) ۵۲۲ تا ۴۸۶ ق - م

خشایارشا ۴۸۶ تا ۴۶۵ ق - م

اردشیر اول ۴۶۵ تا ۴۲۳ ق - م

داریوش دوم ۴۲۳ تا ۴۰۴ ق - م

اردشیر دوم ۴۰۴ تا ۳۵۹ ق - م

اردشیر سوم ۳۵۹ تا ۷ - ۳۳۸ ق - م

ارسس ۷ - ۳۳۸ تا [illegible] - ۳۳۶ ق - م

کورش اول ۶۴۰ تا ۶۰۰ ق-م

کمبوجیه اول ۶۰۰ تا ۵۵۹ ق-م

کورش دوم (بزرگ) ۹[illegible] تا ۵۳۰ ق-م

بردیا (گئومات مجوس) ۵۲۲ ق-م

کمبوجیه دوم ۵۳۰ تا ۵۲۲ ق -م

اوستانس

آرشام

داریوش سوم ۵ - ۳۳۶ تا ۳۳۰ ق-م

دانشمند گرامی آقای سبکتکین سالور در کتاب محقّقانهٔ خود بنـام بنیاد

شاهنشاهی ایران(۱) چنین مرقوم داشته‌اند: «پدر آریارامنا چیش‌پش دوّم بوده و پسر دیگر او کورش دوّم میشود و خود چیش‌پش هم پسر کورش اوّل است نه پدر او و کورش اوّل پسر کمبوجیه اوّل و کمبوجیه اوّل پسر چیش‌پش اوّل است که معلوم نیست او پسر هخامنش هست یا نه .....» (نقل از صفحهٔ ۱۲۷ کتاب مزبور)

بطوریکه ملاحظه میشود نوشته و عقیدهٔ نویسندهٔ محترم کتاب بنیاد شاهنشاهی ایران با آنچه در کتاب تخت‌جمشید دکتر اشمیت و مؤلفات دیگر بعضی دانشمندان خارجی نگاشته شده است اختلاف دارد. ضمناً ذکر این نکته را مناسب میداند که داریوش بزرگ در سطرهای سوّم تا ششم نخستین لوحهٔ نبشتهٔ بیستون نسب خودرا چنین معرّفی نموده است: «داریوش شاه گوید پدر من ویشتاسپ (بود) - پدر ویشتاسپ آرشام - پدر آرشام آریارامنا - پدر آریارامنا چیش پش - پدر چیش‌پش هخامنش (بودند)».

شادروان حسن پیرنیا (مشیرالدّوله) در تألیف گرانمایهٔ خود بنام **ایران باستانی** (چاپ طهران - ۱۳۰۶ شمسی) صفحات ۷۹ و ۸۰ در بارهٔ سلسلهٔ نسب هخامنشیان هردو گونه نظر سابق‌الذکر را مورد بررسی قرار داده است که علاقه‌مندان باین امر میتوانند بدان مراجعه نمایند.

ضمناً مناسب میداند ترجمهٔ چند سطر از ابتدای مطلبی‌را که تحت عنوان نخستین شهریاران هخامنشی درصفحهٔ ۱۹ کتاب تخت جمشید سابق‌الذّکر مرقوم رفته‌اشاره‌ای به‌دخمهٔ سنگی **داود دختر** در آن شده‌است دراین‌مورد نقل نماید:

«کتاب حاضر مربوط به‌بنیاد گزاران دستگاه شاهنشاهی پارسه یا تخت‌جمشید است وبایستی از مؤسّس وبانی آن یعنی داریوش اوّل آغاز سخن نمائیم ولی‌ضرورت‌دارد لااقلّ کارهای ساختمانی دودمان سلطنتی هخامنشی را که پیش‌از داریوش‌اوّل انجام گرفته‌است تا حدّ معلوم بطوراختصار دراینجا مذکورداریم - از محلّ اقامت سر دودمان سلسلهٔ هخامنشی که ظاهراً درنیمهٔ اوّل قرن هفتم پیش از میلاد برسرزمین پارسوماش(۲) درشمال شرقی خوزستان سلطنت میکرد

۱- از انتشارات اقبال - تهران ۱۳۴۰

۲- به‌عقیدهٔ بعضی‌دانشمندان این کلمه نام تحریف شدهٔ پارس است.

اطّلاع صحیحی دردست نیست ـ چیش‌پش ابتدا بسرزمین مجاور یعنی انزان حمله نمود وسپس فراتر از آن رفته بسمت جنوب شرقی یعنی سرزمین پارسه تاخت و برقلمرو سلطنت پدرش افزوده آنرا وسعت‌داد ـ محلّ پایتخت این کشور کوهستانی که پادشاه مزبور بر آن حکومت مینمود ودر آنزمان دست نشاندهٔ ماد بودمعلوم نیست ـ یك دخمهٔ سنگی جالب توجّه موسوم به‌داود دختر(دایه ودختر) که در کوهستان نزدیك نقوش برجسته کورانگون بین بهبهان و تخت جمشید قراردارد بیکی از شاهان هخامنشی که شاید چیش پش یعنی پدر کوروش اوّل باشد نسبت داده میشود[۱] ـ محلّ کاخهای پسران چیش‌پش یعنی کورش اوّل و آریارامنه معلوم نیست ـ بطوریکه گفته‌اند ناحیهٔ پارسوماش به‌پسر اوّل و ناحیهٔ متصرّفی انزان (که بعداً انشان خوانده شد) و پارسه به‌پسر دوّم رسید .....»

۶ـ توضیح دربارهٔ نقش فروهر

نقش برجستهٔ شبیه انسان که دروسط حلقه‌ای قراردارد ودردوجانب حلقه نقش دوبال راقرارداده‌اند درحجّاریهای تخت‌جمشید و آثار مختلف دوران هخامنشی مکرّر نموده شده است .

دربسیاری موارد نقش مزبور بنام نقش آهورا مزدا خوانده یا معرّفی میگردد ـ طبق اظهار آقای اردشیر جهانیان دانشمند زردشتی این نامگزاری درست نیست ونقش‌مورد ذکرمظهرونمایندهٔ فْرَوَهَرْ (Fra Vahar)است .

فْرَوَهَرْ یکی ازپنج ترکیب روان انسانی‌است ـ روان پنج ترکیب دارد بدینقرار : ۱ـ فْرَوَهَرْ یعنی روان مجرّد یا روان منزّه ۲ ـ وجدان ۳ ـ جان (حرارت وعشق غریزی) ۴ ـ خرد ۵ ـ روان یاروح .

۱ـ مؤلف کتاب تخت جمشید از وجود آرامگاه دیگرمنسوب به کورش اول یا چیش‌پش پدروی که درجلگهٔ بسپر(ناحیهٔ سرمشهد)واقع بوده بنام گوردخترخوانده میشود اطلاع نداشته است ـ دربارهٔ بنای مزبوردرصفحهٔ ۱۱۸متن کتاب بطور اختصارمطالبی ذکر گشته گزارشهای مشروح‌واطلاعات بیشترراجع بآن هم تحت عنوان جداگانه درقسمت ـ۱۹ـ از ذیل کتاب مرقوم رفته است .

نقش برجستهٔ بالدارنمایندهٔ فروهر است که یکی از پنج ترکیب روان انسانی باشد وهیچ ارتباطی بااهورامزدا ندارد ـ اهورامزدا دارای شکل وتصویر ومجسّمه ونقش برجسته نیست .

۷ ـ نبشته‌ها و یادگارهای مختلف درکاخ کوچك داریوش و برخی نقاط دیگر تخت جمشید

بطوریکه در صفحهٔ ۲۹ متن کتاب ضمن توصیف کاخ کوچك داریوش (تچر ـ تالار آئینه) اشاره شد علاوه بر نبشته های میخی بنام داریوش و خشایار شا و اردشیر سوم که نمودار مراحل مختلف ساختمانی کاخ مزبور بوده مفاد آنها بطور اجمال در صفحهٔ سابق‌الذکر نقل گردیده است نوشته های متعددی هم‌بخطوط پهلوی و کوفی وثلث ونسخ ونستعلیق برسنگهای مستحکم کاخ‌نامبرده نقر شده امتیاز مخصوصی ازاین بابت به کاخ کوچك داریوش بخشیده است اینگونه نوشته‌ها عموماً یادگار شاهان و بزرگان و رهگذران مختلفی است که طی گذشت روزگار آثار تخت جمشید را بازدید نموده هرکدام بنوعی احساساتی را که براثر دیدار اطلال آنجا پیدا کرده‌اند بصورت شعر یا نثر نبشته‌اند ودر برخی موارد اتفاقات و وقایع تاریخی مربوط بزمان خود را که مقارن با چنین دیداری بوده است ذکر نموده‌اند وبرخلاف نبشته‌های میخی تخت جمشید که مضمون عموم آنها شبیه یکدیگر بوده حاوی ستایش آهورامزدا وذکرنام پادشاهی که هرقسمت ازآثارتخت‌جمشید در زمان اوساخته شده است‌میباشد (درذیل صفحه ۲۳ متن‌کتاب توضیح این قسمت ذکرشده است) نوشته های یادگاری سابق‌الذکر دارای مضامین گوناگون و مربوط بادوار مختلف تاریخی است ونمونه‌های متنوع خطوط وطرزانشاء وبیان احساسات بانواع‌مختلف درآنها وجود دارد ـ علت‌انتخاب سنگهای کاخ‌کوچك داریوش برای نقر اینگونه نبشته‌ها خوبی واستحکام سنگهای مزبور ومحفوظ ماندن ازآتش اسکندر وآسیبهای ناشیه ازآن بوده‌است .

باتوجه به توضیحات فوق اینك بطور اجمال مهمترین نبشته های مزبور را بشرح زیر معرفی مینماید :

۱و۲ ـ برضلع جنوبی تخته سنگ بدنهٔ شرقی درگاهی بین ایوان و تالار دو نبشتهٔ پهلوی مربوط بزمان شاپور دوّم (۳۱۰ تا ۳۷۹ میلادی) منقور است ـ ترجمهٔ آنها در کتاب پایکولی ـ تألیف پروفسورهرتسفلد[1] (چاپ برلن ۱۹۲٤ میلادی ـ جلداوّل صفحهٔ۱۲۱) وبعضی‌انتشارات دیگردانشمندان خارجی مندرج میباشد ونگارنده با استفاده از کتاب پایکولی ونسخهٔ مدوّن درس تمدّن ساسانی

(1) PAIKULI Ernst Herzfeld ،Volume I Page 121 Berlin MCMXXIV

دانشکدهٔ ادبیّات شیراز که ازطرف دوست دانشمندم آقای علی‌سامی نگاشته‌شده است مفاد دو کتیبهٔ مزبور را بصورتی که ساده ومناسب باکتاب حاضر باشد ترجمه واستنساخ نموده ذیلا مذکور میدارد :

ترجمهٔ کتیبهٔ بالائی : (اصل آن در ۱۲ سطر نقرشده است)

درماه اسپندارمز بسال ۴۲ پادشاهی‌خداپرست خدایگان شاهپور شاهنشاه ایران و غیر ایران که از نژاد خدایـان است در آنزمان بود که شاهپور سکانشاه پادشاه هنـد (سند) و سیستان و تخارستان (افغانستان فعلی) دبیران دبیر پسر خداپرست‌خدایگان هرمزد شاهنشـاه ایران وغیر ایران ازدرگاه خدایگان (یعنی شاپور دوم)مرخص‌گردید وباین‌راه براستخر اندر سوی سیستان شدو بامهربانی ومتانت . . . بـه‌ست ستون (۱) آمد وبوسیلهٔ او هرچیز دراین‌کاخ . . . . بود و بوسیلهٔ او باتفاق ورهران هور مزد اندرزبد سیستان ونرسی مغ پسراوراز .... ونیایش بعمل‌آمد و نرسی پسرموبد گرازان و .... ی‌ن‌ی (؟) پسر دیو مهران شتربان (شهربان) زرنکا ونرسی دبیرودیگر پارسیان آزاد و سیستانیان آزاد و مردمی از شهر زرنکا وفرستادهٔ همه فادوسپانان (نزداوآمدند) ومرجان (۲) با ایشان بود پس‌بزرگ شادی کرد (شادی‌فراوان‌کرد) وبه بنایان فرمان داد کار کنند (یابه‌کارگران فرمـان داد پایه‌ای بسازند) وبرای پدر ونیای خود نیایش نمود پس‌بهرمز پدرآفرین کردپس‌به‌شاهنشاه شاهپور آفرین کرد پس‌بخویشتن آفرین کرد پس‌بآن‌کسان که‌این‌کاخ‌را ساختند آفرین کرد .

ترجمهٔ کتیبهٔ زیرین : (اصل آن درده سطر ونیم نقرشده است)

«درماه تیر سال چهل وهشتم .... (یعنی سال ۴۸ پادشاهی شاپور دوم) درروزاورمزد(نخستین روزماه) این (یعنی‌اینجانب)سلوکوس پسرراست‌شاهپور و کاور قاضی بـه‌ست ستون آمدیـم وکتیبه ای کـه سابقاً نبشته شده شاهپور سکانشاه دستور داده بود آنرا بنویسند ازطرف ما دستور داده‌شد قرائت گردد واز طرف‌ما عرض‌نیایشی‌شد که شاهپور شاه شاهان بهترین‌مردان و جاویدان و

(۱) یعنی‌صد ستون ازاین‌کلمه معلوم میشود تخت جمشید رادر زمان ساسانیان بدین نام میخوانده‌اند وبا توجه بتعدادستون‌های بلندآپادانا که‌یقیناً درآنزمان عدهٔبیشتر آنهابر پامانده بود چنین‌نامگذاری بسیارمناسب بنظرمیرسد .

(۲) محل‌حروف جا درکتیبه‌ریخته وپروفسورهرتسفلدمعتقداست که‌درمحل‌مزبورحروف‌جا نقربوده است وبنابراین کلمهٔ مرجان‌میشود .

نجات‌دهنده کشور شاهنشاهی است و شاهپور سکانشاه .... باشد و هر کاری را که بوسیلهٔ خدایان و بوسیلهٔ شاهپور شاه شاهان انجام یافته نیکو است .... و بنابراین و بدلیل آنچه در . ... اجرا میکند که خدایان و اعلیحضرتشان شاهپور شاه‌شاهان از راه خداپرستی .... واز آنجا دوردست مستقیماً بدرگاه اعلیحضرتشان می‌آید و اعلیحضرت شاهپور شاه‌شاهان از راه لطف دور دست آمده است و ... .. از راه لطف دوردست بجانب کاور می آید»

۳ ـ درسمت چپ دو نبشتهٔ پهلوی فوق نبشتهٔ زیر در ۸ سطر کوتاه بخط کوفی نقر گردیده است :

بسم‌الله حضرة‌الامیر الجلیل عضدالدوله فنا خسرو بن‌الحسن سنة اربع و اربعین و ثلثمائه فی‌منصرفه مظفرامن فتح‌اصبهان واسرة ابن‌ماکان و کسرة‌جیش خراسان واحضر من قراما‌فی هذه‌الاثار من‌الکتابه .

ازنوشتهٔ بالا بر می‌آید که امیرعضدالدوله دیلمی درسال ۳۳۴ هجری پس از پیروز گشتن در اصفهان واسیر نمودن پسر ماکان و شکست دادن لشگر خراسان هنگام عبور ازتخت جمشید در آنجا توقف نموده وشخصی‌راکه نبشته‌های تخت جمشید را می‌خواند بدانجااحضار کرده است .

٤ ـ نبشتهٔ کوفی دیگر بنام عضدالدوله بردیوارهٔ داخل‌پنجره مجاور نبشته‌های فوق(پنجرهٔ سمت‌مشرق درگاهی بین ایوان‌وتالار) منقوراست که بشرح زیر خوانده میشود وبر اطلاعات حاصل ازکتیبهٔ سابق تاحدی میافزاید :

حضرة‌الامیر ابوشجاع عضدالدوله ایده‌الله فی‌صفرسنة اربع واربعین و ثلثمائه وقری‌له مافی‌هذه‌الاثار من الکتابه قراه علی بن السری الکاتب الکرخی ومار سعندالموبد الکازرونی .

بطوریکه ملاحظه میشود خوانندهٔ نبشته‌های تخت جمشید در محضر امیرعضدالدوله شخصی بنام‌علی‌فرزند سری (کاتب کرخی) بوده ومشارالیه نزد **موبدکازرونی** تمرین خواندن‌نبشته‌های مزبوررا میکرده است .

۵ ـ یك نبشتهٔ کوفی هم بنام پسر عضدالدوله بر بدنهٔ جانب چپ درگاهی مزبور محاذی نبشته‌های پهلوی‌ونبشتهٔ عضدالدوله در۷ سطرمنقوراست که‌سطراول آنرا آسیب بسیار رسانیده‌اند و متن‌کامل‌آن بدینقرار میباشد :

بسم‌الله الامیر الجلیل افتخارالمله بهاء الدوله و ضیاءالمله وغیاث الامه ابونصربن عضد الدوله و تاج‌الملة حرس‌الله امارته و ادام سلطانه هذالموضع متصیداً مع‌عسکر عظیماً ومعه امیرالامراء ابومنصوربن بهاءالدوله وضیاءالمله

وغیاث‌الامه اطال‌الله بقا همافی سنة اثنین و تسعین و ثلثمائه

ازنبشتهٔفوق برمیآید که ابونصر پسر عضدالدوله باتفاق فرزند خود ابومنصور هنگام شکار با همراهی عدهٔ زیادی از لشگریانش در سال ۳۹۲ هجری بتخت جمشید آمده اوقاتی رادرآنجا گذرانیده اند .

۶ - درقسمت بالای‌همان بدنه‌ای که نبشتهٔ کوفی فوق برآن منقور است (یعنی بالای بدنه سمت‌چپ درگاهی بین‌تالار وایوان) لوحه‌ای در۱۱ سطر بخط ثلث‌شیوا برجسته مرقوم رفته اشعارو مطالب آن بشرح زیراست :

آنکه پاینده وباقیست خدا خواهد بود .

صحبت دنیا که تمنا کند — باکه وفا کرد که باما کند
ملك سلیمان مطلب‌کان هباست — ملك همانست سلیمان کجاست
زین‌گهر وگنج‌که نتوان شمرد — سام چه‌برداشت سلیمان چه برد
خاکشدآنکس که‌درین‌خاك‌زیست — خاك چه‌داندکه درین‌خاك‌چیست
هر ورقی چهرهٔ آزاده ایست — هرقدمی فرق ملك زاده‌ایست
عمر بخشنودی دلها گذار — تا ز تو خشنود بود کردگار
هر که بنیکی عمل آغاز کرد — نیکی او روی بدو بازکرد

حرره علی‌بن سلطانخلیل بن سلطان حسن اصلح‌الله شانهم فی‌شهور سنه احدی وثمانین وثمانمائه

یکی از عنایات حقست این — که نه ساله‌ام مینویسم چنین

کتیبهٔ فوق همانطور که ازقسمت اخیرآن برمیآید توسط سلطانعلی‌فرزند سلطان خلیل‌پسر سلطان حسن (اوزون‌حسن) آق‌قوینلو درسن۹ سالگی نوشته‌شده است [۱] .

۷ - کتیبهٔ دیگری نیز بخط سلطان علی بر دیوارهٔ داخل نخستین پنجره بین ایوان و تالار (ازجانب مشرق) بخط نسخ برجسته نوشته شده که‌متن آن بقرار ذیل است :

---

(۱) باستثنای کتیبه‌های۶و۲۵ کلیهٔنوشته‌های‌فارسی‌وعربی که درتلو این‌صفحات انتشار میابد ازیادداشتهای‌شخصی‌نگارنده که درهنگام توقف درسالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ و مأموریتهای مختلف بعدی درتخت جمشیدازروی اصل‌آنها استنساخ‌شده بودنقل میگردد وآنچه‌دراین باره‌در کتب ایرانی و بیگانه منتشر گشته مورد استفاده و استناد واقع نشده‌است - در مورد کتیبهٔ فوق پیش‌از آنکه نگارنده ازوجودآن اطلاع یافته متن آنرا استنساخ نمایم درکتاب **راهنمای تخت جمشید** تألیف‌آقای حسین بصیری (چاپ طهران ۱۳۲۵) عکس‌ومتن آن درج گردیده بود و مورد استفاده نگارنده واقع شده است راجع به‌کتیبهٔ -۲۵- نیز درموقع نقل آن که‌آخرین نبشته ازیادگاریهای مورد بحث است توضیح داده میشود .

الله الباقی

لامیر المؤمنین علی کرم الله وجهه

این الملوک التی کانت مسلطة حتی سقاها بکأس الموت ساقیها
کم من مداین فی الافاق قد بنیت امست خرابا و دارالموت اهلیها

حرره علی بن سلطان خلیل بن سلطان حسن وهو ابن تسع سنین.

بطوریکه درجملهٔ اخیر ملاحظه‌میشود کتیبهٔ عربی‌فوق راهم سلطان علی سابق‌الذکر درسن ۹سالگی نوشته است .

درزیرهمین کتیبه جملهٔ **هو الباقی و کل شیء هالك** دریك‌سطر مرقوم گردیده ودرسطر دیگر چنین نوشته است :

خط بندهٔ کمترین احمدبن حسن غلام حضرت شاهزاده عالمیان‌علی‌میرزا فی ۸۸۱ .

بنابراین سال تاریخ هردو کتیبهٔ سلطانعلی همان سال ۸۸۱ بوده‌معلوم میگردد دریك‌زمان آنها رانوشته است .

۸ ـ درمحل دیگردیوارپنجرهٔ سابق‌الذکر (نخستین‌پنجره بین‌ایوان‌وتالار ـ ازجانب‌مشرق) کتیبهٔزیر درشش‌سطر بخط‌نسخ نقر گردیده است :

حضر شاهنشاه المعظم ملك الملوك محیی دین وغیاث عبادالله وقسیم خلیفةالله ابو کالنجار بن‌سلطان‌الدوله معز امیر المؤمنین اطال‌الله بقاه هذاالمکان روز بهمن(۱) من‌ماه ابان سنة ثمان و ثلثین واربع مائه متوجها بالطالع الا سعد الی کرمان و کان‌حضره فی سنة‌ثمان عشرة‌واربع مائه وهی‌سنةالفتح بفاروق (۲).

کتیبهٔ بالا حکایت ازدوبار حضور ابوکالنجار درتخت جمشید مینماید یکی درسال ۴۳۸ هجری که‌عازم کرمان‌بوده و کتیبهٔفوق‌رانوشته است‌ویکبار دربیست سال‌پیش‌از آن‌بسال ۴۱۸ که‌سال

(۱) ـ نام‌دومین روزماه درسال یزدگردی .

(۲) ـ این‌نوشته که موخر به‌۴۳۸هجری‌است‌ازقدیمترین‌نمونه‌های‌خط نسخ بشمارمیرود .

پیروزی آن‌شهریار درفاروق بوده است (۱)

فاروق دهکدهٔ آباد و وسیعی به مسافت قریب ۱۸ کیلو متری شمال شرقی تخت جمشید کنار شاهراه شیراز باصفهان میباشد و در صفحهٔ ۱۹ متن کتاب هم اشاره اجمالی باین قسمت شده است .

۹ ـ درمحل‌دیگر دیوارهٔ داخل‌همان پنجره کتیبهٔ زیر بخط نسخ‌مرقوم رفته‌است :

بماند سالها این نظم و ترتیب — زما هر ذره خاك افتاده جائی
غرض نقشیست کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در کار درویشان دعائی

حرّره اضعف‌عباداللّه الصّمد الغفور ابویزیدبن‌محمّدبن مظفّرالمنصور اللّهم اصلح شأنه و غفرله و لوالدیه و لجمیع المسلمین برحمتك یا ارحم الرّاحمین و یرحم‌اللّه قال آمینا فی‌اواخر ذی‌الحجّه اثنین وسبعین وسبعمائه . (۲)

۱۰ ـ کتیبهٔ زیر هم بردیوارهٔ داخلی پنجرهٔ مزبور بخط نسخ شیوا در سه سطر حك گردیده است .

این‌الا کاسرة الجبابرة الاولی — کنزو الکنوز فما بقین وما بقوا

کتبه ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ فی‌سنهٔ ۸۲۶ .

ابراهیم سلطان فرزند میرزاشاهرخ ونوادهٔ امیرتیمور گورکانی ازخوشنویسان عصرخودبوده کتیبهٔ دیگری هم در محل دیگر کاخ کوچك داریوش بهمین تاریخ نوشته است که ذکرآن (در شمارهٔ ۲۰) خواهد آمد .

۱۱ ـ درجای دیگر دیوارهٔ داخلی‌همان پنجره بخط نستعلیق‌شیوا چنین نوشته شده است:

(۱) ـ در کتاب آثار تاریخی مرودشت تألیف‌آقای علی‌سامی (چاپ شیراز ۱۳۳۱ شمسی) ضمن‌توضیح دربارهٔ ویرانه‌های شهراستخر اشاره‌میکند که محیی‌الدین ابوکالیجار یاابوکالنجارفرزند فنا خسرو عضدالدوله بوده اورا ابوکالنجار مرزبان صمصام‌الدوله میناميدند وزمان فرمان‌فرمائی او از ۳۷۲ هجری‌بوده و بدستور اودر سال ۴۳۶ هجری شهر استخررا خراب وبرج وباروی آن را با خاك یکسان نمودند وساکنین آنجا رابکلی بشیراز کوچانیدند (نقل ازصفحات ۳۲ و ۳۳ کتاب سابق الذکر) .

(۲) به نبشتهٔ یادگاری شمارهٔ ـ۲۵ـ یعنی‌آخرین نبشتهٔ موردبحث دراین قسمت مراجعه شود .

الله الباقی

ای همه هستی زتو پیدا شده — خاك ضعیف از تو توانا شده
زیر نشین علمت کائنات — ما بتو قایم چو توقایم بذات
هستی تو صورت پیوند نه — تو بکس و کس بتو مانند نه
هر که نگو یا بتو خاموش به — هر چه نیاد تو فراموش به (۱)
ما همه فانی و بقا بس ترا — ملك تقاضا و تقدس ترا

بتاریخ یوم الاثنین ۲۱ جمادی الثانیه که سال پنجاه و سه از سلطنت فرمان‌فرمای ماءوالطّین خلف اخلاف سیّدالمرسلین شاه‌طهماسب بهادر خان بود سمت تحریر یافت حرّره‌المتوکّل ... الله‌عبدالله سلمان‌جابر الانصاری .

۱۲ ـ در پائین نوشته‌های سابق‌الذکر کتیبهٔ زیر بخط نسخ درسه سطرنقر گردیده است :

حضرالامیر الاجل امیر الامراء عمیدالدین‌شمس‌الدوله ابی‌علی‌هزارسب‌بن سیف‌الدوله ابی‌الحسن نصر‌بن‌الحسن بن‌فیروزان مولی امیرالمؤمنین‌مهدی . . . فی‌شوال سنهٔ اربع و اربعین و اربع مائه .

۱۳ ـ نوشتهٔ زیر بخط نسخ درپائین‌نوشته‌های پیش‌منقور است :

حضرها هنا ابوالفوارس‌بن زرمیان بن ابی‌منصور بتاریخ جمادی‌الاحد سنة ثلث وستین وخمس‌مائه مع‌مردوان‌بن ابوسعد ارکانی .

علاوه برآنچه گذشت نوشته‌های متعدد دیگراز قرن‌هفتم تا دوازدهم هجری بر دیوارهای پنجرهٔ مزبور یعنی‌نخستین پنجرهٔ جانب شرقی بین تالار وایوان مرقوم رفته است که یادگارهای غیر مهمی بنظر می‌رسد لذا از نقل‌عین آنها خود داری می‌نماید و خلاصهٔ آنها را بشرح زیر مذکور میدارد :

(۱) آنچه درتمام کتیبه‌های مورد ذکر ازنظر خوانندگان گرامی میگذرد ازروی اصل نوشته‌ها عیناً نقل گردیده است بنابراین‌اگر ایرادونظری دربارهٔ برخی‌کلمات یاطرز نوشتن آنها باشد (ازقبیل نگویا ونیاد) مربوط باصل کتیبه است و نگارنده حق تغییر و تصرفی را در اینگونه موارد بخود ندیده ام .

(یوسف‌مصری) ـ (محمود کنگری‌بتاریخ سنة‌عشرین وستمائه) ـ (حسین محمّد عبدالبهان الیزدی‌البیان (؟) فی تاریخ احدی وثلثین وستمائه) ـ (بیت انّ آثارنا .... الخ با ذکرنام‌نورالله بن‌پیرمحمّدالثانی الخطّاط وتاریخ ۹۸۲) ـ (بیت همان منزلست .... الخ باذکر تاریخ هجدهم‌شهر ربیع‌الاوّل که‌آفتاب درحمل‌بود سنهٔ ۱۱۹۳ ونام محمّدعلی‌ابن حاجی‌ابراهیم تاجراصفهانی) ـ (حاج یوسف‌علی‌ـ المغربی) ـ (یوسف سیداحمدبن ...... سعود ـ غلمان) ـ (جملةٌالعزّلله بااشاره بحضوراحمدابن‌ابوجعفرابن‌البابائی‌وذکرتاریخ۶۴۸بزبان‌عربی) ـ(محمّدالکفتی غلام الحریری) ـ (حضر ابوالوفای شهان قنبر فی‌سنهٔ اثنین وستّین) ـ (ناصربن ابوالوفا فی‌سنهٔ‌تسع وتسعین) ـ (محفوظ بن ابراهیم فی ربیع الاوّل سنهٔ تسع و تسعین[۱]) ـ (دوبیت دریغا که بی‌ما ..... الخ و کسانی که‌ازما .... الخ با امضای بهزاد کنده کار بتاریخ ۳۲۰ که تصوّرقطعی می‌رود مقصود ۱۳۲۰قمری باشد).

چند نوشتهٔ‌نسبتاًمحوی نیزوجودداردکه فقطاسم‌یا سنه یا اثردیگری ازآن معلوم‌است‌لکن قابل ذکر نمیباشد.

اینك نوشته‌های‌موجود دردومین‌پنجرهٔ بین‌تالار وایوان (پنجرهٔ شرقی مجاور درورود تالار) که‌قابل توجه بنظررسیده است ذکرمیگردد:

۱۴ ـ بردیوارهٔ شرقی‌پنجرهٔ مزبوربخط نسخ در۱۲ سطر چنین‌نوشته شده است:

حضر السلطان‌ابن‌السلطان والخاقان‌ابن‌الخاقان نور(یعنی‌شکوفه) حدیقة‌ـ السلطنه نورحدقةالخلافة فرع الدوحة السنية ثمرة الشجرة العليه مظفر الحق والدنيا والدين مبارز الاسلام والمسلمين ابوعبدالله بن‌السلطان الاعظم السعيد مبارزالحق والدنيا والدين محمدبن المظفربن المنصور خلدسلطانه هذالمكان الغريب والبنيادالعجيب في‌غرةمحرم سنة‌ثلث‌وسبعين وسبعمائه کتبه‌احمدبن‌ولی نقشه مرتضی‌بن محمدالحلی.

---

(۱) گمان‌میرود سه‌نوشتهٔ اخیر که سال تاریخ آنها به‌ترتیب ۶۲ و۹۹ و۹۹ ذکر شده است مربوط بقرن‌هشتم هجری باشد زیرا درعصر مغول معمول بود که رقم‌مآت را ننویسند ـ شاید هم مربوط بقرون بعدی باشد.

بطوریکه ملاحظه میشود نوشتهٔ بالا حکایت از حضور ابوعبدالله فرزند مبارزالدین محمد (سرسلسلهٔ شاهان آل‌مظفر) درتخت جمشید درغرهٔ ماه‌محرم سال۷۷۳ هجری‌مینماید .

برای اطلاع بیشتر دربارهٔ موضوع این کتیبه به نبشتهٔ شمارهٔ ـ ۲۵ ـ یعنی آخرین نبشتهٔ یادگاری مورد بحث در این صفحات مراجعه شود .

۱۵ ـ بردیوارهٔ غربی همین‌پنجره نزدیك‌نبشتهٔ کوفی‌بنام عضدالدوله (که ضمن شمارهٔ ٤ مذکورگردید) بخط نسخ درسه سطر کوتاه چنین‌نقر گردیده است :

ابو اسحق‌بن محمود شاه

فی سنة

۷۳۸

دراین پنجره‌هم مانندپنجرهٔ پیشین نبشته‌های یادگاری غیرمهم چندی هست که ذیلا بطور اجمال ذکر مینماید :

«یاعلی بهست ونیست مرنجان .... الخ باامضای‌محمودبن ... مهر خواشقانی سنهٔ ۹۵۷) ـ (هوالله سبحانه غرض نقشیست ...... الخ بندهٔ کمترین خلق الله باحماد ملك احمد باحماد منصور مهر خواشقانی) ـ (هوالله‌الباقی کتبه بخش‌علی) ـ (یادگار شیخ محمدبن حافظ شیخ جهرمی فی‌سنهٔ ۸۸۳) ـ (ذکرنام‌نورمحمد بربری‌الطشتی‌الاتابکی‌ضمن‌اشاره به‌حضوراو وتاریخ۹ذی‌قعده سنهٔ۶٦۸) ـ (اشاره بحضور محمود بن ابی‌الفتح) ـ (چاکرشاه نجف سلطان‌حسین قصه‌خوان ۹۸۳) ـ (نوشتم دربن‌لوح .... الخ باذکرنام سیدحسین‌بن‌علی کنارهٔ سنهٔ ۹۵۷) ـ (نوشتهٔ عربی مورخ بسال ۹۸۳ بوسیلهٔ شخصی که هنگام حضـوردر تخت جمشید اشعاری‌سروده ابتدای‌آن **وقفت‌معتبرا** بوده لکن بحك‌اشعار ونام‌خود موفق‌نشده است) ـ (بیت این‌نوشتم ..... الخ کمینهٔدرویشان درویش ابواسحاق محمد شاه مهرخواشقانی) ـ (نقشه ایازحجارشیرازی‌این‌رقم‌تازه برین کهنه سنگ کرد منقش قلم تیز چنگ تـابودم بعد بسی روزگار این سخنان ازجهت یادگار حرره‌العبد علی‌العرب اوصلدالله الی‌من‌طلب سنهٔ۹۵۷) وما توفیقی الا بالله

مشمر کمال خودرا زسگان آستانش که بپایهٔ بلندی نرسند خودپسندان

چاکر خاندان آل علی الفقیر الحقیر بخش علی سنهٔ سبع و خمسین و تسعمائه

(جملهٔ عربی ابتدای نبشتهٔ اخیر وتاریخ‌آن بخط نسخ زیبا وبقیهٔ آن بخط درشت نستعلیق نقرگردیده است) .

نوشته‌های غیر مهم‌دیگری هم‌در پنجرهٔ نامبرده هست که ذکر آنهامفید بنظر نمیرسد لذا بیش‌از آنچه گذشت دراین‌باره توضیحی نمیدهد وچون نبشته‌های پهلوی و کوفی وثلث که برجبههٔ جنوبی بدنه‌های سنگی درگاه‌بن‌تالار وایوان وجوددارد درآغاز امرضمن شماره‌های ۱ تا٦ مذکور

گردیده است لذا اکنون به‌نقل نوشته‌های داخل پنجرهٔ غربی نزدیك درگاه بین تالار وایوان می پردازیم .

۱۶ ـ نوشتهٔ زیر بر دیوارهٔ شرقی داخل اولین‌پنجرهٔ واقع درمغرب درگاه مزبور نقر گردیده است :

اللّٰه‌الباقی کتبه ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ فی‌سنهٔ ۸۲۶ .

طبق آنچه ازنوشتهٔ دیگری که بعداً ذکرخواهدشد برمیآید ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ نوادهٔ امیرتیمورگورکان درماه‌شوال سال ۸۲۶ بتخت‌جمشید آمده است وچون شهریار مزبور خود ازخوشنویسان بنام‌بوده سه کتیبه بخط خویش‌درتالارداریوش بیادگار گذارده‌است که‌یکی‌از آنهافوقاً ذکرشد ودیگری سابقاً ضمن‌شمارهٔ ۱۰ توضیح آن گذشت‌ونبشتهٔ‌سومی‌بعداًدرشمارهٔ ۲مذکورمیگردد.

پنجرهٔ موردذکر نبشتهٔ‌مهمی ندارد وبدین‌مناسبت مانندآنچه درمورد دوپنجرهٔ سابق‌الذکر عمل نمود بطور اجمال‌به‌سایرنوشته‌های آن‌اشاره‌میرود :

(بیت غرض‌نقشیست‌کزما .... الخ باامضای بدخال بن‌منصور بن‌ملك‌احمد مهرخواشقانی) ـ (امید بیکران داردبیزدان ـ ابوالمحسن‌غلام شاه مردان سنهٔ ۱۰۳۱) ـ (بخط بسیار محو دونوشتهٔ بد وناتمام‌ـ حضرابو ...... وثلثین واربع‌مائه)ـ (جهان‌یادگارست‌ومارفتنی بگیتی‌نماند بجز مردمی کتبه‌العبد چاکرمردان کنبدبن پیرمحمود بن‌نوروز کنبدالفیروزائی فی‌ثانی محرم‌الحرام سنهٔ ثلث وسبعین وسبعمائه) ـ (هوالمحسن ای همه‌هستی..........الخ حرره العبد الاقل ابوالمحسن‌بن منصوربن ملك‌احمد مهرخواشقانی بتاریخ شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۳۱) ـ (طرح کوفی بنائی مشتمل برچهار علی ودرزیرآن کلمات اسداللّٰه‌الغالب علی‌ابن ابیطالب بیدنعمة) ـ (یاعلی عبده ملك احمدبن روزبهان محمدبن‌محمود مهرخواشقانی‌بتاریخ سنهٔ۱۰۳۱) ـ (یك‌بیت‌عربی که‌بر اثرنوشتن کتیبهٔ پیشین‌ضایع گشته‌است وپس‌ازآن این‌کلمات‌خوانده میشود : حرره‌تراب اقدام‌الفقرا کمال‌بن خطیر بن‌محمد ...... محمد الشیرازی فی‌شوال‌سنهٔ احدی وستین‌وسبعمائه هجریه) ـ (امضا ونام‌شیخ محمدبن‌الحاج محمد التبریزی المملانی المشرجی باذکرتاریخ ۸۲۶) ـ (جملهٔ‌نصرمن‌اللّٰه وفتح‌قریب ویك‌بیت فارسی که ازمصراع‌اول‌آن‌تنهاکلمهٔ **بود** موجودبوده مصراع‌دوم‌چنین‌است غرض‌ازیادگارنام‌بودوجملهٔ‌عربی‌ناقص ودر آخر امضای‌بلوربن بلخیر) ـ (نام وامضای حاج‌احمدبن .... الشیرازی باذکر تاریخ فی‌اواخر شوال سنهٔ‌ثمان وستین‌وسبعمائه) ـ (نام‌غیاث‌الدین علی‌المرودشتی الشهیر بمستوفی‌بتاریخ‌شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۳۱) ـ (یادگار تا تمام بزبان عربی در سه سطر بصورت مورب بنام سعیدبن سعد بن عبداللّٰه المعلم) ...

۱۷ ـ بردیوارهٔ سمت چپ (جانب غربی) پنجرهٔ آخری یعنی غربی‌ترین پنجرهٔ بین‌تالار و ایوان‌این کتیبه‌درشش‌سطر بخط‌نسخ‌نقر گردیده‌است :

رکاب همایون بندگی خاتون عظمی خلاصهٔ ملکات الدّنیا عصمة الدّنیا والدّین بدیع الجمال خاتون الامیر الاعظم السعید وظهیر الدّین بهرامشاه بن سلاق بن کنبد الایغوری خلّدالله عظمتها وسلطنتها در سنهٔ ثلاث وسبعین وسبعمائه هجریّه این مکان رفیع وبنای بدیع را مشرف فرمود.

کتیبه‌ای هم بر دیوارهٔ سمت راست همان پنجره درهفت سطر نسبتاً درشت بخط نسخ مرقوم گردیده مشتمل بر آیهٔ حاوی بقای ذات الهی وهلاك هرچیز دیگر وباز گشت بسوی پروردگار باذکر نام وامضای **علی بن شیخ محمدالتبریزی** وتاریخ ۸۲۶ هجری بزبان عربی میباشد.

بربدنهٔ سمت راست (جانب شمالی) درگاهی غربی ایوان که نقش برجستهٔ دوسرباز نیزه‌دار بر آن حجاری گردیده است چندنوشته بخطوط نازك و ابتدائی عربی نقر نموده‌اند که یکی از آنها حاوی درخواست آمرزش بنام عبدالرحمن .... وفرزندانش موسی وجنید(؟) بوده مورخ بسال ۳۱۶ میباشد ودیگری اشاره بحضور احمدبن عبدالرحمن بن محمدبن الفضل بسال ۳۶۶ مینماید ویك نوشته بخط عبری دریك سطر ونیم پائین این دو کتیبه است وستارهٔ شش پر علامت قوم یهود بالای نوشته‌های مزبور دیده میشود و کتیبهٔ دیگری هم بخط ابتدائی ومغلوط عربی نزدیك همین کتیبه ها حاوی درخواست آمرزش بنام عبدالرحمن احمد وجوددارد واجمالاً تصورمیرود کتیبه‌های بنام عبدالرحمن باستارهٔ شش پر وخط عبری وابسته بیکدیگر باشد.

کتیبهٔ دیگری هم بخط نسخ دردو سطر مشتمل برنام ابوعبدالله بن محمدبن عمر .... وابوالوفا المفرطی وجوددارد که تاریخ آن شعبان سنهٔ خمسة واربعین وخمسمائه ذکر شده است.

۱۸- بردیوار داخلی طاقچهٔ سنگی سمت مغرب ایوان (بین درگاهی سابق الذکر وجرز بلند سنگی ایوان) نوشتهٔ ذیل بخط ثلث شیوا در ۱۱ سطر منقور گشته درادوار بعدی عمداً آنرا حك نموده آسیب فراوان بآن رسانده‌اند وآنچه میسر گردید بشرح زیر خوانده شد:

لمن الملك الیوم لله الواحد القهار.

این الاکاسرة الجبابرة الاولی — کنزوا الکنوز فما بقین فلابقوان

نه بر باد رفتی سحرگاه و شام — سریر سلیمان علیه السلام

بآخر ندیدی که بر باد رفت — خنك آنکه با دانش و دادرفت

در تاریخ اوایل ربیع الاول سنهٔ ثمان واربعین وسبع مئه رایات ارم نگار ....

پادشاه اسلام شهنشاه هفت اقلیم اسکندر زمان وارث ملك ....

.... جمال الدنیا والدین فرمان فرمای جهان .... شیخ

ابواسحق خلد الله سلطانه و اوضح .... و طالع سعد

این‌مکان رفیع و بنیان‌بدیع‌را بوقت‌خرسند ومخیم‌جلال‌و معسکر فرواقبال‌فرمود بوقت‌آنکه از .... امداد .... آسمانی‌مملکت‌کرمان ویزد وسیرجان باجمیع‌توابع وملحقات آن بامملك فارس ------ بحراً وبراً،بعداً و قرباً ملحق ومنضم شده‌بود وذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء والله ذوالفضل العظیم کتبه یحیی الجمالی الصوفی .

نویسندۀ کتیبۀ فوق‌یحیی جمالی‌صوفی‌همان‌خوشنویس‌معروف‌زمان شیخ‌ابواسحق‌ازشهریاران آل انجواست که قرآنهای نفیس‌متعلق بآستانۀ شاه‌چراغ‌را در سال‌های ۷۴۵ و۷۴۶ هجری نوشته وکتیبۀ سنگی‌معرق بنای‌خداخانه‌مسجد جامع عتیق‌شیراز مورخ بسال۷۵۲ هجری‌هم بخطاومیباشد (به‌صفحات ٦٤ و٦٦متن کتاب =راجعه‌شود) وباملاحظۀ کتیبۀ آسیب‌دیدۀ موردذکرمعلوم‌میگردد در سال ۷۴۸ هجری‌یعنی درخلال‌مدت بین‌نوشتن قرآنهای مزبور (که‌ازطرف ملکه تاش خاتون مادر شیخ ابواسحق بآستانۀ شاه‌چراغ وقف شده بود) ونوشتن کتیبۀ خداخانه هنگامی که شیخ‌ابواسحق‌به تخت‌جمشید رفته چندصباحی‌درآنجا توقف‌نموده بودخوشنویس نامبرده‌ازهمراهان‌اوبوده کتیبۀ مزبور را مرقوم داشته است .

۱۹ ـ بربدنۀ جنوبی همان‌طاقچه کتیبۀزیر درپنج‌سطر بخط ثلث مرقوم گردیده است :

حضرالعبد الفقیرالمحتاج‌الی‌ربّه‌الغفور مرتضی‌بن‌محمّدبن اسمعیل الحسنی الترمدی تعرف‌بحکّاك الاسطرلابی فی یوم‌الاحد حادی‌عشر من شهر محرّم‌الحرام سنة‌ثمان وستّین وسبعمائه .

۲۰ ـ برروی پایۀ سنگی‌بلند سمت مغرب ایوان‌درپائین کتیبۀ میخی عهدخشایارشا ابیات زیر بخط‌نسخ شیوا نوشته شده است :

کرا دانی از خسروان عجم — ز عهدفریدون وضحاك و جم
که درتخت‌وملکش نیامدزوال — ز دشت حوادث نشد پایمال
نه بر باد رفتی سحرگاه و شام — سریر سلیمان علیه‌السلام
بآخر ندیدی‌که بر باد رفت — خنك آنکه بادانش‌ودادرفت
الا تا درخت کرم پروری — که بی‌شك برکامرانی خوری

کتبه ابراهیم سلطان بن شاهرخ فی سنة‌ست وعشرین وثمانمائه .

۲۱ ـ درداخل طاقچۀ غربی‌تالارنزدیك کوشۀ جنوب غربی‌آن کتیبۀ ذیل درپنج سطربخط نسخ‌نقر کردیده است :

بتاریخ شوال سنة ست وعشرين و ثمانمائه که رایات نصرة شعار بندگی حضرة خلافت پناه پادشاه جهان اعدل خواقین ایران و توران مغیث الحق والسلطنه والدنیا والدین ابوالفتح ابراهیم سلطان خلدالله ملکه و سلطانه این محل رفیع ومکان منیع رامضارب خیام دولت و مراکز اعلام سلطنت گردانیدند کمترین بندگان علی الاطلاق کمال الدین ایناق عفاالله عنه که از بندگان درگاه است بکتابت این حروف شرف استعداد یافت غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی بینم بقائی مگر صاحبدلی روزی بخواند کند درکار درویشان دعائی .

کتیبهٔ فوق بـا کتیبه های شمارهٔ ۱۶ و ۲۰ که بخط سلطان ابراهیم فرزند سلطان شاهرخ است مقارن و همزمان میباشد .

۲۲ ـ بربدنهٔ شمالی طاقچهٔ مزبور کتیبهٔ زیر بخط ثلث نقر گردیده است :

الدّنیا داحه تر کها راحه کتبه مرتضی بن محمّد بن اسمعیل الحسینی بحضور الجماعه سیّد قطب الدّین احمد ومولانا کمال الدّین ابن الخطیر وسیّد مجدالدّین حفظهم الله فی محرّم سنة اثنتین وسبعین وسبعمائه .

پیش از نقر کتیبهٔ فوق نبشتهٔ قدیمتری بخط نسخ ابتدائی مربوط بقرن چهارم هجری مشتمل برجملهٔ لااله الاالله ـ الهم سلم اسحق بن احمد و .... نوشته شده بود که براثر احداث کتیبهٔ سابق الذکر قسمتهائی از آن ازبین رفته است وبیش ازچند کلمهٔ مذکورچیزی از آن معلوم نگردید .

۲۳ ـ کتیبهٔ زیر بخط نسخ برجسته بربدنهٔ سنگی واقع درسمت راست یکی ازدو درگاه شمالی تالار درده سطر مرقوم گردیده است :

هوالله الباقی درزمان دولت اعلی حضرت شاهنشاه صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه که عم مکرم شاهنشاه ایران نواب حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا دام اقباله بفرمان فرمائی فارس مأمور شده سالیان دراز کـه مملکت فارس بی نظم بود دراندك زمان ازاقبال شاهنشاه جم جاه نظمی کامل گرفت اشرار تنبیه شده در ماه محرم قلعهٔ حصینهٔ تبر که سالها مامن اشرار بود مفتوح و سر فضلعلی خان بهارلو درشیراز زینت دار گردید دراواخر ربیع الاول بتخت جمشید آمده حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاه چندین هزار عمله براین تخت گماشت جاهائی که قرون بی شمار ازخاك انباشته شده بود بـرای تماشای مسافرین خارج و داخل پاك کردند غره ربیع الثانی سنهٔ یکهزار و دویست و نودو چهار هجری ۱۲۹۴

موافق سیم نیسان ماه رومی بیست وششم فروردین ماه جلالی مطابق اودئیل ترکی.

۲۴ ـ درجانب راست کتیبهٔ فوق کتیبهٔ دیگری بخط نستعلیق شیوا بطور برجسته در نه‌سطر بدین‌شرح مرقوم رفته‌است :

هوالباقی بروزگار ملك‌جوان بخت ودارای تاج‌وتخت خسروصاحبقران ناصرالدین‌شاه قاجارکه روزش‌فزاینده ودولتش پاینده‌باد عم‌اکرم آن شاهنشاه حضرت شاهزادهٔ آزاده معتمدالدوله‌فرهاد میرزاابن‌الولیعهدالاعظم‌عباس‌میرزا ابن فتحعلی شاه طاب مثواهما که در سنهٔ ۱۲۹۳ مأمور بفرمانفرمائی مملکت فارس بود درسنهٔ ۱۲۹۵ ازشیراز بعزم‌سیاحت این‌ابنیه موکب والا تشریف فرما شد بعضی از نقوش‌احجار وآثارکه‌ازمروروایام وگردش اعوام در خاك پنهان شده امرفرمودپاك نموده نمودارکردندنه‌این‌طرفه‌مکان‌بفرمان آن‌سترك‌شاهزاده راد به‌تنها پاك شدکه تمامی‌خطهٔ جم‌ازفر معدلتش‌از ناپاك پاك‌ورعیت شاد وهر خراب آباد شدتا دراین‌اوان که اواخر جمادی الاولی و سنین هجری به ۱۲۹۶ رسید خلف‌الصدق سرکار معظم الیه نواب احتشام الدوله سلطان اویس میرزا بعزم تماشا وجستجوی برخی آثار باین‌مکان‌عتیق تشریف‌آورده چندشبی توقف فرمودند بنده وبرادر کهتر معزی‌الیه عبدالعلی میرزا نایب الایاله ابن فرهاد میرزا معتمد الدوله این کلمات بیادگار بفرمان ایشان در این ایوان بنگاشت همراهان موسیواندراس وفاکرکرن و اسدالله میرزا ابن عم آقا محمدحسین صراف .

۲۵ ـ در آخرین مرحلهٔ تجدید نظر هنگام چاپ قطعی این یاد داشتها برائر راهنمائی دوست گرامی ودانشمندم آقای‌علی سامی اطلاع یافتم که شادروان دکتر قاسم غنی درکتاب **بحث درآثار وافکار واحوال حافظ** (جلد اول ـ چاپ‌طهران ـ ۱۳۲۱ شمسی ـ صفحات ۴۱۴ و ۴۱۵) سه نبشتهٔ بنام سلطان سلطان بایزید مظفری (برادر شاهشجاع و فرزند مبارزالدین محمد سرسلسلهٔ شاهان آل‌مظفر) را نقل‌نموده است که یکی‌از آنها ضمن‌شمارهٔ ـ۹ـ ودیگری ضمن شمارهٔ ـ۱۴ـ درصفحات گذشته مذکور افتاده‌است (۱) ونبشتهٔ سومی که نگارنده ازوجود آن اطلاع نداشته آنرا

---

(۱) درمتنی که شادروان دکترغنی ازنبشتهٔ مزبور زیرعنوان **یادگارسوم** درصفحهٔ ۴۱۵ کتاب سابق‌الذکر نقل‌نموده است برخی اختلافات جزئی باآنچه در تلو صفحهٔ ۳۴۳ کتاب حاضر ضمن شمارهٔ ـ۱۴ـ ذکر گردید وجود داردکه چندان مهم نیست فقط بجای کلمات **ابوعبدالله** منقول دراین کتاب عنوان **السلطان** درمتن نامبرده دیده میشود که بنظر نگارنده صحیح‌نبوده در خور تأمل وتحقیق بیشتراست .

ندیده و یادداشت نکرده‌ام تحت عنوان **یادگار دوم** در صفحهٔ ۴۱۵ کتاب مزبور بدینقرار نقل گردیده است :

الدنیا دار ممر لادار مقر فاعبروها ولا تعمروها .

جهان ای پسر ملك جاوید نیست — ز دنیا وفا داری امید نیست
کسی زین میان گوی دولت ربود — که در بند آسایش خلق بود
بکار آمد آنها که بر داشتند — نه گرد آوریدند و بگذاشتند

حرره العبد الاصغر ابویزید بن محمد بن المظفر بخطه فی سنة ثلث و سبعین وسبعمائه .

طبق اظهار آقای سامی نبشتهٔ اخیر بربدنهٔ داخلی طاقچهٔ سنگی جانب شرقی ایوان بزرگ کاخ کوچك داریوش نقر گردیده است .

نوشته‌های یادگاری موجود در کاخ کوچك داریوش تاحدّی که مناسب بنظر میآمد مذکور گردیدودرپایان این قسمت بمورد میداند توضیح دهد که درپائین نقوش برجستهٔ گاوهای عظیم الجثّه درمدخل بنای ورودی تخت جمشید (بالای پلکانهای ورودی صفّه) نیز یادگارهای چندی ازشخصیّتهای بیگانه و هیئتهائی که بمأموریّت نظامی یاسیاسی به‌ایران آمده‌اند بحروف لاتین نقرشده است و برای علاقه‌مندان بچنین مطالبی بنوبهٔ خود درخور توجّه‌میباشد ضمناً در قسمت اصلی کاخ حرمسرا برسنگهای زیرپنجره‌ها وطاقچه‌های ایوان وتالار نقوش ریزه‌کاری از عهد ساسانیان وجوددارد که تصاویر آنها در آغاز کتاب آثار تاریخی مرودشت تألیف آقای علی سامی (چاپ شیراز ۱۳۳۱) وصفحات ۲۷۰ تا ۲۷۶ مجلّد چهارم گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ شیراز ۱۳۳۸) درج گردیده آقای دکتر اشمیت نیز آنهارا چنین توصیف نموده است :

« ...... یکی از آنها بر دیوار جنوبی تالار اصلی حرمسرا درمغرب درگاهی بین تالار وحیاط داخلی قراردارد (لوحهٔ ۱۹۹A) تصویر دوّم بر دیوار جنوبی ایوان پائین غربی ترین پنجرهٔ آنجاست (لوحهٔ ۱۹۹B) ـ درهردو تصویر ظاهراً یك شخص نموده‌شده واوشاهزاده‌ایست که سوار بر اسب دارای زین وتجهیزات مفصّل میباشد ـ درلباس دوسوار وزین وبرگ دواسب بعضی اختلافات دیده میشود (لباس یکی از

آندو شباهت بسیار به لباس پاپك دارد) ولی مهمترین خصوصیّت موجود دردو نقش یعنی کلاه‌خود یاتاج مدوّر که هلالی بعنوان علامت خانوادگی دارد درهردومورد یکسان میباشد. این قسم تاج برسکّهٔ ساتراپهای پارس وبرسکّه‌های اولیّهٔ اردشیر اوّل مؤسّس سلسلهٔ ساسانی دیده میشود، برخی اوقات علامت موجود بر تاجهای تصاویر نیز درسکّه‌ها موجوداست ـ امکان دارد که تصاویر مزبور نقش اردشیر اوّل باشد ـ پرفسورهرتسفلد بیکی از دو تصویر اشاره کرده وآنرا سوار شخصی بنام منوچهر استخر میداند یك تصویر دیگر که بوسیلهٔ دمکنم در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ شمسی) بردیوار جنوبی ایوان پیدا شد ..... شاهزادهٔ ایستاده‌ای را نشان میدهد که پاپك پدرشاپور واردشیر اوّل شناخته‌شده است» (۱)

یك نمونه‌ازاین نقوش هم درکاخ داریوش وجوددارد که در کتاب تخت‌جمشید بدینگونه معرّفی گشته است: «تصویر ایستادهٔ یك نفرشاهزادهٔ ساسانی برروی یك درفرعی کاخ داریوش بوسیلهٔ پرفسورهرتسفلد کشف گردید وآنراباشاپورپسر بابك وبرادربزرگتر اردشیراوّل منطبق شناختند (بتاریخ باستان شناسی ایران تألیف هرتسفلد صفحهٔ ۸۰ مراجعه شود). (۲)

۸ ـ نوشته‌های سنگ مزار شیخ‌علی

برروی‌سنگ قبری که‌بالاتر ازمحل نوشته‌های پهلوی حاجی‌آبادقرار دارد وبعنوان قبرشیخ علی شناخته شده است (بصفحهٔ ۴۲ متن کتاب مراجعه شود) نوشتهٔ زیر بخط نسخ در هفت سطر مرقوم رفته است.

توفی الشیخ العالم الفاضل واکمل جهان قدوة الاولیاء والمحققین شیخ علی (شلویه؟) قدس‌الله سره‌فی تاریخ سنة ثلث اربعین ومئتان.

---

(۱) نقل‌از کتاب تخت‌جمشید تألیف‌دکتراشمیت صفحهٔ ۲۵۸.

(۲) نقل‌از کتاب تخت‌جمشید تألیف‌دکتر اشمیت صفحهٔ ۲۲۷ ـ ذیل‌شمارهٔ ۴۰.

نوشتهٔ فوق میرساند که فوت عارف مزبور درسال ۲۴۳ هجری اتفاق افتاده است ولی سنگ مزبور جدیدتر ازاین تاریخ بوده بنظرمیرسد ازقرن ۱۱ هجری باشد .

برروی سنگی که بطور قائم درطرف پائین پا نصب است مصراع زیر دریك سطر بخط نسخ نوشته شده است ..

چو آمد اجل شادیم یاد بود

۹ ـ چشمهٔ ایوب (رامجرد)

لوحهٔ سنگی دارای خط کوفی

بلوك رامجرد درجانب مغرب جلگهٔ مرودشت واقع گردیده است وجادهٔ فرعی درسمت جنوب پل‌خان از کرانهٔ رود کر بدانجامیرود ـ چشمهٔ معروفی بامحوطهٔ درختکاری بسیارمصفا بنام چشمهٔ ایوب درمیان بلوك رامجرد واقع گشته مقبرهٔ ساده وبی پیرایه‌ای هم در کنار چشمهٔ مزبور قراردارد که زیارتگاه مردم بوده بنام قبرایوب خوانده میشود ـ بنای زیارتگاه جنبهٔ تاریخی یاهنری مخصوص ندارد ولی هنگامی که نگارندهٔ کتاب درآبانماه ۱۳۲۹ تصادفاً بزیارت آنجانائل آمده بودم ملاحظه شد که برروی قبرلوحهٔ سنگی ناقصی برنگ روشن نزدیك بسفید نصب است که دوحاشیه حاوی خط کوفی برجستهٔ شیوا برآن حجاری کرده‌اند وکلمات زیر در کتیبهٔ کوفی مزبور تشخیص میگردد .

تزود من الدنیا فانك راحل و بادر فان المو(ت لاشك نازل)[1]

قسمت آخر که داخل پرانتز قراردارد موجودنیست ودرقسمتی از سنگ که شکسته ومفقود گردیده نوشته شده بوده است.

---

(۱) ترجمهٔ بیت فوق بفارسی قریب بدین مضمون میگردد :

از دنیازاد وتوشه برگیر که مسافرهستی وبدین کار پیشدستی کن که مرگ بدون تردیدسرمیرسد

ازدانشمندمحترم آقای دکتر سیدعبدالله انوار سپاسگزارم که متن کامل بیت فوق وتعلق داشتن آنرا بقصیدهٔ منسوب بمولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باینجانب اطلاع فرمودند واظهار نمودند که مطلع قصیدهٔ مزبورچنین است :

مضی الدهر والایام والذنب حاصل و انت بما تهوی من الحق غافل

ترجمهٔ فارسی آن قریب بمضمون زیر میشود .

(روزگار و روزها گذشت وحاصل آن گناه آمد وتو بآنچه مشغولت ساخته است از حق غافل مانده‌ای) .

وضع حاشیهٔ مزبور طوری‌است که میرساند اگرهم متعلق به‌سنگ آرامگاه محل مورد ذکر باشد آنرا بصورت اصلی وصحیح نصب نکرده‌اند ضمناً شیوهٔ خط کوفی آن میرساند که مربوط بقرن ششم هجری است .

۱۰- نوشتهٔ روی سنگ آرامگاه شاه شجاع

در صفحهٔ ٥٤ متن کتاب ضمن توضیح بقعه هفت تن اشاره شد که آرامگاه شاه شجاع شهریار آل مظفر (۷۵۹-۷۸٦ ﻫ) در جانب شمال غربی بیرون باغ هفت تن واقع گردیده است.

دراسفندماه ۱۳۳۹ که توفیق بازدید آرامگاه مزبور دست داد نوشتهٔ روی‌سنگ آرامگاه که بفرمان شهریار عادل کریمخان زند برآن نهاده شده است استنساخ گشت و برای اطلاع بیشتر خوانندگان ارجمندی که علاقه بدینگونه مطالب دارند بنقل آن دراینجا مبادرت مینماید :

بخط نستعلیق در ۱۱سطر :

هو

الحیّ الّذی لایموت

هذا مدفن السّلطان العادل

الباذل المرحوم المغفور

شاه شجاع المظفّری ووفاته

فی سنة ستّ و ثمانین و

سبعمائه من الهجریّه کما

قال العارف السّالك

شمس الدّین محمّد الحافظ علیه ا

لرّحمه حیف ازشاه شجاع وتجدید مزاره

فی شهر ربیع الثّانی سنهٔ ۱۱۹۲

بطوریکه ازسنگ مزار نامبرده معلوم میشود سال درگذشت شاه شجاع ۷۸٦ هجری بوده که متأسفانه درمتن کتاب ۷۷٦ هجری مرقوم رفته است وازاین اشتباه پوزش میطلبد .

۱۱ - صندوق منبت عتیقهٔ بقعهٔ سید میرمحمد

اطلاعات اجمالی دربارهٔ بقعهٔ سید میرمحمد شیرازدر صفحهٔ ٦۵ متن کتاب ذکر گردید - هنگامیکه کتاب‌درمرحلهٔ چاپ بوداز طرف تولیت بقعهٔ نامبرده دست‌بکار تعمیر وتجدید ضریح آن گردیده بودند وداخل‌ضریح مزبور صندوق عتیقهٔ کوچك ونفیسی‌قرار داشت که‌دوست دانشمندم‌آقای علی‌اکبر بصیری مدیر کتابخانهٔ ملی‌فارس ازآن اطلاع یافته یادداشتها وعکسهائی از صندوق مزبور تهیه نموده جهت اینجانب ارسال فرمودند واینك بـا عرض سپاسگزاری مجدد از معظم له بنقل اطلاعات مزبور میپردازد :

درازای‌صندوق ۷۵ر۱متروپهنای‌آن ٦۰سانتیمتر وبلندی‌آن۷۵ سانتیمتر است بدنه‌های چهار جانب صندوق از قطعات چوبهای منبّت کاری شش گوش و سه گوش‌ترکیب‌یافته(ش۲۰۵ و۲۰٦) برروی‌چوبهای شش گوش درود برچهارده معصوم (صلوات کبیر)ونام‌اولیاء متصوّفه بشرح‌مذکور درتذکرةالاولیاء شیخ‌عطّار بطور برجسته مرقوم گردیده مقداری از چوبهای شش گوش‌هم مشتمل بر نقوش برجستهٔ گل وبوتهٔ اسلیمی است .

نام اولیای متصوّفه که‌علاوه براسامی چهارده‌معصوم برصندوق مزبور ذکر گردیده است بشرح‌زیرمیباشد :

بریك بدنهٔ طولی صندوق :

بُشر حافی	اُویس قرنی	فضیل عیاض	ذوالنّون‌مصری	سلیمان‌درارانی
داوودطائی	محمّدواسع	امام‌احمدحنبل	سری‌السقّطی	شاه‌شجاع کرمانی
احمدخوارزمی	احمدخضرویه	احمد حرب	فتح موصلی	شیخ حاتم اصمّ
معروف کرخی	جنید بغدادی	امام‌شافعی	منصور عمّار	حارث محاسبی
رابعةالبادویه	ابوتراب‌نخشبی	ابراهیم‌ادهم	شقیق بلخی	حمدون قصّار
عتبة الغلام	بایزیدبسطامی			

بر بدنهٔ دیگر طولی صندوق

سفیان ثـوری یك‌نام‌خوانده‌نشد ابو حازم مکّی محمّد سمّاك مالـك دینار
یوسف‌بن‌حسین ابو سعید خرّاز عبـدالله شاذل عبدالله خبیق محمّد اسلم
حبیب عجمـی ابو حفص حدّاد عمروبن عثمان‌مکی احمدبن‌عاصم سهل عبدالله
انطاکی تستری

یحیی‌معاذ‌رازی

برروی ده قطعه چوبهای‌بدنهٔ‌اخیر کلمهٔ جلالهٔ **الله** وبرروی یکی ازقطعات شش‌ضلعی هم‌نام **خاتم سلیمانی** بطور برجسته مرقوم گردیده‌است .

دوبدنهٔ کوچکتر صندوق یکی‌مشتمل برصلوات کبیر بوده دیگری‌منحصراً مزیّن به گل و بوته‌های اسلیمی‌است .

بربالای‌چهار بدنهٔ صندوق‌حاشیه مشتمل‌بر آیة‌الکرسی بخطّ ثلث برجسته مرقوم گردیده است و بربدنهٔ فوقانی صندوق جملهٔ العظمة لله دریك طرف نوشته شده بر حاشیهٔ چهارطرف همان بدنه نیز آیهٔ طولانی آخر سورهٔ بقره (ربّنا لا۔ تؤاخذنا ...... تا انتهای آیه ... فانصرنا علی‌القوم الکافرین) بخطّ ثلث برجسته مرقوم رفته است .

طبق آنچه دوست گرامی آقای‌علی‌اکبر بصیری‌ملاحظه و یادداشت‌نموده‌اند برصندوق‌مزبور سال‌تاریخ‌ذکر نشده‌است‌ولی‌آنچه ازروی‌مشخصات‌سابق‌الذّکر برمیآید میتوان آنرا مربوط‌بقرن هفتم هجری دانست وازآثار نفیس بس‌نادر و کمیاب هنری و تاریخی‌آن قرن که همزمان باخونریزیها و ویرانیهای ناشی از فتنهٔ مغول بوده‌است بشمارمیرود زیرا اصولا آثارهنری وجالب توجّه قرن هفتم هجری بعلّت عواقب فاجعهٔ خانمانسوز مغول انگشت شمار میباشد .

۱۲ _ اشعار سنگ قبرایلخانی در بقعهٔ پیربناب

درصفحات ۸۱ و۸۲ متن کتاب ضمن شرح‌بقعهٔ پیربناب اشاره بـه‌تعمیر بقعهٔ مزبور بوسیلهٔ محمدعلیخان ایلخانی قشقائی ابن‌جانی‌خان ووصیت وی که درجواربقعهٔ مزبور بخاکش سپارند نمود

اشعاری که برروی سنگ قبراونوشته شده‌است بسیار شیوا ومحکم حاوی‌نکات نغز حماسی وادبی‌بوده دوست دانشمندم آقای‌علی‌سامی آنهارا استخراج‌وارسال فرموده‌اندکه باعرض سپاسگزاری‌ازایشان ذیلا بنقل‌آنهامبادرت میشود : (۱)

دریغ از جهـان کـرم ایلخان　　که‌بگرفت نامش بمردی جهان
بـر آرندهٔ نـام مـردی بمـاه　　فـروزندهٔ روی ایـران سپـاه
فـزایندهٔ نـامـهٔ پهـلـوی　　ز بختش جهـان کهن را نوی
خرد بـا دلیـری بهم داشته　　هنر بـر هنر در هـم انباشته
بفـر از نیاگـانش برده گرو　　ز شاخ کهـن بگذرد شاخ نـو
درفشی که بـردی زنامش نشان　　فروزنده چـون اختر کاویان
به تنداب شمشیر و رای درست　　ز کشورهمه زنگ آشوب‌شست
همه ملك پروردهٔ نـام اوست　　بهرسفره‌ای نانی ازخوان اوست
سپهراز شکوهش‌شد اندیشه‌ناك　　برانگیخت مکری‌و کردش‌بخاك
بسو گش جهانـی گریبان درید　　بلند آسمان تـا بدامان درید
زبس کزغمش جان ترکان بتاب　　خروش آمد از گـور افراسیاب
ز مرگش جهانی دل آشفته شد　　سر بخت ایرانیـان خفته شد
دریغ آن بـرو برزو بـالای او　　که در روی گیتی نبدجـای او
براوازبزرگی‌همان تنگ گشت　　بمینو خرامیدُازین تنگ دشت
بن کـوه شد دخمـهٔ پهلوان　　که کوه از بلندیش دارد نشان
نهان شد بکوه آن تن پر شکوه　　شگفتی بود آسمان زیـر کوه
روانش بباغ جنـان شاد بـاد　　ز یـزدان بجان وی آبـاد باد
برو دخمه بادا چو خـرّم بهشت　　بهشتی بود مـرد فرّخ سرشت
جهانی سراسر پر از نام اوست　　نمیرد کسی را که نام نکوست
بتـاریخ او خسته دل داوری　　شب رفته جست از خرد یاوری
یـکی سربر آورد کرد این رقم　　بمرد ایلخـانی جهـان کرم
۱۲۶۶

(۱) آقـای سامی اشاره نموده‌اند که اشعار مزبور در صفحهٔ ٦٤۳ دیـوان داوری فرزند وصال مندرج است .

۱۴ - بقعهٔ خلیفه (واقع در خفر)

قسمتهائی از یك بنای تاریخی مهم متعلق به قرون هشتم و نهم هجری بنام بقعهٔ خلیفه در یکی از باغهای قریهٔ رِجزه° واقع در بلوك خفر واقع است و برای نخستین بار درسال ۱۳۱۵ آقای علی اکبر بصیری مدیر فعلی کتابخانهٔ ملی فارس که آنموقع دبیر دبیرستان شاهپور درشیراز بوده‌اند بنا باظهار خودشان بعلت دارابودن علاقهٔ ملکی در آنحدود متوجه باغ وبقعه وآثار تاریخی موجود در آنجا که آنموقع درملکیت یکنفر یهودی بنام میکائیل بودشده چگونگی را باداره فرهنگ فارس اطلاع داده‌اند و بدستور شادروان سرلشگرعلی ریاضی رئیس فرهنگ وقت در اواخر دیماه ۱۳۱۵ هیئتی به‌محل مزبور عزیمت نموده وضع آثار تاریخی آنجارا بررسی کرده‌اند وطبق گزارش وپیشنهاد آقای محمود راد مدیروقت موزهٔ پارس که خوداز اعضای آن هیئت بودند پس از چندی کاشیهای باقیمانده درازاره و محراب بقعه‌را بشیراز آورده دریکی از اطاقهای موزهٔ پارس نصب نمودند (ش-۲۰۷) وقسمتی از کاشیهای ازاره هم در اطاق خدا خانهٔ مسجدجامع شیراز نصب گردیده است وبرای حفظ بقیهٔ کاشیها وآثار تاریخی نیز بوسیلهٔ تنظیم صورتمجلس وتعهد گرفتن ازمیکائیل نامبرده باحضور کدخدا وافرادامنیهٔ بست **آبادشاپور** خفر درهمان موقع اقدام نمودند هنگامی کــه قسمتی از کتاب حاضر بچاپ رسیده بود ودوست دانشمندم آقای علی سامی بطهران آمده بـودند موضوع بقعهٔ خلیفه‌را یاد آورشده مناسب دیدند اطلاعات کافی دربارهٔ بقعهٔ مزبور درقسمت ذیل کتاب مرقوم گردد - نگارنده بگزارش سال ۱۳۱۵ آقای محمود راد مراجعه نمودم وپس از ملاحظهٔ گزارش مزبور نامهٔ مفصل وجامعی از آقای علی اکبر بصیری و گزارش مشروحی هم از آقای سامی رسیدومعلوم شدهردودوست گرامی برای همکاری درتهیهٔ مطالب مربوط به بقعهٔ خلیفه رنج سفررا بخود هموارنموده متفقاً آثار موجود این بنای تاریخی‌را بازدید وبررسی دقیق کرده‌اند واینك اطلاعاتیکه مستخرج از نامه‌های دودوست ارجمندم و گزارش سابق الذکر آقای راد است بشرح زیر مذکور میافتد :

بلوك خفر در ۱۸ فرسخی جنوب شرقـی شیراز واقع شده دارای دهات مختلف الاسامی است ، راه خفر تاپشت گردنهٔ باباحاجی درحدود ۴۰ کیلومتر همان راه فیروز آباداست از آنجا بسمت مشرق دست چپ جاده داخل راه کوار وخفر میشود، جادهٔ نامبرده از کنار کوهی که بین جلگهٔ سروستان و کوار فاصل است میگذرد ، جلگهٔ کوار ازدشتهای مصفّا وسرسبز وخوش منظر درطرف راست جادّه نمایان و تا کوهی که در مغرب فرمشگان است نظر انداز دارد و باغات جدیدالاحداث و آبادی‌های فرمشگان ازدور بخوبی نمایان میباشد - رودخانهٔ قره‌قاج که‌منبع آن

کوه‌های ممسنی و جبل باز است و از راه سیاخ به کوار ـ خفر ـ صمیکان ـ کارزین ـ افزر ـ الامرودشت (۱) ـ صحراهای نزدیك بندر کنگان وارد خلیج فارس میگردد و از وسط این جلگه میگذرد.

شهر خفر در دامنهٔ کوه «گرْ» قرار گرفته و محلّی است باصفا و با طراوت پر از انواع درختان مرکّبات (لیمو ـ نارنج ـ پرتقال ـ نارنگی ـ لیمو شیرین ـ ترنج ـ اترج) و خرما و از دهات چندی تشکیل گردیده است.

بنای تاریخی معروف به بقعهٔ خلیفه در وسط یکی از باغات قریهٔ جِزه (گِزه) خفر قرار گرفته و عبارت از یك ساختمان آجری مرتفعی است که از سبك ساختمان کاخ سروستان و قبر شیخ یوسف واقع در سروستان الهام گرفته و آن سبك معماری کاملا در اساس آن نمودار است، سقف آن گنبدی و در حدود ۱۵ متر ارتفاع دارد، سه سنگ قبر داخل بنا که بطور توازی قرار گرفته یکی از زین الدّین خلیفه زیر گنبد و علی خلیفه در شمال بقعه و حاجی خلیفه در وسط دو قبر فوق است.

درون بنا باطاقچه‌های متعدّد وطاق مقرنس گچی و چهار مقرنس درچهار گوشه با گچ ولی سالم و نقّاشیهای زیبا و در عین حال ظریف و ساده تزئین گردیده است و قسمتهائی از سفیدکاری داخل بنا که باقی‌مانده دارای همان نقوش که بیشتر برنگ لاجوردی مطلوبی است میباشد، کتیبهٔ ثلث عالی بروی گچ در حاشیهٔ پاطاق نوشته شده که قسمتی از آن ریخته و بروی زمین افتاده است ولی قسمت اعظم آن سالم و در جای خود باقی میباشد، قسمت وسط زیر گنبد بابعاد ۶×۶ متر بوده چهار شاه‌نشین در چهار جانب دارد، شاه‌نشینهای شمالی و جنوبی هر کدام بعمق ۱٫۵ متر و شاه نشینهای شرقی و غربی هر کدام بعمق ۲٫۳۰ متر است، شاه‌نشین جنوبی یك محراب معرّق کاری نفیس داشته که در سال ۱۳۱۵ بقایای موجود آن باستادی استاد عزیزالله صرافت از محلّ خود خارج شده بموزهٔ پارس منتقل و در اطاق ضلع

(۱) در نقشهٔ ایران ترسیم آقای عباس سحاب نام الا مرودشت باحرف ع مرقوم رفته است و بهمین جهت هم نگارنده آنرا درصفحات ۹۶ و ۹۷ بدانصورت نوشته‌ام.

شمال‌غربی‌موزهٔ پارس‌برروی‌دیوارنصب گردیده‌است ، تمام‌کاشیهای ازاره بشکل مسدّس‌بوده هربدنهٔ آن‌در وسط‌یك ترنج معرّق کاری داشت ، کاشیهای شش ضلعی ازاره‌ها نیز بهمان ترتیب در سال ۱۳۱۵ بشیراز حمل گردیده قسمتی برای بدنهٔ اطاق سابق‌الذکر درموزهٔ پارس وقسمتی‌نیز دربدنهٔ‌اطاق خدایخانهٔ مسجد جامع عتیق (کتابخانهٔ فعلی‌خداخانه) بمصرف‌رسیده است . پائین‌این کاشیکاری یك‌حاشیهٔ معرّق‌کاری بوده که هم‌اکنون قسمتهائی از آن‌موجود وحکایت از کاشیکاری عالی سابق آن مینماید ، تمام دیوارهای‌اطراف باسنگهای میخکی ازپائین‌ببالا ساخته شده‌بود که فعلامقداری باقی‌وبقیه‌منهدم شده‌وازبین رفته‌است وشایداگر تلّ‌دور تا دور مقبره راحفّاری کنندبسیار ازاین‌میخکی‌ها یافت‌شود که در دل‌خاك‌نهفته است ، مخصوصاً نمای‌هفت‌وپنج جبههٔ‌خارجی ضلع‌غربی بناسنگ‌کاری‌عالی داشته که سنگهای‌میخکی پاك‌تراش‌قسمتی از آن‌بجا وقسمتهائی از آن ریخته است و بطوریکه گذشت چه‌بسا که در زیر تودهٔ خاك اطراف قطعاتی از آن پیدا شود . سنگهائی که بکار رفته است سفید و ازنوع سنگهای‌سفید جهرم میباشد که جهت نماسازی عمارات شیرازهم‌میآورند . (۱)

سردرب‌عالی آن که‌بارتفاع۸تا۹متر است‌هنوزباقی‌وبرجاست‌و گنبد گردی که باآجر ساخته‌شده سالم وباقی است ازخارج روی آجرکاری گنبد سنگهای میخکی رامانند جای‌پابطور مرتّب کار گذاشته‌اند که‌معلوم‌میگردد قصدکاشیکاری بعدی گنبدرا داشته‌اند .

محراب آن‌به‌بلندی سه‌متر وپهنای دومتر ویرانی‌بسیار یافته و آنچه‌از کتیبه‌های‌کاشیکاری معرّق‌آن باقی‌بود درموزهٔ‌پارس نصب وقسمتهای کسری آن

---

(۱) آنچه ازتوصیف‌بنا وتوضیحات‌مذکور برمیآید بقعهٔ‌خلیفه بنای‌باشکوهی ازقرن‌هشتم و نهم هجری بوده ازلحاظ‌سبك‌بنا وتزیینات کاشی وروکاری‌سنگی ظریف‌نمونهٔ برجستهٔ معماری وهنری بشمار میرفته متأسفانه مورد بی‌مهری روزگار وبی توجهی قرار گرفته است وامید میرود موجبات تعمیر اساسی وحفظ نفائس‌موجود وپیدایش آثار هنری نهفته آن وادای حق چنین اثر متبرك ملی فراهم آید .

بوسیلهٔ نقّاشی مرمّت شده‌است، (ش-۲۰۷) کتیبه‌های محراب بخط ثلث سفید بر زمینهٔ لاجوردی ومشتمل بر آیات ۷۸ تا ۸۳ سورهٔ مبارکهٔ اسراء (سورهٔ ۱۷ کلام‌الله‌مجید) و آیهٔ ۱۲۷ سورهٔ بقره (سورهٔ دوّم کلام‌الله‌مجید) میباشد.

سه‌سنگ‌قبری که داخل بقعه‌است سنگ‌قبر اوّلی (ازطرف‌جنوب) قدیمتر ازدودیگر بوده بنام‌شیخ‌زین‌الدّین‌علی‌خلیفه‌است و کتیبهٔ جانب مغرب‌سنگ که طرف‌بالای‌سر باشد بزبان‌عربی مشتمل‌برالقاب مرسوم زمـان وتاریخ وفات شیخ (روز شنبهٔ ۱۵ شوّال سال ۷۹۰ هجری) است وبرروی سطح‌بالای‌سنگ وجوانب دیگرآن اشعارفارسی‌متعدّد مناسب‌با سنگ‌مزار مرقوم‌داشته‌اند که درنامه های مشروح آقایان سامی وبصیری نقل گردیده است وذکر آنها بیرون از حوصلهٔ این کتاب خواهدبود.

سنگ قبردوّم که‌دروسط دوسنگ قبر دیگر قراردارد بنام حاجی خلیفه بوده اضلاع شمالی وجنوبی‌آن حاوی‌دوبیت عربی‌وسطح بالائی سنگ مشتمل بر اشعارفارسی‌است وبرجانب غربی یعنی طرف‌بالاسر جملهٔ عربی‌حاوی القاب‌وتاریخ وفات‌حاجی خلیفه (ربیع‌الاوّل سال‌۸۰۷هجری) رانوشته‌اند.

سنگ قبرسوّم که در طرف‌شمال دوسنگ قبر دیگر واقعست درون خاک فرورفته‌چیزی‌از آن‌معلوم‌نیست‌در گزارش‌آقای‌راد بنام‌علی‌خلیفه‌معرّفی گردیده وتاریخ‌آن باستناد تاریخ‌مذکور برتزئینات کاشیکاری بقعهٔ ۸۵٤ هجری تشخیص داده شده‌است وتاریخ‌کاشیکاری مزبور طبق گزارش آقای راد (مورّخ ۲۲ دیماه ۱۳۱۵) «ازروی‌کاشی معرّقی که‌دربالای‌سرقبر علی خلیفه بکار رفته وخوشبختانه سالم‌مانده‌است تعیین‌میگردد که‌مینویسد فی‌الثّانی‌من‌شهرالله الاصبّ‌رجب‌المرجّب سنة‌اربع وخمسین وثمان مائه»

درطرف‌جنوب بنا ایوانی‌بوده است که باستونهای آن به سبك پاستونهای ساختمان‌قبر شیخ‌یوسف درسروستان وبا پاستونهای ایوان خداخانهٔ مسجد جامع عتیق شیراز شبیه‌است ویك‌سنگ‌قبر قدیمی‌دیگر باخطّ ثلث‌عالی در همان ایوان

موجوداست ومعلوم‌مینماید که‌در زیرخاك‌های انباشته‌شده درآن‌ایوان سنگهای قبردیگری نیز وجود دارد.[۱]

۱٤ - راههای باستانی فارس

درشهریور ماه ۱۳۳۹ نسخهٔ فصلی‌ازکتاب راه‌سازی [۲] تألیف‌دانشمندگرامی جناب‌آقای مهندس احمدحامی استاد دانشگاه طهران ازطرف مؤلف ارجمندآن بدست‌نگارنده رسید که درآن راههای قدیمی ایران‌مذکورگشته ضمناً بدین‌نکته اشارت‌شده است که «باوجود تغییرمراکز قدرت درطول‌تاریخ ایران اهمیت‌راهها نیزتغییر کرده است ، بااین حـال مسیرشاهراهها تقریباً ثابت مانده وامروز هم‌اساس طرح شبکهٔ راههای ایران‌است ...»

درابتدای فصل‌مزبور راههای منشعب ازهمدان‌را ذکرنموده اندوقسمت‌بعدی مربوط‌براههای باستانی فارس است که‌بشرح زیرعیناً نقل‌میگردد :

«دوّم - راههای منشعب ازپازارگاد وتخت جمشیدوشیراز .

«۱- راه‌غربی: ازتخت جمشید پس‌ازعبور از رودِ کُرْ بحدود بیضا و کُوِیم واز آنجا درامتداد آب فهلیان به ارجـان(نزدیك بهبهان) وشوش‌میرفته است .

«۲ - راه‌جنوب غربی: ازشیراز به‌کازرون وازآنجا به بندر بوشهر و بندر گناوه متّصل میشده است .

«۳ -راه‌جنوبی : ازشیرازبه فیروزآباد(گوریاجورسابق)میرفته وازآنجا به‌بندر سیراف (حدودطاهری‌امروز) منتهی‌میگشته است .

«٤- راه‌جنوب‌شرقی : درنزدیك سدّ بهمن در کوار ازراه جنوبی جدا شده پس از گذشتن ازآبادشاپور (علی‌آبادامروز) وفساوداراب گـرد وطارم به بندر عبّاس‌میرفته . ازآبادشاپوروفسا یك‌شعبهٔ این‌راه ازطریق‌جهرم‌ولار به بندرلنگه متّصل میشده است .

---

(۱) در گزارش آقای راد (بسال ۱۳۱۵) ذکر شده است که درخـارج بقعه پنج سنگ قبـر است که از قرن هشتم ونهم هجری میباشد که هر کـدام از آنها دارای حجاری بسیار ممتاز وخطوط زیباست .

(۲) - چاپ‌طهران - ۱۳۳۷ شمسی

«۵ـ راه شرقی : از پازارگاد به هرات خوره و شهر بابك میرفته و از آنجا بر فسنجان و گواشیر و جیرفت منتهی میگشته است.

«۶ـ راه شمال شرقی : از پازارگاد به ابرقو (ابر کوه) به یزد و از آنجا از راه کویر به خراسان میرفته است .

«۷ـ راه شمالی : دو مسیر داشته راه تابستانی که از مائین به ایزد خواست میرفته و کوتاه تر بوده . راه زمستانی که از گردنهٔ کولی کش و ایزد خواست گذشته و از آنجا به قمشه (شهرضای امروز) و از طریق لنجان باصفهان متّصل میگشته است (راه امروزی از طریق لاشتر میگذرد .)

طبق تقسیم بندی بالا راه شوش به تخت جمشید از ارجان و فهلیان بجانب مشرق امتداد مییافته از کوهستانهای صعب العبور و مسکن قبایل سرسخت بویر احمدی کنونی میگذشته و از گوُیم بطرف بیضا و از آنجا بسوی جلگهٔ مرودشت میرفته و به تخت جمشید منتهی میگردیده است .

نگارنده ضمن توضیحات مربوط بآثار عهد هخامنشی مکشوف در تل حکوان (ص۸۴ و ۸۵) و در قسمت آثار فیروز آباد که اشاره بوجود قطعه ستونی از عهد هخامنشی در کنار امامزاده جعفر نزدیك مناره فیروز آباد نمود (ص۳ـ۱۰۱) و همچنین درموقع ذکر آثار تاریخی بالاده وجره (ص۱۳ـ۱۱۲) و بالاخره هنگام توصیف ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی در فهلیان (ص۱۳۶) چنین اظهار نظر نمودم که راه شوش به تخت جمشید از نواحی اخیرالذّکر میگذشته است و اینك هم با توجّه باینکه طبق نظر جناب آقای مهندس حامی (شماره ۳ قسمت سابق الذّکر) راهی از تخت جمشید به فیروز آباد و از آنجا به خلیج فارس وجود داشته است چنین میتوان نتیجه گرفت که معبر خاندان شاهی بین شوش و تخت جمشید بشرحی بوده است که در صفحات سابق الذّکر نقل گردیده و اگر از فهلیان به گوُیم و بیضا راه نزدیکی وجود داشته است صرفاً برای عبور لشگریان و مواقعی که ناچار از کوتاه کردن راه باهمهٔ دشواریهای آن بوده‌اند اختصاص پیدا میکرده است و البتّه راه تحقیق

و تجسّس دراین قسمت باقیست و اظهار نظر قطعی بستگی به بر رسیهای دقیق و مسلّم بیشتر دارد .

۱۵ - برخی اماکن باستانی نزدیك فسا وداراب وده بید و اطلاعاتی در بارهٔ آنها

دانشمند فقید سراورل استین انگلیسی که در زمستان سال ۱۳۱۳ به نواحی شرقی وشمال‌شرقی‌فارس مسافرت نموده به گمانه‌های‌علمی‌و تجسّسات‌باستان‌شناسی مختصری در آن نواحی مبادرت ورزیده است ضمن مقاله‌ای تحت عنوان گردش باستان‌شناسی‌درپارسه‌قدیم (۱) مندرج‌درمجلهٔ عراق (۲) گزارشی‌ازمسافرت‌خودرا انتشار داده است-برخی اطّلاعات که ذکر آن مناسب بنظر رسید ازمقالهٔ مزبور استخراج وبشرح‌زیر نقل میگردد :

تل ضحاکی درنزدیکی فسا (درابتدای صفحهٔ ۸۹ متن کتاب بآن‌اشاره‌شده است) مشتمل بر آثار عهد ساسانی تا زمـان سلطان ابوسعید مغول (۷۱۶ تا ۷۳٦ هجری) میباشد .

اماکن باستانی مختلف و گذرگاههای قدیمی بنامهای **قلعه‌گبری - معبر خیرآباد - تنگ‌خاور - نوبندگان - تل‌سیاه - کنگان - کمال‌آباد - زاهدان- نصیرآباد** ضمن گـزارش دانشمند مزبـور در بارهٔ ناحیهٔ فسا ذکر و معرفی شده است .

محلّ باستانی موسوم به **تل‌سیاه** بمسافت قریب یك کیلو متر و نیمی شمال غربی‌آبادی مَدَوانْ‌درحوالی‌داراب‌قراردارد و آثارماقبل تاریخی‌دردل خاك آن نهفته است ـ محلّ‌باستانی‌دیگری‌هم بنام **تل ریگی** نزدیك مَدَوانْ‌موجودوشامل آثار پیش‌از تاریخ‌میباشد .

ضمناً دانشمند نامبرده در گزارش‌خود اشاره باین‌قسمت نموده است که در

(۱) An archaeological tour in the ancient Persis

(۲) Iraq جلدسوم شماره ۲

راه تجسّسات و تحقیقات تاریخی و علمی وی در نواحی مورد ذکر مسعود خان راهنمائی و کمك فراوان کرده بسیاری‌از تپّه‌ها و آثارباستانی‌را بوی‌نشان داده و معرّفی نموده است.

در گزارش‌مزبور تصاویری ازاثر تاریخی شهرایج نزدیك اصطهبانات که درصفحات ۸۹ و ۹۰ متن کتاب اطلاعاتی در بارهٔ آن ذکر شده است واثر باستانی دیگری بنام‌قلعهٔ دختر که‌آنهم نزدیك اصطهبانات قرار دارد مندرج میباشد که آنچه مناسبتر برای‌ذکر دراین کتاب‌بود مورداستفاده واقع وضمن اشکال ۲۰۸ و ۲۰۹و ۲۱۰و۲۱۱ مندرج گردید.

در کنارشاهراهی که از ده‌بیدبطرف‌شیراز ادامه‌مییابدبیرون‌ده‌بید درسمت مغرب جاده (جانب‌راست) تپّه‌مصنوعی کوچکی دیده‌میشود که آنرا **قصر بهرام** میخوانند سراورل استین در آنجا مختصر کاوش علمی کرده در قسمتهای زیرین آثار پیش از تاریخ نمودار گشته است قسمت بالای تپّه هم مربوط به عهد ساسانی میباشد.

۱۶ - کشف ظرف سفالی مهمّ ما قبل تاریخ در منطقهٔ گلیان فسا

بطوریکه در صفحهٔ ۸۹ متن کتاب اشاره شد از سال ۱۳۳۷ باین طرف در تپّهٔ نزدیکی آبادی گلیان در ۲۰ کیلو متری فسا کاوشهای علمی بوسیلهٔ ادارهٔ کلّ باستان شناسی به تصدّی آقای فریدون تولّلی انجام گرفته ومیگیرد - گزارش جامعی از آثار ما قبل تاریخی مکشوف در آنجا و ویرانه های قلعهٔ ضحّاکی که درصفحهٔ ۸۹بدان‌اشاره‌شدازطرف‌آقای تولّلی درمجلهٔ باستان‌شناسی شمارهٔ اول - بهار و تابستان سال ۱۳۳۸ درج گردیده است - طبق گزارشهای شمارهٔ ۵۳-۳۹/۹/۲۷ و شمارهٔ ۹۲-۳۹/۱۱/۲۵ آقای تولّلی در آذرماه ۱۳۳۹ یك ظرف ماقبل‌تاریخی بزرگ و بسیار مهم از سفال سرخ‌فام متعلّق به هزارهٔ چهارم پیش‌از میلاد درآنجا بدست‌آمده است که ارتفاع آن ۵۲ سانتیمتر وقطر دائرهٔ

بزرگتر وسط آن ۵۰سانتیمتر میباشد و نقوش بسیار جالب توجّهی درسه مجلس بربدنهٔ آن ترسیم گشته‌است .یکی نقش‌شیر که به‌دوغزال حمله نموده است ـ دوّم نقش‌عقابی که دوپرندهٔ بزرگ رابدو چنگال خویش گرفته است ـ سوّم نقش نهنگی که درمیان چهارماهی قراردارد ـ آقای‌توللی نقش‌حملهٔ شیربه‌غزالها را بعنوان مرحلهٔ بدوی نقش برجستهٔ شیر و گاو عهد هخامنشی عنوان نموده نقش عقاب‌رانیز بالوحهٔ سنگ‌لاجوردی که‌در تخت‌جمشید کشف گردیده تصویرعقاب از دوران هخامنشی برآن نقر گشته است مقایسه کرده‌اند و ضمناً سه مجلس موردذکر رانمودار نیروهای سه گانهٔ‌زمینی وهوائی ودریائی دانسته‌نقوش‌مزبور رابا تمدّنهای سومر وعیلام مربوط شناخته‌اند واظهار امیدواری کرده‌اند که با ادامهٔ‌کاوشهای علمی فسااین‌نکته روشن‌خواهد شد که «آیادرسواحل‌شمالی‌خلیج فارس تمدّن باستانی دیگری با ارتباط به‌الام و بین‌النّهرین و هند قدیم بصورت اجتماعی و هنری مجزّا وجود داشته است ؟ وسر انجام پرده از نقشی که سواحل شمالی خلیج‌فارس درمیان این گاهواره‌های تمدّن‌قدیم برعهده‌داشته‌اند» برگرفته خواهد گشت .

چهارتصویر قلمی هم‌ازظرف‌مزبور همراه گزارش‌فوق ارسال شده است که دراشکال ۲۱۲ تا۲۱۵ مندرج‌میباشد .

۱۷ ـ پیدایش آثارعهدهخامنشی درنزدیکی فسا

درفروردین‌ماه سال۱۳۳٤ ضمن عملیات راهسازی در کنار جاده داراب و قره بلاغ در۳۰ کیلومتری فسا و۵ کیلو متری گلیان در ابتدای **تنگ مورد** در نزدیکی محلّی که‌مقسم نهرموسوم به **نهر حسن** است دو پارچه اشیاء مفرغی که کاملاً تصوّرمیرود آفتابه‌ولگن‌عهدهخامنشی‌است‌پیدا شد(۱) وبموزهٔ‌ایران‌باستان

(۱) اطلاعات فوق از گزارش‌شماره ۸۸۹۵ ـ ۸ر۳ر۳٤ که ازطرف آقای پیرزاده متصدی ابنیهٔ تاریخی فارس‌بعنوان ریاست ادارهٔ فرهنگ فارس‌مرقوم ورونوشت آن باادارهٔ کل باستان شناسی فرستاده شده‌بود اقتباس ومورد استفاده واقع‌شده است وطبق گزارش مزبور درگلیان و نوبندگان که ازنهر حسن‌مشروب میگردد آثار وبقایای‌مختلف وجوددارد .

ارسال گردید ودر آنجا نگهداری نمودند (ش۲۱٦) .

در پائیز سال ۱۳۳۹ نیزضمن کاوشهای علمی ادارهٔ کلّ باستان شناسی که بوسیلهٔ آقای فریدون توللی انجام‌میگرفت ته‌ستونی متعلّق بدوران هخامنشی از سنگ‌سیاه درچهار کیلومتری جنوب‌فسا کشف گردید ودرمجاورت آن‌سنگهای عظیم‌ومدوّر شبیه‌سنگها وزیر ستونهای تخت جمشید و پاسار گاد بصورت احجار جوش‌خورده کرشکی بطورشکسته ونیم‌شکسته از زیرسنگ بنای گچو سنگی متعلّق بقرن پنجم هجری ظاهر گشته بمسافت سه کیلومتری سنگهای‌فوق‌احجار عظیم‌دیگری هم‌دربرابر بقعهٔ‌معروف به‌امامزاده حسن(واقع‌درقریهٔ فیروزمراد) پیدا شده است وآقای توللی اظهار نموده‌اند که‌هخامنشیان بنای دیگری‌هم در مجاورت قریهٔ فیروزمراد داشته‌اند (۱)

با توجّه بمراتب بالا وآنچه قبلاً در بارهٔ آثار عهد هخامنشی قصر ابونصر وفرمشگان وفیروزآباد وسَرَوان مذکور افتاد میتوان اظهار عقیده نمود که کاخهای عهد هخامنشی در جلگه‌ها ونقاط مختلف سر زمین فارس وجود داشته مقرّ بزرگان یافرمانروایان محلّی یااستراحتگاه وشکارگاه شاهان وشاهزادگان بوده باشد وانتظار کشف چنین آثار در نقاط دیگر فارس نیز چندان بیمورد نخواهد بود .

دوست دانشمندم‌آقای سامی هنگام بازدید بقعهٔ خلیفه درخفر که در صفحات پیشین (قسمت ۱۳ذیل) توضیح آن گذشت‌مسافرت‌خودرا تاجهرم ولارادامه داده واطلاعات مفیدی دربارهٔ آثارتاریخی دیگرموجود درآن نواحی نوشته وارسال داشته اندکه عیناً دراینجا نقل میگردد :

---

(۱) مطالب بالا ازگزارش شمارهٔ ۵۲ ـ ۱۳۳۹٫۹٫۲٤ آقای فریدون توللی بعنوان ادارهٔ‌کل باستان‌شناسی استخراج‌واستفاده شده‌است ـ نگارنده‌وظیفهٔ‌خود میدانم ازهمکاری ومساعدت اولیای محترم ادارهٔ مزبور که در راه هدف مشترك در این مورد مبذول فرموده اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم .

۱۸- آثار یك سدّ ساسانی در راه بین جهرم ولار

« درفاصلهٔ سی کیلومتری مانده بجهرم طرف دست‌چپ آثار یك سدّبزرگ سنگی مرتفع کـه قسمتهائی از آن هنوز بر جـا مانده مربوط بدورهٔ ساسانیان موجود است که در زمستان وبهار آب سیلاب کـوهستان در پشت‌آن جمع ودر تابستان برای زراعت اراضی جنوبی مورد استفاده قرار میگرفته است وبااراضی قطب‌آباد ۱۲ کیلومتری فاصله دارد ».

۱۹- بازار قیصریهٔ لار(۱)

« بازار قیصریّهٔ لار یکی از بناهای مهمّ تاریخی فارس است کـه از لحاظ صنعت معماری وسبك‌کاراهمّیت فراوانی را حائز میباشد ومعروف است که‌بازار وکیل شیراز را کریمخان زند از روی‌آن بازار ساخته است با این فرق کـه بازار وکیل از آجر و بازار لار همه از سنگ میبـاشد و چهار بازار متقاطـع بیك‌اندازه وهر کدام ۲۴دهانه دکان دارد . دکانها هر کدام ایوانی درجلوداشته وسه متر عرض دهانهٔ آن میباشد . درکهای سابق حجره‌هـا در جوف سقف بین ایوان جلو وجزو حجره تعبیه شده کـه جـای آن بخوبی مشهود ولی متأسفانه بیشتر ازایوانها را جزو حجره‌ها کرده وفقط چنددهانهٔ‌آن با درکهای قدیمش باقی مانده است .

« چهار سوق بازار هشت ضلعی ودارای یك طاق گنبدی بارتفاع درحدود ۱۸ متر ووسعت ۱۳/۵ × ۱۳/۵ متر با نمـائی هفت و پنج از سنگهای پاك تراش میخکی میبـاشد کتیبه‌ای بخطّ نستعلیق در بالای چهـارسو در هشت سطر بطور برجسته در سنگ نقر گردیده است که تقریباً سالم ومنتهی باین‌اشعارمیباشد :

(۱) در صفحهٔ ۹۴ کتاب از بازار وکاروانسرای مهم وعالی لار که بنام قیصریه خوانده میشود ذکری بمیان‌آمده است واینك اطلاعات جامع ومفیدی که آقای سامی نوشته‌اند بشرح مرقوم نقل میگردد .

شکر خدا که باز بتأیید کردگار — درعهد پادشاه‌جهان سایهٔ خدای
عباس‌شاه آنکه زخاك‌درش مدام — کسب سعادت ابدی میکند همای
از یُمن‌عدل‌خان‌زمان آنکه‌از کفش — خجلت‌بر دمحیط‌چو گیر دره‌سخای
ویران سرای لار بسعي وزیردهر — دستور بحرخاطر‌ودارای‌مهر رای
قنبرعلي بيك آنكه از آئينهٔ دلش — درغیرت ابد شده‌جام‌جهان‌نمای
مأمور شد چنانکه ... است چند — ... ی ز بهر ساختن آشیانه جای
از قیصریه‌ای که هوای فضای او — چو نان‌نسیم‌باغ بهشت‌است‌غم‌زدای
تاریخش‌ازخردطلبیدم‌جوادگفت — دارالامان لارشد احیا ازین بنای

«دور چهار سویك غلام گردش دارد که از لحاظ معماری مهمّ وخودمزیّت دیگر این بازار را بر بازار وکیل شیراز تأیید مینماید. از کتیبهٔ بالای در ورودی قسمت غربی بازار چنین مستفاد میشود که در عهد ناصرالدّین شاه قاجار توّسط فتحعلی‌خان گراشی بسال۱۳۱۰ هجری قمری تعمیر وشاید تجدید قسمتی از بنا گردیده است. نوشتهٔ نامبرده بدین شرح است:

الملك لله. در عهد سلطنت پادشاه عادل ناصرالدین شاه بتأیید الهی فتحعلی خان جراشی موفق بساختن‌این بنای عالیه‌گردید درشهرشعبان۱۳۱۰ سمت اتمام پذیرفت.

«در وسط شهر یك میدان بزرگ بنام قیصریّه که ایوانی با ستون درجلو داشته ولی اکنون آن ایوان وستونهایش از بین رفته است ودر جنوب همین میدان یك تیمچه بنام (سرای گلشن) میباشدکه‌آن نیز ایوانی است دورا دور وجلو حجرات تجارتی داشته ودر زلزلهٔ اخیر چهار پنج ستون‌آن بخارج‌پرتاب گردیده است، لار از شهرهای قدیمی فارس وسابق براین پرجمعیّت‌تر ازحال بود، جلگه ای که شهر را تشکیل میدهد با کوههای کم ارتفاعی محصور و مخصوصاً کوه غربی وصل بشهر است روی آن ساختمانی است بنام مادر نادر و برای وجه تسمیه‌اش چنین روایت میشود که وقتی نادر در تعقیب افغانها در لار بوده مادرش فوت مینماید برای احترام و آنکه بنادر فهمانده شود که مادرش مرده لاریها این بنا را بدان نام میسازند.

«رودخانهٔ خشکی دروسط شهراست که سیلابهای زمستانی و بهاررا بخارج میبرد . چیزی که درشهرلاردرهمه جا جلب توجه مینماید یکی آب انبارهای بزرگ است که اغلب دارای بیست مترقطروبسیارعمیق است و با طاقهای گنبدی مسقف گردیده این آب انبارها از آبهای باران زمستان پرمیشود وذخیرهٔ منبع آب مصرفی تابستان و پائیزی مردم میگردد . دیگری بادگیرهای خشتی و آجری است که برفراز بامخانه‌ها تعبیه گردیده است . درختان نخل ـ گز ـ اقاقیا ـ ابریشم ـ کائوچو ـ مرکبات از درختان بومی لاروخضرت وطراوتی بخیابانها ومنازل داده است .

«زلزلهٔ چهارم اردیبهشت ماه ۳۹ قسمتی از خانه‌های شهرو مخصوصاً مسجد جامع آنجا را که از لحاظ معماری وسبك بی اهمیت نبوده است خراب نمود ولی به‌بناهای محکم ومخصوصاً بازار آسیبی‌واردنساخت . شهرجدید که از طرف شیروخورشید سرخ ودولت باخانه‌های آهنین وسبك وزن ساخته میشود دراراضی جنوبی جلگهٔ لاردامنه کوه کراشی جائی بنام تنگ اسد واقع گردیده کـه باشهرفعلی شش کیلومترفاصله دارد(بین قریهٔ خوروقریهٔ باین درراه لاربه بستك .)

« در کنارخیابان سی‌متری‌شمالی‌شهر تازه‌ساز یك تپّهٔ ماقبل تاریخی‌بوسعت ۸۰×۱۰۰متر وارتفاع در حدود ۱۰متر وجود دارد که در شهریورماه ۳۹ضمن تسطیح خیابان نامبرده چند ابزار سنگی تراشیده مانند دستهٔ جوقن و سنگهای سلاح و رنگ وپاشنه در که تراش قابل توجّهی ندارد پیدا گردید بعلاوه روی تپّه شکسته‌های سفال ما قبل تاریخی بچشم میخورد ، کاوشهائی که بعداً توسط کارشناسان فنّی باستانشناسی در اینجا بعمل خواهدآمد قدمت آنرا بتحقیق‌معلوم خواهد ساخت (تپّهٔ نامبرده ۱۲۰۰ متری قریهٔ لاین و پنج کیلو متری جنوب شهرقدیم‌لارقرار گرفته است) ازشیراز تا لار درحدود ٤۰۰ کیلومتر وجهرم در بین راه قرار گرفته است »

۲۰ ـ اطلاعات رسانر پیرامون بنای تاریخی گوردختر و گزارشهای مربوط بآثار باستانی دیگر ناحیهٔ سرمشهد (نقاره خانه ـ آتشدان سنگی قنات باغ)

درذیل‌صفحات۱۱۶ تا ۱۲۰ متن کتاب دربارهٔ آثارتاریخی سرمشهداطلاعاتی که تا موقع‌تدوین متن مزبوربدست‌آمده و فراهم گشته بود مذکورافتاد و درمواردی چند اشاره بوجودآثارتـاریخی و اماکن باستانی ناشناس مانده درناحیهٔ مزبوروازوم بازدیدها وبررسیهای بیشتر گردید واز جمله‌ضمن

اشاره به بنای گوردختر (صفحهٔ ۱۱۸ متن کتاب) یادآور شد که **چنین بنظر میرسد بنای مزبور از دخمه های آغاز دوران هخامنشی شبیه آرامگاه کورش یا تخت گوهر یا کعبه زرتشت باشد** ودرعین حال موضوع را شایستهٔ تحقیق وتجسس علمی دانسته بود.

خوشبختانه آقای پرفسوروواندنبرگ بلژیکی که درموارد متعدد متن کتاب اشاره به تحقیقات تازهٔ اودربارهٔ آثار تاریخی فارس شده است(صفحات ۸۷ و۹۳ و۹۵ و۷ ـ ۱۰٤) درزمستان ۱۳۳۹ بنواحی جره وسرمشهد وفراش بند مسافرت نمود وموفق به بازدید وعکس برداری از بنای تاریخی گوردخترهم شد وپس از بازگشت خود بطهران در روزهای اول بهمن ماه ۱۳۳۹ اخبار مربوط به بازدید بنای نامبرده را باعکسهای آن درروزنامه‌ها منتشرساخت ومعلوم گردید همانطور که نگارنده درانتشارات مختلف قبلی ازروی احتمال وقرائن اظهارنظرنموده بودم بنای گوردختراز آرامگاههای آغاز دوران هخامنشی ومربوط به یکی از پادشاهان سلف این سلسله پیش از کورش کبیرمیباشد(۱).

پرفسورواندنبرگ از نظرهمکاری ومساعدت درتحصیل اطلاعات مندرج دراین کتاب گزارش خصوصی حاکی از جریان مسافرت خود بنواحی مورد ذکررانوشته بضمیمهٔ عکسهای چند باختیار اینجانب گذاردند واینك باعرض تشکراز این محبت و مساعدت بمورد ترجمهٔ گزارش مزبوررا ذیلا مینگارد:

«تجسسات باستانشناسی در جنوب ایران ـ زمستان ۱۳۳۹»

«تجسّسات باستانشناسی که پرفسور لوئی و اندنبرگ عهده‌دار بوده واز زمستان ۱۳۳۰ ببعد در انجام آن کوشیده است با استفاده از اعانهٔ بنگاه موقوفهٔ دانشگاهی بلژیك و کمکهای ادارهٔ کلّ باستانشناسی ایران صورت میپذیرد و منظور آن اجرای منویّات ذیل میباشد:

الف ـ طرح و تهیّهٔ نقشه‌های باستانشناسی مشتمل بر اماکن باستانی که بوسیلهٔ نام مشخّص آنها معلوم گردد و تعیین ادواری که اماکن باستانی مورد ذکر مربوط بآن میشود.

ب ـ گمانه زنی در تپّه‌های پیش از تاریخ.

ج ـ تهیّهٔ طرح ونقشهٔ ابنیهٔ قدیمی که تا کنون ناشناس مانده است.

(۱) نگارندهٔ کتاب درفروردین ماه ۱۳۲۹ که بهسرمشهد رفته بودم ازوجود بنای تاریخی گوردختراطلاع یافتم ودرمقالهٔ مربوط به سرمشهد تحت عنوان قالبگیری از کتیبهٔ سرمشهد مندرج درشمارهٔ دهم سال ۲٤ (تیرماه ۱۳۲۹) مجلهٔ آموزش وپرورش برای نخستین باراطلاعاتی‌را که ازبنای گوردختربدست آورده بودم منتشرساختم وبشرح مذکوردرمقالهٔ نامبرده براثراشکالات ومحظوراتیکه درآن هنگام وجود داشت شخصاً توفیق بازدید اثرتاریخی مزبوررا پیدا نکردم.

در نتیجهٔ تجسّسات مزبور اطّلاعات صحیحی پیرامون تمدّنهای گوناگونی که متعاقب یکدیگر در نواحی مورد ذکر مستقر بوده است وهمچنین در بارهٔ گسترش وفایدهٔ هر یك از تمدّنهای نامبرده بدست میآید.

در زمستان ۱۳۳۹ تجسّسات پرفسّور واندنبرگ اصولاً درناحیهٔ واقع در مشرق جادّهٔ کازرون وبرازجان که در مغرب جادّهٔ قدیمی بین فیروزآباد وبندر طاهری قرار میگرفت انجام پذیرفت.

در زمستان سال ۱۳۳۸ پرفسّور واندنبرگ تمام طول جادّهٔ باستانی اخیرالذّکر راپیمود ودرمحلّ معروف به کُنارْ سیاه یکیازبزرگترین مجموعهٔ ساختمانهای آتشکدههای ایران را یافت ـ ناحیهای که مورد تجسّس و بررسی قرار گرفت بندرت اماکن پیش از تاریخ را در بر دارد وطیّ سال ۱۳۳۸ این معنی باثبات رسید(۱) ـ برعکس بقایای عهد ساسانی و آثار دورهٔ آغازاسلامی در نواحی مزبور فراوانست.

مهمترین بنائی که پرفسّور واندنبرگ در زمستان سال ۱۳۳۹ کشف‌نمود آرامگاهی از عهد هخامنشی بنام گور دختر است که در جنوب حسین آباد (واقع در جنوب غربی جرّه) قرار دارد ـ آرامگاه مزبور بوسیلهٔ تختهسنگهای بزرگی کهبدون ملاطبرروی یکدیگر استوار گردیده است ساخته شده مشتمل بر بنای مستطیلی شکل با بام شبیه شیروانی میباشد که بر فراز سکّوی سنگی سه پلّهای بنیاد نهادهاند (شکل ۲۱۷ و ۲۱۸) اطاق آرامگاه بوسیلهٔ در سنگی یك پارچه مسدود میشد که امروز از میان رفته است.

آرامگاه گوردختر شباهت فراوان بهآرامگاه کورش در پاسارگاددارد بدین معنی که آنرا بههمان هیئت آرامگاه کورش واز تخته سنگهای بزرگ ساختهاند وطرز کار وحجّاری آن نیز از نوع کار هخامنشیان است ـ باوجوداین از نظر ابعاد وجزئیّات بناباآرامگاه کورش تفاوت دارد چنانکه ارتفاع آرامگاه

(۱) توجه خوانندگان ارجمند را به نظریهٔ آقای توللی در قسمت ۱۶ ذیل که تلو صفحهٔ ۳۶۵ نقل گردیده است جلب مینماید.

کورش مجموعاً با سکّوی زیر آن متجاوز از ده متر است امّا ارتفاع آرامگاه گوردختر مجموعاً بیش از ٤/٥ متر نیست ـ اطاق اصلی آرامگاه کورش به‌بلندی بیش از پنج مترمیباشد ولکن در بنای گوردختر ارتفاع اطاق اصلی از ۳/٥ متر تجاوز نمیکند ـ اندازهٔ داخل اطاق آرامگاه کورش ۲/۲۰ × ۳/۲۰ × ۲/۱۰ متر است و اندازهٔ داخل اطاق آرامگاه در گور دختر ۱/٥ × ۲/۲۰ × ۲ متر میباشدآرامگاه کورش برفراز پایهٔ شش پلّه‌ای قرار دارد درصورتیکه آرامگاه گوردختر را بر بالای پایهٔ سه پلّه‌ای استوار نموده‌اند .

هر چند در تعلّق داشتن آرامگاه گور دختر بدوران هخامنشی جای کمترین تردیدی نیست لکن انتساب آن به یك پادشاه معیّن امری دشوار است زیرا بنای مزبور نبشته ندارد ـ شاید بنای مورد ذکر به یکی از اسلاف کورش کبیر یعنی چیش پش یا کورش اوّل تعلّق داشته است ـ شهریار اخیر پدربزرگ کورش کبیر بوده بنا بر نبشتهٔ آشور بانی پال در سال ٦۳۹ پیش ازمیلاد پادشاه پارسواش ـ پارسه ـ خوانده شده است .

آرامگاه مورد ذکر بدون کمترین تردید نمونهٔ قدیمتر آرامگاه کورش بوده شاید براثر بررسی دقیق بهتر بتوان وضع تاریخی آنرا مشخّص نمود .

پرفسورواندنبرگ علاوه بربنای گوردختر پنج آتشکدهٔ دیگراز عهد ساسانی را نیز درمیان ویرانه های متعدّد عهد ساسانی واقع در جنوب فرّاش بند کشف نمود ـ بنظردانشمند مزبورآتشکده‌های‌مورد ذکر که مربوط بعهدساسانی است شاید همان پنج آتشکده ای باشد کـه بوسیلهٔ مهرنرسی وزیر بهرام پنجم شاهنشاه ساسانی‌احداث گردیده‌بوده است(۱) بنای آتشکده‌های‌پنجگانه‌مکشوف از سنگ لاشه‌های طبیعی وملاط گچ بوده مشتمل بریك چهاراطاقی که جایگاه عبادت عموم‌بوده است واطاق مسدودی که‌آتش مقدّس‌رادرآن حفظ مینموده‌اند میباشد .

(۱) طی صفحات ۱۱۲ تا ۱۲۰متن کتاب دربارهٔ‌آنها توضیح داده شده است .

پرفسورواندنبرگ پس از انجام تجسّسات موسمی اخیرخود میتواند نقشهٔ باستان شناسی راههای باستانی راکه درعهد ساسانیان درقسمت جنوب فارس‌دائر بوده است ترسیم نماید .»

علاوه برآنچه در گزارش فوق ذکرشده است آقای پرفسور واندنبرگ ضمن توضیحات شفاهی اطّلاعات زیررا نیز دراختیارنگارنده کتاب گذاردند :

درمثلّث واقع بین فرّاش بند و کُنارسیاه(۱) و کراب(۲) چارطاقی بزرگی‌از آتشکده‌های عهد ساسانی بنام نقاره خانه موجود است(ش ۲۱۹) که مشخّصات آن بشرح زیرمیباشد :

درازای بنا ۱۰/۹۰متر- پهنای‌آن ۸/٤۰ متر- ارتفاع تمام بنا ۹/۶۰ متر.

طول هریك از پایه های شمالی بنا ٤/۵۰ متر - طول هریك از پایه های جنوبی‌آن ۲ متر- فاصلهٔ هردهانه بین دو پایهٔ چهارطاق ٤/۸۰ متر.

ضمناً طبق اظهاردانشمند مزبورآتشکدهٔ موسوم به تون سبز (که‌درصفحهٔ ۱۱۵متن کتاب‌بآن‌اشاره شده‌است) اکنون اساساً وجودندارد وبشرحی که گذشت بعقیدهٔ ایشان احتمال میرودآتشکده های مهرنرسی(درصفحات ۱۱۲تا ۱۲۰متن کتاب توضیحات مربوط بآنهاذکر گردیده است) عموماً درهمین ناحیه واقع‌بوده باشد و در اینصورت آتشکدهٔ نزدیك کازرون از جملهٔ آنها بشمار نمیرود و نام کُنارسیاه که‌حاکی‌ازبودن‌درخت کُنار(سدر) کهن‌سال‌است باآنچه‌برای‌احداث باغها وکاشتن درختها دربارهٔ مهرنرسی نوشته‌اند(صفحهٔ ۱۱٤متن کتاب)بی ارتباط بنظرنمیرسد .

راهی که پرفسور واندنبرگ برای رسیدن به سر مشهد پیموده غیر از راههای دوگانه **چاه انجیر** و**دار بلوط** بوده است زیرادوراه مزبور(که‌درصفحهٔ

(۱) واقع درجنوب غربی فیروزآباد - بین فراش بند و فیروزآباد - درصفحهٔ ۱۰٤متن کتاب ضمن نقل قسمتی ازگزارش مسافرت پرفسور واندنبرگ درزمستان سال ۱۳۳۸ اشاره بآن شده است .

(۲) واقع درجنوب غربی فراش بند وجنوب شرقی کنارسیاه .

۱۱۶متن کتاب مذکور گردید) برای عبوراتومبیل عملی و قابل استفاده نیست بلکه از راه حسین‌آباد که در جانب جنوب غربی جره و جنوب شرقی سر مشهد واقع میباشد به محلّ اخیررسیده مسافت بیشتری را پیموده است وضمن عبوراز همین راه درمحلّ موسوم به **قنات باغ** آتشکدهٔ سنگی بسیارزیبا و جالبی از عهد ساسانی‌را کشف نمود که‌آتشدان مستطیل‌سنگی بصورت‌شبیه به‌سه‌پلّه‌برفرازپایهٔ سنگی بلندی قراردارد(ش ۲۲۰) آتشدان مزبور طوری بربالای‌پایهٔ سنگی‌نصب شده است که قسمت شبیه پلّهٔ آن روبیالا قرار دارد وبدین ترتیب محلّ‌آتش که گودال وسط آتشدان باشد درطرف پائین واقع گردیده است ـ دانشمندمحترم آقای علی حاکمی مدیرموزهٔ ایران باستان که دربارهٔ آثارادوارتاریخی ایران (هخامنشی تا ساسانی) تحقیق و تتبّع زیاد کرده اند نیز معتقدهستند که‌آتشدان مزبوربطورمعکوس نهاده شده وآنچه برروی سکّه‌های ساسانی برای نمودن‌نقش آتشدانها دیده میشود نیز مؤیّد این امراست و طبعاً نهادن‌آتش درون گودال که بصورت فعلی درزیر آتشدان واقع شده میسّرنبوده است.

بقراریکه پرفسورواندنبرگ نقل‌مینمودندآتشدان مزبورا کنون بصورت امامزاده و محلّ متبرّك درآمده مورد اعتقاد و حرمت مردم است و یقیناً علّت باقی بودن‌آنهم‌چیز دیگری نیست ودراین باره باید گفت مانندآرامگاه کورش وآتشدان سنگی واقع درسیدان (صفحات ۱۸و ۱۹ متن کتاب) و بسیاری آثار باستانی دیگرایران که مربوط به ادوارپیش از اسلام است ادامهٔ اعتقاد و سنّت احترام امکنهٔ مقدّسهٔ پیش از اسلام بصورت وعنوانی دیگردردورهٔ اسلامی باعث حفظ و نگهداری بسیاری از اینگونه آثار ملّی تاریخی و مذهبی ایران کهن گردیده است.

مشخّصات آتشدان مزبوربدینقرارمیباشد :

ارتفاع پایهٔ آتشدان که از خاك بیرون‌آمده است ۱/۱۵متر

قسمتی از پایه که درون خاك فرورفته است ۲۵ سانتیمتر

بلندی هریك ازپلّه‌هایادندانه‌های سه گانهٔ آتشدان سنگی۱۰سانتیمتر

مجموع ارتفاع تمام آتشدان	۱/۷۰ متر
پهنای پایه	۳۵ سانتیمتر

خاورزمین - بربابابیگی - بر خطیری - دهن شاه سلیمان - جلگهٔ بسپر تل شغالی - تل خندقی - گوشك - تخته آب شیرین

پس از انتشار گزارش پرفسورواندنبرگ که از طرف ادارهٔ کل باستان شناسی برای بازدید و بررسی مجدد وکاملتر آثارتاریخی نواحی مزبوراقدام وبادارهٔ باستان شناسی فارس دراین باره دستور داده شد و درانجام این مأموریت آقای فریدون توللی درآخرین روزهای بهمن ۱۳۳۹ به محلهای مورد ذکرعزیمت وآنهارا بررسی نموده وگزارش جامع ومفیدی بادارهٔ کل باستان شناسی (طی شمارهٔ ۱۰۳-۲۲ر۱۲ر۱۳۳۹) فرستاده‌اند که باحذف برخی جملات برای مزید افاده ذیلا نقل میگردد:

«حضورمحترم جناب آقای اجودانی - مقام مدیریّت کلّ باستانشناسی»

«پیرونامهٔ شمارهٔ ۹۵-۳۹/۱۲/۳ موضوع بازدیدازمقبرهٔ معروف بگوردختر و آتشکده‌های مجاور آن باستحضار خاطرشریف میرساند:

درتاریخ ۳۹/۱۱/۲۵ پس از آنکه وسائل مسافرت اینجانب و همراهانم از طرف همکار گرامی جناب آقای سامی ریاست محترم ادارهٔ باستانشناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید فراهم گردید درامتثال دستورآنجناب عازم کازرون گردیدم وسپس دربامداد روز بعد درحالیکه دریاچهٔ فاموررا دردست چپ خود داشتم راه نواحی جنوب غربی این شهرستان را درپیش گرفتم.

از کارکنان و کارگران ورزیدهٔ بنگاه علمی تخت جمشید در این سفر علیمراد برزو ومرادکارگربا اینجانب همراهی داشتند که اتفاقاً هردوقبل ازاین درمعیّت افراد ومیسیونهای قبلی ازآن دیاردیدن کرده بودند.

علاوه براین دونفرسیدمحمّد مقنّیان سرکارگرکاوشهای علمی فسانیز همسفر مابود تا درموارد لزوم هیئت را درانجام کمانه زنیهای کوتاه متفرّقه یاری دهد.

هیئت ماکه با استحضار قبلی از دشواریها و مخاطرات راه و بیراهه‌های مال‌روی آن‌حدود دریك دستگاه لندرورمحکم ومجهّز طی‌طریق میکرد بالاخره

موفّق شد که ۱۳۳ کیلومتر مسافت فیما بین کازرون و سرمشهد را با گذرانیدن یك روز بارانی عجیب بپیماید و سرانجام با پشت سر گذاشتن کوهستانهای صعب العبور و پرتگاهها و سیلابها و رودخانه های خطرناك که گذشتن از آن بی‌دیدار مرگ میسّر نبود شبانگاه این روز را در خاربست‌ها و کومه‌های بی درو پیکر سرمشهد باستراحت پرداز دوشك نیست که بنظر اینجانب از انعکاس مجمل شدائد جز این نیست که این وقوف سایر همکاران گرامی‌را نیز در انجام مأموریّتهای احتمالی آینده باین حدود بکار آید.

آبادیهای این راه جز دهکده‌های مُله اَرّه و **قلعه مشیر** و **قصبهٔ جره** و **قریهٔ حسین آباد** همه دوراز جادّه قرار گرفته ودر آبادیهای فوق الذّکر نیز ساختمان گلی وسنگی کمتر بچشم میخورد باین معنی که قالب کلبه‌ها و سراچه‌های روستائی را از یکنوع نی معروف به **لمبان** برافراشته وحیاط این سایبانهای بی‌درو پیکر را نیز با پرچین هائی از شاخسار پرتیغ کُنارْ محصور داشته اند با اینهمه بقایای ابنیهٔ مخروبه وشالوده‌های سنگی دوران ساسانیان نه تنها اطراف این دهات را بحد وفور دربر گرفته بلکه از شهرستان بزرگ کازرون تا آبادی شش خانواری سرمشهد کمتر نقطه‌ای را از کثرت آثار و اتلال باستانی مزبور بی نصیب میتوان یافت.

دراین میان آنچه شایستهٔ کمال دقّت وقابل انجام هر گونه کاوش و گمانه‌زنی و تحقیقات علمی است اتلال کثیر دوشهر باستانی مخروب ومدفون است که هردو درجلگهٔ وسیع سرمشهد قرار گرفته و بقرار اظهار اهل محل ظاهراً در چهارسال قبل یکنفر قاچاقچی آثار عتیقه نیز بنام مینائی یزدی ماهی چند با تعداد زیادی کارگر ووسائل لازمه دراین دو نقطه مشغول استخراج عتیقات بوده است باآنکه اینجانب بشخصه از محلّ کاوشهای قاچاق مورد بحث وعمارت گچ وسنگی مکشوفه درآن اتلال بازدید نمودم و کدخدای محل را به لزوم گزارش فوری این قبیل اتّفاقات متذکّر ساختم باز جای آن است که ازطرف ادارهٔ کلّ باستان شناسی نیز دراین باره اقدامات لازم معمول گردد.

بهرحال یکی از این دوشهر باستانی را اهالی محل بنام **خاور زمین** مینامند ودیگری رابدین مناسبت که درمجاورت کاروانسرا سنگی مخروبه‌ای بنام **بابابیکی** واقع است **بَربابابیکی** نام نهاده‌اند وواژهٔ **بَر** دراصطلاح آنان به تپّه وتل اطلاق میشود. بطور خلاصه آثار کاوشهای قاچاق مینائی یزدی راهم اکنون نیز دراتلال **خاور زمین** و **برخطیری ودهن شاه‌سلیمان** و **بَربابابیکی** میتوان بوضوح مشاهده نمود وبطوریکه درمحلّ گفته میشود ظاهراً مستخرجات این کاوشهای قاچاق را که باسوءاستفاده از پرت بودن محل و جهل مردم و نبودن هیچگونه پاسگاه ژاندارمری یا مؤسّسه دولتی در آن نقاط از یاد رفتهٔ کشور صورت میگرفته است مینائی مزبور وسیلهٔ شتران بارکش از طریق بیراهه بخارج میبرده و حتّی درمواقع انجام حفّاری نیز از نزدیك شدن ساکنین آن حوزه به کارگاهها جلوگیری میکرده است. و **امّا جلگهٔ** سر مشهد که بطول تقریبی ۳۰ و عرض تقریبی ۹ کیلومتر بقایای این دو شهر باستانی را دربر گرفته است از شمال به دالکی و از جنوب به‌فراشبند و از مشرق بکوهستان **بره‌سه** و از مغرب به کوهستان **سروك** محدود میباشد وهمین کوه اخیر است که میان جلگهٔ سرمشهد را باجلگه بُسپر (بروزن گُلپر) فاصله افکنده ودسترسی به‌مقبرهٔ **گوردختر** وآتشکده‌های دوگانهٔ جلگهٔ اخیر را جز ازطریق کوه پیمائی وپیاده روی درارتفاعات دشوارساخته‌است.

بهرحال هیئت ماپس ازاستراحت یکشبه در کومه‌های سرمشهد واستحضار از لزوم کوه پیمائی روزبعد بامداد فردا را عازم **جلگهٔ بُسپر** گردید درآن روز نخست به تخفیف بارها وبرداشتن ابزارکاروحد اقلّ مایحتاج دو روزه پرداختیم وسپس با پیمودن سه فرسنگ راه کوهستانی صعب‌العبوروخطرناك جبال **سروك** راپشت سر گذاشته و مقارن‌شامگاه به جلگهٔ باستانی بُسپر فرودآمدیم. دراین جلگه نیز شالوده‌ها وسنگ بندها وآثارو اتلال کثیری از ادوارباستانی بچشم میخورد و بیننده را بر آبادی کامل آن منطقه در ادوار گذشته مطمئن میساخت بااینهمه درپایان آن روز بعلّت‌خستگی مفرط مجال وقدرت تحقیق برای هیچیك از ما باقی نمانده بود ناچار با پیمودن عرض جلگه شب را درسیاه چا در کلانتر

طایفهٔ قرم شملوبروز آوردیم وصبح روز بعد پس از بازدید اتلال بزرگ وقابل کاوش این جلگه بنام **تل شغالی** (ش - ۲۲۱) **وتل خندقی** و انجام گمانه زنیهای کوتاهی دراین دو تپّه عازم دیدار **گوردختر** شدیم.

این مقبرهٔ سنگی که وجودآن قبل از اظهارات اخیرپروفسورواندنبرگ وسیلهٔ باستان‌شناسان ایرانی ضمن‌درج مقاله‌ای‌مربوط به‌استامپاژپرفسورهنینگ انگلیسی از کتیبهٔ‌سرمشهد دریکی ازنشریّه‌های‌یونسکواعلام گردیده(۱) ازلحاظ ظاهرشباهت بسیاری به‌مقبرهٔ کورش کبیردارد و دروضعی ساخته شده که درگاه کوتاه آن درست روبشمال غربی باز میشود(ش - ۲۱۷). اطاقك مقبره وسقف و محمولات فرازسقف آن جمعاً از۱۹پارچه سنگ مختلف الابعاد تشکیل‌یافته که ازآن جمله یك پارچه سنگ ذوذنقه شکل تارك عقب مقبره را در همین سنوات اخیرجمعی از عشایربیابانگرد فرودآورده ودرشکسته‌اند. گفته میشود که‌غرض آنان دست یافتن به گنجی بوده که به‌پندارایشان‌درسقف مقبره جای داشته ودر راه انجام این خیال که وسیلهٔ طناب پیچ کردن سنگ واستفاده از کشیدن‌دنبالهٔ طناب بمدد شتران زورمند بوده است دو شتررا نیز با درافتادن سنگ بهلاکت رسانیده‌اند ولی نتیجهٔ این کوشش‌جاهلانه هم اینك یك مسئله‌علمی‌را درنظرگاه تحقیق باستان شناسان قرار داده وآن یك سنگ تراشیدهٔ مقعّراست که بصورت ناودانی واژگونه بربام مقبره قرار گرفته(ش - ۲۱۸)وبرخلاف خلاءهای‌دوگانهٔ موجود درسنگ بام مقبرهٔ کورش کبیرفاقد هرگونه راهی بخارج بوده است، با اینهمه تراش داخل این نیم استوانهٔ سنگی مجوّف که بربام مقبرهٔ گوردختردر جهت شمال غربی‌وجنوب شرقی‌قرار گرفته چنان است که میتوان تنگنای‌داخل آنرا جایگاه نعش پنداشت ودراین صورت لازم میآید که مقبره را قبل از دفن جنازه ناتمام گذاشته وسپس‌سنگ ذوذنقه شکل‌را بردهانهٔ عقب‌آن استوار کرده

---

(۱) مقالهٔ سابق‌الذکرنگارنده که درمجله‌آموزش وپرورش - شمارهٔ مربوط به‌تیرماه۱۳۲۹ درج گردیده بود مقارن همان اوقات در مجلهٔ یونسکودرتهران که نشریهٔ کمیسیون ملی یونسکو در ایرانست نیز منعکس شده است.

باشند ، باآنکه برخی از مهندسین امروز مجوّف بودن منشورسنگی سقف مقبرهٔ کورش را دلیل توجّه پیشینیان به‌اصل(سبك کردن وزن بنا)دانسته ووجودمدفن اصلی رادرسقف مقبره مورد انکارقرارمیدهندنظریّهٔ مزبوررا بآسانی قبول نمیتوان کرد خاصّه‌آنکه درمقبرهٔ گوردختراین(تجویف)بصورت دیگری صورت گرفته و چنین مینماید که سقف مقبرهٔ مزبور را برخلاف مقابر موجود دربام‌آرامگاه کورش کبیر کـه ازآن شاه و ملکه بوده است فقط بمنظور دفن جسدی واحد پرداخته‌اند وای‌کاش‌بآن‌عشایر گمنام که‌ظاهراً سالی‌چندپیش از این‌بادرافکندن سنگ فوق‌الذکربرای نخستین باربه مدفن واقع دربام(گوردختر)دست یافته و محتویـات آنرا سرسری گرفته اند دسترس بود تـا این راز عجیب نیز بصورت قاطع‌تری درمعرض دانش بشری قرارمیگرفت .

بهرتقدیرآرامگاه **گوردختر** برسه‌صفّهٔ سنگی‌قرار گرفته که میتوان‌طول وعرض وارتفاع هریك‌رابضمیمهٔ سایرابعادومشخّصات‌این مقبره درسه برگ‌نقشهٔ تقدیمی به‌پیوست مطالعه نمود ضمناًعکسهای مختلفی هم ازچهارجهت‌بنابرداشته شده که‌کاربررسی دراین‌آرامگاه راآسانترمیکند(۱).

با اینهمه نبودن هیچگونه خط ونوشته‌ای‌دراین‌آرامگاه مانع ازآن‌است که انتساب‌این مقبره به **چش پش** یا سایرفرمانروایان محلّی ایران‌باستان‌مورد توجّه قرارگیرد و معلوم نیست اظهارات‌آقای پرفسورواندنبرگ دراین زمینه مستند بکدامین دلیل و مدرك قاطع بوده است گمان اینجانب بر این است کـه چنانچه درزمستان‌آینده(چون درسایرفصول بعلّت گرمـای شدید امکان نیست) کاوشها و گمانه‌زنیهای وسیعی درجلگهٔ بسپر واتلال دوگانه نزدیك باین مقبره (تل شغالی وتل خندقی)صورت گیرد وحتی در**خاورزمین** و **بربابایکی** واقعه در جلگهٔ سرمشهد هم حفّاریهائی‌انجام شود شاید بتوان دربارهٔ**گوردختر**واسرارآن اطّلاعات علمی قابل توجّهی بدست‌آورد .

---

(۱)درتصاویرشمارهٔ ۲۱۷ و۲۱۸وضع بنای گوردختربخوبی نمایان است ونقشه‌ها و تصاویر مورد اشاره درسطورفوق را اینجانب ندیده ازآنها استفاده نکرده‌ام .

اما آتشکده‌هائی که آقای پرفسور واندنبرگ از آن سخن گفته‌اند نیز هردو درهمین جلگهٔ بُسپُر و در دامنهٔ کوه غربی این جلگه معروف به **تخته آب شیرین** قرار گرفته و نامقبرهٔ گوردختر و همچنین تپه‌های **شغالی** و **خندقی** فاصلهٔ چندانی ندارد. اهالی محل آتشکدهٔ بزرگتر و درعین حال سالم‌تر را **کوشک** مینامند و این بنای گچ وسنگی که تقریباً در فاصلهٔ یك کیلومتری جنوب گوردختر بشیوهٔ آتشکده های ساسانی فیروزآباد و نظائر آن بنیاد گردیده مشتمل براطاقها و رواقهای بزرگ و کوچکی است که اغلب از آنها بمرور دهور بکلّی ویران گردیده و پاره ای دیگر نیز درشرف انهدام بنظرمیرسد (ش۲۲۱ و ۲۲۲). بااینهمه عظمت دیرین این آتشگاه را میتوان از اطاق بزرگ مدخل آن که رو بمشرق گشوده میشود (ش -۲۲۳). درنظرمجسّم نمود. درگاه مزبور درحدود ۵۸۰ سانتیمتر و ارتفاع بلندترین قسمت طاق درحال حاضر نزدیك به شش متراست ولی باید توجّه داشت که قسمتهائی از قلّهٔ این طاق فروریخته واندازه گیریهای دقیق‌تر را مستلزم صرف وقت بیش از این نموده است ضمناً دهلیز باریکی بعرض وطول تقریبی ۱۲×۱/۵ متر در طبقهٔ دوّم این آتشکده در جهت شمال و جنوبی باقیمانده که کمتراز سایر قسمتهای بنادستخوش ویرانی گردیده وظاهراً اطاق کوچك زیراین دهلیز درطبقهٔ اوّل واسطهٔ ارتباط قسمتهای شرقی و غربی بنابوده است. باآنکه دربرخی ازنقاط این آتشکده آثار مرمّتهائی بنظرمیرسد ولی پیدا است که این تعمیرات چندان کهنه نبوده وظاهراً درهمین اواخر بدست رؤسا وعشایر بمنظور استفاده از سکونت افراد یا جادادن گاو و گوسفندان صورت گرفته است همچنانکه آتشکدهٔ ساسانی شهرستان داراب مشهور به **مسجدسنگی** (۱) نیز تا سال گذشته آغل گوسفند بود وبازدیداینجانب وهمکار گرامی آقای سامی ازمحلّ مزبور دراثر تصاعد گاز آمونیاك حاصله از بول و مدفوع گلّه بصعوبت تمام انجام گرفته و البتّه بلافاصله از طرف ادارهٔ باستان شناسی فارس دراین باره اقدامات لازمه معمول گردید بهر تقدیر

(۱)- اطلاعات مربوط به مسجد سنگی درصفحات ۹۱ و ۹۲ متن کتاب وتصویر آن درشکل ۱۵۸ (ص ۲۸۰) درج گردیده است.

آتشکده بزرگ جلگهٔ بسپر یا (بنای کوشگ) نه چنان منهدم است که بتوان با اعتبارات قلیل متداوله به مرمّت آن پرداخت و بهمین مناسبت تهیهٔ نقشهٔ کامل آن نیز که قبل از هرچیز نیازمند انجام یك سلسله کاوش وسیع چند ماهه و برداشتن هزاران خروار سنگ فروریخته و پیدا کردن شالوده‌های سابق بناست با آن فرصت کم میسّر نگردید و تنها به‌عکسبرداری از جوانب چهارگانهٔ آن کفایت شد ضمناً باستحضار میرساند که با آنکه طول و عرض فعلی بقایای این آتشکده بالغ بر ۴۰ × ۵۰ متر است همچنان در اطراف این محدوده آثار پی‌ها و صفّه‌ها و شالوده‌ها وحصارهای متعدّدی بچشم میخورد که وضع سابق بنارا درحال مبهم نشان میدهد. بنا براین مادام که در اطراف این آتشکده و همچنین در **تل خندقی** واقع در نیم کیلومتری شمال شرقی آن یاسیصد متری جنوب شرقی گوردختر حفاری نشود هیچگونه نظریّهٔ جامع و دقیقی دراین باره تقدیم نمیتوان کرد و گمان اینجانب براین است که مخصوصاً حفّاری تل خندقی که بطول و عرض و ارتفاع تقریبی ۱۲ × ۴۰ × ۶۰ متر باخندق پیرامون خود بمانند ارگ شهری درمیان اتلال کوچکتر قرار گرفته و همچنین کاوش تل عظیم معروف به‌شغالی (ش ـ ۲۲۴) که آن خود نیز باارتفاع تقریبی ۱۲ متر در یك کیلومتری شمال مقبرهٔ گوردختر واقع است نه تنها کمك بزرگی به‌شناسائی آثار فعلی موجود در جلگهٔ بسپر و آتشکده‌های مورد نظر خواهد کرد بلکه محتمل است که دراین میانه آثار ساختمانی دیگری هم از دوران هخامنشیان بانقوش وخطوط و بارلیف‌های مربوطه از دل خاك آشکار شود همچنانکه در جلگهٔ پاسارگاد ضمن خاك برداری اتلال و اراضی واقعه در چندصد متری مقبرهٔ کورش بازماندهٔ قصور شهریاری و حتّی آب نماهای بساتین آن ادوار نیز بدست افتاد.

و امّا آتشکدهٔ دیگر که آن نیز در دامنهٔ کوه غربی جلگهٔ بسپر معروف به **تخته آب شیرین** و بفاصلهٔ یك کیلومتر ونیمی سمت باختری **گور دختر** قرار گرفته بقدری مخروبه ومنطمس است که از آن درحال حاضر جز ویرانه‌ای چند بریك تودهٔ عظیم سنگ و کلوخ چیز دیگری برجای نمانده است بااین حال عکسهای

این بنای ویران نیز بانضمام عکس قبرستان عشایری جدیدی که در کنار آن واقع است تهیّه گردید که بضمیمه تقدیم میگردد (ش ۲۲۵ و۲۲۶) بهرحال هیئت ما پس از گذرانیدن یك روز تمام درجلگهٔ «بسپر» که بمراتب تنگ‌تر و مرتفعتر از جلگهٔ سرمشهد است شامگاه را درمیان چادرنشینان دامنهٔ غربی کوه «سَرْوَكْ» بروز آورده وغروب روز بعد پس‌ازسه فرسخ پیاده روی و کوه پیمائی مجدّدبه‌جلگهٔ سرمشهد فرود آمدیم . جایگاه آخرین شب ما نیز همان آبادی شش خانواری و بی‌ساختمان سرمشهد بود ....

صبح روزبعد مابه‌بازدیدبارلیف و کتیبهٔ معروف **سرمشهد** گذشت‌واینجانب تـوانستم برای تکمیل این گزارش و مزید استحضار آنجناب وهمکاران ارجمند خود چند قطعه عکس رنگی‌نیز از آثارفوق‌الذّکر تهیّه نمایم .

درخاتمه بعرض میرساند کـه آتشکده ها و ابنیه و آثاری که بعلّت تغییر شوارع وپرت‌افتادن از آبادیهای کنونی کشورهنوزدرمعرض اطّلاع باستان‌شناسان داخلی وخارجی قرارنگرفته باشدخاصّه درنواحی جنوبی‌فارس بسیاراست‌وبیگمان چنانچه ارادهٔ آنجنـاب تعلّق گیرد میتوان بی هیچگونه نیازمندی به بیگانگان فهرست‌کاملی ازاین آثاررا تهیّه وتقدیم ادارهٔ کلّ‌باستان شناسی نمود . کمااینکه اینجانب ضمن انجـام مأموریّت اخیراز طریق تجسّس و گفتگوی بـا این وآن به‌محلّ بسیاری از این آثاروقوف یافت وشكّ نیست چنانچه مأموریّت خاصّی در این زمینه بـا در اختیار گذاشتن وسائل و افراد شایسته باینجانب بر گذار شود نتایج حاصله‌موردقبول وعنایت آنجناب‌قرارخواهد گرفت درخاتمه‌چنانچه‌وصول این گزارش ونقشه‌ها وعکسها واسلایدهـای مربوط بآن‌را اعلام فرمایند موجب کمال امتنان خواهد بود .

با تقدیم احترام ـ بازرس فنّی ادارهٔ کلّ باستانشناسی وسرپرست کاوشهای علمی فسا **فریدون توللی»**

بابررسی گزارش بالا معلوم میشود که علاوه بر آتشگدهٔ موسوم‌به‌نقاره‌خانه مذکوردر گزارش اختصاصی پرفسّورواندنبرگ آتشگده‌ها وابنیهٔ دیگری‌ازعهد

ساسانی هم درنزدیکی بنای تاریخی گوردختروجود دارد که بنوبهٔ خود واجد اهمیّت فراوان ودرخور توجّه واقدامات علمی وتعمیرات دامنه دارمیباشد.

درپایان این مبحث توضیح میدهد که درقبال استفسارنگارنده از پرفسّور واندنبرگ دربارهٔ اثرتاریخی معروف‌به‌خزینه(مذکوردرصفحات ۱۱۸و۱۱۹متن کتاب) دانشمند نامبرده اظهار نمود که اثرمزبوربصورت مغاره‌ای در کوهستان نزدیك گوردختر بوده اهمیّت چندان ندارد.

ضمناً از گزارش آقای تولّلی یك باردیگرصدق این مدّعا ثابت میگردد که درنواحی‌مختلف‌فارس آثارتاریخی‌ناشناس‌ماندهٔ متعدّدوجوددارد که بافراهم گشتن وسائل وموجبات‌کارو شرایط لازم برای افزایش میزان توجّه وتجسّسات علمی و بالارفتن سطح فرهنگ عمومی‌معروض‌ومشهودعلاقه‌مندان واقع میشود واین‌امر منحصر بناحیهٔ سرمشهدوجلگهٔ بسپر نیست بلکه‌نواحی مختلف سرزمین تاریخی مهمّ‌فارس وحتّی کلّیهٔ استانهای ایران همین‌وضع را دارد.

نکتهٔ مهمّی که نگارنده مناسب میداند دراینمورد ذکرنماید اهمیّت بنای گوردختراز لحاظ ارتباط معماری هخامنشی بامعماری عیلامی است البتّه توضیح مفصّل دراین باره درخوراین کتاب نیست همینقدر باید گفت که سبك ساختمان آرامگاه کورش کبیردرپاسارگاد بطور کلّی مورد تردید وابهام بودوا کنون که بنای گوردختردرمعرض ملاحظه وبررسی علاقه‌مندان قرارگرفته است و بطور وضوح هم نمونهٔ قدیمتر آرامگاه کورش بشمارمیرود بخوبی معلوم میگردد که بنای گوردخترشباهت فراوان‌به‌مقابرعیلامی‌دارد با این اختلاف که مقابرعیلامی ازآجرهای‌بزرگ باطاقهای‌ضربی گاهواره‌ای ساخته میشدوبنای گوردختربعلّت وجود سنگ و کوهستان در حول و حوش‌آن با تخته سنگهای بزرگ و تقریباً بهمان ترکیب احداث گردیده است ـ ضمناً مقابرعیلامی صورت‌آرامگاههای خانوادگی را داشت که هرموقع یکی از افراد خانواده درمیگذشت جسد او را درون آرامگاه که دارای فضای کافی بود در کنار استخوانهای باقی مانده از

درگذشتگان قبلی مینهادند (۱) ووجود محلّهای جداگانه درقسمت بالا وپائین بنای گوردختر برای گذاردن جسد درعین حال که نموداردفن جسدهای دوگانه بنظرمیرسد میتواند دلیل تأثیروضع مقابرعیلامی دربنای مزبورنیزباشد.

بهرصورت وجود بنای گوردختردرجلگهٔ بسپر که از نواحی غربی فارس استازجملهٔ دلایل قاطع دیگرهمبستگی وپیوستگی آغازدولت هخامنشی که در سرزمین انزان وپارسواش (مشتمل برنواحی جنوب غربی ومغرب فارس و مشرق وجنوب‌شرقی‌خوزستان)تشکیل گردید بادولت‌عیلام یعنی کهن‌سال‌ترین‌حکومت ودولت قوی ومتشکّل بسیارمتمدن سرزمین ایران بشمارمیرود.

۲۱ - معرفی آرامگاههای چند دیگری از بزرگان در شیراز

ضمن‌صفحات ۷۰ و۷۱متن کتاب ازآرامگاههای بزرگان مختلف درشهر شیراز بحث‌نمود- هنگامیکه قسمت اخیرذیل کتاب زیرچاپ بود دوست دانشمندگرامی آقای مجید یکتائی یك‌نسخه ازیاد داشتهای متعددی راکه ضمن گزارش بازدید خودشان در فروردین ماه ۱۳۳۰ دربارهٔ بعضی آرامگاههای مشاهیر در شیراز نگاشته بودند باختیار اینجانب گذاردندودر میان‌آنها توضیحاتی دربارهٔ سه‌محل‌وجوددارد که جهت‌نگارنده تازگی‌داشته قبلااشاره‌ای بدانها نشده‌است وبدین لحاظ با سپاسگزاری ازدانشمندگرامی بنقل‌آنچه دراین‌باره مرقوم فرموده‌اند میپردازد:

وصاف

«مزار وصّاف‌نویسندهٔ تاریخ وصّاف درقبرستان شمالی‌آرامگاه حافظ‌واقع است قبر محقّری است که چند قطعه سنگ شکستهٔ لایقرء روی آن نصب‌شده و معروف است که سنگ قبررا افاغنه شکسته‌اند بطوریکه برای یابنده هیچگونه نشانی ندارد پیرمرد درویشی است در تکیهٔ چهل تن که قبررا میداند ممکنست پس‌ازچندی بدست فراموشی سپرده شود در صورتیکه بانصب یك لوحه وسنگ

---

(۱) نگارنده درحفاریهای علمی شوش درزمستان ۱۳۱۰وبهار۱۳۱۱وزمستان ۱۳۱۷ و بهار۱۳۱۸و زمستان ۱۳۳۰حضورو شرکت داشتم وآنچه دربالا مرقوم رفته با توجه به مشاهدات شخصی و مذاکراتی است که با دانشمند فقیدآقای دمکنم و همچنین‌آقای پرفسور گیرشمن صورت می‌گرفت.

کوچکی ممکنست مانع آن شد که قبر نویسندهٔ تاریخ وصّاف مفقود شود».

یکتائی»

قبر شیخ ابواسحق اطعمه در چهل تن واقع است.

نقوشی که ایوان بزرگ بقعهٔ هفت تن را زینت بخشوده است (بصفحهٔ ٥٤ متن کتاب مراجعه‌شود) مشتمل بر تصاویر حضرت‌موسی (ع) وحضرت شعیب(ع) و شبانی پیمبران مزبور و داستان حضرت ابراهیم (ع)و حضرت اسمعیل (ع) و شاه صفی و کریمخان در لباس فقر بوده تماماً از آثار دوران زندیّه است.

مزار قطب العارفین محمّد هاشم الذّهبی الشّیرازی قطب دراویش ذهبی‌در جوار حافظ است.

قهوهٔ اولیا وقهوهٔ قلندران

«درشیراز قهوهٔ قلندران وقهوهٔاولیاء دومحلّی‌است که درآنجا مزاربرخی اولیاءِ بزرگان وعرفا میباشد ومزارچند تن‌از مشایخ بنام که‌یکی ازآنها دارای تاریخ ۷۳۷ ﻫ قمری‌است ولی متأسفانه اکنون قهوهٔ اولیاء در بازار مرغ بصورت مسجد محقّری است شبستان آن بصورت دواطاق‌درآمده ودرویشی درآن مسکن دارد وقهوهٔ قلندران درمحلّهٔ ارک وضع‌نامطلوبی دارد که شایسته است درشمار اماکن‌باستانی ثبت وبدانها توجّه‌شود.

یکتائی»

بقعهٔ دارالشفا

«بطوریکه درتواریخ مسطوراست بقعهٔ دارالشّفامدفن‌علاّمه میرسیّد شریف جرجانی متوّفی درسنهٔ ۸۱٦ است این‌بقعه درمحلّهٔ لب‌آب واقع‌است‌وفعلابصورت مزبله‌دان است که سقّاخانهٔ کوچکی پهلوی‌آن میباشد شهرداری شیراز آنقدر میتواند که سوراخ دیوار آنرا بگیرد ومانع‌ریختن زباله درآنجابشوند و انجمن

آثار ملّی هم لا اقل میتواند پلاکی آنجا نصب نماید که بدست فراموشی سپرده نشود ونام آنرا در صورت اماکن باستانی ضبط نمایند تا مالکین مجاور آنجا را تصاحب ننمایند.

یکتائی »

۲۲ - زیارتگاه سبز پوشان

در آذر ماه ۱۳٤۰ دوست دانشمندم آقای علی سامی درمسافرت کوتاهی که بطهران آمده بودند اززیارتگاهی بنام سبزپوشان واقع در جنوب‌شرقی بیرون شهر شیراز گفتگو نمودند که چندی پیش درخدمت استاد معظم جناب آقای علی اصغر حکمت بهمراهی آقای بصیری رئیس کتابخانهٔ ملی فارس توفیق بازدید آنرا یافته بودند وطبق تقاضای اینجانب پس ازبازگشت بشیراز یادداشتی را که دراین باره مرقوم داشته بودندبرای چاپ در کتاب حاضرفرستادند واینك با عرض سپاسگزاری بشرح زیر آنرا نقل مینماید :

سبز پوشان

«درسینهٔ کوه وجنوب‌شرقی شیراز قرار گرفته که ازراه مستقیم وپیاده در حدود ده کیلومتر تاشیراز فاصله‌دارد ولی‌بااتومبیل بایداز راه‌پل‌فسا وجادهٔ کوار رفت‌از جادهٔ کوار تاپای کوه درحدود ۱۳ کیلومتر راه‌است. ازپای کوه تاتکیه که درسینهٔ کوه‌است حدود یك‌ساعت وقت‌لازم‌دارد.

«سبز پوشان بر دهات کوشك بیدك که‌دریك‌فرسخی جنوب‌شرقی‌قرار گرفته مشرف و کوهی که در آن واقع‌شده‌بادرختان انجیر ودیگردرختان‌جنگلی‌مصفّا وباطراوت گردیده است‌باتراشیدن مقداری از کوه یك‌غارمصنوعی بوجودآورده وقبر درون همین غارقرار گرفته سنگ قبرساده ودروسط عبارت بخط نستعلیق بدین‌شرح‌دارد « **تاریخ شهادت امامزاده سیداسحق بن موسی بن جعفر درسنهٔ ۲۰۵** ».

«اطراف‌قبررا علاقه‌مندان‌وخیّرین دردوره‌های پیش‌بیك صفّهٔ‌سنگی‌تبدیل کرده که حدود سی‌مترطول و۱۵ مترعرض‌دارد ازفراز آن‌دهات شرقی‌وجنوبی شیراز مخصوصاً دهات‌قره باغ پیداومنظرهٔ بسیاردلپذیری دارد. درایّام متبرّکه

مردمان دهات اطراف و ئیلات مجالس جشن وسرور ودیگ جوش در این بقعه برپا میسازند .

«قسمت جالب توجّه کتیبه‌ای است بخط نستعلیق در کنارصفّه که درسنگ کوه کنده شده‌در۱۱ سطر که چهارسطراول آن‌مشتمل بر۱۸بیت شعرمدح‌سلطان اویس‌میرزا فرمانفرمای فارس‌میباشد که تاریخ آن ۱۳۰۶ قمری است نویسنده دربهار سال ۱۳٤۰ توفیق دیدار این بقعه‌رادرخدمت جناب آقای علی‌اصغرحکمت استاد محترم دانشگاه تهران و دوست ارجمند آقـای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانهٔ ملّی فارس پیدا نمود ـ چند سطری از کتیبه که بکمك آقای بصیری خوانده شد عیناً نقل‌میگردد :

« بعهد شهنشاه فیروز بخت — که‌نازد برو گاه ودیهیم‌وتخت

« ملك ناصرالدّین باعدل وداد — که جاوید از و گیتی آباد باد

« ملکزاده‌سلطان‌اویس گزین — (یك مصراع و دو بیت خوانده نشد)

« همانا که این بقعهٔ ارجمند — نهان بد در این کوهسار بلند

« برآمد بکوه آفتـاب شکوه — چو خورشید آمد براز تیغ کوه

(سه‌بیت خوانده نشد)

« هم از هجرت سیّد نامـدار — شده سیصد و شش ز بعد هـزار

«چو..براین‌دخمه‌آهنگ کرد — بهمراهش‌این‌بنده‌فرهنگ کرد

(سه‌بیت خوانده نشد)

« براین مختصر چامه بنگاشتم — بفرمان . . . . داشتم

« الا تا بر این چرخ نیلو فری — فروزان بـود زهـره ومشتری

« ملکزاده را باد اختر بلند — (مصراع دوم خوانده نشد)

« بشادی بسی شاد کامی کند — در این مملکت حکمرانی کند

« در تاریخ ربیع الاوّل سیچقان ئیل ۱۳۰٦ حضرت اشرف اسعد والا معتمدالدّوله‌سلطان اویس‌میرزا .... وجمعی شاهزادگان‌وامیرزادگان ...

جمال‌الدّین میرزا وسیاوش میرزا وجهان نوش میرزا و حاج بهاءالدین میرزا و نظام‌الدّین میرزاوجناب حاجی میرزا احسن حکیم باشی واین بنده فرهنگ ومیرزای یزدانی .... که ملك بی نسق مانده بود همّت‌والا بر آرامی آنجا تعلّق یافته انشاءالله عنقریب بتوجّه همّت‌والا نهایت آبادی خواهدیافت.

«دیگر آنکه فرمایش رفت تا چند جفت درّاج از گرمسیرات آورده در بیشه‌زار ...... امید که‌بیمن دولت‌واقبال‌شاهنشاه اسلام پناه خلّدالله ملکه‌وسلطانه تمامی این‌صفحات بیشه‌و مرغزار این عرصه را نتاج درّاج فرا گیرد کتیبهٔ بالا بامرالعالی فی۱۳۰۶ قمری نبوی‌راقمه بندهٔ بدکارمحمّدجعفر شیرازی.

«درربیع‌الاوّل سنهٔ بزیارت‌این بقعه‌سراتشریف فرما شده وباشخاص مفصّلهٔ فوق‌وسرکار مقرّب‌الخاقان‌میرزامصطفی‌خان خلف‌مرحمت پناه میرزامحمّد قوام‌الدّوله که .... ریشهٔ‌نیلوفر که حسب‌الحکم از کرمانشاهان آورده بودند درچشمهٔ‌بول‌برنجی وچشمه‌سارداراب‌جرد وسراب‌بیضا وسرآب‌سیاه ممسنی غرس نمودند تحریراًفی‌سنهٔ ۱۳۰۷ عمل اقلّ‌الحاج‌محمّدحسن‌شیرازی.»

«ازفحوای این کتیبه چنین‌مستفاد میشود که شاهزادهٔ نامبرده دستورداده است‌مقداری درّاج از گرمسیرات گرفته دراینجامتفرّق سازند تانتاج این‌پرنده دراین‌صفحات پرورش نموده زیادشود وهمچنین‌مقداری نیلوفر از کرمانشاهان آورده ودرنقاطی که‌درمتن کتیبه ذکرشده غرس‌نموده‌اند تااین گیاه خوش‌منظر که گل آن در طبّ قدیم بعنوان مبرّدات تجویز میگردید (عرق نیلوفر) در خطّهٔ فارس جاهائی که بیشه و مستعدّ پرورش و نموّ است زیاد فراوان شود.

(مرحوم فرهنگ و میرزای یزدانی از اولادان مرحوم وصال شیرازی بوده اند).

۲۳ ــ بقاع متبرک کازرون

ضمن توصیف اجمالی شهرکازرون درصفحهٔ ۱۱۱ متن کتاب اشاره به‌آرامگاههای چندنفر ازبزرگان که در آن شهرقرارداردنمود ــ دربازدید کوتاهی که روزهای ۱۵و۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۹ ازکازرون نصیب گردید نام‌بقاع متبرك موجود در آنجا بشرح‌زیر یادداشت‌شد :

۱ ــ بقعهٔ‌سیّدمحمّدکاشی واقع‌در محلّهٔ گنبد که بمناسبت گنبد بقعهٔ‌نامبرده نام‌محلّه راهم گنبد گذارده‌اند .

۲ ــ بقعهٔ‌سیّد محمّد مشهور به‌زید واقع دروسط‌محلّهٔ گنبد .

۳ ــ بقعهٔ‌سیّدمحمّد راه‌دور و(که برادر سیّدمحمّدکاشی‌است) واقع‌درمحلّهٔ آهنگران .

٤ ــ بقعهٔ‌ابافتح واقع درمحلّهٔ بازار .

۵ ــ بقعهٔ شاه‌حمزه واقع‌درمحلّهٔ بازار .

٦ ــ بقعهٔ موسوم به‌امامزاده که بشکل برج ساخته‌شده ودرمحلّهٔ امامزاده واقعست .

۷ ــ بقعهٔ سیّدمحمّدامین‌الدّین‌در کنارهٔ‌شمالی‌شهر نزدیك کوه.(به‌توضیحات مربوط بچندنفر ازبزرگان مدفون‌در کازرون که‌ازطرف آقای علینقی بهروزی مرقوم رفته ودرچندسطر بعدذکرمیشود مراجعه گردد) .

تاآنجاکه استنباط‌شد بقاع نامبرده نیزمانند سایر آرامگاههای بزرگان که درشهرکازرون واقعست دارای جنبهٔ‌هنری وتاریخی زیادنیست ــ نگارنده بقعهٔ سیدمحمد کاشی را ازنزدیك زیارت نمودم ودرآن اثرقدیمی وهنری مشاهده نکردم لکن‌دربقعهٔ کوچکی که کنارصحن بقعهٔ مزبوربود سنگ مرقد زیبائی از نوع سنگ گندمی وجود داشت که شکسته بود وبوضع غیر استادانه آنرا باگچ (۱) تعمیر کرده بودند وبرچهارجانب آن کتیبه‌هائی بخط کوفی شیوای‌برجسته مرقوم گردیده است که این جملات خوانده وتشخیص داده‌شد :

---

(۱) گچ‌کازرون از لحاظ سفیدی رنگ واستحکام و زود گرفتن ممتاز ومشهور است ودر ساختمانهای سنگی وگچی‌آن‌شهرعیناً مانند دوران ساسانی سنگها راباملاط‌گچ که‌سریع وتندبکار میبندند برروی‌یکدیگر نهاده‌بنارا بالامیبرند .

برجبهٔ جنوبی در دو سطر : **کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذو الجلال والاکرام**

برجبهٔ غربی در دوسطر : **بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائماً بالقسط لااله هو العزیز الحکیم ان الدین ....**

برجبههٔ شمالی در سه سطر : سطر اول **الملك لله** ـ دوسطر دیگر بعلت تعمیر ناصوابی که با گچ شده است درست تشخیص نگردید تصور میرود آیهٔ شریفهٔ **قل اللهم مالك الملك ....** الخ باشد .

برجبهٔ شرقی (پائین پا) در دو سطر : **بسم الله الرحمن الرحیم هذا قبر السعید الشهید المرحوم زین الدین شهریار فی شهور سنة احدی واربعین وستمائه .**

بدین قرار سنگ مزار مزبور مربوط به زین الدین شهریار ومربوط بسال ٦٤١ هجری است که درصفحهٔ ۱۱۱ متن کتاب بدان اشاره شد .

ضمناً برای نمودن منظر کلّی شهر کازرون و چگونگی ساختمانهای موجود در آن دوقطعه عکس که ازفراز بام یکی ازخانه‌های محلّهٔ گنبد ازدوسوی مختلف گرفته‌شده‌است طی شکلهای ۲۲۷و۲۲۸ ارائه میگردد .

دانشمند محترم آقای علینقی بهروزی در نامه‌ای که بعنوان ادارهٔ آثار باستانی (ادارهٔ باستان شناسی) فارس مرقوم داشته‌اند واز طرف ادارهٔ مزبور رونوشت آن ضمن گزارش شمارهٔ ۷۵۲ : ۳۸/۵/۳۱ جهت انجمن آثار ملی فرستاده شده است چنین توضیح میدهند که مقصود ازکلمات قبر **شاسجاق** قبر **شابسحاق** (یعنی شاه ابواسحاق) است (به سطر۲ صفحهٔ ۱۱۱ متن کتاب مراجعه شود) ـ ضمناً بضمیمهٔ نامهٔ فوق اطلاعات مفید وجامعی دربارهٔ چند نفر از عرفا و بزرگان ذکر وارسال نموده‌اند که عیناً بشرح زیر نقل میگردد :

« شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی متوفی بسال ٤٢٦ هـ . ق

الشّیخ المحقّق و العارف المشهور شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی معروف به (شیخ مرشد) از کبار مشایخ و از عرفای بسیار مشهور است که درکازرون متولّد شده است . شرح حال مفصّل او در کتاب مشهور (فردوس الرّشدیّه فی اسرار الصّمدیّه) که تماماً در ذکر وقایع زندگی اوست نگاشته شده است . تا زمان او اهالی کازرون زردشتی بوده‌اند ولی بهمّت وارشاد وی اهالی کازرون مسلمان شده‌اند . صاحب کتاب شیرازنامه چنین اورا توصیف میکند :

« سرباز سراندازان طریقت وسردار انجمن حقیقت برکات اقدام مبارکش باطراف جهان رسیده ومشایخ عراق وحجاز و کرمان را دریافته وشصت وچهار خانقاه را اساس فرموده وبیست وچهار کس از گبر و یهود بدست وی مسلمان گشتند.»

« شهرت شیخ ابواسحاق در تمام نقاط زمین پیچیده و همه از اکناف عالم برای زیارت او و پس از مرگش برای زیارت تربت پاك او به کازرون سفر میکرده‌اند چنانکه (ابن بطوطه) سیّاح معروف اندلسی نیز بهمین نیّت بکازرون رفته وشرح آنرا در سفرنامهٔ خود ذکر کرده است.

« وفات او درسال ٤٢٦ واقع گردیده و در خانقاه خود مدفون شده‌است. آرامگاه او هنوز درکازرون مشهور ومطاف اهل محلّ است وبرای آن کرامات بسیار قائلند ولی وضع آرامگاه با مقام شامخ او متناسب نیست وباید بشکل آبرومندی تعمیر ومرمّت شود.

« شیخ اوحدالدّین عبدالله بلیانی متوفی بسال ٦٨٣ ه. ق

« شیخ اوحدالدّین عبدالله بلیانی بن ضیاء الدّین مسعود از کبار وعرفای نامی است واز اولاد (شیخ ابوعلی دقاق) عارف بسیار مشهور میباشد. صاحب شیرازنامه اورا چنین توصیف میکند:

«حامی حومه کرامت ووالی ولایات ولایت. درمکاشفات حضرت صمدیت وتجلیات الوهیت استغراق یافته. دراظهار کرامات وکشف مغیبات ملهم بودی چنانکه عرفای عصر زبان حق گوی او را ترجمان لوح محفوظ گفتندی. بزرگان عرفا و صوفیه از راه دور بخدمتش میرسیدند واز انفاس قدسیه و کرامات او استفاده میکرده‌اند چنانکه شیخ صفی الدین اردبیلی از راه دور به بلیان رفته و بحضورش رسیده است.

«در سنّ هفتاد سالگی در سال ٦٨٣ هجری قمری برحمت ایزدی پیوست ودر خانقاه خود که در بلیان است مدفون شد. هم‌اکنون آرامگاهش در قریهٔ بلیان که نزدیك کازرون است زیارتگاه عمومی است و کراماتی از آن نقل میکنند.

« امّا آرامگاه مزبور محتاج بتعمیراساسی‌است وچون عوائدی ندارد باید اعتباری برای‌آن در نظر گرفت.

« شیخ امین الدّین بلیانی متوفی بسال ۷۴۵ هـ ـ ق

« شیخ امین الدّین محمّد بن شیخ علی بن شیخ ضیاءالدّین مسعود . از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیّهٔ قرن هشتم هجری است که در خدمت عمّش (شیخ اوحد الدّین عبدالله بن ضیاء الدّین مسعود بلیانی) که از بزرگان عرفا بوده تحصیل علم ومعرفت کرده و بمراتب عالیه رسید و از دست وی خرقه پوشیده است و پس از شیخ اوحد الدّین بارشاد خلق پرداخته است . وی مردی عابد و زاهد ومتّقی بوده است . صاحب شیرازنامه بحضور او رسیده و از کرامات و انفاس قدسی او استفاده و استفاضه کرده است وتلقین ذکر از او گرفته و او را چنین وصف کرده است :

«شیخ شیوخ جهان و مقتدای اهل زمین و زمان بود . هم در طهارت ذات و کمال ولایت و علو درجات زبده اقران آمده وآوازه کمالات ذات وصیت حسن‌ارشاد وبزرگواری او جهانگیر گشته .»

« خواجوی کرمانی نیز از مریدان او بوده وضمن قصیدهٔ غرّائی اورامدح گفته است .

« خانقاهش که در دامان کوه شمالی کازرون بوده خیلی وسیع بوده و سالکان طریقت وجویندگان حقیقت از راههای دور برای زیارت شیخ وبعد از او برای زیارت تربت پاکش بدانجا رهسپار میشده‌اند . شیخ درسال ۷۴۵هجری قمری وفات یافت ودر خانقاه خود مدفون شد .

« خانقاه شیخ مدّتها معمور وزیارتگاه بزرگان صاحبدل بوده است وچند مرتبه در اثر زلزله خراب شده ولی دوباره تعمیر شده است . اکنونهم دائراست وزیارتگاه عمومی است ولی احتیاج بتعمیرات اساسی دارد . خانقاه شیخ دارای رقبات وموقوفات بسیاری بوده که فعلاً مختصری ازآن باقی‌است وباید عوائد

آنها صرف تعمیر بقعه و آرامگاه او گردد.

«علاّمه جلال‌الدّین معروف به محقّق دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ هـ - ق

«مولانا جلال‌الدّین محمّد بن سعدالدّین دوّانی معروف به (علاّمهٔ دوّانی ومحقّق دوّانی) از فحول علماء وحکماء ومحقّقین است که شهرت عالمگیر دارد ودارای تألیفات بسیار است. وی مدّتها منصب قضاوت فارس داشته و در دستگاه امیرحسن ویعقوب میرزا از سلاطین آق قوینلو معزّز ومحترم بوده و وزراء و اکابر و علماء از اشعّهٔ انوار ضمیرش کمالات کسب مینمودند. شرح حال او در کتب تواریخ مهمّ وتذکره‌هامفصّلاً ذکر شده است. علاّمهٔ دوّانی یکی‌ازمفاخر ایران است که در اغلب رشته‌های علوم مانند حکمت وفلسفه با علم کلام وعلوم عقلی و نقلی مهارت و تبحّر داشته است و نزد بزرگان زمان خود محترم بوده است. وی یکی از فقها وعلماء وخطباء معروف شیعه است که رسالات متعدّدی نوشته است. علامهٔ دوّانی در سال ۹۰۸ هجری قمری نزدیك کازرون وفات یافت و او را به دوّان برده ودفن کرده‌اند واکنون آرامگاهش در قریهٔ دوّان نزدیك کازرون است بصورت محقری قرار دارد.

«علوّ مقام وصیت شهرت این عالم جلیل ودانشمند نامی ایجاب میکند که آرامگاهش بصورت آبرومندی تعمیر ومرمّت شود.»

در بارهٔ شرح علامهٔ دوانی ویکی از تألیفات او بنام **نور الهدایة فی الامامه** وهمچنین حالات شیخ عبدالله بلیانی وبزرگان دیگر مدفون در بلیان و کازرون اطلاعات مفید وجامعی نیز در کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی - ۱۳۱٤ - صفحات ۳۰۹ ببعد) ذکر شده است).

۲۴ - امامزاده درب آهنین وبقعهٔ شاهزاده علاءالدّین

همانطور که درصفحه ۱۳۳ متن کتاب اشاره‌شد نگارنده در صدد بودم که دربارهٔ محل و چگونگی بقعهٔامامزاده درب‌آهنین اطلاعات جامعتر ودقیقتری تحصیل‌نموده درقسمت ذیل‌کتاب به اختیار علاقه‌مندان بگذارم خوشبختانه موجباتی فراهم آمد که‌در اسفندماه ۱۳۳۹ توفیق‌مسافرت مجدد وکوتاهی بشیراز نصیب گردید وبا مساعدت دوست‌عزیز و دانشمندم آقای‌علی سامی توانستم بازدید سریعی از آن‌قسمت آثار تاریخی خاك‌ممسنی که نزدیك‌جاده‌بین کازرون وخوزستان واقعست بعمل‌آورم ودرنتیجه‌اطلاعاتی بیش‌از آنچه طی‌صفحات ۱۳۲و۱۳۳ متن کتاب درج گردیده‌است راجع به‌بقعهٔ امامزاده درب‌آهنین‌تحصیل نمودم واکنون‌آنچه را مناسب این مقام میداند مذکورمیدارد:

محل بقعه همانطور که فرماندار وقت کازرون (جناب آقای خواجه‌نوری) مرقوم داشته بودند دردو کیلومتری قصبهٔ نورآباد کنار جادّهٔ کازرون بخوزستان واقعست ـ ضمناً بقعهٔ نامبرده مشتمل بردوزیارتگاه ودوامامزاده میباشد که متّصل بیکدیگراست ـ گنبد سنگ و گچی بلندتر بر فراز حرم **امامزاده علاء الدین** که او را فرزند امام هفتم (ع) میشناسند قراردارد (شکل۱۹۶) بالای سردر آن لوحهٔ سنگی به طول یا ارتفاع ٤۲ سانتیمتر و عرض ۳۳ سانتیمتر نصب است که کتیبه‌ای بخطّ ثلث بر جسته بر آن نوشته‌اند و آنچه از کتیبهٔ مزبورخوانده شد بشرح زیر نقل میگردد :

در لوی ئیل سنهٔ ۱۰۲۵ رفعت پناهی .... فخر الدین ملك احمد و خواجه .... علیشاه ابن المغفور خواجه حسین شاه فهلیانی عمارت امامزاده معصوم مظلوم شاهزاده علاءالدین فرمود ....

بدینقراربقعهٔ شاهزاده علاءالدین که گنبد بلندتر مربوط بآنست در سال ۱۰۲۵ هجری که مقارن باهنگام سلطنت شاه عبّاس کبیر میباشد بنا گردیده یا تعمیر شده است ولی درب آهنین که در کتاب آثارعجم ازفولاد معرّفی گشته‌است ودر صفحات ۱۳۲ و۱۳۵ متن کتاب بدان اشاره شدونام آنرا به‌مجموع بنای هردو امامزاده داده‌اندبه‌بقعهٔ شاهزاده علاءالدّین تعلّق ندارد بلکه مربوط به‌امامزادهٔ متّصل به‌بقعهٔ شاهزاده علاءالدّین میباشد که مدفن خواهرشاهزاده علاءالدّین واز دختران امام‌هفتم معرّفی‌شده است و گنبدبلند ندارد بلکه‌پوشش ضربی یك‌طبقه داشته درب آهنین موردذکر برمدخل آن نصب‌است وبرلوحهٔ سنگی بالای درب مزبور که‌قسمتی‌از آن درشکل۱۹۷نمودار میباشد کتیبهٔ جالب توجّهی درده‌سطر بخط ثلث‌برجسته‌مرقوم‌رفته تاحدّی که نگارنده موفق‌بخواندن آن شدم بشرحی است که‌نقل میگردد :

«درایام دولت‌جناب عدل کیش امیر رعیت پرور مرتضی ممالك اسلام بهرام زمان افتخار ومرزبان جهان آیة عنایت‌یزدان‌اثر رحمة رحمان‌علاءالدوله والدین امیر فرخ بهادر خلد الله ایام دولته ادام علی المسلمین ظلال نصفته این عمارة که مشهد فروزان مشهور است و مرقد معطره و مضجع منورهٔ مهد عصمت ام‌المؤمنین بنت الامام المعصوم موسی‌الرضا رضی الله عنهما است فی‌تاریخ شهور سنهٔ احدی وسبعین وسبعمائه ازفواضل صدقات عمیمهٔ آن‌عالی جناب معدلة شعار تجدیدیافت.

چون کام‌جاودان متصور نمیشود خرم کسیکه زنده کندنام‌جاودان»

از کتیبهٔ بالا برمیآید که‌بقعهٔ‌متّصل به‌شاهزاده‌علاءالدّین‌درسال ۷۷۱ تجدید ساختمان گردیده وبدینقرار بنای کنونی آن بیش‌از دویست‌وپنجاه‌سال قدیمتر ازبقعهٔ شاهزاده‌علاءالدین است ــ درب آهنین موردذکر نیز بنظر میرسد مربوط بحدود همان سال یعنی‌نیمهٔ‌دوّم قرن هشتم هجری‌باشد واگر آنرا بشرح مذکور درکتاب آثار عجم (صفحات ۱۳۲ و۱۳۵ متن کتاب) متعلّق به**سپیدز** بدانیم‌بازهم تصوّر نمیرود قدمت آن ازقرن هشتم هجری بیشترباشد.

محوّطهٔ داخلی‌بقعهٔ درب‌آهنین مشتمل‌برحرم هشت‌ضلعی نسبتاً وسیعی‌است که‌هرضلع آن‌ازیك طاقنما یاشاه‌نشین نسبتاً عمیقی تشکیل میگردد وبدین‌لحاظ ازنظرفنّ معماری ونکات ساختمانی بنای‌مستحکم واستواری بشمار میرود ومدفن منسوب بدختر حضرت‌امام هفتم(ع) درشاه‌نشین جانب قبلهٔ آن قرار دارد که بر دهانهٔ آن نردهٔ چوبی بسبك معروف به جعفری نصب و پرده هائی بر جلو آن آویزان است (ش۲۲۹).

ضمناً کتیبهٔ مزبور بعلّت اینکه‌بزبان فارسی ومورّخ‌بسال ۷۷۱هجری‌است از کتیبه های نادر متن فارسی درابنیهٔ تاریخی قرن‌هشتم بشمار میرود و ذکر کلمهٔ **بهادر** پس‌ازنام امیرفرّخ هم‌نکتهٔ قابل توجّه وشایستهٔ بررسی وامعان نظر میباشدومیرساندعنوان‌بهادر که‌در کتیبه‌های مربوط به‌سلسله‌های مختلف‌سلاطین ایران درقرن نهم‌هجری وپس از آن هم دردوران صفوی پس‌ازنام پادشاه ذکر میگردید درقرن‌هشتم‌هجری‌نیز معمول ومتداول بوده است.

۲۵ ـ توضیحاتی چند پیرامون خاک ممسنی

نوبندگان ـ تنگ بوّان ـ سرآب‌سیاه

طی‌صفحات ۱۳۰ تا ۱۴۰ متن کتاب دربارهٔ آثار تاریخی متعدد واقع درناحیهٔ ممسنی‌بحث نمود ودرچندمورد هم اشاره‌شد که درآن ناحیه‌بقایای آثار باستانی مختلفی وجود داردکه نیازمند انجام بررسیها وتحقیقات بیشتر میباشد ـ براثرمسافرت کوتاه مجددی که دراسفند ماه۱۳۳۹ بخاک ممسنی نصیب‌نگارنده شد یادداشتهائی تهیه‌نمودم که‌قسمتهائی‌از آنهادرصفحات پیش‌بعرض‌خوانندگان ارجمند رسید ضمناً جناب‌آقای جواد بوشهری (امیرهمایون) فرزندشادروان حاجی محمد بوشهری (ملقب‌ومعروف به‌حاجی‌معین‌التجار شخصیت‌بزرگ ومعروف اقتصادی‌زمان خود) که‌بعلت علاقهٔ‌ملکی موروثی وخانوادگی آشنائی‌کامل به‌تمام مناطق‌خاک ممسنی دارندوپس ازاطلاع ازتهیه وچاپ کتاب حاضرآنرامورد توجه‌وتشویق فراوان قراردادند نیزاطلاعاتی بیش‌ازآنچه‌داشتم دراختیارم نهادندکه ضمن تقدیم سپاسگزاری بمحضر محترم ایشان وبا مراجعه به‌کتاب آثارعجم (چاپ‌بمبئی-۱۳۱۴ - صفحات ۲۹۹ تا ۳۰۵) و یادداشتهای مورخ اسفند ۱۳۳۹ خود آنچه مناسب میداند در این مورد نقل مینماید:

پس ازگذشتن از ویرانه‌های شاپورکازرون که بجانب شمال‌وشمال غربی بروند به‌تنگه موسوم به **چنار شاهیجان** میرسند که ابتدای خاک‌ممسنی ازآنجا آغازمیگردد وانتهای تنگهٔ مزبور بنام **مُلّه‌نعل** خوانده میشود ـ ازتنگهٔ چنار شاهیجان‌واردجلگه نورآباد میشوند طبق‌آنچه‌در صفحات سابق‌الذکر کتاب‌آثار عجم‌نوشته شده‌است‌مسافت بلوک‌شاپور تاقصبهٔ‌مالکی (قلعهٔ‌مالکی) که مرکزجلگهٔ نورآباد است در حدود سی وسه کیلومتر (پنج‌فرسنگ ونیم) میباشدودر جانب مغرب نورآباد یعنی بین‌قصبهٔ مالکی وویرانه‌های مادردختر و کُردر (مذکوردر صفحه ۱۳۱متن کتاب) ویرانه‌های **نوبندگان** قرار دارد که درکتاب آثار عجم بنام **نوبنجان** ذکر گردیده‌است وچنین‌مینویسد: « **نوبنجان شهری بوده از کورهٔ شاپور کنون خرابست** ».

درجانب شمال‌شرقی جلگهٔ‌نورآباد **تنگ‌بوّان** واقع‌شده در کتاب‌آثارعجم چنین‌معرّفی گردیده است:

«شعب‌بوّان از نواحی نوبنجان‌مذکور است و آن درّه‌ایست بسیار وسیع و گشاده درمیان دو کوه طول آن قریب سه فرسخ عرضش متجاوز از یك فرسنگ هوایش‌سردسیر مایل باعتدال صحرایش دلگشا فضایش باصفا رودی‌درآن روان است که‌آبش‌درنهایت‌خوشگواری وشیرینی‌چشمه‌های‌زلال و گوارانیزدراطراف وجوانبش جاری است.

«سرتاسر این درّه درختستان است از هرگونه میوه دارد و از انبوهی درخت آفتاب بر زمین نیفتد این فقیر تمام آنجا را گردش نموده بینهایت محظوظ شدم (۱).

«شکار بیشمار از هر صنف وطیور غیر محصور از هرنوع درآن مرغزاردر چرا و پرواز هستند و بر سر کوههای آن اکثر از برف خالی نیست ومعروف است که آنجا یکی از بهشتهای دنیاست وآنها را **جنات اربعه** گویند.»

جناب آقای بوشهری توصیف فوق‌را دربارهٔ تنگ بوان مبالغه‌آمیز دانسته اظهار نمودند که پهنای آنهم چندان زیاد نبوده بمراتب کمتر ازیك فرسخ است ـ ضمناً طبق گفتهٔ معظم له بسیاری از مردم بومی تنگ بوان برخلاف ساکنین دیگر آن نواحی دارای موهای بور بوده سفیدرو هستند.

ناحیه‌ای که مشتمل برجلگهٔ نورآباد است **بَکَش** نام دارد ونواحی چهارگانهٔ **بَکَش** و **فهلیان** و **جاوید** و **رستم** که نام قسمتهای مختلف خاك ممسنی و مجاور یکدیگر است باضافه ناحیهٔ **دشمن‌زیاری** مجموعاً **شولستان** خوانده میشود.

از جلگهٔ نورآباد بوسیلهٔ تنگه‌ای که در جانب شمال آنست بطرف پل فهلیان میروند پس از خروج از تنگ مزبور و پیش‌از آنکه به‌پل نامبرده برسند اگر بجانب راست بروند به‌ناحیهٔ جاوید میرسند که غار کمان وسپیدز یا قلعه سفید (۲) سابق‌الذکر (مذکور در صفحات ۱۳۴ و ۱۳۵ متن کتاب) در ابتدای آن واقعست و بعداز ناحیهٔ جاوید به ناحیهٔ دشمن زیاری

(۱) شادروان فرصت‌الدوله در اینمورد چهار بیت شعرعربی مناسب مقام نوشته و ترجمهٔ آنراهم درحاشیهٔ کتاب ذکر نموده است که نقل آن بیرون از موضوع و هدف این کتاب بنظر میآید.

(۲) «بعضی میگویند که‌این‌همان قلعه‌ایست که فردوسی درشاهنامه نام‌آن‌را برده‌است:

دژی بود کش خواندندی سپید بدان دژ بد ایرانیان را امید ...»

(نقل از کتاب‌آثار عجم چاپ بمبئی۱۳۱۴ قمری ـ صفحهٔ ۳۱۳).

میرسند و پس‌از دشمن زیاری‌هم **ناحیهٔ اردکان** قرار دارد. نواحی جاوید و دشمن زیاری برخلاف نواحی بکش و فهلیان و رستم دارای **جلگه** نبوده تماماً کوهستانی است وحاشیه‌های باریك ساحل رودخانه را نیز دربردارد.

راه فرعی که به جلگهٔ فهلیان میرود نیزپس‌از خروج از تنگ سابق‌الذکر پیش‌ازرسیدن به‌پل فهلیان از جانب چپ منشعب میگردد و به‌شرحی که طی صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶ متن کتاب توضیح داده شد ازآن راه به‌آبادی **سَرَوان** و ویرانه‌های عهد هخامنشی مجاورآن میرسند.

خوشبختانه دربازدیدی که بلطف دوست‌گرامی آقای علی سامی برای نخستین‌بار در روز ۱۶ اسفندماه ۱۳۳۹ از ویرانه‌های عهد هخامنشی درکنار آبادی سَرَوان نصیب نگارنده شد اطلاعات بیشتری از اثر تاریخی مهم مزبور بدست آمدکه ذکرآنرا دراینمورد مناسب میداند.

ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی نزدیك سَرَوانْ مشتمل بر تپّهٔ کوتاه پست وبلند خاکی است وقسمتهائی از چهار عدد ته‌ستون سنگی بزرگ و زیبا وخوش طرح همان عهد در دل خاکهای تپّهٔ مزبور پدیدار میباشد و اندازهٔ هر یك از آنها بدینقرار است:

قطر دائره ۱٫۲۰ متر بلندی ۷۰ سانتیمتر.

مردم محلّ نام سَرَوانْ را سُرُونْ (بر وزن بُرُون) تلفّظ میکنند و کدخدای آنجا بنام میرقلندر کاظمی ویکی از اهالی بنام جمعه سمت راهنمائی آقای سامی ونگارنده را برای بازدید ته‌ستونهای متعدّد وزیبای عهدهخامنشی عهده‌دار گردید و دوعکس از یکی از چهار ته‌ستون سابق‌الذّکر در تصاویر شمارهٔ ۲۳۰ و۲۳۱ ازنظر خوانندگان گرامی گذرانیده میشود.

مسافت از کازرون تا پل فهلیان واز آنجا به سَرَوانْ بشرحی است که توضیح میگردد:

از کازرون تا برکتك (محلّ انشعاب راه بوشهر وخوزستان)	۶ کیلومتر
از برکتك تا ویرانه‌های شاپور	۱۶ کیلومتر
از ویرانه‌های شاپور تا سر آب بهرام	۳۲ کیلومتر
از سراب بهرام تامحلّ انشعاب راه فهلیان پیش‌از پل فهلیان	۹ کیلومتر

ازمحل انشعاب راه بمسافت سه کیلومتر که بروند به‌آبادی معروف **فهلیان** میرسند و دنبالهٔ راه با پیچ وخم وناهمواری ازکنار آبادیهای مختلف **جِن جِن** و **سربیشه** و**قلعه‌نو**

گذشته به آبادی سَروان منتهی میگردد و مجموعاً در حدود ۹ کیلومتر بعد از گذشتن از فهلیان به سَروان میرسند.

ته ستونی کوچکتر از تهستونهای چهارگانه که ذکر آنها گذشت بمسافت قریب‌صدمتری آنها درمحل معروف به **امامزاده اسمعیل** واقع گردیده است که قطر دائرهٔ آن ۹۲ سانتیمتر و بلندی‌آن ۵۲ سانتیمتر بوده در صفحهٔ ۱۳۶متن کتاب بدان اشاره شد وتصویرآنهم در شکل ۱۹۸ نمایان میباشد.

نگارنده احتمال نزدیك بهیقین میدهم که با خاکبرداری علمی در ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی در سَروان نوشته‌های میخی مربوط ومتعلّق به ته‌ستونها یا نوشته‌های دیگری از این بنای بدیع دوران هخامنشی کشف گردد و یکی از آثار جالب توجّه دوران شاهنشاهان هخامنشی از پردهٔ خاك بدرآمده در معرض دیدار و بررسی علمی و جلوه گری علاقه‌مندان به‌هنر و معماری عهد درخشان مزبور قرار گیرد.

اینك برای ادامهٔ بررسی آثار تاریخی ممسنی بایستی از سروان به‌فهلیان بازگشت ودنبالهٔ راه را تا شاهراهی که بطرف پل فهلیان میرود پیمود وبه پل اخیرالذّکر رسید.

جادّهٔ کازرون بخوزستان پس از گذشتن از پل فهلیان بجانب دست چپ ادامه مییابد واز داخل خاك رستم میگذرد وپس از طیّ ده کیلومتر به‌آبادی بزرگ **مصیری** میرسد وپس‌از عبور از مصیری **برودخانهٔ سر آب سیاه** میرسند وطبق اظهار جناب آقای بوشهری از کف رودخانهٔ مزبور گاهی اوقات ظروف مسی بدست میآید ـ قریب ده کیلومتر هم که از مصیری (بجانب خوزستان) دورتر بروند نزدیك آبادی بنام **بابامیدان** میرسند ودر آنجا بجادّهٔ فرعی سمت چپ منحرف گشته به‌طرف دهکدهٔ **سه‌تلو** میروند.

نقوش برجستهٔ عیلامی (که در صفحات ۱۳۶ ـ ۱۳۸ متن کتاب وتصویر شمارهٔ ۱۹۹ توضیح داده شده است) در مجاورت دهکدهٔ سه تلو قرار دارد و برای رسیدن بآنها باید از دامنهٔ شمالی کوهستان مجاور دهکدهٔ مزبوربالارفت.

دیدار این اثر تاریخی‌شگفت‌هم بشرحی که گذشت نخستین بار روز ۱۶ اسفندماه ۱۳۳۹ نصیب نگارنده گردید و با ملاحظهٔ آن بیش‌از پیش دریافتم که محل بس هولناك وهراس‌انگیزی‌را

بربالای صخرهٔ کوه جهت احداث نقوش مذهبی مورد ذکر برگزیده‌اند و هنگامیکه شخص از جانب شمالی کوه بالامیرود میتواند ازشکاف سنگ خودرا به‌محلی نزدیك وروبروی نقوش برساند واگر بخواهد نقوش‌را لمس کند و دقیقاً آنهارا بررسی وبازدید نماید ازمحلی مانند پلکان که از سنگ لب پرتگاه تراشیده‌اند و خوشبختانه بعلت جدا شدن سنگ راهی از شکاف کوه بوجود آمده است خودرا به سکوی جلو نقوش که پهنای آن شاید کمی بیش از یك متر باشد میرساند و در تصویر شمارهٔ ۲۳۲ موقعیت نقوش درون مستطیلی که با خط سفید نموده شده‌است پدیدار میباشد وآقای سامی جلو قسمت اصلی نقش ایستاده‌اند و در چنین موقعی نگاه کردن به‌پائین کوه بسیار ترسناك و وحشت‌آور است و رودخانه ازپائین همان قسمت جریان‌داردومنظرهٔ صحرا وجلگهٔ فهلیان وآبادیهای مختلف ازجمله آبادی سَرَوان که ویرانه‌های عهد هخامنشی درکنارآنست درمسافت دوردست بطور محو جلب نظر مینماید و اگر دشواری عبور از رودخانه مانع نمیشد مسافت بین ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی سَرَوان با نقوش عیلامی **کورانگون** بخط مستقیم شاید بیش‌ازحدود شش کیلومتر نبوده باشد وبطور خلاطه با ملاحظهٔ موقعیت نقوش حس احترام وتحسین کامل به ایجادکنندگان این اثر تاریخی و کاشفین آنها یعنی شادروانان فرصت‌الدوله و پرفسورهرتسفلد احساس میگردد.

نقوش‌برجستهٔ نامبرده‌را درمحلّ بنامهای **گوسنجان** و **نقاره‌خانه** میخوانند ونام اخیر بیش از **کورانگون** یا **کرّانگون** (به تشدید راء) شهرت دارد ونام عامیانهٔ محلّ نقوش در کوهستان بعلّت عدم امکان‌عبور از پرتگاههای جوانب‌آن **سگ مَتَرُ** است یعنی سگ هم از آنجا نمیتواند بگذرد.

خاك رستم مشتمل بر دو قسمت است که بوسیله تنگهٔ کوهستانی بنام سنگر از یکدیگر جدا میشود ـ قسمت واقع‌بین فهلیان وتنگهٔ موسوم به‌سنگر که آبادی **حصیری** ورودخانهٔ سرآب سیاه وآبادی بابامیدان ودهکدهٔ سه تلو ونقش برجستهٔ کورانگون هم در آن قرار دارد بنام **اینطرف‌سنگر** خوانده میشود وقسمت دیگر که بعد از تنگ سنگر واقع شده وراه خوزستان پس از عبور از تنگ مزبور از درون آن میگذرد موسوم به **آنطرف‌سنگر** است.

بعد از خاك رستم به‌نواحی کوهستانی **باشت** و **باوی** میرسند که قسمتی از **خاك بویراحمدی** محسوب میگردد و سابقاً جزء خاك ممسنی بود لکن اکنون مربوط به‌بویر احمدی‌واز بخشهای تابعهٔ بهبهان بوده از لحاظ تقسیمات کشوری مربوط به‌خوزستان است.

درپایان بحث راجع به خاك ممسنی مناسب میداند قسمتهائی از مقالهٔ شیوائی را که بقلم دانشمند گرامی آقای مهندس منوچهر سالور درروزنامهٔ پارس مورخ سیزدهم دیماه ۱۳۴۰ دربارهٔ راه شیراز باهواز درج گردیده وطی آن تاحدی اشاره به اهمیت خاك ممسنی شده است دراینجا نقل نماید ـ دانشمند گرامی مزبور در مقالهٔ خود زیر عنوان **فقط ۳۷ کیلومتری** چنین مینویسند :

«صفحات گذشتهٔ پارس گواهی میدهد که تاچه‌پایه وباچه‌تأکید وتکراری راجع باهمیّت‌راه شیراز ـ اهواز سخن رفته قبل ازشروع بکار موجبات لزوم‌آن توضیح‌داده شده‌وپس‌از آغازکار تاکنون‌جریان آن‌قدم‌بقدم تعقیب گردیده‌ودر هرفرصت گزارش چگونگی وپیشرفت حاصله باطّلاع خوانندگان محترم رسیده است . روزاوّل آذرماه جاری برای‌انجـام بعضی‌وظایف محوّله باتّفاق چندتن از همکاران بقصداهـواز از همین راه‌روانه شدیم .... شهر کازرون راگذاشتیم و گذشتیم‌وبجانب‌اهوازعزیمت کردیم . دراوائل‌راه باآقای‌مهندس قبائیان مسئول راه‌کازرون ـ اهواز که برای‌سر کشی براه‌ها میرفتند برخورد کردیم . ایشان از بهمن‌ماه ۱۳۳۷ قدم‌دراین‌راه نهاده وبساختن این‌شاهراه حیاتی پرداخته‌اند وبـا آنکه بعلّت شدّت گرمای منطقه‌ای و ناراحتی های طاقت فرسای فصلی بالاجبار هرساله‌درحدودسه‌ماه‌کار تعطیل‌است‌یکصدوسه کیلومترازراه‌مزبور ساخته‌وآماده شده‌وجادّه تاپل بریم پیش رفته وتنهاسی وهفت‌کیلومتر دیگرباقی مانده که راه بجادّهٔ اسفالته شرکت‌ملّی‌نفت اتّصال‌یابدواینکارمفیدومثمر بانجام‌رسد . بطوریکه اظهارشد این باقیمانده نیز انشاءالله تااردیبهشت ماه ۱۳۴۱ خاتمه می‌یابد و جادّهٔ شیراز ـ اهوازرسماًگشایش میبابد. ظاهراًاکنون تنها مبلغ ۳۳ میلیون ریـال برای انجام‌این‌طرح صرف‌هزینه شد . درصورتیکه غالباًقبل‌از شروع بکار مبلغی معادل ده‌برابر آن‌برای‌ساختمان این‌راه برآورد وتقاضامیشد . ولی‌صحّت عمل و پشتکارمهندس مسئول‌این‌راه که مدّت‌سه سال دوراز خانه وخانواده خدمت بوطن راوجههٔ همّت‌ساخته وازطرف وزارت‌راه این‌راه‌را پرداخته وباچنین‌مبلغی راهی بدین اهمیّت را تا آستانهٔ‌اتمام پیش‌برده‌است باعث‌شعف وسرور خاطراست ....

«این‌خدمتی‌است ارجمند وگرانمایه که بی‌هیچ‌تظاهر وریا ازطرف جمعی

وطن‌خواه وظیفه شناس انجام میگردد وراه خوشبختی مردمان قسمتی‌از استان باستانی فارس‌را هموار میکند. **درود فراوان براین وظیفه شناسی و سلام بر مردانی که در این‌کشور با کوشش و جانفشانی مداوم بهر طریق راه ارتقاء هموطنان خودرا صاف میکنند و باهمت بلند وقلب صافی خویش مردانه در این‌راه مجاهده می نمایند. دم‌فروبسته در کنار دشتها ودامنهٔ کوهها با جوش و خروش فیّاض ازهمه چیزخود میگذرند. تا بمردمی که همنوع‌و هموطن ایشانند کمك کنند**. شایدهنوز زود باشد که ازجمال وجلال طبیعی‌این جادّه که خرّم‌ترین‌طرق ایران است کلامی بمیان‌آید. ولی‌پس ازخاتمهٔ‌کار درصورتی که درحفظ جنگلهای‌آن نواحی باندازهٔ‌کافی اهتمام‌شود با گل‌و گیاهی که بفراوانی درآن منطقه میروید وباستقبال بهار میرود واقعاًدر ودشت غرق زمرّد ویاقوت میگردد وهر گاه کارخانهٔ‌قند ممسنی که فرمان تهیّه‌ونصب آن صادرشده آماده‌و مهیّا گردد مردم‌آن حدود پس‌از قرنها جهل وبی‌خبری و دوری ازکلیّهٔ مظاهر انسانیّت ونمودارهای مدنیّت اززندگی‌مرفّهی که باتمدّن‌وآداب‌بشری‌توأم‌است بهره‌مندخواهندشد ، چندی‌قبل ضمن‌مقاله‌ای راجع‌بمزایای‌عالی طرق و شوارع بتفصیل سخن‌رفت ومدلّل گردید که راهها واقعاًراه زندگی‌را هموار می کنند و مفتاح‌سعادت را درچنگ ملّتهامیگذارند. این‌راه‌هم طریق‌خوشبختی مردم آن حدود است‌وواقعاً تحوّلی عمیق‌درحیات ایشان پدیدخواهدآورد. مردمی که از حمّام ومدرسه ومسجدوبرق وبهداشت وفرهنگ و هرچه ازاین قبیل‌است بکلّی بی‌خبرمانده وحتّی‌بطوری که ملاحظه میشود ازآثارتوحید اسلامی وآداب دین مسلمانی نیز بر کنار بوده‌اند وعقائدی بدوی‌توأم باتوهّمات پریشانی که زائیدهٔ زندگی‌هزاران سالهٔ محدود ومحصور ایشان است‌هم‌آداب ومعتقدات واخلاقشان راتشکیل‌میدهد ، درپرتوپیوند باسایرنقاط ونجات‌از این‌حصار که‌بدست روزگار درآن‌اسیر ومحبوس مانده‌اند رهائی‌پیدا میکنند ونجات‌وخلاصی میابند بویژه که‌پس‌از این‌موهبت کارخانهٔ‌قند ممسنی که بیاری‌خداوند متعال تهیّه‌ونصب‌خواهد شد مردم‌را از کوه‌نشینی وبیابان گردی‌نجات‌داده وبزراعت وفلاحت بنحوجدّی وخردمندانه معتادخواهد کرد ویکباره همهٔ زندگانی‌ایشان را ازمادّی ومعنوی

بجهتی دیگر که حاوی صلاح دنیا ودین ایشان‌است سوق میدهد و آنرا تحوّلی عمیق وجذّاب می‌بخشد. این‌مردم ظاهراً مسلمانند ولی‌از ابتدائی‌ترین آداب و عقاید اسلام همانقدر بی‌خبرند که دیگر مسلمانان عادی از احکام طریقهٔ بودائی یعنی‌درواقع هیچ‌نمی‌دانند وبایداز ابتداء شروع کنند، این‌است اندکی ازفوائد بسیار که ازاین شاهـراه حاصل میگردد واین‌است باعث آنکه بدون هیچگونه منفعت شخصی‌یا احتمال‌حصول سودی‌ازچندسال باین‌طرف‌موضوع‌طیّ مذاکرات متوالی‌ومقالات پی‌درپی تعقیب گردیدتااز قوّه‌بفعل‌آمد وافقی‌چنین‌روشن وتابناك برای گروهی ازاهالی این‌آب‌وخاك فراهم‌آورد هرچنداین‌هنوز آغازکار است‌و چندسال‌دیگر که مدّتی براین‌اتّصال وارتباط بگذرد نتایجی بسیار افتخار آمیز حاصل‌خواهد شد وبیش ازپیش خادمین راغرق درمسرّت وافتخارخواهد کرد که بفرمودهٔ شیخ‌اجلّ:

این هنوز اوّل خورشید جهان افروز است

باش تـا خیمه زند دولت نیسان و ایار»

آنچه درمقالهٔ بالا دربارهٔ خاك ممسنی نوشته شده‌است ودانشمندی مثبت وبا ایمان مانند آقای مهندس سالور که واجد تقوی ودیانت عمیق وریشه‌دار باعلوم وفنون تازهٔ دنیـای‌کنونـی وفعالیت ودانش بمقتضای زندگانی امروزی هستند دربارهٔ آن قلمفرسائی فرموده‌اند گوشه‌ای‌از اهمیت واستعداد نواحی مختلف‌سرزمین وسیع وتاریخی فارس‌را برای کارهای آبادانی گوناگون مینماید. نگارندهٔ کتاب نیز هنگامی که نخستین بار توفیق مسافرت ازشیراز باهواز را ازخـاك ممسنی در پائیز ۱۳۳۰ پیدا کردم هنوزراه مزبور ساخته نشده وپل فهلیان پایان نیافتـه بود ودر اسفندماه ۱۳۳۹ که برای دیدار آثار تاریخی ممسنی تا نزدیکی **تنگهٔ سنگر** طی طریق نمودم جادهٔ مورد ذکر تا مسافتی بعد از تنگهٔ مزبور باتمام رسیده بود وعلاوه برسرعت وآسانی عبور ازآنجا آثار آبادانی ورونق فراوان در **مصیری** ونقاط عرض راه تازه ساز بخوبی مشهود ومؤید نظریات صائب دانشمند عالیقدر آقای مهندس سالور بود واز جمله درمجاورت اثرتاریخی نقش بهرام (مذکور در صفحهٔ ۱۳۰ متن‌کتاب) کـه سابقاً نـی‌زار وآب‌نمائـی وجـود داشت قهوه‌خانه‌ای ساخته بودند که امید میرود وضع‌آن‌به‌تناسب نقش بهرام صورتی شایسته وآبرومند پیدا کند.

یقیناً پایان پذیرفتن این‌شاهراه مهمّ برای علاقه‌مندان ببازدید و بررسی آثارتاریخی هم‌فرصت بهتری پیش می‌آورد که به‌آسانی بتوانند از یادگارهای

گذشتهٔ آن نواحی دیدار نمایند و همین ترتیب نسبت به جلگه‌ها و درّه‌ها و نواحی کوهستانی قسمتهای دیگر خاك فارس خواه از شیراز بجانب مشرق و جنوب شرقی تا بندرعبّاس و خواه نواحی واقع درمشرق شاهراه اصفهان بشیراز و خـواه نواحی غربی شاهراه مزبور و نواحی کوهستانی صعب‌العبور واقع بین خاك بختیاری و خاك ممسنی[1] و بالاخره سراسر نواحی جنوبی خاك فارس تا برسد به کرانه‌های خلیج فارس صدق مینماید و بنابراین یکبار دیگر یادآوری این نکته بمورد خواهد بود که آنچه دراین کتاب بنظر خوانندگان گرام میرسد مطالبی‌است که باامکانات و وسائل و مقتضیات موجود جهت نگارنده و عدم آشنائی از نزدیك به‌بسیاری از نواحی استان وسیع فارس و میسّر نبودن مسافرتهای تحقیقاتی مختلف بدان استان فراهم گردیده است و گرنه در هر گوشهٔ استان مزبور چه بسا بقایای باستانی قابل توجّه وشایستهٔ بررسی وجود دارد که جوانان پرشور ایران خصوصاً فرزندان با ذوق و مستعدّ و علاقه‌مند و لایق و دانشمند فارس درانجام بررسیهای علمی و نمودار ساختن و روشن نمودن چگونگی و درجهٔ اهمیّت آنها میدان عمل وسیعی داشته وخواهند داشت .

۲۶ ـ اطلاعات مفید بیشتر در بارهٔ آثار پاسارگاد

درصفحهٔ ۱۲ متن کتاب ضمن توضیح نقش انسان بالدار موجود درپاسارگاد اشاره باین امر گردید که طبق آنچه از کتب برمیآید بالای نقش مزبور نام کورش منقور بوده لکن از هفتادوچند سال پیش اثری از آن نمانده‌است .

چون اخیراً از طرف شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی برای انتشار قدیمترین تصویر موجود از نقش نامبرده اهتمام بعمل میآمد[2] لذا از روی تصویری که

(۱) طبق اظهار تیمسار سپهبد آق اولی غار بسیار بزرگی بنام پرسکست ـ Pareskaste (یعنی پرندگان برای رسیدن باین غار پرشکسته وناکام هستند) در خاك ممسنی بین فهلیان وسی‌سخت در محل تنگ تامرادی وجود دارد که گنجایش آن برای هزارنفر لااقل کافی بوده مشرف بر تنگ تامرادی است .

(۲) تصویر فعلی نقش درصفحهٔ ۱۶۰ ـ ش ۱۶ نموده شده است .

بوسیلهٔ سر ربرت کر پرتر[۱] دانشمندجهانگرد انگلیسی درجلداوّل کتاب‌مسافرت در گرجستان و ایران و ارمنستان وبابل قدیم[۲] درج گردیده و در صفحهٔ **۵۰۵** کتاب مزبور هم تصریح بمشاهده وترسیم نقش آن بوسیلهٔ دانشمند نامبرده شده است‌عیناً اقتباس‌واستفاده‌نمودندونگارنده‌مناسب‌دانست نمونه‌ای‌از تصویرمزبوررا در کتاب حاضر هم بمعرض ملاحظهٔ خوانندگان ارجمند بگذارد (ش۲۳۳) . وهمچنین نمونهٔ تصویری که بیست سال پس‌از آن بوسیلهٔ دو دانشمند فرانسوی بنام ا. فلاندن وپ. کوست[۳] درجلدچهارم کتاب مسافرت‌بایران‌ـایران قدیم[۴] درج گردیده و آقای جواد بابك بتقاضای نگارنده ازروی آن استنساخ وموجبات مزید سپاسگزاریم را فراهم ساخته‌اند بنظرخوانندگان محترم میرسد(ش۲۳۴). ضمناً مناسب می‌داند مضمون توصیفی راکـه فلاندن در بارهٔ نقش نامبرده نموده است‌ومی‌توان‌آنرا قدیمترین توصیف‌علمی‌نقش مزبور دانست دراینمورد مذکور دارد[۵]: « دراین محلّ پایهٔ‌سنگی برپاست کـه سه‌متروشصت سانتیمترارتفاع[۶] ویك‌متر وپنجاه‌وهشت سانتیمتر عرض وهشتادوهشت سانتیمتر ضخامت دارد ـ از دیرزمان برروی پایه‌ایکه شصت‌سانتیمتر بلندی آنست‌استوار میباشد ـ برسطح برّاق‌ومحکم آن‌نقشی حجّاری شده‌است که‌کاملاً باآنچه که‌مامیشناسیم تفـاوت دارد حتّی‌در تخت‌جمشیدودرهیچ جای‌دیگر ایران نظیرآن‌نیست ـ این حجّاری شخصی‌را نشان میدهد که لباس‌بلندریشه داری پوشیده بانیم‌رخ یك سر انسان که شاخی گرد گوش وی‌پیچیده است ، روی‌نوك سرش دوشاخ‌بزرگتر قرار دارد که

(۱) Sir Robert Ker Porter

(۲) Travels in Georgia , Persia , Armenia and Ancient Babylonia چاپ لندن ۱۸۲۱ ـ تصویر شمارهٔ ۱۳

(۳) Eugéne Flandin et Pascal Coste

(۴) Voyage En Perse,Perse Ancienne Paris 1840-41 Tome 1v , Planche 198 چاپ پاریس ۴۱-۱۸۴۰ ـ ورقهٔ مصور شمارهٔ ۱۹۸

(۵) اقتباس از جلد مخصوص متن همان کتاب صفحهٔ ۱۶۰ Idem Texte P. 160

(۶) بلندی قسمت موجود تخته سنگ مزبـور سه متر است .

ازجلووعقب کشیده ودارای سه‌چیزشبیه بهم‌میباشد ونمی‌توان آنراتوصیف نمود ولی‌میتوان شبیه ظرفی‌دانست که‌روی آن سه گلوله یاسه‌سیب قرارداده باشند ـ این‌سیمای مخصوص دارای چهاربال است که دوعددآن درعقب ودو دیگردرجلو قرار دارد .

« بطوری که اشاره نمود این حجّاری در ایران شباهت به آنچه تا کنون دیده‌ایم نداشته‌حتّی‌شبیه حجّاریهای دیگری‌هم که ازاین پس می‌بینیم‌نیست ».

« حجّاری مزبور ازبرخی جهات به‌نقوش مذهبی مصری و نیز به چند نقش برجسته که بتازگی درنینوا کشف شده است شباهت داردو اگر کاملاً همانند آنها نیست لااقل از لحاظ لباس و بالها شبیه آنها است ضمناً از نظر شیوهٔ کار به نقوش تخت جمشید میماند منتهی با طرز و اسلوبی که قدیمی تر بودن آنرا می نمایــد .

«درروی سر آن‌چهار سطربخط میخی‌نوشته شده‌است».

دانشمند فقید مولاناابوالکلام آزاد وزیر فرهنگ اسبق هندوستان و از شخصیّتهای‌علمی‌برجستهٔ آن‌سامان باستنادنقش‌برجستهٔ‌مزبورونبشتهٔ بالای‌آن(که بشرح‌سابق‌الذّکر بعداًازمیان‌رفته‌است) کورش کبیرراهمان‌ذوالقرنین مذکوردر قرآن‌مجید(١) دانسته‌اندو نظریّهٔ‌ایشان که‌متضمّن‌بحث‌مفصّل‌و بسیارجالب‌وشیرینی است بزبان عربی درمجلّهٔ ثقافة الهند (شماره‌های مارس وژوئن وسپتامبر ١٩٥٠) منتشر گردید وترجمهٔ فارسی‌آن‌هم بوسیلهٔ‌دانشمند گرامی آقای‌ابراهیم‌باستانی پاریزی تهیّه و طیّ رسالهٔ جداگانه چاپ ومنتشر شد(٢) وهمچنین در مجلّهٔ صبا (شماره‌های٤٦و٤٧ـ‌اسفند١٣٢٩)وپس‌از آن‌در کتاب پاسارگاد نگارش‌آقای‌علی سامی (چاپ شیراز ١٣٣٠) و مجلّد چهارم گزارشهای باستان شناسی بقلم همان دانشمند(چاپ‌شیراز ١٣٣٨)نیز بتفصیل درج گردیده است وعلاقه‌مندان میتوانند بآن مراجعه‌فرمایند .

---

(١) سورهٔ مبارك كهف ـ آيات ٨٣ تا ٩٨ .

(٢) چاپ تهران ـ تیرماه ١٣٣٠ .

بطوریکه درصفحهٔ ۳۳۱ کتاب اشاره شد یك هیئت علمی انگلیسی باهمکاری وشرکت ادارهٔ کلّ باستان شناسی قصد انجام کاوشهای علمی در بعضی از نقاط پاسارگاد را داشتند و در پائیز ۱۳۴۰ که چاپ مطلب مزبور بتازگی انجام یافته بود باجرای این منظور پرداختند وضمن خاکبرداری درسطح زمین بالای صفّهٔ مادرسلیمان مهر استوانه شکلی ازسنگ سبز تیره رنگ که درازای آن ۲۵ میلی متر وقطر دائرهٔ آن ۱۲ میلیمتر بود بدست آوردند ـ مهرمزبور ناتمام مانده وسط آنرا سوراخ نکرده بودند ولبه های پائین وبالای آن صورت ناهموار داشت وچون تنها مهر عهدهخامنشی مکشوف در پاسارگادبوده وضع نقش آنهم طوری است که میرساندمربوط به پیش از هنگام ساختمان کاخهای تخت جمشید میباشد لذا باحتمال نزدیك بیقین متعلّق بدوران کورش کبیر بنظرمیرسد.

هنگامیکه شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ازپیداشدن مهرمزبور اطّلاع یافت درصدد برآمد تصویر آنرابرای نشریّهٔ خود تهیّه نماید وبا همکاری ومساعدت ادارهٔ کلّ باستان شناسی و ادارهٔ انتشارات و روابط دانشگاهی دانشگاه تهران و مؤسسهٔ بریتانیائی مطالعات مربوط بایران که کاوشهای هیئت علمی مشترك را در پاسارگاد انجام داده است عکس برداری وقالبگیری آن صورت گرفت و هنرمند عالیقدر آقای علی کریمی برروی عکس آن مختصر نقّاشی ظریف بسیار استادانه و ماهرانه انجام داده نکات نامرئی آنرا روشن ونمایان ساختند ـ تصویر نقش اصلی مهر که بوسیلهٔ بخش سکّه ها و مهره های عتیقهٔ موزهٔ ایران باستان قالبگیری شده است (ش ـ ۲۳۵) وتصویر نقش مزبور پس ازاصلاحاتی که آقای علی کریمی برروی آن انجام داده اند (ش ـ ۲۳۶) درقسمت تصاویر ذیل کتاب مندرج میباشد[۱].

(۱) ازهمکاری وموافقت ادارهٔ کل باستان شناسی ومؤسسهٔ بریتانیائی مطالعات مربوط بایران که موجبات استفاده ازنقش مهرتاریخی مهم فوق وبررسی آنرا دراین کتاب فراهم ساخته اند صمیمانه سپاسگزاری مینماید. مخصوصاً ازآقای دیوید استروناخ David Stronach رئیس مؤسسهٔ اخیرالذکر وخانم ملکزادهٔ بیانی وخانم پروین برزین موزه داران موزهٔ ایران باستان وخانم بتول خمسه صفا کارمند بخش سکه ومهره های عتیقهٔ موزهٔ ایران باستان که هر کدام دراین خدمت علمی بنوعی همکاری و لازمهٔ همراهی را معمول نموده اند کمال امتنان را تقدیم میدارد.

بطوریکه درنقش مهر نموده شده‌است مردی باجامهٔ پارسی و کلاه کنگره‌دار شیری شرزه را شکار کرده بادست راست کمند مخصوص چنین شکاری را که پای راست شیر بآن بندشده است گرفته وبجانب خود میکشاند ودر دست چپ ترنای کوتاه یاشلاق دم گاوی برای ناتوان ساختن شیر و در هنگام لزوم جلوگیری ازحملهٔ آن گرفته است ـ دربادی امر تصوّرمیرفت که مرد پارسی بادست راست خود پای‌راست شیررا گرفته و چون‌نقش مهراساساً ناتمام‌مانده نقش دست‌راست مردنیز کامل‌نشده است‌ولی آقای کریمی هنگام‌نقّاشی برروی نقش‌مزبور بوسیلهٔ ذرّه‌بین وبا دیدهٔ دقیق هنری آنرا نگریستند و دریافتند که پای راست شیر در کمند مرددلاور افتاده ودست راست وی کمندرا تنگ کشیده‌است واندازهٔ کمند ازبلندی‌طبیعی‌دست کمی بیشتربوده وسط‌دوخطّ طولی کمند خطوط‌عرضی‌موجب بستگی و پیوستگی بهترآن ومجال ندادن به‌شکاربرای‌رهائی‌وفرارمیباشد وخانم ملکزادهٔ بیانی هم از آغاز بر رسی خود در بارهٔ مهر مزبور همین نظر را ابراز داشته بودند .

درپشت سردلاور پارسی تصویر چرخی درپائین ونقش‌انسان بالداری دربالا پدیدار است که میتواند مظهر قدیمتر فروهر باشد بدینمعنی که نقوش فروهردر بیستون وتخت‌جمشید بجای‌چرخ زیرین نقش‌مورد بحث‌دارای نقش‌دائره‌ای در وسط قامت و محلّ پیوستگی بالها به‌بدن انسان میباشد وقسمت دنبالهٔ پائین بدن هم که بصورت پرّه‌پرّه نموده‌شده است‌درنقوش فروهربعدی بلندتر ازنقش فروهر مهرمکشوف درپاسارگاد است، درعین حال میتوان اندیشید که کمند افکندگی وگرفتاری‌شیر بدست مرد دلاور نمونهٔ قدیمتری ازصحنهٔ پیکار شاه باشیر باشد که بعداً درنقوش‌برجستهٔ تخت‌جمشید بصورت دیگرنموده‌شده است بدینمعنی که شاه‌بایك دست‌فرق‌شیررا گرفته بادست دیگردشنه‌را به‌شکم حیوان (که‌روبروی اوبردو پاایستاده) فروبرده است .

۲۷ ـ ذکر مختصری در بارهٔ الواح گلی تخت جمشید

هنگام تدوین متن کتاب برای رعایت جانب اختصار از تکرار برخی مطالب که درخور ذکر در این کتاب بنظرمیرسید ودرسالهای پیش بوسیلهٔ نگارنده چاپ و منتشرشده بود خود داری گشت و بتدریج که چاپ کتاب وتصاویر وپس ازآن قسمت ذیل کتاب انجام گرفت نگارنده متوجه قصور و غفلتی که درپاره‌ای موارد ازاین بابت پیش آمده‌است گردید وبدین لحاظ در مباحث مختلف ذیل کتاب تاحدی سعی درجبران این نقیصه نمود.

موضوع پیدایش قریب سی هزار لوح گلی درتخت جمشیدنیز یکی ازمهمترین اینگونه موارد بشمار میرود که چون درمجلداول گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ طهران-۱۳۲۹) ضمن فصل مخصوصی دربارهٔ چگونگی کشف الواح ومساعی دانشمندان برای ترجمهٔ آنها وموفقیتی که پس ازسالها کوشش نصیب پرفسور ژرژکامرون (۱) دانشمندشهیر ایراندوست آمریکائی گردیده است و بالاخره ترجمهٔ ۸۵ عدد ازالواح مزبور بفارسی توضیحات مناسب بقلم نگارنده انتشاریافته بود بدین جهت در ضمن توضیحات مربوط بآثار تخت‌جمشید اشاره‌ای به‌الواح گلی سابق‌الذکر ننمود وحقاً دراین باره غفلتی شد وپس‌از آن‌در تلوصفحات بعدی متن کتاب که نام برخی از شهرها ونواحی فارس مذکور می‌افتاد (شیراز ـ نیریز ـ فسا) اشاره بنامی که برای همان محلها درالواح گلی تخت جمشید برده‌شده است نمود لذا کاملا بمورد دانست درقسمت ذیل کتاب اطلاعات مختصری دراین‌باره مذکور داردو ترجمهٔ چندلوح گلی را که نام‌شهرها ونواحی مختلف فارس‌درآنها تشخیص گردیده است نیزنقل نماید-بدیهی است خوانندگان عزیزی که علاقه‌مند به‌تحصیل اطلاعات بیشتر دراین‌باره باشندمی‌توانند بمجلد اول گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ طهران۱۳۲۹) فصل اول ـ تحت‌عنوان **الواح گلی تخت‌جمشید یااسناد اداری ومالی کاخهای شاهنشاهان هخامنشی** مراجعه فرمایند. باذکراین‌مقدمه اکنون بشرح مختصر موضوع میپردازد:

در اواخر سال ۱۳۱۲ هنگام هموار کردن گوشهٔ شمال غربی صفّهٔ تخت جمشیدنزدیك به‌محلّ اتّصال دیوارشمالی صفّه‌باکوه رحمت‌درون آستانهٔ‌مسدودی ازعهد هخامنشی مقدار زیادی الواح گلی درست یـا شکسته پیدا شد که اندازهٔ آنها بطور کلّی تقریباً باندازهٔ مهرنماز معمولی (بدرازای ۳ تا۷ سانتیمتروپهنای ۱ تا۶ سانتیمتر وکلفتی قریب یك‌تادو سانتیمتر بااختلاف کم وبیش ازهر جانب) بود ـ نگارندهٔ کتاب درآن هنگام بسمت نمایندهٔ باستانشناسی در تخت جمشید انجام‌وظیفه مینمودم و شخصاً تمام قطعات درست یا ناقص الواح را درون پنبه و قوطیهای‌مقوّائی که ازطرف‌هیئت علمی تخت‌جمشید فراهم‌میشد قراردادم وشمارهٔ

(۱) Prof George Cameron

تمام الواح اعمّ ازدرست وناقص قریب به سی‌هزار عدد بالغ میگشت ـ دو گوشهٔ بالای الواح عموماً بصورت منظّم وزاویه دار بود ودو گوشهٔ دیگر آن شکل مورّب و منحنی داشت (ش ۲۳۷ تا ۲۴۰).

کلیهٔ الواح برای بررسی علمی وخوانده‌شدن باختیار بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو که عهده‌دار خاکبرداریها و کشفیات علمی تخت‌جمشید بود (۱) گذارده‌شد وپس از دوسال یعنی در سال ۱۳۱٤ با اجازه و موافقت دولت شاهنشاهی ایران از طرف بنگاه نامبرده بطور موقت بآمریکا حمل گردید وچهارسال بعدهم ضمن خاکبرداری قسمت معروف به‌خزانه تعداد ۷۵۰ عدددیگر ازاینگونه الواح یاقطعات آنها بدست آمد ومانند الواح قبلی در اختیار بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو قرار گرفت و موقتاً بآمریکا فرستاده‌شد وپس از سالها کوشش و کارهای آزمایشگاهی وتحمل رنجها و دشواریهای گوناگون که قسمتهائی ازآنهم براثر پیش آمد جنگ بزرگ دوم جهانی بود سعادت کامیابی در راه خواندن وانتشار کتاب جامعی دربارهٔ ۸۵ عدد ازالواح مکشوف درخزانه همانطور که درسطور سابق گذشت نصیب پرفسور کامرون آمریکائی گردید ودانشمند مزبور دربارهٔ بسیاری ازنکات ومطالب مربوط به‌عهدهخامنشی ازجمله اطلاعات مربوط به‌مذهب شاهنشاهان هخامنشی ـ مطالب مفیدی ازلحاظ زبان‌شناسی ومعانی لغوی ـ چگونگی ماه وسال در دوران هخامنشی ـ واحد وزن واجزاء آن ووضع شمارش آنها ومیزان دستمزدها وطرز پرداخت آن درعهد مزبور ـ شرح مهرهائی که برالواح مکشوفه زده شده بود ـ اطلاعات مختلف دربارهٔ زبان پارسی باستانی وزبان عیلامی وبالاخره نقل تلفظ وترجمهٔ تمام ۸۵ لوح موردذکر در کتاب خود توضیحات عالمانه وجامع وبس دقیق مرقوم داشت ونگارندهٔ این سطور هم باستفاده ازاین کتاب بسیارمفید ترجمهٔ فارسی الواح نامبرده‌را بابرخی اطلاعات وتوضیحات مختصر درضمن فصل اول مجلدسابق الذکر باستان‌شناسی بچاپ رسانیدم وبا مختصر مراجعه به ترجمهٔ الواح مزبور بخوبی میتوان ازانواع اقسام کارهائی که درقبال پرداخت دستمزدبرای ساختمانهای تخت‌جمشید صورت میگرفته است ازقبیل تراش سنگها ـ بهتر کردن نقوش برجسته ـ درودگری ـ منبت کاری ـ ساختن درهای آهنی ـ مس کاری ـ تنظیم محاسبات وهمچنین کارهای دیگر دستگاه شاهنشاهی هخامنشیان ازقبیل وجوهی که به پیشوایان دین پرداخته میشد ـ دستمزد چوپانان ـ کشاورزان ـ سرایداران ـ مهتران اسبهای شاهی ـ زنانی که عهده دار تیمار اسبهای بانوان سلطنتی یاامور دیگر هستند پی برد.

باذکر توضیحات بالااینك بنقل ترجمهٔ فارسی چندعدد ازالواح گلی تخت جمشید ازروی مجلّداوّل گزارشهای باستان‌شناسی می‌پردازدودر بادی‌امر مناسب میداندآنچه راکه در بارهٔ لوحهٔ شمارهٔ یك نگاشته شده علاوه بر ترجمهٔ آن

۱ ـ درقسمت ذیل صفحهٔ ۳۲ متن کتاب اطلاعات بیشتر دربارهٔ خاکبرداریهای علمی تخت جمشید وخدمات بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو دراین قسمت مرقوم رفته است.

حاوی‌اطلاعات مفید دیگری هم در بارهٔ کشف اسناد تاریخی مهمّ مورد ذکر است عیناً نقل نماید .

مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۱) (ش-۲۳۷)

بردکاما(۱) به‌شاکا(۲) خزانه دار اطلاع میدهد بایستی مبلغ سه کارشا ودوشکل و نیم نقره به‌یکنفر درودگر مصری موسوم به هردکاما (۳) سر کار صدنفر کارگر که یکی از کارکنان روزمزدپارسه (تخت‌جمشید) بوده ضامنش وهوکا(٤) است پرداخته‌شود این‌پرداخت بصورت نقدی‌نیست بلکه‌گوسفندو شراب داده‌میشود بدینقرار که یك‌گوسفند برابر سه‌شکل (بروزن‌خجل) **نقره و یك‌کوزه‌شراب برابر یك‌شکل‌نقره منظور میگردد . مبلغ‌فوق شامل دستمزد خدمتی‌است‌که درطول مدت‌ماههای‌هشتم تادوازدهم سال‌سی‌ودوم (سلطنت داریوش) انجام‌گرفته است - دستمزد این‌مرد مصری در هرماه معادل شش شکل‌و نیم‌نقره‌میباشد - کاتب‌این‌لوح هیپیروکا(٥) بود که ازمردوکا (٦)رسید گرفته است - (گویامقصود ازکلمهٔ رسید دراین‌مورد بمعنی دستور باشد)**

ترجمهٔ فوق اگر تاحدّی باطرز نامه نگاری کنونی ادارات دولتی سنجیده شود میتوان مطلب آنرا بدین‌ترتیب مذکورداشت :

آقای شاکا مدیر صندوق

آقای بردکاماگواهی میدهدکه آقای‌هردکاما درودگر مصری‌سرکار صدنفرکارگر که‌بطور روزمزد بضمانت‌آقای‌وهوکا درساختمان پارسه‌انجام وظیفه میکند استحقاق دریافت مبلغ سه‌کارشا و دو شکل و نیم نقره بعنوان دستمزد خود دارد .

توضیحاً اضافه مینماید که پرداخت فوق نقدی نبوده گوسفند و شراب داده میشود، یك‌گوسفند معادل‌سه‌شکل‌نقره ویك‌کوزه شراب برابر یك‌شکل نقره تسعیرمیگردد - این‌پرداخت بابت‌کارمزد پنجماهه درودگر مزبور ازماه هشتم تا ماه دوازدهم سنهٔ ۳۲ بقرار ماهیانه شش شکل و نیم نقره می‌باشد مسئول نوشتن ابلاغ بالا هیپیروکا بوده دستور صدور آن را مردوکا داده است .

Haradkama (۳) Shakka (۲) Baradkama (۱)
Mardukka (٦) Hipirukka (٥) Vahauka (٤)

توضیح ـ آغاز ماه هشتم تا ماه دوازدهم سال ۳۲ سلطنت داریـوش بعقیدهٔ دکتر کامرون بحساب تقویمهای کنونی مـا از روزهای اوّل ابان تا اسفند سال ۴۹۰ ـ ۴۸۹ پیش از میلاد میباشد و این ایّام درست همان تاریخی است، که مورّخین جنگ داریوش را با یونانیان در دشت ماراتن ذکر نموده‌اند و بدینقرار درودگر مصری درهنگام جنگ ماراتن مشغول درودگری در تخت‌جمشید بوده مزدخود را دریافت میکرده است.

جناب آقای تقی‌زاده تاریخ لوح بالا را از ۶ عقرب ۴۹۱ پیش از میلاد تـا ۴ حمل ۴۹۰ پیش از میلاد دانسته توضیح آن را نیز بدین قرار ذکر فرموده اند:

«چون جلوس داریوش بر تخت سلطنت (یعنی در واقع قتل گماتای مغ) در ماه اکتبر سنهٔ ۵۲۲ قبل از مسیح واقع شد (۱۰ باگیادی) لذا سال ۳۲ سلطنت او بحساب در سنهٔ ۴۹۱ قبل از مسیح شروع و در سنهٔ ۴۹۰ پایان میبابد ولی آقای کامرون سال سی‌ودوم را درسنهٔ ۴۹۰ شمرده که شاید ناشی از آن بوده باشد که خود سال جلوس را بحساب نیاورده است.»

بنابراین تاریخ لوحهٔ بالا طبق نظر هردو دانشمند معظم پنج ماه آخر سال بوده لکن یکسال اختلاف نظر دراین‌باره وجود دارد که علت آنرا جناب آقای تقی‌زاده در آخر یاد داشت خـود اشاره فرموده اند و ظـاهراً دکتر کامرون مانند اغلب خاور شناسان ازنخستین سال جلوس تـا سال مورد ذکر درلـوح یك سال را بحساب نیاورده است ـ در لوحهای بعدی هم آنچه از لحاظ تـاریخ لوح ذکر شده ترجمهٔ کتاب دکتر کامرون و نظریهٔ دانشمند مزبور میباشد و طبق نظریهٔ جناب آقای تقی‌زاده تاریخ حقیقی هرلوحه در حدود یك‌سال قبل ازآنچه دکتر کامرون ذکر نموده است میباشد.

اینك که ترجمهٔ یکی از الواح را بشرح بالا تا حدی که بنظر مناسب میرسیدذکر نمودیم بمورد می‌داند توضیح مفید ذیل را برمطالب فوق الذّکر علاوه نماید:

درمیان آثارعهدهخامنشی که درموزهٔ ایران‌باستان بمعرض‌نمایش گذارده شده سنگ وزنه‌ایست که درسال ۱۳۱۶ ضمن‌خاکبرداری یکی‌از اطاقهای تابعهٔ

قسمت خزانهٔ تخت‌جمشید درجنوب‌شرقی‌صفّهٔ تخت‌جمشید بدست آورده‌اند.ـ سنگ وزنهٔ مزبور از سنگ تیرهٔ سبز و محکم بشکل زیبا و جالبی تراشیده و صیقل گردیده روی آن بسه زبان معمول کتیبه های هخامنشی یعنی فارسی قدیم و عیلامی و بابلی نوشتهٔ میخی نقر گردیده و ترجمهٔ متن فارسی قدیم آن بدین قرار است:

«۱۲۰ کارشا ـ من(هستم) داریوش شاه بزرگ‌شاه شاهان شاه کشورها شاه این سرزمین فرزند ویشتاسب هخامنشی»

سنگ وزنهٔ مزبور که صریحاً وزن آن یکصدو بیست کارشا قید گردیده به‌مقیاس امروز ۹ کیلو و ۹۵۰ گرم یعنی ۵۰ گرم کمتر از ده کیلو گرم است و بدینقرار یك کارشا بطور تقریب نزدیك به یقین ۸۳ گرم یا قریب ۱۸ مثقال میشود.

ضمناً بامختصر توجّه به‌ترجمهٔ‌لوحهٔ سابق‌الذّکر بخوبی‌واضح میگردد که هرکارشا مشتمل بر ده‌شکل بوده‌است وچون‌مزد استاد درودگر مصری‌درمدّت یکماه شش شکل‌ونیم نقره تصریح گشته است باتوجّه به اینکه هر شکل یکدهم کارشایعنی ۸/۳ گرم‌میشود دستمزد یکماههٔ این‌استاد قریب‌۵٤ گرم‌یا کمی‌بیش‌از یازده مثقال و نیم نقره میشود و بحساب امروز(۱) (هرمثقال نقره بطور متوسّط ۱۰ریال) مزدیکماه‌استاد درودگر سرکارمصری درساختمان کاخهای‌تخت‌جمشید ۱۱۵ ریال‌بوده است.

همچنین طبق ترجمهٔ لوحهٔ فوق یك گوسفند را برابر سه شکل نقره ویك کوزه‌شراب رابجای یك‌شکل‌نقره محسوب مینمودند بنابراین‌قیمت یك گوسفند در زمان داریوش کبیر بپول امروز در حدود ۵٦ ریال بوده و یك کوزهٔ شراب تقریباً ۱۹ ریال ارزش داشته است (هر شکل نقره تقریباً یك مثقال و ۱۹ نخود می شود).

بحساب‌بالااستاد درودگرمصری بابت‌دستمزد پنجماههٔ‌خود شاید۸ گوسفند

(۱) یعنی درسال ۱۳۲۹ شمسی.

و ۸ کوزه‌شراب دریافت کرده باصرف شراب و گوشت گوسفند نیروی تازه تحصیل نموده وبکاردرودگری خودادامه میداده‌است .

نا گفته نماند که کلمهٔ **کارشا** درمتن فارسی قدیم سنگ وزنهٔ سابق الذکر مرقوم گشته ومقیاس ایرانی بوده است درمتن بابلی آن بازاء ۱۲۰ کارشا ۲۰ **مینه** نوشته شده که مقیاس وزن بابل درقدیم بوده است وهریك مینه ٦ کارشا و یاقریب ۵۰۰ گرم میشده است .

تصور میرود توضیحات بالا توجه خوانندگان محترم را بیشتر بدرجهٔ ارزش علمی واهمیت فراوان الواح گلی تخت‌جمشید معطوف میسازد چه ترجمهٔ یکی ازآنهاباعث معلوم شدن چندین مطلب مفید سابق الذکر گردیده است واگر روزی موفق به‌ترجمهٔ تعداد افسانه مانند این الواح بشوند بسا مطالب مفید ونکات دلنشین مربوط بزندگانی عصر هخامنشی وسازمان کشوری در آن زمان ونبوغ داریوش شهریار عظیم آن سلسله در حسن آدارهٔ کشور پهناور خویش معلوم وروشن گردد .

اینك که مطالب مربوط به‌لوحهٔ شمارهٔ (۱) نقل گردید ترجمه‌وتوضیحات مربوط به‌چند لوحهٔ دیگررا که حاوی نام شهرها ونواحی مختلف فارس درعهد هخامنشی است بهمان ترتیب واز همان نشریّه عیناً نقل مینماید :

مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۴۲) (ش-۲۳۸)

آرتا تخما (۱) به وهوش(۲) خزانه‌دار پارسه گزارش میدهد ۳۷ کارشا ویك شکل وربع شکل نقره معادل نصف مزد کارگرانیکه باکورادا (۳) که عنوان سرکاری صد نفررا درشیرازدارد مسئول کارایشان است بابت ماه‌سامیا (ماه یازدهم) درسال نوزدهم (سلطنت خشایارشا) داده میشود .

صورت‌ریز کارگران ومیزان‌دستمزدهریك بشرح زیردرلوحه ذکرشده‌است :

۱۲ نفر مرد	**هرکدام**	**سه شکل وسه ربع‌شکل**
۱۱ پسر بچه	«	**۲ شکل و نیم**
۱۱ پسر بچه	«	**یك شکل وسه ربع ویك هشتم شکل**
۱۳ پسر بچه	«	**یك شکل وربع شکل**
۱۵ پسر بچه	«	**نصف شکل ویك هشتم شکل**
۷۸ نفر زن	«	**دوشکل و نیم**

(۱) Artataxma (۲) Vahush (۳) Bakurada

۱۳ دختر بچه	**هر کدام**	**یك شکل وسه ربع شکل ویك هشتم شکل**
۱۸ دختر بچه	**«**	**یك شکل وربع شکل**
۲۰ دختر بچه	**«**	**نیم شکل ویك هشتم شکل**

درماه سامیا (ماه یازدهم) ازسال ۱۹ (سلطنت خشایارشا) ایـن دستور ممهور داده شد واز مگابیزوس (۱) در پارسه رسید دریافت گردید .

توضیح ـ بطوریکه درمفادترجمهٔ‌لوحهٔ‌شمارهٔ ۶۰ (درصفحهٔ ۴۱۷) ذکرخواهد شد لوحهٔ‌بالا ولوحهٔ شمارهٔ ۶۰ از پرداخت دستمزد همـین یکصد ونود نفر باهمین میزان دستمزد حکایت میـکند منتها لوحهٔ شمارهٔ ۶۰ مربوط به‌مزد سه ماه پس‌از لوحهٔ‌فوق‌میباشد که درهمین مدّت سه‌ماه خزانه‌دارپارسه تغییر یافته‌است .

نام **شیراز** کـه درلوحهٔ فوق ذکـر گشته در سطر ۶ اصل لـوحـه بزبان عیلامی **تی‌راذی‌ایش** خوانده شده وهمین محلّ را **شی‌رازی‌ایش** هم مینوشته‌اند ودکتر کامرون معتقداست که همان محلّ درزبان کنونی ما **شیراز** گفته میشود .

بعقیدهٔ اغلب‌جغرافی‌دانان عرب شهرشیراز فعلی درزمان اعراب بنا نهاده شده وبنابروایت استخری ومقدسی وابن بلخی پیش‌ازآن تنها از بنای یك آتشکدهٔ نسبتاً جدید ویك قلعه دراین محل ذکری نموده‌اند ـ بگفتهٔ مسافرین قرن اخیر وطبق آنچه هم که فعلا مشهود است درمحل معروف به‌قصر ابونصر واقع در چند کیلومتری شرقی شهرشیراز آستانهٔ سنگی عیناًازآستانه‌های سنگی تخت جمشید ودارای همـان نقوش واقـع گردیـده است که آنهـم ضمن کاوش علمی و تحقیقاتیکه ۱۸سال قبل (۲) ازطرف هیئت علمی موزهٔ متروپولیتن نیویورك درآنجا بعمل‌آمد معلوم شد تخته سنگهای آستانهٔ مزبور وقطعات نقوش برجسته را از محـل دیگر بقصر ابونصر آورده‌اند (۳) بنابراین مراتب قدیمترین مدرك سابقهٔ تاریخی شهر شیراز را میتوان لوح گلی فوق‌الذکر ویکی دولوحهٔ دیگر که شرح‌آن بعداً خواهد آمد دانست .

ماه یازدهم سال ۱۹سلطنت خشایارشا مقارن ۱۷بهمن‌تا۱۶ اسفندسال۴۶۶ پیش ازمیلادبوده است .

---

(۱) Megabyzus (۲) نسبت بـه سال ۱۳۲۹ شمسی .

(۳) همانطور که درصفحات ۷۷ و۸۴ و۱۱۳ و۳۶۶ توضیح داده شده است دربارهٔ آثار عهد هخامنشی درقصر ابونصر ونقاط دیگرفارس اکنون نظریاتی وجود داردکه باآنچه درسطور بالا مرقوم رفته است کمی مباینت پیدا میکند .

دولوحهٔ دیگر بشماره‌های ٤٢ الف و٤٢ ب در کتاب دکترکامرون ذکر گشته که بواسطهٔ خرابی ونقص از ترجمه‌آن خودداری شده است تنها نکتهٔ قابل ذکر اینستکه در لوحهٔ ٤٢ الف سطر ششم نام **تیرازی ایش** که همان شیراز تشخیص داده‌شده مرقوم رفته است .

مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۵۲) (ش-۲۳۹)

ارتاتخمابه راتی نیندا (۱) خزانه دار پارسه گزارش میدهد معادل ۱۴ کارشانقره‌به زره‌سازانی که برای‌محل‌هانکوراکا(۲) تعیین‌شده‌اندواتانس(۳) درنیریز مسئول‌کار ایشان است‌باید پرداخته‌شود - این‌مبلغ‌بابت نصف‌دسته‌زد ایشان درماه ثوروا‌هر (ماه دوم) از سال ششم (سلطنت خشایارشا)میباشد.

صورت ریز زره سازان مزبور و مبلغ دریافتی هریك در لوحه بدینقرار ذکر گشته است :

۱۲ نفر مرد	**هر کدام**	**سه‌شکل وسه‌ربع‌شکل**
۹ پسر بچه	«	**دوشکل و نیم**
۹ پسر بچه	«	**یك‌شکل‌وسه ربع‌ویك‌هشتم شکل**
۱۴ نفر زن	«	**دوشکل و نیم**
۱۱ دختر	«	**یك‌شکل وسه‌ربع ویك هشتم‌شکل**

توضیح - نام‌نیریز دراصل‌لوحه **ناری ذی** ذکرشده بگفتهٔ دکتر کامرون این‌دو لفظ بحدّی با هم تطبیق میکند که توضیح در بارهٔ آن زائد است دکتر کامرون ضمناً توضیح میدهد که جغرافی دانان عرب ازقبیل مقدّسی وابن بلخی ضمن‌شرح نیریز ازمعادن‌آهنی که درحول‌وحوش‌آن واقع‌وصنعت جوشن‌سازی که‌درآنجارونق‌داشته‌است‌صحبت‌نموده‌اند بنابراین شاهنشاهان‌هخامنشی‌درناحیهٔ کنونی نیریز مرکز زره سازی و جوشن سازی داشته صنعتگران این رسته از آهن‌های محل مزبور برای لشکریان داریوش و خشایارشا و غیره سلاح میساخته اند .

ماه‌دوّم سال بیستم سلطنت خشایارشا مقارن١٦ اردیبهشت تا١٣ خردادسال ٤٦٦ پیش‌ازمیلادمسیح‌بوده است .

---

(۱) - Ratininda (۲) - Hankurraka

(۳) - Otanès

مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (٥٣) (ش-٢٤٠)

ارتاتخما به راتی نیندا(١) خزانه‌دار گزارش میدهد که ٣٨ کارشا و ٥ شکل‌ونیم نقره بایستی بکارگرانی که برای خفر (کبرپیش) وفسا (بشی‌یا) تعیین شده‌اندو ناپزا(٢) سر کارصدنفری درخفرمسئول کارشان‌است پرداخت‌گرددواین مبلغ معادل نصف دستمزد کارگران مزبور درماه ثور واهر (ماه دوم) سال بیستم (سلطنت خشایارشامیباشد) .

صورت ریز کارگران که جمعاً ١٥٠ نفر بوده‌اند و میزان دستمزد هریك بدینقراردرلوحه ذکر گشته است :

٣٧ نفر مرد	**هر کدام**	**سه‌شکل‌وسه ربع‌شکل**
٢٠ پسر بچه	»	**دوشکل‌ونیم**
٣ پسر بچه	»	**یك‌شکل‌وسه‌ربع ویک هشتم‌شکل**
٦٧ نفر زن	»	**دوشکل‌ونیم**
١٥دختر	»	**یك‌شکل‌وربع‌شکل**
٨ دختر	»	**نیم‌شکل ویك‌هشتم‌شکل**

توضیح - دکترکامرون دومحلّی‌را که در روی لوحهٔ فوق بنام **کبرپیش** و **باشی‌یا** ذکر شده با **خفر** و **فسای** کنونی‌منطبق ویکی‌میداند - تاریخ لوح فوق نیزعیناً همان تاریخ‌لوحهٔ قبلی‌است .

مفاد ترجمهٔ‌لوحهٔ شمارهٔ (٦٠)

ارتاتخمابه‌راتی نیندا خزانه‌دارگزارش میدهد ٤٧کارشا ویك‌شکل و یك‌ربع‌شکل نقره‌باید بکارگرانی که باکورادا سرکارصدنفر درشیراز مسئول کارشان است بابت نصف دستمزدشان درماه ثور واهر (ماه دوم) سال بیستم (سلطنت خشایارشا) داده‌شود - تعداد این کارگران بالغ بر٦٣ نفر میباشد .

میزان دستمزدکارگران‌مذکوردرلوحه بشرح زیرتعیین گردیده است :

١٢ نفر مرد	**هر کدام**	**ماهی**	**سه‌شکل وسه‌ربع‌شکل**
١١ پسر بچه	»	»	**دوشکل و نیم**
١١ پسر بچه	»	»	**یك‌شکل‌وسه‌ربع‌ویك‌هشتم‌شکل**
١٣ پسر بچه	»	»	**یك‌شکل وربع‌شکل**
١٥ پسر بچه	»	»	**نیم‌شکل ویك هشتم شکل**

Napezza (٢) Ratininda (١)

توضیح ـ دکتر کامرون این لوحه را نسخهٔ دوّم لوحهٔ شمارهٔ ۴۲ میداند با این اختلاف که لوحهٔ ۴۲ مربوط بدستمزد کارگران فوق بهمین میزان درماه یازدهم سال نوزدهم سلطنت خشایارشا بوده این لوحه مربوط بدستمزد ایشان در ماه دوم سال بیستم سلطنت خشایارشا میباشد وچون خزانه‌دار پارسه‌هم دراین مدت تغییر یافته است در لوح فعلی بعوض نام خزانه‌دار قبلی نام خزانه‌دار جدید خوانده می‌شود.

اختلاف دیگری که با مقایسه این دولوح دیده می‌شود اینست که اینجا فقط تعداد ۶۲ نفر کارگران مرد وپسر ذکر گشته در صورتی که در لوحهٔ ۴۲ علاوه براین ۶۲ نفر از ۱۲۸ نفر کارگران زن ودختر و میزان دستمزد آنها نیز گفتگو شده است.

تاریخ لوح فوق همان تاریخ الواح شمارهٔ ۵۲ و۵۳ است.

بامختصر توجّهی به ترجمهٔ چندلوح بالا بخوبی میتوان اهمیّت کشف الواح گلی تخت جمشیدرا که ازمهمترین وارزنده‌ترین اسناد تاریخی کشور شاهنشاهی ایرانست دریافت وعلاوه برتمام‌فوائد علمی وتاریخی آنها این‌حقیقت را در نظر گرفت که‌کار ساختمان آثارمعظم تخت‌جمشید باچه ترتیب وچه‌سازمان اداری منظّمی صورت میگرفته وپرداخت دستمزد استادان و صنعتگران و هنرمندان و پیشه‌وران تاچه‌اندازه تحت‌نظم ودقّت‌بوده است‌وبرخلاف تصوّربرخی‌ظاهربینان یا اهل غرض یادگارهای شاهنشاهان هخامنشی در پارسه (نام تخت جمشید در نبشته‌های میخی‌محلّ مزبور) ازطریق بیگاری وکار رایگان بوجودنیامده است.

البتّه بررسی دقیق الواح گلی‌مزبور خودموضوع بس‌شیرین وشایستهٔ‌توجّه فراوان است که ازموضوع کتاب حاضر یعنی معرّفی آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی سرزمین‌فارس‌بیرون خواهدبود وبشرحی که‌درآغازمطلب اشاره‌نمود علاقه‌مندان میتوانند بفصل اوّل‌مجلّد اوّل گزارشهای باستانشناسی یابمرجع اصلی فصل‌مزبور یعنی کتاب **الواح خزانهٔ‌تخت‌جمشید** بزبان انگلیسی تألیف پروفسورکامرون(۱)

۱ ـ Persepolis Treasury Tablets - by George G.Cameron
University of Chicago Press - Ghicago 1948

مراجعه فرمایند.

درپایان اضافه مینماید که ازمجموع الواح گلی تخت‌جمشید تعدادپانصدعدد به‌بنگاه شرقی دانشگاه‌شیکاگو اهداء گردید وبقیهٔ الواح‌نیزاگرقراربود بقصدخوانده شدن آنها باختیاردانشگاه مزبور گذارده شود ودرآمریکاباقی بماند بایستی درطول زندگانی چندین نسل مورد بررسیها و آزمایشهای علمی‌وسایر مراحل لازم چنین خدمتی‌قرارگیرد ومعلوم‌نبود تاچه‌زمان بایددرآمریکا باشد وچنین‌ترتیبی‌نمی‌توانست موردموافقت مقامات مسئول کشور شاهنشاهی واقع‌گردد لذاپس‌از چندین سال که ازارسال آنها بآمریکا گذشت بایران باز گردانده شد واینك درموزهٔ ایران باستان محفوظ است و الواح چند دیگر گلی‌هم بعداً بدست آمد که آنها راهم در موزهٔ نامبرده نگاهداری می‌کنند.

۲۸- برخی‌اطلاعات پراگنده دربارهٔ بعضی ازآثارتاریخی‌فارس

در ملاقاتهائی که گاه وبیگاه بادانشمند محترم جناب‌آقای مهندس‌احمد حامی دست داد اطلاعاتی دربارهٔ برخی‌آثار ومحلهای ناشناس مانده در نقاط مختلف کشور اظهار فرموده‌اند که بسیار درخور توجه‌است وچند مطلب از اینگونه اظهارات را که بسرزمین فارس ارتباط دارد در اینمورد نقل مینماید:

در سه فرسنگی‌شمال شرقی‌فسا نزدیك‌آتشکدهٔ عهد ساسانی واقع‌درتنگ کرم (که درصفحهٔ ۸۹ متن کتاب توضیح آن داده شد) استخر آبی است که کمب‌آتشگاه (خمب‌آتشگاه) نام دارد وبدینقرارمعلوم میگردد در آنجا هم مانند فیروزآباد وداراب آتشگاه را در کنار آبگیر بزرگی بنیاد نهاده‌بودند.

کوهستان واقع در یك‌جانب تنگ‌کرم بنام خرمن کوه خوانده میشود وکوه جانب دیگر تودج نام دارد «که ابتدای‌آن ازهمین خنبست وآخر آن قریب به‌بندرعباس»(۱).

ضمناً درکتاب آثارعجم علاوه برقلعهٔ ضحاکی (مذکور درصفحهٔ ۸۹ متن کتاب حاضر) اشاره بوجودآثاردیگری درسرراه فسا بدارابگرد نموده است که ذیلا بنقل‌آنها مبادرت‌میورزد:

«نوبندگان بمسافت سه فرسنگی فسا که قصبهٔ آباد و پرجمعیّتی بوده گویند از بناهای شاپور است.

---

(۱) کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی ۱۳۱٤- ص ۸۵)

داراکویه (که آخر خاك فساست) بمسافت قریب ده فرسنگی فسا وشش فرسنگی دارابگرد «در دامنهٔ کوهی واقع شده بسیار مرتفع قلّه‌اش حصنی است حصین عقل از وضع آن حیرانست گویند این همان قلعه ایست که اسفندیار را در آن محبوس نموده بودند ومغلول داشتند بادوربین خوب ملاحظه نمودم بغیراز یك راه بسیار باریك دیگر راهی ندارد که بالا روند و آنهم بصعوبت تمام، بربالای آن قلّه آثاربنائیست ازسنگ و گچ فی‌الجمله اثری از آن باقیست بعضی ازاهالی آنجا که در آن قلعه رفته بودند مذکور داشتند که میخهای قوی درآنجا یافته‌اند که بعضی بدیوارها کوبیده بوده واطراف آن قلعه هیجده برکه پراز آب موجود است که آن برکه‌ها را درسنگ تراشیده‌اند ونیز درحوالی آن قلعه چاهی‌است که عمقش بی‌نهایتست شخصی‌ازاهل آن ده که مقنّی بود نقل‌نمود که وقتی باجمعیّتی برسر آن چاه رفته بوسیلهٔ بندی طویل ومحکم در آن چاه رفتم بمقدار بیست ذرع تخمیناً که پائین میرود در کمرچاه دور تا بدور آن همه مغاك وجاهای‌وسیع‌است وچند سنگ مانند ستون برپاست وجای چرخ آب کشی نیز درآنجا است الله اعلم بالصّواب» (۱).

باز در همان کتاب ضمن شرح آتشکدهٔ آذرجو که در ویرانه‌های دارابگرد قرار دارد (وشرح آن درصفحهٔ ۹۲ متن کتاب ذکر گردید) اشاره به‌چشمهٔ آب واقع در پائین کوه نموده است ومینویسد که آب آن درغدیری‌جمع میشود وغدیر مزبوررا بنام خنب آتشکده نیز میخواند (۲) ودر تصویر شمارهٔ ۱۰ کتاب نامبرده هم بنام‌خنب ذکر شده است (۳).

اینك به‌نقل گفته‌های دیگری ازجناب آقای مهندس حامی میپردازد:

---

(۱) آثار عجم سابق‌الذکر ص ۹۱.

(۲) همان کتاب ص ۱۰۱.

(۳) طبق اظهار جناب آقای مهندس حامی محل دیگری بنام کمب جلیان (کلیان) نیز در نزدیکی بم وجود دارد که چون بیرون ازخاك پارس است توضیح آن دراین کتاب مورد نخواهد داشت.

« **بندرعسلویه** واقع درمشرق بندرطاهری وویرانه‌های سیراف بزرگترین وآبادترین بنادر خلیج فارس بوده (اَسلْ یعنی‌استخر) پرثروت‌ترین شهر فارس بشمارمیرفته است ـ کشتیها درخلیج عسلوتوقّف میکرد وجائی که کشتیها لنگر میانداخت امروز **رأس ناوبند** میگویند ومحلّ آن تقریباً روبروی بحرین بوده دهانهٔ خلیج آن ۶ تا ۷ کیلومتر وعمق آن درمدخل خلیج قریب ۱۸ متراست .

ناخدای سیرافی که محلّ آن نزدیك بندر طاهری فعلی قرار دارد از چین تا روم مشهور بوده است .

« **کش کنار** (به‌ضمّ هردو کاف) درمشرق بندر عسلویه بطرف بندر لنگه درحدود ده کیلومتری ساحل دریا درجلگه واقع است وپیش بندرآن تِبِن (بزبان عربی بمعنی کاه است) نام دارد.

« کوه کیلویه **یعنی کوه زالزالك** .

« دشت ارژن یعنی دشت بادام کوهی .

« درسرراه واقع مابین پاسارگاد وشهر بابك محلّی بنام **مَسینان**یا**مَزینان** هست که سرپرسی سایکس آنرا محلّ مس شناخته است واین تشخیص صحیح نیست ـ **مس** (به‌فتح میم) یعنی‌بزرگ (مانند مَسْ **مغان** یعنی بزرگ مغان ـ **مسین‌بابا** باصطلاح مردم سمنان ودامغان یعنی بابابزرگ ـ در کردستان **مُلّه ماس** یعنی گردنهٔ بزرگ) بدینقرار مسینان بمعنی‌آبادی بزرگ است همچنان که مزینان سبزوار نیز بدین‌معنی میباشد .

« رودخانهٔ **مند** (به ضمّ میم وسکون دوحرف دیگر) از کوههای سمیرُم سرچشمه میگیرد ونزدیك خانهٔ زنیان (۴۰ کیلومتری شیراز برسر راه بوشهر) به شاهراه شیراز وبوشهر میرسد وبطرف جنوب شرقی‌جاری است ازآنجا در جنوب فارس درمنطقهٔ کوار ازغرب به شرق جریان دارد ـ درناحیهٔ کوار **بند بهمن** را جلو آن ساختند[۱] که از آنجا آبرا به **آباد شاپور** (علی‌آباد

---

(۱) دربارهٔ اثر تاریخی بند بهمن درصفحهٔ ۸۳ متن کتاب اطلاعات لازم نوشته‌شده‌است .

امروز) میبرند ـ درخفر هم رشته کوه را شکافتـه از طریق **ده بانو** و **دشت دال** بطرف جنوب جاری میگردد یعنی امتدادآن شمالی‌جنوبی میشود ـ از **کازرین** و **قیر** گـذشته از **مَهْکوُیه** (کـه بغلط مَکّو میگویند) بطرف غـرب میپیچد وجریان‌آن تقریباً شرقی غربی میشود وبین بوشهر وعسلویـه بدریا میریزد.

« در نواحـی مختلف بـه نامهـای **رود مُند** ـ **قره‌آقاج** ـ **رودخانهٔقیر** خوانده میشود ».

اکنون به‌نقل نوشته‌های چند دیگری که ازطرف دانشمندگرامی آقای مجید یکتائی در سالهای ۱۳۳۰و۱۳۳۱ تهیه‌گردیده هنگام چاپ مطالب ذیل‌کتاب حاضر باختیـار اینجانب گذارده شده است میپردازد :

« در زمـان فتحعلیشاه قاجار بیت زیر بالای باغ دلگشا نوشته بوده است که اکنون اثری از آن نوشته نیست.

دلگشا بی‌یار زندان بلااست هر کجا یاراست‌آنجا دلگشااست

« شهر داراب سه‌بـار تغییر مـکان یافتـه است پیش از اسلام دارابـگرد (دارابجرد)، بعد ازاسلام شهرجنّت واکنون داراب، هر یك در محلّی است. خرابه‌های دارابگرد در ۸ کیلومتری داراب است و خرابه‌هـای شهر جنّت در ۱۸ کیلومتـری نزدیـك ده خیر که در تاریخ وصّاف نوشته دارای جنّات اربعه بوده که شیخ سعدی گوید جنّات تجری من تحته‌الانهـار در وصف‌آن نازل شده داراب یکی از کوره‌های بزرگ فارس بوده‌است.

« در کنار شهر داراب بقعه‌ای است بنام پیرمراد که اعتقاد مردم برآنست که آرامگاه بابك پدر اردشیر میباشد.

« در سرچشمه دهستـان شاهیجـان جنـوب داراب آتشکـده‌ایست بنـام اُغلانْ قِزْ (یعنی پسرودختر) وجه تسمیهٔ آن بـدین سبب است که دوچشمه در میان سرچشمه شاهیجـان فوران دارد یکی مانند نشانهٔ پسر ودیگری مانند نشانهٔ دختر.

« در فسا بقعه‌ای است بنام (فیروز ادمرد) که بی‌شك از بزرگان ایـران

پیش ازاسلام باید باشد.

«خرابه‌های شهر گور در قسمت جنوبی شهر فیروزآباد است که خرابه آتشگاهی درآنجا است وبفاصله‌های مختلف چندآتشگاه دیگر وجود دارد که آنها را چهار طاقی گویند.

چهار طاقی **ده شهر** چهار طاقی **سلامت‌آباد** چهار طاقی **کنارسیاه** (۱) ومانند آن».

اطلاعات منقول از یادداشتهای دانشمند محترم آقای مجید یکتائی نیز دراینجا پایان میپذیرد واینك بذکر برخی‌اطلاعات متفرقه‌دیگر که بوسایل مختلف بدست‌آمده است‌میپردازد:

بین سیوند وسیدان (بین بیست تا سی کیلومتری تخت جمشید کنار شاهراه اصفهان) در جانب غربی رودخانهٔ سیوند نزدیك دشت بال تپّه‌های چندی مربوط به‌دوران پیش ازتاریخ وجود دارد.

در پایان جزوهٔ مصوّر راهنمای شهرشیراز بزبان انگلیسی تألیف دانشمند محترم آقای عزیزالله حاتمی که از طرف ادارهٔ کلّ انتشارات وتبلیغات منتشر گردیده (چاپ طهران فروردین ۱۳۴۰– مارس ۱۹۶۱) اشاره باین مطلب شده است که ظاهراً عدّهٔ یهودیان درشیراز وفارس بیش از مسیحیان باشد و چند کنیسه درآنجا وجود دارد واز جملهٔ آنها کنیسهٔ واقع در انتهای شرقی خیابان زند شیراز است ویهودیان شیراز کوی ومحلّ مخصوصی با مؤسّسات مختلف وآموزشگاهها وعبادتگاههای خویش در آنجا دارند وعلاقه‌مندان به‌اطّلاعات بیشتر دراین باره میتوانند از کنیسهٔ واقع در جنوب خیابان فرهنگ در شیراز بازدید نموده مطالب مورد نظر خود را بهتر دریابند.

قلعهٔ نرگس – درنزدیکی جهرم برفراز قلّهٔ کوهی قرار دارد – طبق

(۱) درمورد چهارطاقی کنارسیاه ضمن نقل گزارش پروفسور واندنبرگ در صفحات ۱۰۴و۱۰۵و۳۷۱و۳۷۳ بآن اشاره شد وبا توجه باینکه یادداشتهای آقای مجید یکتائی در سال ۱۳۳۰شمسی تهیه شده است معلوم میگردد که معظم‌له چند سال زودتر بوجود آتشکدهٔ کنارسیاه وآتشکده‌های دیگر که نام‌آنها ذکر گردیده است پی برده بودند لکن‌اطلاعی دربارهٔ آنها انتشار نداده‌اند.

اخبار مندرج در روزنامهٔ اطّلاعات در روزهای اوّل اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ شش نفر از کوهنوردان شیراز بسرپرستی آقای احمد معرفت بآن محلّ عزیمت کردند، بااینکه دست یافتن باین قلعه بعلّت وجود راه صعب‌العبور برای‌اهالی فارس افسانه بنظر میرسید ودر قرون اخیر پای کسی بآنجا نرسیده بود کوهنوردان شیرازی با طیّ ۶۰ کیلومتر راه صعب العبور واستفاده از فنون کوهنوردی بقلعهٔ نرگس که گفته میشود از آثار قبل از اسلام میباشد دست یافتند.

طبق اظهار آقای معرفت و عدّه ای از کوهنوردان محوّطهٔ قلعهٔ نرگس در حدود ۱۵۰۰ متر مربّع وسعت دارد و درآنجا چند درخت تنومند و کهنسال سربآسمان کشیده است این قلعه درمیان یك برج وباروی سنگی‌محصوراست‌ودر گوشه و کنارآن بقایای ظروف سفالین واشکال مختلف دیده میشود...... **درفاصلهٔ‌چند کیلومتری قلعهٔ نرگس پیکانهای‌پولادین زیادی دیده شده‌است».**

طبق خبر دیگری هم که در روزنامهٔ اطّلاعات مورخ دوّم خرداد ۱۳۴۰ مرقوم رفته بود در نزدیکی قریهٔ خفرك علیا واقع در ۱۶ فرسنگی شیراز غار بزرگی بنام غار (گورکان) در دامنهٔ کوه باصفائی قراردارد .... در انتهای آن چشمه‌ای موجود است، دربارهٔ این غار افسانه‌های مختلفی بین‌مردم شهرت دارد و عدّه‌ای هم معتقدند که این غار بزرگ زرّادخانه (مرکزاسلحه سازی) امیرتیمور گورکانی بوده است و بهمین جهت غار گورکان نامیده میشود.

طبق خبر مندرج در روزنامهٔ پارس (شیراز) مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۴۰ در ۶۰۰ متری غار شاپور دیواره‌ای بارتفاع هفتاد متر از صخرهٔ کوه وجود دارد وبرفراز آن‌غاری‌است که دردهانهٔ آن سنگهای مرمر بسیاری بچشم می‌خورد این‌غار بنام **غارمرمر** خوانده می‌شود و منتسب به مادر شاپور اوّل‌است هفت نفر کوه‌نوردان‌شیراز بسرپرستی آقای‌احمدمعرفت‌برای‌نخستین‌باردراسفندماه ۱۳۴۰ توفیق صعود از دیوارمزبور را یافته غارمرمر را کشف نموده‌اند.

مطالب‌بالا یکباردیگر این‌نظررا تأییدمی کند که‌آشنائی وبررسی محلهای باستانی و آثار

تاریخی ناشناس‌ماندهٔ فارس‌مانند سایر نقاط ایران نیازمند کوششها و اقدامات فراوان و دامنه‌دار می باشد .

درپایان این‌مطالب پراکنده مناسب می‌داند دربارهٔ‌درخت سرو بسیار کهن سال وبلندی که نزدیك شهرفساوجوددارد نیزمختصراطلاعاتی نقل‌نماید :

سرو کهن‌سال‌مزبور بمناسبت مجاورت آن به‌آبادی دریمی‌بنام سرو دریمی خوانده‌میشود وازقرارمذکور مورداعتقاد پارسیان‌بوده‌قطردائرهٔ پائین‌آن‌بیش‌از دومتر و بلندی آن درحدود بیست وهشت متر است(۱) وعکس این درخت سرو تاریخی مانندبسیاری عکسهای‌دیگر که دراین کتاب مندرج می‌باشد چندی‌قبل ازطرف‌دوست گرامی آقای‌منوچهر چهره‌نگار جهت‌نگارنده فرستاده شد که در شکل۲۴۱ بنظرعلاقه‌مندان محترم‌میرسد .

۲۹- اطلاعاتی دربارهٔ زیارتگاهها واماکن متبرك بوشهر وآثار ریشهر و جزیرهٔ خارك

درفصل ششم متن‌کتاب (صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۷) دربارهٔ موقعیت بوشهر واهمیت تاریخی وبرانه‌های ریشهر قدیم‌وپیشینه‌های جزیرهٔ خارك وآثارباستانی آن اطلاعاتی کـه تحصیل‌گشته و مناسب بنظرآمده بود مذکورافتاد وازآن پس بعضی‌اطلاعات دیگر و عکسهائی بوسائل مختلف دربارهٔ محلهای مزبور بدست‌آمدکه‌برای تکمیل مطالب‌قبلی مورد افاده بنظر رسید وبدین لحاظ قسمت‌هائی‌ازآنهاراکه مناسب این موردمیداند ذکر مینماید .

آقای‌سید حسین‌ریشهری ازعناصرمطلع‌وعلاقه‌مند فارس که‌طبق‌آنچه ازنامشان هم‌برمیآید اصلااهل‌ریشهر کنونی (آبادی نزدیك وبرانه‌های ریشهرقدیم وازتوابع‌بوشهر) هستندضمن‌ارسال نامه‌ای بضمیمهٔ‌چندعکس دربارهٔ ریشهر وبوشهر چنین می‌نویسند :

« .... واما تاریخچهٔ قلعه(۲) وبنای‌آن و زمان خرابی آن زمان معیّنی در تاریخ دیده‌نشده وآنچه‌مسلّم است این‌قلعه‌همانطوریکه استحضار دارند درزمان ایلامیهاساخته‌شده‌وتازمان عرب‌معموربوده‌است‌وشدّت‌آبادانی‌آن درزمان‌اردشیر

(۱) کتاب آثارعجم - ص ۸۵

(۲) مقصودقلعه ریشهر است .

بوده که بنام ریواردشیر (۱) معروف گردیده که گویامعنی فارسی آن (شهراردشیر) باشد.... خوب بخاطردارم اوایل تشکیل فرهنگستان در سالنامهٔ پارس بقلم آقای امیرجاهد که برای تعویض اسامی بعضی شهرها ازقبیل محمّره به خرّمشهر و ناصری به اهواز و گچ کرغلی به گچساران وغیره تاریخچهٔ تأسیس شهرهـا را می‌نوشتند همین ریشهررا باستناد تاریخهای دیگر **ریواردشیر** نام‌میبرد وطبق همان مدارك تاریخی‌معتقد بودند که این‌نام‌راخود اردشیربه این‌شهر گذاشته است و امامزادهٔ فعلی‌بموجب نوشتهٔ کتاب ترجمه‌از **هاروالانظار** بقلم شیخ محمّد علی آل عصفور شاهزاده عبدالمهیمن که مزارش درآبادی‌امامزاده‌است ازاولاد حضرت‌عبّاس ابن علی علیه السلام میباشدولی‌درآن کتیبه‌ای که‌تاریخ‌شهادت یارحلت‌وعلّت آن‌مشخّص‌باشد وجود ندارد وازاین جهت ممکن نشد عکسی از کتیبه تهیّه گردد ـ چون قسمت عمدهٔ خرابی ریشهروقلعهٔ آن درزمان اعراب صورت گرفته‌است دورنیست‌شهادت یارحلت امامزاده عبدالمهیمن همزمان باآن اوان‌باشد ازطرفی‌خرابی‌قلعه وشهر ریشهر پس‌از سقوط آپادانا (یقیناً مقصودآقای‌ریشهری ازاین کلمه همان‌آثار تخت‌جمشید است که آپادانا قسمتی ازآن باشد) وبازارگاد شروع گردیده ودر زمان عرب ازبین برده‌شده است وبعداً در کنارساحل شمالی‌دماغهٔ شبه‌جزیره اعراب‌سکنی‌نموده و شهری بنام **ابوشهر** بنانهادند وازآنجابساحل عربستان‌ارتباط دریائی‌وسیلهٔ کشتی بادبانی برقرار ساختند ....»

آقای‌ریشهری دوقطعه‌عکس ازبقایای آثارریشهر وعکسی‌هم ازبقعهٔ امامزاده عبدالمهیمن همراه نامهٔ‌خود فرستاده‌اند که در تصاویر ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۶ بنظر خوانندگان گرام میرسد ضمناً دردیماه ۱۳۴۰ که تیمسارسپهبدآق‌اولی بمسافرت‌جنوب عزیمت وچندروزی هم دربوشهر توقف‌فرمودند دستور سرکشی وبازدید آثارریشهر رابیکی ازهمراهان خودشان‌صادر نمودند ودر نتیجهٔ این‌بازدید چندعکس ازآثارمزبور دراختیار اینجانب قرارگرفت که یکی ازآنهادر تصویر شمارهٔ ۲۴۴ دیده‌می‌شود وهمچنین یك‌قطعه آجردارای‌نبشتهٔ عیلامی باقطعهٔ سفال‌سیاهی از همان عهدرا که برروی خاك‌افتاده بود همراه‌خودبطهران آوردند که پس‌از شست‌وشوی آجرومرمت‌آن

---

(۱) اینجانب نام‌ریشهررا درزمان اردشیر درصفحهٔ ۱۴۱ متن کتاب **رام‌اردشیر** ذکر نموده‌ام ولی‌آقای سیدحسین ریشهری درنامهٔ فوق‌الذکر نوشته‌اند که « فکرمیکنم ریو اردشیر صحیح تر باشد » ودر سطور بعدی نامهٔ ایشان هم در این باره توضیحات مفیدی هست که عیناً نقل می گردد .

عکس‌برداری گردید ودر تصویر شمارهٔ ۲۴۵ نموده گردیده است ـ یقین دارد آجر مزبور از نوع همان آجرهای نبشته بنام شوتروك ناخونته (۱) است که توضیح مربوط به آن درصفحهٔ ۱۴۲ متن کتاب مذکور افتاد .

دوست ارجمندم آقای منوچهر چهره‌نگارهم که درطول مدت چاپ کتاب حاضر چندبارضمن مسافرتهایشان بنقاط مختلف فارس هر گونه توانسته‌اند عکسهائی از آثار تاریخی ومتبرك و ابنیهٔ مذهبی اینگونه نقاط را برای اینجانب تهیه و ارسال نموده‌اند در مرداد ماه ۱۳۴۰ چندروزی را دربوشهر گذراندندوباوجود گرمای جانفرسای آنموقع سال درمحل مزبورعکسهائی ازز یارتگاهها ومساجد آنجا برداشته جهت اینجانب فرستاده‌اند که درقسمت تصاویر ذیل کتاب بشرح آتی مندرج می‌باشد :

بقعهٔ خواجه‌خضر درمحلهٔ زیر طاق نزدیك انبارغله که مورد اعتقاد مردم بوده شبهای جمعه مخصوصاً بانوان بوشهردر آنجارفته بزیارت وافروختن شمع و اینگونه مراسم میپردازند وبطوریکه ازعکسهای آن برمیآید(ش۲۴۷و۲۴۸)اثر تاریخی یاهنری قابل توجّهی درآن دیده نمیشود .

امامزادهٔ آقا کوچیکا که‌بین تلفن خانه و ساختمـان جدید شیرو خورشید سرخ واقع بوده مقبرهٔ یکی ازبزرگان دین است(ش۲۴۹) مردم ویراازاولیاءالله میدانند و مـورد اعتقـاد عموم بوده شبهای جمعه مخصوصاً بانوان در آنجا نماز میگذارند وزیارت میخوانند وشمع میافروزند .

قدمگاه حضرت علی (ع) که نزدیك باند فرودگاه بوشهرواقع بوده بواسطهٔ اعتقاد مردم بآنجاکارادامهٔ بـاند فرودگاه وتکمیل آن دچـارتأخیرشده است و شبهای جمعه عدّه ای برای عبادت وذکردرآنجا جمع میشوند و شمع میافروزند (ش ۲۵۰) .

قدمگاه ابوالفضل که مشهور به‌عباسعلی است(ش۲۵۱)وشبهای جمعه وقتلو ایّام تعزیه داری محلّ اجتماع وانجام مراسم سوگواری وافروختن‌شمع‌میباشد.

مسجد شیخ‌سعدون معروف به‌مسجدشاه ومسجد کوفی در محلّهٔ شاه‌آبـاد (ش ۲۵۲) که غالباً مراسم سینه زنی وتعزیه داریهای بزرگ در آنجـا صورت میـگیرد وبانی اوّلیّهٔ آن شخصی بنام شیخ سعد از اهالی عربستان بوده که‌بنام‌وی باقی مانده است .

(۱) Shutruk Nakhunté

مسجد جمعه(ش ۲۵۳) که آقای عدنانی امام جماعت آن هستند و روزهای جمعه در آنجا باقامهٔ نماز میپردازند.

مسجد جماعت مربوط باهل تسنّن که مرتّباً در آنجا نماز میخوانندومقبرهٔ خانوادگی متولّی بزرگ بنام شیخ عبدالوهاب نیز در آنجا واقعست(ش۲۵۴).

مسجدفیل که بانی آن یکنفر هندی بوده دراین محلّ فیلی داشته نمایشهائی میداده است و بعداً دراینجا مسجدی بنا کرده بنام **مسجدفیل** معروف گردیده است(ش ۲۵۵ و۲۵۶)از قراریکه میگویندآب آن فقط وقف برای نوشیدن است وحتی وضوء گرفتن درآنرا منع نموده‌اند که‌آب آشامیدنی تمیز باشد.

مسجد شنبدی یامسجدنو که تولیت آن باآقای محمّد ابراهیم (مذنب)بوده مربوط به‌کازرونیان است ودر محلّ **شنبدیها** قرار دارد و بطوریکه درعکس آن دیده میشود(ش ۲۵۷)دارای تزیینات و کتیبه‌های کاشی چندی میباشد.

ضمناً بطوریکه درصفحه ۷۲ متن کتاب(قسمت ذیل صفحهٔ مزبور)اشاره‌شد دربوشهر کلیسائی‌هم‌وجوددارد که بنام **کلیسای ظهور مسیح** خوانده میشود ونمونهٔ خوبی ازصنعت معماری ایران است خوشبختانه از طرف عالیجناب آقـای شارپ (که درقسمت ذیل صفحهٔ ۷۲ متن کتاب اشارهٔ مختصری به‌مقام روحانی و دانش باستان شناسی ایشان گردید)عکسی ازکلیسای مزبوربرای نگارندهٔ کتاب فرستاده شد که درتصویرشماره ۲۵۸ بنظرخوانندگان ارجمند میرسد.

آقای عباسعلی‌سلحشور ازدوستان وهمکاران‌بسیارصافی ضمیر دوران‌بازنشستگی‌نگارنده که آشنائی زیاد بوضع بوشهر وحول وحوش آن دارند وخود از مردم آن سامان هستند اطلاعـات مفید ومختصری دربارهٔ آثار وآبادیهای شبه جزیرهٔ بوشهر باینجانب اظهار داشتند که بشرح‌زیر نقل مینماید:

در مشرق شبه جزیرهٔ بوشهر به‌مسافت چند کیلومتری شرقی ویرانه‌هـای ریشهر آبادی معروف **امامزاده** (که بمناسبت وجود بقعهٔ شاهزاده عبدالمیهمن بدینگونه نامیده شده است) وآبادی دیگری بنام **سبز آباد** وجـود دارد ونیز ویـرانه‌هـای دیگری بنام **تُل‌ِ پی تُلْ** (به‌ضم هـردو حرف تا کـه معنی تپهٔ پائین تپه میدهـد) نزدیـك

سبز آباد ودر برزخ بین شبه جزیرهٔ بوشهر و کرانهٔ خلیج فارس موجـود است ـ در افواه مردم چنین شهرت دارد که راهرو زیر زمینی بسیار عریضی در ازمنهٔ قدیم ویرانه‌های **ریشهر** را با **تل پی تل** مربوط میساخته است ودر سالهای پیشین هنگام احداث راه بین بوشهر وسبز آباد به‌آثار راهرو زیر زمینی مـزبور کـه منتسب بعهد اردشیر بابکان میباشد برخورده‌اند.

آبادیهای **بهمنی** و **دَسْتَك** و **دَوّاس** و **رُوْنی** و **سَرتُل** و چند آبادی دیگر نیز به‌مسافتهای کم یا زیاد در شمال و مشرق وجنوب شرقی ویرانه‌های ریشهر یعنی‌درداخل‌شبه جزیرهٔ بوشهر قراردارد وویرانه‌های باستانی بنام **شاه‌نشین** نیز بین‌آبادیهای **ریشهر** و **رُونی** واقعست که آثارقلعهٔ‌آن‌هنوزباقی‌وپدیدارمیباشد و رویهمرفته با مختصر توجّه میتوان بخوبی پی برد که تمام شبه جزیرهٔ بوشهر بدلیل استعداد و موقعیّت طبیعی از قدیمترین ازمنه تا دوران حاضر شایستگی وظرفیّت همه گونـه آبادانـی را بطور فراوان داشته و دارد.

طبق یادداشتی که ازروی اسناد موجود در کتابخانهٔ دفترامورهندوستان واقع درلندن تهیه گردیده ونسخه‌های متعددی ازروی‌آن عکس برداری گشته نسخه‌ای‌هـم بلطف دوست دانشمندم جناب‌آقای دانش نوبخت باختیاراینجانب گذارده شده است ازماه ژوئیه ۱۸۳۸ تاژانویه ۱۸۴۲ میلادی(مطابق با ۱۲۵۳ تا۱۲۵۷هجری قمری که مصادف‌باجنگ ایران درهرات وگرفتاریهای ناشی از آن دربوشهروجزیرهٔ خارك‌بوده است)ازطرف کمپانی هند شرقی ناوگانی بانیروی‌دریائی قابل ذکربجزیرهٔ خارك اعزام ودرآنجا مستقر گردیده بود وتعداد ٦٤ نفرافسران ودرجه‌داران وسربازان انگلیسی ازنیروی مزبوردرطول قریب چهارسال اقامتشان درآن جزیره فوت نموده‌اند وگورستانی درآنجا از این درگذشتگان که سنین عمرشان از۳۲ تا ۴۹ سال بوده وجود داشته است وچون تفصیل این موضوع با هدف کتاب حاضرارتباطی ندارد توضیح زیاد دراین باره مورد نمییابد وتنها اشاره باین واقعه رااز لحاظ آنچه درجزیرهٔ خارك گذشته بوده است‌کافی میداند.

۳۰ـ توضیحات مربوط به‌تعدادی تصاویر از آثار تاریخی فارس ومناظری از نقاط مختلف آن استان

در مدتی که چاپ کتاب‌انجام میگرفت عکسهای مختلفی که قبلا در دسترس نبودوبتدریج بوسیلهٔ برخی شخصیتهای علاقه‌مند باختیار نویسندهٔ کتاب گـذارده شد یـا توسط بعضی عکاسان باذوق فراهم آمده بود ودر دستـرس قرار گرفت وچنـد عکس نیز ازمیان عکسهائی کـه ضمن مسافرتها ومأموریتهای مختلف در فارس گردآوری نموده بودم مناسب درج در آخرین قسمت

ذیل کتاب بنظر رسید واینك بشرحی که از نظر خوانندگان محترم در تصاویر شماره‌های ۲۵۹ تا ۲۸۱ میگذرد بمعرفی این عکسها میپردازد :

ش۲۵۹ـ منظری ازضلع جنوبی قلعهٔایزدخواست (صفحهٔ۱ـمتن کتاب) که تنهاراه ورودبدرون‌قلعه را ازروی پل‌چوبی بخوبی‌مینمایدودرهنگام‌لزوم‌ممکن بود پل را بردارند و بدین طریق ورود بقلعه را غیر ممکن سازند .

ش ۲۶۰ـ ستون و ته‌ستونها وبدنهٔ سنگی عهد هخامنشی که برفراز ویرانه‌های استخر (تخت طاووس) باقی مانده ودر صفحهٔ ۲۱ متن کتاب اشاره‌بآن گردیده است .

ش ۲۶۱ ـ منظر گوشهٔ جنوب غربی ارگ شیراز که برجهای آجری وقسمتی از دیوار آن نمودار است وحوض و فوّاره‌های میدان جدید الاحداث مقابل عمارت شهرداری در جلو این قسمت از ارگ کریمخانی (صفحهٔ ۵۸ متن کتاب) دیده میشود .

ش ۲۶۲ و ۲۶۳ـ نقوش برجستهٔ عهد فتحعلیشاه قاجار که براثرویران شدن کاخ‌آینه یاکاخ‌خورشید بجامانده (صفحهٔ۵۹ متن کتاب) درمحوّطهٔ باغ موزهٔپارس بصورت موقّتی نصب گردیده بود بعداً در دیوار خارجی ایوان ورودی‌ساختمان جدید ادارهٔفرهنگ‌فارس‌در گوشهٔشمال‌غربی همان باغ بوضع‌مناسب‌وشایسته‌تری نصب و بمعرض دیدار علاقه‌مندان گذارده شده است .

ش ۲۶۴ـ بنای قدیمی که اکنون محلّ مهمانخانهٔ پارك سعدی بوده در صفحهٔ ۷۵ متن کتاب توضیح آن داده شده است .

ش ۲۶۵ـ عمارت قدیمی ومنظری ازباغ ارم که توضیح‌آن درصفحات۷۵و ۷۶ متن کتاب ذکر گردیده وتصویر سرو معروف آن نیز در شکل ۱۶۲ نموده شده است .

ش ۲۶۶ ـ تصویری از کلیسای تجلیل مسیح در قلات که در ذیل صفحهٔ ۷۲ متن کتاب دربارهٔ آن توضیح داده شده است .

ش ۲۶۷ ـ بقعهٔ امامزاده محمّد در فسا که طرحی موزون و گنبد بلند

وجالب توجّهی دارد .

ش ۲۶۸- بقعهٔ امامزاده حسن در فسا که ایوان و سقف ودر ورودی وضریح آن پدیدار بوده تمامی آنها تازه وجدید است .

ش ۲۶۹- منظره‌ای از خیابان شاهرضا در فسا .

ش ۲۷۰- منظری از باغستانهای اطراف فسا که بیشتر درختان آنها درخت خرما ولیموشیرین و پرتقال است .

ش ۲۷۱- آتشگدهٔ کازرون که شرح آن در صفحه ۱۱۱ متن کتاب ذکر گردیده است .

ش ۲۷۲- منظر خارجی آتشگدهٔ بیشاپور (که در صفحهٔ ۱۲۲ متن کتاب معرّفی شده است) پس از تعمیراتی که از طرف ادارهٔ باستانشناسی فارس در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ شمسی در آن انجام گرفته بود ، بطوریکه دیده میشود باسنگهای تراش که مصالح اوّلیّهٔ اصلی آتشگدهٔ مزبوراست وضمن خاکبرداریهای علمی آنجا بدست آورده بودند قسمتهائی ازدیوار بنای آتشگده رابصورت اصلی آن تجدید و مستحکم ساخته‌اند ، این عکس در اسفندماه ۱۳۳۹ که نویسندهٔ کتاب توفیق دیدارمجدّد کوتاهی را از ویرانه‌های بیشاپور بدست آورده بود گرفته شده‌است .

ش ۲۷۳ و ۲۷۴- نقوش موزائیك عهد ساسانی مکشوف درحیاط پشت تالار بزرگ کاخ شاپور اوّل در بیشاپور که توضیح آن در صفحات ۱۲۲ و۱۲۳ متن کتاب ذکر گردیده است واکنون در غرفهٔ عهد ساسانی در موزهٔ ایران باستان قرار دارد .

ش ۲۷۵- نقش پیروزی بهرام‌دوّم بربادیه‌نشینان‌عرب که درتنگ چوگان حجّاری شده توضیح مربوط بآن درصفحات ۱۲۶ و ۱۲۷ متن کتاب ذکر گردیده است .

ش ۲۷۶- نقش برجستهٔ بهرام دوّم درصحنهٔ مذکور در شکل ۲۷۵.

ش ۲۷۷- نقش برجستهٔ بهرام‌اوّل که شعار پادشاهی را ازمظهر اهورامزدا

میگیرد و توضیح آن درصفحهٔ ۱۲۷ متن کتاب ذکر گردیده تصویری هم از آن با فاصلهٔ بیشتر در شکل ۱۹۰ نموده شده است.

ش ۲۷۸- عکسی از چادر بزرگ و زندگانی صحرانشینی آقای زیادخان دره شوری که در روز سه شنبهٔ ۱۴ آبانماه ۱۳۳۰ هنگام مسافرت نویسندهٔ کتاب (بنمایندگی ازطرف هنرهای زیبای کشور) بهمراهی هیئت فیلمبرداری دانشگاه سیراکیوز در تنگ چوگان درجانب راست رود شاپور محاذی غارشاپور گرفته شده است.

ش ۲۷۹- رقص محلّی مردانی که نموداری ازچگونگی نبرد با شمشیر وسپررا بوسیلهٔ دوعدد چوب نمایش میدهند در نورآباد ممسنی واجتماع عدّه‌ای برای تماشای آن در حالی که نوازندگان نای ودهل بر بالای بام‌خانه در کنار محوّطه آهنگ چنین رقص رزمی‌را مینوازند - این عکس نیز در مسافرت نویسندهٔ کتاب (بنمایندگی از طرف هنرهای زیبای کشور) بهمراهی هیئت فیلمبرداری دانشگاه سیراکیوز هنگام مسافرت از فارس بخوزستان در تاریخ پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۳۰ در نورآباد برداشته شده‌است.

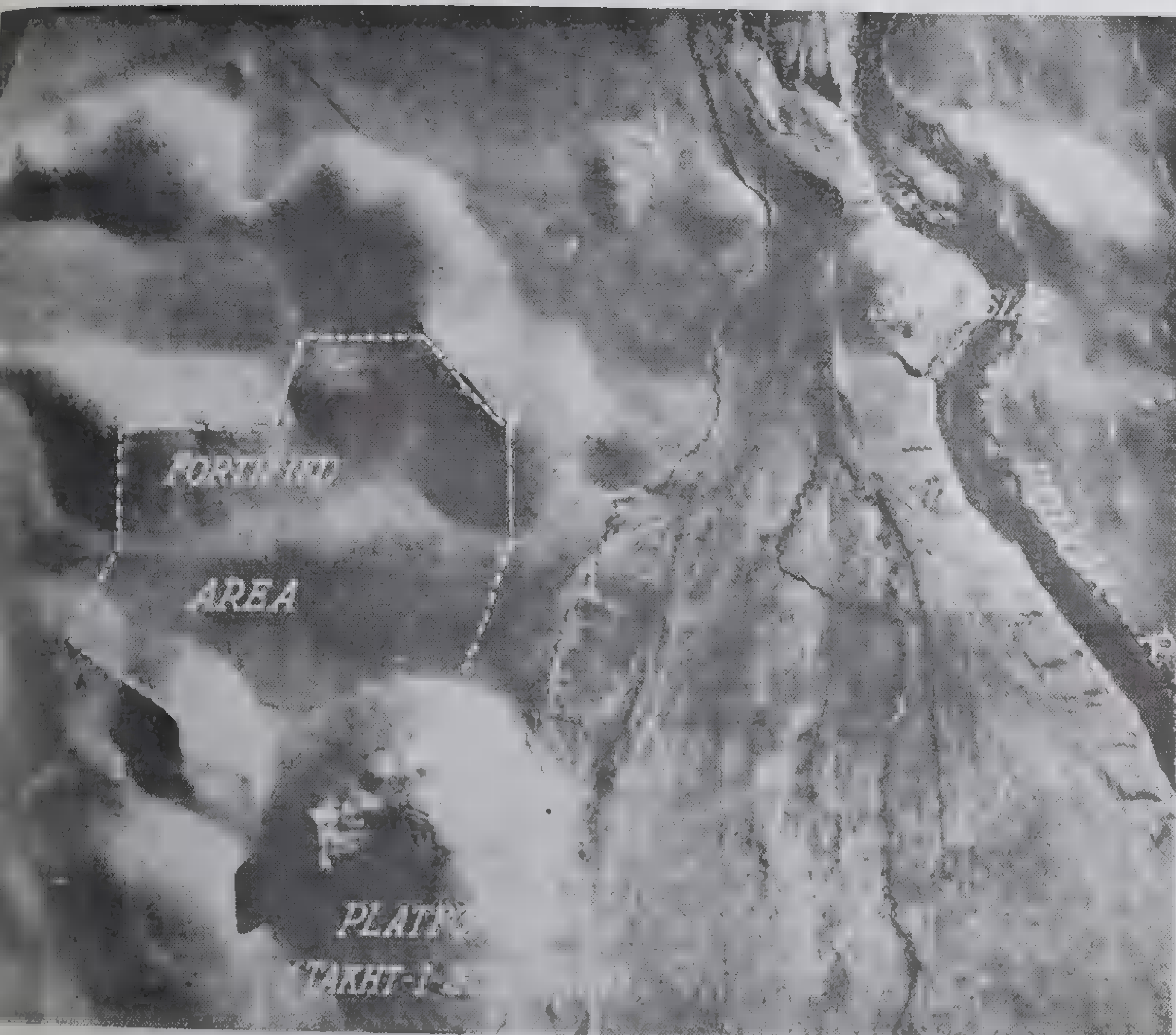
شکل ۲۸۰- نگارندهٔ کتاب را درروز ۲۸ شهریورماه ۱۳۱۲ هنگام پیدایش جمعهٔ الواح محتوی زر وسیم بنام داریوش‌اوّل در گوشهٔ جنوب شرقی‌تالاربزرگ مرکزی‌کاخ اپدانهٔ تخت‌جمشید که پس‌از گذشت ۱۴۵۰ سال از تاریخ نهادن این اسناد تاریخی شاهنشاهی داریوش درمحلّ مزبور نمایان گردید نشان میدهد - نویسندهٔ کتاب درآن هنگام به‌سمت نمایندگی باستان شناسی در تخت‌جمشید باهیئت علمی آنجا که بریاست مرحوم پرفسور هرتسفلد واز طرف بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو به‌خاکبرداریهای علمی‌اشتغال داشت همکاری وانجام وظیفه مینمودم وارائهٔ عکس مزبور ازلحاظ پیدایش چنین‌اسناد ملّی بس گرانبها ودر عین حال خاطرهٔ بس دلنشینی که بدین‌ترتیب در روزگار جوانی دست داده‌است مناسب بنظررسید - شخصی که در طرف راست عکس دیده میشود آقای مهندس فردریك کرفتر (F. Krefter) مهندس معمار و معاون هیئت علمی تخت جمشید

بود که طبق نظر واحتمال وی مبنی بر پیدایش اسناد نبشتهٔ آجری یا سنگی بهالواح نبشتهٔ زر وسیم دست یافتند.

شکل ۲۸۱ـ آخرین عکسی که دراین قسمت ارائه میگردد و آخرین تصویر مندرج در ذیل کتاب خواهد بود عکسی است که نگارندهٔ کتابرا درروز پنجشنبهٔ چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ نشان میدهد که بااستفاده ازموقع‌وفرصتی که فراهم آمد وبا کمك ذیقیمت آقای علی سامی رئیس وقت بنگاه علمی تخت جمشید توانستم نقوش برجستهٔ ملل تابعهٔ شاهنشاهی هخامنشی را بر بالای دخمهٔ اردشیر سوّم در تخت جمشید ازنزدیك ملاحظه وبررسی نمایم ونبشته‌های میخی پارسی باستانی را که بربالای هر یك ازنقوش نقر گردیده است (بصفحهٔ ۳۱ متن کتاب مراجعه شود) استنساخ کرده با تطبیق نام هر یك ازملل ومقایسهٔ نقش آن ملّت با نقوش پلّکانهای‌شرقی کاخ آپادانا تا حدّی در شناسائی ملل مزبور توفیقی بیش ازآنچه از گفته‌ها و نوشته های دانشمندان خارجی برمیآمد بدست‌آورم، کرانهٔ خارجی منجنیق چوبی کوتاه نزدیك‌لبهٔ پرتگاه عمودی است که‌به‌محوّطهٔ مقابل در ورودی دخمهٔ اردشیر سوّم منتهی میگردد.

پایان مطالب ذیل کتاب

عکسهای مربوط به قسمت ذیل کتاب (اشکال ۲۰۴ تا ۲۸۱)
از صفحهٔ بعد آغاز میگردد وپس‌از خاتمهٔ آنها اطلاعات
تکمیلی مفیدی درقسمت ضمیمه مندرج است



ش- ۲۰۴ منظر هوائی محل دژ استحکاماتی پاسارگاد (نقل از صفحهٔ ۹ کتاب
تخت جمشید - جلداول - تالیف دکتر اشمیت)- مربوط به‌صفحهٔ ۳۳۱

Fig 204 - Pasargade, Vue aérienne de la forteresse

Fig 204 - Aerial view of the fortified area at Pasargadae

(Persepolis, Dr. E. Shmidt. TOME I. p. 9)

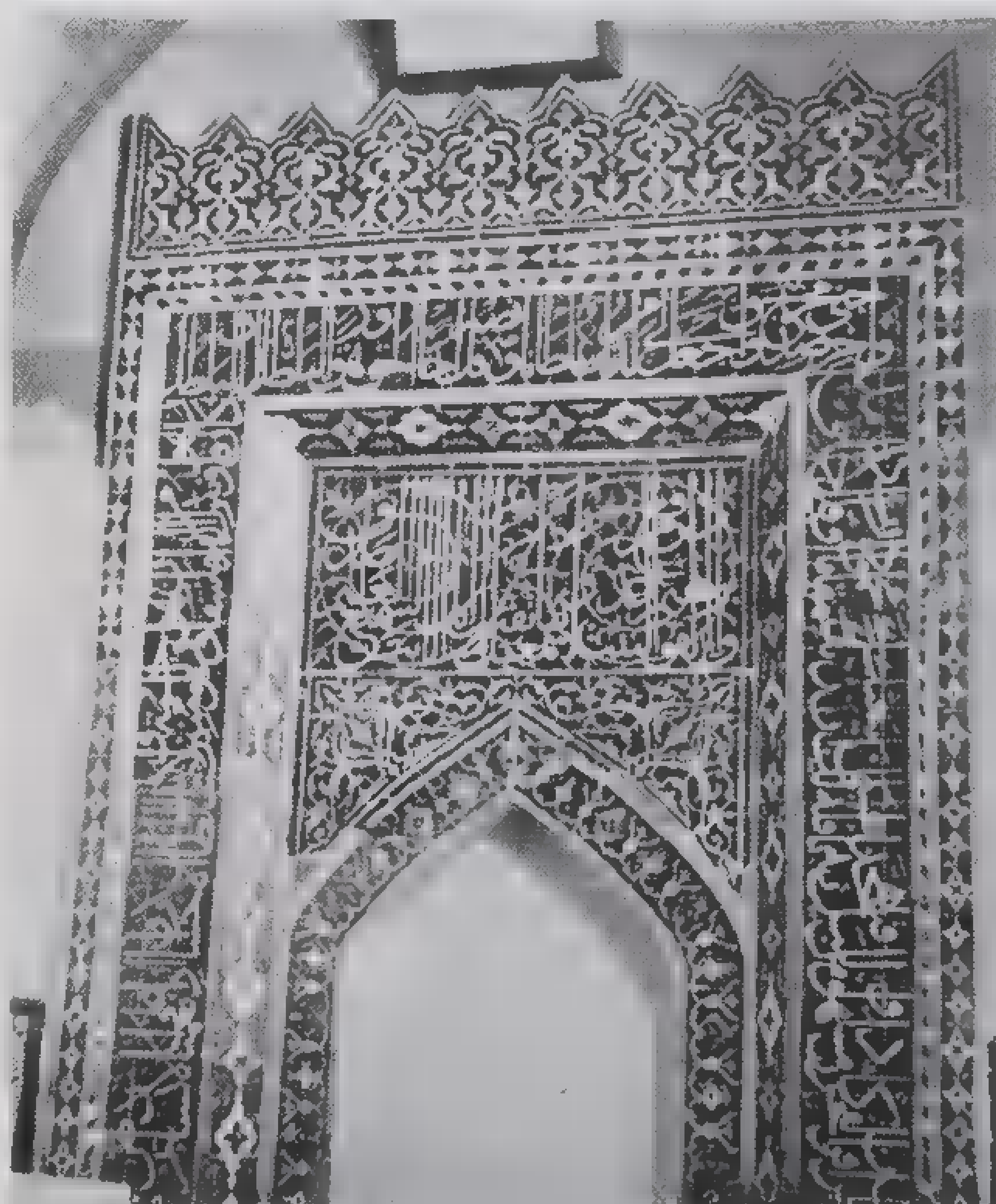


Fig 207 _ ش۲۰۷

ش۲۰۷ ـ محراب کاشی معرق بقعهٔ خلیفه (خفر) درموزهٔ پارس
(شیراز) متعلق بقرن نهم هجری ـ مربوط به صفحات
۳۵۷ ـ ۳۶۰

Fig 207 - Mihrab en mosaïques de briques émaillés du mausolée Khalifé à Khafr. 15 ème siècle (actuellement au Musée de Shiraz)
Largeur=2 mètres

Fig 207-Mihrab made by mosaïc of enameled tiles belonging to the mausoleum Khalifeh at Khafr. 15 th cent (actuelly in the Museum of Shiraz)
Width 2 metres.

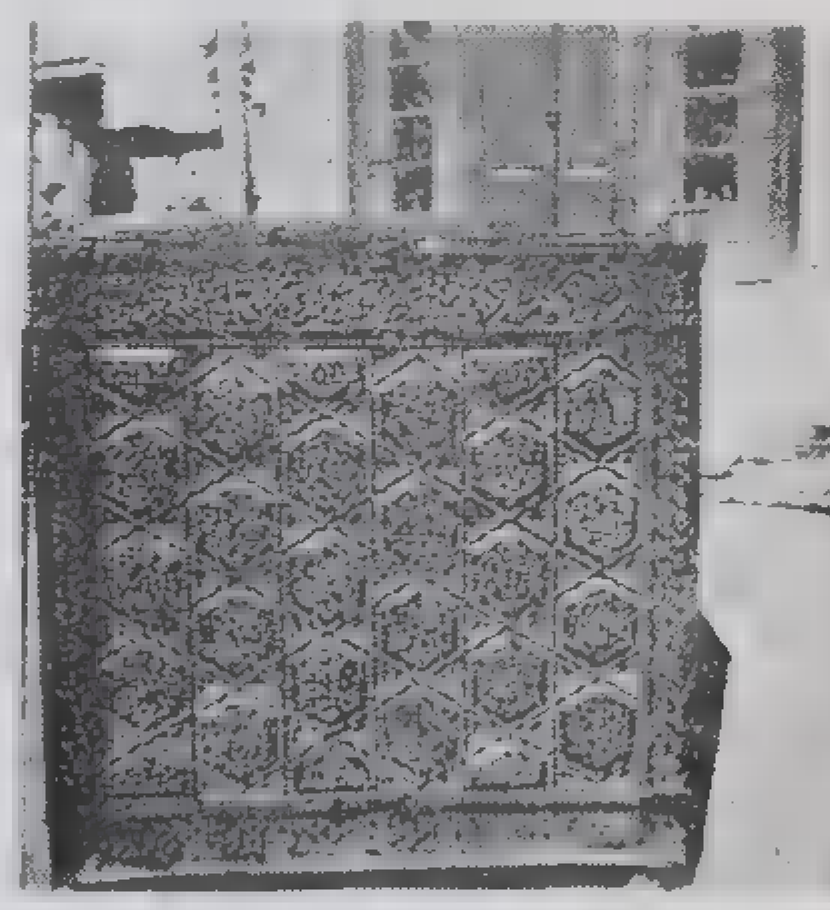


Fig 205 _ ش۲۰۵



Fig 206 _ ش۲۰۶

ش۲۰۵و۲۰۶ ـ صندوق منبت عتیقهٔ بقعهٔ
سید میر محمد از آثار نفیس هنری قرن
هفتم هجری ـ مربوط به صفحهٔ ۳۵٤

Figs 205/206 - Shiraz. le sarcophage du Sanctuaire de Seyed Mir Mohammad. 14 ème siècle. Dimensions :
1/75×O/60 /×O/70 m.

Figs 205/206 - The sarcophagus of the sanctuary of Seyed Mir Mohammad at Shiraz. 14 th cent. Dimensions : 1/75×0/60×0/70 m.



ش ۲۰۸ ــ مخازن قدیمی آب در دامنه جنوبی کوهستان موسوم به قلات ابی‌درایج نزدیك اصطهبانات ــ نقل از گزارش سراورل استین مندرج در مجلهٔ عراق (IRAQ) جلد سوم شماره ۲ ــ مربوط به صفحات ۸۹ و ۳٦٤



ش ۲۰۹ ــ بند قدیمی برای مخزن آب درقسمت بالای‌تپه حاوی آثار باستانی‌ایج ــ نقل از گزارش سراورل استین مندرج درمجلهٔ عراق ــ جلد سوم ــ شمارهٔ۲ ــ مربوط به‌صفحات ۸۹ و ۹۰ و ۳٦٤

Figs 208/9 - Idj, près de Estahbanat, anciens réservoirs d' eau et barrage dans la montagne.

Figs208/9 - Ancient reservoirs of water and dam on the mountain, at Idj, near Estahbanat.

Sir Aurel Stein, IRAQ, Vol III, N : 2



ش ۲۱۰ ــ نیایشگاه پیش از اسلام از آثار باستانی ایج که دردل کوه تراشیده‌اند ودر دوران اسلام تبدیل به‌مسجد نموده محرابی بر آن افزوده‌اند ــ نقل‌از گزارش سراورل استین مندرج درمجله عراق ــ جلد سوم ــ شماره ۲ــ مربوط به‌صفحات ۹۰ و ۳۶:

Fig 210 - Idj, près de Estahbanat, monument religieux préislamique, taillé dans le roc. H=3 mètres approx.

Fig 210 - A religious preislamic monument, carved in the roc at Idj, near Estahbanat. H=3 meters approx.

Sir Aurel Stein, IRAQ, Vol III, N : 2.



ش ۲۱۱ ــ بقایای بنای باستانی بنام قلعه دختر نزدیك اصطهبانات ــ نقل‌از گزارش سراورل استین مندرج در مجلهٔ عراق ــ جلد سوم ــ شمارهٔ ۲ــ مربوط به صفحه ۳۶:

Fig 211 - Ruines anciennes de la forteresse nommée Qalé - Dukhtar, près de Estahbanat.

Fig 211 - Ancient ruins of the fortress, Qale - Dukhtar, near Estahbanat.

Sir Aurel Stein, IRAQ, Vol III, N : 2.

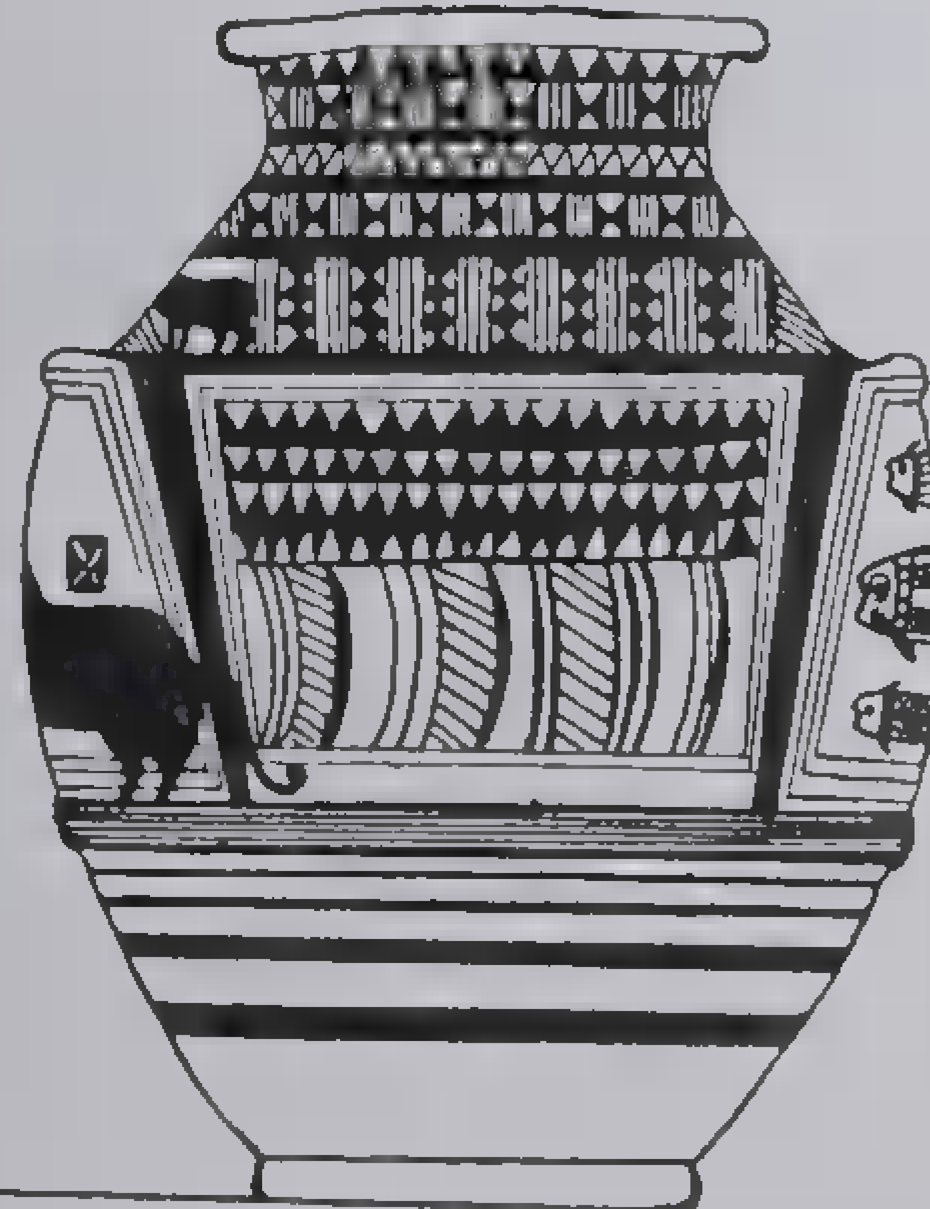


Fig 212 ـ ش ۲۱۲

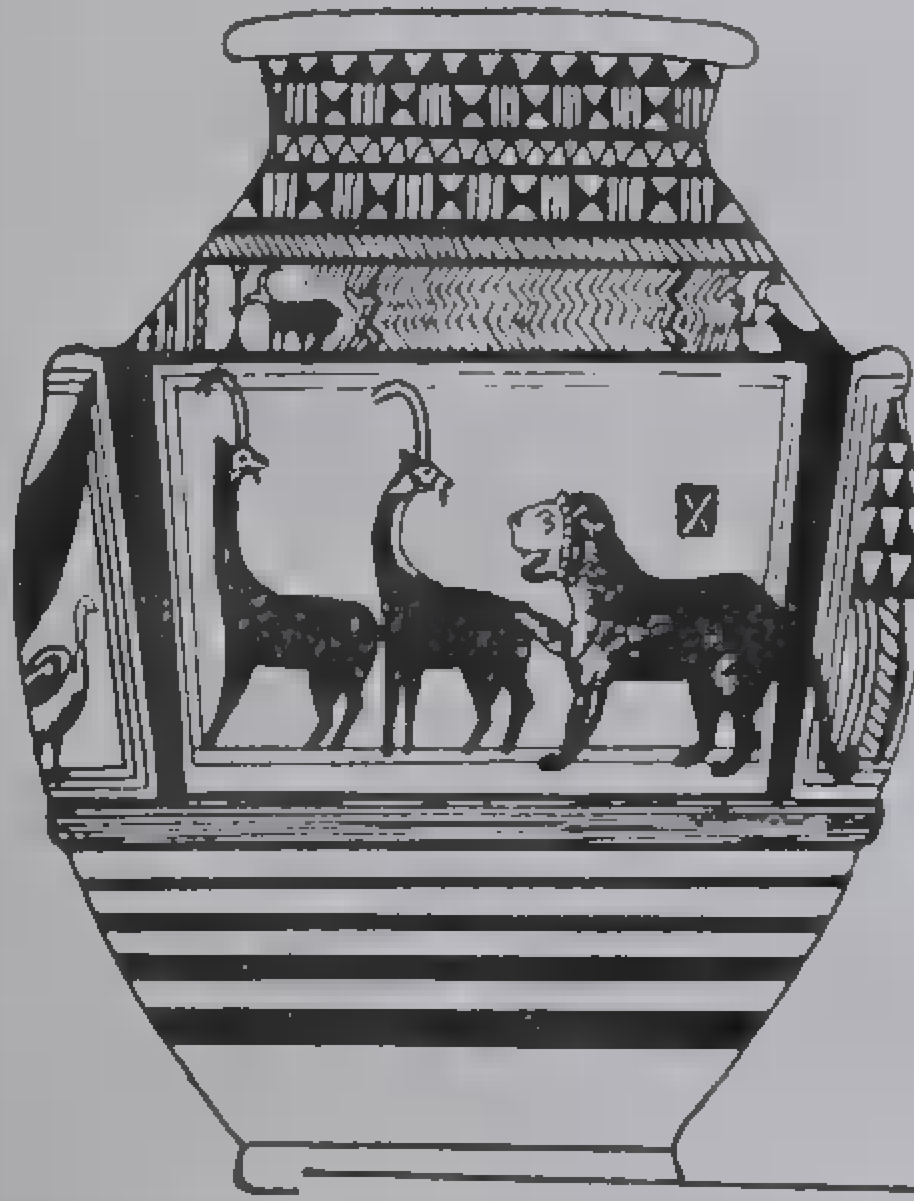


Fig 213 ـ ش ۲۱۳



Fig 214 ـ ش ۲۱٤

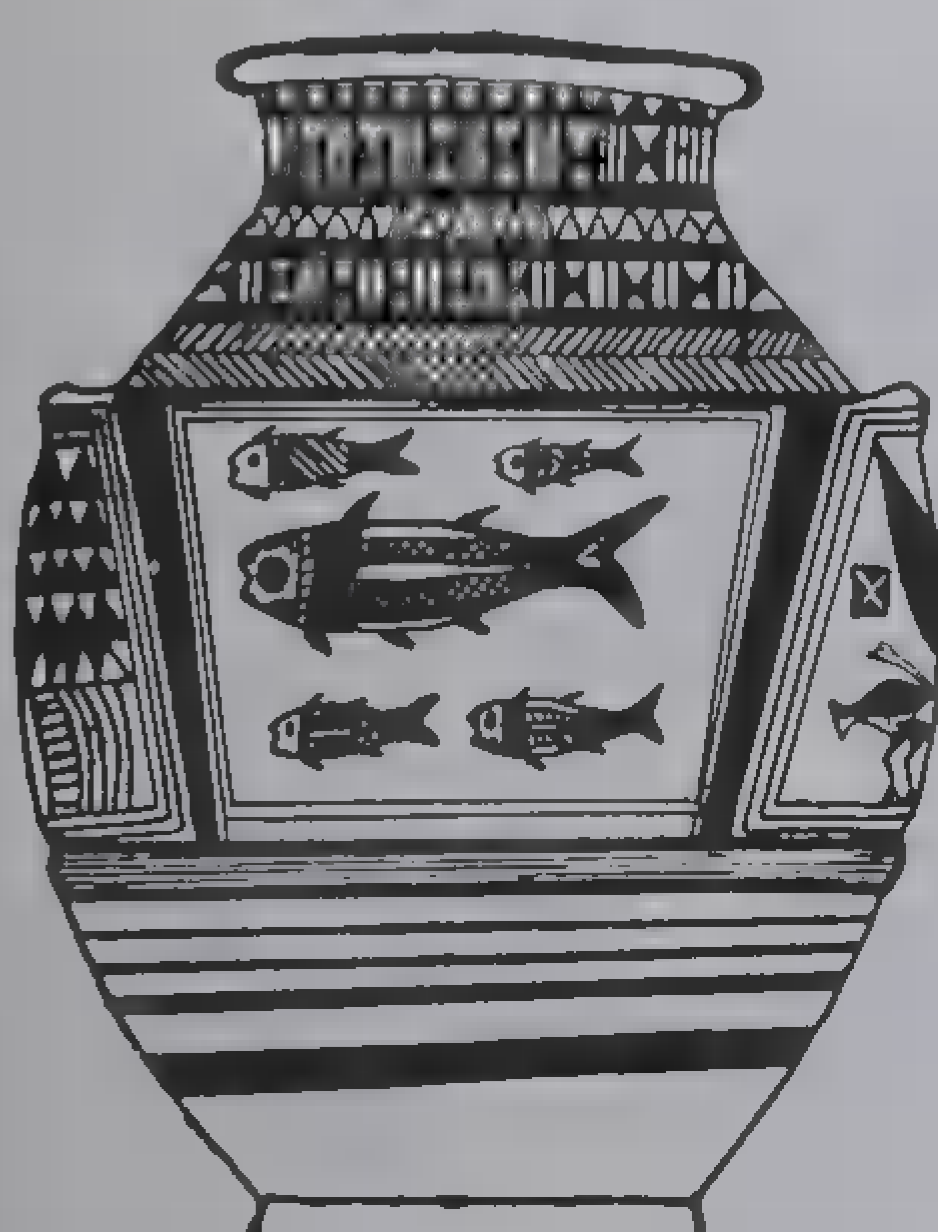


Fig 215 ـ ش ۲۱۵

توضیحات در بالای صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۱۲ / ۲۱۵ ـ نقش‌ظرف سفالی ماقبل تاریخ مشکوف درکاوشهای‌منطقهٔ‌گلیان درفسا که ضمیمهٔ گزارش ۹۲ـ۲۵/۱۱/۳۹ آقای توللی بوده مورد استفاده قرار گرفته است ـ ارتفاع ظرف۵۲ سانتیمتر، قطر دائرهٔ شکم ظرف ۵۰سانتی‌متر ـ مربوط به صفحات ۳٦٤ و ۳٦۵

Figs 212/215 - Dessins du vase préhistorique peint en terre cuite, découvert dans les fouilles du Service Archéologique de Fars, à Galian près de Fä-sa. Hauteur=52 centimètres.

(Rapport de Mr. F. Tavallali)

Figs212/215 - Dessins of a prehistoric painted clay vase found in the excavations of the Archaeological Service of Fars, at Galian, near Fa-sa. H=52 centimetres.

(Report of Mr. F. Tavallali)



ش ۲۱٦ ـ آفتابه ولگن مفرغی عهد هخامنشی مکشوف درتنگ مورد از توابع فسا ـ مربوط به‌صفحات ۳٦۵و ۳٦٦

Fig 216 - Aiguière et cuvette en bronze de l' époque Achéménide, trouvées en 1955 à Tang-i-Morde, près de Fä-sa, (actuellement au Musée Archéologique de Teheran).

Fig 216 - Water-jug and wash-hand bain made of bronze, from Achaemenian period, found in 1955 at Tangi Morde, near Fa-sa, (actually in the Archaeological Museum of Tehran)



ش ۲۱۷ بنای موسوم به گور دختر از جانب مغرب ـ مجموع ارتفاع بنا ۴ر۵ متر
مربوط به صفحات ۱۱۸ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۸ و ۳۷۹ (عکس از پروفسور واندنبرگ)

Fig 217 - Tombeau du début de l' époque Achéménide, appelé Guré - Dokhtar, près de Sarmashhad, vue prise du côté ouest.
H=4/5 mètres- (Cliché prof. L. Vanden Berghe)

Fig 217 - A tomb of the beginning of the Achaemenian period, called Gure-Dokhtar, near Sarmashhad, view taken from the western side.
H=4/5 metres (photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۱۸ ــ بنای موسوم به‌گور دختر ازجانب مشرق (توضیحات آن مطابق با توضیحات ش ۲۱۷)

Fig 218 - Tombeau appelé Guré-Dokhtar, (voir fig 217) vue prise du côté est. (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 218 - Tomb called Gure-Dokhtar, (see fig 217) view taken from the eastern side (photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۱۹ ــ بنـای موسوم به نقاره خانـه از جانب شمال غربـی ــ مجموع ارتفاع بنا ۹/۶۰ متر ، مربوط به صفحهٔ ۳۷۳ (عکس ازپروفسور واندنبرگ)

Fig 219 - Monument du feu, appelé Nagharé-Khaneh près de Farrash-band.

H=9/60 mètres (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 219 - Fire temple, called Naghareh Khaneh, near Farrash-band.

H=9/60 metres (photo by Prof. L. Vanden Berghe)

اطلاعات بیشتر دربارهٔ همین بنا در قسمت **ضمیمه کتاب** مذکور افتاده است



ش ۲۲۰ ـ آتشدان سنگی قنات باغ ـ مجموع بلندی آن ۱/۷۰ متر ـ مربوط به‌صفحات ۳۷٤ و ۳۷۵ ـ عکس از پروفسور واندنبرگ

Fig 220 - Autel du feu, en pierre, époque Sassanide, à Ghanaté Bagh, près de Sarmashhad.
Hauteur total=1/70 m. (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 220 - Fire Altar of stone, Sassanian period, in Ghanate Bagh, near Sarmashhad.
H=1/70 m. (photo by Prof. L. Vanden Berghe)

توضیحات مربوط به صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۲۱ ـ نمای شرقی و جنوبی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر مربوط به صفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

ش ۲۲۲ ـ جانب شمالی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر مربوط بصفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

ش ۲۲۳ ـ ضلع شرقی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر (طاق کوچک پائین عکس وسیلهٔ ارتباط بین دوقسمت شرقی وغربی بنا را اززیر دهلیزطبقهٔ بالا تأمین مینمود) ـ مربوط بصفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Figs 221 - 2 - 3 - Ruines du temple du feu de l' époque Sassanide, appelé Koushgue, situées dans la plaine Bospar, près de Sarmashhad.

A partir du haut : Fig 221 - vue est et sud, Fig 222-côté nord, Fig 223 - voûte au côté est (Clichés du rapport de Mr. F. Tavallali)

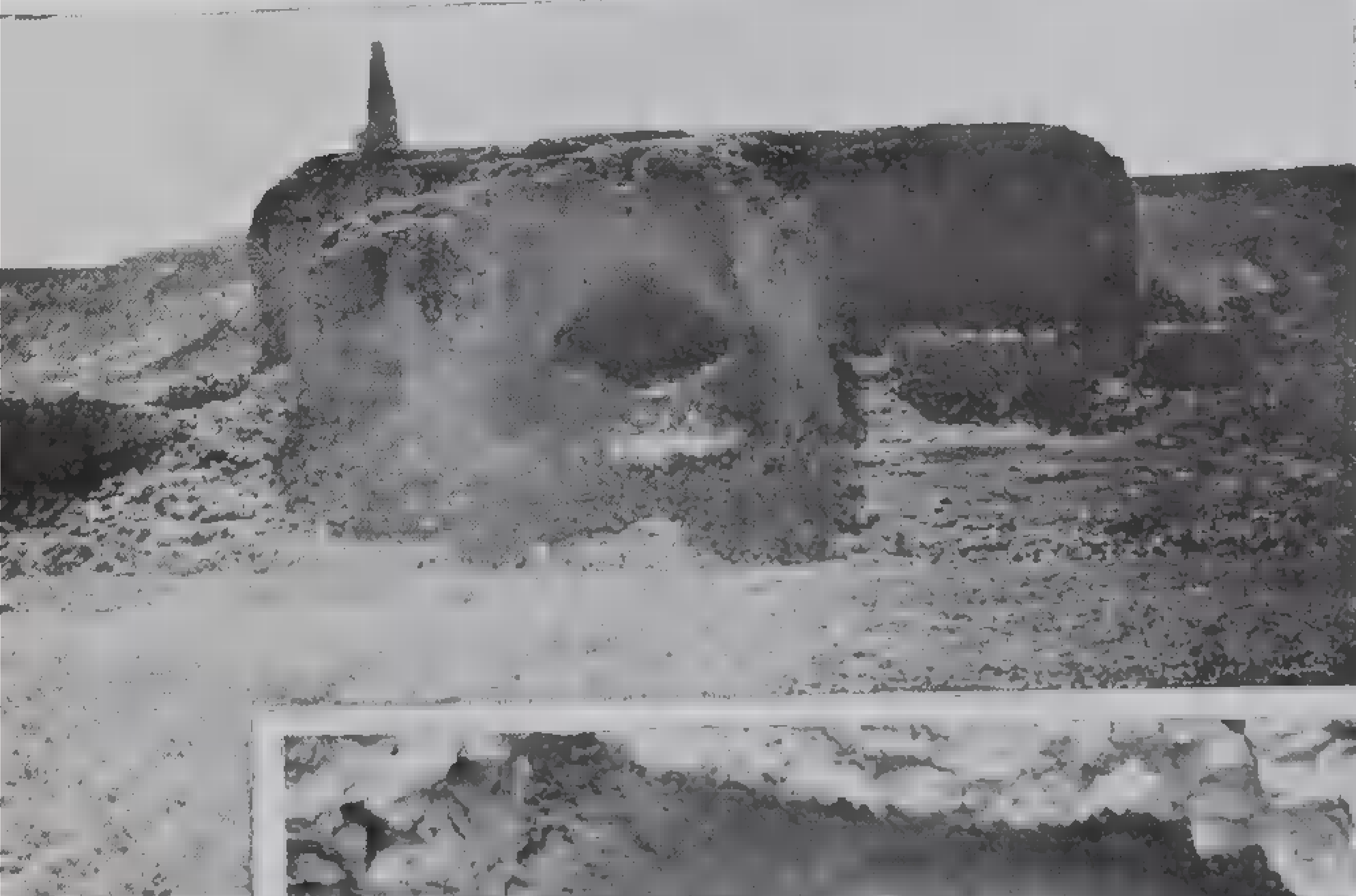
Figs 221 - 2-3 - Ruins of a Sassanian fire temple, in the plain of Bospar, near Sarmashhad,

From above : Fig 221 - eastern and southern side, Fig 222-northern side, F. 223 - vault at the eastern side (photos from the report of Mr. F. Tavallali)

ش – ۲۲۱

Fig. 221





ش – ۲۲۲

Fig. 222

ش – ۲۲۳

Fig. 223



← توضیحات در صفحهٔ مقابل



Fig. 224 – ش ۲۲۴



Fig. 225 – ش ۲۲۵



Fig. 226 – ش ۲۲۶

توضیحات در صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۲۴ ــ تپهٔ معروف به‌شغالی واقع در جلگهٔ بسپر که آثار شالوده های سنگی دردامنهٔ آن بصورت خط سفیدی درعکس نمایان است ــ مربوط به صفحهٔ ۳۸۱ــ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Fig 224 - Colline appelée Shoghali, dans la plaine de Bospar, près de Sarmashhad, la ligne de fondations en pierre est visible sur la pente de la colline (Cliché du rapport de Mr. F. Tavallali).

Fig 224 - The hill called Shoghali, in the plain Bospar, near Sarmashhad, the line of stone foundations is visible in the slope of the hill (photo from the report of Mr. F. Tavallali).

ش ۲۲۵ ــ قبرستان عشایری واقع در جلگهٔ بسپر ــ مربوط به صفحهٔ ۳۸۲ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Fig 225 - Cimetière des nomades dans la plaine de Bospar, près de Sarmashhad, (Cliché du rapport de Mr. F. Tavallali).

Fig 225 - Cemetery of the nomades in the plain of Bospar, near Sarmashhad, (photo from the report of Mr. F. Tavallali)

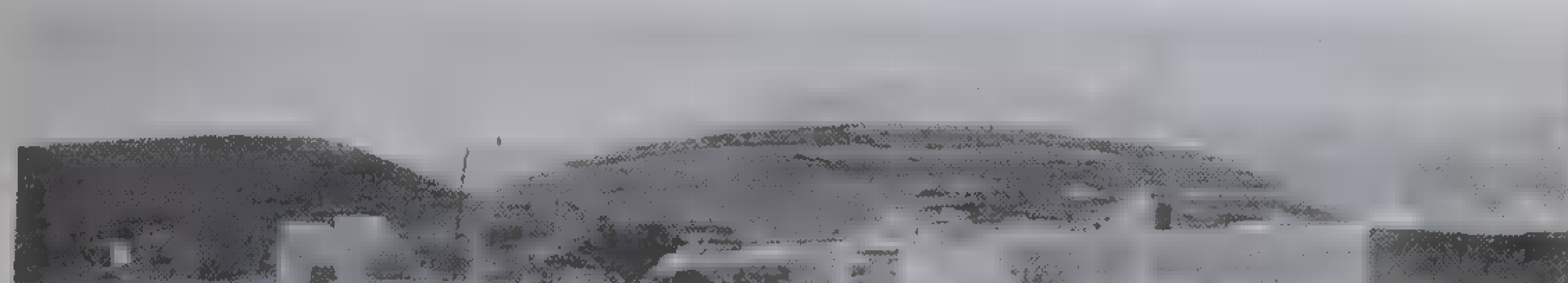
ش ۲۲۶ ــ ویرانه های آتشگدهٔ موسوم به تخته آب شیرین واقع در جلگهٔ بسپر ــ مربوط به‌صفحات ۳۸۱ و ۳۸۲ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Fig 226 - Ruines du temple du feu, nommé Takhti-Abé-Shirine, situé dans la plaine de Bospar, près de Sarmashhad. (Cliché du rapport de Mr. F. Tavallali)

Fig 226 - Ruins of a fire temple, called Takhti - Abe-Shirine, in the plain Bespar, near Sarmashhad. (photo from the report of Mr. F. Tavallali).



ش ۲۲۷ ــ منظری از کازرون ازفراز بام یکی از خانه‌های محلهٔ گنبد ــ مربوط به صفحهٔ ۳۹۰



ش ۲۲۸ ــ منظر یکی از خانه های کازرون در محلهٔ گنبد که محل دبستان است ــ مربوط به صفحهٔ ۳۹۰

Figs 227 et 228 - Kazeroun, vues des maisons.

Figs 227 - 228 - Views of the houses at Kazeroun.



ش ۲۲۹ - داخل بقعهٔ امامزاده درب آهنین - مدفن منسوب به دختر حضرت امام موسی کاظم (ع) - مربوط به صفحهٔ ۳۹۵

Fig 229 - Nourabad, l' intérieur du sanctuaire nommé Imamzadeh Darb-Ahanïn, 13 ème siècle. (représenté en figs 196 et 197)

Fig 229 - The interior of the sanctuary Imamzadeh Darb-Ahanin at Nurabad, 13 th cent. (presented in figs 196 and 197).



Fig 230 – ش ۲۳۰

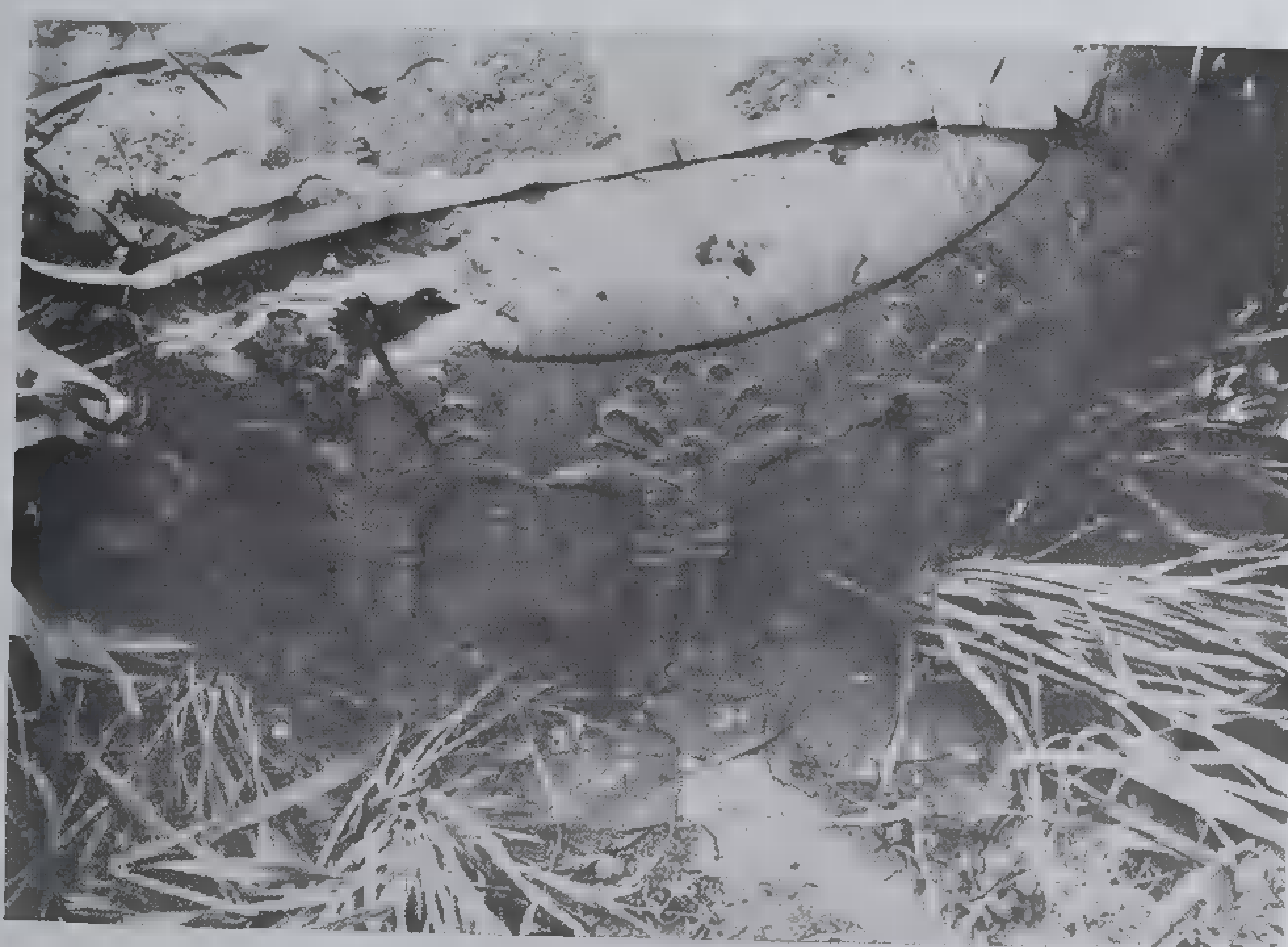
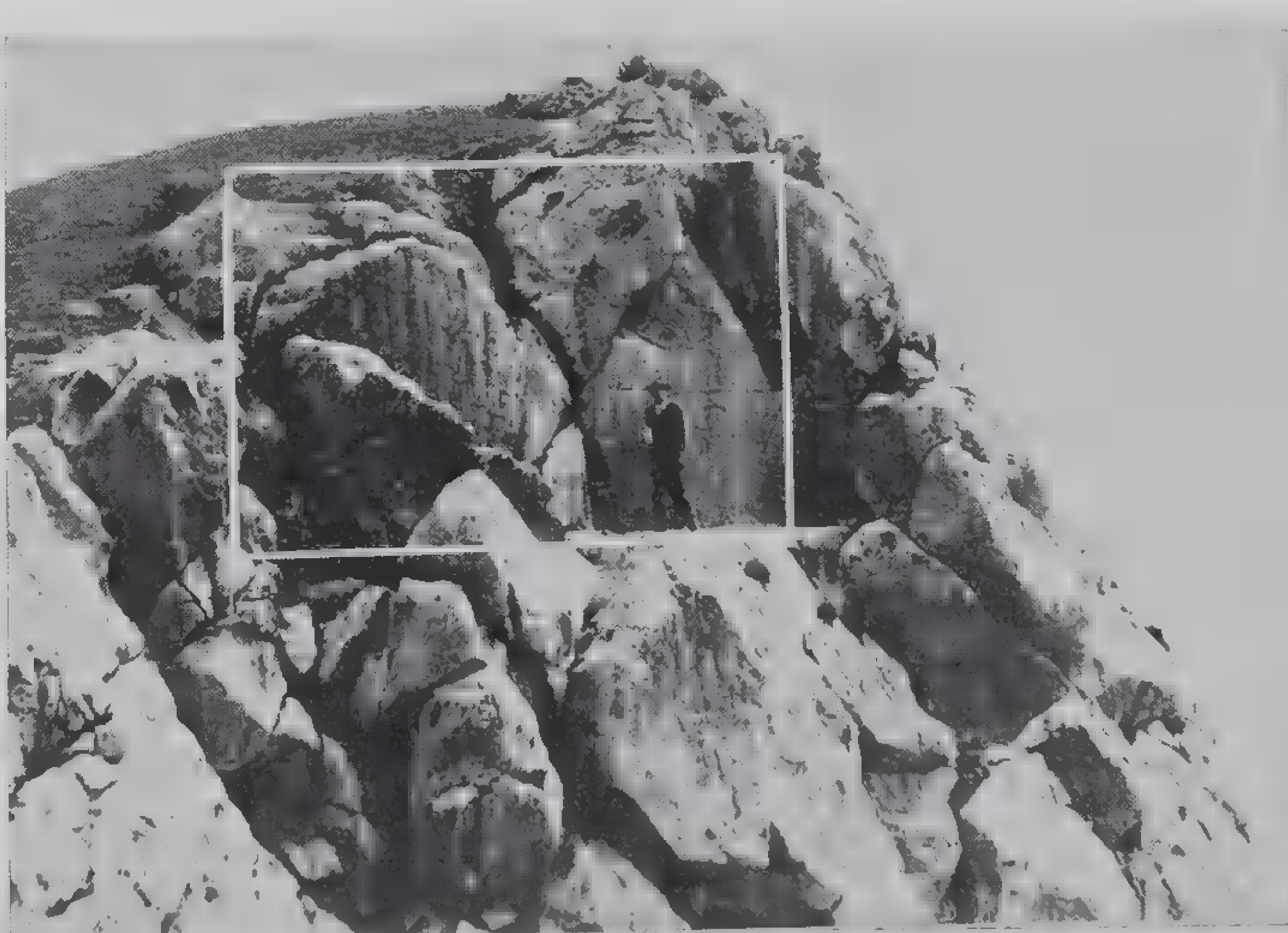


Fig 231 – ش ۲۳۱

ش ۲۳۰ و ۲۳۱ ـ یکی از تهستونهای سنگی بزرگتر بنای عهد هخامنشی در سروان ، قطر دایره ۱/۲۰۰متر، بلندی ۷۰ سانتیمتر ـ مربوط بـه صفحهٔ ۳۹۸

Figs 230 et 231 - Sarawan. l' une des grandes bases de colonne. du batiment Achéménide. H=O/70 m; Diamètre 1/20 m.

Figs 230 and 231 - One of the big bases of a column. of the Achaemenian building at Sarawan. H=O.70 m. Diameter 1/20 m.



ش ۲۳۲ ــ محل و موقعیت نقش برجستهٔ عهد عیلام درکورانگون ــ مربــوط به صفحهٔ ۴۰۰

Fig 232 - Kurangün, l' emplacement et la situation des bas - reliefs élamites (représentés en fig 199)

Fig 232 - Place and position of the elamite reliefs at Kurangun (presented in fig 199)



ش ۲۳۳ــ قدیمترین تصویر موجود از نقش انسان بالدار بنام کورش بزرگ در پاسارگاد که اصل آن درسال ۱۸۲۱ ترسیم گردیده است (مربوط به صفحهٔ ٤۰٥ که توضیحات ومآخذ تصویر نیز درهمان صفحه مذکور میباشد)

Fig 233 - Dessin du bas-relief d'un génie ailé à Pasargade, publié par R. Ker Porter en 1821 (v. fig 16)

Fig 233 - Design of the winged genius at Pasargadae, published by R. Ker Porter in 1821 (see fig 16)



ش ۲۳٤ ــ تصویر نقش انسان بالدار بنام کورش کبیر درپاسارگاد که بیست‌سال بعد از تصویر مندرج درش ۲۳۳ ترسیم گردیده است (مربوط به صفحهٔ ٤۰۵ که حاوی توضیحات بیشتر دربارهٔ تصویر مزبور نیز هست)

Fig 234 - Dessin du bas-relief d'un génie ailé à Pasargade publié par Flandin et Coste en 1841 (Copie par M. Dj. Babak.)

Fig 234 - Design of the winged genius at Pasargadae, published by Flandin & Coste in 1841 (copy by Mr. Dj. Babak.)



ش ۲۳۵ــ نقش مهرزمان کورش بزرگ که درپاسارگاد بدست آمده استــ
مربوط به‌صفحهٔ ۴۰۷ ــ ارتفاع ۲۵ میلیمتر ، قطر دائره ۱۲ میلیمتر

Fig 235 - Dessin original d'un cylindre du temps de Cyrus le Grand, trouvé à Pasargade, par la Mission Archéologique Irano--- Anglaise, en automne 1961
H. 25 m m. D, 12 m m.

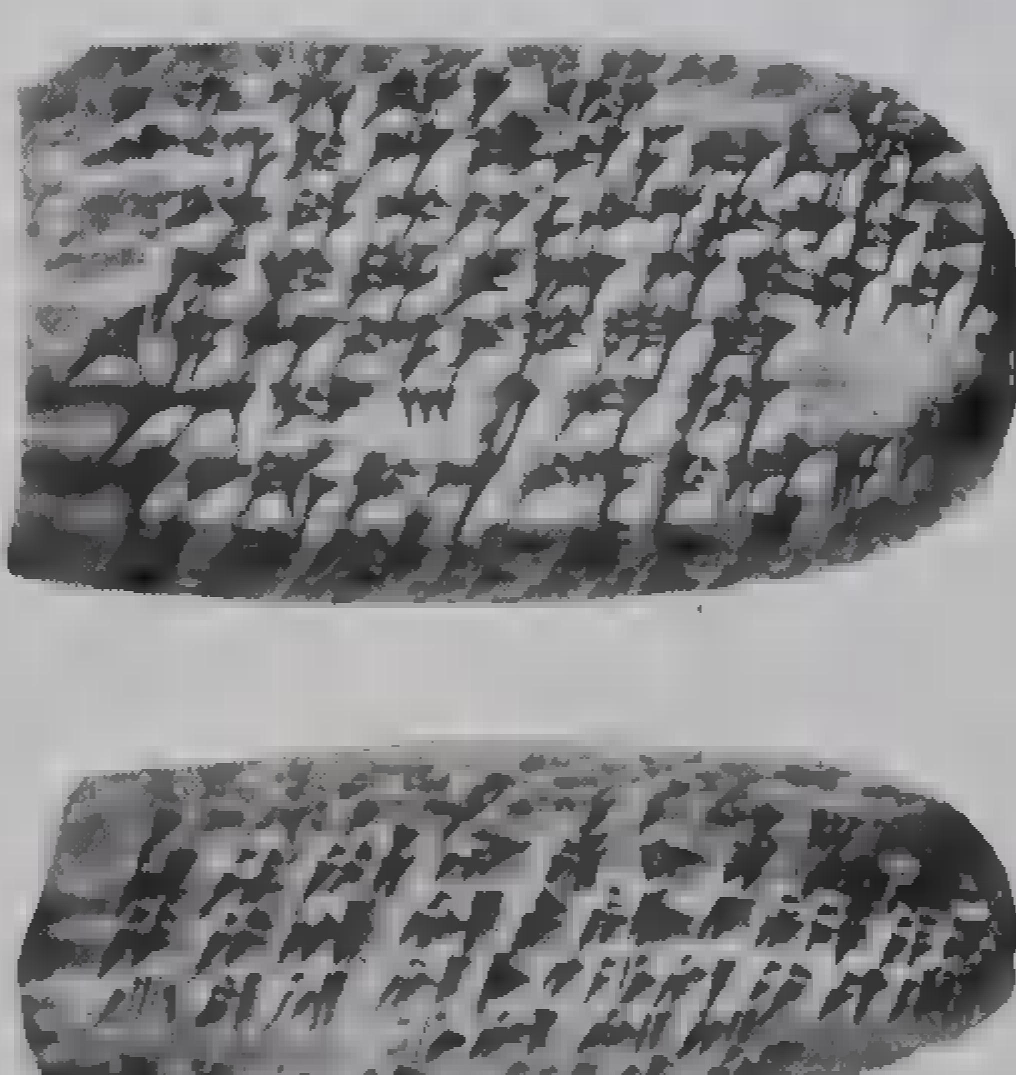
Fig 235 - The original design of a cylinder from the time of Cyrus the Great, found at Pasargadae, by the Joint Expedition Irano-English, in autumn 1961.
H. 25 m m. D. 12 m m.



ش ٢٣٦ــ نقش مهرزمان کورش بزرگ که درپاسارگاد بدست آمده است پس‌از نمایانترکردن قسمتهائی ازآن بوسیلهٔ استاد هنرمند آقای علی کریمی ــ مربوط به صفحهٔ ٤٠٧

Fig 236 - Dessin du cylindre représenté en Fig 235, après une légère retouche faite, par M. A. Karimi.

Fig 236 - Design of the cylinder, presented in Fig 235, being retouched lightly by Mr. A. Karimi.



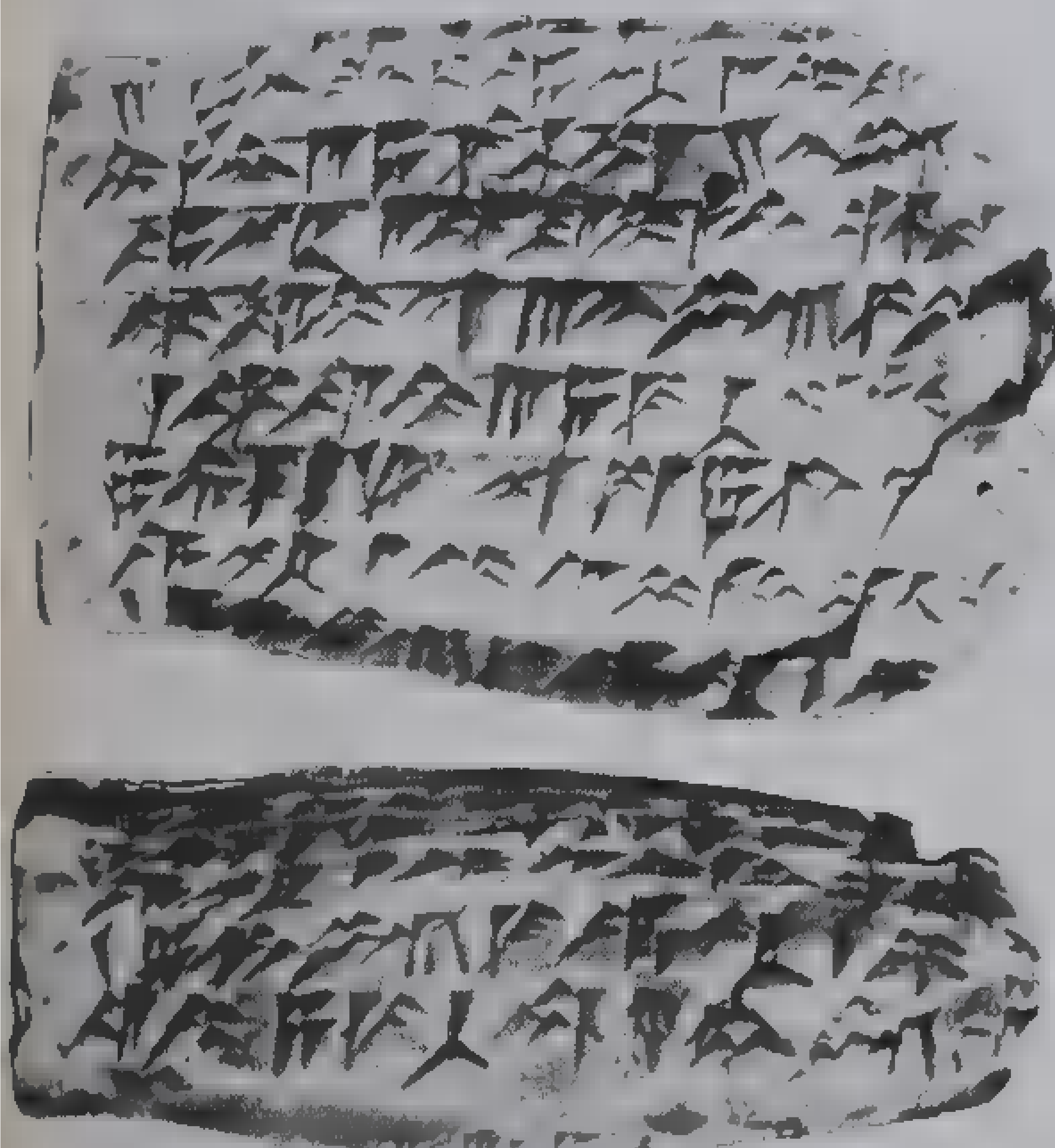
ش ٢٣٧ ــ لوح گلی شمارهٔ١ تخت جمشیدــ ابعاد لوح به‌میلیمتر =٢٦×٤٢×٧٤ نقل ازکتاب الواح خزانهٔ تخت جمشید تالیف پروفسور ژرژ کامرون (مذکور در ذیل صفحهٔ ٤٠٩) ورقهٔ مصور شمارهٔ ١ ـ Plate I ــمربوط به صفحهٔ ٤١١

Fig 237 - Tablette en terre, trouvée à Persépolis.
Dimensions : 26×42×74 m m.

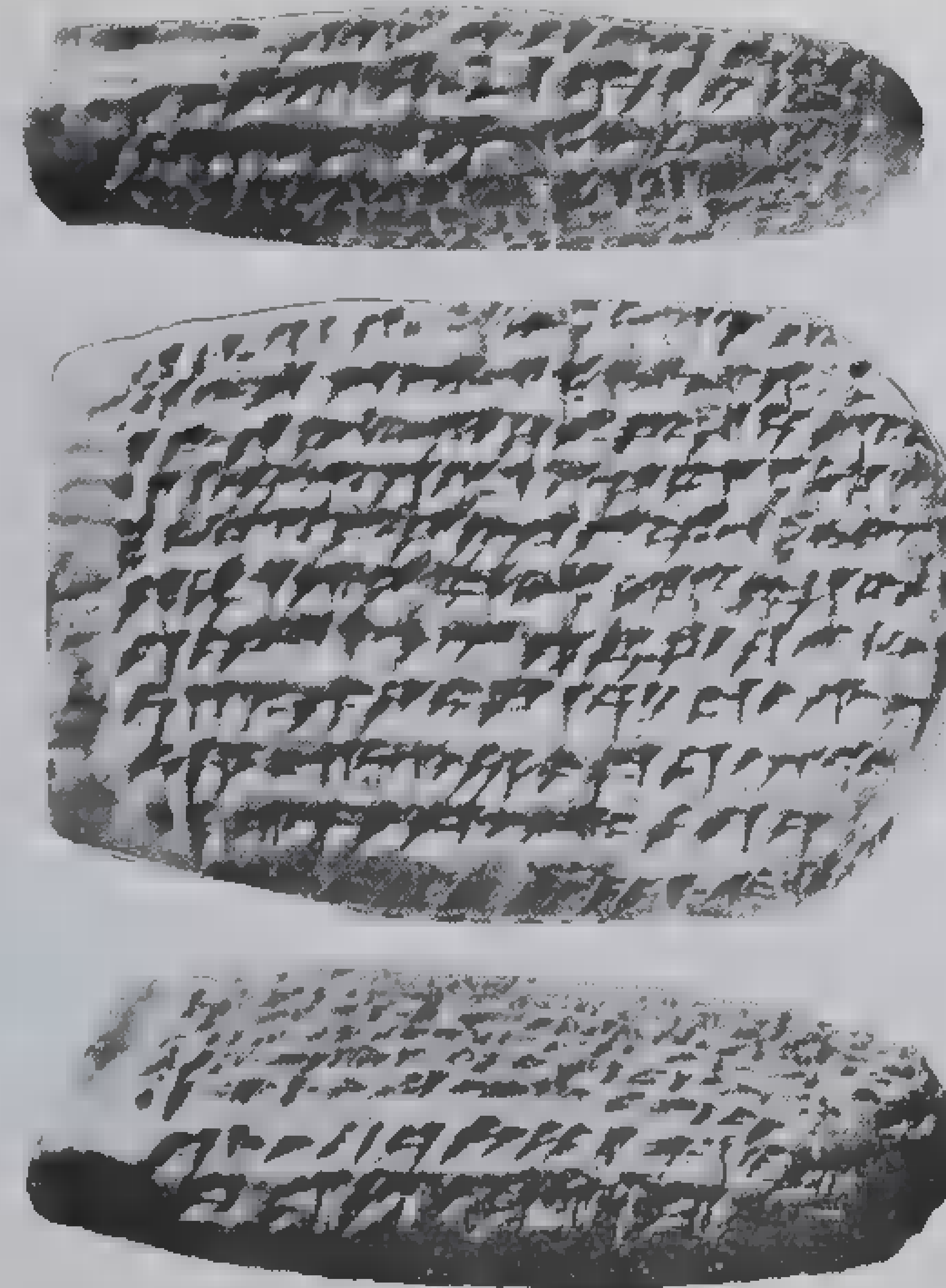
Fig 237 - Clay tablet found at Persepolis.
Dimensions : 26×42×74 m m.



ش ٢٣٩ ــ لوح گلی شمارهٔ ٥٢ تخت جمشید که
نام نیریــز در آن ذکرشده‌است ــ ابعاد لوح به‌میلیمتر
٢١ × ٣٦ × ٦٥ ــ نقل از کتاب الواح خزانهٔ تخت‌جمشید
ورقهٔ مصور شمارهٔ ٣١ مربوط به صفحهٔ ٤١٦



ش ٢٤٠ ــ لوح گلی شمارهٔ ٥٣ تخت جمشید که نام
خفر و فسا در آن ذکرشده‌است ابعاد لوح به میلیمتر
٢١ × ٣٦ × ٧٣ ــ نقل ازکتاب الواح خزانهٔ تخت
جمشید ورقهٔ مصور شمارهٔ ٣٢ ــ مربوط به صفحهٔ ٤١٧



ش٢٣٨ــ لوح گلی شمارهٔ ٤٢ تخت جمشید کــه نام
شیراز درآن ذکر شده‌است ابعاد لوح به‌میلیمتر
=٢٥ × ٦٤ × ٩٧ ــ نقل ازکتاب الواح خزانهٔ تخت
جمشید ورقهٔ مصور شمارهٔ ٢٧ ــ مربوط به صفحهٔ ٤١٠

Figs 238/40 - Tablettes en terre, trouvées à Persépolis et portant les noms de Shiraz, Neïriz, Khafr et Fä-sa.

Dimensions : plus ou moins semblables à la précédente

Figs 238/40 - Clay tablets found at Persepolis and including the names of Shiraz, Neïriz, Khafr and Fa-sa.

Dimensions : nearly similar to the preceding tablet.



ش ۲٤۱ــ سرو معروف دریمی نزدیك فسا ــ بلندی آن در حدود ۲۸متر،قطر دائرهٔ
پائین بیش از ۲متر ــ مربوط بهصفحهٔ ۲۵٤

Fig 241 - Le fameux cyprès très vieux au village de Drimy près de Fä-sa.

H - environ 28 mètres-Diamètre en bas plus de 2 mètres.

Fig 241 - The famous cypress very old in the village Drimy near Fa-sa.

H - about 28 m. - Diameter of the base more than 2 m.



Fig 242 ـ ۲۴۲ش



Fig 243 ـ ۲۴۳ش



Fig 244 ـ ۲۴۴ش

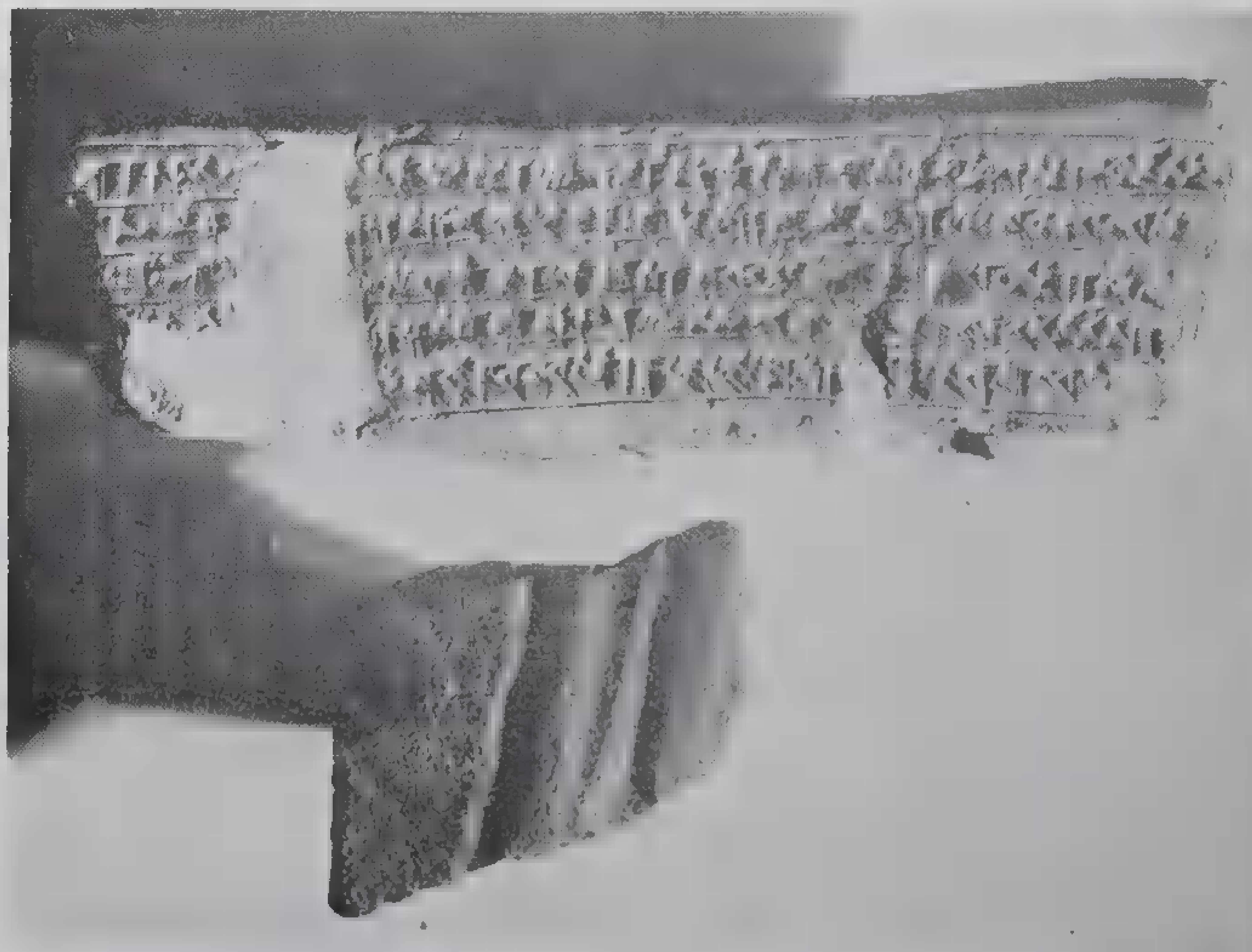
ش۲۴۲ــ جبهۀ شمالی ویرانه های ریشهر ــ مربوط به صفحۀ ۴۲۶

ش ۲۴۳ ــ منظر دیگری از آثار ویرانۀ ریشهر ــ مربوط‌به‌صفحۀ ۴۲۶

ش ۲۴۴ ــ منظر دیگری از آثار ویرانۀ ریشهر ــ مربوط به صفحۀ ۴۲۶

Figs 242/44 - Trois vues différentes des ruines de Reïshahr.

Figs 242/44 - Three different wiews of the ruins of Reyshahr.



ش ۲٤٥ـ آجر نبشتهٔ عیلامی بنام شوتروك ناخونته باقطعهٔ سفال سیاه از آثار موجود ومکشوف درویرانه های ریشهر ـ درازای تمام آجـر ۳۱ سانتیمتر ، بهنا ۹سانتیمتر،پهنای یك‌سطر خط میخی‌آجر یك‌سانتیمتر و نیم‌ـ مربوط‌به‌صفحهٔ ٤۲۷

Fig 245 - Brique inscrite au nom de Shutruk Nakhunté (3 ème millénaire avant. J. C. et tesson en terre cuite de la même époque, trouvés dans les ruines d Reïshahr.

Longueur de la brique : 0/31 m. largeur : 0 09 m.

Fig 245 - Inscribed brick with the name of Shutruk Nakhunte (3 rd millennium B. C) and black potsherd found in the ruins of Reyshahr.

Length of brick : 0/ 31 m. breadth : 0·09 m.



ش ۲٤٦ ــ بقعهٔ موسوم به‌شاهزاده عبدالمهیمن درآبادی‌موسوم به‌امامزاده درچند کیلومتری مشرق ویرانه های ریشهر ــ مربوط به صفحات ٤٢٦ و ٤٢٨

Fig 246 - Sanctuaire de Shah - Zadeh Abdul - muheïman au village Imamzadeh, près de Reïshahr.

Fig 246 - The sanctuary of Shahzadeh Abdul-muheiman, in the village called Emamzadeh, near Reyshahr.



Fig 248 - ش ۲٤٨



Fig 247 - ش ۲٤٧



Fig 250 - ش ۲٥٠



Fig 249 - ش ۲٤٩

ش ۲٤٧ و ۲٤٨ ـ منظر بیرون ودرون بقعهٔ خواجه خضر در بوشهر ـ مربوط بهصفحهٔ ٤٢٧

ش ۲٤٩ ـ بقعهٔ امامزاده آقاکوچیکا دربوشهر ـ مربوط بهصفحهٔ ٤٢٧

ش ۲٥٠ ـ قدمگاه حضرت علی درنزدیك فرودگاه بوشهر ـ مربوط بهصفحهٔ ٤٢٧

Figs 247/250 - Boushehr, différents endroits de pèlerinage.

Figs 247/250 - Different places of pilgrimage at Boushihr.

Fig 252 - ش ۲۵۲





Fig 251 - ش ۲۵۱

Fig 254 - ش ۲۵٤





Fig 253 - ش ۲۵۳

ش ۲۵۱ ــ قدمگاه ابوالفضل معروف به عباسعلی در بوشهر ــ مربوط به‌صفحهٔ ٤۲۷

Fig 251 - Boushehr, un autre endroit de pèlerinage.

ش ۲۵۲ ــ مسجد شیخ سعدون معروف به مسجد شاه و مسجد کوفی در بوشهر ــ مربوط به صفحه ٤۲۷

ش ۲۵۳ ــ مسجد جمعه بوشهر ــ مربوط به‌صفحهٔ ٤۲۸

ش ۲۵٤ ــ مسجد جماعت مربوط به‌اهل تسنن در بوشهر ــ مربوط به صفحهٔ ٤۲۸

Figs 252/254 - Boushehr, différentes Mosquées de la ville.

Figs 252/254 - Different Mosques at Boushehr.





ش ٢٥٥ و ٢٥٦ ــ منظر بيــرون ودرون مسجد فيل دربوشهر ــ مربــوط بەصفحة ٢٨:

Figs 255/256 - Boushehr, Mosquée Fil (éléphant)

Figs 255/256 - The Fil (elephant) Mosque at Boushihr.



Fig 258 – ش ۲۵۸



Fig 257 – ش ۲۵۷

ش ۲۵۷ ــ مسجد شنبدی یامسجد نو دربوشهر ــ مربوط بەصفحهٔ ۲۸؛

Fig 257 - Boushehr, Mosquée Shanbadi ou Mosquée Now (nouvelle)

Fig 257 - The Shanbadi Mosque or New Mosque at Boushihr.

ش ۲۵۸ــ داخل کلیسای ظهور مسیح دربوشهر ــ مربوط به صفحات ۷۲و۲۸؛

Fig 258 - Boushehr, l' intérieur de l' église du I9 ème siècle.

Fig 258 - Interior of the Church of I9 th cent. at Boushihr.



ش ۲۵۹ــ منظر ضلع جنوبی و مدخل قلعهٔ ایزدخواست ــ مربوط به‌صفحهٔ ۱
وصفحهٔ ۴۳۰ (عکس ازآقای عزیزالله حاتمی)

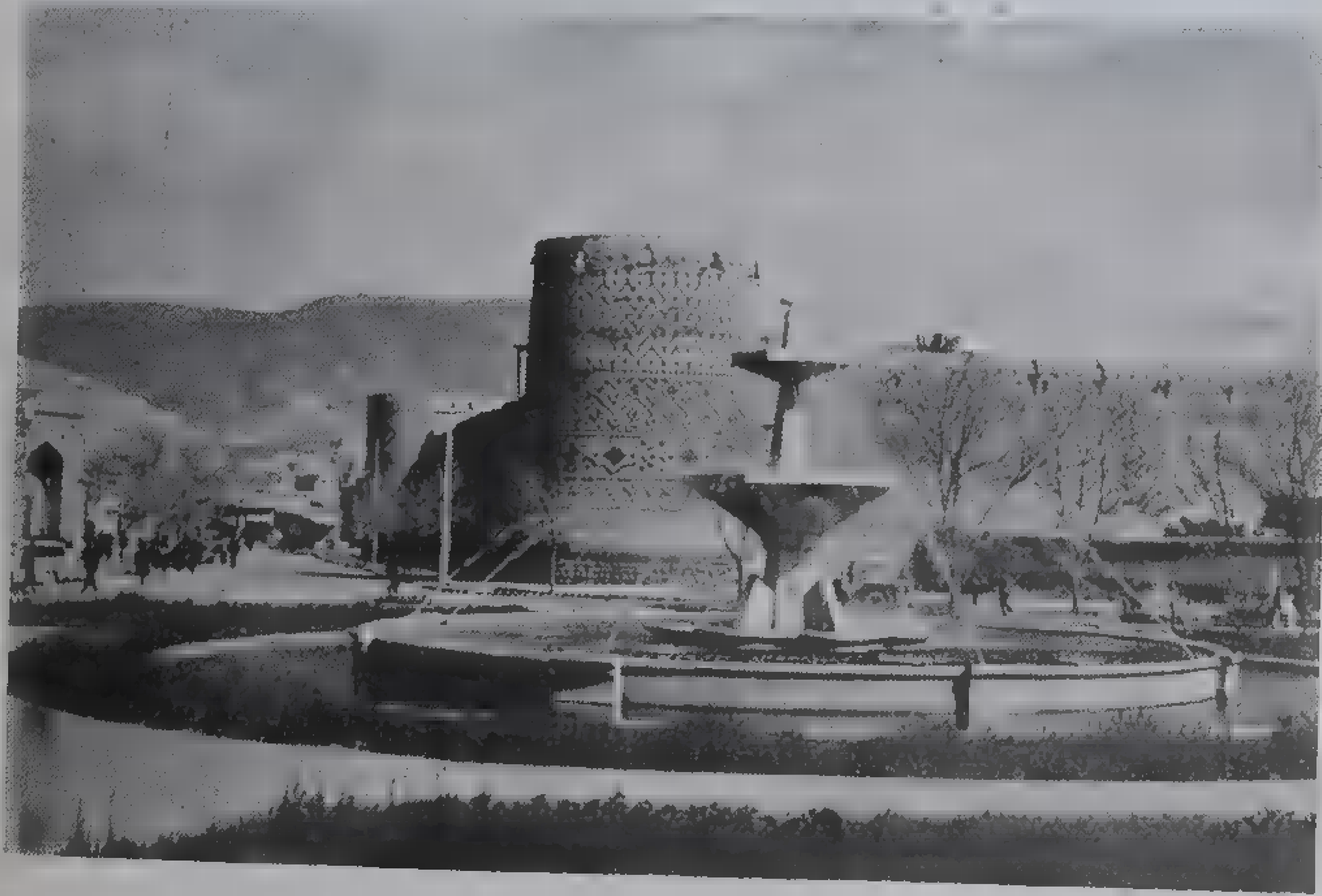
Fig 259 - Yazd-Khast (v. figs 1 et 2), côté sud et l' entrée de bourg fortifié.

Fig 259 - The southern side and the entrance of the fortified borough of Yazd-Khast. (see figs 1 & 2)



ش ۲٦۰ ـ آثار عهد هخامنشی در ویرانه های شهر استخر (تخت طاووس)
مربوط به‌صفحات ۲۱ و٤۳۰ (عکس ازتیمسار سپهبدامان‌الله جهانبانی)

Fig 260 - Istakhr (Takhi-Tavous), vestiges Achéménides.
Fig 260 - The Achaemenian vestiges at Istakhr (Takhti-Tavous)



ش ۲٦۱ ـ گوشهٔ جنوب غربی ارگ کریمخانی درشیراز ـ مربوط به‌صفحات۵۸
و ٤۳۰

Fig 261 - Shiraz, coin sud-ouest de Arg (v. fig 113)
Fig 261 - The south-western corner of Arg at Shiraz (see fig 113)

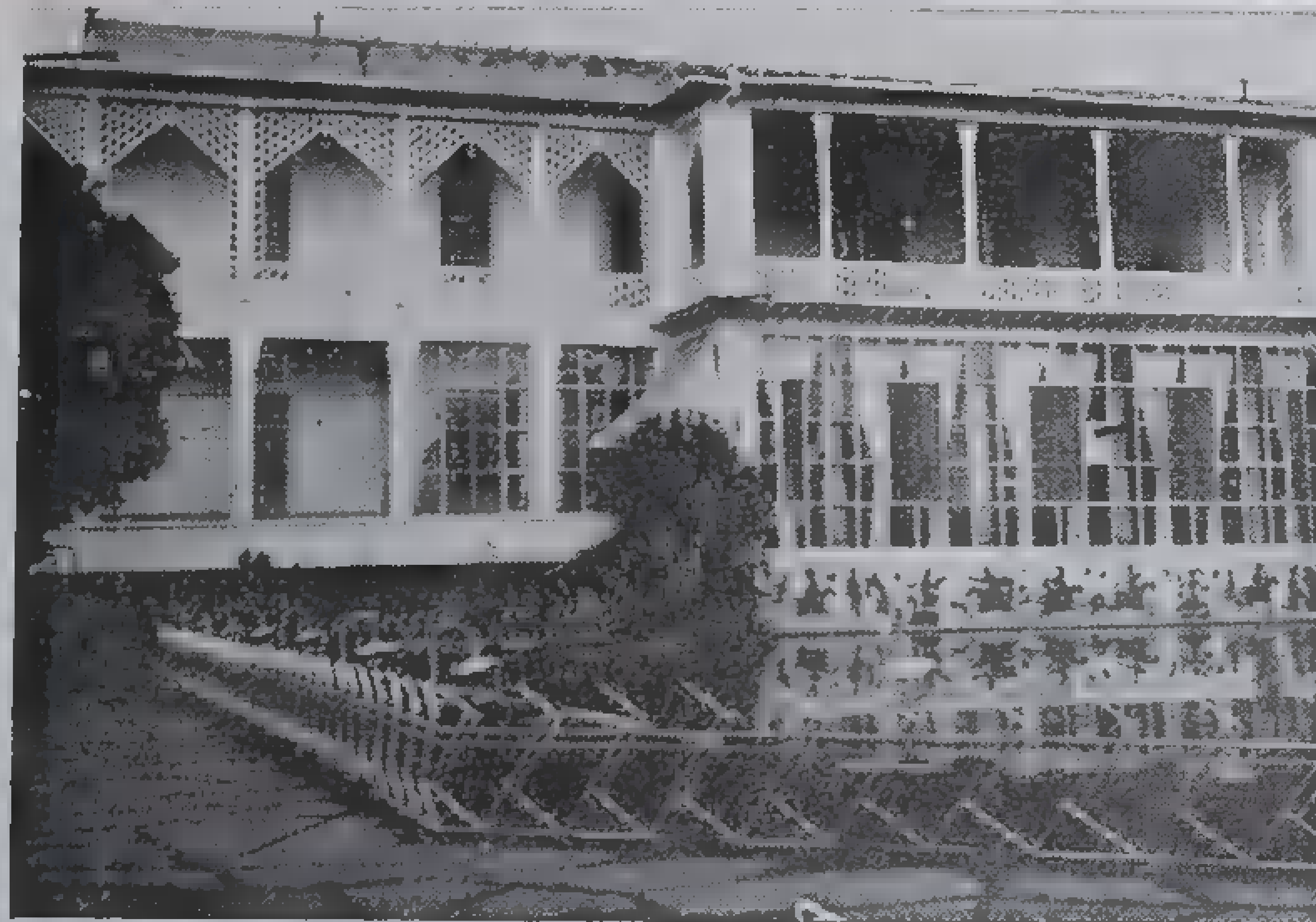




ش ۲۶۲ و ۲۶۳ ــ نقوش برجسته متعلق به‌کاخ آئینه یاکاخ خورشید درکنارباغ
موزهٔ پارس شیراز ــ مربوط به‌صفحات ۵۹ و ۳۰؛

Figs 262 et 263 - Shiraz, bas-reliefs du début de 19 ème siècle. exposés au bord du jardin du Musée.

Figs 262 & 263 - Reliefs of the beginning of 19 th cent exposed at the border of Museum's garden in Shiraz.



ش ۲٦٤ ـ وضع کنونی ساختمان قدیمی مهمانخانهٔ پارك سعدی شیراز ـ مربوط به‌صفحات ۷٥ و ٤۳۰ (عکس ازتیمسار سپهبد امان‌الله جهانبانی)

Fig 264 - Shiraz, vieux pavìllon du Park Saadi, 19 ème siècle.
Fig 264 - The old pavilion of Park Saadi, 19 th cent, at Shiraz,



ش ۲٦٥ ـ عمارت قدیمی باغ ارم ـ شیراز ـ مربوط به صفحات ۷٦ و٤۳۰
(عکس ازبایگانی عکس شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران)

Fig 265 - Shiraz, pavillon du jardin Eram (v. fig 142)
Fig 265 - The pavilion of the garden Eram at Shiraz (see fig 142).



ش ۲۶۶ ــ کلیسای تجلیل مسیح درقلات (۳۴ کیلومتری مغرب شیراز) مربوط
به صفحات ۷۲ و ۳۰: (عکس از آقای عزیزالله حاتمی)

Fig 266 - Ghalat (34 Kilms à l' ouest de Shiraz) l' église dans la campagne.

Fig 266 - The Church in the country of Ghalat. (34 kilms. west of Shiraz)

ش ۲۷۱ ــ آتشکدهٔ کازرون ــ مربوط
به‌صفحات ۱۱۱ و ٤۳۱



Fig 271 - Temple du feu près de Kazeroun (époque Sassanide)
Fig 271 - Fire temple near Kazeroun. (Sassanian period)



ش ۲۷۲ ــ منظر خارجی آتشکدهٔ بیشاپور پس از تعمیرات اداره باستان شناسی فارس ــ مربوط به‌صفحه ٤۳۱

Fig 272 - Bîshâpour, temple du feu au cours des réparations (v. fig 180).

Fig 272 - The fire temple of Bishapur during the reparations (see fig 180).



ش ۲۷۳ و ۲۷٤ ـ ازنقوش
موزائیك كاخ شاپور اول
(درموزهٔ ایران باستان)
مربوط به صفحات ۱۲۲ و
۱۲۳ و ٤۳۱

Figs 273/274 - Mosaïques trouvées dans les fouilles de Bîshâpour. (actuellement au Musée Arch. de Teheran).



Figs 273/274 - Mosaics found in the excavations of Bishapur, (actually in the Arch. Museum of Tehran) .




ش۲۷۵و۲۷۶ـ نقش برجستهٔ پیروزی بهرام دوم (۲۷۷ـ۲۹۳ میلادی) بر بادیه‌نشینان عرب (واقع در تنگ چوگان) مربوط به صفحات ۱۲۶ و۱۲۷ و ٤۳۱ (عکس از آقای عزیزالله حاتمی)

Figs 275/276 - Bîshâpour, bas-reliefs représentant la victoire du roi Sassanide Bahram II (277-293 Ap. J.C) sur les nomades Arabes; au côté ouest de Tangi-Tchowgan.

Figs 275/276 - Reliefs representing the victory of Rahram II the Sassanian King (277 - 293 A.D) over the Arabian nomades; on the western side of Tangi-Tchowgan at Bishapur.



ش ۲۷۷ ــ نقش برجستهٔ بهرام اول (۲۷۳ ــ ۲۷۷میلادی) که شعار شهریاری را ازمظهر آهورامزدا میگیرد (درتنگ چوگان) مربوط به صفحات ۱۲۷ و۴۳۱ و ۴۳۲ (عکس ازبایگانی عکس شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهیایران)

Fig 277 - Bîshâpour, scène d' investiture du roi Sassanide Bahram I (273-277 Ap. J.C.) au côté ouest de Tangi-Tchowgan. (voir fig 190).

Fig 277 - Scene of the investiture of Bahram I the Sassanian King (273-277 A.D.) on the western side of Tangi-Tchowgan at Bishapur. (see fig 190).

ش ۲۷۸ ــ چادر بزرگ آقای زیاد خان درهشوری درتنگ چوگان درساحل راست رود شاپور ــ مربوط بهصفحهٔ ۴۳۲



Fig 278 - La tente du chef de tribu Daré-Shouri, Mr. Ziad Khan, sur la rive droite de la rivière Shapour à Tangé-Tchowgan.

Fig 278 - The tent of cheif of the tribe Dare-Shouri, Mr. Ziad Khan, on the right river of Shapur, at Tangi-Tchowgan.

ش ۲۷۹ ــ صحنهٔ رقص محلی نمودار نبرد باشمشیر و سپر درنور آباد ممسنی ــ مربوط به صفحهٔ ۴۳۲



Fig 279 - Scène de danse guerrière à Nourabad.

Fig 279 - Scene of a warlike dance at Nourabad.



س ۲۸۰ ــ پیدا شدن جعبهٔ سنگی محتوی الواح بزرگ زروسیم بنام داریوش اول در گوشهٔ جنوب شرقی تالار ابدانه درتخت جمشید در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۱۲ ــ مربوط به صفحات ۲۶ و ۳۲؛ و ۳۳؛

Fig 280 - Persépolis, la découverte du coffre en pierre, contenant les 2 plaques d'or et d'argent, au nom de Darius I, au coin sud-est de la grande salle centrale de l' Apadana, en septembre 1933, (voir fig 56) à droite, M. F. Krefter, architecte de la Mission archéologique de Persépolis, à gauche, l'auteur du livre, qui était à ce moment, chargé de représenter le Service Archéologique à Persépolis.

Fig 280 - The discovery of a stone chest, containing one gold and one silver tablet in the south-est corner of the Central Hall of Apadana, at Persepolis, in september 1933, (see fig 56), on the right, Mr. Krefter, architecte of the Archaeological expedition at Persepolis, on the left, the author who was charged at the time, to represent the Archaeological Dept. at Persepolis.

ش ۲۸۱ ــ بررسی نقوش برجستهٔ ملتهای شاهنشاهی هخامنشی بر بالای دخمهٔ اردشیر سوم درتخت جمشید ونسخه‌برداری ازنبشته‌های میخی پـارسی باستان آن مربوط به صفحات ۲۵ و ۴۳۳



Fig 281 - Persépolis, une partie des bas-reliefs en haut du tombeau attribué à Artaxerxes III; l' auteur étudie et copie les inscriptions cunéiformes en vieux Perse, inscrites au-dessus des porteurs du trône. (voir figs 79 et 80)

Fig 281 - Part of reliefs on top of the tomb attributed to Artaxerxes III at Persepolis; the author is studying and copying the old Persian inscriptions inscribed on top of the throne - bearers. (see figs 79 & 80)

پایان تصاویر مربوط به ذیل کتاب

ضمیمه

باپیشرفت تدریجی چاپ کتاب حاضر که بعلت دشواریهای چند مخصوصاً درقسمت تصاویر آن به کندی هرچه تمامتر انجام میپذیرفت اطلاعاتی بیش‌ازآنچه در قسمت ذیل کتاب ذکرشد فراهم گردید وهمانطور که درآغاز ذیل کتاب اشاره نمود چاپ مطالبی که بدینصورت گردآوری میشود بیش‌ازپیش بدرازا کشیدن سخن ودیر کرد پایان چاپ می‌انجامد (و طبعاً موجبات شرمندگی مؤلف را فراهم میسازد) ولی باهمهٔ این‌احوال نمیتوان ازنتایج تحقیقات وتجسسات تازه ودانستنیهائی ضروری دربارهٔ آثارتاریخی پارس که قبلا مورد اطلاع نبود چشم پوشید وبامید وانتظار آن بود که بعداً برای چاپ ونشرآنها کوشش شود چه معلوم نیست اساساً چه هنگام چنین‌فرصتی پیش بیاید ـ لذا باپوزش فراوان مجدد ازخوانندگان گرامی،اطلاعات تکمیلی‌مورد ذکررا نیزتحت عنوان **ضمیمه** درآخرین قسمت کتاب درج مینماید وامیدوار است بدینوسیله درراه هدف اصلی که معرفی‌امکنه وآثار باستانی سرزمین تاریخی بس گرامی پارس‌است بهرراه وبهرصورت تا حد امکان گامهای بیشتری برداشته شده باشد .

برای تهیهٔ اطلاعات مذکور درقسمت ضمیمهٔ کتاب بیش‌از هرچیزدیگرمدیون چندعامل میباشد یکی چاپ وانتشار مقالهٔ جامع ومفید حاوی گزارش مشروح مسافرتهای قبلی آقای پرفسور واندنبرگ بلژیکی (که قسمتهای عمدهٔ آن قبلا درصفحات ۹۳ تا ۹۷ و۱۰٤ تا۱۰٦ متن کتاب وصفحات ۳۷۰ تا۳۷۵ قسمت ذیل کتاب مذکور گردیده‌است)ودیگر کسب‌اطلاعاتی‌از مسافرت‌او بنقاط شمالی فارس درتابستان۱۳٤۱وهمچنین مسافرت دوست گرامی ودانشمندم‌جناب آقای مهندس هوشنگ سیحون رئیس دانشکدهٔ هنرهای زیبا که در فروردین‌ماه ۱۳٤۱ مدت دوهفته بنقاط مختلف‌فارس مسافرت‌نموده درباز گشت‌عکسهای‌فراوانی‌ازآثارتاریخی ومناظردیدنی نقاط مزبوررا ارائه داشتند وآنچه از آثارومناظرمزبوربرای‌نگارندهٔ کتاب ناشناس بودوشایستهٔ ذکر بنظرآمد درضمیمه مذکور افتاد ومخصوصاً بنای **مسجد جامع داراب** اثر تاریخی جالب توجهی است که پیش ازدیدن عکس‌آن اطلاعی درباره آن نداشتم وپس از مشاهدهٔ آن به‌نمونهٔ بارزی از ارتباط نزدیکتر وبیشتر معماری ایران وهندوستان پی بردم که در محل خود توضیحات مربوط بآنرا ذکرمینماید .

ضمناً چون دربارهٔ آثار تاریخی خلیج‌فارس ازطرف نگارندهٔ کتاب بمناسبتی شرحی‌تدوین شده بود که اطلاعات مفیدی را دربارهٔ پیشینهٔ نواحی‌واقع در کرانهٔ خلیج نامبرده درخاك‌ایران و جزائر نزدیك کرانه‌های مزبور و آثار باستانی‌آنهادر برداشت (با وجود اینکه قسمتهای مختصری ازشرح مزبوراز روی مطالب کتاب حاضر نقل واستفاده شده بود) بمورد دانست عین همان شرحرا که تهیهٔ آن با پایان چاپ مقارن افتاده است در پایان قسمت ضمیمه نقل و اضافه نماید.

بدیهی‌است همانطور که با پیشرفت تدریجی چاپ کتاب، آثار وابنیهٔ تاریخی‌ناشناس‌ماندهٔ زیادی مورد اطلاع نگارنده واقع شد وضمن ذیل کتاب و پس ازآن در قسمت ضمیمهٔ کتاب بمعرفی آنها پرداخت، چه بسا آثارتاریخی فراوان در اطراف واکناف فارس واقعست که طبق آنچه درموارد متعدد ومختلف کتاب اشاره نمود بعد از چاپ وانتشار این کتاب دربارهٔ آنها اطلاعاتی نصیب میگردد وطبعاً آیندگان وجوانان پرشور نسبت به‌توضیح و معرفی آنها همت خواهندگمارد ونیتی که با تدوین وچاپ کتاب حاضر درمیان بوده است مانند هر هدف وخدمت نظیرآن ازاین پس راه تکمیل وتکامل را خواهد پیمود.

با ذکر توضیحات بالا اکنون بمعرفی وتوضیح آن قسمت از آثار وابنیهٔ تاریخی فارس ومطالب مختلف مربوط بآنها که در خلال چاپ ذیل کتاب فراهم شده است میپردازد:

استخراج از فصل مربوط به‌کشفیات تازه از ابنیهٔ عهد ساسانیان در فارس: تجسساتی که در زمستانهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ انجام پذیرفته است - نگارش پرفسور واندنبرگ (مندرج در نشریهٔ ایرانیکا انتیکوا - IRANICA ANTIQVA جلد اول - چاپ لیدن ۱۹۶۱ - صفحات ۱۶۳ تا ۱۹۸)

پیشینهٔ تمدن پیش از تاریخ درجلگهٔ جنوبی فیروزآباد:

ساکنین جلگهٔ فیروزآباد به‌شهادت گمانه هائی که سراورل‌استین در تپّه های مختلف آنجا زده است به قدیمترین ادوار تمدن بشر می‌رسد و نمونهٔ سفال‌های مکشوفه در گمانه‌های مزبور به سبك سفالهای مکشوف درتل‌بکون است. (ص۱۶۵)

آثار قدیمی در نزدیکی نودران:

درنزدیکی نودران بمسافت قریب ۱۰ کیلومتری جنوب غربی فیروزآباد

چهارطاقی ازعهد اسلام هست که امامزاده نام دارد وداخل آن تزییناتی از عهد صفویّه هست ولی اصل بنا بنظرمی‌رسد قدیمتر ازدوران صفویّه باشد ، دو پـایه از چهارطاقی که آتشکدهٔ عهدساسانی بوده نیز بمسافت قریب ۵۰۰ متری مشرق امامزادهٔ مزبور باقی است و بمناسبت همین دوپایهٔ موجود بنام دولنگه یا دومیل خوانـده میشود (ص ۱۶۵/۶)

گورستان باستانی درنزدیکی بندر طاهری:

درشمال غربی آبادی کنونی بندرطاهری‌دردامنهٔ‌جنوبی کوهستان گورستان باستانی بس‌وسیعی وجوددارد که تعداد فراوانی گورهای مستطیل شکل عموماً بدرازای ۲/۱۰ متر و بپهنای نیم‌متر و گودی ۴۰تا۶۰ سانتیمتر درسنگ کوهستان کنده‌اند ، امتدادآنها شرقی‌غربی‌است که بیرون ازقاعدهٔ‌قبر مسلمین میشودزیرا جهت قبله‌در آن محلّ روبجانب‌غربی‌است ،آقای واندنبرک باشاره به‌اینکه در بندرسیراف (نام قدیم‌بندرمعروف وبزرگ‌مجاور بندرطاهری کنونی) تعدادقابل توجّهی یهودی‌میزیسته‌اند وزمانی‌هم حاکم‌یهودی بنام‌روزبه برآنجـا حکومت میکرده‌است (چنانکه درقرن‌پنجم هجری‌هنوز قریب ۵۰۰ نفر یهودی از اعقاب یهودیان بندرسیراف درجزیرهٔ کیش زندگانی‌میکرده‌اند) گورستان مزبور را متعلق به یهودیان ساکن بندرسیراف میدانند و بنظر نگارنده این نظریّه جای تردید وتأمّل فراوان دارد ، بطوریکه میدانیم در قرون اوّلیّهٔ اسلام خصوصاً در عهددیلمیان‌بسیاری از آرامگاه‌های مسلمانان‌را در کوه می کنده‌اند . (۱) وشاید ازلحاظ‌جهت‌وسمت‌قبله‌اختلاف‌عقیدهٔ فرق‌مختلف اسلامی یا اشتباه موجب‌انحراف جهت شده‌باشد ونیز می‌توان‌پنداشت زرتشتیان ایران درهنگام اضطراروحملات مداوم اعراب مسلمان اجسادمردگان خودرا بجای اینکه درمعرض هوای آزاد

---

(۱) درمجلد سوم گزارشهای باستان شناسی ـ فصل‌یازدهم ـ تحت‌عنوان بنای تاریخی‌بقعهٔ بی‌بی‌شهربانو تألیف سیدمحمدتقی‌مصطفوی صفحات ۲۷۰ ببعددراین باره توضیحات مشروحی‌درج گردیده است .

گذارده پس ازمدّتی استخوانهای آنهارا جمع آوری کنندودرون استودان بگذارند بواسطهٔ نبودن فرصت ونداشتن آزادی عمل هرجسدی را درون گودال مستطیلی که شبیه قبورمسلمانان بوده (منتهادرسنگ کوه می کنده‌اند) مینهاده‌اند بهرصورت انتساب گورستان بزرگ در کوهستان نزدیك بندر طاهری به‌قوم یهودشایستهٔ بررسی و تحقیق ودرخور توجّه بیشتر اهل فن است.

توضیحات مربوط به پنج آتشگدهٔ موجود در جلگهٔ فراش بند:

پیش ازمسافرت تحقیقاتی پرفسّور واندنبرگ به‌جلگهٔ فرّاش‌بند دو عدد آتشکده در جلگهٔ مزبور موردبازدید واطّلاع دانشمندان خارجی واقع‌شده‌بود یکی از طرف دیولافوا و دیگری از طرف پرفسّور هرتسفلد، بر اثر مسافرت پرفسّور واندنبرگ درزمستان سال۱۳۳۹ (همانطور که درصفحه۳۷۲ کتاب‌اشاره شده‌است) معلوم گردید پنج‌بنای آتشکده بصورت کم و بیش ویران در جلگهٔ فرّاش‌بند وجوددارد که توصیف مختصر آنهابشرح زیرازآنچه دانشمند نامبرده نگاشته است استخراج ونقل میگردد:

۱ـ چارطاق ملك:

درمسیرراهی که ازفرّاش‌بندبه‌فیروزآبادمیرودبه‌مسافت‌سه کیلومتری‌مشرق فرّاش‌بند ویك کیلومتری جنوب کوهسار **کوه‌آب پا** و دو کیلومتری مغرب باغ موسوم به **باغ ملك** چارطاقی ویرانی است که از دیرباز نقشه و عکسهای آن بوسیلهٔ دیولافوا و کوست بمعرض اطّلاع عموم گذارده شده‌است(۱) .... هریك ازابعادخارجی آن بالغ بر۹/۴۰ متر میگردد .... سه‌پایه و قسمتی از گنبد آن باقی وموجود میباشد.

۱ـ همین‌چارطاق است که در صفحهٔ ۱۱۵ متن کتاب در بارهٔ آن توضیحاتی تحت عنوان **آتشگدهٔ فراش بند** مذکور گردیده است.

۲- چارطاق تل‌جنگی :

در پنج کیلومتری جنوب شرقی چارطاق ملك بمسافت یك کیلومتری تپّهٔ باستانی بنام تل‌جنگی چارطاقی دیگری در محوّطهٔ جلگهٔ فرّاش‌بند واقعست که بدون‌شك همان چارطاقی مذکور در کتاب تاریخ باستان شناسی ایران تألیف پرفسور هرتسفلد میباشد (که درصفحات ۱۱۹ و ۱۲۰ متن کتاب دربارهٔ آن توضیح داده شد) .....

بنای نامبرده شامل دو قسمت میباشد قسمت اول بنای مربّعی مشتمل بر چهارطاقی که در چهار جانب آن هم دهلیزی قرار داشته است ، اندازه های هریك از ابعاد داخلی چهارطاقی ۵/۴۰ متر وهریك ازجوانب خارجی آن ۸/۸۰ متروهریك ازجوانب خارجی مجموع بنای چهار طاقی ودهلیز ۱۵/۸۰ متر بوده است ، عرض دهانهٔ هریك از جوانب چهاراطاقی وسط ۴/۶۰ متروپهنای هردهانهٔ مقابل آنهادر دیوار دهلیز ۱/۶۰ متر میباشد ، دیوار خارجی جانب شمال‌شرقی بنابکلّی منهدم گشته در نتیجه طاق دهلیز آن قسمت فروریخته است ..... بر بالای دیوارهای خارجی هرجانب بناسیزده طاقچهٔ کوچك تزیینی شبیه آنچه در آتشکدهٔ کنارسیاه هست وجود دارد ....

قسمت دوّم بنای مزبور شامل دوساختمان شبیه یکدیگر است که بفاصلهٔ چهارمترونیمی جنوب‌غربی چهارطاق سابق‌الذّکر قرارداشته بمسافت ۱۸/۴۰ متری یکدیگر ساخته شده بود ، هریك‌از دوساختمان بصورت مربّعی بود که هر جانب خارجی آنها بالغ بر ۱۰/۷۰ متر میگردید و مشتمل بر دواطاق مستطیل ومساوی دارای طاقهای ضربی گاهواره‌ای بود ، درازای هراطاق ۸/۱۰ متر و پهنای آن ۳/۴۰ متربوده دهانهٔ دری بطرف‌چهارطاق رو بمحوّطه داشته است و برهریك از دیوارهای طرفین‌هراطاق‌چهارطاقچه‌تعبیه کرده بودند ـ ساختمانِ واقع‌در گوشهٔ غربی بکلّی منهدم گردیده آثار مختصرموجود ویرانه‌های آن میرساند که عیناً بشرح سابق‌الذّکر نظیربنای گوشهٔ جنوبی بوده است .

مصالح ساختمانی کلیهٔ بنای مورد ذکر (مانند عموم چهارطاقها و آتشکده‌های عهد ساسانی در سرزمین پارس) از سنگ لاشه وملاط گچ است که بوسیلهٔ روپوشی از سنگهای تراشیده نماسازی کرده بودند.

بنای چهارطاق (مانند آنچه در مجموعهٔ ابنیهٔ آتشکدهٔ کنارسیاه عمل میشده است) برای افروختن آتش جهت نیایش عموم بوده ساختمانهای دوگانهٔ فرعی سابق الذکر به نگاهداری و تطهیر آتش مقدس وسکونت موبدان ومخزن مایحتاج آتشکده اختصاص داشته است.

۳- سومین چارطاق فراش‌بند:

ویرانهٔ ساختمان دیگری در جلگهٔ قریب سه کیلومتری جنوب غربی چهارطاق تل جنگی فراش‌بند پدیدار است که نقشهٔ جهات خارجی آن بصورت مربع مستطیل بابعاد ۸/۳ متر در ۱۰ متر بوده داخل آن فضای مربعی که اندازهٔ هر ضلع آن ۴/۹۰ متر میباشد قرار داشته است .... ارتفاع اصلی پایه های چهارگانهٔ بنا تا زیر گوشوار طاق بالغ بر ۶/۳۰ متر میگردید و اکنون دوعدد آنها که در جانب جنوب شرقی واقعست آسیب بیشتر دیده یکی به بلندی ۳/۷۰ متر و دیگری به بلندی ۳/۵ متر باقی است ، از طاقها و پوشش بنا نیز فقط لنگه طاق جانب شمال غربی برجا مانده است که بلندی آن ۴/۴۰ متر و عمق آن ۳/۴۰ و عرض دهانهٔ آن ۴/۳۰ متر میباشد.

ساختمان بنا از سنگ لاشه وملاط گچ بوده نمای آن از سنگهای لاشه صاف و تراشیده ترکیب یافته است.

هرچند نقشهٔ خارجی بنا بصورت مستطیل بوده دهانهٔ لنگه طاقهای آنهم به شیوه‌ای است که کمتر متداول میباشد لکن باحتمال زیاد بنای نامبرده نیز از جمله چهارطاقها بشمار میرود، نکتهٔ دیگری که اختصاص به بنای مزبور دارد فقدان ابنیهٔ دیگر در مجاورت آنست چه آثار و ویرانه‌های ابنیهٔ نزدیك آن بمسافت ۹۰۰ متری جنوب چارطاقی قرار دارد.

۴- چهارطاقی نقاره خانه :

چارطاقی نقاره‌خانه بمسافت ده کیلو متری جنوب چارطاقی که شرح آن گذشت درموقعیّت خوش‌منظری واقع گردیده نقشهٔ آن نیز مانند چارطاقی قبلی بصورت مستطیل‌است ـ ابعادخارجی آن ۱۰/۹۰ متردر ۸/۴۰ متروااندازهٔ هرجانب فضای مربّع درونی آن‌پنج‌متر میباشد و گنبد آن بصورت بسیار نیکوئی محفوظ وسالم مانده‌است (توضیحات اجمالی مربوط باین‌چارطاقی درصفحهٔ ۳۷۳ قسمت‌ذیل کتاب‌ذکر گردیده تصویر آنهم درشکل ۲۱۹ ـ صفحهٔ ۴۴۲ مندرج است .)

چارطاقی مزبور ازسنگهای‌لاشهٔ طبیعی وملاط گچ ساخته شده سنگهای روی‌کار صاف‌و دست‌چین گردیده‌است، درفاصله ۴/۲۰ متری چارطاقی دیواری به بلندی ۱/۵ متربرپامانده ظاهراً متعلّق‌به‌جایگاه آتش‌است وپائین‌تر از آن‌بقایای ابنیهٔ مسکونی ومخازن مربوط به‌آتشکده‌پدیدار میباشد .

۵- چارطاقی خرمایك :

نام‌خرمایك میرساند که درمحلّ‌مجاورچارطاقی‌مزبور نخلستان مهمّی‌وجود داشته است (به صفحهٔ ۱۱۴ متن کتاب مراجعه شود) ویرانه‌های این چارطاقی درمغرب چارطاقی نقاره‌خانه یعنی‌در جانب‌دیگرراه بین **فرّاش‌بند** و **خوراب** واقع‌شده‌است که کوره‌راه فرعی دیگری‌هم از آنجا بطرف **بوشکان** منشعب میگردد .

بنای مزبورمشتمل‌برچارطاقی مرکزی‌بوده که مانندبسیاری آتشکده‌های دیگر دهلیزی چهارسوی آنرا احاطه مینموده است . اندازهٔ هر ضلع خارجی چارطاقی مرکزی ۸/۵متر وهرضلع درون آن ۵/۱۰ متر ـ پهنای‌هر دهانهٔ چهار جانب آن۴/۵ متر ـ پهنای‌دهلیز ۲/۱۰ متربوده‌است ، راهروی به درازای۷/۵متر و پهنای ۳/۲۰ متر از جانب شمال غربی چارطاقی منشعب گشته و به بنای فرعی منتهی‌میشد که مشتمل بردهلیزی دروسط و دواطاق دردوجانب دهلیزبوده‌است .

ابعادخارجی بنای فرعی بدین‌قرار میباشد :

درازی ۲۲/۸ متر ـ پهنا۶/۱۰ متر ـ بلندی ۵/۳۰متر .

محوّطهٔ داخلی هریك ازدو اطاق در بنای فرعی بدرازای ۷/۲۰ متر و پهنای ۳/۵۰ متر و بلندی ۴ متر بود که دهلیزی مربّع (اندازهٔ هرضلع آن ۳/۵۰ متر) بین آن دوقرار داشت و ارتباط بین راهرو سابق الذّکر و اطاقها را تأمین مینمود .

آنچه از این بنا باقی مانده عبارتست از سه پایهٔ چارطاقی و قسمتهائی از دیوارهای سراسری بنای فرعی ـ تمام لنگه طاقها و پوشش بنا و دیوارهای دهلیز اطراف چارطاقی و راهرو بین چارطاقی و بنای فرعی فروریخته ازمیان رفته است .

دراین مورد نیز ساختمان بنا از سنگ لاشه وملاط گچ بوده نمای آنرا از سنگهای لاشهٔ صاف و تراشیده ساخته‌اند و مانند آنچه در آتشکده‌های دیگر گذشت چارطاقی اصلی محلّ نیایش عمومی ودو اطاق بنای فرعی یکی جایگاه حفظ آتش مقدّس ودیگری مسکن موبد یامخزن اثاثیهٔ آتشکده بوده است .

توضیح در باره آتشگده هائی که مهر نرسی بنیاد نهاده است :

درصفحات ۱۱۳ و ۱۱۴ متن کتاب اشاره باین موضوع شد که طبق نوشتهٔ طبری مهرنرسی وزیر معروف عهد ساسانی(۱) در روستای **آبروان** که زادگاه وی بود آتشکده‌ای ساخت و نزدیك آنجا چهار دهکدهٔ جدید آباد کرد و برای هر کدام آنها نیز آتشکده‌ای بنا نمود ودرهمین مکان سه باغ ترتیب داد که تمامی آتشکده‌ها وروستاها و باغها درقرن سوّم هجری ـ زمان تألیف تاریخ طبری ـ « باحسن حالات هنوز باقی ودردست قومی ازپشت او بوده است .»

نظریّات مختلف و بررسیهای مربوط باین مطلب ضمن توصیف آتشکده‌های کازرون وجره و تون سبز وفرّاش بند وویرانه‌های بنای عهد ساسانی در نزدیك راه کوهستانی که ازبالاده به سرمشهد میرود (جادّهٔ چاه انجیر) ذکر گردید (صفحات ۱۱۲ تا ۱۱۶ و ۱۱۹ و ۱۲۰ متن کتاب) .

آقای پرفسّور واندنبرك که براثر ملاحظهٔ آتشکده‌های پنجگانه درجلگهٔ

(۱) به‌صفحه ۸۷ متن کتاب مراجعه فرمایند.

جنوبی فرّاش‌بند پس از نقل نظریّات قبلی دانشمندانی ازقبیل پرفسّور هرتسفلدو آقای گدار (که در صفحات سابق‌الذّکر این کتاب هم‌مندرج است) وتوضیحاتی که‌در ردّ عقاید واستنباطهای ایشان‌میدهد چنین نتیجه میگیرد که‌آتشکده‌های پنجگانهٔ مهرنرسی تماماًدرجلگهٔ فرّاش‌بند ساخته شده و همین پنج آتشکده‌ای است که بمسافت کم ازیکدیگر درجنوب فرّاش‌بند قرار دارد و توضیحات آنها مذکور افتاد[1] ودرپایان بحث‌خود دلایل‌زیررا میآورد :

۱ـ هرپنج آتشکده دریك ناحیه‌ونزدیك بهم‌واقع شده‌است .

۲ـ درنقشه‌های جغرافیائی کنونی ایران ناحیهٔ جنوب غربی فیروز آباد که‌شامل جلگهٔ فرّاش‌بند باشد بنام **محال‌اربعه** ذکر گردیده است واین‌نام‌محلّ چهارروستائی راکه بوسیلهٔ مهرنرسی احداث شده‌است مشخّص میکند [2] .

۳ ـ نام برخی از محلهای آتشکده های پنجگانه مانند **خرما یك** که اکنون ناحیهٔ‌بایر وبی‌حاصلی است‌شاید نشانهٔ‌باغهائی باشد که درزمان مهرنرسی آباد گردیده بود .

۴ـ چارطاقیهای واقع در جلگهٔ جنوبی فرّاش بند ازلحاظ مصالح وشیوهٔ ساختمانی وابعادبنا بیکدیگر شباهتهائی دارد .

علاوه برنظریّهٔ فوق که طبعاً بربسیاری ازنوشته‌ها ونظریّات‌سابق دربارهٔ پنج‌آتشکدهٔ احداثی مهر نرسی خطّ بطلان میکشد[3] نکات دیگری هم ضمن مشاهدات پرفسّور واندنبرگ ازنزدیك معلوم گردیده است که با توجّه بمطالب مندرج‌دراین کتاب آنچه‌دراینمورد مناسب بنظرمیرسد ازمقالهٔ دانشمندنامبرده استخراج ونقل مینماید :

۱ـ آتشکدهٔ‌نون سبز (همانطور که درصفحهٔ ۳۷۳ کتاب هم اشاره شد) در

۱ـ درصفحهٔ ۳۷۲ کتاب نیز اجمالا باین موضوع اشاره شده است .

۲ـ درجلد دوم کتاب‌جغرافیا واسامی دهات کشور (ازنشریات ادارهٔ کل‌آمار وثبت‌احوال‌ـ چاپ طهران ـ۱۳۲۹ـص۳۱۴) نام **دهستان اربعه** مشتمل بر ۳۱ ده ضمن توابع فیروزآباد ذکر گردیده است که نواحی جنوبی‌شهرستان فیروزآباد را دربردارد وجانب غربی‌دهستان‌مزبور درناحیهٔ فراش‌بند واقعست .

۳ـ البته به‌عقیدهٔ پرفسور واندنبرگ .

حقیقت وجود خارجی ندارد ، تون‌سبز نام‌تپّه‌ای است که تقریباً در جنوب شرقی آبادی **قنات‌باغ** واقع‌میباشد وتپّهٔ مزبور فقط مشتمل بر گورستان‌مسلمانان ویك امامزاده است‌درصورتیکه بقایای ابنیهٔ‌عهد ساسانی درجانب غربی‌آبادی **قنات‌باغ** قرار دارد .

ونیز به مسافت یك‌کیلو متری جنوب غربی قنات باغ در محـلّ موسوم به **گره سر** بر فراز مختصر سر بالائی آتشدان سنگی واقع است (به صفحه ۳۷۴ و تصویرشمارهٔ ۲۲۰ درصفحهٔ ۴۴۳ مراجعه شود)

دریك کیلومتری شمال‌آتشدان سنگی مزبور بقایای یك‌ساختمان با نقشهٔ مربّع که اندازهٔهر ضلع آن۱۲/۸۰ متر میباشد پدیدار وفقط قسمت شمال‌شرقی آن‌به بلندی۷/۷۰ مترهنوز برجا مانده‌است .

۲ـ چارطاقی کازرون که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بوسیلهٔ آقای مهندس ماکزیم سیرو کشف گردید ..... درآن‌موقع هنوز دارای سه‌پایه ودولنگه طاق بود (به‌صفحات ۱۱۱و۱۱۲ و۴۷۲ مراجعه شود) وامـروزه فقط دوپایهٔ‌آن برجا مانده‌است ..... طول‌هرضلع خارجی‌چهارطاقی مزبور ۸/۳۰متر و اندازهٔ هرضلع داخلی‌آن ۶/۳۰ متربوده ابعاددیوارهای آن ۱×۲/۲۰ متر است واز چهارلنگه طاق‌جوانب‌آن تنهایکی باقی‌مانده بلندی‌هر کدام۳/۸۰متر و پهنای دهانهٔ هریك ۳/۹۰ متربوده‌است . بلندی‌دیوارها تازیر گوشوارهای پائین‌طاق بالغ‌بر۴/۶۰متر می‌گردید ، از گنبد آن اثری باقی نیست ، بقایای دو پایهٔ فرو ریخته یکی به ارتفاع۱/۶۰ مترودیگری به‌بلندی ۰/۸۰ متربرپا مانده است .

۳ـ چهارطاقی فرّاش‌بند که دیولافوا وفلاندن کشف نمودند و آقای گدار آنرا ازآثار مهرنرسی میداند (ودرصفحهٔ۱۱۵ متن کتاب دربارهٔآن توضیح داده شده‌است) همانست که بنام **چارطاق ملك** در صفحهٔ ۴۸۲ معرّفی گردید .

پرفسورواندنبرگ که در ضمن بحث خود چنین نتیجه میگیرد کـه تعداد آتشکده‌های واقع بین کازرون و فیروزآباد کمتر از نه‌عدد نیست بدین قرار :
۱ـ آتشکدهٔ کُنارسیاه ۲ـ آتشکدهٔ‌نودران(که‌توضیح آن‌درآغازمطالب‌مستخرجه

از گزارش مورد ذکر پرفسور واندنبرگ گذشت) ۳ـ آتشکدهٔ بالاده (که بنام آتشکدهٔ جره هم معروف است). ٤ـ آتشکدهٔ کازرون. ۵ تا۹ـ پنج عدد آتشکده‌های واقع در جلگهٔ فراش‌بند.

دانشمند نامبرده اضافه مینماید که ظاهراً آتشکده‌های دیگری هم در نواحی مزبور وجودداشته است ـ چنانچه استخری اشاره مینماید که هرروستائی دارای آتشکدهٔ‌مخصوص خودبودوابن حوقل‌نیز تنهابرای‌شهر کازرون‌دو آتشکده‌را نام میبرد.

آتشگده‌های دیگری که بتازگی در جنوب ایران کشف شده است:

پرفسور واندنبرگ درزیر عنوان‌بالا ازچند آتشکدهٔ دیگروابنیه وآثار مختلف عهد ساسانی صحبت میدارد که چند تای آنها یعنی چارطاقهای **درباغ** و **رحمت آباد** و **علی آباد**. (بشرحی که درصفحات ۹٤و۹۵ متن کتاب توضیح داده شد) خارج از استان کنونی فارس‌قراردارد و ازنقل توضیحات مربوط بآنها در این مورد خودداری میشود وآنچه درخاك فارس واقعست بشرح زیر اقتباس و نقل میگردد:

چارطاق گرانه:(۱)

درپائین کوه میمندواقع درشمال‌شرقی فیروزآباد راهی درحاشیهٔ‌رودخانه بجانب آبادی **دشت دال** میرود که‌در کناررود قره‌آقاچ واقعست وازآنجابطرف جهرم و فسا ادامه مییابد، نزدیك دشت دال ویرانه‌های پل قدیمی بـرروی رود سابق‌الذّکر دیده میشود وبقایای ابنیهٔ دیگری ازعهد ساسانیان نیز درهمان‌محلّ پایدار است، این‌راه‌یقیناً همان‌راهی‌است که‌درعهدساسانی وسیلهٔ ارتباط‌شهرهای

۱ـ درصفحه‌۱۰۶ متن کتاب ضمن نقل از گزارش اختصاصی پرفسور واندنبرگ اشاره اجمالی به‌آنچه دراینمورد توضیح‌داده‌میشود گردیده‌است.

دارابگرد وفسا به فیروزآباد بود ، امروزه درروی نقشهٔ ناحیهٔ فیـروز آباد راه مزبور بنام **آتشگاه** ذکر گردیده یقیناً درروزگار قدیم آتشکده‌های متعدّدی‌هم درطول مسیر آن برپا بوده‌است و بر روی همان نقشه نـام **تنگ آتشگاه** در شمال **کوشك‌سرتنگ** ذکر گشته است .

چارطاق کراته ازسنگهای لاشه ساخته شده به مسافت ۵۰۰ متری دهکدهٔ **کراته**ودریك کیلومتری آبادی **کوشگ**واقع گردیده‌است. نقشهٔ آن‌مانندبسیاری ابنیهٔ‌دیگر نظیرآن‌مربّع بوده بلندی دیوارهای بنا تا زیر گوشوارهای‌طاق‌بالغ بر۴/۹۰ مترمیشود ، اندازهٔ هرضلع چارطاق ۱۰/۵متر است و در وسط هـر ضلع دهانه دری به‌پهنای ۱/۱۰ متر وبلندی ۳/۲۰ متروجود دارد ، ازطرف داخل در هرچهارسوی چارطاق طرح طاقنمابندی‌به‌پهنای ۵/۵۰ مترو بلندی۴/۵ متر تعبیه شده است ....

چارطاق زاغ :

قریب سی کیلو متری جنوب شرقی کراته در مغرب آبادی کوچك **زاغ** چارطاقی‌دیگری دیده‌می‌شود که درازای هرضلع آن از بیرون ۴/۳۰ متـر واز داخل۳متر است ودر گاهیهائی به‌بلندی ۱/۶۰متر وپهنای ۱/۱۰ متر بر هرجانب در وسط دیوار وجود دارد ، بلندی دیوارها ۲/۳۰ متر وکلفتی آنها ۶۵ سانتیمتر بوده‌قسمتهائی ازضلع جنوب شرقی بنا فروریخته است .

چارطاق قلعهٔ قلی :

درجانب غربی آبادی **قلعهٔ قلی** نیزساختمانی‌شبیه‌چارطاقی‌زاغ‌موجوداست ، پایه‌های بنای‌اخیر بصورت انفرادی برپا مانده بفاصلهٔ۲/۱۰ مترازیکدیگرقرار گرفته است و با توجّه باینکه کلفتی هرپایه بالـغ بر۷۰ سانتیمتر میباشد طبعاً اندازهٔ هرضلع چارطاقی۳/۵ مترمیشود .

باحتمال فراوان دوبنای اخیرالذّکرچارطاق یاآتشکدهٔ آبادیهای کوچك بوده است .

چارطاق ظهر شیر:

آبادی **ظهر شیر** تقریباً در وسط راه فسا و جهرم قرار گرفته در ۴۵ کیلومتری جنوب فسا و ۴۲ کیلومتری شمال جهرم واقع شده است[۱]، چارطاقی نزدیک آن برفراز تپّه‌ای در وسط دره ازدور پدیدار میباشد.....

طول هرضلع خارجی چارطاق ۸/۴۰متر واندازهٔ هرضلع داخل آن ۵/۲۰متر بوده از سنگهای لاشهٔ مطبّق آهکی ساخته شده است، اندازهٔ هریك از پایه‌ها ۱/۶۰ × ۲/۲۰متر به‌بلندی ۵متر میباشد، پهنای لنگه طاقهای هریك از چهاردهانهٔ جوانب چارطاقی ۴متر و بلندی هر کدام ۳/۴۰متر است، گنبد آن بوضع قابل توجّهی محفوظ مانده است و بلندی آن بالغ بر ۳/۶۰ مترمیگردد، دهلیز باریکی به‌پهنای ۸۰سانتیمتر درچهارسوی گنبد وجود دارد، مجموع بلندی کلیّهٔ بنا ۸/۶۰متر است، به فاصلهٔ ۱/۵۵ متر پائین چهارطاق بقایای دیواری به‌کلفتی ۱/۲۰ متر برجا مانده وضع دهلیزی راکه چهارسوی بنارا احاطه میکرده است نمودار میسازد....

پرفسّور واندنبرگ درپایان مقالهٔ خود یك‌بار دیگر باین نکته اشاره میکند که تجسّسات علمی ایشان درزمستان سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ پیدایش آثاری از دوران پیش‌از تاریخ را ببار نیاورده است در عوض اهمیّت نواحی مورد تحقیق و تجسّس را درعهد ساسانیان باآشکار نمودن وجود بسیاری از ابنیهٔ آن عهد روشن ساخته است وهمچنین اهمیّت راه قدیم ـ ازلحاظ ارتباط شهرهای مهمّ عهدساسانی از قبیل فیروزآباد و دارابگرد وفسا ـ داشته ضمن همین مسافرت‌های تحقیقاتی معلوم گردیده است و نیز کشف نمونه‌های کاروانسراهای عهد ساسانی در طول راه‌مزبور موضوع جالبی برای بررسی نوع اینگونه منازل عرض‌راه در مشرق

۱ـ درنقشهٔ ضمیمهٔ‌مقالهٔ پرفسور واندنبرگ محل‌آبادی ظهرشیر درمشرق جهرم نشان‌داده شده است، در فرهنگ جغرافیائی ایران (از انتشارات ادارهٔ‌جغرافیائی ستاد ارتش ـ جلد هفتم ص۱۵۲) محل‌آبادی مزبور چنین ذکر گردیده است: ۲۲ کیلومتری خاور قطب‌آباد ـ یك کیلومتری‌راه‌فرعی‌قطب‌آباد به‌فسا، درجلددوم کتاب جغرافیاو اسامی‌دهات کشور (ازنشریات اداره کل‌آمار وثبت احوال ـ چاپ طهران ۱۳۲۹ ص۲۸۸) ظهرشیر از دهها‌ی دهستان کردیان از توابع جهرم نام‌برده شده‌است.

قدیم وارتباط نحوهٔ معماری آنها با کاروانسراهای مشخّص دورهٔ اسلامی بشمار میرود.

دانشمند مزبور مهمترین حاصل مسافرت خود را کشف آتشکده‌های متعدّد و معلوم ساختن وسعت دامنهٔ بناهای مذهبی عهد ساسانی در نواحی مورد بحث میداند ومخصوصاً دربارهٔ مجموع ابنیهٔ آتشکدهٔ بزرگ **کُنارْسیاه** (مذکور درصفحهٔ ۱۰۵ متن کتاب) اهمیّت خاصی را قائل بوده معتقد است که آتشکدهٔ کُنارْسیاه درعهد ساسانیان یکی ازمهمترین مراکز آئین زرتشتیان درسرزمین پارس بود واحتمالاً یکی از آتش‌های **بهرام**[1] یعنی آتش یك **کوره**[2] در آنجا نگاهداری می‌شده است وهیئتی ازروحانیان بریاست یك **موبد** آنرا اداره مینموده‌اند ،آتشکده‌های

۱ـ «....بنابر درجات زندگی ایلی ایرانیان قدیم آتشها نیز درجات داشته‌است . آتشی متعلق به **خانه** بود و آتشی به **عشیره** یا **دیه** (**آذُران**) و آتشی بیك **قبیله** یا **کوره** (**بهرام**). آتش خانگی را **مانبذ** یعنی بزرگتر خانه نگهداری میکرد ، برای خدمت آذُران لااقل دو **مُغ** ضرورت داشت ، و آتش بهرام راهیئتی متعدد بریاست یك **موبذ** بکار بود ....» (نقل از کتاب وضع ملت ودولت و دربار دردوره شاهنشاهی ساسانیان تألیف پرفسور کریستنسن ترجمه و تحریر آقای مجتبی مینوی ، چاپ طهران ۱۳۱٤ ـ صفحهٔ ۹۷)

۲ـ «درزمان ساسانیان فارس به پنج کوره یاخوزه یاتسو تقسیم میشده است ـ ۱ـ اردشیر خوره مرکز آن شهر جوریا کور بوده‌است ودرزمان امیرعضدالدوله دیلمی بفیروزآباد معروف گردید..... شیراز ـ کوار ـ میمند ـ خفر ـ فیروکازرین ـ سروستان ـ سیمکان یا سمنکان ـ جزایرلار ـ بندر سیراف، ازشهرهای معروف وجزو این کوره بوده‌اند ـ ۲ـ کورهٔ استخر که مرکز آن شهر معروف استخر بوده وسعت آن ازسایر کوره‌ها بیشتر یزد ، آباده ، یزدخواست ، اقلید ، سورمق، قهستان، خفرك ، رامجرد ، مرودشت ، ابرج، کامفیروز ، کربال ، بیضا ، خرامه ، نیریز ، خیروارسنجان همه ازتوابع این کوره بوده‌اند ـ ۳ـ کورهٔ دارابگرد (دارابجرد) مرکز آن شهر داراب ، فسا ، رونیز ـ پرك وتارم ـ اصطهبانات ـ ایج وجهرم وجویم نیزضمیمهٔ آن بوده‌اند ـ ٤ـ شاپور خوره ـ مرکز آن شاپور و شامل کازرون وخشت ، جره وفامور ، فهلیان وممسنی ونورآباد بوده است ـ ۵ـ کورهٔ قباد یا ارّگان (ارّجان) ـ رام‌قباد و رم قباد نیز گفته‌اند ـ این کوره و کورهٔ شاپور بنام سازندگان آن معروف گردیده ازحدود سمیرم تاریشهر و بهبهان وسعت داشته مرکز آن قبادخسرو درنزدیکی بهبهان بوده‌است که حالیه خراب ومتروك است ..» (نقل ازتاریخ پارس در عهد باستانی نگارش آقای علی سامی ـ انتشارات کانون پارس شمارهٔ ۳ چاپ شیراز ۱۳۳۳ خورشیدی ـ صفحات ۲۲ و ۲۳)

مکشوف در جلگهٔ قراش بندبنظر پرفسور واندنبرگ جایگاه آتشهای آذران یعنی آتش ده‌بوده‌برای نگهداری هر کدام دومغ کفایت میکرده است .....

مسجد جامع داراب(۱)

مسجدجامع داراب شایدبصورت‌ظاهر چندان آباد وپر رونق بنظرنرسد ولی از لحاظ شیوهٔ ساختمان مخصوصی که داردبنای بسیارجالب توجه و شایستهٔ بررسی فراوان است ، اینجانب تا هنگام تدوین‌مطلب‌حاضر (بهمن‌ماه ۱۳۴۱) موفق‌ببازدید آن‌نشدم ومانندچند مورد دیگر کتاب از کمك وهمکاری بسیار صمیمانه وارزندهٔ دوست گرامی خودآقای‌منوچهرچهره‌نگار دبیرفرهنگ فارس که درعین‌حال به‌پیروی‌ازحرفهٔ‌پس هنرمندانه وپرارج خانوادگی‌خویش‌عکاس بسیارزبردست وسراپاعلاقه و ذوق هستند استعانت خواستم و ایشان عکسهای متعددی‌ازجوانب‌مختلف‌بنای‌مسجد تهیه‌و ارسال‌نمودند که باملاحظهٔ آنهاو آنچه قبلاضمن عکسهای جناب‌آقای مهندس‌سیحون دیده شده‌بود بنظرمناسب آمد مرقوم‌داشت واینك بشرح زیرمعروض میدارد :

دروسط‌قسمت‌شمال‌شرقی‌محوّطهٔ‌مستطیل‌و محصوری که‌چهارسمت آن‌درختان بلندخرماومرکبات‌نسبتاً‌تنومندخود نمائی میکند شبستان‌مستطیلی قرار دارد که طول آن شمال‌غربی ـ جنوب‌شرقی وعرض آن شمال‌شرقی ـ جنوب غربی است (ش۲۸۲)، درهریك‌ازدوجانب طویل‌ترشبستان‌یعنی‌طرف قبله (ضلع‌جنوب‌غربی) وسمت مقابل‌آن (ضلع‌شمال‌شرقی) ایوان سراسری ساخته‌اند که ایوان طرف قبله بحال‌خود باقی بوده (ش۲۸۳ و ۲۸۴ و۲۸۵) ایوان جانب دیگررا بااحداث دیوارهای نازك دردهانه‌های رو به محوّطهٔ مسجد تبدیل به‌شبستان زنانه‌نموده‌اند، شبستان بزرگ ازدو انتهای جانب‌طویلتر نیز بوسیلهٔ دهلیزهای دهانه گشاده‌ای

۱ـ نگارنده تاموقع پایان‌چاپ مطالب ذیل کتاب (تیرماه ۱۳۴۱) ازوضع مسجد جامع داراب‌اطلاعی نداشتم وفقط‌درپائین‌یکی ازصفحات کوچك‌یادداشتهای‌شخصی‌خود که‌درسال ۱۳۱۷ مرقوم‌رفته است این‌چندکلمه‌را نوشته‌بودم . «مسجد جامع‌داراب‌ـ نقشهٔ‌خداخانه» وکلمات‌مزبورهم یقیناً‌براثرصحبتی که بایکی ازعلاقمندان باآثارتاریخی پیش‌آمده بود مرقوم گردیده بعلت‌نداشتن هیچگونه اطلاع‌و اطمینانی دراین‌باره نه‌درمتن کتاب ونه‌درذیل کتاب مورد استفاده واقع‌نشد تا اینکه درایام نوروز ۱۳۴۱ جناب‌آقای مهندس هوشنگ سیحون ضمن‌مسافرت کوتاهی بفارس از مسجدجامع داراب نیزبازدیدوعکس‌برداری رنگی‌نمودند ونگارندهٔ کتاب پس‌ازملاحظهٔ عکسهای مسجد نامبرده درصدد کسب اطلاعات و تهیهٔ عکسها برآمده توضیحاتی راکه مناسب میدانست بشرحی که دربالا ذکر میشود تدوین ودراین‌قسمت کتاب به محضر علاقمندان اینگونه مباحث عرضه نمود .

به‌فضای مسجد مربوط می گردد(ش۲۸۶و۲۸۷) و در دوجانب دیگر دهلیزهاهم اطاق یامحلهای کوچکتر برای نماز گزاران قراردارد، چهارمنارهٔ تنومند نسبتاً کوتاه آجری درچهار گوشهٔ مجموعهٔ بنای مستطیلی مزبور (که مشتمل برشبستان و ایوان و دهلیزها و اطاقها باشد) برپا و استوار است و بدنهٔ آنها را بوسیلهٔ خانه بندیهای مربع ومستطیلی شکل روسازی نموده‌اند که داخل خانه‌بندیهای مستطیل مزین به آجرکاریهای خفته وراسته‌یا طرح لوزی وداخل خانه بندی‌های مربع مزین به‌خطوط کوفی بنائی حاوی کریمه‌های لااله الاالله ومحمد رسول‌الله و جملات اول آیهٔ مبارکه کرسی است(ش۲۸۸ و ۲۸۹)

بامختصر دقت دروضع تزیینات مناره‌ها معلوم میگردد دو مناره‌ای که در دو گوشهٔ شرقی و شمالی بنا ساخته شده است (ش۲۸۸) در خانه بندی و تزیینات آجری آنها با دو منارهٔ گوشه‌های جنوبی وغربی(ش۲۸۹) اختلافاتی وجود دارد که ذکر جزئیات آن از حوصلهٔ این کتاب بیرون و نیازمند موقع مناسب مخصوصی است .

داخل محوطه، مقابل دهانهٔ وسطایوان موجودمنبری ازگچ وآجر ساخته‌اند و حوض آب بزرگی‌هم پشت منبر قراردارد .

محراب درداخل شبستان پشت دیوارقسمت وسطایوان موجودسابق‌الذکر باتقسیم‌بندیهای متناسب وگچبریهای ساده وزیبا جلوه گراست (ش۲۹۰) .

سقف ایوانهای سرتاسری از سقف شبستان کوتاه‌تر بوده پوشش دو دهلیز طرفین‌شبستان واطاق‌های مجاور آنها نیز گنبدی وضربی است وکوتاهتر ازشبستان اصلی مینماید .

بطوری که ملاحظه‌می گرددوضع ساختمان‌مسجد داراب ترکیب‌مخصوصی است که بامساجد معمولی ایران اختلاف داردو در وهلهٔ اول بنظربعضی اشخاص ممکن است تا اندازه‌ای شبیه‌به‌بنای خداخانهٔ‌مسجد جامع‌شیراز برسد و این هم

امر نادرستی نیست لیکن بیش‌از آنچه به‌بنای خداخانهٔ شیراز شبیه باشد با بعضی ساختمانهای اسلامی هندوستان وبخصوص بابنای زیبا ومعروف آرامگاه **اعتمادالدولهٔطهرانی**[۱] در **آگرا** (Agra) شباهت دارد که در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷هجری‌بفرمان دخترش **نورجهان** ملکهٔ ایرانی معروف هندوستان احداث گشته است (ش۲۹۱).

بلندتر بودن پوشش شبستان مسجد جامع داراب نسبت به‌پوشش‌ایوانها و اطاقهای جوانب شبستان و خانه‌بندی‌های مربّع شکل بدنهٔ خارجی منارها و همچنین کوتاهی نسبی وستبری منارها عوامل مشترك موجود بین مسجد جامع داراب و آرامگاه اعتماد الدّوله طهرانی در آگرا بوده باطمینان میتوان گفت که‌سازندهٔ‌مسجدجامع داراب‌به‌وضع‌ساختمان‌وطرح‌معماری‌آرامگاه‌اخیرالذّکر آشنائی و توجّه داشته است (ش ۲۹۲) و همانند مرد کم ثروتی که خواسته باشد شبیه بنای بسیار مزیّنی را بسازد مسجدی از آجر به شیوهٔ بنای بس عالی و سراپا مزیّن از کاشیکاری اعلی وسنگهای گران قیمت مرمر بنیاد نهاده است و با توجّه باینکه آرامگاه اعتماد الدّوله در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری یعنی اواخر سلطنت شاه‌عبّاس اول بنا گشته است بجرئت میتوان تصوّر نمود که مسجد جامع داراب مدّت کمی بعد از آرامگاه اعتماد الدّوله یعنی در زمان سلطنت شاه صفی اوّل (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ هجری) یا در دوران پادشاهی شاه عبّاس دوّم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ هجری) ساخته شده باشد، از قراریکه آقای منوچهر چهره‌نگار در قبال استفسار نگارنده مرقوم داشته‌اند نزدیك به روبروی درب ورود بزرگ مسجد جامع داراب لوحهٔ سنگی در ارتفاع دو یا دومترو نیمی از

(۱) میرزا غیاث الدین محمد طهرانی خزانه‌دار وصدراعظم **جهانگیر** شهریار معروف هندوستان (معاصر شاه عباس اول) ملقب به‌اعتماد الدوله از بزرگ زادگان طهران بود که با زن وفرزند خود عزم رحیل هند نمود وخود وخانواده‌اش سرگذشت افسانه مانند پیدا کردند - دخترش نورجهان به‌همسری جهانگیر درآمد وپسرش آصف خان پس از فوت پدر جانشین وی گردید و دختر آصف‌خان بنام **ممتازمحل** همسر **شاه‌جهان** هندی شد که بفرمان وی بنای معروف‌ومنحصر **تاج‌محل** را برآرامگاه همسرش درآگرا ساخته و پرداخته‌اند وشهریار مزبور نیز درکنار همسر خویش‌درتاج محل بخواب ابدی غنوده است.

کف زمین بر جبهۀ خارجی دیوار شمالی شبستان نصب بوده که تاریخ بنای مسجد ووقفنامۀ مربوط بآنرا در برداشته است وچون لوحه در محلّ خود نیست تاریخ قطعی ساختمان مسجد را نمیتوان معیّن نمود واگر قرائنی بدست آید که معلوم سازد بنای مسجد جامع داراب قدیمتر از آرامگاه اعتماد الدّوله است (و چنین امری بعقیدۀ نگارنده بدلایلی چند از نظر دورنمی‌نماید) البتّه براهمیّت آن از لحاظ چگونگی تأثیر ونفوذ معماری ایران در هند بسی‌افزوده خواهدشدونظریّات معروض در سطور سابق تغییر یافته تصحیح خواهد گردید.

با توجه بآنچه گذشت چنین برمیآید که هر چند بنای مسجد جامع داراب جنبۀ معماری وهنری فوق‌العاده ندارد واساساً بطوریکه ازظواهر امر برمیآید نماسازیهای مناره‌ها وقسمتهائی از ریزه‌کاریهای مسجد ناتمام مانده بوده‌است (۱) لکن از لحاظ وضع ساختمان مخصوص‌آن که بشرح بالا به‌بنای مهم آرامگاه اعتماد الدوله شباهت دارد ارتباط وپیوستگی بیشتر فرهنگ و هنر دو کشور باستانی ایران وهند را در قرن یازدهم هجری میرساند وبهرصورت شیوۀ معماری مشترك ایران وهند ونمونۀ کارهای استادان ایرانی توأم با تأثیر معماری هندوستان درهردو بنا نمودار است واین ارتباط هنری وفرهنگی امر تازه‌ای نبوده بشرحی که در مقدمۀ کتاب اشاره شد عوامل پایندگی چنین پیوستگی همواره باقی وبرقرار است.

ذکر برخی زیارتگاهها و اماکن متبرك و مساجد فارس که ناگفته مانده بود

همانطور که درآغاز قسمت ضمیمۀ کتاب اشاره شد ضمن عکسهائی که آقای مهندس هوشنگ سیحون در مسافرت خود در فروردین ماه ۱۳۴۱ از آثار مختلف فارس برداشته ودر بازگشت بطهران به‌نگارندۀ کتاب ارائه نمودند محلهائی بنظر رسید که‌اشاره بنام ومکان‌آنهارا در این کتاب بمورد دانست واینك بشرح زیر بمعرفی اینگونه اماکن میپردازد:

بنای امامزاده در ایزدخواست:

هنگامیکه از اصفهان به‌ایزدخواست میرسند پیش‌از پیچیدن راه بطرف

---

(۱) بواسطۀ بی‌سامانی ونامساعد بودن اوضاع قسمتهائی از فارس وازجمله ناحیۀ داراب در اواخر سلطنت صفویه وسالهای پس‌ازآن که فقدان سند تاریخ ووقفنامه هم از اثرات همین قسمت بنظر میرسد.

سراشیبی پائین قلعهٔ قدیمی در جانب چپ جادّه بقعه‌ای با گنبدکاشی که چندان خیز (ارتفاع) ندارد بنظر میرسد، منظر خارجی بنا اهمیّت تاریخی وهنری قابل ذکری را نشان نمیدهد وازهیئت گنبد بنظر میرسد مربوط به‌عهد صفویّه ـ قرن یازدهم هجری ـ باشد.

امامزاده زاهد در زاهدان نزدیك فسا:

در زاهدان نزدیك فسا بقعه‌ای سفیدرنگ با گنبد بزرگ کاشی سفید و فیروزه (بطرح خانه‌های مربّع که در اصطلاح عموم شطرنجی نامیده میشود) وجود دارد که **امامزاده زاهد** نامیده میشود.

از هیئت خارجی بنا چنین بنظر میرسد که اصل آن از عهد مغول (قرن هشتم هجری) بوده در ادوار بعدی تعمیر شده است وبتازگی نیز گنبد آنرا بسبك شیوائی که توضیح آن گذشت کاشیکاری وتزئین نموده‌اند ورویهمرفته وضع ساختمانی وبزرگی گنبد وطرز کاشیکاری آن بقعهٔ مزبور را دارای طرح خاص بسیار جالب ودیدنی وخوش ترکیب نموده است.

بقعهٔ سید شمس‌الدین بیرون شهرفسا:

به‌مسافت چند کیلومتری فسا بر سر راه داراب امامزاده‌ای بنام **سید شمس‌الدین** با گنبدکاشی فیروزه فام وجود دارد ودو درخت سرو نیزدرمجاورت بقعه بر زیبائی ومنظر روحانی آن افزوده است ووضع بقعه میرساند که مربوط بعهد صفویّه حتی پیش‌ازآن بوده در ادوار بعدی تجدید ومرمّت گردیده است.

امامزاده‌پیرمراد نزدیك داراب:

هنگامیکه از فسا بداراب میروند در حدود سه کیلومتر مانده بداراب بقعه‌ای بنام **امامزاده پیرمراد** در کنار صخرهٔ کوهستان با منظر جالبی دیده میشود که دارای گنبدی شبیه تخم‌مرغ بر فراز بدنهٔ بلندی است ودو منارهٔ آجری جلو آن قرار دارد واز هیئت ظاهری بنا بر میآید که چندان قدیمی

نیست واگر اثر تاریخی وباستانی درآن باشد اطّلاع دربارهٔ آن نیازمند دقت و بررسی از نزدیك خواهد بود.

شاهزاده ابوالقاسم ابن موسی ابن جعفر در داراب:

امامزاده تازه سازی بنام فوق در داراب موجود است که اگر اثر قدیمی هم داشته باشد چون چیزی در عکس آن مشهود نشد نتوانست دربارهٔ آن اظهار نظر نماید واطّلاع بیشتر در این مورد بستگی به ملاحظه وبررسی از نزدیك دارد.

بقعهٔ پیرمراد در اصطهبانات:

بنای نسبتاً مجلّلی بنام **امامزاده پیرمراد** با گنبد کاشی سفید که مزیّن به نقوش طرح لوزی است در اصطهبانات وجود دارد، دو منارهٔ کوچك وایوانی در جلو آن واقع وتا حدّی به بقعهٔ شاه چراغ شباهت یافته است. حوض درازی نیز در محور بقعه ساخته‌اند که بر زیبائی آن میافزاید.

مسجد جامع اصطهبانات:

آنچه از روی عکسهای داخل مسجد جامع اصطهبانات معلوم میشود محرابی از عهد صفویّه (قرن یازدهم هجری) با گچبریهای ظریف و ریزه‌کاری دقیق در کنار شبستان مسجد مزبور وجود دارد که براثر دودزدگی متمادی و شدید سیاه گردیده است ومنبری هم در نزدیك محراب هست وبدینقرار رویهمرفته اثر مهمّی بشمار نمیرود.

آرامگاه منسوب به شمس در اصطهبانات:

در ادارهٔ فرهنگ اصطهبانات آرامگاهی است که بنام **شمس** خوانده میشود ولی دربارهٔ شخصیّت صاحب قبر اطّلاعی بدست نیامد.

بقعهٔ شاه شاهان در جهرم:

زیارتگاهی بدین نام در جهرم هست که دارای گنبد آجری وکاهگلی

بوده در گوشهٔ صحن نسبتاً وسیعی قرار دارد واز روی عکس آن بنظر نرسید که جنبهٔ تاریخی وهنری قابل توجّهی داشته باشد.

بقعهٔ شاهزاده حسین در جهرم:

زیارتگاه دیگری هم بنام **امامزاده شاهزاده حسین** در جهرم موجود است که گنبد آنرا بتازگی کاشیکاری کرده‌اند ودر ایوان آن مخصوصاً در یزدی‌بندیهای سقف ایوان نقاشیهای عهد صفویه باقی وپایدار است وازاین‌لحاظ تا حدّی اهمیت هنری وتاریخی دارد.

مسجد جامع جهرم:

مسجدی است با وضعی ساده وایوانی هم جلو آن ساخته‌اند واهمیّت مخصوصی ازلحاظ سبك ساختمانی وجنبهٔ تاریخی در آن بنظر نرسید.

بقعهٔ شاهزاده اسدالدّهر در جهرم:

این زیارتگاه دارای گنبد آجری ساده وبلندی شبیه گنبد بقعهٔ شاهزاده عبدالمهیمن درریشهر (ش۲۴۶) بوده وازآثار بالنّسبه جالب توجّه متبرّك وديدنی جهرم است وتصوّر نمیرود پیشینهٔ تاریخی آن چندان زیاد باشد.

امامزاده سیّد محمّد در بیشاپور:

در گوشه‌ای از ویرانه‌های شهر شاپور (بیشاپور) بقعهٔ کوچکی با گنبد کوچك کاشی بنام **امامزاده سید محمد** هست که‌احتمالاً مربوط به عهد صفوی و شاید هم قدیمتر باشد.

امامزاده پیر در سرمشهد:

نزدیك نقش برجستهٔ معروف سرمشهد (به صفحات ۱۱۶ و ۱۱۷ وتصاویر شمارهٔ ۱۷۸ و ۱۷۹ مراجعه شود) بقعهٔ ساده‌ای بنام **امامزاده پیر** موجوداست که آنرا با سنگ وگچ ساخته‌اند وطاق ضربی بزرگ یك‌پوشه بر فراز آن زده‌اند وهیچگونه تزیین واهمیّت مخصوص تاریخی وهنری ندارد.

امامزاده در کمارج:

آبادی کمارج بین کازرون و کنارتخته واقعست ، در کمارج بنای امامزاده‌ای وجود دارد که آنرا با سنگ ساخته‌اند و گنبدی مدوّر بر فراز بنائی که بصورت چند پلهٔ بزرگ بنیاد گردیده است استوار نموده‌اند وبطور کلّی معماری محلّی جالب توجّهی در هیئت خارجی بنا مشهود میگردد وبنظر نمیرسد که قدمت آن چندان زیاد باشد.

ویرانه‌های پل قدیمی در راه کازرون به‌بوشهر:

برسر راه کازرون به‌بندر بوشهر یازده کیلومتر پیش از رسیدن به دالکی (دالکی تقریباً در نیمه راه کازرون ـ بوشهر قرار دارد) ویرانه‌های پل قدیمی هست که برای علاقه‌مندان بآثار معماری کهن شایستهٔ توجّه وبررسی است.

امامزاده نزدیك امامزاده عبدالمهیمن (شبه‌جزیرهٔ بوشهر):

علاوه بر امامزاده عبدالمهیمن که طی صفحات ۴۲۶ و ۴۲۸ بدان اشاره شد (ش ۲۴۶ ـ صفحهٔ ۴۶۰) امامزادهٔ دیگری در نزدیکی همان بقعه وجود دارد که گنبد آن کوتاهتر و کم‌خیزتر از گنبد امامزاده عبدالمیهمن است و در ردیف گنبدهای معمولی عهد صفویّه بوده از وضع هیئت خارجی‌آن برمیآید که به‌دوران اخیرالذّکر یعنی قرن یازدهم هجری مربوط ومتعلّق باشد.

آنچه برائر مشاهدهٔ عکسهائی که آقای مهندس سیحون از مسافرت سابق‌الذکر خود در فارس برداشته بودند مناسب بنظر رسید در سطور گذشته توضیح داده شد واینك اطلاعات چند دیگر دربارهٔ برخی از امکنه وآثار تاریخی فارس مرقوم میرود.

آثار تاریخی ارسنجان:

ارسنجان نام شهر کوچکی است که در جانب جنوب شرقی سعادت‌آباد (مذکوردرصفحات ۸ و۱۶ و۱۷ کتاب) واقع شده است وبرای رفتن بآنجا هم از سعادت‌آباد وهم از جلگهٔ خفرك (مذکور در صفحهٔ ۱۸ کتاب) میتوان بانجام منظور نائل‌آمد ـ در کتاب آثار عجم (ص۲۴۱) دربارهٔ ارسنجان چنین مینویسد:

«ارسنجان ...... مساجد بزرگ وبا صفا دارد و مدرسهٔ باشکوه وزیبا که در زمان شاه سلطانحسین صفوی بنا نهاده شده برپاست .....»

هنگام تدوین مطالب قسمت ضمیمهٔ کتاب تصادفاً با آقای دکتـر مصطفی رئیس السادات (از دبیران وزارت فرهنگ ومعاون دفتر فنی ادارهٔ کل انتشارات ورادیو) کـه خود از مردم ارسنجان هستند از سابقهٔ تاریخی آن محل صحبت شد وایشان بنا بـر تقاضای نگارنده مطالبی دراین باره نوشته باختیارم گذاردند که عیناً در اینمورد نقل مینماید :

« **ارسنجان** ــ در چهار فرسنگی شرق سعادت آباد فارس شهر ارسنجان واقع است . این شهر در میان درّه‌ای است و شمال وجنوب آن دو رشتـه کوه فرعی‌سر کشیده که‌ازرشته کوههای زاگرس‌ریشه گرفته‌انداین‌دو کوه ازنیمه‌تنه ببالاپوشیده ازدرختان‌جنگلی‌است . درغرب‌ارسنجان‌یعنی‌درراه میان سعادت‌آباد وارسنجـان جنگل بزرگی‌است کـه ازدو طرف کوههای پوشیده ازدرخت نیز آن را احاطه کرده است ارسنجان ازجنوب شرقی‌به خفرك راه دارد ودراین‌راه دهکده های بسیاری هست که به توابع ارسنجان معروف‌اند این دهکده ها تا دهکده‌های معروف به کُربال که‌ازبند امیر آب میگیرند امتداد دارد .

«درشمال شرقی ارسنجان درّهٔ بسیار طولانی است که میان و کوههای پیرامون‌آن پوشیده ازدرختان جنگلی‌است واین‌جنگل تاحوالی کرمان امتداد دارد . این دره بنام «تنکستان» خوانده میشود .

«درختان جنگلی ارسنجان بیشتر پسته وبادام کوهی است . پستهٔ کوهی را بزبان‌محلّی «بنه» وبادام کوهی‌را«الوك» میگویند . ارسنجان دارای رشته‌قناتهائی است که شهر وزمین‌های زیر کشت آنرا آب میدهند وهمه از شرق ارسنجان سرچشمه میگیرند .

« ارسنجان در حدود ده هزار جمعیّت دارد و تاپیش از تقسیمات جدید جغرافیائی این شهرمرکزحکومت نشین وسیعی بوده که ازمرو دشت تا ده بید واز کُربال وخرامه وخفرك تاآبادهٔ طشت درقلمرو آن بشمارمیرفته است .

«ارسنجان دارای یك‌مدرسهٔ قدیمی است که نمای‌آن ازسنگهای بزرگ تراش ساخته شده و بمانند سکوی بسیار زیبائی درمیان شهرخود نمائی میکند وازآثاربسیار ارزندهٔ زمان صفوی است وازروی سبك خاص وعلمی آن روزگار

معماری شده و دروضع خود بیمانند است .

«ونیزدر ارسنجان دومسجد بزرگ بنامهای «مسجد جامع» ومسجد«بالا» وجود دارد وهردو دارای شبستان بزرگ ونمازگاه های عالی وزیباهستند .

«درتپّه های جنوب شرقی ارسنجان نقش‌هائی برسنگ و جود دارد ونیز درتپّه‌های شمال شرقی‌آن آثاری ازبناهای قدیمی بچشم میخورد ونمونه‌هائی از کوره‌های ذوب فلزّ وشیشه سازی پیدا شده که میرساند این شهر در روزگار گذشته آبادترازین بوده است وشایدآثارباستانی درآنجاها بتوان پیدا کرد» .

مدرسهٔ قدیمی مذکور درسطورفوق که بشرح سابق الذّکر در کتاب آثار عجم نیزبدان اشاره رفته است بنام **مدرسهٔ سعیدا** یا **مدرسهٔ سعیدیه** خوانده می‌شود .

در کتاب آثار عجم اشاره به لوح مزار خیلی بزرگی هم میکند که در قبرستان ارسنجان وجود داشته و نام طهماسب برآن مرقوم رفته بوده است و «میگویند این‌شخص‌شاهی‌بوده که شش‌ماه درآنجا سلطنت نموده ولی معلوم نشد که ازچه سلسله ودرچه زمان بوده است» (۱) .

شکفت ضحاک

مؤلّف آثارعجم درضمن معرّفی «آثاری که درارسنجان وتوابع آن است» چنین مینویسد : « از جمله شکفت ضحّاکست مایل بطرف جنوب قصبه بمسافت دوفرسنگ ونیم‌میگویند چون‌فریدون ضحّاک‌رادستگیرساخت‌قبل ازآنکه اورا درکوه دماوند حبس نماید چندی هم در اینجا محبوسش داشت واین‌شکفت از جاهای غریب وعجیب است بسیاربزرگ وطولانی وعمیق بمحض‌اینکه داخل‌آن شوند وحشت عظیمی روی میدهد که بسی‌هولناك است . روبعقب آن جزبا جمعیّت وباچراغان متعدّده نمیتوان رفت امّابعضی که رفته‌اند انتهای‌آنرا یافته‌اند...» (۲)

باتوجّه به موقعیّت محلّ‌بخوبی میتوان دریافت که ناحیهٔ مزبوراعمّ ازشهر

(۱) ـ کتاب آثارعجم ـ ص ۲۴۲ (۲) همان کتاب وهمان صفحه .

و توابع ارسنجان و نقاط اطراف و دور و نزدیك آن نیز از جمله محلهای مختلف شایستهٔ تحقیقات و بررسیهای تاریخی دراستان فارس محسوب میگردد .

اطلاعاتی دربارهٔ برخی آثار تاریخی شمال فارس که در تابستان ۱۳۴۱ مورد بازدید و بررسی پرفسور واندنبرگ قرار گرفته است

درمرداد و شهریور ۱۳۴۱ پرفسور واندنبرگ بلژیکی برای ادامهٔ بررسیهای تاریخی و باستانشناسی خود باردیگر بایران آمد و با موافقت و همکاری مقامات مختلف ایران مسافرتهائی بنواحی شمال ومغرب فارس نمود ومجدداً سفر کوتاهی هم به فیروزآباد کرد . آقای حسین کریمی از مأموران فنی ادارهٔ کل باستانشناسی ازطرف آن اداره همراه پرفسور نامبرده بود و پس ازپایان مسافرت مزبور بنابر در خواست نگارنده بدستور جناب آقای حسن مشحون سر پرست ادارهٔ کل باستانشناسی رونوشتی از گزارش مأموریت آقای کریمی باختیار اینجانب گذاره شد ووظیفهٔ خود میدانم دراینمورد مانند موارد دیگری که ازاینگونه مساعدتهای ذیقیمت بهرهمند بوده‌ام مراتب سپاسگزاری صمیمانهٔ خودرا معروض دارم پرفسور واندنبرگ نیزطی نامهٔ کوتاهی چند عکس از آثارمورد بررسی اخیرخود را جهت نگارنده فرستاد که ازآن جهت هم امتنان کامل اظهارمینمایم و آنچه در این باره طی سطور آینده بعرض خوانندگان گرامی میرسد با استفاده از گزارش و عکسهای مزبور تهیه گشته ومذکورافتاده است :

پرفسور واندنبرگ درنامهٔ مورخ ۲ دیماه ۱۳۴۱ خودنتایجی را که ازمسافرت فوق بدست آورده بشرح زیر یادنموده است :

۱ـ مشخص کردن راههای باستانی درقسمت شمالی فارس .

۲ـ مشاهده وبررسی ویرانه‌های کاروانسرائی از آغاز دوران اسلام در **کوشك زرد**(۱) که بااستفاده ازمصالح ساختمانهای پیش ازسلام (پایه‌های سنگی ـ

(۱) نام اینمحل در صفحهٔ ۳۲۷ کتاب حاضر **کوشك زر** ذکرشده است ـ در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترانج Le strange ترجمهٔ آقای محمود عرفان شمارهٔ ۱۵ مجموعهٔ ایرانشناسی ـ (ازانتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ـ چاپ طهران ۱۳۳۷ ـ صفحهٔ ۳۰۲) بنام **کوشك زرد** معرفی گردیده ضمناً اشاره شده است که در فارسنامهٔ ابن بلخی آنرا بصورت **کوشك زر** ذکر کرده‌اند .

تخته سنگهای تراش بزرگ) آنرا ساخته بودند .

۳ـ اطّلاع بروجود نیایشگاه مهمّ ومعتبری ازدورهٔ ساسانیان بانوشتهٔ **پهلوی** در **تنگ جلو** .

۴ـ پنج پایهٔ جایگاه آتش در **سمیرم** .

۵ـ بقایای یك چارطاق در **موك** (ش ۲۹۳) برسرراه شیراز وفیروز آباد پس از گذشتن از کوار[۱] .

۶ـ **توجّه** به نقش برجستهٔ سنگی عهد اشکانی در **بیدزرد**[۲] .

۷ـ بررسی نقش برجستهٔ سنگی در**هنگ (بضم ه) نوروزی**[۳] (که برخلاف نظریّهٔ عمومی مبنی برانتساب آن به عهد ساسانی مربوط به عهد مزبور نبوده ومتعلّق بدورهٔ اشکانی است) .

۸ـ بررسی مفصّل نقوش برجستهٔ دوران عیلام در **مال امیر** .

از مطالب هشتگانهٔ بالا دو قسمت آخرآن چون مربوط به‌ناحیهٔ بهبهان واستان خوزستان میباشد دراینمورد توضیحی دربارهٔ آنها داده نمیشود وراجع به آثاردیگرضمن نقل قسمتهائی از گزارش مورخ ۴۱/۷/۱۹ آقای حسین کریمی مأمور فنی ادارهٔ کل باستانشناسی (که بشرح سابق الذکر رونوشتی از آن باختیار اینجانب گذارده شده است) اطلاعات مفید بیشتری در صفحات بعدی ازنظر خوانندگان محترم وعلاقه‌مند میگذرد .

---

(۱) ـ درکتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور جلد دوم (از نشریات ادارهٔ کل آماروثبت احوال ـ چاپ طهران ۱۳۲۹) ـ ص ۳۱۵ ـ ده موك از دهستان خواجه از توابع فیروز آباد معرفی شده است ـ آقای حسین کریمی بـا همکاری خانم فاطمهٔ مهران در تحصیل این اطلاع و ملاحظهٔ نام موك درکتاب مزبوربااینجانب یاری فرموده‌اند .

(۲) در همـان کتاب (ص ۲۵۶) بید زرد سفلی و بید زرد علیا از دهات دهستان حـومهٔ (قرا باغ) شیراز معرفی گردیده است ـ آقای حسین کریمی با همکاری خانم فاطمهٔ مهران در این مورد نیزمانند آنچه دربارهٔ موك توضیح داده شد ابرازمساعدت فرموده‌اند .

(۳) درگزارش آقای کریمی که بادارهٔ کل باستان شناسی تسلیم داشته‌اند نام این محل **هنگ** یا **ُخنگ اژدر** ذکرشده است .

آس‌پاس (تپه‌های ماقبل تاریخ نزدیك آن)، چشمه‌ناز (تنگ جلو)، کـــومه (تل شاهی - تل وزیری)، قلعه مختارخان، داش قلعه سی یا دژ بهمن، سیمرم، کوشك زرد، ابرقو وهك، مائین (منطقهٔ ابرج)، ملك آباد (بلوك کامفیروز - سد درود زن - میل تنگ دختر) کوشگك - کوه ایوب

درگزارش مورخ ۴۱/۷/۱۹ آقای کریمی چنین نوشته شده است :

«اینك به ترتیب مناطقی که مورد بازدید وبررسی و عکسبرداری وکمانه زنی قرار گرفته استبشرح زیر گزارش میگردد :

«۱- **آس‌پاس** : اولین نقطه‌ای که بازدید شد **آس‌پاس** تقریباً در ۲۲ فرسخی مغرب ده بید قرارداشت دربین راه ده بید به آس‌پاس نزدیك حسن‌آباد تپه‌ای بود که تکه سفالهائی ازظروف ماقبل تاریخ دراطراف آن دیده میشد ولی بعلت کوچکی تپه ونبودن کارگر مورد کمانه زنی قرارنگرفت .

« درآس‌پاس باطلاق معروف به **گور بهرام‌گور** و **تپه سید عبداللهی** مورد بازدید واقع شداین تپه که در۳ کیلو متری آس‌پاس قراردارد خاك برداری شده وزارعین خـاك آنرا برای زراعت برده‌اند تکه سفالهای زیادی همزمان تل باکون (۳۵۰۰ ق . م) دراطراف آن دیده میشد .

« در۶ کیلومتری جنوب آس‌پاس نیزچند تپه درمحوطهٔ وسیعی جلب توجه میکرد که حاکی ازوجودشهری درابتدای اسلام بودوتکه سفالهای اطراف آنها مؤید این موضوع بود .

« درجوار آس‌پاس دهی بنام **بابائی** واقع شده که دارای تلی به قطر۵۰ متروارتفاع ۲۰متربود وقطعات سفال‌مکشوف‌درآن مربوط به اواخرعهد ساسانی واوائل دورهٔ اسلامی است . همچنین درنزدیکی این تپه و درمغرب چشمه‌ای که معروف به **چشمهٔ سلاطین** میباشد تپه‌ای بنام **پهلوانی** نظیرتل بابائی مورد

بازدید و بررسی قرار گرفت .

«۲- **چشمه ناز (تنگ جلو)** - درمسیر راه بین‌ده **خسروشیرین و کومه** و بفاصلهٔ ۱۸ کیلومتری شرق کومه و درابتدای تنگ طویلی که به **تنگ‌جلو** معروفست قبرستانی از اوائل عهد اسلام در کنار راه وجود دارد . دراین منطقه دومیل سنگی مربوط به یك آتشکدهٔ ساسانی جلب توجّه میکنند . یکی ازاین میلها ازمحلّ خود به کنارقبرها منتقل گردیده و گویا برای استفادهٔ قبوراسلامی حمل شده است . اما میل دوّمی در کنارپایه های سنگی خودبه حال افتاده دیده می‌شود .

« درمجاور این میل وپایه های سنگی آن تخته سنگهای زیادی بود که برروی یکی‌ازآنها نبشته‌أی به خط پهلوی ساسانی‌در ۹ خط منقور بود ، گرچه حوادث ایّام آسیب زیادی به خطوط آن وارد کرده بود مع‌الوصف بازحروف آن مشخّص میگردید .

« ۳- **کومه** : در نزدیکی کوه **دنا** در مسیرراه فرعی آس‌پاس به سمیرم قریه‌ای بنام **کومه** قراردارد ، دراین آبادی دوتل بزرگ یکی بنام **تل‌شاهی** ودیگری بنام **تل وزیری** بین‌اهالی قریه معروفست ، قلعهٔ این آبادی برروی تل‌شاهی بناشده وباتل وزیری در حدود ۲ کیلو مترفاصله دارد . تل وزیری پس ازمطالعه مورد گمانه زنی آقای دکتر واندنبرك قرار گرفت .

«مشخّصات تل‌وزیری : ارتفاع ازپای تپّه تاسطح فوقـانی با توجّه به شیب تپّه ۳۸ متر ، محیط تپّه ۲۵۰ متر ، درگمانه زنی این تپّه که ۲روزطول کشید در قسمت فوقانی وشمال آن آثار یك ساختمان قدیمی ماقبل تـاریخ آشکار شد .این ساختمان از خشتهای نیم‌پز با ابعاد ۱۲ × ۲۷ × ۴۳ سانتیمتر ساخته شده و قطر دیوارهای‌آن‌بالغ بر۴۸ سانتی‌متر وطول‌هر دیوار اطاق مکشوفه ۲/۲۰ متربود ، روی دیوارها بااندودی از گل‌سفیدرنگ پوشیده وسفیدکاری‌شده بود.

« چون برای کاوش تپّه وقت زیاد لازم بود لذا آقای واندنبرگ عملیّات گمانه‌زنی را متوقف‌نمود به‌عقیدهٔ نامبرده این ساختمان مربـوط به قوم پارسوا

(۷۰۰ق. م) بود ، در این گمانه‌زنی چون به کف ساختمان نرسیدیم آثار منقول بدست نیامد .

«۴ ـ بازدید قلعهٔ مختارخان : این قلعه بین راه کومه به‌سمیرم در ده کیلومتری جادهٔ فرعی‌ازده **حنا** قراردارد وشامل یك‌قلعهٔ‌سنگی‌بزرگی‌دربالای کوه مرتفعی‌میباشد (ش۲۹۴) در کمر این کوه کتیبه‌أی لایقرا دیده میشد و در پای کوه دوحوض‌بزرگی که درسنگ کنده‌شده بودوجودداشت که گویا مخازن آب‌ساکنین‌قلعه بوده‌است.

«هریك‌ازاین‌مخازن‌سنگی دارای۱۱متر‌طول و۴/۳۰ متر‌عرض‌و۳/۳۰ متر عمق‌و۱۳عددپله‌بود که‌طول‌هر کدام ازپله‌ها ۷۰سانتی‌متروعرض آنها۲۸سانتی‌متر وبلندی‌هر یك۲۵سانتی‌متر بود .

«درقلهٔ کوه که بنام **داش‌قلعه‌سی یا دژبهمن** نامیده میشد برروی ۴ستون سنگی که درچهارطرف سطح‌فوقانی کوه قرارداشت کتیبه‌هائی برجسته‌و گودنقر شده بود ولی بمناسبت آنکه امکان‌صعودبرای‌ما میسّرنبود آقای دکتروانده‌برگ وسیلهٔ آموزش یك کوه‌نورد محلّی به فنّ عکاسی توانست از این کتیبه‌ها عکسبرداری کند .

«این‌چهارستون‌سنگی وسیلهٔ دیوارهای چینه‌أی‌اطراف ، سطح‌فوقانی کوه رابشکل‌قلعه‌درآورده‌بود . کتیبهٔ‌دیگری به‌خطّ عربی درجنوب‌این کوه برسینهٔ سنگ‌دیده میشد.

«۵ ـ سمیرم : درسمیرم ۵ میل‌سنگی(آتشکدهٔ ساسانی) بشرح‌زیربازدیدو اندازه گیری وعکسبرداری شد :

«الف ـ ۲میل‌سنگی استوانه درتنگ‌سیل(در داخل‌شهر سمیرم) با۱۴متر فاصله از همدیگر .

اندازه‌های‌این‌میلها عبارتنداز۲/۲۸ متردرازا و۰/۳۹متر‌قطر.

«این۲ میل در کنار منازل مسکونی اهالی‌قرارداشت‌و یکی‌ازآنها بدیوار خانهٔ‌یکی ازساکنین وصل‌بود.

«ب ـ ازمیل‌سنگی‌دیگری باهمین مشخّصات در ٤ کیلومتری‌جادهٔ سمیرم‌به شهرضا عکسبرداری‌شد(ش۲۹۵) این‌میل درهنگام باریدن برف که جادّه‌مشخّص نیست‌برای‌راهنمائی مسافران علامتی اطمینان‌بخش بشمار میرود.

«ج ـ در ۲ کیلومتری جنوب سمیرم یك میل دیگر که در داخل گودی خوابیده بود اندازه گیری و عکسبرداری شد. مردم سمیرم هنگام طلب باران این میل را برپا میکنند و مراسم نماز بجا میآورند و سپس آنرا بحال پیشین برمی گردانند.

«د ـ پنجمین‌میل سنگی برروی تپه‌أی طبیعی در مشرق سمیرم و در فاصلهٔ ٦ کیلومتری وجود داشت که آن نیز اندازه گیری‌وعکسبرداری شد. این‌میل‌هم زیارتگاه مردم حول وحوش بوده اطراف آن سنگهای علامت نیازبرروی زمین بتعدادزیاد نهاده‌اند.

(شمارهٔ ٦ مذکور درگزارش آقای کریمی مربوط به‌چارطاقی ومسجد ایزدخواست‌است که چون در صفحهٔ اول کتاب بمعرفی آن پرداخته است لذا از نقل این قسمت گزارش مزبور خودداری گردید).

«۷ ـ **گوشگ زرد**: پس‌از طیّ ۱۰ فرسخ ازآباده، از طریق اقلید و آب‌باریك به کوشك‌زرد رسیدیم، دراین ده که مردم بسیارفقیری دارد وآبادی کوچکی‌را تشکیل‌میدهد از سه تپّه که نمونه‌های سفال های‌پیش ازتاریخ نظیر تل‌باکون‌داشت بازدیدشد و چون خرابه های یك ساختمان سنگی بزرگ در مجاور تپّه‌ها بود (ش۲۹٦) اقدام به‌عملیّات گمانه‌زنی وخاکبرداری گردید.

« ابتدا آقای واندنبرگ تصوّر می کرد که این منطقه همان شهر **نسیا** میباشد که اسکندر پس از آتش زدن تخت جمشید به آنجا آمد و مدّتی به‌استراحت‌پرداخت.

« عملیّات خاکبرداری ابتدا از سردرب عمارت خرابه آغاز گردید و دو تخته‌سنگ بزرگ که درواقع شکل مثلّث داشتند ولی ضلع سوّم آنها کمانی ودارای‌نقوش سبك‌یونانی بصورتی بسیار زیادبود پیداشد، این‌دو سنگ بااتّصال بیکدیگر سردرب‌ورودی بنارا تشکیل میداده است،حریم‌و پایه های کلّیهٔ این

بناو تهستون‌های‌داخل بناهمه از تخته‌سنگ تراشیده بود.

«پس از آنکه‌عملیّات خاکبرداری ادامه‌یافت محلّ پایه‌های چهار برج‌در چهار گوشهٔ بنا آشکار شد.

دیوارها وسقف‌بنا از آجرهائی‌به‌ابعاد۲۵ × ۲۴ × ۵سانتی‌متر ساخته شده‌و زینت‌های اطراف‌درب‌ورودی راکاشی‌های معرّق لوزی‌شکل برنگهای زردوآبی وبنفش‌قرارداده بودند ،بطور کلی این عمارت دارای حیاطی دروسط و اطاقهائی بانضمام راهروهائی در چهارطرف بود که راهروها نیز از تخته سنگ مفروش گردیده بود.

گرچه‌این‌ساختمان‌اسلامی‌و اهالی‌نیز آنراکاروانسرای‌شاه‌عبّاسی‌مینامیدند واز آجرهای آن دیوارهای‌قلعهٔ خودرا ساخته‌بودند ولی بدون‌شک سنگهای آن مربوط به یك‌کاخ قدیمی و باستانی‌تر بود و احتمال قوی داشت که حدس آقای واندنبرگ صحیح باشد ، طول این کوشك ۵۲/۴۰ متـرو عرض‌آن ۴۸/۲۰ متر اندازه گیری‌شد ،عملیّات‌خاکبرداری‌سه‌روزطول کشید.

«درقریه‌**کولار** که‌درنزدیکی کوشک‌زرد بود خرابه‌های چنین ساختمانی وجود داشت که از تخته سنگهای آن اخیراً برای ساختن حمّـام ده استفـاده کرده بودند.

«۸- **ابرقو و هك**» : دراین منطقه‌آقای واندنبرگ ازقلعه‌ویك چهارطاق عهداسلامی بازدید و عکسبرداری نمود.

«۹ ـ **مائین (منطقهٔ ابرج)** در مائین یك کاروانسرای دورهٔ صفویّه تقریباً سالم‌باقیمانده که غیر از سنگهای سردرب (که بدون‌نقش است) بقیّهٔ بنا تقریباً شباهت‌بکاروانسرای کوشک زرددارد ، کلّیهٔ قسمت‌های این‌کاروانسرا نیز توسّط آقای‌واندنبرگ اندازه گیری‌وازجهات‌مختلف عکسبرداری شد.

«۱۰ ـ **ملك‌آباد ـ (بلوك کام‌فیروز)** دراین‌منطقه آثارساختمان یك‌سدّ قدیمی بنام **درودزن**ویك میلهٔ‌سنگی بنام‌**میل تنگ‌دختر** نزدیك‌سدّوجوددارد که دارای‌سه کتیبه میباشد ،دو کتیبهٔ آن بزبان‌عربی و کتیبهٔ سوّم بزبان فارسی‌و در

زمان ناصرالدّین‌شاه (۱۳۰۸هـ) نقرشده و مربوط بتاریخ تعمیرات سدّدرودزن و سهم آبیاری بلوك **رامجرد** و بلوك **کام‌فیروز** است، تخته‌سنگهای سدّدرودزن و میلهٔ مذکوروسیلهٔ آقای واندنبرگ اندازه گیری وعکسبرداری شد.

«۱۱- **گوشگک** - در کوشکک کوهی باسم **بانش** وجوددارد که‌دارای‌دو آستودان بسیار زیبا است بدین معنی که اطراف آستودانها باخطوط مستقیم و منکسر تزئین‌وحاشیه‌بندی شده‌است این آستودانها درمجاوریکدیگرقرارداشت. ازاین آستودانها نیزعکسبرداری شد.

«۱۲ - **گوه ایّوب** - واقع در**فالونك** که تپهٔ مجاور آن چندسال قبل توسّط آقای‌واندنبرگ حفّاری شده بود دارای یك قبردر ارتفاع زیادی بود که امکان ورود بآن‌ممکن‌نگردید، این‌قبرتقریباً براساس‌قبور سادهٔ هخامنشی ساخته شده که‌عکس آن‌نیز گرفته‌شد».

در گزارش آقای کریمی از بازدید ایشان باتفای آقای پرفسور واندنبرگ از آثار تاریخی دیگر فارس که درکوئیم وخاك ممسنی قرار دارد و همچنین از بررسیهائی که در آثار باستانی بهبهان وایذه‌و مال‌امیر صورت داده‌اند نیز اطلاعاتی مرقوم گردیده است که از این‌جمله آنچه درخاك فارس واقع میباشد درصفحات گذشتهٔ کتاب معرفی گشته است‌و آنچه مربوط به سرزمین خوزستان است دراین کتاب توضیح داده نمیشودلذا ازنقل قسمت‌های دیگرگزارش مورد ذکرخودداری مینماید.

توضیح بیشتر دربارهٔ بقعهٔ امامزاده حمزه (ع) واقع در بوانات

در صفحهٔ هشتم متن کتاب درباره اثر تاریخی **امامزاده حمزهٔ بوانات** توضیح مختصری مرقوم واشاره گردید که تاریخ مذکور در آن ۹۵۳ هجری است و چون اطلاع بیشتری نداشت و عکسی‌هم ازآن در دست نبود که مندرج گردد ناچار بذکر آنچه‌گذشت اکتفا نمود، هنگامی که صفحات این قسمت کتاب زیر چاپ بود گزارش آقای رحمت‌الله ناتوان ازکارمندان بسیار باقریحه و علاقمند ادارهٔ باستان‌شناسی فارس دربارهٔ بقعهٔ مورد ذکر همراه نامهٔ شمارهٔ ۳۳۸۱ - ۴۱/۱۲/۹ ادارهٔ نامبرده که برای تأمین نظریات ادارات کل اوقاف وباستانشناسی‌محل تاریخی مزبوررابازدید کرده بودند به‌ادارهٔ کل‌باستانشناسی‌رسیدوازراه‌معاضدت‌درتکمیل‌مطالب کتاب‌حاضر

نگارنده‌هم توفیق استفاده ازگزارش را بدست آوردم (۱) (که مانند موارد دیگر نظیر چنین موقعی موجب سپاسگزاری وامتنان‌کاملم را فراهم‌ساخته و میسازد) واینك آنچه درخور ذکردر اینمورد میشناسد از گزارش مزبور اقتباس ونقل می‌نماید :

بنای کنونی امامـزاده (۲) عبارتست از یك گنبد مدوّر (ش۲۹۷) بارتفاع تقریبی۱۶متر که سبك طاق مدوّر آن‌عیناً به‌قیصریّهٔ بازارلار شباهت دارد ،دور تادور بدنهٔ اطاق‌در فواصل معیّن کتیبه های کوچکی از خطّ کوفی تزئینی‌قرار گرفته . سه‌شاه نشین درجهات شمال وجنوب ومشرق‌واقع شده و درب ورودی رو به‌مغرب بازمی‌شود، محوّطهٔ امامزاده عبارت‌است‌ازفضای‌نسبتاً بزرگی که‌درختان چنار کهنسالی بر اُبهّت سکوت آن‌میافزاید، درب ورودی حیاط امامزاده نیز در سمت باخترقرار دارد که‌سر درآن‌فرو ریخته وتنهاقسمت جزئی از گچ‌بریهای آن باقی مانده است ، این گچ بریها یکی از نفیس‌ترین آثار هنری قرن دهم هجری‌بشمارمی‌رود ، تناسب شگرف وخوش‌حالت اسلیمی‌ها بانقوش بدیع وزنده وصحنه‌های جاندار وستیزآمیز نزاع‌شیر وآهو در کنار حالت بیخبری مرغان آوازه‌خوان علاوه براینکه حاکی‌ازچربدستی هنرکاران‌است‌بوضعی خیال‌انگیز مبیّن‌هیجانات ومظاهرروحی مردم‌درسواحل کویرمیباشد ....

«درضلع‌دست‌راست‌درب‌ورودی‌اشعاری برقطعه‌سنگی‌منقوراست که‌نصب آن بدستورمیرزا محمّدحسین وزیرصورت گرفته‌وتاریخ آن معادل بامجموع حروف ابجدی این مصرع (بحمدالله دعای خیر حاصل) یعنی سنهٔ ۱۰۷۴ میباشد . درب امامزاده نیزقدیمی بوده درقسمت بالائی آن‌آیتی‌ازقرآن بصورت برجسته مرقوم

(۱) درصفحهٔ ۸ کتاب حاضرمحل بقعه قریهٔ **باز** ذکرشده است وآقای ناتوان‌درگزارش خود قریهٔ مزبور را بنام **بزم** و **بزم‌ده** معرفی‌نموده‌اند .

(۲) در آغاز گزارش فوق ضمن ذکر تاریخچهٔ مختصر امامزاده حمزه اشاره رفته است که آن بزرگوار یکی از اولادان امام موسی‌کاظم بوده مقارن باهنگام شهادت حضرت رضا (ع) وتعقیب اولاد بنی‌هاشم از طرف فرمانروایان جابر معاصر خود ظاهراً باتفاق خواهرش‌درآبادی کنونی **بزم** در۲۲ کیلومتری سوریان (مرکز بوانات) مقتول شده یا درگذشته است و مقبرهٔ خواهر وبرادر بمسافت دویست متری‌یکدیگر قرار دارد، درپایان گزارش نیز مسافت بقعه‌رابیش از هشتاد کیلومتر خارج ازجاده بید (بطرف مشرق مایل بسمت جنوب) ذکرنموده‌اند .

گردیده است(ش۲۹۸) ، محوّطه‌ای که درب ورودی بدان منتهی می‌شود (مقصود رواق بقعه است) و بوسیلهٔ درب دیگری‌از حرم‌جدا می گردد بوسیلهٔ طاقی‌پوشیده گشته که دارای‌اشکال‌هندسی‌است و گچ‌بریهای‌بسیارزیبائی‌ازسقف‌آن فروریخته وقسمتی نیز زیر گچ‌کاری‌هـای بعدی پنهان مانده است ، گچ‌بریهای فروریخته دراطاقی قرارداده‌شد وباولیاء فرهنگ محل‌توصیه گردید که ازضایع شدن‌آنها جلوگیری‌شود تابعداً در دیوارهٔ مدخل به‌صورت مناسب‌نصب گردد . درضلع‌دست چپ درب دولنگه‌ای خاتم‌کاری ،اطاقی است که‌آنهم از آثار دوران صفوی است دروسط درب‌نوشته‌شده (عمل استادعلی بمان نجار۹۹۳) ودورتادور قسمت بالائی چارچوب باخط ثلث زیبائی اسامی‌دوازده امام کنده‌کاری شده، محجرچوبی از سه‌طرف منقّش به کنده‌کاری‌های برجسته میباشد، کـه بدستور شاه عبّاس کبیر (۹۹۴ـ۱۰۳۸)تهیّه‌شده . برروی‌درب محجر(ش۲۹۹) باخط ثلث چنین‌نوشته‌اند ، «کتبه‌الفقیر بماندعلی‌فی‌سنه الف‌وسبع»[۱] درضلع‌دیگرمحجراشعاری‌حاکی از اینکه درهنگام سلطنت‌شاه‌عباس اوّل محجر تهیه‌شده مرقوم رفته است (ش۳۰۰) ومادّه تاریخ تهیّهٔ آن‌هم سنهٔ۱۰۰۷ میباشدو چنین‌سروده شده‌است : [۲]

(۱) بطوری که از عکس در مزبور برمیآید دو لوحهٔ چوبی (تنکه) کتیبه‌دار لنگهٔ طرف چپ در محل خود کار گذارده نشده بالا وپائین‌قرار گرفته یعنی محل آنها بایکدیگرتبدیل گردیده است ضمناً نام درودگر سازندهٔ در بر لوحهٔ پائینی لنگهٔ طرف راست مرقوم رفته‌است که بواسطهٔ روشن نبودن خطوط از روی عکس تشخیص کامل آن میسر نگـردید و کلمات عمل استاد وعلی.... درآن ملاحظه می‌شود .

(۲) در حاشیهٔ باریك سه طرف بدنهٔ مستطیل شکل آلت کاری که در شکل ۳۰۰ نمودار است پنج بیت بخط نستعلیق کمی برجسته بر زمینهٔ سادهٔ چوب نگاشته‌اند کـه از روی عکس ضمیمهٔ گزارش بشرح زیرخوانده شد(آخرین بیت‌آن حاوی‌تاریخ ودرمتن گزارش‌مذکور است):

بدور سلطنت شاه عادل باذل ابوالمظفر عباس شاه عرش جناب
بلند مرتبه شاهی که‌باب‌فتح‌وظفر گشاده است برویش مفتح الابواب
غلام شاه چخانشاه (؟)ابن‌ابراهیم که هست خادم آل‌محمد و احباب
زروی‌صدق‌وصفاساخت‌این‌محجررا دراین مقام شریف ازبرای‌نیل‌ثواب
چوفیض‌لم‌یزلست‌این‌تو نیز تاریخش اگرطلب کنی ازفیض‌لم‌یزل درباب

«چو فیض لم‌یزل است این‌تو نیز تاریخش اگر طلب کنی از (فیض لم یزل) دریاب»

«در دیوار غربی‌حرم نیز گچ‌بریهای زیباو خوش‌خطّی دیده میشود که نام استادکار آنرا چنین نقش نموده‌اند:

(عمل استادشمس‌الدّین بن‌عبدالحسین اصفهانی بنّا)

«گچ‌بری جرزهای‌یکی ازشاه‌نشین‌های داخل‌حرم نیزمؤیّد اینست که‌قبل از پادشاهی شاه‌عبّاس کبیر یعنی‌دردوران سلطنت شاه‌طهماسب‌بن‌اسمعیل گچ‌بریها احداث‌شده استو بیت‌زیر تاریخ آنرا اعلام‌میدارد:

باهتمام ُهمام الانام گشت تمام بسال نهصدو پنجاه‌وسه بفتح وظفر»

آنچه از خلال قسمت‌های دیگر گزارش فوق برمیآید اشارهٔ مجدد به‌این مطلب است که مقرنس کاری‌های مدخل صحن امامزاده وتزیینات گچی سقف رواق بقعه از آثارهنری‌قابل توجه دوران صفوی بوده قسمت‌هائی از آن‌ریخته است وروی قسمت‌هائی دیگر هم‌بعداً گچ کشیده‌اند و در این باره اقدام و مراقبت لازم برای تعمیرات صحیح فنی و حفظ آثار موجود ضرورت دارد.

اطلاعاتی چند دربارهٔ برخی از آثار باستانی ناحیهٔ ممسنی

مقارن باپایان چاپ مطالب بالا ضمن مرور یادداشتهای کوتاه واجمالی مستخرج از کتاب باستان شناسی در ایران ـ تألیف پرفسور واندنبرگ ـ که سابقاً بمعرفی آن پرداخته است دریافتم که اطلاعاتی راجع به‌برخی آثار باستانی ناحیهٔ ممسنی در کتاب حاضر ناگفته مانده است وبمنظور اینکه اطلاعات مزبور نیز تاحدی گفته آمده باشد مناسب دید اطلاعات مختصر مذکور در این باره را از کتاب نامبرده نقل نماید. درصفحهٔ ۵۷ کتاب مورد ذکرچنین مرقوم رفته است:

«هرتسفلد در سال ۱۹۲٤ (۱۳۰۳ شمسی) ویرانه‌های ساختمانهای عهد عیلامی وآجرهائی را که نبشتهٔ عیلامی داشته مربوط به ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال پیش‌ازمیلاد بود درتل‌اسپید(۱) واقع درده کیلومتری مغرب فهلیان کشف نمود»

(۱) در صفحهٔ ۱۳۹ متن کتاب از اثر باستانی تل اسپید نام برده شده‌است.

در صفحهٔ ۵۸ کتاب مزبور نیز دومطلب زیر ذکر گردیده است :

«ده کیلومتر دورتر از کورانگون در درهٔ ده نو در محلّ **سرآب سیاه** سراورل‌استین بندی از عهد ساسانیان را دید(۱)»

«چند کیلومتر دورتر از دخمهٔ کوهستانی داودختر در ناحیهٔ انتهای غربی فارس و آغاز خاك خوزستان در محلّی بنام **پل برین** (Pul-i Brin) سراورل‌استین ویرانه‌های دو پل را که در رودخانهٔ **تنگ برین** فروریخته ویکی از آن دو مربوط بعهد ساسانی است کشف نمود»

مجملی از برخی آثار باستانی در خلیج فارس

در آخرین روزهای مهرماه ۱۳۴۱ ونخستین روزهای آبانماه ۱۳۴۱ برای بررسی و آشنائی بیشتر مردم ایران و دیگر علاقمندان بمطالب راجع به‌خلیج فارس ازطرف ادارهٔ کل انتشارات ورادیوی ایران جلسات سمیناری در مدت هشت روز ترتیب داده‌شد وطی سخنرانیهای مختلف ازپیشینهٔ تاریخی واوضاع طبیعی و اقتصادی‌و سیاسی ومطالب دیگر راجع به‌سواحل و جزایر خلیج نامبرده بحث‌گردیدو طبق نظر اولیای محترم ادارهٔ کل انتشارات و رادیو مقرر گردید که نگارنده نیز سخنرانی بمدت نیم ساعت دربارهٔ آثار باستانی خلیج فارس ایرادنمایدو بدین لحاظ آنچه درخور امکانات وتوانائیم برای انجام این نظریه بود فراهم‌و سخنرانی‌مزبور درجلسهٔ روز شنبهٔ ۲۸مهر ماه۱۳۴۱ ایرادگردید ضمناً در خلال بررسی کتب و منابع مورد اطلاع جهت تهیهٔ مطالب سخنرانی مورد ذکر به‌این‌نکته توجه یافت که ازجمله منابع مفید برای آشنائی واطلاع بهتر نسبت به اوضاع قدیم وآثار فارس در ادوار گذشته میتوان کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف‌لی‌سترنج G.Le Strange ترجمهٔ آقای محمود عرفان (از انتشارات بنگاه ترجمه‌و نشر کتاب شمارهٔ ۱۵ مجموعهٔ ایرانشناسی ـ چاپ تهران ۱۳۳۷) رانام برد وباملاحظهٔ فصول هفدهم وهیجدهم ونوزدهم کتاب مزبور (صفحات ۲۶۷ تا ۳۲۰) استفادهٔ شایان از این بابت حاصل نمود وهرچندگویا قرار است مجموعهٔ سخنرانی‌های سمینار خلیج فارس بصورت کتابی از طرف ادارهٔ کل انتشارات ورادیو چاپ و منتشرگردد نگارنده مناسب

(۱) در صفحات ۱۳۹ و ۱۴۰ متن کتاب اشاره به دو سد قدیمی در کوهستانهای نزدیك داودختر گردیده ضمناً در صفحهٔ ۳۹۹ ذکری از رودخانهٔ سرآب سیاه وپیدایش ظروف مسی از کف آن بعمل آمده است.

دانست سخنرانی مزبور را باحذف مطالبی که کم‌وبیش قبلا در تلوصفحات کتاب‌حاضر ذکرشده است در قسمت ذیل درج نماید تا بدین وسیله اطلاعاتی که بدین‌مناسبت دربارهٔ پیشینهٔ سواحل فارس درکنار خلیج فراهم‌آمده است نیز ضمن سایر مطالب کتاب در اختیار علاقمندان قرار گیرد، اینك به‌نقل قسمت‌هائی از سخنرانی مزبور میپردازد :

«..... شهر بوشهر طبق آنچه در کتاب «ایران از آغاز تااسلام» تألیف دکتر گیرشمن اشاره‌رفته درعهدسلوکی احداث گردیده‌است، نامبرده چنین‌مینویسد: «سلوکیان کمتر ازنه‌شهر درساحل خلیج‌فارس بنا نکردندو ازآن جمله است انطاکیه درپارس ـ بوشهرامروزه ـ که جانشین شهر کهن عیلامی گردید.(۱)

در کتب عهداسلام نخستین کسی که از **بوشهر** نام‌برده **یاقوت** است که در کتاب معجم البلدان (قرن هفتم هجری) نام این محل را **بوشهر** ذکر نموده است.

چون سواحل‌خلیج فارس را ازشبه‌جزیرهٔ بوشهربجانب شمال‌غربی بپیمایند به‌ترتیب از محلّ های بندرگاه های قدیم **گناوه** (معرّب آن‌جَنّابهْ)وشینیز یا **سینیز** درمحل **بندر دیلم** کنونی و **مهروبان** و **هندیجان** می گذرند.

بندر گناوه درجانب شمال‌غربی **بندر ریگ** است که‌محاذی‌**جزیرهٔ‌خارك** بوده مسافت‌مستقیم ساحل‌خلیج ازبندر ریگ تاجزیرهٔ مزبورقریب سی کیلومتر و نزدیك‌ترین نقطهٔ ساحل بآن جزیره است ـ **یاقوت** که **خارك** را دیده است مینویسد که از ارتفاعات آنجا **جنّابه** و **مهروبان** را که هردو درساحل ولایت **ارّجان** واقع‌اند میتوان‌دید.

بگفتهٔ **لسترنج** ویرانه‌های **گناوه‌قدیم** نزدیك دهانهٔ رودخانه‌ای که در نزدیکی **بندرگناوه** بخلیج فارس میریزد واقع است (۲)دربارهٔ **سینیز** یا **شینیز** که‌محلّ آن گویا نزدیك‌**بندردیلم** کنونی‌است **اصطخری** درقرن چهارم هجری

(۱) کتاب ایران ازآغاز تا اسلام تألیف دکتر گیرشمن ترجمهٔ دکتر محمد معین از انتشارات بنگاه ترجمه ونشر کتاب ـ شمارهٔ۱مجموعهٔ ایرانشناسی چاپ طهران۱۳۳۶ـص۲۲۲

(۲) کتاب سرزمینهای‌خلافت شرقی‌صفحهٔ ۲۹۵.

مینویسد که شهری بزرگ بوده در کنار خوری واقع گردیده است و تا دریا نیم فرسخ فاصله دارد ، **مقدسی** اشاره نموده است که مسجد و دار الاماره و بازارهای بسیار معمور دارد وبنا بر گفتهٔ **یاقوت** درسال ۳۲۱ قرمطی‌ها آنجارا تصرّف کرده مردم آنرا کشتند وشهر را چنان ویران ساختند که جز اندکی از آن باقی نماند ولی فارسنامه درقرن ششم وحمدالله مستوفی درقرن هشتم آنجارا شهری آباد معرفی کرده و اشاره نموده‌اند که کتان در آنجاهم کاشته وهم بافته می‌شود و آن بندر درپناه قلعه‌ای است.

بندر مهروبان درنزدیك مرز غربی خاك فارس واقع و نخستین بندری بود که وقتی کشتی‌ها از بصره و مصب شط العرب بعزم هند بیرون میآمدند بآنجا میرسیدند وبندرمهم **ارّجان (ارگان)** که نام ناحیهٔ مهم شمال غربی فارس بود بشمار میرفت ودرقرن چهارم هجری شهرمعمور بودو مسجدی خوب و بازارهائی آباد داشت - **ناصر خسرو** درسال ۴۴۳ هجری بندر مهروبان را دیده است ودربارهٔ آن چنین می گوید :

«شهری بزرگ است برلب دریا نهاده برجانب شرقی و بازاری بزرگ دارد وجامعی نیکو امّا آب ایشان ازباران بود وغیر از آب باران چاه وکاریز نبود که آب شیرین دهد، ایشان را حوض‌ها و آبگیرها باشد که هرگز تنگی آب نبودو در آنجا سه کاروانسرای بزرگ ساخته‌اند هریك از آن چون حصاریست محکم و عالی و درمسجد آدینهٔ آنجا برمنبر نام **یعقوب لیث** دیدم نوشته پرسیدم ازیکی که حال چگونه بوده است گفت که یعقوب لیث تا این شهر گرفته بودولیکن دیگر هیچ امیرخراسان را آن قوّت نبوده است ودر این تاریخ که من آنجا رسیدم این شهر بدست پسران **اباکالنجار** بود که **ملك پارس** بود وخواربار این شهر از شهرها وولایتها برند که آنجا بجز ماهی چیزی نباشد »(۱).

(۱) نقل از کتاب سرزمین های خلافت شرقی ص ۲۹۴/۵ ، ضمناً دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی معتقدهستند که بندر مهروبان نزدیك بندر دیلم کنونی واقع بوده است.

درباره‌ٔ **ریشهر** واقع در انتهای غربی خاك فارس (۱) مناسب میداند چندسطری را که در کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی نگاشته شده‌است عیناً نقل نماید : «اهمیّت ریشهر تازمان سلجوقیان پایدار ماند وفارسنامهٔ **ابن‌بلخی** ازقلعهٔ آن ذکری بمیان آورده گوید آنجا کشتی میسازند بگفتهٔ **حمدالله مستوفی** ایرانیان آن‌را **«بربیان»** می گفتند واسم اصلی ریشهر بوده است وداد وستد مردم آن شهر بابنادر خلیج‌فارس بسیار بوده «وهوائی‌بسیار گرم‌ومتعفّن‌دارد حاصلش غلّه وخرما و کتان ریشهری بود وبتابستان بیشتر مردم آنجابقلعه‌ها بروندازبهرخوشی‌وهواواز آنجا **بدزکلات** یك‌فرسنگ است» وبطوری که گفتیم ازقلاع اسماعیلیّه بوده است. نزدیك ریشهر **هندیجان** شهر و ولایتی در ساحل سفلای رودخانهٔ **ارجان** است. **مقدسی** گوید **هندیجان** یا **هندوان** بازاری بزرگ برای فروش ماهی است ومسجدی زیبا دارد. در ولایت هندیجان بقایای آتشکده وآسیاب های کهنه وجود داشت و گفته میشد که در آنجا مثل مصر گنج هائی در زیر زمین مدفون است. **قزوینی** گوید درآنجا چاهی است که‌از آن بخاری سمّی بیرون می‌آید و هر گاه پرنده‌ای از بالای آن چاه پرواز کند در آن فرو میافتد و میمیرد.» (۲)

درجای دیگر همین کتاب(۳) درباره‌ٔ نام **بندرگناوه** اشاره میکند که«ایرانیان آنرا **کنفه** یا **آب‌گنده** می‌نامند زیرا آب آنجا چرکین‌است» ـ تصوّرمیرود مسموم بودن بخارچاه هندیجان مذکوردر کتاب حمدالله مستوفی وچرکین بودن آب دربندگناوه ازقدیم‌الایّام ازجمله آثار وجود منابع نفت در آن‌نواحی‌باشد.

اثر باستانی مهمّ دیگر خلیج فارس که در اواسط کرانهٔ شمالی‌آن قرار دارد محلّ‌بندر **سیراف** نزدیك **بندرطاهری** کنونی بشمارمیرود که‌درعهدساسانیان‌و قرون اوّلیّهٔ اسلامی‌دارای اهمیّت‌و موقعیّت برجسته و شهرت فراوان بوده‌است،

(۱) محل‌آن بمسافت مختصری درشمال بندر معشور بوده‌غیر از ویرانه‌های ریشهر واقع درشبه‌جزیرهٔ بوشهر است.

(۲) کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۹۲/۳.

(۳) همان کتاب صفحهٔ ۲۹۵.

بقایای جادهٔ سنگی عهدساسانی که از **فیروزآباد** به **بندر سیراف** میرفته از **کنارسیاه** و **دهرام** و **میان‌دشت** و **دزگاه** و **جم** می گذشته به بندرطاهری کنونی یابندر سیراف قدیم منتهی می گردیده است ، ضمن راههای سیراف بداخل فارس در کتب مسالك الممالك اشاره شده‌است و درزمستان سال۱۳۳۸هم ضمن مسافرت دانشمند بلژیکی پرفسور واندنبرگ L. Vanden Berghe مورد بررسی واقع گشت و همچنین بنای مفصّل کاروانسرای عهدساسانی و آثارو بقایای سه کاروانسرای دیگر در کنار راه مزبور از طرف پرفسّور نامبرده مشاهده و بررسی گردیده است .

جادّه و کاروانسراهای مزبوروسیلهٔ ارتباط بندرمهمّ سیراف وشاهراه بازرگانی عهدساسانی بین بندرنامبرده بافیروزآباد وسایرقسمتهای کشور شاهنشاهی ایران درعهدساسانیان بود .

برای نمودن اهمیّت آبادانی بندرسیراف که تا نیمهٔ دوّم قرن چهارم هجری ادامه‌داشته‌است نقل برخی نوشته‌های کتب قدیم که در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ذکرشده است بمورد بنظرمی‌رسد:

« **اصطخری** درقرن چهارم هجری مینویسد **سیراف** ازحیث بزرگی وجلال با **شیراز** همسری میکند ساختمانهای آنجا از چوب ساج است که از زنگبار میآورندو عمارت‌های چند طبقه دارد که مشرف بردریا ساخته شده همچنین گوید مردم سیراف در مخارج عمارت اسراف میکنند چنانکه یکی از بازرگانان برای خانهٔ خویش بیش ازسی‌هزار دینار (پانزده هزار پوند(۱)) خرج می کند . سپس گوید اهالی آنجا از تمام اهل فارس توانگرترند و کسانی هستند که ثروت آنان از شصت‌هزار هزار درهم(دو میلیون پوند(۲)) بیشتر است وهمهٔ آنرا از راه تجارت

(۱) حدود سه‌میلیون ریال.

(۲) حدودچهارصد میلیون ریال، دانشمند محترم آقای سلطانعلی شیخ‌الاسلامی(سلطانی) پس‌از ملاحظهٔ سطوربالااظهارعقیده نمودند که‌اصطخری وابن‌حوقل‌روایت می کنندبعضی‌اشخاص‌را دیدم که چهار میلیون دینار دارند که معادل دو میلیون پوند می‌شود وتسعیر شصت هزار هزار درهم بامبلغ فوق تطبیق نمی کند ومربوط بجای دیگر کتاب مؤلفین نامبرده است.

دریا بدست آورده‌اند اطراف شهر باغستان و درخت وجود ندارد و میوجات و بهترین آب‌شهر از کوهی است‌مشرف بر آن موسوم به **کوه‌جم** ودر آن کوه‌قلعه‌ای عظیم است موسوم به **سمیران**، **مقدسی** درخصوص سیراف گوید تجارت آن از **بصره** بیشتر است‌وخانه‌های آنجا بهترین خانه‌هائی است که من‌دیده‌ام‌و درسال ۳۶۶یا۳۶۸ زمین‌لرزه‌ای درآنجا وقوع یافت وهفت روز زمین را تکان می‌داد چنانکه اهل شهر بسوی دریا گریختند و اکثر خانه ها ویران و با خاك یکسان گردید (۱).

پرفسور **بازیل گری** (Basil Gray) دانشمند باستان‌شناس انگلیسی در سخنرانی مورخ یکشنبه۴۱/۲/۹ که درمؤسسهٔ باستان‌شناسی انگلیسی درطهران تحت عنوان **تأثیر تمدن ایران درچین** ایراد نمودند باین‌مطلب اشاره کردند که **سیراف**، **هرمز**و**کیش** سه‌مرکز صدور وبندر ارتباط بین **ایران وچین** بوده است و بهمین مناسبت احتمال کشف نمونه های اشیاء صادره از ایران بچین در نقاط مزبورمیرود واین‌موضوع نیزخود از جمله‌کارهائی است که‌شاید زمینهٔ تحقیقات کاوشهای‌آینده قرار گیرد بخصوص که علاوه‌بر اهمیت سیراف‌وهرمز و کیش‌از لحاظ مرکزیت‌تجارت‌ایران‌با چین‌وبالعکس‌از آنجابطوری که‌می‌دانیم‌بازرگانی ایران‌با **هندوستان** و **عربستان** و **سواحل‌بحراحمر** و**کشورهای‌آفریقای‌شرقی** نیز ازطریق همین‌نقاط‌صورت می گرفته است‌واحتمال‌پیدایش‌آثار مختلف‌هنری قدیمی کشورها ونواحی مزبورهم ضمن‌تجسسانی میرود.

«بازوال دولت آل‌بویه سیراف‌رو بویرانی‌نهاد وفارسنامهٔ **ابن‌بلخی** چنین گوید «مالی‌بسیاراز آنجا برخاستی تاآخرعهد دیلم‌هم برین‌جملت بودبعد ازآن پدران **امیرکیش** مستولی‌شدند و**جزیرهٔ‌قیس** ودیگرجزایر بدست گرفتندوآن دخل که سیراف‌را میبود بریده گشت‌و بدست‌ایشان‌افتادو**رکن‌الدوله خمارتکین** قوت رأی وتدبیر آن‌نداشت که تلافی این حال کندو بااین‌همه‌یك‌دوبار بسیراف

(۱)نقل از کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۷۸/۹ .

رفت تا کشتی های جنگی سازد وجزیرهٔ قیس ودیگر جزایر را بگیرد و هربار **امیر کیش** اورا تحفها فرستادی و کسان اورا رشوه ها دادی تا اورا باز گردانیدندی و به عاقبت چنان شد که یکی بود از جملهٔ خانان نام او **ابوالقاسم** وسیراف نیز بدست گرفت» امادر آغاز قرن هفتم هنگامی که یاقوت آنجارادیده تنها مسجد آن باستون هائی از چوب ساج برپابود وبقایای عمارتی درسمت ساحل وجودداشته ولی محلّی برای لنگر انداختن کشتی ها نداشته و سفاین ناچار به **نابند** می رفته اند. یاقوت همچنین گوید درزمان او اهل آنجاسیراف را **شیلاو** می گفتند»(۱)

نابند دماغه ایست که در انتهای شرقی **سیف** (یعنی ساحل) مقابل سیراف قرارداشته و آنرا **رأس نابند** می گویند وپس از زلزلهٔ شگفت بندرسیراف بشرح نوشتهٔ یاقوت کشتی ها نمی توانستند به بندر مزبور برسندوبطوری که دانشمندان و محققّین مختلف اظهارمیدارند قسمتهای زیادی از بندرسیراف براثر زلزله بزیر آب رفته است و طبعاً درنتیجهٔ همین قسمت بود که پس اززلزله کشتی ها نتوانند در سیراف لنگر بیندازند وناچار باشند برأس نابند بروند .

بین **بندرسیراف** و شبه جزیرهٔ **بوشهر** بندر گاه کم اهمیّتی بنام **نَجِیرَمْ** وجود داشت که مسافت آن تابوشهر درحدود نصف مسافت آن به بندرسیراف بالغ می گشت ودرزمان **مقدسی** (قرن چهارم هجری) دارای دو مسجد وبازار های خوب بوده وبر که هائی داشت که از آب باران پرمیشد.

احداث بر که ها ومخازن آب باران درسراسر سواحل جنوب ایران و درنقاط دیگر خاك فارس امری متداول بودودر کتب لغت نام این منابع آب باران **صِهریج** (جمع آن **صِهاریج**) ذکر شده است و ازاینگونه منابع آب درسواحل خلیج فارس بطور متعدّد وجود دارد و ازجملهٔ آنها در بندرلنگه منبع آب بسیار بزرگی از این نوع هست واکنون بنام **بر که** و **آب انبار** خوانده میشود.

---

(۱) نقل از کتاب سرزمین های خلافت شرقی - ص ۲۷۹ - آقای سلطانی گفتهٔ یاقوت را مبنی برذکر شیلاو بجای سیراف لهجهٔ محلی میدانند ومعتقدندکه لسترنج در اینباره درست مطلب را درك ونقل ننموده است .

آثـار قدیمی دیگری که بطور متعدّد در قسمتی ازسواحل خلیج فـارس وجود دارد ویرانه‌هـای **برجهائی** است کـه در دامنهٔ کوههـای ساحلـی خلیج ساخته بودند و برفراز آنها آتش می‌افروختند و بـرای راهنمائی کشتیها مـورد استفاده قرار میگرفته است و هم اکنون از **بندرعسلویه** در مشرق بندر طاهری (محلّ بندر سیراف) تا **بندرلنگه** وتا **بندرعباس** بقـایای اینگونه برجها باقی و پدیدار است.

ازبندر سیراف که بطرف مشرق بجانب دهانهٔ خلیج فارس بروند **جزیرهٔ کیش** برسر راه قرار دارد که خود ازمراکزمهمّ بازرگانی وآبادانی خلیج فارس بوده است. شهر قدیم **کیش** درسمت شمال این جزیره واقع شده تپّه‌های زیادی ازآثار خانه های آن وستونهای سنگی دراطراف آنها اکنون باقیمانده است وتا اواخرقرن هشتم هجری جزیرهٔ مزبور دارای شهرت زیاد بوده بعدهـا روبویرانی گذارده و **جزیرهٔ هرموز** راه ترقی وآبادی پیمود (۱).

نمونهٔ آبادی ورونق جزیرهٔ کیش را میتوان ازحکایت شیخ سعدی درکتاب گلستان گواه آورد که‌چنین مینویسد: «بازرگانی را دیدم که صدوپنجاه شتربارداشت وچهل بنده وخدمتگار شبی درجزیرهٔ کیش مرا بحجرهٔ خویش درآورد همه شب نیارمید از سخنهای پریشان گفتن که فـلان انبارم بترکستان است وفـلان بضاعت بهندوستان واین قبالـهٔ فـلان زمین است و فـلان چیزرا فلان ضمین‌گاه گفتی خاطر اسکندریه دارم که هوائی خوشست بازگفتی نـه که دریای مغـرب (۲) مشوش است سعـد یاسفری دیگر در پیش است اگرآن کرده شود بقیمت عمر خویش بگوشه‌ای بنشینم گفتم آن کـدام سفراست گفت گوگرد پارسی خواهم بردن بچین کـه شنیدم قیمتی عظیم دارد وازان جاکاسهٔ چینی بروم آرم ودیبای رومی بهند وفولاد هندی بحلب و آئینهٔ حلبی بیمن وبرد یمانی بپارس وزان پس تـرك تجارت کنم و بدکانی بنشینم ... تاآخر داستان » از این داستان بخوبی میتوان به موقعیّت و اهمیّت جزیرهٔ کیش که یکی از پایگاههای بازرگانی ایران درخلیج فـارس بوده است پی‌برد ، آثـار ویرانهٔ **قصبهٔ حریرا** که از ابنیهٔ قدیمی عهداسلام بوده نیزباقی مانده است وازستونهای

---

(۱) رسالـهٔ نظری بایران وخلیج فـارس نگارش اسمعیل نوری زاده بوشهری ـ چـاپ طهران ۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۰

(۲) یعنی دریای مدیترانه.

فرو افتادهٔ عمارات بنظر میرسد براثر زلزله خراب شده باشد ، قلعهٔ ویرانی هم درنزدیك کرانهٔ دریا وجود دارد که ظاهراً بوسیلهٔ دهلیز زیر زمینی بدریا ارتباط داشته دیوارهای آنرا ازسنگ و ساروج ساخته بودند ، در ویرانه هـای واقع در جزیرهٔ کیش ظروف سفالی وچینی وسکه‌های قدیمی بدست میآید ومساجد متعدّدی هم درانجا وجود داشته است (۱) .

جزیرهٔ هرمز درمدخل خلیج فارس نزدیك ساحل شهرستان بندرعبّاس از محلهای تاریخی مهمّ دیگرخلیج فارس بشمار میرود که بنوبهٔ خود درطول قرون متمادی حائز اهمیّت فراوان بوده است ـ ذکراین نکته مفید بنظرمیرسد که در زمان قدیم **شهرهرمز** که بنای آنرا **باردشیر بابکان** نسبت میدهند (۲) در داخل قسمتهای ساحلی خاك ایران واقع بود و اهمیّت فراوان داشت بطوریکـه درقرن چهـارم هجری هم بندر کرمان وهم بندر سیستان بود وبگفتهٔ اصطخری مسجد جامعی داشته منازل بازرگانان در روستاهائی است که دوفرسخ تاشهرمسافت دارد بعدهـا که **هرمزنو** در جزیره احداث گردید هرمز کهنه جای کیش را گرفت همانطور که کیش جای سیراف را گرفته بود ومهمترین بنادرتجارتی خلیج فارس شد درسال ۷۱۵ هجری سلطان هرموز شهر قـدیم را که در کنار دریا بود برای آنکه دزدان آنرا پیوسته مورد تاخت وتاز قرار میدادند ترك کرد وهرموز نو را در جزیرهٔ معروف به **جرون** یـا **زرون** کـه تا کرانهٔ دریـا یك فرسخ مسافت دارد بنـا نمود در پایان قرن هشتم هجـری سپاهیان **امیرتیمور** بشهرهـای ساحلـی نـزدیك هرموز کهنـه یورش آوردند و هفت قلعـه رادر آنجا تسخیر کرده همـه را سوزانیدنـد و محافظین آن قـلاع بجزیـرهٔ جرون گـریختند **شرف‌الدین علی** نـام این هفت قلعه را بدینقرار ذکـر نموده است **قلعهٔ مینا** در هرموز کهنه ـ **قلعهٔ تنگ زندان** ـ **قلعهٔ کشگك** ـ **حصارشمیل** ـ **قلعهٔ منوجان**

---

(۱) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۹۹

(۲) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۱۰۱

قلعهٔ ترزك ـ قلعهٔ تازیان(۱) **ابن خرداد به** در اواسط قرن نهم هجری جزیرهٔ نزدیك هرموز را بنام «**ارموز**» ذکر کرده است ، در کرانه‌های جزیرهٔ هرموز سکه‌های طلا یافت شده که در یك طرف آن نام **عادلشاه** وطرف دیگر اسم **جرون** نوشته شده‌است(۲).

جزیرهٔ هرمز که بشرح سابق الذّکر از قرن هشتم رونق و آبادی روزافزون یافت بتدریج ازنظر بازرگانی اهمیّت فوق‌العاده پیدا کرد و **میلتون** شاعر انگلیسی مینویسد که «در آن زمان در مشرق از راه مثل می گفتند که : اگردنیا حلقهٔ انگشتری باشد هرمز نگین‌آنست»(۳) در کتاب تمدّن ایرانی(٤) طی مقالهٔ آقای **ا. بنیفاسیو** (A·Bonifacio) (فصل نخست) در قسمتی که زیر عنوان نواحی خلیج فارس‌نوشته شده اشاره باین‌امر گردیده است که «بندرهرمز در جزیره‌ای در مدخل خلیج فارس واقع شده وتا ابتدای قرن هفدهم مرکز بازرگانی مهمّی بوده ومحصولات هندوستان وحتی خاوردور ازاین بندر داخل ایران میشده وتا ترکستان میرفته‌است» دردنبالهٔ این‌مطلب نیزچنین مینویسد : «ازقرن ۱۷ تاقرن ۱۹ **بندر عباس** که درخشکی درمقابل هرمز ساخته شده بود جای بندرهرمز را گرفت» درسال ۹۱۳ هجری مطابق ۱۵۰۷ میلادی درياسالار پرتقالی بنام **البوکرک** جزیرهٔ هرموز را پس از جنگ سختی که با فرماندار آنجا نمود متصرّف گردید ودر محلّی موسوم به **مورونا** قلعه‌ای بنا نهاد و **شاه اسمعیل‌اول** صفوی بعلّت گرفتاری‌هائی که باعثمانیان داشت باپرتقالیهامسالمت وسازش نمود تااینکه درسال ۱۰۳۱ هجری شاه عبّاس بزرگ با استفاده از کمك

(۱) کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ص ۲ـ۳٤۱

(۲) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۱۰۲

(۳) نقل از مقالهٔ قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی بخامهٔ آقای محمد اسمعیل رضوانی در مجلهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ خرداد ۱۳٤۱

(٤) از انتشارات بنگاه ترجمه ونشر کتاب ـ شمارهٔ ۱٤ مجموعهٔ ایرانشناسی تألیف چند تن از خاورشناسان ، ترجمهٔ آقای دکتر عیسی بهنام چاپ طهران ۱۳۳۷

کشتیهای انگلیسی پرتقالیها را ازجزیرهٔ مزبور بیرون راند وحکومت ایرانرا برانجا مجدداً مستقر ساخت ویرانه‌های قلعه پرتقالیها که معروف بقلعه مرنا بوده اکنون باقی و مشتمل برد وحیاط بزرگ وتعدادی زیر زمینها وانبارها و چند آب‌انبار است که درهر کدام چند ستون ساخته بودند[۱].

اکنون مناسب می‌بیند اشاره مختصری هم به آثار باستانی **جزیرهٔ بحرین** نماید:

در کتاب‌مفیدی که آقای **دکتر غلامرضا تاجبخش** تحت‌عنوان **مسئلهٔ جزایر بحرین** بزبان‌فرانسه‌تألیف‌و چاپ‌نموده‌اند (La Question des Iles Bahreïn چاپ پاریس ۱۹۶۰) ضمن بررسیهای مختلف در بارهٔ بحرین مطالبی نیز در بارهٔ پیشینهٔ آثار تاریخی آنجا درج گردیده است از جمله مینویسند که جزایر بحرین مهد تمدن بسیار قدیمی بوده سابقهٔ تمدن‌آن به‌هزارهٔ چهارم پیش از میلاد میرسد ــ در نوشته‌های **سومری** و **آشوری** و **یونانی** بنامهای مختلف **نیتوکی** Ni-Tuki **تیل‌وون** Tilvun **دیلوون** Dilvun **تیروس** Tyrus **تیلوس** Tylus **ارادوس** Aradus ذکر شده است.

کشفیات باستانشناسی‌نشان میدهد که ازهزارهٔ سوم پیش‌ازمیلاد جامعهٔ متشکلی درجزایر بحرین‌سکونت داشته‌اند (ص۲۹) پس‌ازفتح‌بابل بدست **کورش کبیر** (۵۳۹ پیش از میلاد) بحرین نیز که تحت تسلط بابل‌بود درحیطهٔ تصرف **پارس** درآمد وچون ایجاد بحریهٔ بازرگانی برای ایران ضرورت یافت جزایر بحرین پایگاه دریائی مهم‌ایران شد.

پس‌از پیروزی **اسکندر** برایران سلطهٔ‌ایران بر بحرین نیزخاتمه یافت ودر آغاز برقراری سلسلهٔ ساسانیان پادشاه بحرین بنام **ساطیرون** در قلعه‌ای مستقرشد و **اردشیر** پس‌از فتح فارس قشونی به‌بحرین فرستاد و بعداز یکسال محاصره قلعه‌بتصرف اردشیردرآمد و گنجهای‌پادشاه بحرین‌رابایران آوردند....

(۱) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۱۰۱

درآغاز قرن ششم میلادی درزمان سلطنت **انوشیروان** نیروی دریائی قابل ملاحظه‌ای ازطرف دولت ایران ترتیب داده شد که تمام حول وحوش خلیج فارس را زیر نظارت داشته باشند ودر نتیجه سواحل افریقائی **یمن وماداگاسکار** و توابع آنها بوسیلهٔ مأمورین ایرانی اداره گردید وبحرین یکی از ساتراپهای ایران شد (ص ۳۲) که یکنفر اسپهبد درآنجا استقرار یافت وپایتخت آن بنام **شیرین** یا **دارین** (Darine) نامیده شده پایگاه دریائی مهمّ ایران وبندرگاه عبور ولنگر کشتیهائی بود که ازایران عازم **سرانديب** و **افریقای غربی** بودند (ص ۳۳) .

درآغاز اسلام بحرین نخستین قسمتی از پارس بود که بتصرّف اعراب درآمد وازآن پس نیز آثار حکومت ایران درآنجا موضوع بررسیهای فراوان است که در کتاب سابق الذّکر آقای دکتر تاجبخش دربارهٔ آن بتفصیل سخن رانده‌اند و شرح دربارهٔ آن باعث اطناب کلام وتاحدّی بیرون ازموضوع بحث حاضر خواهد بود .

بنابرآنچه گذشت بخوبی معلوم میگردد که سواحل ایران درخلیج فارس وجزایر واقع درخلیج نامبرده هرکدام درطول قرون متمادی مراکز آبادانی وبازرگانی بوده است وآثار تاریخی آشکار ونهفته‌ای که مناسب باپیشینهٔ تاریخی چند هزارسالهٔ ایرانست دربردارد ویکی از وظایف آیندهٔ سازمانهای علمی وتحقیقی کشور بموازات آنچه در تجدیدآبادی واحیاء نیروهای تولیدی وافزایش سطح زندگانی وکشاورزی وبازرگانی وغیره دراین مناطق انجام میگیرد ، اجرای کاوشهای علمی وتجسسات باستانشناسی خواهد بود تا نمونه‌های هنر ویادگارهای ادوار باستانی اماکن متعدد باستانی مورد ذکر بهتر در دسترس علاقمندان وبررسیهای صاحب نظران واستفاده‌های شایستهٔ معنوی ومادی فرزندان این مرزوبوم قرار گیرد .

مختصر اشاره‌ای به آثار بندر دیّر

بندر دیّر از جمله بنادر واقع درکنار راه ساحلی است که ازبندربوشهر به‌بندر لنگه وسایر بنادر خلیج فارس میرود وقریب پنجاه کیلومتری شمال غربی بندر طاهری قرار دارد و بدینقرار چون از بندر بوشهر بجانب بندر

طاهری روند بندر دیّر بر سر راه واقع میشود.

آقای منوچهر چهره نگار ضمن نامهٔ حاوی اطلاعاتی دربارهٔ بندر دیر مینویسند که از توپهای زمان شاه عباس در مقابل ادارهٔ ژاندارمری آنجا گذارده‌اند ودارای گمرك ودفتر پست وبخشداری وفرودگاه وشعبه شرکت نفت بوده بیمارستان‌خوبی هم ازطرف جمعیت شیروخورشید سرخ در محل مزبور ساخته‌اند.

در بندر دیّر قلعهٔ قدیمی نیمه ویرانی بنام **قلعهٔ جلال‌خان حاکم هست** که آنرا مربوط بحدود دویست سال پیش میدانند واثر قابل ذکر موجود در آن برج مدوّر ساده‌ای است که ظاهراً آنرا از آجر وگچ وخاك ساخته‌اند و بدنهٔ خارجی آن بصورت ترکهای مدوّر (طرح معروف‌به‌خیاری) است (ش۳۰۱)، به مسافت چند فرسخی شمال غربی بندر دیّر نزدیك محلّ موسوم به **برد خون** نیز بقعهٔ ساده‌ای بنام **امامزاده شاه محمد** جلب نظر میکند که مشتمل بر بنای چهار گوش با پوشش مخروطی مضرّس و پلّه پلّه است و اثر قدیمی و جالب توجّه هنری بنظر نمیرسد خصوصاً که بعلّت بزرگ بودن قاعدهٔ گنبد اساساً کمتر از گنبدهای مخروطی شیوا ومتناسب موجود در نقاط مختلف خوزستان از جمله دزفول وشوش وشاه‌آباد رعایت تناسب وزیبائی را درآن نموده‌اند وبهمین دلیل از نمودن عکس آن که همراه نامهٔ آقای چهره نگار رسیده‌است صرفنظر مینماید وبقاع دیگری هم با گنبدهای مدوّر در کنار راه بردخون به **کنگان**(۱) ودر نزدیکی کنگان واقعست که آنها نیز بنامهای **شاه محمّد** یا **امامزاده محمّد** یا **شاهزاده محمّد** یا **قدمگاه علی** موسوم است وچون‌آثار تاریخی و هنری مهمّی بنظر نرسید از درج عکس آنها هم خودداری گردید.

با عرض امتنان از علاقه وهمکاری قابل ستایش آقای منوچهرچهره نگارکه بشرح بالا بمنظور همکاری بیشتردر راه این تألیف ناچیز و مقارن با پایان مطالب ضمیمهٔ کتاب مقداری عکسهای مختلف ازآثار موجود در بنادرونقاط دیگرخاك فارس جهت نگارنده ارسال فرموده‌اند چند عکسی که ازبین آنها مناسب دیده شد انتخاب گردید و بعد ازتصاویرمربوط بقسمت ضمیمهٔ کتاب ضمن اشکال ۳۰۲ ببعد ازنظرخوانندگان ارجمند میگذرد.

---

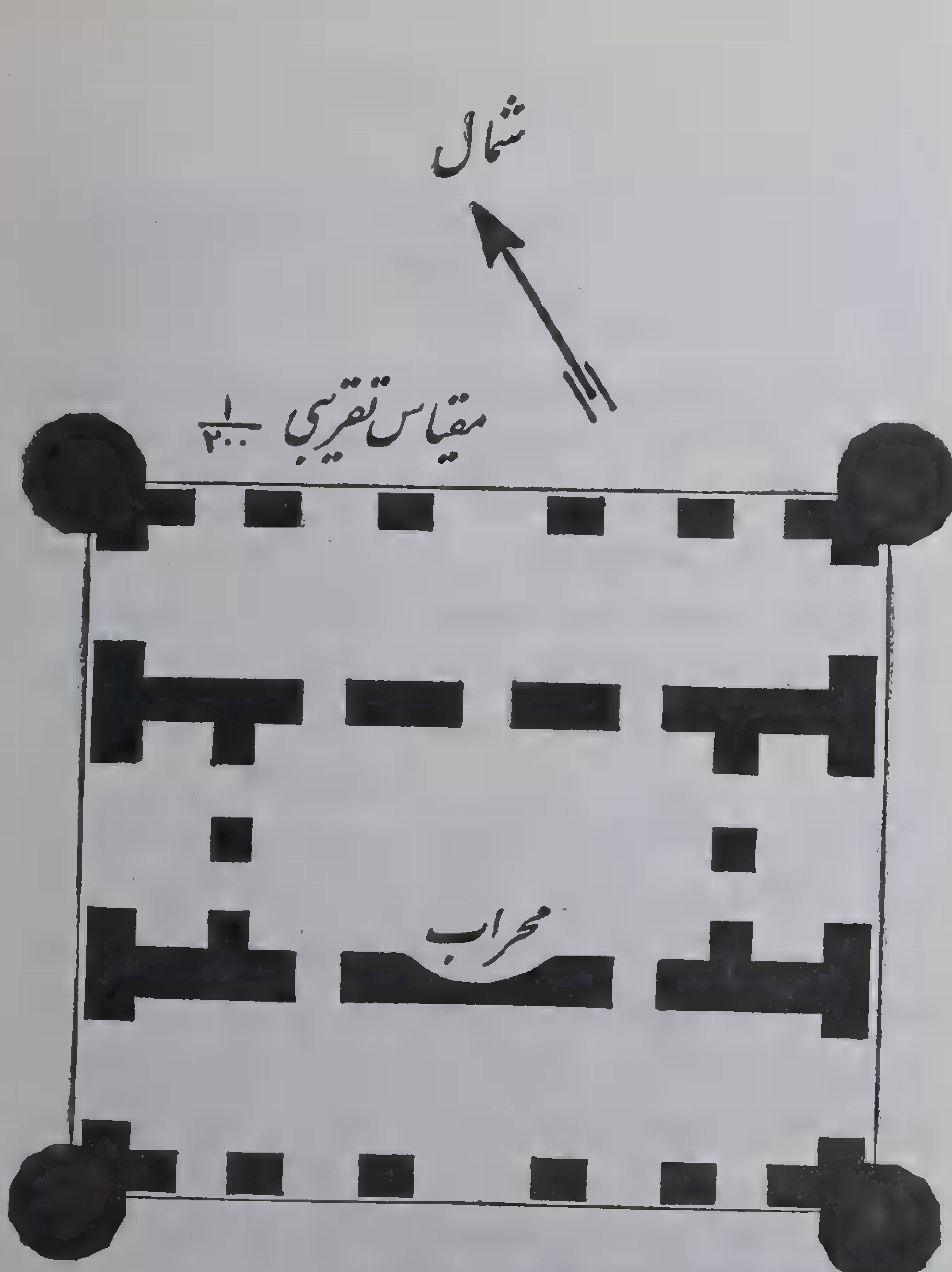
(۱) بندرکنگان بین بندر دیّر و بندرطاهری واقعست.

مطالب قسمت ضمیمهٔ کتاب **اقلیم پارس** نیز در اینجا پایان یافت لکن یقیناً معرّفی اماکن باستانی و آثار تاریخی سرزمین فارس بازهم ناتمام وناقص ماند وباهمهٔ کشش و کوششی که درراه گردآوری مطالب مربوط به‌یادگارهای قدیمی‌استان‌وسیع وتاریخی‌فارس بعمل‌آمد وباوجود مجاهدتهای ممکن‌دراین‌باره که دربرخی‌موارد چندین‌ماه وشاید بیش‌ازحدّ معقول ومورد انتظارموجب‌تأخیر اتمام کتاب گردید هنوز بسیاری آثار باستانی ناشناخته و ناگفته در سراسر آن خطّهٔ پهناورفسانه آمیزوجود دارد که نیازمند تجسّس و زحمت پویندگان آیندهٔ این‌راه درراز است وحقاً باید گفت استان فارس مانندبسیاری قسمتهای دیگر خاك میهن گرامی‌ماازلحاظ دربرداشتن‌آثارنهفتهٔ تمدّنهای باستانی وبقایای‌آشکار یادگارهای ادوارمختلف تاریخی‌همانند دریائی است که دست یابی به کرانهٔ آن نه امری سهل وساده خواهد بود.

نگارنده آرزو دارد جوانان علاقه‌مند ومشتاقان انجام خدمات فراوانی که درراه آثار تاریخی ایران عزیز درپیش هست بخصوص سروران گرامی ازمردم دانشمند ودانش دوست فارس نارسائی کتاب حاضر وناپختگی کار نویسندهٔ آنرا باهمّت وپشتکارخود جبران فرمایند واین بنده را به‌ترنّم بیتی، ازشیخ‌اجلّ سعدی شیرازی، که هربار درپایان بعضی برنامه‌های شیوای ادبی رادیوی ایران یاد میگردد مأذون ودلخوش پسندند که میفرماید:

بپایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی
بصد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی

عکسهای مربوط به قسمت ضمیمه (اشکال ۲۸۲ تا ۳۰۱) از صفحهٔ بعد آغاز میگردد



ن۲۸۲ـ نقشهٔ مسجد جامع داراب ـ (ترسیم آقای جاوید سامی دانشجوی رشته معماری دانشکده هنرهای زیبا ، ازروی اطلاعات وعکسهائی که آقای منوچهر چهره‌نگار ازشیراز تهیه نموده وفرستاده‌اند) مربوط به‌صفحه ۴۹۳.

Fig 282 - Plan de la Mosquée DJami de Darab (17 ème siècle)

Fig 282 - Plan of the Jami Mosque at Darab (17 th cent)



Fig 284 - – ش ۲۸٤



Fig 283 - ش ۲۸۳

ش ۲۸۳ و ۲۸٤ – دوطرف ضلع جنوب غربی مسجد جامع داراب که مشتمل بر ایوان سراسری با سقف کوتاهتر از سقف شبستان است – (مناره گوشه جنوبی مسجد – طرف راست – در حدود صد سال پیش از نو ساخته شده جنبه هنری آن محفوظ نمانده است ، منارهٔ گوشه غربی – جانب چپ – بوضع اصلی پایدار و پدیدار است) – مربوط بصفحه ٤۹۳ .

Figs 283/4 - Darab : côté sud-ouest de la Mosquée Djami, (17 ème siècle)
Figs 283/4 - The south-western side of the Jami Mosque at Darab (17 th cent).



ش ۲۸۵ – دهانهٔ طرف شمال غربی ایوان جانب جنوب غربی مسجد جامع داراب – مربوط به صفحه ۴۹۳ .

Fig 285 - Darab : côté nord-ouest de l'Iwan sud-ouest de la Mosquée Djami,

Fig 285 - The North - Western side of the south-western Iwan of the Jami Mosque at Darab.



Fig 287 ش ٢٨٧

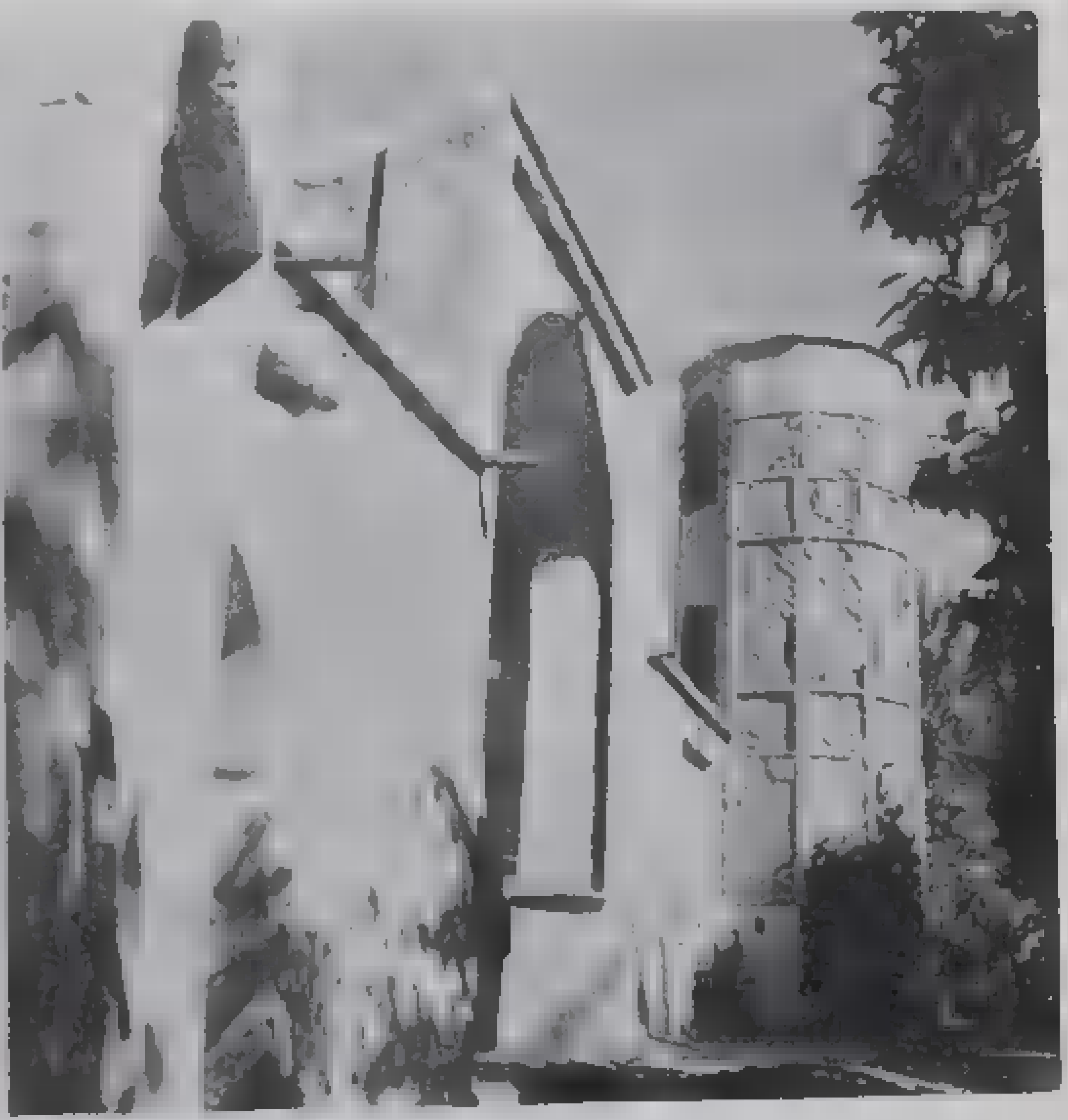


Fig 286 - ش ٢٨٦

ش ٢٨٦ – مدخل طرف جنوب شرقی مسجد جامع داراب ومنارهٔ گوشه شرقی آن مربوط به صفحات ٤ / ٤٩٣ .

ش ٢٨٧–مدخل طرف شمال غربی شبستان مسجد جامع داراب و منارهٔ گوشهٔ شمالی آن مربوط به صفحات ٤ / ٤٩٣ .

Fig 286 - Darab : l'Entrée du côté sud-est et le minaret oriental de la Mosquée Djami.

Fig 286 - The south-eastern entrance and the oriental minaret of the Jami Mosque at Darab.

Fig 287 - Darab : L'Entrée du côté nord-ouest et le minaret septentrional de la Mosquée Djami.

Fig 287 - The north-western entrance and the northern minaret of the Jami Mosque at Darab .



Fig 289 - ش ۲۸۹



Fig 288 - ش ۲۸۸

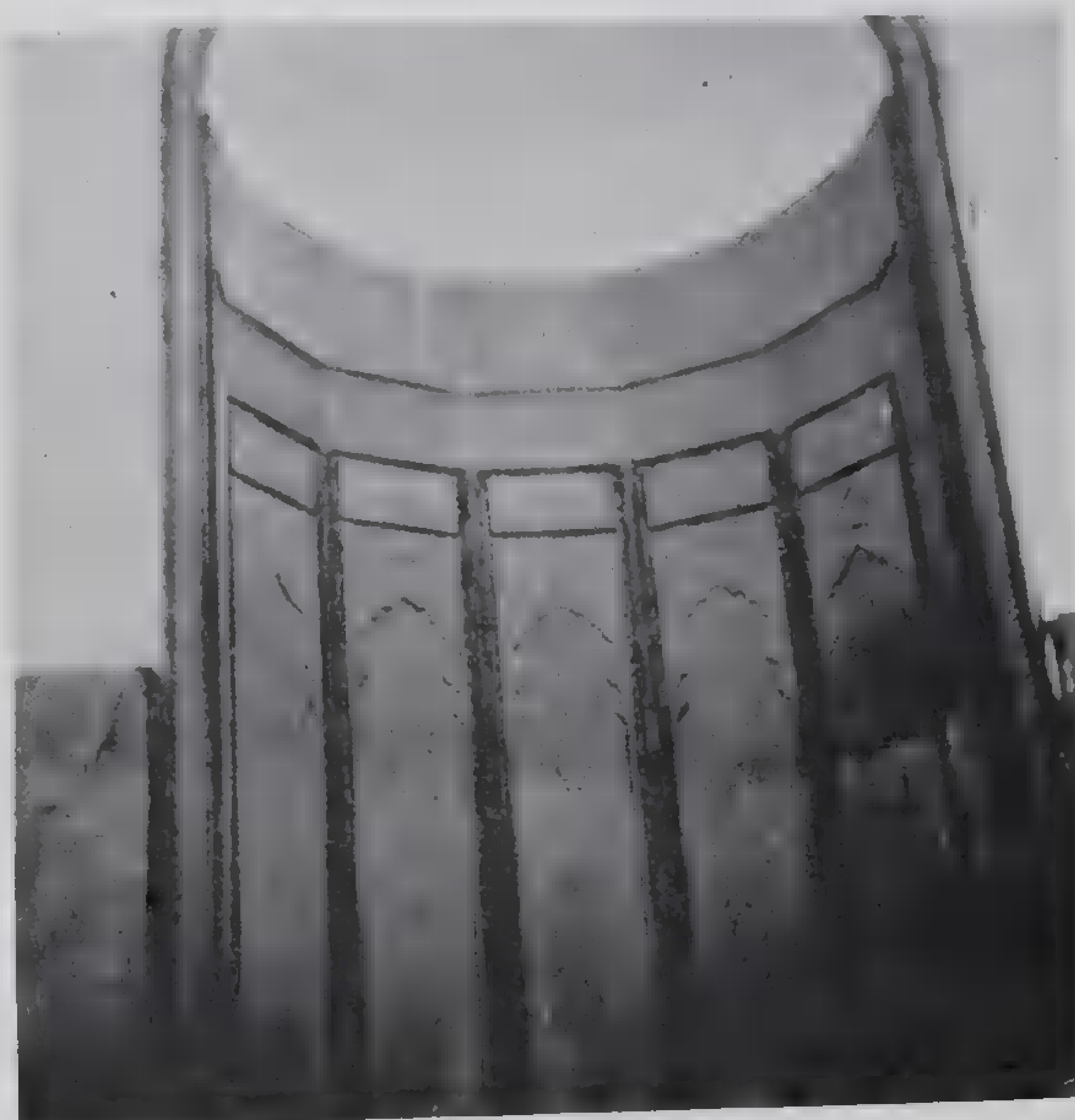
ش ۲۸۸ - قسمت بالای مناره گوشه شرقی مسجد جامع داراب - مربوط به صفحه ٤۹٤ .
ش ۲۸۹ - قسمت بالای منارهٔ گوشه غربی مسجد جامع داراب - مربوط به صفحه ٤۹٤ .

Fig 288 - Darab : partie supérieure du minaret oriental de la Mosquée Djami.

Fig 288 - The upper part of eastern minaret of the Jami Mosque at Darab.

Fig 289 - Darab, partie supérieure du minaret occidental de la Mosquée Djami.

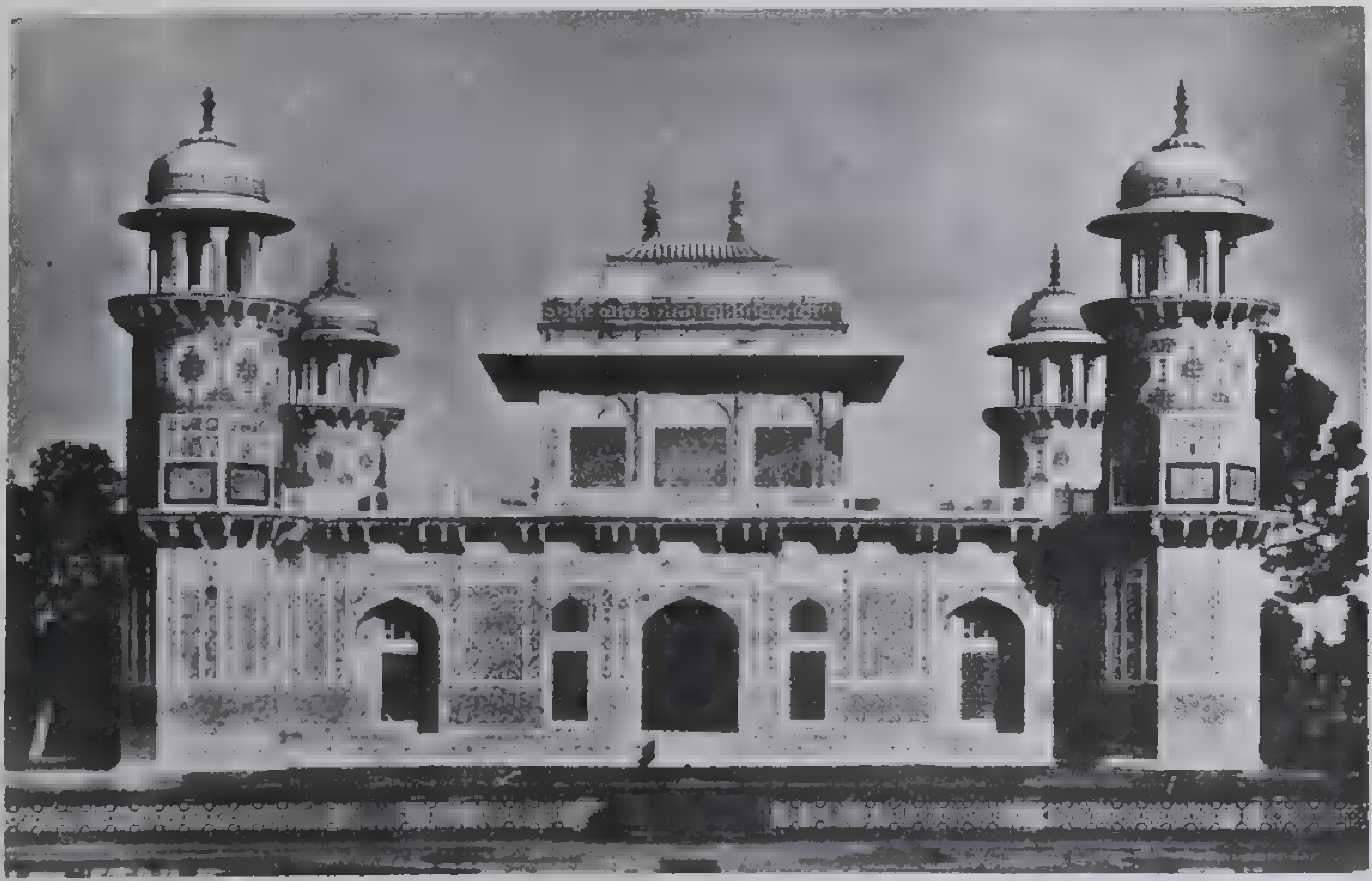
Fig 289 - The upper part of western minaret of the Jami Mosque at Darab.



ش ۲۹۰ – محراب مسجد جامع داراب – مربوط به صفحه ۲۹٤ .

Fig 290 - Darab, Mihrab de la Mosquée Djami.

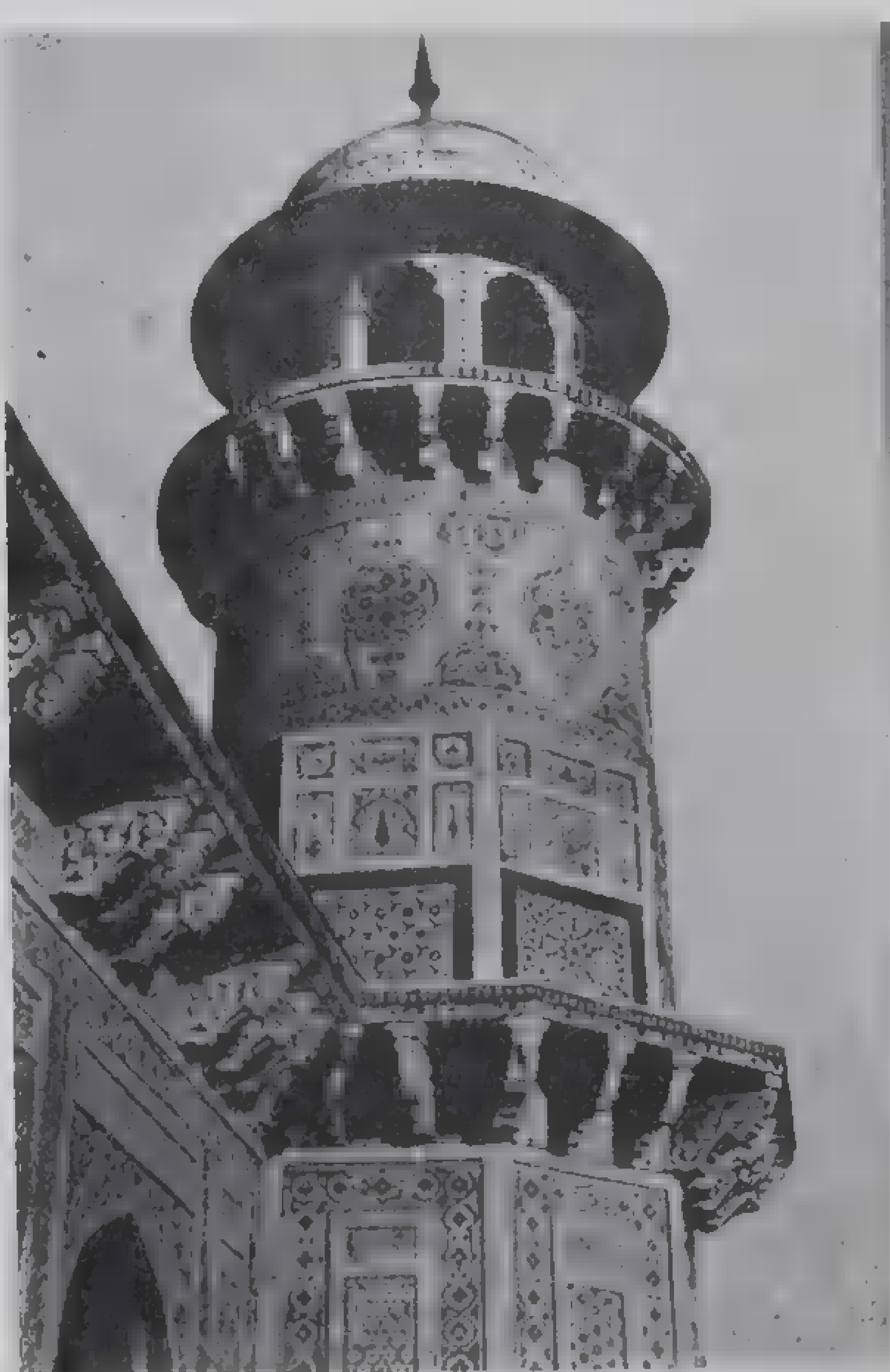
Fig 290 - The Mihrab of the Jami Mosque at Darab.



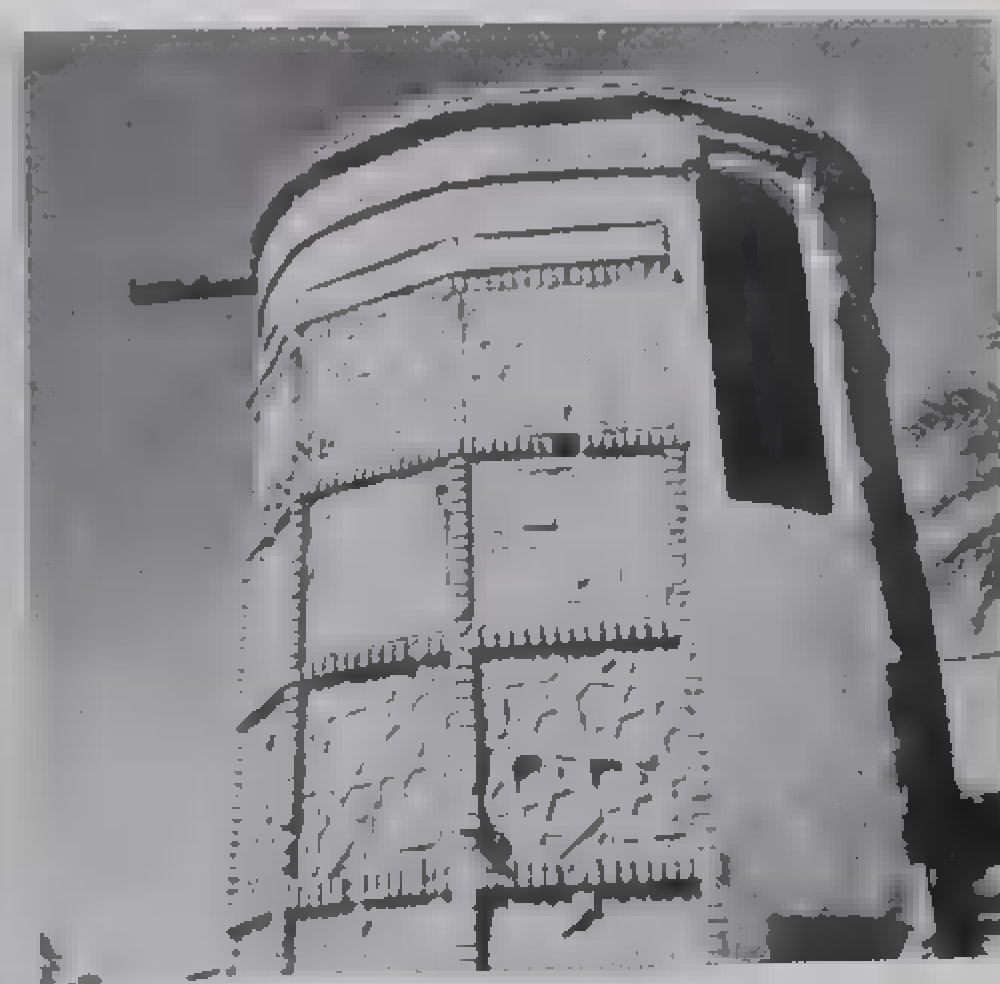
ش ۲۹۱ – آرامگاه اعتمادالدولهٔ طهرانی در آگرا (هندوستان) – عکس از آلبوم موجود در کتابخانهٔ موزهٔ ایران باستان – مربوط به صفحه ۲۹۵ .

Fig 291 - Agra (Inde) Tombeau de E. temadod - Dowleh (17 ème siècle)

Fig 291 - Itemadod - Dowleh.s tomb at Agra (India) (17 th century)



Agra - آگرا



Darab - داراب

ش ٢٩٢ – مقایسه بین نماسازی و تزئینات منارەهای آرامگاه اعتمادالدوله ومسجد جامع داراب – مربوط به صفحهٔ ٤٩٥ .

Fig 292 - Comparaison entre un Minaret du tombeau de E, temadod - Dowleh (Agra) et un Minaret de la Mosquée Djami de Darab.

Fig 292 - Comparison between a Minaret of Itemadod - Dowleh's tomb at Agra and a Minaret of the Jami Mosque at Darab.



ش ۲۹۳ – بقایای چارطاقی موك – آتشکده عهد ساسانی – عکس از پرفسور واندنبرگ مربوط به صفحهٔ ٥٠٤ .

Fig 293 - Muk (entre Shiraz et Firouzabad), le Tchahar - Taq de l'époque Sassanide.
(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 293 - Muk (between Shiraz and Firuzabad) the fire temple of the Sassanian period.
(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۹٤ – آثار قلعهٔ مختار خان نزدیك سمیرم از عهد ساسانی – عکس از پرفسور واندنبرگ – مربوط به صفحهٔ ۵۰۷ .

Fig 294 - Gal'ah-i Mukhtar Khan près de Samirum, forteresse Sassanide.

(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 294 - Gal'ah-i Mukhtar Khan near Samirum, a Sassanian fortress.

(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)

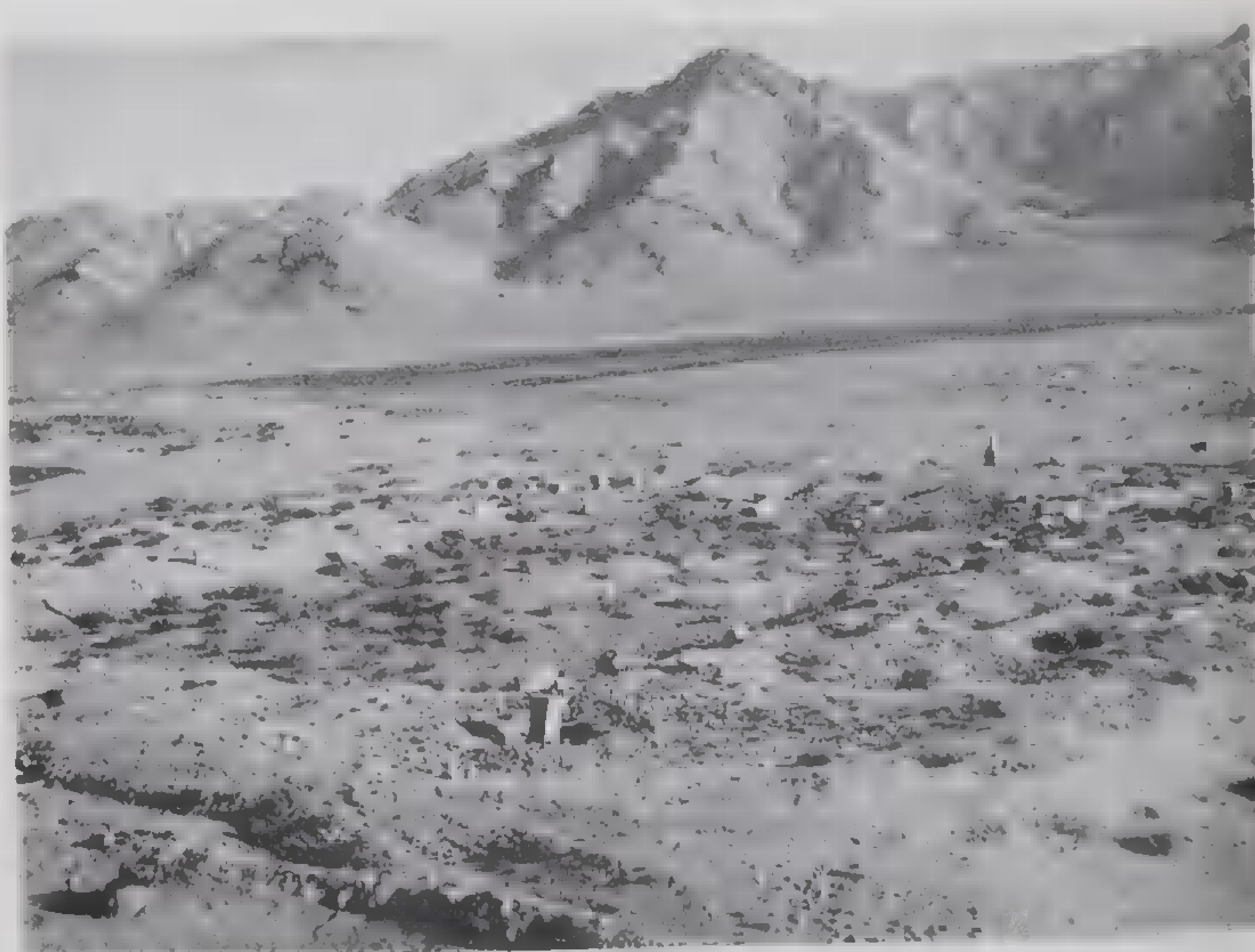


ش ۲۹۵ – پایهٔ سنگی جایگاه آتش از عهد ساسانی نزدیك سمیرم – عکس از پرفسور واندنبرگ – مربوط به صفحهٔ ۵۰۸ .

Fig 295 - Samirum, autel du feu en pierre de l'époque Sassanide. (Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 295 - A fire altar on stone, from the Sassanian period, near Samirum.

(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



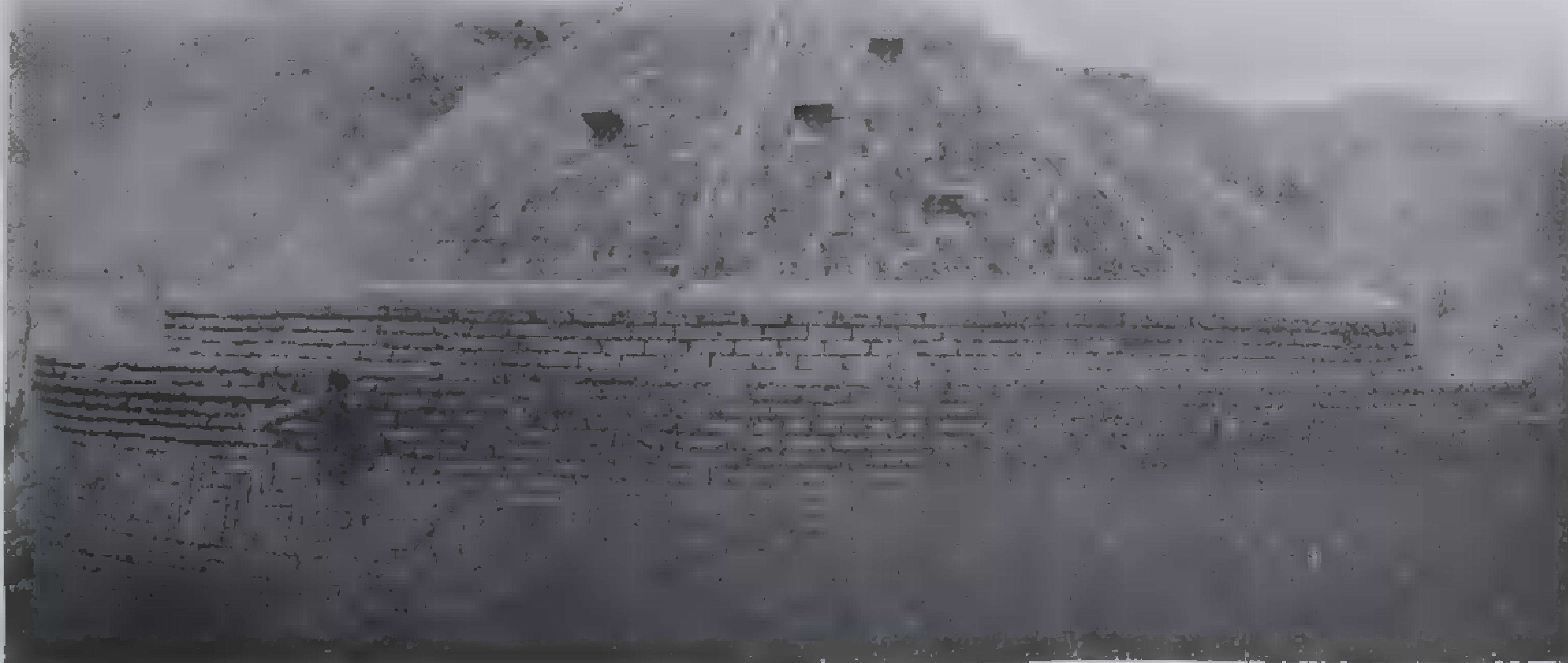
ش ۲۹۶ – ویرانه‌های کوشگ زرد پیش از خاکبرداری – عکس از
پرفسور واندنبرگ – مربوط به صفحات ۵۱۱/۱۲ .

Fig 296 - Kushk Zard (à l'ouest de Abadeh). ruines Sassanides avant le déblaiement.

(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 296 - The Sassanian ruins of Kushk Zard (west of Abadeh) before the excavation.

(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



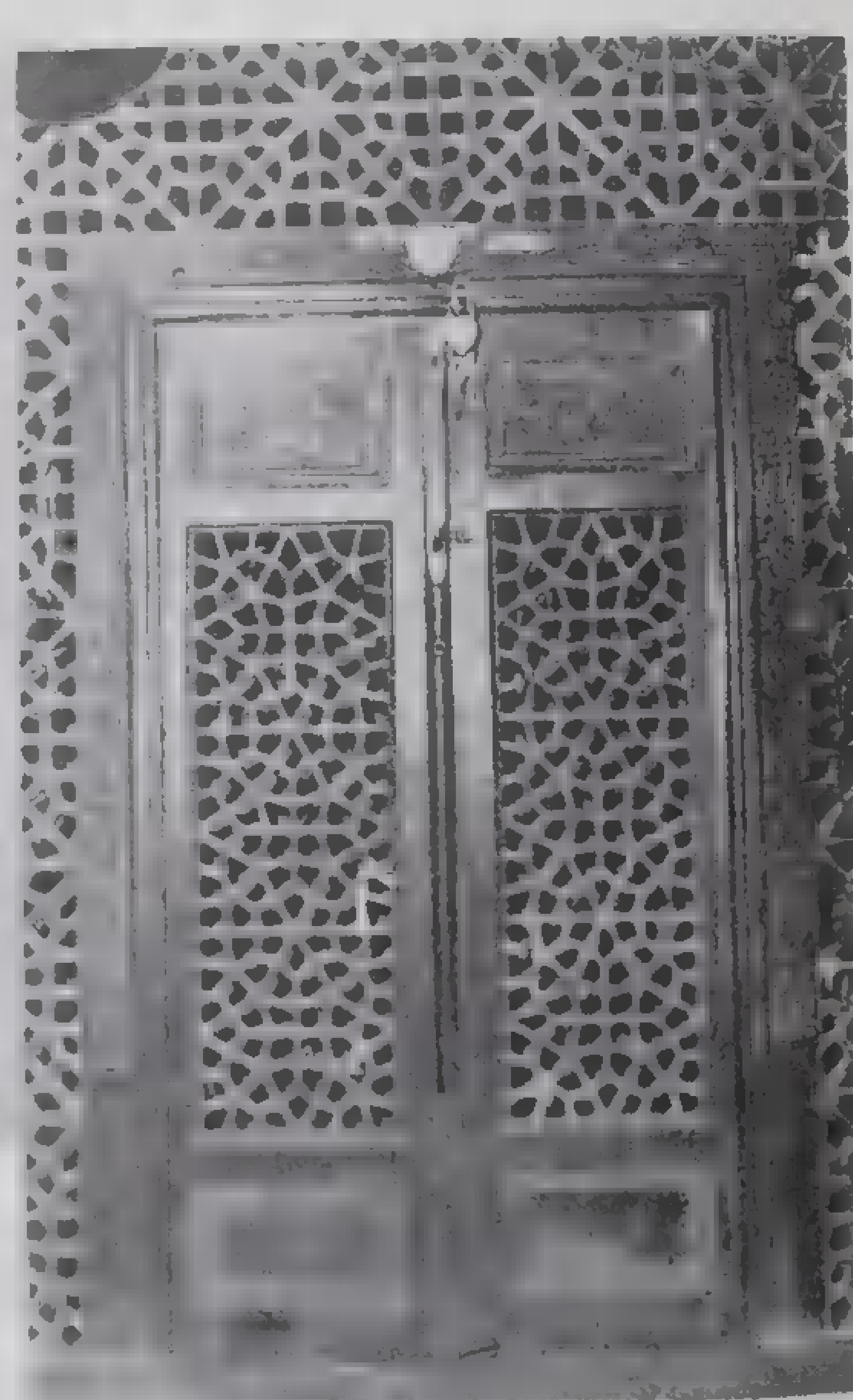


ش۸/۲۹۷ – گنبد کاشی فیروزه‌فام و درب ورودی امامزاده حمزهٔ بوانات– مربوط بصفحات ۲۰۰ ۵۱۱ .

Figs 297/8 - Bazme (Bavanat). le toit en faïence turquoise et la porte du Sanctuaire de Emamzadé Hamzeh (16 ème siècle)

Figs 297/8 - The roof of turquoise faience and the entrance door of the Sanctuary of Emam-Zade Hamzeh at Bazm (Bawant)





ش ۳۰۰ - جانب دیگر ضریح امامزاده حمزهٔ بوانات - مربوط به صفحهٔ ۵۱۲ .

ش ۲۹۹ - در منبت و آلت سازی ضریح امامزاده حمزهٔ بوانات - مربوط به صفحهٔ ۵۱۲.

Figs 299/300 - Côtés différents de la grille de Emamzadé Hamzeh à Bazme (Bavanat) (17 ème siècle)

Figs 299/300 - Different sides of the grate of Emamzadeh Hamzeh at Bazme (Bawanat) (17 th cent)



ش ۳۰۱ – قلعه جلال خان حاکم در بندر دیّر از طرف جنوب شرقی – مربوط به صفحه ۵۲۶ .

Fig 301 - Bandaré Dayer, Qalé Djalal Khan, fin du 18 ème siècle.
Fig 301 - Qale Djalal Khan, Bandare Dayer, end of 18 th cent.



ش ۳۰۲ – ضلع جنوبی عمارت معروف به‌قصر ملك دربندربوشهر (بهمنی)– مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 302 - Boushehr, Qasré Malek.
Fig 302 - Qasre Malek, Boushehr.



ش ۳۰۳ – منظر قلعه قدیمی در بندر کنگان که آنرا مربوط بحدود دویست سال پیش میدانند – (بندر کنگان بین بندر دیر و بندر طاهری واقعست) مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 303 - Kangan, vue de la vieille forteresse, fin du 18 ème siècle.

Fig 303 - View of the old fortress, Kangan, end of 18 th cent.



ش ۳۰۴ – منظری از مسجد جامع بندر عباس که بنای کنونی و مشهود آن چندان قدیمی نمینماید – مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 304 - Bandaré Abbas, la Mosquée Djami.

Fig 304 - The Djami Mosque, Bandare Abbas.



ش ۳۰۵ – منظر عمومی قلعه اژدها پیکر بر فراز تپه در کنار شهر لار – مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 305 - Lar, vue générale de la forteresse située en haut d'une colline près de la ville.

Fig 305 - General view of the fortress up hill, near Lar.



ش ۳۰۶ – یکی از آب انبارهای لار که مانند بسیاری نقاط دیگر ایران پوشش مخروطی‌ساده دارد– مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 306 - Lar, une citerne.

Fig 306 - Lar, a cistern.



ش۳۰۷- تصویر یکی‌ازبانوان بندرعباس که مانند بانوان بیشتر بنادرجنوب صورت‌خودرا با نوعی رو پوش میپوشانند - روپوش مزبور را در بندر بوشهر بتوله (بفتح با) و در بنادر دیگر برقع مینامند - مربوط به صفحهٔ ٥٢٦

Fig 307- Femme de Bandaré Abbas,

Eig 307- Woman from Bandare Abbas·

فهرست مآخذ

۱ـ آثار ایران (نشریهٔ پیشین ادارهٔ کلّ باستان شناسی ـ متن فارسی) مجلّد اوّل ـ جزء اوّل ـ چاپ طهران ۱۳۱۴ش .
۲ـ آثار تاریخی شیراز تألیف دکتر بهمن کریمی‌از انتشارات ادارهٔ کلّ باستان شناسی چاپ طهران ۱۳۲۷ش .
۳ـ آثار تاریخی مرودشت تألیف آقای علی سامی ـ چاپ شیراز ۱۳۳۱ش .
٤ـ آثار عجم تألیف فرصت‌الدّولهٔ شیرازی چاپ بمبئی محرّم ۱۳۱٤ق .
۵ـ مجلّهٔ آموزش وپرورش ـ شمارهٔ تیرماه ۱۳۲۹ش .
٦ـ مقالهٔ ارامنه درشیراز ـ اثر آقای هایك عجمیان ـ چاپ تهران ۱۹۵۸م .
۷ـ ایران از آغاز تااسلام تألیف دکتر ر. گیرشمن ترجمهٔ دکتر محمّد معین شمارهٔ ۱ مجموعهٔ ایرانشناسی (ازانتشارات بنگاه ترجمه ونشر کتاب) چاپ طهران ۱۳۳٦ش .
۸ـ ایران باستانی تألیف حسین‌پیرنیا (مشیرالدّوله) چاپ طهران ۱۳۰٦ش .
۹ـ بحث درآثار وافکار واحوال حافظ ـ تألیف دکتر قاسم غنی ـ جلد اوّل چاپ طهران ۱۳۲۱ش .
۱۰ـ بنیاد شاهنشاهی ایران ـ تألیف آقای سبکتکین سالور ـ چاپ طهران ۱۳٤۰ش .
۱۱ـ پارسی نغز ـ تألیف جناب آقای علی‌اصغر حکمت ـ چاپ طهران ۱۳۳۰ ش.
۱۲ـ برخی شماره‌های روزنامهٔ پارس شیراز .
۱۳ـ تاریخ پارس درعهد باستانی نگارش آقای علی سامی ـ انتشارات کانون پارس ـ شمارهٔ ۳ ـ چاپ شیراز ۱۳۳۳ش .
۱٤ـ تمدّن ایرانی ـ تألیف چند تن از خاورشناسان ـ ترجمهٔ دکتر عیسی

بهنام شمارهٔ ۱۴ مجموعهٔ ایرانشناسی (از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب) چاپ طهران ۱۳۳۷ش.

۱۵ـ جغرافیا واسامی دهات کشور ـ (از نشریّات ادارهٔ کلّ آمار وثبت احوال) جلد دوّم ـ چاپ طهران ۱۳۲۹ش.

۱۶ـ مجلّهٔ دانش ـ شمارهٔ ٤ ـ تیرماه ۱۳۲۸ش.

۱۷ـ دُرِّ یتیم خلیج ـ جزیرهٔ خارك ـ تألیف آقای جلال آل احمد ـ چاپ طهران ۱۳۳۹ش.

۱۸ـ نسخهٔ مدوّن درس تمدّن ساسانی ـ دانشکدهٔ ادبیّات شیراز ـ اثر آقای علی سامی.

۱۹ـ فصلی از کتاب راه سازی ـ تألیف آقای مهندس احمد حامی ـ چاپ طهران ۱۳۳۷ش.

۲۰ـ راهنمای اجمالی آثار تخت جمشید ـ تألیف سید محمّد تقی مصطفوی چاپ طهران ۱۳۳۰ش.

۲۱ـ راهنمای تخت جمشید تألیف آقای حسین بصیری ـ چاپ طهران ۱۳۲۵ش.

۲۲ـ راههای باستانی وپایتخت های قدیمی غرب ایران ـ تألیف دکتر بهمن کریمی (از انتشارات ادارهٔ کلّ باستان شناسی) چاپ طهران ـ شهریور ۱۳۲۹.

۲۳ـ سخنرانی آقای دکتر گیرشمن درحوزهٔ ایران باستان در تاریخ ۳۷/۷/۳۰ راجع بآثار تاریخی جزیرهٔ خارك.

۲٤ـ کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ـ تألیف لسترنج Le Strange ترجمهٔ آقای محمود عرفان شمارهٔ ۱۵ مجموعهٔ ایرانشناسی (از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب) چاپ طهران ۱۳۳۷ش.

۲۵ـ سفرنامهٔ فلاندن بایران ـ تألیف فلاندن و کوست ـ ترجمهٔ آقای حسین نورصادقی ـ چاپ طهران ۱۳۲۶ش.

۲۶ـ شیراز ـ تألیف آقای علی سامی چاپ شیراز بهمن ۱۳۳۷ش.

۲۷ـ مقالهٔ آقای محمّد تقی دانش پژوه دربارهٔ کتاب عجایب نامه (نقل از

مجلّهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ اوّل ـ سال سوّم ـ اردیبهشت ۱۳۳۹) .

۲۸ـ فارسنامهٔ ناصری ـ تألیف حاج میرزا حسن فسائی ـ چاپ طهران ۱۳۱۳ق .

۲۹ـ فصلی از کتاب مختصر ومفید ـ تألیف محمّد مفید مستوفی یزدی ـ قرن یازدهم هجری ـ (استخراج از فرهنگ ایران زمین ـ دفتر ۲و۳ مجلّد ٦ ـ تابستان وپائیز ۱۳۳۷) .

۳۰ـ فرهنگ جغرافیائی ایران (ازانتشارات ادارهٔ جغرافیائی ستادآرتش) جلد هفتم چاپ طهران خرداد ۱۳۳۰.

۳۱ـ رسالهٔ قندیّه ـ بکوشش آقای ایرج افشار ـ از انتشارات کتابخانهٔ طهوری ـ چاپ طهران ـ تیرماه ۱۳۳٤ش .

۳۲ـ مقالهٔ **قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی** بخامهٔ آقای محمّد اسمعیل رضوانی (نقل ازمجلّهٔ راهنمای کتاب ـ شمارهٔ خرداد ۱۳٤۱) .

۳۳ـ مقالهٔ **کاخ آپادانا** ـ بقلم آقای علی سامی (استخراج ازمجلّهٔ اطّلاعات ماهانه شمارهٔ ٦۱ ـ فروردین ۱۳۳۲ش) .

۳٤ـ گزارشهای باستان شناسی : مجلّد اوّل ـ چاپ طهران ۱۳۲۹ش .
مجلّد چهارم ـ چاپ شیراز ۱۳۳۸ش .

۳۵ـ گزارشهای مختلفی که ازطرف ادارهٔ باستانشناسی فارس وبنگاه علمی تخت جمشید وپاسارگاد وادارهٔ فرهنگ آباده وآقایان علی حاکمی ـ علی اکبر بصیری ـ علینقی بهروزی ـ فریدون تولّلی ـ محمود راد ـ پیرزاده ـ رحمت‌الله ناتوان ـ حسین کریمی ـ تقی آصفی مرقوم رفته ودرهرمورد درحاشیهٔ صفحهٔ مربوط بهر کدام اشاره گردیده است .

۳٦ـ ترجمهٔ فارسی مقالهٔ مولانا ابوالکلام آزاد (مبتنی بر تطبیق نقش بالدار پاسارگاد باذوالقرنین مذکوردرقرآن مجید) توسّط آقای ابراهیم باستانی پاریزی ـ چاپ طهران ۱۳۳۰ش .

۳۷ـ رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ـ نگارش آقای اسمعیل نوری زادهٔ

بوشهری ـ چاپ طهران ۱۳۲۳ش .

۳۸ـ وضع ملّت ودولت ودربار شاهنشاهی ساسانیان ـ تألیف پرفسور آرتور کریستنسن . Prof. A. Christensen ترجمه وتحریر آقای مجتبی مینوی چاپ طهران ۱۳۱٤ش .

۳۹ـ مجلّهٔ هنر ومردم ـ از انتشارات هنرهای زیبای کشور ـ شماره‌های ٤ و۷ و۸ (۲ـ۱۳٤۱) .

٤۰ـ تاریخ باستان شناسی ایران (بزبان انگلیسی) تألیف پرفسور هرتسلفد ـ چاپ لندن ۱۹۳٦م .

Archeological History Of Iran by E· Herzfeld - London 1936·

٤۱ـ باستان شناسی ایـران قدیم (بزبان فـرانسه) ـ تألیف پرفسورلوئـی واندنبرگ ـ چاپ لیدن ۱۹۵۹ میلادی .

Archéologie de l' Iran Ancien, Leiden 1959, Par L. Vanden Berghe·

٤۲ـ مقالهٔ آقای دکتر گیرشمن (بزبان‌فرانسه) درمجلّهٔ هنر آسیا ـ مجلّد ۱۳ـ شمارهٔ ۱و۲ چاپ سوئیس ۱۹۵۰م .

Artibus Asia Vol· XIII, No· 1 et 2· Switzerland MCML

٤۳ـ آثار ایران ـ نشریّهٔ پیشین ادارهٔ کلّ باستان شناسی (بزبان فـرانسه) چاپ هارلم .

جلد اوّل ـ مجلّد اوّل (۱۹۳٦)

جلد سوّم ـ مجلّد اوّل (۱۹۳۸)

جلد سوّم ـ مجلّد دوّم (۱۹٤۷)

ATHAR-É IRAN (ANNALES DU SERVICE ARCHÉOLOGIQUE DE l'IRAN):

TOME I-FASCICULE I HAARLEM 1936

TOME III-FASCICULE I HAARLEM 1938

TOME III-FASCICULE II HAARLEM 1947

۴۴ـ بیشاپور (بزبان فرانسه) تألیف دکتر گیرشمن ـ جلد دوّم ـ چاپ پاریس ۱۹۵۶.

Bichâpour, Vol. II, Par R. Ghirshman, Paris 1956

۴۵ـ مجلّهٔ مؤسّسهٔ فرانسوی باستان‌شناسی شرقی (بزبان فرانسه) شمارهٔ ۴۴ چاپ قاهره ۱۹۴۵م.

Bulletin de l' Institut Français d' Archéologie Orientale. T. XLIV, Le Caire 1945

۴۶ـ مقالهٔ سراورل‌استین (بزبان‌انگلیسی) درمجلّهٔ عراق‌جلد سوّم شمارهٔ۲ـ چاپ دانشگاه اکسفورد ـ انگلستان ـ حدود سال ۱۹۳۸م.

Iraq Vol. III No. 2 University press Oxford (About 1938).

۴۷ـ مجلّهٔایرانیکاآنتیکوا (ایران‌باستان) حاوی مقالات بزبانهای فرانسه وانگلیسی وآلمانی جلد اوّل ـ چاپ لیدن ۱۹۶۱.

IRANICA ANTIQVA VOLUMEN I, LEIDEN 1961.

۴۸ـ مجلّهٔ ملّی‌جغرافیائی واشنگتن (بزبان انگلیسی)شمارهٔ ۴ ـ سال۳۹ـ آوریل ۱۹۲۱.

National Geographic Magazine Volume XXXIX Number 4 April 1921

۴۹ـ پایکولی ـ جلد نخست (بزبان‌انگلیسی) ـ تألیف پرفسورهرتسفلد ـ چاپ برلن ۱۹۲۴.

PAIKULI, par E. Herzfeld, Vol. I-Berlin MCMXXIV

۵۰ـ تخت جمشید (بزبان انگلیسی) ـ تألیف دکتر اریك اشمیت ـ چاپ شیکاگو(جلد اوّل ۱۹۵۳م. ـ جلد دوّم ۱۹۵۷م.)

Persepolis, By Erick Shmidt, Chicago, Vol. I, 1953, Vol. II, 1957

۵۱ـ فهرست مصوّر شهریاران مغول هندوستان با شهبانوان ایشان (بزبان انگلیسی) چاپ دهلی (بدون سال تاریخ چاپ)

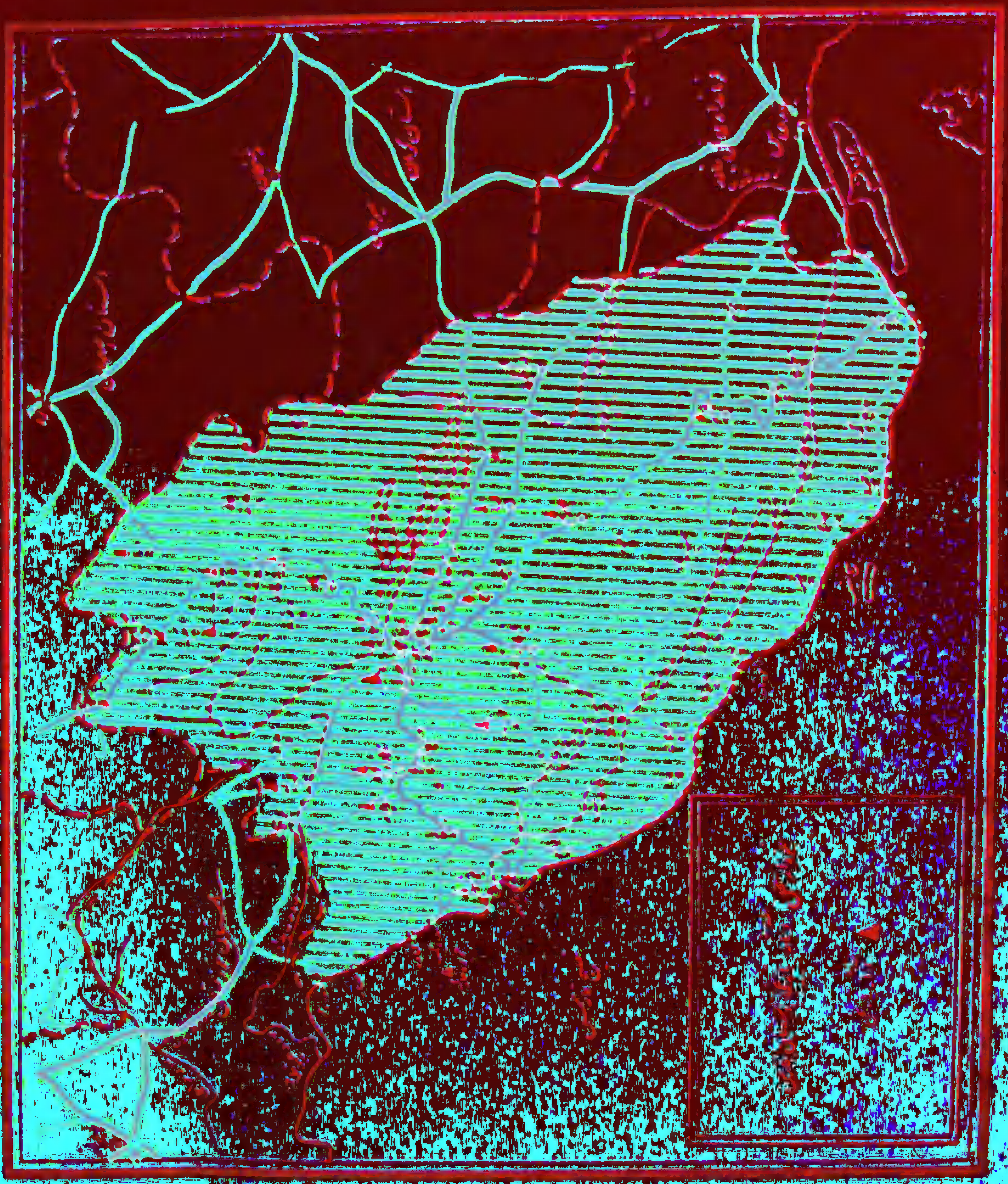
Pictorial Album Of Moghul Emperors & Empresses ...by LAL CHAND & SONS - DELHI

۵۲ـ مسافرت در گرجستان و ایران و ارمنستان و بابل قدیم (بزبان انگلیسی) تألیف ر. کرپرتر ـ جلد اوّل ـ چاپ لندن ۱۸۲۱.

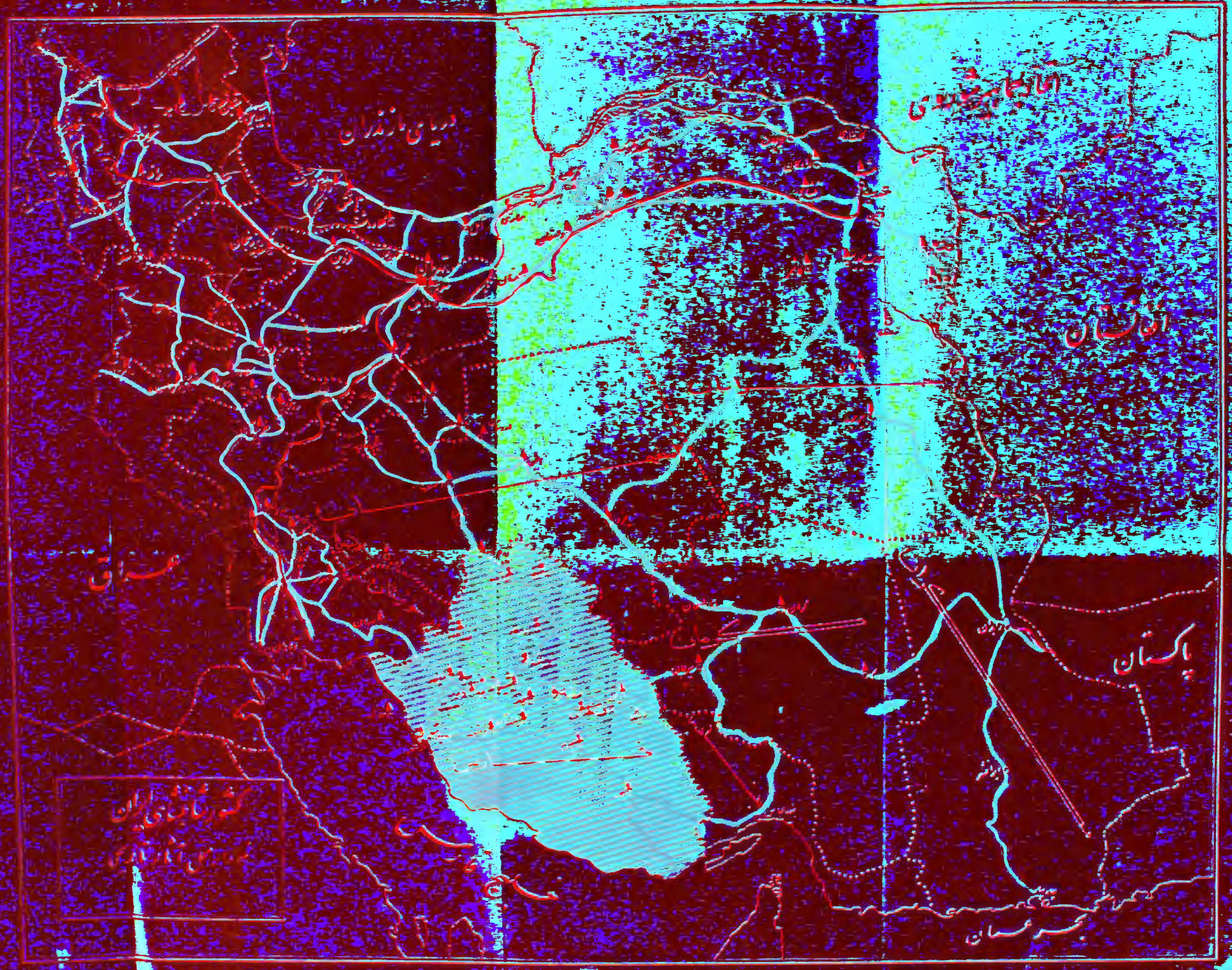
Travels in Georgia, Persia, Armenia and Ancient Babylonia by Sir Robert Ker Porter, Vol. I-London 1821.

۵۳ـ مسافرت بایران ـ ایران قدیم ـ (بزبان فرانسه) تألیف ا. فلاندن وپ. کوست ـ جلد چهارم ـ چاپ پاریس ۱۸۴۰/۴۱.

Voyage en Perse Ancienne, Par Eugéne Flandin et Pascal Coste, Tome IV. Paris 1840 - 41



BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE


دریای مازندران
افغانستان
عراق
پاکستان
بحر عمان

فهرست اعلام و اماکن

استخراج

جواد بابک

فهرست اعلام

ی

فهرست اماکن

آ

پ

ت

ر

ز

س

ش

ن

استادگرانمایه جناب‌آقای‌علی اصغرحکمت، باملاحظهٔ نسخهٔ‌کتاب، مقدمهٔ بسیارجامع وشیوائی (که همواره مورد استدعای مؤلف بود) مرحمت فرمودندکه زینت‌بخش آغازکتاب‌گردید وچاپ‌آن هم‌بناچار پس‌از پایان‌چاپ فهرست اماکن‌واعلام صورت‌پذیرفت وبهمین‌جهت‌فهرست نامهایی‌که درمقدمه‌آمده‌است دربی‌فهرستهای قبلی درپایان کتاب افزوده میشود .

ازدانشمند محترم‌آقای دکترسیدحسن سادات ناصری‌که درپاکنویس مقدمه وتنظیم فهرست نامهای آن‌دستیاری وهمکاری بسیار ارزنده بکاربسته‌اند نهایت‌سپاسگزاری را تقدیم مینماید . -

ناگفته نبایدگذارد که نامهای مذکور درمقدمه به‌پیروی از شماره‌بندی صفحات مقدمه بوسیلهٔ‌حروف ابجد شماره بندی‌گردیده است .

مهرماه ۱۳۴۳

فهرست نامهای مذکور در مقدمهٔ کتاب

به‌پیروی ازشماره بندی صفحات مقدمه ، شماره گذاری نامها نیزبوسیلهٔ حروف ابجد انجام گرفته است

(استخراج دکترسید حسن سادات ناصری)

نامهای کسان

نامهای خاندانها وگروهها وتیره‌ها

نامهای جای‌ها

نامهای نامه‌ها

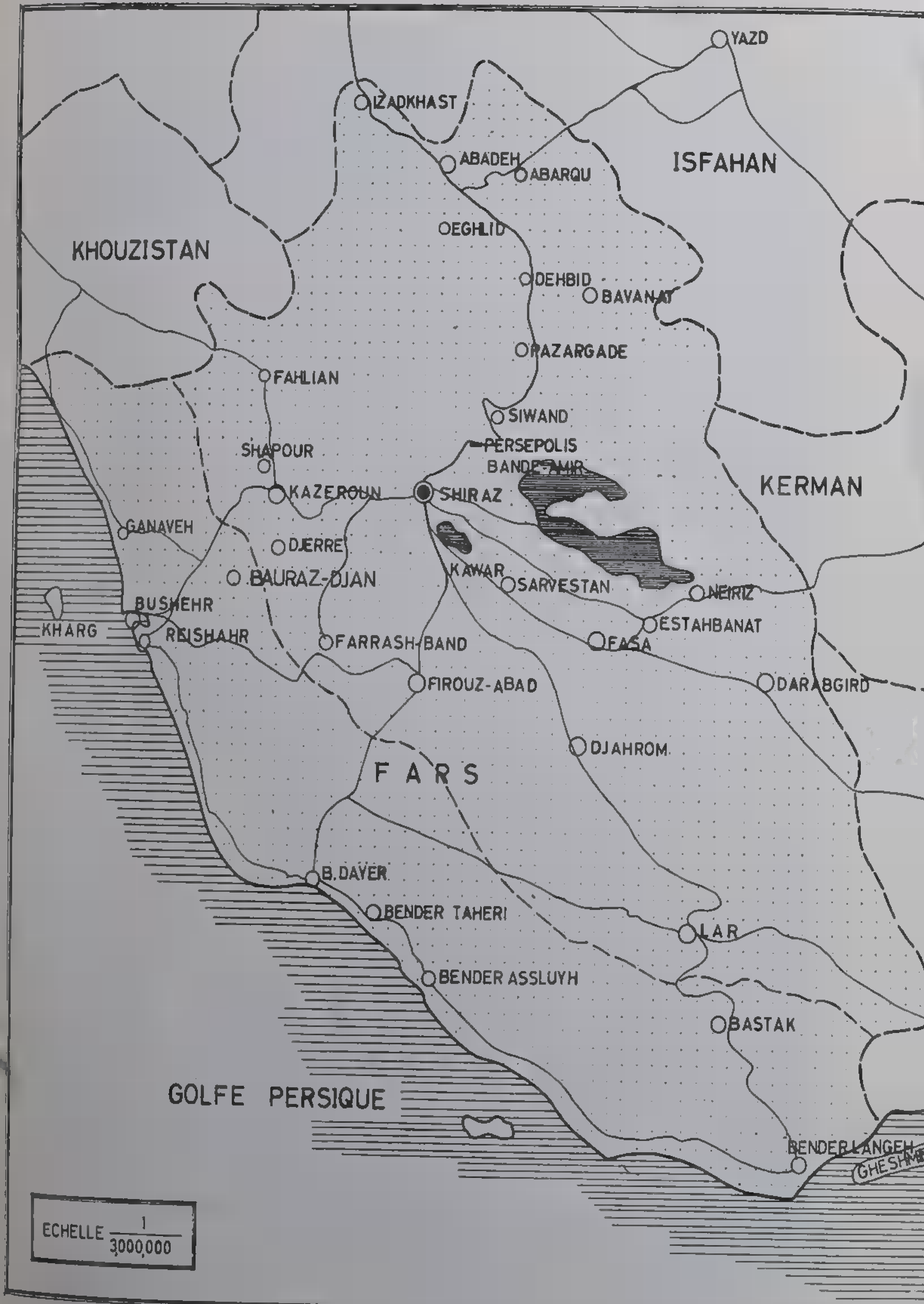
(کتب وانتشارات)

نزهة‌القلوب حمدالله مستوفی ی
نهایة الارب فی‌فنون الادب و
هدیهٔ شیراز (منظومهٔ ملک‌الشعراء بهار) لج
هزار مزار تألیف عیسی بن جنید (مزارات شیراز) یا
هفت اقلیم یب
یکسال درمیان ایرانیان (تألیف پرفسور ادوارد برون) کد

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثارملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار وابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثارملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پرفسورهرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
٤	کشف دولوح تاریخی درهمدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد- ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه در بارهٔ آثارملی وتاریخی ایران (از آقایان فروغی و هرتسفلد وهانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰۶
٦	کشف الواح تاریخی تخت‌جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن‌ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس آقای فروغی راجع بفردوسی	بهمن‌ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصردراحوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه خانم سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو در فلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	« ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (بتصحیح آقای سیدمحمدمشکوةاستاد دانشگاه)	« ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔعلائی‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقایان سید محمد مشکوة و دکترمحمدمعین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی‌ابن‌سینا (بتصحیح آقای‌سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	«
۱٤	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح‌آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه)	«
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای‌دکترمحمد معین استاد دانشگاه)	«
۱٦	رسالهٔ نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	«
۱۷	رسالهٔ درحقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات (به‌تصحیح آقای دکترموسی‌عمید استاددانشگاه)	«
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سر گذشت‌ابن‌سینا (ازآقای‌دکترغلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	—

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱۹	معراج نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	—
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	—
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب بابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	—
۲۲	ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه	—
۲۳	رسالهٔ کنوز المعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیار العقول ـ جرثقیل ـ ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال ـ الدین همایی استاد دانشگاه)	»
۲۵	رسالهٔ حی بن یقظان ابن‌سینا با ترجمهٔ شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (بتصحیح آقای هانری کربن)	»
۲۶	جشن‌نامهٔ ابن سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	»
۲۷	ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه)	»
۲۸	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	»
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگرهٔ ابن سینا)	۱۳۳٤
۳۲	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن‌سینا) (حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا)	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳٤
۳٤	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۳۵	جبر ومقابلهٔ خیام (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (بتصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدیخان (با تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰
۴۱	شرح احوال ونقل وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۳۹-۴۰
۴۲	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی اصغر حریری (باهتمام حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات وقصاید عطار باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس‌شورای‌ملی	۱۳۴۱
۴۵	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان باتصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار	۱۳۴۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم‌عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷	نادرهٔ ایام ، حکیم عمر خیام ورباعیات او (بقلم آقای اسمعیل یکانی)	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی‌فارس) تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳



Carte de province de FARS

PAR: dj. SAMI

ext, and the two supplements, will be useful for the fore-
-rs, the author has, therefore, added the explanations concerning the illustrations, in French as well as in English.

Mrs. S. Moghadam, the Director of the Library of the Archaeological Service had the kindness to collaborate in the French and English translations and Mrs. F. Mehran, the assistant director of the same Library, has typed and prepared them for printing. I sincerly and deeply thank these two helpful collegues, with whom I have worked during my directorship at the Archaeological Service.

The readers well remember that the book is in Persian, written from right to left, and consequently the numbers of the illustrations are arranged from right to left (1).

As pointed out by the explanations, the aim of this book is simply to present the Historical Monuments of Fars, without any hints concerning deep studies, and scientific work. The author expresses his apologies for the simplicity of this work, hoping that his young compatriots will do better in future and will complete this modest contribution to the Historical Monuments of Fars, as well as to the Archaeological Sites and the Historical Monuments of our beloved and ancienf Homeland — IRAN.

Tehran, January 1964

M. T. Mostafavi

(1) Several errors have slipped in the explanations of the illustrations, for which we apologise.

first Historical Site of Fars when one arrives from Isfahan to this province, Marve-Dashte is the large plain where many Historical Monuments and Archaeological Sites are located such as the magnificent Achaemenian Palaces of Persepolis.

2 - Historical Monuments of the city of Shiraz and its neighbourhoods.

3 - Historical Monuments and Archaeological Sites situated in the East and South-east regions of Fars: Kawar, Farmeshgan, Khafr, Sarvistan, Naïriz, Fa-sa, Estahbanat, Darabgird and Lar.

4 - Historical Monuments and Archaeological Sites of Firouzabad.

5 - Historical Monuments and Archaeological Sites at the western part of Fars: Kazeroun, Djerreh, Farrashband, Sarmashhad, Bishapur, Tangi-Tchowgan, Nourabad and Fahlian.

6 - Historical Monuments and Archaeological Sites of Boushihr and Kharg.

While the text and illustrations of this book were in the press—which lasted more than a year—some supplementary informations were obtained about several Historical Monuments and Archaeological Sites of Fars; the author has found it preferable to add more notes about some Monuments mentioned above, the result of which was the addition of a supplement to the book followed by additional illustrations. The same reasons necessitated a second supplement, followed also by illustrations, and so, every effort has been made in the present book to contain all possible information concerning the Historical Monuments and Archaeological Sites discovered up to now.

As the illustrations, (more than 300) of the second part

NOTE

The purpose of this publication, recommended by Andjoman Athare-Melli (The Society for protection of National Monuments) is to present the Historical Monuments and the Archaeological Sites of the province of Fars, to the Iranians (Persians).

This province is the richest and the most important province of Iran, so far as the Historical Monuments are concerned; the name of Persia for all the country, has its origin, from the name of this province.

This book contains a preface, the text, illustrations concerning the text, two supplements followed by illustrations, the bibliography and the indices.

In the preface some general informations about the Archaeological proceedings and notes about the Historical Monuments of the province of Fars are given.

The text, or the essential part of the book, is divided in six chapters as follows:

1 - Historical Monuments and Archaeological sites, from Yazd-Khaste (Izad-Khaste) to Marve-Dashte; Yazd-Khast is the

sans prétendre à une étude approfondie et scientifique. Voilà pourquoi l'auteur présente ses excuses pour la simplicité, et parfois la naïveté de ce qui a été écrit. Il espère que ses jeunes compatriotes feront mieux à l'avenir, pour compléter l'étude des Monuments Historiques du Fars, ainsi que des Sites Archéologiques et des Monuments Historiques de toute notre chère et ancienne Patrie, l'IRAN.

Téhéran, Janvier 1964.

M. T. Mostafavi

que les Sites Archéologiques du Fars, connus jusqu'à présent.

Ainsi les illustrations (au total plus de 300) publiées à la suite du texte, de même que celles des deux suppléments, ne manqueront pas d'être utiles pour les étrangers, l'auteur a suivi le conseil de Mme Ghirshman, (1) en ajoutant les explications concernant les illustrations du livre, en langue française, et pour faire mieux, ces mêmes explications sont ajoutées en anglais.

Mme S. Moghadam, Directrice de la Bibliothèque du Service Archéologique, a eu l'amabilité de collaborer pour les traductions françaises et anglaises des explications en question, et Mme F. Mehran, l'adjointe de cette même Bibliothèque, les a dactylographiées et préparées, pour pouvoir les donner à l'imprimerie ; je les remercie sincèrement et profondément pour leur aimable collaboration.

Les lecteurs savent bien que le livre est en Persan, donc se lit de droite à gauche, voilà pourquoi l'ordre des gravures se suit aussi de droite à gauche (2).

Comme on voit dans les explications, le but de ce livre, est simplement de présenter les monuments historiques du Fars,

(1) Qui travaille, depuis 1931, avec son mari le Prof. Dr. Roman Ghirshman, Directeur des Fouilles Archéologiques Françaises en Iran. L'auteur est heureux d'avoir passé de longues années en collaboration, bien amicale et sincère, et profité beaucoup des études archéologiques, approfondies, estimées et fructueuses du Prof. Ghirshman.

(2) Quelques erreurs d'impression se sont glissées dans les explications des illustrations - les lecteurs voudront bien nous excuser.

torique du Fars, quand on s'y rend par le côté nord, c'à.d par Ispahan ; la plaine de Marve-Dashte est la grande plaine où se trouvent plusieurs Monuments Historiques et Sites Archéologiques, entre autres les ruines des fameux et splendides Palais Achéménides de Persépolis, bien connus dans le monde entier.

2 - Les Monuments Historiques de la ville de Shiraz et de ses environs.

3 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques situés dans les régions Est et Sud-Est du Fars : Kawar, Farmeshgan, Khafr, Sarvistan, Neïriz, Fä-sa, Estahbanat, Darabgird et Lar.

4 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques de Firouzabad et de ses environs.

5 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques dans les régions ouest du Fars : Kazeroun, Djerreh, Farrashband, Sarmashhad, Bîchâpour, Tangi-Tchowgan, Nourabad et Fahlian.

6 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques de Boushehr et l'Ile de Kharg.

Pendant l'impression du texte et des illustrations, qui a duré plus d'un an, des renseignements supplémentaires ont été obtenus, au sujet de quelques Monuments Historiques et Sites Archéologiques du Fars ; d'autre part l'auteur a préféré ajouter des notes complémentaires pour quelques-uns des Monuments sus-mentionnés, ce qui a abouti à rédiger une partie supplémentaire pour le livre, et à la faire imprimer, suivie d'illustrations s'y rapportant ; les mêmes raisons ont été cause d'une seconde partie supplémentaire, toujours suivie de ses illustrations, et ainsi nous nous sommes efforcés de faire notre possible pour que le présent livre comprenne des renseignements concernant tous les Monuments Historiques, ainsi

NOTE

Le but de cet ouvrage, commandé par Andjouman-é Athar-é Melli (la Société pour la protection des Monuments Nationaux), est de présenter aux Iraniens (Persans) les Monuments et les Sites Historiques du Fars, la province la plus riche et la plus importante de l'Iran, au point de vue des Monuments Historiques, et d'où vient le nom de la Perse pour l'ensemble du pays.

Le livre comprend, la préface, le texte, les illustrations concernant le texte, deux suppléments suivis chacun d'illustrations, la bibliographie et les index.

Sont cités dans la préface, les renseignements généraux sur les travaux Archéologiques et des notions, plus ou moins utiles, au sujet des Monuments Historiques de la Province de Fars, ainsi que l'art de ses habitants au cours des siécles.

Le texte, partie essentielle du livre, se divise en six chapitres:

1 - Les Monumenst Historiques et les Sites Archéologiques qui se trouvent à partir de Yazdé-Khaste (Izad-Khaste), jusqu'à la plaine de Marve-Dashte; Yazdé-Khaste est le premier Site His-

انجمن آثار ملی

EGHLIMÉ PARS

La Terre de Pars **The land of Pars**

Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques de la province de Fars.

(En Persan)

The Historical Monuments and the Archaeological Sites of Fars province.

(In Persian)

par: by:

M. T. MOSTAFAVI

Tehran 1964
Taban Press

EGHLIMÉ

PARS